زبور نور
هزار و یک نکته از زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه
محمد رضا رمزی اوحدی

فصل اول

بخش ۱

امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه قبل از بعثت پیامبرخدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

بخش ۲

یاد کرد امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه در شب معراج رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

بخش ۳

امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه در قرآن کریم

بخش ۴

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام معصومین علیهم السلام

بخش ۵

امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف در کتب اهل سنت

بخش ۶

تولد امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف

فصل دوم

بخش ۱

شباهت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با انبیاء و امامان علیهم السلام

بخش ۲

آثار معنوی دعا برای فرج امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ضرورت آن

Presented by: jafrilibrary.com

بخش ۳

دلایل غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

بخش ۴

غیبت صغری و کبری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

بخش ۵

سرنوشت جامعه شیعی در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

فصل سوم

بخش ۱

مشخصات چهره و قامت نورانی امام مهدی

بخش ۲

فضیلت انتظار در عصر غیبت و روایات مربوط به آن

بخش ۳

پاداش معنوی منتظران

بخش ۴

طول عمر امام مهدی و محل زندگی امام

بخش ۵

شرائط تشرّف یافتگان

بخش ۶

امکان دیدار امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و اذکار تشرف

بخش ۷

ضرورت شناخت امام زمان(عج) و وظایف شیعیان

بخش ۸

توقیعات امام مهدی(عج)

فصل چهارم

بخش ۱

نشانه‌های دنیای قبل از ظهور (آخرالزمان)

بخش ۲

اتفاقات در کشورهای خاورمیانه قبل از ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

بخش ۳

علائم ظهور

بخش ۴

مکان و ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

بخش ۵

وقایع ظهور در مسجدالحرام

بخش ۶

هشت ماه نبرد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ظهور تا استقرار حکومت

Presented by: jafrilibrary.com

بخش ۷

استقرار و نحوه حکومت امام مهدی دنیای بعد از ظهور

بخش ۸

رجعت

Presented by: jafrilibrary.com

فصل پنجم

بخش ۱

چگونگی و نحوه عرض ادب به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

بخش ۲

خانواده امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بخش ۳

سی نفر یاران مخصوص در زمان غیبت کبری

Presented by: jafrilibrary.com

بخش ۴

معرفی و صفات ۳۱۳ یار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام ظهور

بخش ۵

توسل صراط صعود

فصل اول

بخش ۱:

امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قبل از بعثت پیامبرخدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

بخش ۲:

امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در شب معراج رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

بخش ۳:

امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در قرآن‌کریم

بخش ۴:

امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در کلام معصومین علیهم‌السلام

بخش ۵:

امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در کتب اهل سنّت

بخش ۶:

تولّد امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

بخش ۱

امام مهدی قبل از بعثت پیامبرخدا

درآمد

در ایـن فصـل قبـل از بیـان چگونگـی تولـد امـام مهـدی به احادیـث و روایاتـی کـه قبـل از تولـد حضـرت بیـان شـده بـه تفکیـک اشـاره و آنـگاه بـه نحـوه تولـد امـام پرداختـه می‌شـود، تـا واضـح شـود کـه مسـئله امـام مهـدی قبـل از تولـد آن عزیـز و حتـی قبـل از بعثـت نبی‌اکـرم در بیـن انبیـاء الهـی گذشـته مطـرح بـوده اسـت.

۱
امام مهدی قبل از بعثت پیامبرخدا

آنچـه کـه در اینجـا ذکـر آن ضـروری می‌باشـد آنسـت کـه چنـد مسـئله از قدیم‌الایـام در بیـن انبیـاء و ملت‌هـای گذشـته مطـرح بـوده اسـت از جملـه یـاد کـرد امـام مهـدی، پـاس داشـت عیـد غدیـر و شـهادت سـیدالکونین مولانـا امـام حسـین است در اینجـا بـه ایـن موضـوع اشـاره‌ای کوتـاه می‌نمایـد تـا معلـوم گـردد کـه مبحـث ظهـور منجـی نجات‌بخـش حضـرت امـام مهـدی در بیـن ادیـان و انبیـاء گذشـته بـه وضـوح مطـرح بـوده اسـت؛ در ثانـی طبـق روایـات خداونـد متعـال نـور پـاک ائمه‌اطهـار را حتـی سال‌ها قبـل از خلقـت حضـرت آدم آفریـده بـود.

۲
حضرت موسی علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ـ امام باقر علیه السلام می‌فرماید: موسی‌بن‌عمران نظری کرد و در نگاه اول آنچه را که به قائم‌آل‌محمد صلی الله علیه و آله داده می‌شود را دید لذا به خداوند عرض کرد: خداوندا! مرا قائم‌آل‌محمد صلی الله علیه و آله قرار بده.

به او وحی شد که او از نسل احمد صلی الله علیه و آله است.

او در نگاه دومش مثل همان را یافت (همان را دید).

و مجدد درخواست کرد و همان جواب را از خداوند متعال شنید.

او در نظر سوم نیز همانند آن را دید و همان گونه عرض کرد و همان را جواب شنید.[۱]

ـ در کتاب مقدس یهود در (بخش) سِفر مزامیر داوود، مزمور ۳۷ به مسئله ظهور و انتظار فرج اشاره شده است و در مکتب زرتشت و هندوها و مسیحیت و بودایی‌ها به مسئله ظهور منجی آخر و نجات‌بخش عادل به کلمات متعددی اشاره شده است که جای هیچ انکاری را باقی نمی‌گذارد و این نشان دهنده آنست که قبل از اسلام به مسئله منجی بشریت در مکاتب متعدد اشاره‌های روشن شده است.

ـ خداوند متعال در قرآن کریم آیه ۶۴ سوره مبارکه آل‌عمران می‌فرماید:

«ویکلم الناس فی المهد وکهلًا؛ یعنی: او (عیسی) در گهواره و در هنگام پیری با مردم سخن می‌گوید».

نکته مهم اینجاست: که حضرت عیسی هنگامی که به آسمان رفت ۳۰ سال داشته‌اند پس منظور از این تکلم در پیری چه وقت می‌باشد و برای این آیه نیز روایات متعددی آمده است که در عصر ظهور حضرت عیسی از آسمان فرود می‌آید و با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز می‌خواند.

۳
ذکر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در انجیل

ـ در انجیل متّی ـ اصحاح ۲۴ ص ۱۰۲ نیز به مسئله ظهور منجی اشاره شده است.

---

۱. عقد الدور، باب اول، ص ۲۶ (این دسته از روایات دلالت بر این دارد که مسئله مهدویت و ظهور عدل گستر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قبل از اسلام نیز مورد توجه بوده است و نشان می‌دهد مسئله مهدویت قبل از اسلام ریشه داشته است).

بخش ۲

یاد کرد امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در شب معراج رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

۴

یاد کرد امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در شب معراج

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: وقتی که مرا به معراج بردند صدائی شنیدم که گفت: یا محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله عرض کردم: بلی! ای خدای بزرگ!

باز شنیدم که گفته شد: یا محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله تو بنده من و من خدای تو هستم مرا عبادت کن و توکل بر من بنما.

زیرا تو در میان بندگانم، نور و فرستاده من به جانب آن‌ها و منشاء، محبّتم بر بندگانم می‌باشی، بهشت خود را برای تو و پیروان تو خلق کردم و آتش را برای مخالفین تو آفریدم...

عرض کردم: خداوندا جانشینان من کیستند؟

ندا آمد که یا محمد، جانشینان تو کسانی هستند که اسامی آن‌ها بر ساق عرش نوشته شده است در همانجا به ساق عرش نگاه کردم دوازده نور دیدم که در هر نوری سطر سبزی بود که نام هر یک از جانشینانم در آن نوشته شده بود اول آن‌ها علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام و آخر آن‌ها مهدی بود.

عرض کردم پروردگارا این‌ها بعد از من جانشینانم خواهند بود؟

ندا آمد:

که ای محمد، آری! اینان دوستان و حجتهای من بعد از تو بر بندگانم می‌باشند...

به عزت و جلالم سوگند دین خود را به وسیله آن‌ها بر اوهام بشر غالب و کلمه خود را به وسیله آن‌ها بلند می‌کنم و به وسیله آخرین آن‌ها زمین را از وجود بی‌دینان و اهل معصیت پاک می‌کنم و سلطنت شرق و غرب را به او می‌دهم و بادها را در اختیار او می‌گذارم و ابرهای سخت را برای او رام می‌گردانم.[1]

۵
نشانه‌های آخرین

عن‌ابن‌عباس عن رسول‌الله صلی الله علیه و آله فی حدیث نشانه‌های آخرین «ان اللّه اوحی الیه لیلة اسری به ان یوصی الی علی و اخبره بالائمة من ولده الی ان قال و آخر رجلٍ منهم یصلی عیسی‌بن‌مریم خلفه یملا الارض عدلاً کما ملئت جورا و ظلما انحی به من الهلکة و اهدی به من الضلالة و ابری به من الاعمی...».

ابن‌عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرد: در شب معراج مطالبی به رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی شد که باید به امام علی علیه السلام نیز خبر داده شود و همین طور به ائمه بعد از آن حضرت.

سپس فرمودند: خداوند برای آخرین آن‌ها نشانه‌هایی بیان فرمودند که عیسی‌بن‌مریم پشت سر آن امام نماز می‌خواند و زمین را پر از عدل و داد می‌کند.

چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد و بندگانم را به وسیله او (امام عصر) از هلاکت نجات می‌دهم و گمراهان را به وسیله او هدایت می‌کنم...

عرض کردم: خداوندا! آن چه وقت خواهد شد؟

خطاب شد: ای محمد!

---

۱. *نجم‌الثاقب*، ص ۱۷۵.

هرگاه که علم از میان برداشته شود و جهل و نادانی به جای آن نشیند و قرائت قرآن زیاد اما عمل به آن کم شود...شعراء زیاد شوند...[1]

۶
اسامی نقش عرش

ابن‌بابویه از امیرالمؤمنین ﷺ روایت کرده که فرمود: روزی با حسنین ﷺ و فاطمه ﷺ حضور پیغمبراکرم ﷺ در حجره ام‌سلمه همسر پیامبر ﷺ وارد شدیم در این موقع جبرئیل آمد و آیه «انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل‌البیت و یطهرکم تطهیرا» را نازل نمود آن حضرت فرمود: ای علی! این آیه در شأن تو و فاطمه ﷺ و حسنین ﷺ و ائمه از فرزندان حسین ﷺ نازل شده است.

علی ﷺ می‌فرماید: به رسول‌خدا ﷺ عرض کردم: ائمه بعد از شما چند نفر هستند؟ حضرت فرمود: دوازده نفر که اولی آن‌ها تو هستی و بعد از تو حسن و حسین ﷺ و علی فرزند حسین ﷺ... و یک به یک اسامی ایشان را بیان نمود تا حضرت حجة ﷺ سپس فرمود: اسامی تمام شما بر ساق عرش در شب معراج نوشته شده بود، پروردگار به من فرمود: این‌ها نام اوصیاء و ائمه بعد از تو می‌باشد همه ایشان پاک و پاکیزه و معصوم هستند و دشمنان آن‌ها ملعونند.[2]

۷
خوشا به حال دوستداران اهل‌بیت ﷺ

ابوایوب انصاری نقل کرده که از رسول‌خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

در شب معراج دیدم بر ساق عرش نوشته بود: «لااله الاالله، محمد رسول‌الله، ایدته بعلی و نصرته به».

سپس در ادامه این چنین نوشته شده بود: «الحسن والحسین وعلی ومحمد.... والحسن والحجة».

---

۱. *اثباة‌الهداة*، ج ۷، ص ۳۹۰.
۲. *تفسیر جامع*، ج ۵.

آنگاه رسول خدا فرمود که به خدای بزرگ عرض کردم الهی اینان چه کسانی هستند؟

وحی شد:

این‌ها اوصیاء تو هستند بعد از تو «فطوبی لمحبیهم والویل المبغضبهم» پس خوشا به حال دوستداران و پیروان اوصیای تو و بدا به حال آن‌ها به خاطر دشمنی‌شان با ایشان.[۱]

۱. کفایة‌الاثر، ص ۱۱۶.

بخش ۳

امام مهدی در قرآن‌کریم

مرحوم علامه مجلسی در کتاب پر گوهر بحارالانوار فصلی را به آیات قرآن کریم و مسئله ظهور امام عصر و تفسیر و تأویل آن اختصاص داده است.[۱] در این جا به چند آیه در این زمینه اشاره می‌شود.

۸
آیه‌ای از سوره بقره

امام صادق نیز می‌فرماید: پیش از ظهور قائم به طور حتم سالی فرا می‌رسد. که مردم در آن دچار قحطی و گرفتار ترس شدیدی از کشته شدن و کمبود اموال و جانها و ثمرات می‌گردند و این مطلب در قرآن به روشنی دیده می‌شود آنگاه این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «به راستی ما شما را با چیزهایی همچون ترس و گرسنگی و کاهش مال و جان و ثمر مورد آزمایش قرار می‌دهیم و صبر پیشگان را بشارت بده».[۲]

۱. *مهدی موعود*، ص ۲۴۶.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۲۹ ؛ بقره / ۱۵۵.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«طوبی للصابرین فی غیبته طوبی للمتقین علی محبته اولئك الذین وصفهم‌اللّه فی کتابه و قال: هدی للمتقین الذین یومنون بالغیب».خوشا به حال صابران و شکیبان در عصر غیبت او، استواران در محبت او، که آن‌ها را خداوند عزوجل در کتابش چنین معرفی فرموده است:

این قرآن هدایت است برای پرهیزکاران آن‌ها که به غیب ایمان می‌آورند.[1]

مراد از غیب چنانچه حضرت صادق علیه السلام فرمود: کسانی هستند که ایمان آورند به قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف که او حقّ است.

و نیز از آن حضرت در مورد آیه شریفه سؤال شد؟

امام فرمود: متقین شیعیان علی علیه السلام هستند و مراد از غیب «حجة غائب» است و شاهد آن آیه شریفه «فقل انما الغیب‌اللّه».[2]

۹
آیه‌ای از سوره آل‌عمران

«وله اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها».[3]یعنی: تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر فرمان او تسلیمند و به سوی او باز می‌گردند.

از رفاعه‌بن‌موسی روایت شده که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر این آیه شریفه فرمود: هرگاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند مصداق این آیه ظاهر می‌شود زیرا آن وقت است که در زمین باقی نماند هیچ قریه و بلد و سرزمینی، مگر آنکه در آن قریه و شهر صدا بلند شود به «اشهدان لااله‌الااللّه و ان محمدا رسول‌اللّه».

---

۱. بقره / ۲و۳.
۲. *کمال‌الدین صدوق*، باب ۳۳، ص ۳۴۰، حدیث ۱۹ و ۲۰.
۳. آل عمران / ۸۳.

۱۰
آیه‌ای از سوره نساء

وقتی آیه:

«یا أیها الذین آمنوا اطیعوااللّه و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»[۱] نازل شد، جابربن‌عبدالله انصاری از آن حضرت پرسید...اولی الامر که اطاعتشان در این آیه در ردیف اطاعت شما به حساب آمده است چه کسانی هستند؟

پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

آن‌ها جانشینان من و ائمه مسلمانان هستند که اولین آن‌ها علی‌بن‌ابیطالب و بعد از او فرزندش حسن و... به این ترتیب تک تک ائمه‌اطهار علیهم‌السلام را نام بردند وقتی به امام دوازدهم رسیدند با این تعبیر ایشان را یاد می‌کنند که: «ثم سمی محمد و کنی حجةاللّه فی ارضه و بقیة فی عباده ابن‌الحسن‌بن‌علی...» او همنام من، هم کنیه من حجةالله و بقیةالله در بین مردمان، فرزند حسن‌بن‌علی علیهماالسلام هستند...[۲]

۱۱
آیه‌ای از سوره نساء

حذیفه می‌گوید: روزی که آیه شریفه:

«اولئك الذین انعم‌اللّه علیهم من النّبیین والصدّیقین والشهداء والصالحین وحسن اولئك رفیقا»

نازل شد حضور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شرفیاب شدم...

از ایشان پرسیدم: یا رسول‌الله این‌ها چه کسانی هستند که خداوند اسامی آن‌ها را کنار هم آورده است؟

فرمود: ای حذیفه! من آن نبیّ هستم که خدای متعال فرمود: من النبیین الذین انعم‌اللّه علیهم.

که اول آنان در نبوت و آخرشان در بعثت هستم و از صدیقین علی‌بن‌ابیطالب است چون زمانی که خداوند مرا به رسالت برگزید او اولین کسی بود که

---

۱. نساء / ۵۹

۲. *تفسیربرهان*، ج ۱، ص ۳۸۱.

رسالت مرا تصدیق کرد و از شهداء حمزه سیدالشهداء و جعفرطیار نیز اولین کسانی بودند که رسالت مرا تصدیق کردند.

و از صالحین حسن و حسین علیهما السلام سیّد جوانان اهل بهشت هستند. و (و حسن اولئك رفیقا) مهدی زمان خویش است.[1]

۱۲
آیه‌ای از سوره انعام

«یوم یأتی بعض آیات ربكّ لاینفع نفسا ایمانها لم تكن امنت من قبل».[2]یعنی: روزی که بعضی از آیات پروردگار فرا رسد ایمان کسانی که قبلاً ایمان نیاورده‌اند سودی نبخشد.

صاحب کتاب ثواب‌الاعمال از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: آیات (در این آیه) ائمه‌اطهار علیهم السلام هستند و «بعض آیات» قائم‌آل‌محمد صلی الله علیه و آله است.

۱۳
آیه‌ای از سوره اسراء

«جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا» امام باقر علیه السلام درباره این آیه می‌فرماید: «اذا قام القائم ذهبت دولة الباطل» آن هنگام که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام فرماید حکومت و دولت باطل از دنیا رخت بربندد.[3]

۱۴
***

فی‌الاكمال عن الصادق علیه السلام: «وقد ذكر شق فرعون بطون الحوامل فی طلب موسی علیه السلام كذلك بنواالعباس لّما ان وقفوا...».[4] در کتاب کمال‌الدین، مرحوم صدوق در حدیثی از امام صادق علیه السلام آورده: فرعون شکم‌های زنان حامله را پاره کرد و بنی‌امیه و

---

۱. *شواهد التنزیل*، ج ۱ نساء / ۶۹ آیات مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن خیلی بیشتر از آن است (بیشتر از ۲۰۰ آیه) که در این مختصر به آن اشاره شده است حتی در منابع تفسیری اهل سنّت روایاتی دراین خصوص وجود دارد.

۲. انعام / ۱۵۸.

۳. اسراء / ۸۱ ـ *کافی*، ج ۸، ص ۲۸۷.

۴. توبه / ۳۲

بنی‌عباس نیز چون مطّلع شدند که زوال و نابودی آن‌ها به دست قائم می‌باشد به ما عداوت ورزیدند و در قتل اهل‌بیت پیامبر شمشیرها کشیدند و نسل آن حضرت را قطع کردند به طمع وصول به قتل قائم.

پس خداوند مسئله کشف آن حضرت را برای ظالمان مخفی فرمود تا تمام فرماید نور خود را با ظهور آن حضرت و نابودی دولت‌های ظالم و سلطه آن حضرت بر تمام عالم، اگرچه مشرکان اکراه داشته باشند.

۱۵
آیه‌ای از سوره توبه

از امام باقر در مورد تفسیر آیه شریفه ۳۶ از سوره توبه که می‌فرماید:

«با همه مشرکین بجنگید چنان که آنان همگی با شما می‌جنگند».

سؤال شد:

حضرت فرمود: هنوز تأویل این آیه نیامده است هنگامی که قائم ما پس از ما قیام کند آنان که زمان او را درک کنند تأویل این آیه را خواهند دید که بی‌تردید آئین محمد به هر نقطه‌ای که شب و روز می‌رسد خواهد رسید و دیگر اثری از شرک در روی زمین نمی‌ماند چنان که خدای متعال می‌فرماید:

«دیگر نشانی از آن‌ها به جز اقامتگاه‌هایشان دیده نمی‌شود».[1]

زمین به وسیله مهدی آباد، خرم و سرسبز می‌شود و به وسیله او چشمه سارها روان گردد فتنه‌ها و غارت‌گری‌ها از بین می‌رود و برکات بسیار می‌شود.[2]

۱. احقاف / ۲۵.
۲. *الزام الناصب*، ص ۲۲.

Presented by: jafrilibrary.com

۱۶
اراده خداوندی

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «هرکه در آسمانها و زمین است خواه ناخواه تسلیم او شده است».[۱]

فرمود: آیه یاد شده درشان قائم نازل گردیده چون ظهور کند اسلام را بر یهودیان و مسیحیان و ستاره پرستان و بی‌دینان و مرتدان و کافران در شرق و غرب جهان عرضه نماید هر کس از روی تمایل اسلام را بپذیرد او را به نماز و زکات و انجام دستوراتی که بر هر مسلمانی واجب است مکلف می‌سازد و هر کس تن به پذیرش اسلام ندهد گردنش را می‌زنند به طوری که در سراسر جهان جز موحد و یکتاپرست کسی باقی نمی‌ماند.

عرض کردم: فدایت شوم مردم (کافر) بسیارند فرمود: البته وقتی که خداوند انجام کاری را اراده فرماید بسیار را اندک و اندک را بسیار می‌گرداند.[۲]

۱۷
آیه‌ای از سوره حجّ

در ذیل آیه شریفه «اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان‌اللّه علی نصرهم لقدیر».[۳]

یعنی: اجازه و رخصت جنگ به مؤمنان که دیگران با آن‌ها جنگ می‌کنند داده شد زیرا آن‌ها از دشمن ستم کشیدند و خدا بر یاری آن‌ها قادر است.

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که: این آیه درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحاب آن بزرگوار می‌باشد که مورد ظلم قرار گرفته‌اند.[۴]

۱۸
آیه‌ای از سوره اسراء

امام باقر علیه السلام: در تفسیر آیه شریفه: «من قتل مظلوما» فرمود: او حسین‌بن‌علی علیه السلام

---

۱. آل‌عمران / ۸۳.
۲. *تفسیرعیاشی*، ج ۱، ص ۱۸۳.
۳. حج / ۳۹.
۴. *المحجة البیضاء*، ص ۱۴۲.

است و بقیه آیه شریفه: «فقد جعلنا لولیّه سلطانا فلایسرف فی القتل انّه کان منصورا» مقصود امام زمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه است که نامش در این آیه منصور می‌باشد چنان که خداوند احمد و محمد صلّی‌الله‌علیه‌وآله را محمود و عیسی علیه‌السلام را مسیح خوانده است.[1]

۱۹
آیه‌ای از سوره انبیاء

«ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون...».[2] یعنی: ما در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته و صالح من به ارث خواهند برد.

امام باقر علیه‌السلام در ذیل این آیه می‌فرماید: هم اصحاب المهدی فی آخرالزمان: آن بندگان شایسته خدا، همانا یاران حضرت مهدی عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه در آخرالزمان می‌باشند.

۲۰
آیه‌ای از سوره قصص

شیخ طوسی در کتاب الغیبة از امیرمؤمنان علیه‌السلام نقل می‌کند که آن حضرت پس از تلاوت آیه «ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی‌الارض...» فرمود:

«هم آل محمد یبعث‌اللّه آل مهدیم بعد جهدهم فیعزّهم و یذلّ عدوهم» مستضعفان مورد اشاره در آیه، خاندان پیامبر صلّی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشند که پس از تحمل رنجها و سختیها، خداوند مهدی آنان را برانگیزد و بدینوسیله آنان را عزت و دشمنانشان را خواری بخشد.[3]

در روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام وارد شده که فرمود:

سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید دنیا پس از تندخوئیش بر ما مهربان خواهد شد همان گونه که ضروس[4] بر فرزندش عطوفت می‌ورزد. و در دنباله این آیه شریفه را تلاوت فرمودند که:

---

۱. *تفسیرفرات کوفی*، ص ۲۴۰ ـ اسراء / ۳۳

۲. انبیاء / ۱۰۵ ـ *بحارالانوار*، ج ۱۵، ص ۱۷۶.

۳. *غیبت طوسی*/ ص ۱۸۴.

۴. ضروس: به حیوان شیر دهنده‌ای گویند که از شدت عطوفت به فرزندش، دوشنده شیر خود را گاز می‌گیرد. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۶۴

«ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی‌الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین».[۱]آیه‌ای از سوره حدید در قرآن‌کریم آمده است: «اعلموا ان‌اللّه یحیی الارض بعد موتها»؛ یعنی: بدانید که خداوند زمین را از پس مرگ آن احیاء می‌کند.[۲]

در حدیث از حضرت باقر وارد شده که در ذیل این آیه فرموده‌اند: خداوند زمین را به واسطه مهدی زنده می‌سازد و او عدالت را جاری کرده و زمین را به نور عدل منور می‌سازد پس از آنکه در تیرگی ظلم مرده باشد.[۳]

۲۱
آیه‌ای از سوره الرحمن

در تفسیر آیه شریفه: «آن روز بدکاران به صورت‌هایشان شناخته شوند پس به موی پیشانی و با پاهایشان گرفتار شوند».[٤]

از امام صادق روایت شده است که فرمود: خداوند آن‌ها را همواره می‌شناسد ولی آیه در مورد قائم نازل گردیده که مجرمان را از سیما و صورتشان می‌شناسد و او و یارانش با شمشیر آن‌ها را تنبیه می‌کنند (چه) تنبیه کردنی.[٥]

۲۲
آیه‌ای از سوره صف

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولوکره المشرکون».[٦]یعنی: خداوند فرستاده خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر همه دینها غالب شود هرچند مشرکین نخواهند.

بنابر روایتی از امام رضا این آیه درباره قائم‌آل‌محمد است وی امامی است که خداوند او را بر همه آیین‌ها غالب می‌گرداند.

۱. *مجمع‌البیان*، ج ۵، ص ۲۵ ـ قصص / ۵
۲. حدید / ۱۷.
۳. *کمال‌الدین*، ج ۲، ص ۶۶۸
۴. الرحمن / ۴۱.
۵. *غیبت نعمانی*، ص ۱۲۷.
۶. صف / ۹.

و در روایتی دیگر از امام صادق علیه‌السلام «فی قوله عزّوجّل: هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق...».

حضرت صادق علیه‌السلام در آیه شریفه:

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی...» فرمود: به خدا قسم تأویل آن هنوز نازل نشده و نازل نشود تأویل آن تا وقتی که قائم بیرون آید.

وقتی که حضرت ظاهر شود باقی نماند کافری و مشرکی به خدا و به امام، زیرا کراهت داشته و نمی‌خواهد خروج قیام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را ببینند. زیرا اگر کافری در شکمِ سنگی باشد سنگ به قدرت کامله تکلم کند که‌ای مؤمن در بطن من کافری است مرا بشکن و او را بیرون آورد و بکش. «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین‌الحق لیظهره علی الدین کله ولوکره المشرکون».

او کسی است که رسولش را با هدایت ودین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند اگرچه مشرکان ناخوش دارند.

امام فخر رازی که از بزرگان علمای اهل سنت است در تفسیر کبیر خود آورده: «قال السدی: ذلك عند خروج المهدی» پیروز شدن اسلام بر تمام ادیان در زمان ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اتفاق می‌افتد.[1]

۲۳
آیه‌ای از سوره غاشیه

«هل اتیك حدیث الغاشیه» یعنی: آیا داستان آن فرو گیرنده به تو رسیده است؟

شیخ بزرگوار جناب صدوق«ره» در کتاب شریف ثواب الاعمال از محمدبن‌سلیمان از پدرش روایت کرده که گفت: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم «هل اتیك حدیث الغاشیه» یعنی چه؟

فرمود: مقصودم قائم ماست که اهل باطل را با شمشیر فرو می‌گیرد.

گفتم: «وجوه یومئذ خاشعة» (صورتهای آن‌ها در آن روز وحشتناک است) یعنی چه ؟

فرمود: از ترس قدرت او گریز ندارند.

۱. *بحارالانوار*، ج ۱۷، ص ۱۸۲.

گفتم: «عاملة ناصبة»: (عمل کننده رنج دیده) چیست؟ فرمود: آن‌ها برخلاف دستور خدا عمل می‌کنند و والیان جور منصوب دارند.

گفتم: «تصلی نارا حامیه»: (در آتش سوزنده بیفتند) یعنی چه؟ فرمود: به روزگار قائم ما، در آتش جنگ بسوزند و در سرای دیگر به دوزخ افتند.[1]

۲۴
آیه‌ای از سوره معارج

«سال سائل بعذاب واقع».[2] سائلی از عذابی که وقوع آن حتمی است سؤال نمود.

از امام باقر علیه السلام درباره آیه فوق سؤال کردند که منظور از این عذاب چیست؟

امام فرمود:

«نار تخرج من المغرب و ملك یسوقها من خلفها حتی یأتی من جهة دار بنی‌سعد ابن‌همام عند مسجد هم فلا تدع دارا لبنی امیة الا احرقتها و اهلها و لاتدع دارا فیها وترلال محمد الا احرقتها و ذلك المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف».[3] یعنی:

عذاب در اینجا آتشی است که از طرف مغرب شعله‌ور می‌شود و پادشاهی که آن را رهبری می‌کند و تمام خانه‌های بنی‌امیه و همه غاصبان حقوق اهل‌بیت را آتش می‌زند و مخصوصا از بنی‌امیه آثاری باقی نخواهد گذاشت و اوست مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.[4]

۲۵
آیه‌ای از سوره عصر

«والعصر ان الانسان لفی خسر...» سوگند به عصر که همانا انسان در زیانکاری و خسران است.

---

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۰.
۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۸.
۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۸.
۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۸.

مفضل از امام صادق ﷺ درباره این سوره پرسید امام می‌فرمایند: سوگند به عصر، (منظور) عصر خروج قائم است. «همانا انسان در زیانکاری است».[1]

یعنی:

دشمنان ما در خسران و زیانند؛ مگر آنان که ایمان آوردند.

«الا الذین آمنوا و عمل الصالحات» یعنی: مگر آن‌ها که آیات ما ایمان آورده‌اند و «کارهای نیک انجام دادند» یعنی مواسات با برادران دینی و «یکدیگر را به حق سفارش نمودند» یعنی: به امامت «یکدیگر را به صبر و پایداری توصیه کردند» مربوط به دوران فترت و غیبت است که عقاید سست می‌شود.

۱. *کمال‌الدین*، اثر مرحوم صدوق، ج ۲، ص ۶۵۶.

بخش ٤

امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در کلام معصومین علیهم‌السلام

۲۶
پر نورتر از خورشید آسمان

ـ پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: **اسم المهدی اسمی:** یعنی نام مهدی نام من است.[۱]

و علی علیه‌السلام نیز در روایتی فرموده‌اند که: **اسم المهدی محمد** یعنی: نام مهدی، محمد است.[۲]

ـ جابربن‌عبدالله انصاری درباره آیه شریفه: **«اطیعوااللّه و اطیعواالرسول و اولی الامر منکم»**[۳] از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پرسید در ادامه افزود: یا رسول‌الله **«ما اطیعوااللّه»** را که خدا باشد شناختیم و اطاعت می‌کنیم و **«اطیعواالرسول»** را نیز شناختیم و می‌دانیم که تو پیامبر مائی ولی به ما بگوئید که اولی‌الامر چه کسانی هستند؟

پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله خطاب به امام علی علیه‌السلام فرمود:

یا علی! اولی آن‌ها توئی سپس پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله یک به یک امامان را نام

۱. *صحیح ترمذی*، ج ۴، ص ۴۳۹.
۲. *کمال‌الدین صدوق*، ج ۱، ص ۲۸۲.
۳. نساء / ۵۹.

بردند تا به امام عصر ﷻ رسیدند و فرمودند: برای مهدی غیبتی پیش می‌آید او کسی است که وقتی می‌آید، زمین را پر از عدل و داد می‌کند کنیه‌اش کنیه من است.

جابر پرسید: یا رسول‌الله در زمان غیبت مردم به امام نمی‌رسند و او را نمی‌بینند، آیا نفعی هم دارد این کار، پیامبراکرم ﷺ فرمود: غیبت او مثل خورشید پشت ابر است خورشید اگر نباشد شب می‌شود.[1]

۲۷
خاتم الاوصیاء

ـ ابن‌عباس روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«انا سیّد النبیّین و علی‌بن‌ابیطالب سیّد الوصیّین و ان اوصیائی اثناعشر اولهم علی‌بن‌ابیطالب وآخرهم القائم».من سید پیامبرانم و علی سید اوصیاء است و اوصیای من دوازده نفرند که اول آن‌ها علی و آخرین ایشان قائم است.[2]

۲۸
امام مهدی ﷻ در خطبه غدیر

ـ رسول خدا ﷺ در روز عید غدیرخم نیز درباره حضرت ولی‌عصر ﷻ سخنانی ایراد فرموده‌اند که بخشی از آن عبارت است از «الا و انّ خاتم الائمّة منّا القائم المهدی صلوات اللّه علیه...».

آخرین امام معصوم از ما اهلبیت حضرت قائم است که صلوات و رحمت پروردگار بر او باد بدانید اوست که روش حق و دین الهی را آشکار می‌سازد و اوست که از ظالمین انتقام خواهد گرفت و اوست که دژهای شرک و کفر را نابود و فتح می‌کند...

«الا انه الباقی حجة و لاحجة بعده و لاحق الامعه ولانور الا عنده...».اوست که آخرین حجت خداست و پس از او حجتی نیست و حق فقط نزد اوست و هدایت و نور پروردگار تنها نزد اوست و بدانید هیچ کس بر او چیره نمی‌شود و هیچ

۱. *کمال‌الدین*، ج ۱، ص ۲۶۵.
۲. *ینابیع المودة*، ص ۲۵۸، ـ *کشف الاستار*، محدث نوری، ص ۷۴.

کس توانایی مقابله با او را ندارد، بدانید اوست سرپرست خلق در زمین از جانب پروردگار...

۲۹
لوحی از عرش

ـ جابربن‌عبدالله می‌گوید: خدمت حضرت فاطمه علیها السلام شرفیاب شدم در حالی که در مقابل حضرت لوحی بود که در آن لوح اسامی اوصیاء نوشته شده بود. من اسامی را شمردم دوازده نام دیدم که آخر آن اسمها قائم بود و سه نام محمد و چهار نام آن‌ها علی بود.[۱]

۳۰
جوانی از قریش

ـ عمربن‌خطاب در دوران خلافتش روزی داخل کعبه شد آنگاه گفت: نمی‌دانم سلاح‌ها و گنجینه‌های این خانه را به همین حال بگذارم یا آنکه آن‌ها را در راه خدا تقسیم کنم. علی علیه السلام به او فرمود: از این مطلب بگذر صاحب این کار تو نیستی صاحب آن مردی از ماست جوانی از قریش که در آخرالزمان آنرا در راه خدا تقسیم خواهد کرد.

۳۱
دوازده هدایت یافته

ـ امام حسین علیه السلام: «منّا اثنا عشر مهدیا اوّلهم امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابیطالب و اخرهم التّاسع من ولدی و هو الامام بالحق» دوازده هدایت یافته از ما می‌باشند که اولین آن‌ها امیرمؤمنان علی‌بن‌ابیطالب و آخرین آن‌ها نهمین فرزند من است که به حق قیام خواهد نمود.[۲]

---

۱. *کمال‌الدین*، ص ۳۰۷.
۲. *کمال‌الدین*، ص ۳۱۷.

۳۲

برترین‌های هستی

ـ امام حسین ﷺ می‌فرماید: روزی در کودکی من و برادرم نزد جّد خود رسول‌خدا ﷺ آمدیم پیامبر ﷺ مرا بر ران خود نشاند و برادرم حسن ﷺ را بر ران دیگر سپس ما را بوسید و فرمود: پدرم فدای شما دو امام صالح باد، خداوند شما را و پدر و مادرتان را برگزیده است و از صلب تو ای حسین نُه امام دیگر را برگزید که نهمین آنان قائمشان می‌باشد و همه شما در فضیلت در نزد خدا برابرید.[۱]

۳۳

انتظار در غیبت او واجب است

امام جواد ﷺ فرمود: .... قائم ما همان مهدی ﷺ است او کسی است که در زمان غیبتش انتظارش واجب و هنگام ظهور اطاعتش واجب است....[۲]

۳۴

صاحب‌الامر کیست؟

ـ شعیب‌بن‌ابی‌حمزه می‌گوید: به محضر امام حسین ﷺ تشرف یافته عرض کردم: آیا تو صاحب‌الامری؟

فرمود: نه عرض کردم: پس فرزند شماست؟ فرمود: نه، عرض کردم: آیا فرزند فرزند شماست؟ فرمود: نه.

پرسیدم پس صاحب الامر کیست؟ فرمود: آنکه زمین را پر از عدل خواهد کرد همان گونه که پر از ظلم گشته باشد او پس از زمانی طولانی که امامان پیشین رفته باشند خواهد آمد همان گونه که رسول خدا ﷺ پس از مدتی دراز که از زمان پیامبران پیشین گذشته بود مبعوث شد.[۳]

۱. *بحارالانوار*، ج ۳۶، ص ۲۵۵.
۲. *کمال‌الدین*، ج ۲، ص ۳۷۷.
۳. *عقدالدرر*، ص ۱۵۹.

۳۵
ذخیره‌ای بی‌مانند

امـام سـجاد علیه السلام می‌فرمایـد: ذوالقرنیـن در میـان انتخـاب دو ابـر مخیـر شـد او ابـر فرمانبـر از آن دو را انتخـاب کـرد و ابـر سرسـخت را بـرای مـولای شـما ذخیـره کـرده اسـت از امـام سـؤال شـد منظـور از سرسـخت چیسـت؟

فرمـود: آن ابریسـت کـه در آن رعـد و بـرق و صاعقـه باشـد و صاحـب شـما سـوار آن خواهـد شـد آگاه باشـید کـه سـوار ابـر می‌شـود و بوسـیله اسـباب بـالا مـی‌رود...

۳۶
قائم منتقم

ـ امـام باقـر علیه السلام در پاسـخ بـه پرسـش ابوحمـزه ثمالـی کـه از علـت نامگـذاری امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشریف بـه قائـم پرسـید؟

فرمـود: وقتـی جـدم حسـین علیه السلام کشـته شـد فرشـتگان بـا گریـه بـه درگاه خداونـد فریـاد برآوردنـد: ای خـدا و سـرور مـا، آیـا از کسـی کـه برگزیـده تـو و فرزنـد برگزیـده تـو و بهتریـن آفریـده تـو را می‌کشـد چشـم می‌پوشـی؟

خداونـد بـه آنـان وحـی فرمـود کـه: فرشـتگان مـن آرام گیریـد بـه عـزت و جلالـم سـوگند کـه از آنـان انتقـام خواهـم گرفـت اگرچـه طـول کشـد.

آنـگاه خداونـد امامـان از نسـل حسـین علیه السلام را بـه فرشـتگان نشـان داد و فرشـتگان بـدان شـاد شـدند و در میـان آن‌هـا یکـی ایسـتاده بـود و نمـاز می‌خوانـد خداونـد فرمـود: بـا ایـن قائـم از آنـان انتقـام می‌کشـم.[۱]

۳۷
نشانه‌ای مخفی

بـه حضـرت باقـر علیه السلام عـرض شـد[۲]: شـیعیان شـما در عـراق بسـیارند والله مثـل شـما هـم در اهلبیـت شـما نیسـت پـس چـرا خـروج نمی‌کنـی؟

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۲۸.
۲. *کافی*، ج ۱، ص ۳۴۲.

Presented by: jafrilibrary.com

امام به عبدالله فرمود: ای عبدالله! همانا مثل احمقها گوش به حرف هر کسی داده‌ای، والله من صاحب شما نیستم.

عرض کرد: صاحب ما کیست؟ فرمود: نگاه کنید هر کس ولادتش بر مردم مخفی شد او صاحب شما است.[1]

۳۸
چهارمی قائم است

ـ امام صادق فرمود: زمانی که سه نام محمد، علی و حسن پشت سر هم قرار گرفت چهارمی آن قائم است.

۳۹
ما چگونه‌ایم؟

ـ سدیرصیرفی می‌گوید: من، مفضّل، ابوبصیر و ابان‌بن‌تغلب، خدمت مولای خودمان امام صادق شرفیاب شدیم دیدیم که امام بر روی خاک نشسته و شمینه‌ای خیبری پوشیده به طوری که دور گردن مبارک را گرفته بود بدون یقه بود و آستین‌های کوتاهی داشت و آن حضرت گریه می‌نمود مانند شخص مصیبت‌زده‌ای که فرزند از دست داده.....

و حزن و غم از صورت مبارکش آشکار شده بود و رخسار مبارکش تغییر کرده و اشک بر روی گونه‌های مبارکش جاری بود و می‌فرمود: «سیدی غیبتك نفت رقادی وضیقت علی مهادی و ابتزّت منّی راحة فوادی سیدی غیبتك اوصلت مصابی بفجائع الابد...».[2]

یعنی: آقای من غیبت تو خواب را از من گرفته است و محل آسایش مرا تنگ کرده و راحتی قلبم را گرفته... در حالی که امام صادق این گونه از غیبت امام زمان اظهار ناراحتی می‌نمایند ما چه وظیفه‌ای داریم؟

۱. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۴۰۸.
۲. *غیبة‌الطوسی*، ص ۱۶۷.

۴۰
امروز او به دنیا آمده

ـ وقتی از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند که آیا (قائم) به دنیا آمده است؟

فرمود: «لا ولو ادرکته لخدمته ایام حیاتی» نه، امّا اگر او را درک کنم تمام عمرم در خدمت او خواهم بود.[۱]

۴۱
او بقیةالله است

ـ شخصی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: یابن‌رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله آیا رواست که به امام قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به عنوان «سلام بر تو ای امیرمؤمنان» سلام کرد؟

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: خیر روا نیست، خداوند تنها علی علیه‌السلام را به این اسم نامید. قبل از علی علیه‌السلام کسی بر این نام نامیده نشده و بعد از او هم جز کافر آن نام را بر خود نبندد.[۲]

۴۲
به دیدارش امیدواریم

«دعبل خزاعی» شاعر توانای سده سوم هجری (متوفای ۲۴۶) در قصیده‌ای که در خدمت امام رضا علیه‌السلام خواند چنین سروده است.

فلولا الذی ارجوه فی الیوم اوغد   تقطع نفسی اثرهم حسرات

خروج امام لامحاله خارج   یقوم علی اسم‌الله و البرکات

یمیز فیها کل حق و باطل   ویجزی علی النعماء و النقمات[۳]

ترجمه: «اگر آنچه را امروز یا فردا امید وقوع آنرا دارم نمی‌بود دلم از حسرت و اندوه بر ایشان ـ اهل بیت علیهم‌السلام ـ پاره پاره می‌شد.

ـ و آن امید به ـ قیام امامی است که بدون تردید قیام خواهد کرد ـ که ـ با نام خدا و همراه با برکات الهی قیام می‌فرماید.

---

۱. *غیبت نعمانی*، ص ۲۴۵ ـ *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

۲. *کافی*، ج ۱، ص ۴۱۱، (از این روایت متوجه می‌شویم که مردم در آن زمان به علت کثرت روایات درباره امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دنبال شناخت ابعاد وجودی شخصیت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بوده‌اند).

۳. *الغدیر*، ج ۲، ص ۳۶۰ ـ *ینابیع‌المودة*، ج ۳، ص ۳۰۹، حدیث ۱.

ـ و او ـ در میان ما حق و باطل را از هم جدا می‌سازد و پاداش و کیفر می‌دهد.

هنگامی که دعبل این ابیات را به عرض رساند امام رضا ﷺ سر برداشت و فرمود: «ای خزاعی» این اشعار را روح القدس بر زبان تو جاری ساخته است.

آنگاه فرمود:

آیا می‌دانی آن امام کیست؟ دعبل عرض کرد: نمی‌دانم فقط شنیده‌ام که امامی از دودمان شما خروج می‌فرماید و زمین را پر از عدل و داد می‌سازد امام فرمود: ای دعبل! امام بعد از من پسرم محمّد (امام جواد) و بعد از او پسرش علی (امام هادی) و بعد از او پسرش حسن (امام عسگری) است و پس از او نیز پسرش حجّت قائم است که در غیبت او انتظارش را می‌برند و به هنگام ظهور مطاع خواهد بود و اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خدا آن روز را طولانی می‌سازد تا قائم خروج نماید و زمین را پر از عدل و داد سازد چنان که از جور پر شده است...[1]

۴۳
چرا او قائم است

ـ جعفربن‌ابی‌دلف می‌گوید: حضرت امام رضا ﷺ فرمود: همانا امام بعد از من پسرم محمد است و بعد از او علی است امر او امر من و گفته‌اش گفته من و اطاعتش اطاعت از من است و امام بعد از او پسرش حسن است امر او امر پدرش و گفته او گفته پدرش و اطاعت او اطاعت از پدرش می‌باشد.

سپس ساکت شد.

عرض کردم: یابن‌رسول‌الله امام بعد از حسن ﷺ کیست؟

پس آن حضرت به شدت گریست، آنگاه فرمود: البته بعد از حسن پسرش آنکه قائم به حق و مورد انتظار است می‌باشد.

گفتم: یابن‌رسول‌الله چرا قائم نامیده شده است؟

---

۱. *الفصول المهمه*، ص ۲۵۱.

فرمود: وقتی ظهور کند یادش (در ذهن‌ها) مرده باشد و بیشتر معتقدان به امامتش از او برگشته باشند.

گفتم: چرا منتظر نامیده شده است؟

فرمود: زیرا او را غیبتی است که روزهایش بسیار و مدتش طولانی پس مخلصان، منتظر خروجش باشند و اهل تردید انکارش کنند و جاهلان یاد او را به استهزاء گیرند و وقت‌گذاران (تعیین‌کنندگان وقت ظهورش) در آن دروغگو شوند و عجله کنندگان در آن هلاک گردند و تسلیم شوندگان در آن نجات یابند.[۱]

۴۴

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

عبدالعظیم حسنی روایت می‌کند که بر سرور خود امام جوادعلیه السلام وارد شدم قبل از آن که من سؤالم را که درباره حضرت قائم بود بگویم، حضرت پاسخ سؤال مرا داد و فرمود: ای ابوالقاسم، قائم ما همان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، او کسی است که در زمان غیبتش انتظار او واجب است و هنگامی که ظهور کرد اطاعتش واجب است. او سومین نفر از فرزندان من است قسم به آن خدایی که محمدصلی الله علیه و آله را مبعوث کرد و ما را به امامت برگزید اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد هر آینه خداوند متعال آن را چنان طولانی کند تا آنکه قائم در آن روز خارج شود و ظهور نماید...[۲]

---

۱. *کمال‌الدین*، ص ۳۷۸.

۲. *کمال‌الدین*، ج ۲، ص ۳۷۷.

Presented by: jafrilibrary.com

بخش ۵

امام مهدی(عج) در کتب اهل سنت

۴۵

راویان احادیث امام مهدی(عج)

مجموعـه روایاتـی کـه دربـاره امـام مهـدی(عج) در منابـع اهل‌سـنت آمـده از راویانـی ماننـد عمربن‌خطـاب و عبدالله‌بن‌عمـر، ابوهریـره، انس‌بن‌مالـک، ثوبـان غـلام عمـر، ابوسـعید خـدری، عبدالله‌بن‌مسـعود و عبدالرحمان‌ابن‌عـوف،... اسـت کـه علمـای اهل‌سـنت همـه این‌هـا را از صحابـه بـزرگ پیامبـر(ص) می‌داننـد.

۴۶

کتبی که در نزدیکی ولادت امام مهدی(عج) نوشته شده است

بعضـی از محدثیـن و فقهـاء اهل‌سـنت کـه اخبـار وارده پیرامـون امـام زمـان(عج) را در کتـب مختلـف خـود آورده‌انـد یـا نزدیـک ولادت یـا اندکـی بعـد از ولادت امـام زمـان(عج) زندگـی می‌کرده‌انـد در ایـن میـان بـه نـام چنـد نفـر از آن‌هـا اشـاره می‌شـود: بخـاری متوفـای ۲۵۶ هجـری در کتـاب صحیـح، ابن‌ماجـه قزوینـی بـه سـال ۲۳۸ در سـنن، محمدبن‌سـورة ترمـذی در سـال ۲۷۸ در

الجامع، مسلم‌بن‌حجاج نیشابوری به سال ۲۶۱ درصحیح، احمدبن‌حنبل متوفای‌سال۲۴۱هجری‌در کتاب مسند.

البته بعد از این عده، دانشمندان اهل سنّت مثل ابونعیم اصفهانی در اربعین و ثعلبی در تفسیر ده جلدی خود (متوفای سال ۴۲۷) و حاکم نیشابوری در مستدرک و ابن‌عساکر در تاریخ مدینه دمشق ۷۰ جلدی (متوفای ۵۷۱) و طبرانی در معجم کبیر و معجم صغیر (متوفای ۳۶۰ هجری قمری) و ..

بیش از دویست و پنجاه حدیث صحیح درباره اوصاف امام زمان و عمر طولانی او و مسئله غیبت و اصلاح جهان در زمان امام و حکومت واحد جهانی و عدالت او روایت نقل شده است.

۴۷
خلف صالح

ـ ابن‌خشاب متوفای ۵۶۷ هجری در کتاب موالیدالائمه با اسناد خود از حضرت رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: خلف صالح فرزند ابومحمد حسن العسگری است و او مهدی صاحب‌الزمان است.

و از امام کاظم روایت می‌نماید که فرمود: خلف صالح از فرزندان من است و مهدی اوست نامش محمد و کنیه‌اش ابوالقاسم است که در آخر الزمان ظهور می‌کند و نام مادرش صیقل می‌باشد.

ابن‌طلحه شافعی متوفای ۶۵۲ در مطالب السئول‌فی‌مناقب آل‌الرسول اشعاری را در وصف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آورده است.

ـ ابن‌جوزی متوفی ۶۵۴ هجری در تذکرة الخواص درباره یک یک ائمه‌اطهار علیهم السلام سخن گفته، از جمله این که درباره امام مهدی آورده است که: کنیه او ابوالقاسم است حجت باقی و صاحب‌الزمان و قائم منتظر اوست و هم او آخرین امام است.

سپس می‌نویسد:

عبدالعزیزبن‌محمودبن‌بزار از عبدالله بن‌عمر برای من روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مردی از فرزندان من در آخرالزمان ظهور می‌کند که

نامش مانند نام من و کنیه‌اش مثل کنیه من است او جهان را پر از عدل و داد می‌کند او همان مهدی است...

ـ ترمذی در صحیح جلد ۲ صفحه ۴۶ روایت آورده که: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: مهدی از خاندان من و از فرزندان فاطمه علیهاالسلام است.

ـ ابن‌صباغ مالکی متوفای ۸۵۵ در الفصول المهمه فی احوال الائمه در فصل دوازدهم آورده ابوالقاسم محمّد الحجه، خلف صالح‌بن‌ابومحمد حسن، امام دوازدهم... او به تفصیل درباره آن حضرت سخن گفته است.

۴۸
حیات نورانی

ـ علامه گنجی‌شافعی صاحب کفایةالطالب‌درالبیان‌فی‌اخبارصاحب‌الزمان به تفصیل درباره آن حضرت مطالب آورده که در باب ۲۵ آمده: از هنگامی که غیبت نموده تاکنون زنده است و بقاء او تاکنون مانعی ندارد...

ـ سیوطی در جلد دوم روایت آورده که: مهدی از این امت است و او کسی است که عیسی پشت سرش نماز می‌خواند.

۴۹
امام مهدی عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در کتب تفسیری اهل سنت

۱. در تفسیر آیه شریفه: «وعداللّه الذین آمنوا منکم و عملوالصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم...».[1]

یعنی: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده که بی‌شک آنان را در این سرزمین جانشین کند چنان که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین ساخت.

ابن‌کثیر متوفای ۷۷۴ هجری قمری در تفسیر ۴ جلدی خود به نقل از صحیح مسلم می‌نویسد: از جابر ابن‌سمرة نقل شد که گفت:از رسولخدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که فرمود: سرنوشت این مردم تا زمانی که سرپرست آن‌ها دوازده مرد باشد از دست نمی‌رود.

---

۱. نور / ۵۵.

سـپس پیامبـرﷺ کلمـه‌ای فرمـود کـه مـن نفهمیـدم از پـدرم پرسـیدم رسـولخداﷺچه فرمـود: پـدرم گفـت: فرمـود کـه همگـی آن‌هـا (آن دوازده نفـر) از قریش‌انـد.

سـپس‌ابن‌کثیر می‌گویـد: و مهـدی از آن ۱۲ نفـر اسـت کـه اسـم او مثـل اسـم پیامبـر و کُنیـه‌اش هـم چـون کُنیـه اوسـت و زمیـن را پـر از عـدل و داد می‌کنـد زمانـی کـه پـر از ظلـم و جـور شـده باشـد.[۱]

۲. شـبلنجی شـافعی در نورالابصـار دربـاره آیـه شـریفه: «بقیةاللّه خیر لکم ان کنتم مؤمنین» از امـام باقـرؑ روایـت آورده کـه فرمـود: هنگامـی کـه مهـدی قیـام کنـد پشـت بـه کعبـه کـرده (تکیـه دهـد) و ۳۱۳ تـن از پیروانـش نـزد او گـرد آینـد پـس اولیـن چیـزی کـه گویـد ایـن آیـه اسـت: «بقیةاللّه خیر لکم ان کنتم مؤمنین...» ایـن روایـت را ابن‌صبـاغ مالکـی در کتـاب الفصول‌المهمـه بـاب دوازدهـم نیـز آورده اسـت.

۳. در تفسـیر نیشـابوری در مـورد آیـه شـریفه: «الذین یومنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون» آمـده اسـت کـه: مـراد از ایـن آیـه مهـدی منتظـر اسـت کـه خداونـد در کلام خـودش، قـرآن کریـم بـه او وعـده داده اسـت و از حضـرت رسول‌خداﷺرسـیده کـه فرمودنـد: اگـر از عمـر دنیـا جـز یـک روز نمانـد خداونـد آن روز را آن قـدر طولانـی می‌کنـد تـا مـردی از امـت مـن کـه اسـم او چـون اسـم مـن و کنیـه او چـون کنیـه مـن باشـد قیـام کنـد و زمیـن را پـر از عـدل سـازد چنانچـه از ظلـم پـر شـده اسـت.

در کتـاب انهایه‌ابن‌کثیـر ، جلـد۱، صفحـه۲۴، آمـده اسـت: ابن‌عبـاس روایـت می‌کنـد کـه رسـول‌خداﷺ فرمـود: مهـدی طـاووس اهـل بهشـت اسـت.

۵۰
نکته‌ای مشترک

اختلافـی در مـورد امـام زمـانؑ در بیـن شـیعیان و سـنی‌ها وجـود نـدارد هـر دو گـروه (سـنی و شـیعه) اتفـاق نظـر دارنـد کـه امـام عصـرؑ در آخرالزمـان ظاهـر می‌شـود و حضـرت عیسـی‌بن‌مریم پشـت سـر او بـه نمـاز می‌ایسـتد.

۱. *تفسیر ابن‌کثیر*، ج ۳، ص ۳۰۱.

در کتب اهل سنّت درباره تولد امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مطالبی وجود دارد.

این دسته از علمای اهل‌سنت معتقدند که مهدی فرزند امام عسگری علیه‌السلام است و تاکنون زنده است و در آخر زمان ظاهر می‌شود و زمین را پر از عدل وداد می‌کند و این بزرگان گفته‌های شیعیان را در این مورد تصدیق کرده‌اند که از جمله آن‌ها عبارتند از: سبط ابن‌جوزی در کتاب تذکرة الخواص، عبدالوهاب شعرانی در عقائدالاکابر ابن‌الخشاب در تواریخ موالیدالائمه و وفیاتهم، محمدبخاری‌حنفی در کتاب فصل‌الخطاب، احمدبن‌ابراهیم‌بلاذری در کتاب الحدیث‌المتسلسل و ابن‌صباغ‌مالکی در کتاب فصول‌المهمة و کمال‌الدین‌بن‌طلحه در کتاب مطالب السئوال فی مناقب الرسول و عارف عبدالرحمن در کتاب مرآة الاسرار.

۵۱
شاهد مثال

در ینابیع‌المودة باب ۷۹ آمده که: ولم یخلّف ولدا غیر ابی‌القاسم محمّد المنتظر المسّمی بالقائم والحجة والمهدی وصاحب‌الزمان وخاتم‌الائمه الاثناعشر عند الامامیة وکان مولد المنتظر لیلة النصف من شعبان سنة خمس و خمسین ومائتین امّه امّ ولد یقال لها نرجس توفی ابوه وهو ابن‌خمس سنین فاختفی الی الان...

برای آن حضرت (منظور امام حسن عسگری علیه‌السلام) فرزندی نماند مگر ابوالقاسم محمد منتظِر که نامیده شده است به قائم و حجّة و مهدی و صاحب‌الزمان و خاتم امامان دوازده‌گانه نزد امامیه و تولد آن امام منتظَر در نیمه شعبان سال دویست‌وپنجاه‌وپنج بوده که مادرش را نرجس می‌گفتند و او در موقع وفات پدر بزرگوارش پنج ساله بوده و تا الآن مخفی و پنهان می‌باشد.

۵۲
خبری واضح و غیرقابل انکار

ـ ابن‌حجر متوفای ۸۵۲ هجری قمری در فتح‌الباری می‌گوید: اخبار

(مهدی)به حد تواتر رسیده است که مهدی از این امت است و در هنگام ظهور عیسی‌بن‌مریم نازل می‌شود و پشت سر او نماز می‌خواند.[۱]

ـ ابن‌حجر هیثمی در کتاب صواعق‌المحرقه می‌گوید: احادیثی که ذکر ظهور مهدی در آن‌ها آمده است بسیار زیاد و متواتر است.[۲]

ـ پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: یکی از اهل‌بیت من حکومت را بدست می‌گیرد که اسمش اسم من است و هر آینه اگر از دنیا جز یک روز باقی نباشد خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا او حکومت کند.[۳]

و در روایتی دیگر فرمود:

دنیا تمام نمی‌شود تا مردی از اهل بیت من بر اعراب حکومت کند که نامش نام من است.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ما اهل‌بیتی هستیم که خداوند به جای دنیا آخرت را برای ما برگزید و همانا اهل‌بیتم پس از من آوارگی و مصیبت‌های بسیاری می‌بینند تا اینکه قومی از سوی مشرق برمی‌خیزند که دارای پرچم‌های سیاه هستند و طلب خیر می‌کنند که (خیر) به آن‌ها داده نمی‌شود.

پس می‌جنگند و پیروز می‌شوند و هرچه بخواهند به آن‌ها داده می‌شود ولی این بار نمی‌پذیرند تا این که حکومت را به دست مردی از اهل بیتم واگذار می‌کنند که جهان را پراز عدل کند پس از آنکه پر از ظلم شده باشد.[٤]

۵۳
خبری قبل از تولد امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

ـ مسنداحمدبن‌حنبل متوفای ۲۴۱ هجری و صحیح بخاری متوفای ۲۵۶ هجری از جمله کتب مشهور و معتبر اهل‌سنت است که قبل از تولد امام

۱. *فتح الباری*، ج ۵، ص ۳۶۲.
۲. *صواعق المحرقه*، ج ۲، ص ۲۱۱.
۳. *صحیح ترمذی*، ج ۴، ص ۴۳۹، ح ۲۲۳۲ و ۲۲۳۰.
۴. *سنن ابن‌ماجه قزوینی* متوفای ۲۷۹ هجری قمری، ج ۲، ح ۴۰۸۲ و ۴۰۸۷.

قائم ﷺ نوشته شده است و در آن‌ها احادیث مربوط به امام قائم ﷺ نقل شده است.[1]

۵۴
شش هزار خبر نورانی

رواجنی متوفای ۲۵۰ هجری قمری نیز از علمای اهل‌سنت است که کتابی به نام اخبارالمهدی را پیش از تولد امام عصر ﷺ نوشته است مولف کتاب امام مهدی ﷺ می‌نویسد: اگر اخبار رسیده از طریق شیعه و سنی روی هم شماره گردد روی هم رفته درباره امام مهدی ﷺ به بیش از ۶۰۰۰ روایت بر می‌خوریم...[2]

۵۵
نقلی تاریخی

ـ مورخ معروف اهل‌سنت علی‌بن‌حسین مسعودی در کتاب خود، مروج‌الذّهب آورده: در سال ۲۶۰ ابومحمد حسن‌بن‌علی ﷺ... در زمان خلافت معتمد عباسی درگذشت او به هنگام درگذشت ۲۹ سال داشت و او پدر مهدی منتظر است.[3]

و در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است که: اگر از عمر دنیا یک روز بیش‌تر باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی کند تا مردی از امت و خاندان من که نامش نام من است ظاهر شود و زمین را از عدل و داد پر کند چنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد.[4]

۵۶
گفتاری صحیح

آلوسی در غالیه‌المواعظ آورده:

---

۱. *مسند احمدبن‌حنبل* متوفای ۲۴۱ هجری قمری، ج ۱، ص ۸۴ و ۹۹ و ۴۴۸ و ج ۲، ص ۲۷ و ۳۷.
۲. *کتاب امام مهدی* ﷺ، ص ۶۶.
۳. *مروج الذهب*، ج ۴، ص ۱۹۹.
۴. *الفصول المهمة*، ابن‌صباغ مالکی، ص ۲۹۴.

«بـر اسـاس صحیح‌تریـن گفته‌هـا نـزد اکثـر اندیشـمندان ظهـور مهـدی از جمله نشـانه‌های قیامـت اسـت و نظـر برخـی از اهـل فضل...کـه آمـدن وی را انـکار نموده‌انـد فاقـد ارزش و اعتبـار اسـت...».

آلوسـی پـس از بررسـی و تحقیـق دربـاره روایـات امـام مهـدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف آورده: «مطالبـی را کـه دربـاره مهـدی بیـان کردیـم گفتـاری اسـت صحیـح از اقـوال اهـل سـنت و جماعـت».[1]

محمّدبن‌طلحـه شـافعی در مطالـب السـئوول فـی مناقـب آل‌الرسـول در وصـف امـام عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌نویسـد: «هو ابن‌ابی محمد العسگری و مولده بسامراء».

او فرزنـد ابامحمـد امـام حسـن عسـگری اسـت و محـل تولـدش سـامراء بـوده اسـت.

ـ ابن‌ابی‌الحدیـد نیـز در شـرح نهج‌البلاغـه خـود می‌گویـد: اتفـاق جمیـع مسـلمین بـر ایـن اسـت کـه دنیـا و تکلیـف آن بـه پایـان نمی‌رسـد مگـر بعـد از ظهـور حضـرت مهـدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.[2]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: مهدی موعود از عترت من و اولاد فاطمه است.[3]

و از همـان حضـرت نیـز روایـت کرده‌انـد کـه فرمـود: مهـدی طـاووس اهل‌بهشـت اسـت.[4]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: مهدی ما پیشانی بلند و بینی باریک دارد...[5]

ـ قنـدوزی نیـز در ینابیع‌المـودة آورده کـه خبـر معلـوم و مسـلّم در نـزد موثقـان ایـن اسـت کـه ولادت قائـم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در شـب نیمـه شـعبان سـال ۲۵۵ هجـری قمـری در شـهر سـامرا واقـع شـده اسـت.[6]

ـ رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

---

۱. *الامام‌المهدی عند اهلـــ السنه*، ج ۲، ص ۱۵۸ و ۱۶۰، «آلوسی تفسیر قرآنی دارد به نام روح المعانی، او آیاتی که در مورد اهل بیت و خصوصا در شـأن مولی الموحدین علی علیه‌السلام آمده را مکرر انکار نموده است اما یک چنین شخصی در مقابل امام مهدیعج و روایات آن تسلیم شده است چون هیچ شبهه و شکّی وجود ندارد.

۲. *نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید*، ج ۲، ص ۵۳۵.

۳. *فصول المهمه*، ابن‌صباغ مالکی، ص ۲۹۴.

۴. *فصول المهمه*،ابن‌صباغ مالکی، ص ۲۹۴.

۵. *ینابیع‌المودة*، قندوزی، ج ۳، ص ۱۶۳.

۶. *ینابیع‌المودة*، ج ۳، ص ۱۱۴.

مردی از ماوراءالنهر که او را حارث‌بن‌حرّاث می‌گویند قیام می‌کند.
در پیشاپیش او مردی در حرکت است که نامش منصور است.
و زمینه را برای حکومت آل محمد آماده می‌سازد...[1]

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی».[2]

یعنی: مردمی از مشرق زمین برمی‌خیزند که زمینه‌ساز حکومت مهدی ﷺ خواهند بود.

۵۷
بهترین اصحاب نقل حدیث کرده‌اند

ـ صاحب غایه‌المامول می‌گوید: بین علمای گذشته و حال مشهور است که باید مردی از اهل‌بیت در آخر الزمان ظهور کند که نامش مهدی است. او سپس می‌نویسد روایت مهدی را جماعتی از بهترین اصحاب نقل کرده و بزرگان از محدثین مانند ابوداود، ترمذی، ابن‌ماجه، طبرانی، ابویعلی، بزاز، امام احمدبن‌حنبل و حاکم، در کتاب‌های خود آورده‌اند، سپس تأکید می‌کند که: اشتباه کرده است کسی که احادیث مهدی را تخطئه کند و آن‌ها را نادرست بداند.

۵۸
معرفی کتب و منابع اهل سنت

حدود ۶۰ کتاب از کتب مرجع اهل سنت در مورد امام مهدی ﷺ روایات آمده که از جمله آن کتب می‌توان مستدرک صحیحین، تاریخ بغداد ۱۴ جلدی نوشته خطیب بغدادی متوفای ۴۶۳ هجری قمری، جامع ترمذی، صحیح مسلم و تأویل مختلفه‌الحدیث و استیعاب فی اسماءالاصحاب نوشته ابن‌عبدالبر ۲۴ جلدی متوفای ۴۶۳ هجری قمری، تاریخ ابن‌عساکر، مصابیح‌السنه و موارد دیگر را نام برد. کتبی که اهل سنّت پیرامون موضوع امام عصر ﷺ تألیف کرده‌اند:

---

۱. *سنن‌ابی داود*، جزء ۶، ص ۱۶۲.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۸۷، این روایت در حدود بیست کتاب از کتب اهل‌سنت وارد شده است.

عقدالدرر فی اخبارالامام المنتظر نوشته شیخ جمال‌الدین یوسف الدمشقی یکی از اعلام قرن هفتم هجری، القول‌المختصر فی علامات المهدی المنتظر تألیف ابن‌حجر متوفای ۸۵۲ هجری قمری، العرف‌الوردی فی اخبار المهدی نوشته سیوطی متوفای ۹۱۱، علامات المهدی نوشته سیوطی، احوال صاحب الزمان نوشته شیخ سعدالدین حموی.

۵۹

نوری برتر

ـ علامه گنجی در کتاب‌البیان فی اخبار صاحب الزمان پس از اعتراف به صحت خبرهای وارده درباره امامت امام زمان در نماز و جهاد و اجماعی بودن این تقدم و امامت، با بیان مفصلی ثابت می‌کند که آن حضرت به ملاک این امامت از حضرت مسیح برتر است.[۱]

۶۰

انکار نبوت همه انبیاء

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

کسی که قائم از فرزندان مرا انکار کند بدرستی که مرا انکار کرده است.[۲]

ـ قندوزی روایت کرده که پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله خطاب به علی علیه‌السلام فرمود: امامان بعد از من دوازده نفرند اول ایشان، ای علی تویی و آخر ایشان قائم است که خدا با دست او مشارق و مغارب زمین را می‌گشاید.[۳]

۶۱

اجرای همه احکام اسلام

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد ایّام حکومت حضرت مهدی می‌فرماید...برای ما دولتی هست که در آینده مقرر است و پس از دولت ما، دیگر دولتی نخواهد

---

۱. *البیان فی اخبار صاحب الزمان*، ص ۴۹۸.
۲. *ینابیع‌المودة*، ص ۴۵۸.
۳. *ینابیع‌المودة*، ص ۴۹۳.

بود.[1] و در روایت دیگری فرمود: در پایان روزگار امت من زمام داری (حضرت مهدی) می‌آید که بی‌دریغ و بی‌شمارش عطا و اسلام را با تمام ابعادش پیاده می‌کند.[2]

۶۲
دورنمای کلی موضوع

در کتاب منتخب‌الاثر احادیث مربوط به امام مهدی ﷺ را مؤلف با بیش از ۶۰ مصدر معتبر از اهل سنّت من جمله از صحاح شش گانه و بیش از ۹۰ مصدر از کتابهای شیعیان من جمله کتب اربعه نقل کرده و آورده است.

تمامی احادیث اهل سنّت و شیعیان درباره امام مهدی ﷺ که در کتاب‌ها و مصادر خود به نقل از حضرت رسول یا ائمه‌اطهار ﷺ آورده‌اند و آیات قرآنی که تاویلش درباره امام عصر ﷺ می‌باشد در کتاب وزین و وسیع «معجم احادیث الامام‌المهدی» به طور زیبا جمع‌آوری شده است.[3]

ـ روایت‌ها در باب مهدویت که از طریق شیعه و سنی نقل شده به بیش از ۶۰۰۰ روایت می‌رسد مُسلّم باید توجه داشت هر موضوعی بیشتر تکرار شده است قطعا بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد مثلا اگر پدری مطلبی را درباره فرزندش به کرّات تکرار کند آن فرزند و دیگران می‌یابند که این مطلب به طور خاص بیشتر مورد توجه پدر است لذا در باب مسائل دینی کم مبحثی را داریم که پیرامون آن ۶۰۰۰ حدیث نقل شده باشد و این نهایت اهمیت موضوع می‌باشد فأفهم و تأمل.

۶۳
آمار و فهرست عددی روایات درباره امام مهدی ﷺ

در اینجا بخشی از آمار احادیث امام مهدی ﷺ از کتاب شریف منتخب‌الاثر

---

۱. *نورالابصار*، ص ۲۳۱.
۲. *صحیح مسلم*، ج ۸، ص ۱۸۵.
۳. *معجم احادیث الامام المهدی* چاپ بنیاد معارف اسلامی قم که در پنج جلد به اتمام رسیده و چاپ شده است این کتاب در نوع خود مجموعه‌ای بی‌نظیر می‌باشد.

آورده می‌شود. امام مهدی مردم را به هدایت و قرآن و سنّت برمی‌گرداند: ۱۵ حدیث.

روش او روش پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌باشد: ۳۰ حدیث.

ولادتش پنهان می‌باشد: ۱۴ حدیث.

او از خاندان و ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله است: ۳۸۹ حدیث.

اسم پدرش حسن علیه السلام است: ۱۴۷ حدیث.

در این کتاب صرف نظر از احادیث فوق حدود ۲۰۰۰ حدیث پیرامون بقیه ابعاد زندگی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آورده شده است.[۱]

در فصل سوم باب اول این کتاب نام بسیاری از علمای اهل سنت که قائل به امامت و حیات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده‌اند نیز ذکر شده است.

هم کنیه بودن امام زمان با رسول خدا صلی الله علیه و آله به تعداد ۴۸ حدیث در کتب روایی شیعه آمده است.

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای القاب بسیاری است حاجی نوری برای آن امام بیش از ۱۵۰ لقب همراه با مستندات روایی در کتاب خود آورده، و مرحوم میرزا جوادآقا ملکی تبریزی نیز در جلد اوّل کتاب المراقبات القابی را برای امام بر شمرده است.

اباصالح از القاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که حاجی نوری در این زمینه آورده است: این لقب در اخبار خاصه (شیعه) مأخذی ندارد مگر خبری که احمدبن‌محمدبن‌خالد برقی در کتاب محاسن از ابوبصیر نقل کرده که او می‌گوید امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه در راه گم شدی بگو: **یا صالح (یا اباصالح) ارشدنا ای الطریق رحمکم اللّه.**

علی‌بن‌ابی حمزه می‌گوید: ما در راه گم شدیم و این ذکر را که گفتیم راه را به ما نشان دادند.

و اباصالح که در عرب به آن کنیه گفته می‌شود وجود فرزندی را برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام صالح اثبات نمی‌کند و به کارگیری کنیه در عرب الزاما به معنای وجود حقیقی فرزند نمی‌باشد.[۲]

---

۱. *نوید امن و امان*، ص ۶۷.

۲. *نجم‌الثاقب* ، ص ۵۷۳.

امام مهدی دوازدهمین امام است: ۱۸۵ حدیث آمده است.

امام مهدی یازدهمین فرزند امام‌علی است: ۲۱۴ حدیث.

مهدی از سلاله فاطمه‌زهرا: ۱۹۲ حدیث.

مهدی نهمین فرزند امام حسین است: ۳۰۸ حدیث.

امام مهدی فرزند سایر امامان به تفکیک نقل شد جمع آن‌ها به ۹۶۹ حدیث می‌رسد.

امام مهدی فرزند بلافصل از صلب مطهر امام عسگری است: ۲۹۳ حدیث.

غیبت آن حضرت به صغری و کبری تقسیم می‌شود: ۱۰ حدیث.

اشاره به عمر طولانی امام: ۳۱۸ روایت.

دولت امام زمان و پر شدن زمین از عدل و داد: ۱۲۳ روایت.

حضور یاران امام در کنار ایشان به سرعت یک چشم بر هم زدن: ۲۵ حدیث.

حضرت عیسی به امام در نماز اقتداء می‌کند: ۲۹ حدیث.

منادی آسمانی حضرت را با اسم معرفی می‌کند: ۲۷ حدیث.

بخش ٦

تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۶۴

عامل دلگرمی شیعیان

مسعودی در مروج الذهب می‌نویسد: در سال ۲۳۵ هجری به دستور متوکل عباسی امام دهم حضرت هادی و فرزند خردسالش امام‌حسن عسگری علیه السلام را از مدینه به سامرا پایتخت خود احضار کرد و در محله عسکر تحت نظر قرار داد.

علت آن این بود که به متوکل خبر دادند جنب و جوشی در میان شیعیان پدید آمده و آن‌ها نزدیک بودن زمان ولادت قائم موعود را به یکدیگر نوید می‌دهند. و شخص او را در خانه امام دهم و فرزند جوانش جستجو می‌کنند.

متوکل دستور داد تا مأمورین زن و مرد بر خانه امام گماشتند تا از تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطلع شود حتی خلفای بعد از متوکل نیز همین رویه را تعقیب کردند.

۶۵

متن نامه متوکل

خلیفه پلید عباسی متوکل نامه‌ای برای امام هادی نوشت که طی آن نامه نیرنگ‌آمیز، امام هادی و امام حسن عسگری در واقع با زور از مدینه به سامرا تبعید شدند و در محاصره نیروهای نظامی قرار گرفتند و امام عسگری در سن کمتر از پنج سالگی بود که به همراه پدر بزرگوارشان از مدینه به سامرا انتقال یافتند.

متوکل بارها می‌گفت که موضوع ابن‌الرضا مرا خسته و درمانده کرده است لذا با نامه منافقانه‌اش منجر به اقامت اجباری امام عسگری در سامرا شد.[۱]

ـ متن نامه متوکل عباسی به امام هادی و امام حسن عسگری:

۶۶

بسم‌الله الرحمن الرحیم

اما بعد، همانا امیرالمؤمنین (یعنی متوکل عباسی) قدر تو را می‌شناسد و خویشاوندی تو را (با پیغمبر و هم با خود) رعایت می‌کند و حق تو را لازم می‌داند و برای اصلاح تو و خانواده‌ات و عزّت و خوشبختی تو و آسودگی تو و ایشان هر چه لازم باشد فراهم می‌کند و از این رفتار خشنودی پروردگار و انجام حقی که از تو و ایشان بر او واجب است طلب می‌کند.[۲]

امیرالمؤمنین مشتاق دیدار و تجدید عهد با شما است شما هم تا هر زمانی که می‌خواهی دیدار و اقامت نزد او داشته باشی حرکت کن...[۳]

---

۱. در بین ائمه‌اطهار فقط امام عسگری است که به علت حصر نتوانستند حج و عمره به عمل آورند، لذا شایسته است مؤمنین از طرف آن امام نیابتا این اعمال را بجا آورند.

۲. امام عسگری با شش تن از خلفای سفاک بنی‌عباس معاصر بودند که آن‌ها عبارتند از متوکل ـ منتصر ـ مستعین ـ المعتز ـ مهتدی ـ معتمد.

۳. به امام جواد و امام هادی و امام عسگری ابن‌الرضا می‌گفته‌اند.

۶۷

سرّی پنهان

در روایات است که وصلت و ازدواج امام عسگری علیه السلام نیز به طور سرّی و ساده آن هم در خانه عمه‌اش انجام گرفت.

ـ به خاطر وضعیت حساس و مراقبت شدید، امام دهم مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عمه‌اش حکمیه سپرد تا او را در خانه خود نگاه دارد.

از این رو هیچ کسی از ازدواج امام حسن عسگری و تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خبری نداشت این قرنطینه شدید آنچنان بود که حتی حضرت وقتی به عمّه‌اش فرمود: امشب مولود ما (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) قدم به عالم وجود می‌گذارد و آن راز بزرگ الهی آشکار می‌شود.

حکیمه می‌پرسد: این مولود از کدامیک از بانوان است؟

حضرت می‌فرماید: از نرجس.

حکیمه می‌گوید: من اثر حاملگی در نرجس نمی‌بینم.

حضرت می‌فرماید:

(همین که گفتم) او مانند مادر موسی است که تا لحظه وضع حمل کسی از وضع او اطلاع نداشت.

۶۸

تولدی اسرارآمیز

حدود دو قرن قبل از تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روایاتی نقل شده که حکایت بر پنهان بودن تولد آن امام دارد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: ولادت قائم ما بر مردم پوشیده می‌ماند و خودش از نظرها غائب می‌شود.

امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: خداوند ولادت قائم ما را پوشیده می‌دارد و خود او از نظرها پنهان می‌گردد تا وقتی آشکار گردد بیعت کسی بر گردن او نباشد.

امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: قائم ما ولادتش بر مردم پوشیده می‌ماند تا جائی که مردم می‌گویند چرا تاکنون متولد نشده است؟

امام باقر علیه‌السلام به عبدالله‌بن‌عطاء می‌فرماید: ای پسر عطا من صاحب الزمان نیستم نگاه کنید آنکس که ولادتش بر مردم پوشیده می‌ماند صاحب‌الامر شماست.

۶۹

شرحی کوتاه از زندگی مادر امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

بشیرابن‌سلیمان می‌گوید:

در شبی از شبها در خانه خود بودم که درب به صدا درآمد لباسم را به تن کرده و برای باز کردن درب راهی شدم با تعجب «کافور» غلام امام علی‌النقی علیه‌السلام را در پشت درب دیدم.

هراسان از او پرسیدم چه شده که این وقت شب به نزد من آمده‌ای کافور گفت: حضرت شما را احضار کرده‌اند قدری در فکر فرو رفتم اما وقتی اصرار کافور را دیدم زمان را تلف نکردم به داخل برگشته لباس کامل به تن کرده و به دیدار حضرت رفتم وقتی خدمت امام رسیدم در نزد ایشان امام‌حسن عسگری علیه‌السلام و خواهرش حکیمه خاتون که در پس پرده قرار داشت نیز حضور داشتند.

حضرت بعد از کمی مکث و سکوت رو به من کرد و گفت: ای «بشیرابن‌سلیمان انصاری» تو از اولاد انصار هستی و دوستی شما نسبت به اهل‌بیت پیوسته میان شما برقرار بوده به طوری که فرزندان شما نیز آن را به ارث خواهند برد و شما مورد وثوق ما می‌باشید.

در این وقت متوجه شدم که امام مطالب مهمی دارند سرا پا گوش شدم و کاملاً توجه خود را معطوف به سخنان حضرت کردم با این حال اضطرابی خاص داشتم و انتظار می‌کشیدم، حضرت سپس ادامه دادند که می‌خواهم تو را فضیلتی دهم که در مقام دوستی با ما بر سایر شیعیان پیشی گیری.

بـا ایـن سـخن حضـرت، رغبتـم بـرای شـنیدن بیشـتر شـد و شـادی خاصـی مـرا فـرا گرفـت.

حضـرت از رازی مـرا خبـر دادنـد سـپس کاغـذ و قلـم آوردنـد و نامـه‌ای بـا خـط خـوش و بـه زبـان رومـی نگاشـتند اگـر چـه بـرای مـن تعجبـی از زبـان رومـی نگاشـتن امـام نبـود امـا بدنبـال مقصـود کار می‌گشـتم.

بالاخـره نامـه نگاشـته شـد و (ممهـور بـه خاتـم مبـارک نیـز گشـت)[1] پـس از آن حضـرت رو بـه مـن کـرد کیسـه زری کـه در آن دویسـت و بیسـت اشـرفی بـود بیـرون آورده و بـه مـن داد حضـرت در حالـی کـه کیسـه را بـه مـن مـی‌داد گفتنـد، بـه بغـداد مـی‌روی و صبـح فـلان روز در سـر پـل فـرات حضـور می‌یابـی.

چـون کشـتی حامـل اسـیران نزدیـک شـد و اسـیران را دیـدی، می‌بینـی کـه مشـتریان (بـرای خریـد بـردگان رومـی) فرسـتادگان اشـراف بنی‌عبـاس و قلیلـی از جوانـان عـرب می‌باشـند در ایـن موقـع مواظـب شـخصی بـه نـام «عمربن‌زیـد» بـرده فـروش بـاش او قصـد دارد کنیـزی را بـا اوصافـی مخصـوص از جملـه: دو لبـاس حریـر پوشـیده کـه خـود را از معـرض فـروش و دسـترس مشـتریان حفـظ می‌کنـد بـه مشـتریان عرضـه کنـد.

در ایـن وقـت صـدای نالـه‌ای بـه زبـان رومـی بـه گـوش تـو خواهـد رسـید کـه از اسـارت و هتـک احتـرام خـود می‌نالـد و در ایـن زمـان یـک مشـتری نـزد عمربن‌زیـد مـی‌رود و بـرای خریـد او پیشـنهاد سـیصد دینـار می‌کنـد امـا آن کنیـز بـه زبـان عربـی از پشـت پـرده شـروع بـه سـخن بـا او، کـرده و بـه او می‌گویـد: اگـر تـو حضـرت سـلیمان و دارای حشـمت او نیـز باشـی نخواهـم گذاشـت مـرا بـه تـو بفروشـند، بیهـوده مـال خـود را تلـف مکـن زیـرا کـه اگـر چنیـن کننـد مـن خـود را خواهـم کشـت.

«عمربن‌زیـد» در ایـن هنـگام بـا صـدای بلنـد می‌گویـد: پـس چـاره چیسـت و تکلیـف مـن چـه می‌باشـد؟ و بـا کنیـز اتمـام حجـت می‌کنـد کـه مـن تـو را خواهـم فروخـت در ایـن زمـان کنیـز می‌گویـد: چـرا شـتاب می‌کنـی قـدری

---

۱. بر، نامه مُهر زدند.

تحمل داشته باش حتما خریداری که من انتظار او را می‌کشم و قلب من به او و امانت او آرام می‌گیرد خواهد آمد.

در این هنگام فرصت را غنیمت شمار و نزد فروشنده برو و بگو من حامل نامه‌ای هستم که یکی از بزرگان به خط و زبان رومی نوشته است نامه را به کنیز بده تا درباره نویسنده آن بیندیشد سپس او را از فروشنده خریداری کن و نزد ما بیاور.

۷۰
در کنار فرات

بشیر می‌گوید: من برای سفر آماده شدم از سامرا به بغداد و از آنجا به کنار فرات رفتم انتظار کاروانی با مشخصات گفته شده را می‌کشیدم تمامی حواسم را جمع کرده بودم تا اشتباهی رخ ندهد بالاخره انتظار به پایان رسید صدای نزدیک شدن کجاوه‌ها به گوش می‌رسید.

پس از اینکه مشخص شد کجاوه‌ها حامل کنیزانی است که برای فروش آورده شده‌اند عده‌ای با شتاب به طرف آن‌ها حرکت کردند من نیز به سرعت حرکت خود افزودم و مرتب به این طرف و آن طرف می‌رفتم و هر صدایی که از کنیزان بلند می‌شد، سعی در شنیدن آن داشتم.

با خود می‌گفتم، نکند صحبتی گفته شود و من نشنوم، بعد به خود دل داری می‌دادم و می‌گفتم، آنچه امام فرموده رخ خواهد داد.

در این موقع صدایی به گوشم رسید که حاکی از اعتراض یکی از برده فروش‌ها به یکی از کنیزان بود، وقتی بیشتر توجه کردم دیدم به آنچه امام فرموده بودند نزدیک می‌شوم و وقتی خوب توجه کردم تکلم عربی زن به گوشم رسید، آرامش خاصی یافتم، پس از اینکه خریداری پیشنهاد سیصد درهم کرد بود فروشنده حاضر به فروش شده بود ولی کنیز تهدید به خودکشی نمود مطمئن شدم که به مقصود رسیده‌ام این بود که جلو رفتم و نامه امام را به کنیز رومی دادم نامه را گرفت و وقتی چشم به نوشته

انداخت اختیار از کف داد و شروع به گریستن کرد، کنیز خطاب به فروشنده گفت: مرا به صاحب این نامه به فروش و سوگند یاد کرد که اگر از فروش او به صاحب نامه خودداری شود خود را هلاک خواهد کرد من در تعیین قیمت او با فروشنده گفتگوی بسیار کردم تا به همان مبلغ که امام به من داده بود راضی شد.

پول را به وی تسلیم نمودم و با کنیز که خندان و شادان بود به محلی در بغداد آمدیم در آن حال با بی‌قراری زیاد نامه امام را بیرون آورده و می‌بوسید و روی دیدگان خود می‌نهاد.

من گفتم، عجبا! نامه‌ایی را می‌بوسی که نویسنده آن را نمی‌شناسی.

گفت: ای درمانده کم معرفت! گوش فرا ده و دل سوی من بدار، تا رازی را برای تو که امانتدار امام شیعیان هستی باز گویم من «ملیکه» دختر «یشوعا» پسر قیصر روم هستم مادرم از فرزندان حواریون است و به شمعون، وصی حضرت عیسی علیه السلام نسبم می‌رسد.

قیصر پدربزرگ من قصد داشت تا مرا که تنها سیزده سال داشتم به عقد و ازدواج برادرزاده‌اش درآورد لذا سیصد تن از کشیشان بزرگ مسیحی از دودمان حواریون حضرت عیسی علیه السلام و هفتصد نفر از اعیان و اشرف و چهار هزار نفر از امراء و فرماندهان و سران لشکر و بزرگان مملکت و همچنین اسقف اعظم را در مراسم بسیار با شکوهی دعوت کرد، تختی آراسته بودند که با انواع جواهرات قیمتی تزئین شده و بر روی چهل پایه بنا شده بود.

همه شرکت کنندگان بهترین لباسهای خود را پوشیده و بهترین جواهرات را به خود آویخته بودند و بی‌صبرانه انتظار ورود عروس و داماد را می‌کشیدند، بالاخره انتظار به پایان رسید، قیصر روم با شکوه و جلال وارد مجلس شد و سپس پسر عموی پدرم وارد شد و آهسته با کمک کسان خود بر روی تخت قرار گرفت اسقفها آماده جاری کردن عقد بودند.

صلیب‌ها آراسته شد و انجیلها آماده، اسقف اعظم نیز برای اجرای عقد آماده گشت همه چیز همانطور که انتظار می‌رفت پیش رفته بود اسقف

اعظم انجیل را گشود اما تا لب به سخن باز کرد ماجرای حیرت انگیزی رخ داد.

صلیب‌ها فرو افتاد و پایه‌های تخت متزلزل گشت و داماد از بالا به زیر افتاد و بی‌هوش شد، همه در حیرت فرو رفتند و چهره‌ها در هم گرفته شد و شادی که در مجلس حاکم بود مبدل به ناراحتی گشت، اسقف اعظم رو به قیصر روم کرد و با حالتی همراه با التماس گفت: پادشاها ما را از مشاهده این اوضاع منحوس که نشانه زوال دین مسیح و مذهب پادشاهی است معاف بدار!

اما قیصر برآشفته شده و گفت:

باید بار دیگر مجلس ترمیم شده و صلیبها استوار گردد و دستور داد داماد را بیاورند تا هر طور که هست به عقد من در آورده شود اما چون دوباره همه چیز آماده گشت، چهره نگران کشیشان وحشت عجیبی در دل حاضران انداخته بود، اسقف اعظم نیز در حالی که بسیار نگران و مضطرب به نظر می‌رسید انجیل را گشود اما باز هنوز لب نگشوده بود که وضعیت قبل تکرار شد.

حاضران هراسناک پا به فرار گذاشته و از مجلس گریختند و مراسم عروسی انجام نشد.

۷۱

وصلت با برکت

حضرت نرجس خاتون علیهاالسلام در ادامه افزودند: شب هنگام در خواب حضرت عیسی و شمعون وصی او و گروهی از حواریون را دیدم که در قصر قیصر و پدربزرگم اجتماع کرده‌اندو در جای تخت زرین منهدم شده منبری نورانی قرار گرفته است چیزی نگذشت که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله پیغمبر خاتم و داماد و جانشین او و جمعی از فرزندان وی وارد قصر شدند حضرت عیسی علیه‌السلام به استقبال شتافت و با محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله معانقه کرد و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: یا روح‌الله! من به خواستگاری دختر

وصی شما شمعون، برای فرزندم آمده‌ام و در این هنگام اشاره به امام حسن عسگری علیه السلام نمود. حضرت عیسی نگاهی به شمعون کرده و گفت: شرافت به سوی تو روی آورد با این وصلت با میمنت موافقت کن، وصل کن رحم خود را به رحم آل محمد صلی الله علیه و آله[1] او هم گفت: موافقم.

پس محمد صلی الله علیه و آله بالای منبر نورانی رفت و خطبه‌ای فرمود و مرا برای فرزندش تزویج کرد و حضرت عیسی و فرزندان خود و حواریون را گواه گرفت.

چون از خواب برخاستم از بیم جان خود خواب را برای پدرو پدربزرگم نقل نکردم و همواره آن را پوشیده می‌داشتم.

بعد از آن شب چنان قلبم از محبت امام حسن عسگری علیه السلام موج می‌زد که از خوردن و آشامیدن باز ماندم و کم‌کم لاغر و رنجور گشتم و بیماری سختی مرا فرا گرفت.

پدربزرگم تمام پزشکان را احضار نمود و از مداوای من سؤال کرد و چون مایوس گردید گفت: نور دیده: هر خواهشی داری بگو تا در انجام آن بکوشم؟

گفتم: پدرجان! اگر در به روی اسیران مسلمان بگشایی و آن‌ها را از قید و بند و زندان آزاد گردانی امید است که عیسی و مادرش مرا شفا دهند.

قیصر تقاضای مرا پذیرفت و من نیز به ظاهر اظهار بهبودی کردم و کمی غذا خوردم پدربزرگم نیز از این واقعه خشنود گردید و سعی در رعایت حال اسیران مسلمین و احترام آنان نمود.

۷۲

شب چهاردهم

حضرت نرجس خاتون علیها السلام در ادامه فرمود:

---

۱. بر خلاف تصور عامه با این که شمعون جد مادری نرجس است و غالبا می‌بایست نسب و حسب و انتقال نسل از طرف پدر باشد یکبار دیگر انتقال ذریه شمعون از ناحیه نرجس به خاندان عصمت و طهارت وصل می‌شود. نرجس نوه سزار بار داس است که لقب وی به عربی قیصر است.

چهارده شب بعد از این ماجرا باز در خواب دیدم که حضرت فاطمه علیهاالسلام با حضرت مریم و حواریون بهشتی به عیادت من آمده‌اند.

حضرت مریم رو به من نمود و فرمود: این بانوی بانوان جهان و مادر شوهر تو است من دامن مبارک او را گرفتم و گریه نمودم و از نیامدن امام حسن عسگری علیه‌السلام به دیدنم شکایت کردم حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: او به عیادت تو نخواهم آمد زیرا تو مشرک به خدا و پیرو مذهب نصاری هستی.

سپس فرمود: این خواهر من مریم است که از دین تو به خداوند پناه می‌برد اگر می‌خواهی خدا و عیسی و مریم از تو خشنود باشند و میل داری فرزندم به دیدنت بیاید به یگانگی خداوند و اینکه محمد پدر من، خاتم پیامبران است گواهی بده.

چون این کلمات را ادا نمودم فاطمه علیهاالسلام مرا در آغوش گرفت و بدین گونه حالم بهبود یافت سپس فرمود: اکنون منتظر فرزندم باش که او را نزد تو خواهم فرستاد چون از خواب برخاستم شوق زیادی برای ملاقات حضرت در خود حس کردم.

۷۳
شب فراق پایان یافت

شب بعد امام را در خواب دیدم و در حالی که از گذشته شکوه می‌نمودم فرمودند نیامدن من پس از اینکه پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله (ما را به عقد هم درآورد)، علتی جز مذهب سابق تو نداشت و اکنون که اسلام آورده‌ای به دیدنت می‌آیم.

بشربن‌سلیمان پرسید، چطور شد که به میان اسیران افتادی؟

نرجس خاتون گفت: در یکی از شبها در عالم خواب امام حسن عسگری علیه‌السلام فرمود: فلان روز قیصر لشکری به جنگ مسلمانان می‌فرستد تو هم به طور ناشناس در لباس خدمتکاران همراه عده‌ای از کنیزان از فلان راه به آن‌ها ملحق شو.

سپس پیشقراولان اسلام مطلع شدند و ما را اسیر گرفتند و کار من به اینگونه که دیدی انجام پذیرفت ولی تاکنون به کسی نگفته‌ام که نوه پادشاه روم هستم حتی پیرمردی که در تقسیم غنائم جنگی، من جزء سهم او بودم نامم را پرسید ولی من اظهار نکردم و گفتم: نرجس.

گفتم: عجیب است که تو رومی هستی و عربی را بسیار خوب تکلم می‌کنی؟!

گفت: جدم در تربیت من جهدی بلیغ داشت او زنی را که چندین زبان می‌دانست معین کرده بود که صبح و شام نزد من آمده زبان عربی به من بیاموزد و به همین جهت عربی را به خوبی آموخته‌ام.

چون به سامرا رسیدیم با عزت و احترام شاهزاده رومی را به خدمت امام بردم و حضرت پس از دیدن او شاد شدند امام از او پرسیدند: عزّت اسلام و ذلت نصاری و شرف خاندان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را چگونه دیدی؟ گفت: درباره چیزی که شما از من داناتر می‌باشید چه عرض کنم؟

فرمود: می‌خواهم ده هزار دینار یا مژده‌ای مسرت‌انگیز به تو بدهم، کدام یک را انتخاب می‌کنی؟

عرض کرد: مژده فرزندی به من دهید! فرمود: تو را مژده به فرزندی می‌دهم که شرق و غرب عالم را مالک شود جهان را از عدل و داد پر گرداند وقتی که پر از ظلم و جور شده باشد.

در این وقت امام گفت به خواهرم حکیمه بگویید نزد من بیاید، چون آن بانوی محترم آمد، فرمود: خواهر این زن همان است که گفته بودم حکیمه خاتون آن بانو را مدتی در آغوش گرفت و از دیدارش شادمان گردید.

امام علیه‌السلام خطاب به خواهرش گفت: ای دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله او را با خود به منزل ببر و به او دستورات دینی را بیاموز زیرا که او همسر فرزندم حسن و مادر قائم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است.[1]

---

۱. *منتهی‌الامال*، ابن‌بابویه و شیخ طوسی نیز به سندهای معتبر این جریان را نقل کرده‌اند.

۷۴

رحلت مادر امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و غفلتی بزرگ

مـادر بزرگـوار حضـرت حجةبن‌الحسـن (علیـه آلاف التحیـه و الثنـاء) طبـق بعضـی نقل‌هـا دو سـال قبـل از شـهادت امـام حسـن عسـگری علیه‌السلام در حالـی کـه امـام عصـر سـه سـاله بودنـد از دنیـا رحلـت کردنـد.[۱]

ـ مـادر حضـرت مهـدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه نامـش ملیکـه، ملیـکا، سوسـن، حکیمـه، خمـس، مریـم، ریحانـه، سـبیکه، صیقـل، و نرجـس بـوده اسـت.

ـ مـادر امـام عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه از طـرف پـدری دختـر یوشـعا فرزنـد امپراتـور روم شـرقی بـود و از طـرف مـادر نـوه شـمعون اسـت کـه از یـاران مخصـوص حضـرت عیسـی‌بن‌مریم علیه‌السلام و وصـی او نیـز بـود.[۲]

۷۵

پرستار میدان جنگ

ـ مـادر امـام عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه بـا عـده‌ای بـرای پانسـمان زخم‌هـای سـربازان مجـروح بـه جبهـه عزیمـت کـرد و ایـن جنـگ در جنـوب شـرقی اروپـا میـان رومیـان و ارتـش اسـلام رخ داده بـود.

پیشـتازان اسـلام بعـد از شکسـت دادن دشـمن بـه ایـن اکیـپ برخـورد کـرده آن‌هـا را اسـیر کردنـد و هیـچ کـس متوجـه نشـد کـه دختـر قیصـر هـم در میـان آن‌هـا اسـت.

تـا اینکـه توسـط بشیربن‌سـلیمان کـه یکـی از دوسـتان امـام عسـگری علیه‌السلام و از

۱. *حیاة الامام المهدی*، ص ۱۱۶.
در این که تاریخ رحلت مادر گرامی امام‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه متعدد نقل شـده شکی نیست ولیکن در این میان نبایستی در تنها کشـور شـیعی در جهان، روزی را به نام رحلت مادر امام‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه تعیین نمود تا بدین وسیله به ساحت آن امام عزیز عرض ارادتی شده و در ادای حق مودة القربی و ادای اجر رسالت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اقدامی شده باشد.
این که روزی را با این مناسبت *اختصاص* دهیم و به نقطه مشترک در مورد تعیین روز رحلت مادر امام‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه به اجماع برسیم. کار سختی به نظر نمی‌آید، لذا ضرورت دارد متولیانی که دراین خصوص وظیفه دارند در تعیین این روز ولو به طور اجماعی اقدام لازم را به عمل آورند تا پرونده این غفلت بزرگ بسته شود. ان‌شاءالله
۲. نرجس بر اساس حروف ابجد ۳۱۳ می‌شود.

نسل ابوایوب انصاری بود در زمان امام هادی توسط آن صحابی خریده شد و نزد امام آورده شد.

۷۶
نور بی‌پایان رسید

چون لحظه ولادتشان فرا رسید نوری شدید فضای اتاق را فرا گرفت به طوری که نرجس خاتون از دیدگان حضرت حکیمه عمه امام عسگری که به دستور امام یازدهم در آن شب تاریخی به سبب یاری رسانی در امر ولادت حضرت مهدی در منزل امام مانده بود پنهان شد و لحظه‌ای بعد در میان بهت و حیرت و نگرانی حکیمه خاتون نوزادی نمایان شد و امر ولادت تحقق یافت.[۱]

نیمه شعبان ۲۵۵ هجری نزدیک طلوع فجر حکیمه خاتون عمه پدر امام عصر و دختر امام جواد فرزند را گرفت در حالی که بر بازویش با نور نوشته شده بود: «جاالحق و زهق الباطل».

از امام رضا نقل شده که او با دو زانوی خود روی زمین قرار می‌گیرد در حالی که انگشت سبابه‌اش را به طرف آسمان بلند کرده عطسه می‌کند و می‌گوید: «الحمدللّه رب العالمین و صلی‌اللّه علی محمّد و آله عبد ذاکرللّه غیر مستنکف ولا مستکبر...».

همین که آن حضرت پا به عرصه وجود نهادند سر به سجده گذاشتند و پس از ادای شهادت به پیامبری حضرت محمّد و امامت یازده امام قبل از خود، از امامت خویش سخن گفتند و از خداوند سبحان مسالت کردند که ظهورشان در وقت مقرّر تحقّق یابد تا بدست عدالت گستر ایشان دنیا پر از قسط و عدل و داد شود.[۲]

از غیاث‌بن‌اسد روایت شده که از جناب محمّدبن‌عثمان که یکی از نواب اربعه امام زمان بوده است شنیدم که فرمود:

---

۱. *منتهی الامال*، ج ۲، ص ۲۸۵.
۲. *منتهی الامال*، ج ۲، ص ۲۸۵.

Presented by: jafrilibrary.com

هنگامی که حجت منتظر متولد شدند نوری از بالای سرشان ساطع گردید و حضرت عرضه می‌داشتند: خداوندا به یگانگی تو اعتراف می‌کنم و گواهی می‌دهم که ملائکه آسمان و صاحبان علم و عدل و داد قیام می‌کنند و نیست خدایی جز او که حکیم و مقتدر است خداوندا تنها دینی که نزد تو اعتبار و رسمیت دارد اسلام است.[1]

۷۷
منجمین چه گفتند

تولّد امام مهدی در سپیده دم جمعه در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری مطابق با ۸۶۸ میلادی در شهر سامّرا در خانه امام یازدهم بود.[2]

در زمان تولد امام عصر در شهر قم یک منجم یهودی زندگی می‌کرد احمدبن‌اسحاق وکیل امام حسن عسگری در قم این منجم را احضار کرد و به او فرمود: در چنین وقتی کودکی بدنیا آمده میلاد و طالع او را ملاحظه کن ؟

یهودی در طالع او نگاه کرد و عملیات خود را انجام داد او در پاسخ به اسحاق گفت: ستاره‌ها را نمی‌توانم ببینم تا محاسبه کنم اما این مولود یا پیغمبر است یا جانشین پیامبر از طالع او می‌فهمم که به شرق و غرب دنیا مالک خواهد شد و بر تمام بیابان‌ها و کوه‌ها مسلط می‌شود به طوری که در روی زمین کسی نمی‌ماند مگر اینکه به او نزدیک می‌شود و به ولایت او معتقد می‌گردد.[3]

۷۸
تولّد او را این چنین منتشر کرد

عمری نخستین نماینده و سفیر امام عصر می‌گوید:

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۱۶.
۲. *کافی*، ج ۱، ص ۵۱۴ـ *ارشاد مفید*، ص ۳۲۶ ـ در بعضی از روایات تولّد امام ۲۵۶ هجری قمری ذکر شده است.
۳. روز رهائی، احمدبن‌اسحاق فرزند سعدبن‌مالک‌بن‌احوص اشعری قمی است و وکیل اموال امام بود امام عسگری قبل از تشرف او طی نامه‌ای تولد حضرت حجت را به او خبر داده بود.

وقتـی امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف متولّـد شـد امـام عسـگری فرمـود: دنبـال ابی‌عمـرو برویـد. او حاضـر شـد، امـام بـه او دسـتور داد ده هـزار رطـل گوشـت خریـداری کنـد و بـه تعـداد خانواده‌هـای بنی‌هاشـم تقسـیم‌بندی کنـد.

سـپس عقیقـه کـرده بـرای آن‌هـا بفرسـتد و بـرای هـر یـک از اصحـاب خـود یـک راس گوسـفند سـر بریـده، فرسـتاد و بـه یکـی از اصحـاب خـود دسـتور داد ایـن صدقه‌هـا را توزیـع کنـد سـپس چهـار راس قـوچ بـرای یکـی از اصحـاب خـود در خـارج سـامرا فرسـتاد و در نامـه‌ای نوشـت کـه: این‌هـا را بـرای فرزنـدم مهـدی عقیقـه کـن و بـه هـر یکـی از شـیعیان مـا دسـت پیـدا کـردی اطعـام کـن.[1]

حضـرت سـعی وسیع داشـتند تـا خبـر تولـد امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بـه شـیعیان برسـد و وقتـی بعضـی از اصحـاب بـه دیـدن امـام عسـگری می‌آمدنـد حضـرت امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیـز بـه آن‌هـا نشـان مـی‌داد.

۷۹
قابله غریبه

در تاریـخ اسـت کـه حضـرت امـام عسـگری علیه السلام دسـتور داد غیـر از افـراد خانـواده و شـیعیان یـک قابلـه بیگانـه هـم بیایـد و مولـود را مشـاهده کنـد و جریـان را بـه تمـام همسـایه‌ها برسـاند تـا همـه بداننـد کـه قضیـه حتمـی اسـت نقـل شـده کـه امـام عسـگری بـه ایـن قابلـه اجـرت بیشـتری داد و از او خواسـت کـه مسـئله را نادیـده بگیـرد و بـه کسـی خبـر ندهـد چـون می‌دانسـت او آنچـه دیـده و شـنیده همـه را بازگـو خواهـد کـرد.

البتـه واضـح اسـت کـه امـام سـعی داشـته تولـد را از چشـم افـراد نااهـل پوشـیده نگهدارد.

۸۰
چهل مؤمن شاهد

بعـد از اینکـه خبـر تولـد امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف منتشـر شـد چهـل نفـر از شـیعیان بـه

۱. *کمال الدین.*

محضر امام عسگری تشرف یافته و امام عسگری علیه‌السلام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را حاضر کرد و فرمود: این امام شما و جانشین من در میان شما است، از او اطاعت کنید و بعد از من متفرق نشوید که به هلاکت می‌رسید. آگاه باشید که شما بعد از این او را نخواهید دید از جمله آن افرادی که در این جلسه حضور داشتند محمدبن‌عثمان سفیر امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، علی‌بن‌بلال، محمدبن‌معاویه‌بن‌حکیم، حسن‌بن‌ایوب‌بن‌نوح، و عده‌ای دیگر از موثقین که این جریان از آن‌ها نقل شده و گفته‌اند که ما چهل نفر بودیم که در منزل امام، حضرت عسگری علیه‌السلام فرزند خود را به ما نشان داد.

۸۱
تکلم فی المهد

ابوغانم می‌گوید: من خدمت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شرفیاب شدم در حالی که امام در گهواره بود، او می‌گوید: در نزد من یک قطعه چوب صندل سرخ معطر بود خدمت او بردم.

امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فرمود: آیا مرا می‌شناسی؟ عرض کردم: تو آقا و فرزند آقای من (امام عسگری علیه‌السلام) هستی. فرمود: از این مطلب نمی‌پرسم. گفتم: جانم به قربانت بیشتر توضیح بدهید.

فرمود: من خاتم اوصیاء هستم خداوند به سبب من بلا را از اهل من و شیعیانم دور می‌سازد...

۸۲
به مَحرمان و دوستان ما این خبر را بگو

عیسی‌بن‌مهدی جواهری می‌گوید: خدمت حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شرفیاب شدم و خودم را به امام نزدیک کردم. آنگاه امام به من فرمود: ای عیسی! اگر نبودند آنان که جریان ما را تکذیب می‌کنند و می‌گویند او کجا است؟ کجا به دنیا آمده، چه خبری از او به شما رسیده؟ هرگز تو

مـرا نمی‌دیـدی. ای عیسـی! آنچـه را کـه دیـدی بـه دوسـتان مـا بگـو، مبـادا بـه دشـمنان خبـر دهـی کـه دیگـر مـرا نخواهـی دیـد.

۸۳
منکران ملحد

در اصـل وجـود نازنیـن و پرفیـض و بـا برکـت و پرنـور امـام زمـان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هیـچ اختلافـی بیـن علمـای اسـلامی نیسـت ولـی تنهـا ابن‌خلـدون و احمدکسـروی و احمدامیـن مصـری بـه علـت بغـض نسـبت بـه اهل‌بیـت علیهم‌السلام او را انـکار کرده‌انـد.[۱]

۸۴
فریادرس اوست

فضل‌بن‌شـاذان از ابراهیم‌بن‌محمـد نیشـابوری نقـل می‌کنـد کـه گفـت: وقتـی عمروبن‌عـوف والـی بـود بـه قتـل مـن دسـتور داد، تـرس بزرگـی بـر مـن چیـره شـد بـرای فـرار از ایـن خطـر بـا اقـوام خـود وداع کـرده و بـرای وداع نیـز بـه خانـه امـام حسـن عسـگری علیه‌السلام رفتـم وقتـی وارد منـزل امـام شـدم دیـدم پسـری چـون مـاه شـب چهـارده کنـار امـام نشسـته بـه طـوری مبهـوت او شـدم کـه نزدیـک بـود کارم را فرامـوش کنـم.

آن پسـر بـه مـن فرمـود: ای ابراهیـم فـرار نکـن خداونـد شـر او را (عمروبن‌عوف) کفایـت می‌کنـد. حیـرت مـن زیادتـر شـد در ایـن هنـگام بـه امـام حسـن عسـگری علیه‌السلام عـرض کـردم: یابن‌رسـول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله ایـن کیسـت کـه از نیـت مـن خبـر می‌دهـد؟

امـام فرمـود: ایـن پسـر و جانشـین مـن اسـت... و در آخـر حدیـث آمـده اسـت کـه چـون از خانـه بیـرون آمـد عمویـش بـه او خبـر داد کـه: معتمـد عباسـی بـرادر خـود را جهـت کشـتن عمروبن‌عـوف فرسـتاده اسـت.[۲]

---

۱. *حیاةالامام‌المهدی*، ص ۱۵.
۲. *اثبات الهداة*، ج ۷.

۸۵
راه بهشت پیدا شد

کامل‌بن‌ابراهیم مدنی می‌گوید: اصحاب امام عسگری علیه السلام مرا خدمت آن حضرت فرستادند تا بعضی از مسائل را سؤال کنم و از جریان مولود جدید مطلع گردم وقتی نشستم در کنار در پرده‌ای آویخته بود بادی وزید پرده را کنار زد ناگهان چشمم به کودکی که در حدود چهارسال از عمرش می‌گذشت افتاد، سیمایش مانند ماه بود آنگاه آن فرزند به من فرمود: ای کامل‌بن‌ابراهیم، تا حرف او را شنیدم از حرف زدن او بدنم لرزید.

گفتم: بلی ای آقای من. فرمود: آمدی از ولی خدا سؤال کنی؟ فکر می‌کنی کسی که عقیده تو را ندارد و مانند تو نیست داخل بهشت نخواهد شد؟ (یعنی ولایت شرط ورود به بهشت است).

عرض کردم آری به خدا سوگند؟...

فصل دوم

بخش ۱:

شباهت‌های امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با انبیاء و امامان علیهم‌السلام

بخش ۲:

آثار معنوی دعا برای فرج امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و ضرورت آن

بخش ۳:

دلایل غیبت حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

بخش ۴:

غیبت صغری و کبری امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

بخش ۵:

سرنوشت جامعه شیعی در عصر غیبت

بخش ۱

شباهت امام مهدی﷽ با انبیاء امامان﷩

۱
امام مهدی﷽ و انبیاء الهی

شیخ صدوق می‌فرماید:

شبی در عالم رویا دیدم که در مکه‌ام و گرد خانه خدا طواف می‌کنم در دور هفتم نزد حجرالاسود آمدم و آن را لمس کردم و بوسیدم در این هنگام دعاهایی را که برای زمان بوسیدن حجرالاسود است را می‌خواندم در این حال مولای خود حضرت مهدی﷽ را دیدم که بر در خانه کعبه ایستاده‌اند با خاطری پریشان به حضرت نزدیک شدم حضرت با نگاهی به رخساره‌ام، به فراست خود راز دلم را دانست سپس به امام سلام کردم حضرت پس از جواب سلام فرمود: چرا درباره غیبت کتابی نمی‌نویسی تا اندوه دلت را بزداید؟

عرض کردم: یابن‌رسول‌الله در این باره کتاب نوشته‌ام.

حضرت پاسخ دادند: منظورمان این نیست که همانند گذشته بنویسی کتابی درباره موضوع غیبت بنگار و در آن غیبت‌های پیامبران﷩ را بیان کن.

وقتی کلام امام به پایان رسید از دیدگانم پنهان شدند من از خواب بیدار شدم و تا طلوع فجر به دعا و گریه و مناجات پرداختم چون صبح دمید نگارش این کتاب را آغاز کردم.[۱]

(این کتاب با ارزش که به الهام و دستور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و به قلم شیخ صدوق رحمه الله که نام آن کمال‌الدین است نوشته شده است و مربوط به ۱۰۰۰ سال قبل است این کتاب از حیث سند و محتوا دارای مطالب جامع و بدیع و درباره زندگی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نکات نورانی و برجسته و در خور توبه دارد).

۲
شباهت‌های حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبران و امامان علیهم السلام

شباهت به پیامبران[۲]

۱. حضرت آدم:

خداوند حضرت آدم را به خلافت تمام زمین مرحمت کرد (انی جاعل فی الارض خلیفه) و امام زمان نیز به خلافت تمام زمین خواهد رسید.[۳]

حضرت آدم پس از کفر جنیان، زمین مرده را به عبادت خدا زنده کرد و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین را به عدل و عبادت و اقامه حدود الهی زنده می‌سازد.[٤]

۲. حضرت نوح:

نوح شیخ الانبیاء بود و عمری طولانی (به مقدار ۲۵۰۰ سال) داشت.[٥] و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شیخ الاوصیاء است و عمری طولانی (تاکنون بیش از هزار سال) دارد و حضرت نوح تا زمان پیامبریش ۹۵۰ سال صبر کرد و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اول امامتش تا الان صبر کرده است و تا هنگام ظهورش نیز صبر می‌کند.

---

۱. *کمال‌الدین*، ج ۱، ص ۷۴. مزار مرحوم صدوق علیه‌الرحمة در شهرری نورافشانی می‌کند.

۲. شباهت امام زمان با پیامبرانی چون ادریس، هود، صالح، اسماعیل، اسحاق، لوط، الیاس، خضر علیهم السلام و در روایات آمده است ولیکن و...در اینجا به همه آن‌ها پرداخته نشد.

۳. *بحارالانوار* ج ۷، ص ۵۳.

۴. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۵۴.

۵. *بحارالانوار*، ج ۲، ص ۲۸۵.

و هرکس از نوح فاصله گرفت هلاک شد وامام مهدی نیز چنین است.[1]

۳. حضرت ابراهیم:

ولادت ابراهیم و حمل او مخفی بود، حمل و ولادت امام مهدی نیز مخفی بود.

ابراهیم رشد بسیار سریعی داشت و در یک روز بقدر یک ماه و در یک ماه به قدر یکسال رشد می‌کرد، و مهدی نیز چون چهل روزه بود بخوبی راه می‌رفت و حرف می‌زد.[2]

ابراهیم دو غیبت داشت و مدتی از مردم دوری گزید امام مهدی نیز دارای دو غیبت می‌باشد ابراهیم را خدا از آتش نجات داد.[3]

و خداوند امام مهدی را از آتش نجات می‌دهد او نیز چنین کرامتی دارد و در مقابل خواسته شخصی از اهل اصفهان که معجزه ابراهیمی از او طلب می‌کند حضرت دستور می‌دهد آتشی برافروزند و خود داخل آتش می‌شود اگرچه آن مرد منکر می‌شود و حضرت را ساحر می‌خواند و امام به آتش فرمان می‌دهد که او را بگیرد و نابود نماید.[4]

۴. همانند ذوالقرنین:

پیامبرخدا فرمود: ذوالقرنین بنده‌ای شایسته بود که خداوند عزوجل او را حجت بر بندگان خود قرار داد و او قوم خویش را به سوی خدا دعوت کرد خداوند عزوجل به ذوالقرنین در جهان قدرت داد و از هر چیزی برای او وسیله‌ای قرار داد و او به مغرب و مشرق رسید.

خداوند متعال بزودی سنت و شیوه او را درباره قائم از فرزندان من نیز جاری خواهد ساخت و او را به شرق و غرب جهان می‌رساند به طوری که هیچ منزلگاه و دشت و کوهی نیست که ذوالقرنین زیر پا گذاشته باشد مگر اینکه قائم نیز آن‌ها را زیر پا می‌گذارد و خداوند گنجها و معادن زمین را

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۶۵

۲. *بحارالانوار*، ج ۲۷، ص ۵۱.

۳. انبیاء / ۶۹.

۴. این حدیث از امام صادق نقل شده است.

برایش آشکار می‌سازد و به وسیله رعب و وحشت او را پیروز می‌گرداند و به واسطه او زمین را همان گونه که پر از جور و ستم شده پر از عدل و داد می‌کند.[1]

۵. همانند عیسی وایوب و محمد صلوات‌الله‌علیهم اجمعین

امام زین‌العابدین علیه السلام می‌فرماید:

در قائم ما شباهتهایی با پیامبران خدا وجود دارد شباهتی با نوح و شباهتی با ابراهیم شباهتی با موسی و شباهتی با عیسی شباهتی با ایوب و شباهتی با محمد صلی الله علیه و آله.

با نوح در طول عمر شبیه است و با ابراهیم در پنهان بودن تولّدش و کناره‌گیری او از مردم و با موسی در خوف و غیبت و با عیسی در اختلاف مردم درباره او و با ایوب در رسیدن فرج پس از بلا و گرفتاری و با محمد صلی الله علیه و آله در قیام با شمشیر.[2]

ـ امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: در قائم ما شش سنّت از شش پیامبر وجود دارد از نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب، محمد صلی الله علیه و آله...

ـ حضرت ایوب تقریبا هفت سال در مصائب و بلاها صبر کرد اما امام مهدی بیش از هزار سال است که در مقابل همه سختی‌ها صبر کرده‌اند.

۶. همانند یونس و یوسف

ـ در روایتی دیگر امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند:

در او (مهدی) سنتی از یونس‌بن‌متی هست و آن برگشت از غیبت در قیافه جوانی با سن بالا و سنّتی از یوسف که آن غایب شدن از خودی و بیگانه و پنهان شدن از پدر و برادران با نزدیکی مسافت و فاصله. و این که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه ۴۰ روز در چاه آب منزل خود مخفی بود و هر وقت مادر گرامیشان قصد داشتند به ایشان شیر دهند آب چاه ایشان را به بالا می‌داد.

ـ در روایتی دیگر امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: غیبت او مانند غیبت یوسف، و رجعتش مانند رجعت عیسی است همان عیسی که منکر زنده بودنش بودند،

۱. *کمال‌الدین*، ص ۳۹۴.
۲. *کمال‌الدین*، ص ۳۲۲، باب ۳۱، ح ۳.

مـردم نیـز در ولادت مهـدی اختـلاف دارنـد همـان طـور کـه در مـرگ عیسـی اختـلاف دارنـد.

۷. مانند داود

پیامبراکـرم: **«الائمة بعدی اثنا عشر، عدد شهور الحول و منّا مهدی هذه الامة له هیبة موسی و بهاء عیسی و حکم داود و صبر ایوب».**

امامـان بعـد از مـن بـه تعـداد ماه‌هـای سـال دوازده نفرنـد و مهـدی ایـن امـت از مـا اسـت کـه هیبـت موسـی و شـکوه و درخشـندگی عیسـی و حکـم داود و شـکیبایی ایـوب را دارد.[۱]

۸. مانند موسی

ـ در بسیاری از روایات می‌فرمایند:

مهـدی آل محمـد شـبیه چنـد نفـر از پیغمبـران اسـت شـباهت او بـه حضـرت ابراهیـم و موسـی در پنهـان بـودن ولادت اوسـت.

ماننـد موسـی است چـرا کـه تـا موقـع ولادت کسـی از بـاردار بـودن مـادر وی اطـلاع نداشـت و بعـد هـم کـه از مـادرش جـدا شـد در حفـظ و حمایـت الهـی بـود.

ـ همـان گونـه کـه خداونـد امـر حضـرت موسـی را در یـک شـب اصـلاح فرمـود، امـر ظهـور ولی‌عصـر را نیـز در یـک شـب اصـلاح می‌فرمایـد چنانچـه امـام جواد می‌فرمایـد: همانـا خداونـد بـرای آن حضـرت در یـک شـب امـر او را اصـلاح کنـد چنـان کـه اصـلاح امـر کلیـم خـودش موسـی را نمـود.[۲]

ـ مـادر موسـی حامله بودنـش مخفـی بـود مـادر امـام زمـان هـم همیـن طـور. موسـی دو غیبـت داشـت اولـی طولانـی بـه مـدت ۲۸ سـال و از مصـر و دومـی کوتـاه (۴۰ شـب) و در میقـات.[۳]

و مهدی نیز دو غیبت دارد.

موسـی مـورد خطـاب خـدا قـرار گرفـت و مهـدی چـون بعـد از ولادت بـه عـرش بـرده شـد مـورد خطـاب خـدا واقـع شـد.[۴]

۱. *بحارالانوار*، ج ۳۲، ص ۳۰۳
۲. *کمال‌الدین*، ج ۲، ص ۳۷۷.
۳. *کمال‌الدین*، ج ۲، ص ۳۴۰. این اثر ارزشمند جناب صدوق(ره) حدود ۹۰ سال بعد از غیبت کبری امام‌عصر نوشته شده است و از این حیث کتاب قابل اعتماد و بی‌نظیر می‌باشد.
۴. *بحارالانوار*، ج ۲۷، ص ۵۱.

خداوند عصائی برای موسی قرار داد و آن را معجزه او دانست و امام زمان ﷺ نیز همان عصا را خواهد داشت امام باقر ﷺ فرمود: عصای موسی در ابتدا در اختیار حضرت آدم بود که بعد به شعیب و سپس به موسی رسید. و اینک آن عصا در اختیار ما است و مثل همان انجام می‌دهد و این برای قائم ما نگهداری می‌شود که آن را معجزه خود قرار می‌دهد.

(عصای موسی که نامش را: ماشاءالله، نفعة و علیق گفته‌اند دارای خصوصیاتی است منجمله این که دو سر داشت و چون موسی شبانه به جائی می‌رفت که ماه نبود از دو سر آن عصا نور ساطع می‌شد و چون موسی به غذا نیاز پیدا می‌کرد آن عصا را به زمین می‌زد و غذای آن روزش حاضر می‌شد.

و چون میوه‌ای میل داشت آن عصا را در زمین فرو می‌کرد و بلافاصله شاخ و برگ بر آن می‌روئید و همان میوه مورد علاقه موسی بر آن ظاهر می‌شد و اگر آن را بر کوه محکم و سنگ سخت و درخت می‌کوبید متلاشی و منفجر می‌شد و ...).[1]

و در خبر است که آن عصا از چوب درختی بهشتی می‌باشد که به وسیله جبرئیل آورده شد.[2]

ـ و موسی از مصر فرار کرد و امام در زمان غیبتش از شهرها فرار کرد.[3]

و خداوند دشمن موسی یعنی قارون را به زمین فرو برد و لشکر سفیانی که دشمن امام مهدی ﷺ است نیز در بیابان بین مکه و مدینه به زمین فرو می‌رود.[4]

و فقط ۳ نفرشان سالم می‌مانند که آن‌ها هم صورتشان به طرف عقب برمی‌گردد و وارونه می‌شوند و این معنای آیه شریفه قرآن کریم است...

«من قبل ان نطمس وجوها فنردها علی ادبارها».[5]

ـ برای موسی دوازده چشمه از سنگ جوشید و مهدی ﷺ نیز چون از مکه

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۱۳، ص ۶۰.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۵۱.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۳۸.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۳۸.
۵. نساء / ۴۷.

حرکت می‌کند به لشکریان فرمان می‌دهد آب و خوراک بر ندارند و فقط آن سنگ موسی را بر شتری می‌گذارد و هر زمان بخواهد از آن چشمه‌ای می‌جوشد که همه را سیر و سیراب می‌کند.[1]

ـ دست موسی به معجزه الهی نور می‌داد و مهدی نیز چنان نوری دارد که مردم را از نور خورشید بی‌نیاز می‌کند.[2]

۹. همانند عیسی‌بن‌مریم

ـ حضرت مسیح در گهواره تکلم نمود حضرت ولی‌عصر نیز در کودکی در گهواره سخن گفت: چنانچه در روایت آمده که حکیمه دختر امام جواد فرمود: که حضرت حجت بعد از ولادت سخن گفت و فرمود: **«اشهدان لااله‌الاالله وحده لاشریك له و ان محمدا رسول‌الله...».**[3]

ـ حضرت مسیح در شکم مادرش تکلّم نمود و تسبیح خداوند را کرد امام زمان نیز در شکم مادر حرف زده و سوره مبارکه قدر را تلاوت فرمود.[4]

و در روایت است که او کمال موسی بهاء عیسی و صبرایوب را داراست.

ـ امام عصر و حضرت عیسی در شکم مادر هر دو سخن گفتند هر دو در کودکی به خلافت و رهبری الهی رسیدند هر دو به آسمان برده شدند و هر دو مردگان را زنده کرده و می‌کنند.

حضرت عیسی از افعال مردم و آنچه می‌خوردند و آنچه ذخیره می‌کردند خبر می‌داد و مهدی بر تمام و اعمال ما ناظر و مطلع است.(و تمامی ائمه ما چنین هستند).[5]

۱۰. حضرت خاتم‌الانبیاء

رسول اکرم فرمود: مهدی هم نام و هم کنیه من است و از همه مردم از نظر خلقت و اخلاق به من شبیه‌تر است.[6]

---

۱. *کمال‌الدین*، ج ۲، ص ۶۷.
۲. *المحجة البیضاء*، ۷۴۸.
۳. *کمال‌الدین*، ج ۲، ص ۴۲۵.
۴. *کمال‌الدین*، ص ۴۲۸.
۵. *کمال‌الدین*، ج ۲، ص ۴۴۳.
۶. *کمال‌الدین*، ج ۱، ص ۲۸۲.

و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زیباترین مردم می‌باشد چون از همه مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله شبیه‌تر است و رسول خدا صلی الله علیه و آله خوش سیماترین مردم بوده‌اند.[1]

شباهت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به امامان علیهم السلام

در اینجا به طور مختصر به تشابه آن حضرت با ائمه‌اطهار علیهم السلام اشاره می‌شود.

ـ با امام علی علیه السلام در علم و شجاعت شریک است لذا شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: شنیده‌ایم که علی‌بن‌ابیطالب علیه السلام لباس ساده و خشن می‌پوشید اما شما لباس جدید و خوب می‌پوشید.

امام صادق علیه السلام فرمود: در آن زمان پوشیدن چنان لباسهائی مرسوم بود و کسی که می‌پوشید انگشت نما نمی‌شد اما در این زمان چنین نیست و هر کس باید لباس معمولی زمان خود را بپوشد فقط قائم ما که ظهور می‌کند بر سیره علی علیه السلام رفتار می‌کند و لباس ساده مثل او بر تن می‌کند.[2]

و نیز می‌فرمود:

لباس مهدی خشن است غذای او جوین است و شمشیر (برعلیه دشمنان) بکار می‌برد.[3]

ـ با امام حسن علیه السلام در حلم و آرامش شبیه است.

ـ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در مسائل بسیاری شبیه جد بزرگوارش حسین‌بن‌علی علیه السلام می‌باشد که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. شدت سعی هر دو امام در امر به معروف و نهی از منکر.

۲. هر دو زیر بار بیعت با طاغوت زمان خود نرفتند.[4]

۳. آن دو امام را ملائکه به آسمان بردند.

۴. در اینکه هر دو امام آرزو می‌کردند در زمان دیگری بودند و او را یاری می‌کردند (حسین علیه السلام می‌گفت: کاش با مهدی بودم و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌گوید:

---

۱. *کافی*، ج ۱، ص ۵۳۴.
۲. *کافی*، ج ۱، ص ۴۱۱.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۵۴.
۴. *بحارالانوار*، ج ۴۴، ص ۱۹۱.

Presented by: jafrilibrary.com

ای کاش در کربلا بودم...) [در زیارت ناحیه مقدسه این حسرت جانسوز امام‌مهدی مطرح گردیده است].

۵. خروج هر دو از مدینه با حالت ترس و ماندن در مکه و حرکت بسوی کوفه.[۱]

ـ با امام سجاد در کثرت عبادت شبیه است.

ـ با امام باقر چون خیلی به رسول خدا شبیه بود.[۲] در همه صفات با امام عصر شبیه است.

ـ با امام صادق در کشف علوم و گسترش معارف و بیان احکام شبیه است.

ـ با امام کاظم در تقیه و رنج و غم و ابتلاءات فراوان شبیه است.

ـ با امام رضا در ریاست و حکومت ظاهری و رفع تقیه و ترس از دشمن شبیه است.

ـ با امام جواد در رسیدن به امامت در ایام کودکی و قبل از بلوغ شبیه ا ست .

ـ با امام هادی در هیبت و ابهت بی‌مانند در نزد دوست و دشمن شبیه ا ست .

ـ با امام عسگری در جلال و شان بسیار مورد تجلیل دیگران بودن حتّی از ناحیه دشمنان شبیه است.

۳
شباهت‌های امام زمان به قرآن

ـ در قرآن‌کریم بیان هر چیز وجود دارد چنانچه در سوره نحل آیه ۸۹ می‌فرماید: «تبیانا لکلشی» وجود مبارک حضرت ولی‌عصر نیز بیان کننده همه چیز می‌باشد.

ـ قرآن شفای جسم و جان مؤمنین است و برای کافران جز خسارات

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص پ۲۳۸.
۲. *بحارالانوار*، ج ۴۶، ص پ۲۲۳.

Presented by: jafrililibrary.com

نیست حضرت ولی‌عصر نیز شفای جان مؤمنین و موجب خسارات برای کافران است. (به جهت نابودی کافران در زمان ظهور).

ـ به وسیله قرآن کریم اسباب حرکت انسان‌ها به سوی نور فراهم می‌شود این مطلب راجع به حضرت نیز صدق می‌کند که به وسیله آن امام مردم از تاریکی‌های نفس و جهل و ....نجات می‌یابند.

پیرامون بعضی از شباهت‌های امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در بخش وقایع بعد از ظهور نیز مطالبی در این کتاب درج شده است.

۴

منجی نهائی در کتب ادیان و مذاهب دیگر

باید دانست که اعتقاد به نجات بخش نهایی و مصلح کل در تمام کتب گذشته به شکل‌های مختلف مورد اشاره و تصریح و تاکید قرار گرفته است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود در کتاب **دید** که از کتب هندیان است اشاره به شخصی به نام منصور شده که از او تلقی **مصلح** کل هستی شده است و در **کتاب باسک** نیز همین مطلب تأکید شده است.

در انجیل و تورات در بخش بشارات عهدین نیز این مطلب آمده است.

در منابع زردشتیان در کتاب **زند** و در کتاب **جاماسب نامه** به منجی نهایی و مصلح کل اشاره و تصریح شده است.

۵

اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام در منابع اسلامی (شعرای اسلامی)

به علت این که پیامبراسلام صلی الله علیه و آله و نیز ائمه‌اطهار علیهم السلام بارها و بارها در مناسبتهای گوناگون از حضرت‌مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور و قیام و غیبت طولانی آن حضرت خبر داده بودند. لذا برخی از شعرای بزرگ و معروف مضمون این احادیث را دهها سال بلکه متجاوز از یک قرن پیش از تولد حضرت‌مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اشعار خود بیان کردند که در اینجا به بعضی از این شعرای بزرگ صدر اسلام اشاره می‌نماید.

۱. کمیت اسدی: شاعر مبارز و نستوه، شعری در مورد امام موعود در حضور امام باقر علیه السلام قرائت کرد و از زمان قیام آن حضرت سؤال نمود.[۱]

۲. اسماعیل حمیری: پس از تشرف به خدمت امام‌صادق علیه السلام قصیده‌ای طولانی سرود و ادبیات ذیل از آن جمله است.

بان ولی الامر والقائم الذی	تطلع نفسی نحوه بتطرب
له غیبة لابد من ان یغیبها	فصلی علیه‌اللّه من متغیب

ولی امر و قائمی که جانم مشتاق اوست غیبتی دارد که بدون تردید غایب خواهد شد. درودهای خدا بر این غایب باد مدتی در پس پرده غیبت می‌ماند و سپس ظهور می‌کند و شرق و غرب جهان را پر از عدل و داد می‌سازد.۳. دعبل خزاعی: قصیده‌ای در خدمت امام‌رضا علیه السلام خواند.

فلولا الذی ارجوه فی الیوم اوغد	تقطع نفسی اثرهم حسرات
خروج امام لامحاله خارج	یقوم علی اسم‌اللّه و البرکات
یمیز فیها کل حق و باطل	ویجزی علی النعماء و النقمات

ترجمه:

«اگر آنچه را امروز یا فردا امید ـ وقوع ـ آن را دارم نمی‌بود دلم از حسرت و اندوه بر ایشان (اهل بیت علیهم السلام) پاره پاره می‌شد، و آن امید به قیام امامی است که بدون تردید قیام خواهد کرد، با نام خدا و همراه با برکات الهی قیام می‌فرماید.

و او در میان ما حق و باطل را از هم جدا می‌سازد و پاداش و کیفر می‌دهد».

هنگامی که دعبل این ابیات را بعرض رساند امام‌رضا علیه السلام سر برداشت و فرمود: ای خزاعی این اشعار را روح‌القدس بر زبان تو جاری ساخته است. آنگاه فرمود: آیا می‌دانی آن امام کیست؟

دعبل عرض کرد: نمی‌دانم فقط شنیده‌ام که امامی از دودمان شما خروج می‌فرماید و زمین را پر از عدل و داد می‌سازد.

امام فرمود: ای دعبل! امام بعد از من پسرم محمد (امام‌جواد) و بعد از

۱. *الغدیر*، ج ۲ص ۲۰۳، چاپ بیروت

پسرش علی (امام هادی) و بعد او پسرش حسن (امام عسگری علیه السلام) است و پس از حسن پسرش حجت قائم است که در غیبت او انتظارش را می‌برند و به هنگام ظهور مطاع خواهد بود و اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خدا آن روز را طولانی می‌کند تا او خروج نماید و زمین را پر از عدل و داد سازد چنانکه از جور پر شده است.[1]

(شعرای دیگری نیز در دوران‌های مختلف ۲۵۰ ساله زندگی ائمه‌اطهار علیهم السلام اشعاری در وصف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سروده‌اند که بعضی از آن‌ها از بزرگان شعرای عرب می‌باشند در اینجا صرفا به ۳ نفر از آن‌ها اشاره شد والاّ تعداد آن‌ها بیشتر از این می‌باشد).

۱. *الفصول المهمه*، ص ۲۵۱

Presented by: jafrilibrary.com

بخش ۲

آثار معنوی دعا برای فرج امام‌مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ضرورت آن

۶
دعاء برای فرج و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

آثار معنوی دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

آثار دعا برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، اظهار و اعلام محبت قلبی نسبت با آن حضرت است و روایاتی[۱] که در فضیلت سخن گفتن و شعر گفتن و بیان فضائل ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده بر آن دلالت دارد.

ـ زنده نگه داشتن مسئله امامت شیعه از مسائل بسیار ضروری و مورد تصدیق عقلانی شرع است.[۲]

و دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در راستای همین مهم قابل ارزیابی است.

ـ اداء حقوق بسیاری که آن حضرت بر ما دارد، دعا کردن بر او را بر ما فرض و لازم می‌سازد و دعاهای ما دارای این فایده می‌باشد که بعضی از حقوق بسیار، آن امام بر ما به وسیله دعا اداء می‌شود.

۱. *بحارالانوار*، ج ۲۶، ص ۲۲۷.
۲. *لئالی الاخبار*، ص ۴۷۶.

ـ دعا برای آن حضرت این فایده را دارد که او نیز برای یاری دهنده و دعا کننده‌اش دعا می‌کند.[۱] زیرا این دستور دینی ما است.[۲]

ـ از دیگر فوائد دعا برای آن حضرت تقرّب دعا کننده به خداوند متعال است زیرا ائمه‌اطهار علیهم السلام وسیله‌های تقرب و وصول الی‌الله هستند.[۳]

ـ از آثار دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دفع بلا و وسعت رزق است و روایات متعددی برای این مهم می‌باشد.[۴]

ـ از فوائد دعا برای حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف امکان تشرف به محضر مبارکش و درک توفیق زیارت و ملاقات آن امام می‌باشد.[۵]

ـ یکی از آثار دعا برای حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تعجیل در فرج و ظهور او است زیرا اگر دعا برای ظهور آن حضرت از جانب مؤمنین با آداب و شرائط استجابت مربوط به آن انجام پذیرد حتما مورد اجابت الهی قرار گرفته و امر خداوند در مورد ظهور مبارکش زودتر تحقق می‌یابد و احادیثی بر این مطلب گواه است.[۶]

و اعتقاد شیعه به مسئله بداء در امور موقوفه (نه حتمیّه) این امر را تأیید می‌کند.[۷]

ـ از دیگر فوائد دعا برای ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نورانیت قلب دعا کننده و کسب نور از آن نور فروزان الهی است اشراق نور امام علیه السلام بر قلب مؤمن درخشنده‌تر از خورشید نورافشان است.[۸]

ـ طول عمر (برای دعا کننده) از دیگر منافع و آثار دعا کردن برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و روایات متعددی بر این امر دلالت صریح دارد.[۹]

---

۱. *مهج الدعوات*، ص ۳۰۲.
۲. نساء / ۸۶.
۳. *تفسیربرهان*، ج ۱، ص ۴۶۹.
۴. *وسائل الشیعه*، ج ۴، ص ۱۱۴۶.
۵. *بحارالانوار*، ج ۸۶، ص ۶۱ـ ۷۷. (در خصوص نحوه ملاقات با امام و اذکار تشرف آن مطالبی در این کتاب آمده است.)
۶. *بحارالانوار*، ج ۲، ص ۱۵۴.
۷. *کافی*، ج ۱، ص ۱۴۷ ـ *مرءاة العقول*، ج ۲، ص ۱۲۵.
۸. *کافی*: ج۱، ص۱۹۴.
۹. *مکارم الاخلاق*، ص ۲۹۸.

ـ دعا برای حجةبن‌الحسن علیه‌السلام نصرت و یاوری الهی را برای دعا کننده به ارمغان می‌آورد و نصرت ائمه اطهار علیهم‌السلام با زبان که دعا کردن نیز از مصادیق آنست موضوع نصرت الهی خوانده شده است.[1]

ـ دعا برای امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه باعث می‌شود که دعا کننده در روز قیامت همراه و هم درجه امیرالمؤمنین علیه‌السلام خواهد بود زیرا دعا برای آن حضرت علامت ثبوت ایمان دعا کننده است و ثابت قدم بودن در دین و در محبت اهلبیت و در اعتقاد به امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه موجب همراهی با حضرت علی علیه‌السلام است.[2]

ـ دعا برای امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه باعث آمرزش گناهان و نیز تبدیل سیئات به حسنات است و مضمون احادیث دینی بر آن دلالت دارد.[3]

ـ مداومت بر دعا کردن برای حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه سبب کسب تأییدات الهی در موفقیت انسان برای عبادت می‌شود.[4]

ـ از فوائد دیگری که می‌توان برای دعا در حقّ امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه در روایات برشمرد این است که دعا کننده بر آن حضرت، از تشنگی شدید و آزار دهنده روز قیامت در امان خواهد بود و جاودانه در بهشت الهی سکنا داده می‌شود.[5]

ـ دعا کننده برای حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه پیوسته در سایه لطف و عنایت خداوندی قرار دارد و از رحمت پروردگار متعال بهره می‌برد.[6]

البته در فوائد و آثار دعای برای حضرت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه سخن بسیار است به طوری که بعضی از بزرگان در حدود یکصد فائده و اثر (معنوی و دنیائی و برزخی و قیامتی) برای دعا کردن در مورد آن حضرت ذکر کرده‌اند.[7]

لذا به جهت پرهیز از اطاله کلام به همین مقدار بسنده شد البته آثار دعا برای امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه برگرفته از روایات متعددی است که در این زمینه رقم خورده و در کتب و منابع شیعی به آن اشاره شده است که در این بخش

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۴۵، ص ۲۵۷.
۲. *کمال‌الدین*، ج ۱، ص ۳۰۳.
۳. *عده‌الداعی*، ج ۲۳۸.
۴. *عده‌الداعی*، ص ۲۳۵.
۵. *بحارالانوار*، ج ۴۴، ص ۲۴۹.
۶. *کافی*، ج ۲، ص ۲۰۶.
۷. *مکیال المکارم*.

کوتاه صرفا به آدرس روایات اکتفا شده و هر کدام در ذیل به آن اشاره شده است.

۷
چه زمانی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید دعا کرد

از آیات و روایات استفاده می‌شود که اگر دعا به طور کلی و نیز دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در موقعیت ممتاز و حالت مناسب روحی و جسمی و در مکان و زمان خاصی انجام شود اجابتش سریعتر و تحقق آثارش بیشتر خواهد بود در اینجا به بعضی از آن موقعیت‌های ویژه و ممتاز دعا برای آن حضرت اشاره می‌شود.

۱. بعد از نمازهای واجب.[۱]
۲. بعد از نماز ظهر.[۲]
۳. بعد از نماز عصر.[۳]
۴. بعد از نماز صبح.[۴]
۵. بعد از هر دو رکعت از نماز شب.[۵]
۶. در قنوت نماز.[۶]
۷. در سجده شکر نماز.[۷]
۸. هر صبح و شام.[۸]
۹. روز پنجشنبه و شب و روز جمعه.[۹]
۱۰. روزهای: نوروز، عرفه، عیدفطر، و عیدقربان.[۱۰]

---

۱. *من لایحضره الفقیه*، ج ۱، ص ۳۲۷.
۲. *بحارالانوار*، ج ۸۶، ص ۷۷ و ۶۲.
۳. *فلاح السائل*، ج ۱۹۹.
۴. *بحارالانوار*، ص ۸۶، ص ۷۷.
۵. *جمال الصالحین*، ص ۱۷۳.
۶. *مهج الدعوات*، ج ۴۹ـ۵۱.
۷. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۴۲۸. (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به سجده شکر بعد از نماز واجب دستور فرموده‌اند).
۸. *احتجاج*، ج ۲، ص ۳۲۳.
۹. *جمال الاسبوع*، ص ۱۷۹.
۱۰. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۱۱. ماه مبارک رمضان (روزهای: ۸ ـ ۱۳ ـ ۱۸ ـ ۲۱ و شبهای: ۶ ـ ۱۲ ـ ۱۹).[۱]

۱۲. روز (دحوالارض[۲] (۲۵ ذیقعده) و روز عاشورا.[۳]

۱۳. شب و روز نیمه شعبان.[٤]

۱۴. بعد از ذکر مصیبت امام حسین علیه‌السلام و بعد از زیارت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.[٥]

۱۵. به هنگام گریه از ترس خداوند.[٦]

۱۶. به هنگام نجات از غصه‌ها در سختی‌ها و مشکلات در نزد هر نعمت و زوال آن.[۷]

۱۷. بعد از هر نماز جعفرطیار.[۸]

۱۸. در مسجدالحرام،[۹] وادی عرفات[۱۰]، سرداب مقدس در سامراء، حرم امام حسین علیه‌السلام[۱۱] حرم امام رضا علیه‌السلام[۱۲] حرم تمامی ائمه‌اطهار علیهم‌السلام.[۱۳]

۱۹. در تمام مکان‌های منسوب به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف. (مثل مسجد جمکران و...).

۲۰. مداومت چهل روزه بر دعا.[١٤]

تذکر این نکته لازم است که دعا برای امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اگر به زبان عربی و همان دعاهای وارد شده از ناحیه ائمه‌اطهار علیهم‌السلام باشد بهتر است ولی به هر زبان و لغت و لهجه‌ای و نیز به هرگونه دعایی اگرچه غیر وارد از ناحیه

---

۱. *اقبال*، ص ۱۳۳ـ۱۶۴ـ ۱۲۸ـ ۱۴۱ـ ۱۶۴.
۲. *اقبال*، ص ۳۱۲ ـ *زادالمعاد*، ص ۲۳۶.
۳. *زادالمعاد*، ص ۳۸۴.
۴. *جمال الصالحین*، ص ۳۶۹.
۵. *دروس*، ص ۱۵۵.
۶. *وسائل الشیعة*، ج ۴، ص ۱۲۵۰.
۷. *بحارالانوار*، ج ۱۰۲، ص ۱۲۷.
۸. *جمال الاسبوع*، ص ۲۹۲.
۹. *کمال‌الدین*، ج ۲، ص ۴۴۰.
۱۰. *زادالمعاد*، ص ۲۷۷.
۱۱. *کامل الزیارات*، ص ۲۳۸ـ ۲۳۲ـ ۳۱۱ـ ۳۱۵.
۱۲. *کامل الزیارات*، ص ۲۳۸ـ ۲۳۲ـ ۳۱۱ـ ۳۱۵.
۱۳. *کامل‌الزیارات*، ص ۲۳۸ـ ۲۳۲ـ ۳۱۱ـ۳۱۵.
۱۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۳۱

Presented by: jafrilibrary.com

ائمه‌اطهار علیهم‌السلام می‌توان برای آن حضرت دعا کرد البته دعا با صدای بلند مخصوصا در مجالس عمومی مورد سفارش قرار گرفته است.[۱]

۸
روایاتی در تأکید بر انجام دعاء

ـ امام صادق علیه‌السلام فرمودند: اگر شما همه با هم به درگاه الهی ناله کرده و فرج ما را می‌خواستید خداوند هم فرج ما را نزدیک می‌کرد اما اگر چنین نکنید (غیبت) تا نهایت خود به طول خواهد کشید.[۲]

ـ امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز برای ظهور خود به درگاه الهی دعا می‌کند.

چنانچه عرض می‌نماید: خداوندا و عده‌هایی را که به من دادی تحقق بخش...و فرج مرا زود برسان و به من قدرت و نصرت ببخشای و فتح بزرگ را نصیبم گردان...[۳]

ـ در تشرف‌ها و روایت‌ها بیشتر به این نکته سفارش شده است که: تا می‌توانید برای فرج امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دعا کنید.

شخصی از نایب امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف محمدبن‌عثمان پرسید آیا صاحب‌الامر را ندیده‌ای؟ گفت: دیده‌ام و آخرین پیمان من با ایشان نزد خانه خدا بود که می‌فرمود: خداوندا: نزدیک و برآورده بفرما آنچه را که وعده فرموده‌ای...[٤]

ـ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «من کذب بالمهدی فقد کفر»: هرکس ظهور مهدی را دروغ شمارد کافر گردید.[٥]

۹
سهم ما در زمینه‌سازی ظهور

هیچ کاری بدون زمینه سازی مناسب و تلاش، امکان بروز و ظهور نخواهد یافت و هیچ تغییری بدون رنج حاصل نخواهد شد سهم ما در زمینه سازی

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۱۰۲، ص ۱۰۸.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۳۱.
۳. *الصحیفه المهدیه*، ص ۱۱۵.
۴. *بحارالانوار*، ج۵۱، ص ۳۵۱.
۵. نوید امن و امان.

ظهور گل معطر و مطهر زهرا چیست؟ حداقل آن، دعاست که در توان همه ما نیز می‌باشد. در روایتی امام صادق می‌فرمایند:

«لیعدون احدکم لخروج القائم ولو سهما فان‌اللّه اذا علم...» باید هر کدام از شما برای خروج قائم آمادگی پیدا کند اگر چه با تهیه یک تیر باشد چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت یاری مهدی اسلحه تهیه کرده است امید است که عمر او را دراز کند تا ظهور او را درک کند و از یاوران مهدی باشد.[1]

۱۰
غفلت ما غیبت آورده است

مرحوم آیت‌الله حاج‌میرزا محمدتقی موسوی‌اصفهانی مؤلف کتاب شریف مکیال‌المکارم بیش از صد فائده مهم برای فوائد دعا برای فرج امام عصر ذکر نموده‌اند. امام مهدی: «اکثروا الدّعاء بتعجیل الفرج فانّ ذلك فرجکم» برای تعجیل در فرج زیاد دعا کنید که آن گشایشی برای خود شما است.[2]

۱۱
هم دل با او باش

منتظران را به لب آمد نفس   ای شه خوبان تو به فریاد رس

شیخ رجب علی خیاط می‌فرماید: اغلب مردم اظهار می‌کنند که ما امام زمان را از خود بیشتر دوست داریم حال آن که این طور نیست زیرا اگر او را بیشتر دوست داشته باشیم باید برای او کار کنیم نه برای خود.

همه دعا کنید که خداوند موانع ظهور امام زمان صلوات‌الله‌علیه را برطرف کند و دل ما را با دل آن وجود مبارک یکی کند.

۱۲
دستور رسیده تا دعا کنم

عارف بی‌بدیل حضرت آیت‌الله بهاءالدینی بر حسب رویه خود در قنوت

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۶۶.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۹۲.

نمازشـان آیـات نورانـی قـرآن کریـم را کـه بـه صـورت دعـا بـود می‌خواندنـد. تـا ایـن کـه بعـد از مدتـی دوسـتان و شـاگردان ایشـان متوجـه می‌شـوند ایشـان دعـای: «اللهم کن لولیك الحجةبن‌الحسن صلواتك علیه و علی آبائه...».

را می‌خواننـد روزی از محضـر ایشـان از تغییـر ایـن رویـه سـؤال شـد ایشـان در پاسـخ فرمودنـد: «حضـرت پیغـام دادنـد در قنـوت بـه مـن دعـا کنیـد».[۱]

۱۳
منتظران واقعی

سیّدبن‌طاووس برای فرزند خود می‌نویسد:

روزی بـه مـردی کـه بـه ظاهـر دلبسـته ظهـور شـریف آن بزرگـوار اسـت و بـه او دعـوی وفـاداری می‌کنـد و از غیبتـش سـوگوار و اندوهنـاک اسـت گفتـم اگـر آن حضـرت بـه تـو بگویـد کـه مـن از طریـق پـدران خـود دانسـته‌ام کـه اگـر ظهـور کنـم بـه محـض اینکـه چشـمت بـه مـن افتـد در دم جـان خواهـی سـپرد، امّـا اگـر در ظهـور مـن تأخیـر افتـد بیسـت سـال دیگـر بـا کمـال خوشـی بـا زن و فرزنـد و اهـل و عیـال خودخواهـی زیسـت، آیـا تـو چنـد روز زندگـی بیشـتر در ایـن جهـان فانـی را بـه تأخیـر ظهـور مـن ترجیـح نخواهـی داد؟[۲]

۱۴
راستگو معلوم شد

سـیدبن‌طاووس بـه پسـر خـود می‌نویسـد: بارهـا دیـده‌ام کـه اگـر مسـلمانی بـرده‌ای یـا اسـبی یـا درهـم و دینـاری از آنـان گـم شـود سـرا پـا متوجـه آن می‌شـوند و بـرای یافتـن آن نهایـت کوشـش را بـه عمـل مـی‌آورد امـا ندیـده‌ام کـه کسـی بـرای تاخیـر ظهـور آن حضـرت و عقـب افتـادن اصـلاح اسـلام و تقویـت ایمـان مسـلمانان و قطـع ریشـه کافـران و سـتمکاران بـه انـدازه دلبسـتگی بـه ایـن امـور ناچیـز دلبسـته باشـد و بـه انـدازه‌ای کـه بـرای از دسـت دادن ایـن اشـیاء متاثـر می‌گـردد متأثـر باشـد.

۱. *آیت بصیرت*، ص ۱۰۶

۲. *کشف المحجة*، ص ۲۲۷ با تغییر مختصر و تلخیص.

پس چنین کسانی چگونه مدعی آنند که به حق عارفند و به رسول او واقف و با امامت آن حضرت معتقد؟ پس چگونه ادعای دوستی آن بزرگوار می‌کنند.[1]

۱۵
منتظران واقعی

آنچه ما با خود کردیم هیچ نابینا نکرد درمیان‌خانه‌ما گم کردیم صاحب‌خانه‌را

امام خمینی ﷺ می‌فرماید: من خوف دارم کاری بکنیم که امام زمان ﷺ پیش خدا شرمنده بشود (و ملائکه بگویند) این‌ها شیعه تو هستند این کار را می‌کنند.

نمی‌توانیم ما لفظا بگوییم ما در زیر پرچم ولی‌عصر ﷺ هستیم و عملاً توی آن مسیر نباشیم...

نکند که خدای نخواسته از من و شما و سایر دوستان امام زمان ﷺ یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان ﷺ باشد.[2]

امام خمینی ﷺ می‌فرماید: انقلاب مردم ایران نقطهٔ شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم داری حضرت حجّت ـ ارواحنافداه ـ است که خداوند بر همهٔ مسلمانان و جهانیان منّت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.

۱۶
به قدر یک دعا دارای سهم باشیم

ـ امام صادق ﷺ می‌فرماید: «لیعدّن احدکم لخروج القائم ولو سهما» هر یک از شما خود را برای ظهور حضرت قائم آماده سازد ولو با یک تیر.[3]

۱. *کشف المحجة*، ص ۲۲۷ با تغییر مختصر و تلخیص.
۲. *صحیفه نور*.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

بخش ۳

دلایل غیبت امام عصر(عج)

۱۷

علت اول: ۳۱۳ نفر نیستند

یکـی از دلایـل غیبـت امـام عصـر(عج) نبـود آن ۳۱۳ یـار واقعـی اسـت و دلیـل دیگـر اینکـه امـام صـادق(ع) از پـدر بزرگـوارش امـام باقـر(ع) نقـل کرده‌انـد کـه آن حضـرت فرمـود: هـر گاه قائـم مـا قیـام کنـد (در توجیـه علـت غیبـت طولانـی خـود) بـرای مـردم ایـن آیـه شـریفه را تـلاوت می‌کنـد.

«ففررت منکم لما...»[1] چـون از شـما بـر خـود نگـران بـودم از شـما دوری گزیـدم تـا اینکـه خداونـد بـزرگ مـرا مقـام فرمانروایـی و حکومـت عطـا فرمـود.[2]

۱۸

علت دوم: یاران جانفشان

امام کاظم(ع) می‌فرماید: «لو کان فیکم عدّة اهل بدرٍ لقام قائمنا».[3]

---

۱. شعراء / ۲۱.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۸۱.
۳. *مشکاة الانوار*، ص ۶۳.

یعنی: اگر در میان شما به تعداد اهل بدر وجود داشت قائم ما قیام می‌کرد.

ـ سدیر می‌گوید: بر امام صادق علیه‌السلام وارد شدم و به آن حضرت عرض کردم: به خدا سوگند نشستن برای شما روانیست.

امام فرمود: چرا ای سدیر؟

گفتم: به خاطر یاران و پیروانی که دارید به خدا سوگند اگر امیرالمؤمنین علیه‌السلام به اندازه شما پیرو داشت قبایل تیم وعدی (قبیله عمر و ابوبکر) در خلافت طمع نمی‌ورزیدند.

حضرت فرمود: تعداد آنان چه اندازه است؟

گفتم: صدهزار.

حضرت فرمود: صدهزار (به تعجب).

گفتم: بله بلکه دویست هزار.

فرمود: دویست هزار؟

گفتم: بله و بلکه نصف دنیا؟

حضرت ساکت شد و پس از لحظه‌ای فرمود: آیا می‌توانی همراه ما به ینبع (محلی نزدیک مدینه) بیایی سپس به راه افتادیم ...

حضرت در آن مکان به پسر بچه‌ای که چند بزغاله می‌چرانید نگاه کرد و فرمود: ای سدیر! اگر من به اندازه این‌ها شیعه داشتم سکوت را روا نمی‌داشتم.

سدیر می‌گوید: آن‌ها را شماره کردم شمار آن‌ها هفده رأس بود.[1]

۱۹
علت سوم: امتحان الهی

در علّت غیبت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در روایتی امام صادق علیه‌السلام به زراره می‌فرماید:...

دو سال پیش از فوت پدرش متولد شد و اوست منتظر مگر اینکه خداوند

---

۱. *اصول کافی*، ج ۲، ص ۲۴۲.

دوست دارد که شیعه را امتحان کند پس در آن هنگام است که توهّم اهل باطل آغاز شود...[۱]

۲۰
علت چهارم: سرّی بزرگ

عبدالله‌بن‌فضل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: برای صاحب این امر ناگزیر غیبتی است که اهل باطل را به شک می‌اندازد.

پرسیدم: فدایت گردم چرا؟ فرمود: بخاطر چیزی که ما مجاز به کشف آن برای شما نیستیم.

پرسیدم: راز غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

فرمود: فلسفه غیبت امام، همچون فلسفه غیبت حجت‌های گذشته الهی است و راز غیبت وی آشکار نمی‌شود مگر پس از ظهور آن حضرت، چنانکه راز اقدامات خضر علیه السلام یعنی شکستن کشتی و کشتن آن پسر بچه، ساختن دیوار، برای موسی علیه السلام روشن نشد مگر زمان جدا شدند آن دو از یکدیگر.

ای پسر فضل! این موضوع یکی از دستورات الهی و سرّی از اسرار خدا و غیبی از غیب‌های اوست...و هر گاه خداوند را حکیم دانستیم باید تمام افعال او را حکیمانه بدانیم گرچه راز آن بر ما روشن نباشد.[۲]

۲۱
علّت پنجم: نبود یاران واقعی

یکی از یاران امام‌صادق علیه السلام بر آن حضرت وارد شد و عرض کرد:

فدایت شوم به خدا سوگند من تو را دوست می‌دارم و هر کس تو را دوست دارد را دوست می‌دارم، ای آقای من چقدر شیعیان شما فراوانند.

آن حضرت فرمود: آنان را بشمار.

عرض کردم: بسیارند، آن حضرت فرمود: آن‌ها را می‌توانی بشماری؟

عرض کرد: آن‌ها از شمارش بیرونند.

---

۱. *کافی*، ج ۱، ص ۳۳۷.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۹۱.

حضرت فرمود: ولی اگر آن شماره‌ای که توصیف شده‌اند سیصدو اندی تکمیل گردد آنچه را می‌خواهند انجام خواهد شد.

در روایتی دیگر نیز شخصی از خراسان به خدمت امام صادق علیه السلام رسید و به امام عرض کرد: چرا شما قیام نمی‌کنید؟ شما یاران زیادی دارید. امام فرمود: یاران زیاد؟ آنگاه یکی از اصحاب امام وارد شد به نام هارون مکی پس از سلام امام به او فرمود برو داخل تنور و هارون مکی داخل تنور رفت در حالی که تنور روشن بود امام با آن شخص خراسانی مشغول صحبت شدند بعد فرمودند: ببینیم داخل تنور چه خبر است رفتند و دیدند هارون مکی داخل تنور نشسته و نسوخته امام فرمودند: در شهر شما چند نفر مثل این مرد هست؟ عرض کرد: هیچ.

۲۲
علت ششم: نبود طرفداران حق

و در روایتی دیگر است که امام‌علی علیه السلام فرمود:

اگر چهل نفر با من همدست، می‌شدند حق خود را از آن‌ها (ابوبکر و عمر) می‌گرفتم و حتی حضرت شبها به همراه همسر و فرزندان خود بر در خانه انصار می‌رفت و پیمان غدیر را یادآوریشان می‌کرد و آن‌ها را به دفاع از حق فرا می‌خواند ولی کسی حمایت ننمود.

حتی معاویه در نامه‌ای به امام همین مطلب را اشاره می‌کند: «و اگر فراموش کرده باشی، من از یاد نبرده‌ام که وقتی ابوسفیان تحریکت می‌کرد گفتی اگر چهل نفر یار با عزم می‌داشتم مقاومت می‌کردم».

امام علی علیه السلام فرمود: والله ما سلّمت الامر الیه الاّ انّی لم اجد انصارا ولو وجدت انصارا لقاتلته المعاویه لیلی و نهاری.

به خدا سوگند! کار را به معاویه وا نگذاشتم مگر به خاطر این که یاوری نداشتم، اگر یاورانی داشته باشم، شب و روز با معاویه خواهیم جنگید.[1]

---

۱. *احتجاج طبرسی*، ج۲ ص۲۹۱

۲۳
علت هفتم: امکان ظهور وجود نداشت

شیخ صدوق با استناد به روایت عبدالحمیدبن‌ابی‌الدیلم از امام صادق علیه السلام می‌نویسد: در عصر ابراهیم علیه السلام چون امکان ظهور حجت نبود، خداوند او را از دیده‌ها پنهان داشت و نمرود فرزندان رعایای خود را برای جستن ابراهیم می‌کشت و ابراهیم ستم دیدگان را با افکار خود آشنا می‌کرد وقتی شمار آنان به اندازه معین رسید ابراهیم رسالت الهی خود را آشکار ساخت.

۲۴
علت هشتم: حامیان دین خدا نیستند

در یکی از مجالس امیرسعید رکن‌الدوله، ملحدی از شیخ صدوق پرسید: در فلان جنگ که چیزی نمانده بود تا روم بر مسلمانان غلبه کنند امام زمان شما کجا بود و چرا خروج نکرد؟

شیخ جواب داد: در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله نیز شمار کافران بیشتر و قدرتشان بالاتر بود، با این حال چهل سال پیامبر صلی الله علیه و آله رسالت خودرا ابراز نکرد ومترصد فرصت شد.[۱]

۲۵
علت نهم: اعمال و کردار ما باعث غیبت شده است

در روایتی امام علی علیه السلام فرموده‌اند: ... خداوند مردم را از دیدن او (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) محروم می‌کند بخاطر ستم و ظلم و جور و اسرافی که بر خود می‌کنند.[۲]

۱. *کمال الدین*، ج ۱، ص ۲۲، ص ۳۱

۲. *غیبت نعمانی*، ص ۱۴۱، حدیث ۲ (این حدیث مبارک و شریف از این جهت نیز قابل تأمل است که اگر کسی قصد دیدار پر سعادت عزیز قلب‌ها امام‌مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دارد باید از ظلم و ستم و اسراف و.... دست کشیده و به فرامین امام خود گردن نهد).

۲۶
علت دهم: تباه کردید

در برخـی از روایـات وقتـی بـه بعضـی از نشـانه‌های ظهـور امام‌عصـر﷯ برخـورد می‌کنیـم فـی البداهـه می‌یابیـم کـه آن نشـانه بـه وقـوع پیوسـته و افـرادی می‌گوینـد پـس چـرا امـام قیـام نکـرده اسـت، البتـه ایـن دسـته از نشـانه‌ها بیشـتر نشـانه‌های سیاسـی و جغرافیائـی و تاریخـی اسـت و از نـوع نشـانه‌های حتمـی نمی‌باشـند (مثـل انقـلاب اسـلامی ایـران کـه در روایـات متعـدد مقـرون بـه ظهـور تعبیـر شـده اسـت) و در ثانـی علـت عـدم ظهـور امـام عصـر﷯ بـه خـود مـا و افعـال مـا بـر می‌گـردد، دلیـل ایـن ادعـا روایـت زیـر می‌باشـد:

امام صادق﵇ به مؤمن طاق می‌فرماید:

«فو اللّه لقد قرب هذا الامر ثلاث مرّات فاذعتموه فاخّره اللّه».بـه خـدا سـوگند ایـن امـر (قیـام) سـه مرتبـه نزدیـک بـود آغـاز گـردد و شـما آن را تبـاه سـاختید، پـس خداونـد آن را بـه تأخیـر انداخـت.[1]

و در روایتـی دیگـر آمـده کـه اگـر شـما بـرای فـرج دعـا نکنیـد، خداونـد تـا آخـر مقـرِّر شـده آن ظهـور رابـه تأخیـر می‌انـدازد.

پـس قطعـی اسـت کـه عـدم ظهـور و عـدم توفیـق دیـدار امـام عصـر﷯ بـر عملکـرد مـا برمی‌گـردد.

۱. *تحف العقول*، ص ۳۰۷.

بخش ٤

غیبت صغری و کبری امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

۲۷
شهادت امام عسگری علیه‌السلام

معتمـد عباسـی بـه وسـیله یکـی از محرمـان و نزدیکانـش، امـام عسـگری علیه‌السلام را بـا زهـر مسـموم کـرد تـا بـه خیـال خـود از وقـوع ظهـور امـام مهـدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف جلوگیـری کند .

حضـرت امـام حسـن عسـگری علیه‌السلام بـر اثـر زهـر چنـد روزی در بسـتر بیمـاری بـود و در ایـن ایـام معتمـد پیوسـته طبیبـان دربـاری خـود را بـر بالیـن امـام می‌فرسـتاد تـا مـردم گمـان کننـد کـه حضـرت از بیمـاری طبیعـی در رنـج اسـت و گمـان بـدی نسـبت بـه خلیفـه پیـدا نکننـد و در آخریـن روز یعنـی هشـتم ربیـع‌الاول چـون امـام سـاعت وفـات خـود را حـس کـرد فرزنـد خـود را بـر بالیـن طلبیـد و بـه کمـک آن حضـرت بـرای نمـاز آمـاده شـدند.

آنـگاه رو بـه طفـل خـود فرمودنـد: بشـارت بـاد تـو را ای پسـر مـن، همانـا تویـی صاحب‌الزمـان، و تویـی مهـدی و حجـت خـدا بـر روی زمیـن و تویـی پسـر مـن و پـدر تـو رسـول خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله اسـت و تـو خاتـم ائمـه طاهریـن هسـتی و رسـول

خداصلی‌الله‌علیه‌وآله نام و کنیه تو را بشارت داد و این عهدی است برای من از پدرم و او از پدرهای طاهرین خود.

و چون این جملات به پایان رسید لبهای مبارک حضرت از حرکت باز ماند و رحلت آن حضرت به سوی اجداد مطهرش انجام شد آن حضرت در هنگام وفات ۲۹ سال بیشتر نداشت.

بعد از شهادت حضرت امام حسن عسگری علیه‌السلام نسیم غلام خلیفه عباسی به سامراء آمد و درِ خانه حضرت امام حسن عسگری علیه‌السلام را شکست حضرت صاحب‌الامر «عجل‌الله تعالی فرجه الشریف» از خانه بیرون آمدند و در حالی که تبرزینی در دست داشتند به نسیم فرمودند: چه میکنی در خانه من؟ نسیم بر خود لرزید و گفت: جعفر (عموی امام) می‌گفت که از پدرت فرزندی نمانده است سپس از خانه بیرون آمد.[1]

۲۸
آغاز غیبت صغری

غیبت صغری از زمان شهادت امام حسن عسگری علیه‌السلام در هشتم ربیع‌الاول ۲۶۰ قمری شروع و با وفات علی‌بن‌محمد سمری در نیمه شعبان سال ۳۲۹ قمری پایان یافت.

مدّت غیبت صغری امام نزدیک ۷۰ سال است لیکن برخی آن را ۷۴ سال نیز نوشته‌اند این عده از علماء مبداء غیبت صغری را سال تولد آن حضرت یعنی سال ۲۵۵ قمری به حساب آورده‌اند.[2]

آغاز غیبت صغری امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در روز جمعه هشتم ربیع‌الاول بعد از نماز بر بدن مطهر پدر بزرگوارش در سال ۲۶۰ بوده است.

لذا در روایتی از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: آیا امام زمان هنگام تولد دیده می‌شود در پاسخ فرمود: بلی به خدا سوگند از ساعت ولادتش تا زمان وفات پدرش دیده می‌شود و بعد از غروب روز جمعه هشتم ربیع‌الاول سال دویست و شصت غایب می‌شود...

---

۱. *منتهی‌الامال*، ج ۲، ص ۴۹۸، به نقل از محمدبن‌یعقوب کلینی.
۲. *اعلام‌الوری*، ص ۶۱۶.

غیبت صغری امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف جمعا ۶۹ سال و شش ماه و پانزده روز به طول انجامیده است. امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در زمان غیبت صغری به سؤالات دینی علماء و مردم به طور مکتوب پاسخ می‌دادند و بعضی از این نامه‌ها که به خط مبارک امام نوشته شده بود در نزد شیخ صدوق نگهداری می‌شد.[۱] و متن این سؤالات و پاسخ‌های نورانی امام علیه‌السلام در کتب روایی شیعه مفصل آمده است.

۲۹
امانت به اهل آن رد شد

علی‌بن‌سنان موصلی از پدرش نقل می‌کند که وقتی امام‌حسن‌عسگری علیه‌السلام وفات کرد عده‌ای از مردم قم طبق معمول اموالی را به سامرا آوردند تا تحویل امام خود دهند چون از جانشین امام عسگری علیه‌السلام سؤال کردند مردم برادرشان جعفر را نشان دادند مردم در پی او شدند تا اینکه او را در قایقی در دجله و در حال تفریح کردن و مشغول شراب خواری دیدند!

آن‌ها با خود گفتند که امام هرگز چنین نمی‌کند بالاخره صبر کردند تا او بازگشت و نزد او رفتند و گفتند که ما از قم آمده‌ایم اموالی را برای امام عسگری آورده‌ایم که باید به جانشین ایشان تحویل دهیم او گفت: آن اموال را نزد من آورید.

گفتند: برنامه ما چنین است که پول‌ها، در کیسه‌های جداگانه قرار دارد و هر کیسه دارای مهر و موم مخصوص است امام جزئیات هر کیسه و نقش مهر مخصوص آن و مقدار پولی که داخل آن است را بیان می‌کند و ما آن وقت آن‌ها را تحویل می‌دهیم و قبلاً امام عسگری علیه‌السلام با ما چنین می‌کردند.

جعفر گفت: شما دروغ می‌گویید این علم غیب است که هیچ کس از آن مطلع نیست و برادرم این چنین نبوده است. زود اموال را نزد من بیاورید.

آن‌ها گفتند ما اجیر مردم هستیم و بدون آن علامت که گفتیم نمی‌توانیم پول‌ها را تحویل بدهیم.

---

۱. *حیاة‌الامام‌المهدی.*

جعفر با ناراحتی نزد خلیفه رفت و شکایت آن‌ها را به خلیفه کرد خلیفه نیز آن‌ها را احضار کرد و دستور داد پول‌ها را به جعفر بدهند.

آن‌ها عذر آوردند و جریان را تعریف کردند و گفتند: صاحبان پول‌ها به ما دستور داده‌اند که جز با این علامت پول‌هایشان را تحویل ندهیم و اینک اجازه دهید ما پول‌ها را به صاحبانش برگردانیم خلیفه اجازه بازگشت به آن‌ها را داد در حالی که جعفر مات و مبهوت مانده بود.

کاروان وقتی حرکت کرد و از شهر خارج شد هنوز مسافتی را نپیموده بود که جوانی زیبا رو به نزد آن‌ها رفت و گفت بیایید تا شما را نزد مولایتان ببرم آن جماعت به شهر آمدند و به خانه امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدند آنجا امام زمان را دیدند که لباس سبز رنگی بر تن شریف دارد و بر مسندی تکیه زده‌اند سلام کردند و پاسخ شنیدند حضرت تمام جزئیات اموال آن‌ها را بیان فرمود و نام صاحبان پول‌ها را نیز ذکر فرمودند و چون تمامی علامتها مطابق بود آن‌ها اموال را تحویل امام دادند آنگاه حضرت فرمودند: از این پس پولی نزد من نیاورید بلکه اموال ما را به نمایندگان ما تحویل دهید آنگاه امام نمایندگان خود را به آن‌ها معرفی کردند.[۱]

۳۰
صبر داشته باش

علی یمانی می‌گوید: در بغداد بودم که قافله‌ای از یمنی‌ها برای رفتن آماده شدند من تصمیم گرفتم با آن‌ها همراه شوم لذا نامه‌ای نوشته تا از حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اجازه حرکت بگیرم.

حضرت پاسخ دادند که در کوفه بمان و با آن‌ها حرکت مکن. در کوفه ماندم و بعدا آگاه شدم که قافله مذکور مورد حمله قرار گرفته و اموال آن‌ها به سرقت رفته است.[۲]

---

۱. *منتهی الامال*، ج۲، ص۳۰۴.
۲. *محجة البیضاء*، ج ۴، ص ۳۵۱.

Presented by: jafrilibrary.com

۳۱
مال دیگران را بپرداز

شخصی مقداری پول برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرستاد ولی حضرت آن را به او باز گرداند و فرمود: چهارصد درهم این پول برای پسر عمه‌ات می‌باشد آن را به او باز گردان آن شخص با پسر عمه‌اش در باغی شریک بود ولی آن را تصرف کرد و پسر عمه‌اش را از آن محروم کرده بود.

او پس از بررسی دریافت که سهم او چهارصد درهم می‌باشد آن را پرداخت کرد و بقیه را تقدیم امام کرد آنگاه حضرت آن پول حلال را پذیرفت.[۱]

۳۲
فرماندار قم در محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

حسن‌بن‌عبدالله‌بن‌حمدان می‌گوید: عمویم برایم حکایت کرد بعد از آنکه سلطان، چند حاکم برای شهر قم فرستاد اهل قم با همه آن‌ها جنگ کردند آنگاه خلیفه مرا به فرمانداری قم انتخاب کرد و لشکری هم با من همراه کرد ما به سوی قم حرکت کردیم در بین راه به جهت شکار دنبال شکاری رفتیم تا اینکه از لشکریان دور شدم و به نهر آبی رسیدم در این هنگام اسب سواری با عمامه‌ای سر و صورت خود را بسته بود و به سوی من آمد و مرا به اسم خطاب کرد و گفت: ای حسین، گفتم: چه می‌خواهی فرمود: چرا در مورد امام زمان شکّ می‌کنی؟ و به ناحیه مقدسه اعتنا نداری؟ چرا خمس پول‌هایت را به نمایندگان من نمی‌دهی؟

من با آنکه شجاع و قوی بودم ولی از هیبت او ترسیدم و گفتم آنچه را می‌فرمائی انجام می‌دهم فرمود: وقتی که به قم رفتی اموالی که بدست می‌آوری خمس آن را به مستحقین بده.

گفتم: حتما چنین خواهم کرد آنگاه فرمود: حالا برو.

او عنان اسبش را گرفت و رفت آنگاه به سمت لشکر خود برگشتم و براه افتادیم. چیزی نگذشت که این جریان را فراموش کردم.

وقتی به قم رسیدیم در انتظار جنگ با اهالی قم بودیم اما عده‌ای از

---

۱. *محجة البیضاء*، ج ۴، ص ۳۵۰.

آن‌ها نزد ما آمدند و گفتند: حاکمان گذشته را به شهر خود راه نداده‌ایم ولی تو را بعنوان حاکم می‌پذیریم و شهر را در اختیارت می‌گذاریم.

من وارد شهر شدم مدتی طولانی فرماندار قم بودم و ثروت بسیاری کسب کردم تا اینکه عده‌ای بر طولانی شدن زمان حکومت من و ثروت زیاد من حسد ورزیده و نزد خلیفه از من بدگویی کردند خلیفه نیز مرا عزل کرد در نتیجه من به سوی بغداد مراجعت کردم بعد از ورود نزد خلیفه رفته و گزارش کار خود را داده سپس به منزل خود رفتم مردم و دوستان به دیدن من می‌آمدند در یکی از روزها محمّدبن‌عثمان که یکی از نواب خاص امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه بود به منزلم آمد و مردم حاضر در مجلس را کنار زد و کنار من نشست من از این کار او ناراحت شدم اما حرفی نزدم مردم دسته دسته آمدند و رفتند اما محمّدبن‌عثمان همچنان نشسته بود وقتی مجلس خلوت شد به من گفت: من سخن خصوصی با تو دارم.

گفتم: بگو:

او گفت: آن اسب سوار که در کنار نهر آب با تو ملاقات کرد برایت پیغام داده است که ما به وعده خود وفا کردیم (ولی تو چرا وفا به عهد خود نکردی)؟

من ناگهان به یاد آن جریان افتادم و گفتم «حتما» چنان می‌کنم.

سپس برخاستم و دست او را گرفتم و به خزانه اموال خود بردم و خمس تمامی آن‌ها را محاسبه کرده و به او دادم از آن به بعد هرگز در مورد آن حضرت شک نکردم.[1]

۳۳
مدعیان دروغین

عدّه‌ای در طول تاریخ ادعای مهدی بودن را کرده‌اند که چند تن از آن‌ها عبارتند از: ۱. مهدی سودانی در سال ۱۸۸۱ میلادی که در نهم رمضان ۱۳۰۲ در حالی که حاکم سودان بود به علت مرض تیفوس مُرد.

---

۱. *محجة‌البیضاء*، ج ۴، ص ۳۴۷.

۲. مهدی یمنی در سال ۱۱۵۹ در تهامه یمن ادعای امامت کرد و سه سال بعد از دنیا رفت.

۳. مهدی سنگالی در سال ۱۸۲۸ میلادی در سنگال قیام کرد و چندی بعد کشته شد.

۴. مهدی مغربی و مهدی سومالیایی و ...[1]

۵. حسین‌بن‌منصور حلاج صوفی مشهور او نیز در ابتداء، ادعای نیابت خاصه امام را نمود ولی بعد ادعای مهدویت نمود.

۶. ابن‌تومَرْت از کسانی است که در مغرب زمین در نواحی شمال آفریقا در اواخر قرن پنجم و اوائل قرن ششم هجری ادعای مهدویت کرد و کارش بالا گرفت و مریدان وی زیاد شدند و سپس به جنگ برخاست و سلسله موحدین را تشکیل داد و بعد از او به سلسله مؤمنیه کومیه معروف شدند ابن‌تومرت به **«المهدی القائم بامراللّه»** لقب یافت و قبل از فتح مراکش فوت کرد.

او قواعد و دستوری دینی معین کرد تا پس از او عبدالمؤمن آن‌ها را انجام دهد او در اذان صبح کلمات **«اَصبحُ و للّه‌الحمد»** را اضافه کرد.

۷. غلام احمد قادیانی (۱۲۳۵ ق .) مؤسسه فرقه قادیانی در هند و سید علی‌محمد باب که در ۱۲۶۶ قمری در تبریز کشته شد، او فرقه بابی را در ایران راه انداخت و آن‌ها نیز ادعای مهدویت کردند.

آنچه را که باید شدیدا مورد توجه قرار داد آنست که در دوره‌های قبل و در زمان ما این ادعاها هنوز وجود دارد و این نقشه‌ای است تا بتوانند با ظهور مهدی‌های جعلی ظهور آن عزیز را در اذهان مؤمنان خراب کنند و باید توجه داشت که ظهور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف وابسته به علائمی حتمی است و این علائم برای تشخیص مدعیان دروغین نشانه‌ای محکم محسوب می‌شود.

۳۴
نائبان زمان غیبت صغری

نائبان امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در عصر غیبت صغری به ترتیب عبارتند از:

---

۱. *حیاة‌الامام‌المهدی*، ص ۱۳۹.

۱. عثمان‌بن‌سعید از سال ۲۶۰ هجری قمری تا سال ۲۸۰ هجری قمری به مدت ۲۰ سال.

۲. محمدبن‌عثمان از سال ۲۸۰ هجری قمری تا سال ۳۰۵ هجری قمری به مدت ۲۵ سال او در آخر جمادی الاولی سال ۳۰۵ فوت کرد.

۳. حسین‌بن‌روح از سال ۳۰۵ هجری قمری تا سال ۳۲۶ هجری قمری جمعا به مدّت ۲۱ سال که در شعبان ۳۲۶ فوت کرد.

۴. علی‌بن‌محمّد سمری از سال ۳۲۶ هجری قمری تا سال ۳۲۹ که با وفات علی‌بن‌محمدسمری در نیمه شعبان سال ۳۲۹، غیبت کبری امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شروع شد.

۳۵
شناخت یاران: (نائب اول)

عثمان بن سعید:

از یازده سالگی جز دوستان و خدمتگزاران امام هادی علیه‌السلام بود و برای رساندن وجوهات مردم به دست امام هادی علیه‌السلام در دوران تاریک و پر خطر متوکل عباسی لعنه‌الله علیه بواسطه شغل خود که روغن فروشی بود پول‌ها و نامه‌های مردم را در درون ظرفهای روغن جاسازی می‌کرد و به خانه امام می‌فرستاد.

او سپس پیرو امام عسگری علیه‌السلام شد و مورد وثوق امام گشت تا زمان امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و چون از دنیا رفت در بغداد به خاک سپرده شد.[۱]

«عثمان‌بن‌سعید» پیش از وفات به فرمان امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فرزند خود «ابوجعفر محمّدبن‌عثمان» را به جانشینی خود و نیابت امام معرفی کرد.

«محمّدبن‌عثمان» نیز همچون پدر خود از بزرگان شیعه و در تقوی و عدالت و بزرگواری مورد اعتماد و احترام شیعیان بود و قبلاً نیز حضرت عسگری علیه‌السلام نسبت به او و پدرش اظهار اعتماد و اطمینان فرموده بود و مرحوم شیخ طوسی می‌نویسد:

---

۱. *مراقد المعارف*، ج ۲، ص ۶۳.

شیعه بر عدالت و تقوی و امانت او اتّفاق داشتند.[۱]

پس از درگذشت نائب اول، جناب «عثمان‌بن‌سعید» توقیعی[۲] از جانب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در مورد وفات او و نیابت فرزندش «محمد» صادر شد که ترجمه آن چنین است.

۳۶
«اناللّه وانا الیه راجعون»

در برابر فرمان او تسلیم و به قضای او راضی هستیم پدرت سعادتمند زیست و پسندیده در گذشت خداوند او را رحمت کند و به پیشوایان و سرورانش علیهم السلام ملحق سازد همواره در کار آنان جهد می‌ورزید و در آنچه موجب تقرّب به خدای عزیز و جلیل و پیشوایان بود می‌کوشید خداوند روح او را شاد و شاداب دارد و از لغزشش درگذرد.[۳]

۳۷
تبعیت و وحدت

روزی چهل نفر خدمت امام حسن عسگری علیه السلام رسیدند تا از جانشین بعد از ایشان سؤال کنند در همان زمان حضرت با بچه‌ای که همانند ماه می‌درخشید و بیشترین شباهت را به پدر بزرگوارش داشت آمده و فرمودند:

این بچه امام شماست بعد از من او خلیفه است پس امر او را اطاعت کنید و بعد از من به بیراهه نروید و از یکدیگر جدا نشوید که باعث هلاکت شما خواهد شد.

آنگاه امام حسن عسگری فرمودند: آگاه باشید که شما بعد از امروز دیگر او را (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نخواهید دید تا این که زمان ظهور او فرا رسد پس

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۳۴۵ ـ ۳۴۶.

۲. «توقیع» یعنی حاشیه نویسی و اصطلاحا به دستورات و نامه‌های خلفا و پادشاهان نیز گفته می‌شد و در کتب علمای شیعه به نامه‌ها و فرمانهایی که در زمان غیبت از طرف امام غائب به شیعیان رسیده «توقیعات» می‌گویند.

۳. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۳۴۹.

Presented by: jafrilibrary.com

در این مدت بر شما باد که از عثمان‌بن‌سعید پیروی کنید و هرچه به شما فرمان داد بپذیرید زیرا او خلیفه امام شماست و امر شما بدست اوست.[۱]

۳۸
نائب دوم

محمّدبن‌عثمان‌بن‌سعید: فرزند وکیل اول امام بود و مورد توجه و وثوق امام عسگری و امام زمان ؑ بود او پس از وفات پدرش نامه‌ای از طرف امام عصر به دستش رسید که رسما به عنوان جانشین پدر منصوب شد.

او مدّت ۵۰ سال متولی نیابت و وکیل امام بود و کتب متعددی نیز تألیف کرده است در احوالاتش نقل شده که قبری را برای خود حفر کرده بود و هر روز درون آن می‌رفت و یک جزء قرآن می‌خواند و گریه می‌کرد او در اواخر جمادی الاولی سال ۳۰۵ هجری وفات یافت.

قبر محمدبن‌عثمان در بغداد پیش قبر مادرش در محلی که خانه‌اش آنجا بوده واقع است نویسنده تحفه قدسی می‌گوید: اکنون قبر شریف او در وسط شهر بغداد در خیابانی که منتهی می‌شود به شارع الرشید واقع است و معروف به شیخ خلانی می‌باشد.

امام حسن عسگریؑ می‌فرمایند: «واشهدوا علی ان عثمان‌بن‌سعید العمری وکیلی و ان ابنه محمدا وکیل وکیل ابنی مهدیکم»؛ گواه و شاهد باشید که عثمان‌بن‌سعید عمری (نایب اول) وکیل من است و فرزندش محمدبن‌عثمان (نایب دوم) وکیل فرزند من، مهدی شما است.[۲]

۳۹
داستانی از نائب دوم امام عصرؑ

شیخ کلینی، شیخ طوسی و شیخ طبرسی از زهری نقل کرده‌اند که گفت: مدت مدیدی در طلب دیدار امام زمانؑ بودم و در این راه مال

---

۱. *غیبت طوسی*.
۲. کتاب *غیبت طوسی*، ص ۳۵۶، توجه به رفتار عبادی نائبان امام عصرؑ برای مؤمنین الگوی مناسبی است و هر آنکس که اینگونه باشد قطعا رضایت امام را کسب کرده است چرا که امام از نائبان خود راضی بوده‌اند.

فراوانی خرج کردم تا اینکه به خدمت محمدبن‌عثمان (دومین نایب خاص امام زمان در زمان غیبت صغری) رسیدم و با التماس از او خواستم مرا به حضور امام ببرد.

پاسخ منفی داد امّا در مقابل تضرّع بسیار من سرانجام لطف نمود و فرمود: فردا اول وقت نزد من بیا. فردای آن روز به خدمت محمدبن‌عثمان رفتم دیدم جوانی خوش سیما همراه اوست محمدبن‌عثمان به من اشاره کرد و گفت: ایشان همان کسی است که در طلبش هستی. به نزد امام رفتم و آنچه سؤال داشتم پرسیدم و ایشان نیز پاسخ فرمود تا به خانه‌ای رسیدیم حضرت داخل آن خانه شد و دیگر ایشان را ندیدم.

اما در این دیدار امام دوبار به من فرمود: از رحمت خدا به دور است کسی که نماز صبح را چندان به تاخیر اندازد تا ستاره‌ها دیده نشوند و نماز مغرب را به قدری به تأخیر اندازد تا ستاره‌ها نمایان شوند.

«ملعون، ملعون من آخر العشاء الی ان تشتبك النجوم، ملعون، ملعون، من آخر الغداة الی ان تنقضی النجوم ودخل الدار».[1]

۴۰
داستان دوم

عبدالله‌بن‌جعفرحمیری می‌گوید: از محمدبن‌عثمان پرسیدیم آیا صاحب‌الامر را دیده‌ای؟

فرمود: آری، آخرین ملاقاتم با او کنار در بیت‌الله‌الحرام بود که می‌گفت: «اللهم انجزلی ما وعدتنی» خداوندا نزدیک فرما آنچه وعده دادی، و او را در مستجار[2] دیدم که می‌گفت: «اللهم انتقم بی اعدائی» خداوند بوسیله من از دشمنانت انتقام گیر.

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۸۰، ص ۶۰، باب ۸.
این دستور و پیام امام عصر علیه‌السلام تنها برای آن ملاقات کننده نیست معلوم می‌شود که امام عصر علیه‌السلام نسبت به خواندن نماز اول وقت تأکید دارند و حجم بالایی از روایات دلالت و تأکید بر اقامه نماز در اول وقت دارد. امیدواریم خداوند توفیق دهد به این دستور امام عمل کنیم).
۲. محلی خاص از کعبه معظمه را گویند.

و فرمود: صاحب‌الامر هر سال در حج حاضر می‌شود او مردم را می‌بیند و می‌شناسد و مردم او را می‌بینند ولی او را نمی‌شناسند.[1]

۴۱
نائب سوم

حسین‌بن‌روح: نایب سوم امام بود حکم نیابت او به وسیله محمدبن‌عثمان به دستش رسید او بیست ودوسال مقام نیابت را داشت در سال ۳۲۶ هجری پس از یک دوره مریضی طولانی وفات یافت و در بازار تجاری بغداد به خاک سپرده شد.

حسین‌بن‌روح از پیشگاه امام استجازه کرد به سفر حج برود امام علیه‌السلام اجازه نداد او از این جریان نگران شد چون حج نذری داشت لذا دوباره از محضر امام طلب اجازه کرد حضرت در جوابش مرقوم فرمودند: اگر ناگزیر از سفر هستی با قافله دوم حرکت کن. او نیز طبق دستور با کاروان دوم حرکت کرد ولی در شگفت بود که چطور شد امام در دفعه اول اجازه نفرمود ولی در بار دوم اجازه داد تا آنکه حقیقت امر روشن شد آنان که در قافله‌های قبلی حرکت کرده بودند تمامشان گرفتار قرامطه شدند و در حمله آن‌ها تمام کاروانهای حجاج میان حجاز و عراق از بین رفته و کشته شدند و این سفیر با اخلاص امام سالم به حج خود رسید.

۴۲
داستانی عجیب از نائب سوم امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

حسین‌بن‌علی‌بن‌محمد معروف به ابن‌علی بغدادی می‌گوید: در بغداد زنی از من پرسید:

مولای ما کیست؟ یکی از اهالی قم در پاسخ او گفت: ابوالقاسم‌بن‌روح وکیل حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است آنگاه نشانی او را به آن زن داد وی نزد ابوالقاسم آمد و به او گفت: ای شیخ همراه من چیست؟

شیخ فرمود: هرچه با خود داری در دجله بینداز، آنگاه نزد من بیا تا

---

[1] *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۳۵۱.

بـه تـو بازگویـم زن رفـت و آنچـه بـا خـود داشـت در دجلـه انداخـت و بازگشـت ابوالقاسـم بـه خدمـت کار خـود گفـت تـا آن جعبـه را حاضـر کنـد، سـپس بـه آن زن گفـت: ایـن همـان جعبـه‌ای بـود کـه در دجلـه انداختـی! مـن بـه تـو بگویـم در آن چیسـت یـا تـو می‌گویـی؟

زن گفـت: شـما بگویـد؟ شـیخ گفـت: یـک جفـت دسـت‌بند طـلا یـک حلقـه‌ی بـزرگ گوهـردار، دو حلقـه‌ی کوچـک کـه هـر کـدام یـک گوهـر دارد و دو انگشـتر فیـروزه و عقیـق در ایـن جعبـه هسـت.

سـپس جعبـه را گشـود و هرچـه را در آن بـود نشـان داد، زن بـه آن‌هـا نگریسـت و گفـت: ایـن همـان اسـت کـه مـن آوردم و در دجلـه انداختـم آنـگاه از فـرط تعجـب بی‌هـوش شـد.

جنـاب ابوالقاسـم حسـین‌بن‌روح کتابـی دارد بـه نـام تادیـب پـس از آنکـه آن را می‌نـگارد آن را بـرای فقهـاء و شـیعیان در قـم می‌فرسـتد.[1]

۴۳
چهارمین و آخرین نائب در عصر غیبت صغری

بعـد از رحلـت حسـین‌بن‌روح طبـق نظـر مبـارک امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشریف ابوالحسـن علی‌بن‌محمـد سـمری بـه جانشـینی وی منصـوب گردیـد از زندگانـی او چنـدان اطلاعـی در دسـت نیسـت شـیخ صـدوق در کمـال الدیـن و شـیخ طوسـی در کتـاب رجـال و صاحـب کتـاب اعیـان الشـیعه سـخن را دربـاره او در نهایـت اجمـال گفته‌اند.

اسـحاق‌بن‌یعقوب بعـد از ایـن کـه فهمیـد سـمری آخریـن نائـب خـاص حضـرت اسـت سـئوالی را بـه واسـطه سـمری از امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسـید مبنـی بـر اینکـه بعـد از شـروع غیبـت کبـری شـیعیان شـما بایـد چـه کننـد؟

امـام در پاسـخ بـه او فرمودند: «واما الحوداث الواقعه فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجةالله علیهم».[2]

---

۱. *وسایل‌الشیعه*، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۲. *منتهی الامال*: (این فرمایش امام دلالت بر این دارد که سرنوشت جامعه شیعی در عصر غیبت کبری رها شده نیست و تکلیف مردم مشخص است که از چه کسانی باید تبعیت و تقلید کنند).

یعنی: در بروز رخ دادها و حوادث به راویان احادیث ما رجوع کنید زیرا آن‌ها حجّت من بر شمایند و من حجت خدا بر همه مردمم.

۴۴

نامه آخر به نائب آخر

وقتی پایان عمر سمری نزدیک شد در بستر بیماری بود که عده‌ای از شیعیان از او خواستند جانشین بعدی خود را مشخص کند او در پاسخ توقیعی از امام مهدی را به آن‌ها نشان داد که در آن آمده بود:

۴۵

بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم

«یا علی ابن‌محمد السمری، اعظم اللّه اجرا اخوانك فيك فانك میت ما بينك و بين سته ایام فاجمع امرك ولاتوص الی احد...».

یعنی: ای محمد سمری! خداوند اجر برادرانت را در تو زیادی بخشد تو تا شش روز دیگر خواهی مرد پس کارهای خودت را جمع کن و هیچ فردی را به جایگزینی خود معرفی مکن زیرا از هم اکنون غیبت کبری واقع شده است و هیچ ظهوری در کار نخواهد بود مگر آنکه خداوند اذن دهد و این ظهور در زمانی صورت خواهد پذیرفت که مدتی طولانی سپری شود قلبها سخت شود و زمین پر از ستم گردد بزودی می‌آیند کسانی که ادعای مشاهده مرا می‌کنند ولی بدانید هرکس چنین ادعایی را قبل از خروج سفیانی و صحیه آسمانی بکند دروغگوی تهمت زن است.

«ولاحول ولاقوة الا باللّه العلی العظیم».[1] همه کسانی که در آن مجلس بودند از روی توقیع امام نسخه برداری کردند وقتی که روز ششم فرا رسید و آن‌ها برای آخرین ملاقات بر بالین او حاضر شدند دیدند که لحظات پایانی عمر را می‌گذراند.

---

۱. *اعیان الشیعه*، ج ۲، ص ۴۸. امام‌زمان در این مرقومه تلویحا اشاره فرمودند که می‌توان امام‌عصر را در دوران غیبت کبری دید ولی بیننده اگر اظهار کرد او را تکذیب کنید تا راه مرید و مرید بازی بسته باشد و عده‌ای دکان داری نکنند وگرنه منعی برای دیدن نیست این به آن معناست که آن کسی که اسرار حقّ آموختند باید دهانش بسته باشد.

در این موقع یکی از حاضرین که هنوز جریان توقیع امام را نشنیده بود از سمری سؤال کرد که وکیل بعد از تو کیست؟

او پاسخ داد: «للّه امر هو بالغه».

یعنی: خدا برای امریست که او می‌رساند به هر کس که بخواهد. او در روز نیمه شعبان ۳۲۸ هجری وفات کرد.

۴۶
آغاز غیبت کبری

علی‌بن‌محمد سمری بسیار با تقوا بود با آنکه علمای بزرگ هم معاصر با او بودند ولی او از طرف امام لیاقت نیابت را پیدا کرد و در نیمه شعبان سال ۳۲۸ هجری وفات یافت او در اواخر عمرش نامه‌ای از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دریافت نمود که آن حضرت باب نیابت خاصه را مسدود اعلام کردند.[۱]

علی‌بن‌محمد سمری سه سال نیابت امام را به عهده داشت و غیبت کبری از همان سال فوت علی‌بن‌محمد سمری یعنی سال ۳۲۹ قمری شروع شد و هم اکنون نیز ادامه دارد.

۴۷
سفیران دروغین

عده‌ای در طول تاریخ غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف (غیبت کبری یا صغری) به دروغ ادعای وکالت امام را داشته‌اند که از آن جمله:

احمدبن‌هلال که از اصحاب امام عسگری علیه السلام بود، و مورد لعن امام قرار گرفت، حسن شریعتی از اصحاب امام هادی و امام عسگری علیهما السلام حسین‌بن‌منصور حلاج که در سال ۳۰۹ هجری کشته شد، محمدبن‌علی شلمغانی که به جهت حسادت بر نایب چهارم امام منحرف شد و محرمات شرعی را برای پیروان خود حلال کرد و دستور ترک عبادت داد و امام زمان در نامه‌ای که برای نایب خود فرستادند او را لعنت کردند او در سال ۳۲۳ به دار آویخته شد.[۲]

---

۱. *منتخب الاثر*.

۲. *سفینه البحار*، ج ۱، ص ۲۹۶، و *احتجاج*، ج ۲، ص ۲۰۹.

۴۸

روایتی در باب غیبت کبری

مفضل‌بن‌عمر از امام‌صادق‌ نقل می‌کند:

ان لصاحب هذا الامر غیبتین احدیهما تطول حتی یقول بعضهم مات وبعضهم یقول: قتل و بعضهم یقول: ذهب فلا یبقی علی امره من اصحابه الانفر یسیر لایطّلع علی موضعه احد من ولی و لاغیره الا المولی الذی یلی امره.[1] برای صاحب این امر دو غیبت است:

یکی از آن دو طولانی است تا این که بعضی از مردم گویند، مرده است و برخی گویند کشته شده و گروهی گویند رفته است. پس از اعتقاد به حضرت از اصحاب وی کسی باقی نمی‌ماند مگر افراد اندکی، هیچ کس از جایگاه او آگاه نیست، نه ولیّ و نه دیگران مگر خادمی که کارهای ایشان را انجام می‌دهد.[2]

---

۱. *بحارالانوار*، ج۵۲.

۲. *بحارالانوار*، ج۵۳، ص ۳۲۰.

توضیح این خادمان در بخش آتی این کتاب آمده است ولی محدث نوری در *جنة‌المأوی* این حدیث را آورده که:
و هذه الثلاثونالذین یســتانس بهم الامام فی غیبته لابد ان یتبادلوا فی کل قرن اذ لم یقدر لهم من العمر ما قدر سیدهم ففی کل عصر یوجد ثلاثون مؤمنا ولیا یتشرفون بلقائه.
و این ســی تن که امام با آنان انس می‌گیرد در زمان غیبت کبرا به ناچار در هر قرنی تغییر می‌کنند زیرا عمری که برای ســرور آنان مقدّر شده برای آنان نیست از این روی در هر عصری سی مؤمن دوستدار مشرّف به لقای حضرت می‌شوند.
(شایسته است مؤمنین و دوستداران حضرت حجت برای این ۳۰ نفر بزرگواری که در دوران‌های مختلف سمت نورانی خدمتکاری امام خود را به عهده داشــته‌اند اعمال عبادی انجام داده و ثواب آن را به پاس خدمتکاریشان به آن‌ها اهداء نماید).

بخش ۵

سرنوشت جامعه شیعی در عصر غیبت امام‌زمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

زمامداری علماء خداترس

سرنوشت جامعه شیعه در زمان غیبت امام عصر عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف رها شده نیست بلکه طبق دستور امام زمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بایستی به راویان حدیث و علماء مراجعه نمود.

در این خصوص امامان شیعه علیهم‌السلام فرمایشاتی دارند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

ـ امام هادی علیه‌السلام فرمود:

اگر علمای دینی در زمان غیبت امام قائم نبودند که مردم را به سوی او بخوانند، آن‌ها را بر او راهنما باشند، دین آن‌ها را حفظ کنند و ضعیفان شیعه را از دام‌های شیطان و توطئه‌های دشمنان نجات دهند، هیچ کس باقی نمی‌ماند مگر آنکه از دین خارج و به ارتداد می‌افتاد، آن‌هایند که سکان قلب ضعیفان فکری از شیعه را چون سکان دار کشتی در دست می‌گیرند و آنان در نزد خداوند بر سایرین برتری دارند.

ـ در روایتی دیگر بلکه طبق فرمایش امام صادق علیه السلام فقهاء زمامدار امور شرعی و سیاسی مسلمانان هستند.

«واما من کان من الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدینه مخالفا لهواه مطیعا لامر مولاه فللعوام ان یقلّدوه». هرکس از فقها نفس خود را از معاصی و محرمات نگهداری کند و دین خود را حفظ نماید و مخالف هوای خود و مطیع مولای خود باشد پس عوام (کسی که فقیه نیست و قدرت استنباط مسائل شرعی را از کتاب ندارد) باید از آن‌ها تقلید بکنند.[1]

ـ توقیع مبارک امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به جناب محمدبن‌عثمان نایب دوم مبنی بر این که «اما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا».[2]

زمانی صادر شده که تا زمان غیبت کبری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۴ سال فاصله بوده است این توقیع در پاسخ به پرسش‌های اسحق‌بن‌یعقوب است که مردم را در حوادث واقع به علما و راویان حدیث ارجاع می‌دهد.

۵۰
حیات بشری با حجت خدا

سلیمان می‌گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: مردم چگونه از حجت غایب پنهان بهره‌مند می‌شوند؟

فرمود: همچنان که از خورشید پس ابر بهره‌مند می‌شوند.[3]

۵۱
وکلای امامان علیهم السلام در تمام دوران‌ها بوده‌اند

با بررسی تاریخی در زندگی امامان علیهم السلام درمی‌یابیم که حضرات معصومین علیهم السلام در زمان حیات خود در شرایط خاص وکلایی را جهت مراجعه مردم به آن‌ها انتخاب می‌کردند این وکلا در تاریخ زندگی امام هفتم امام نهم و دهم و

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۲، ص ۸۸.
۲. *وسایل‌الشیعه*، ج ۱۸، ص ۱۰۱.
۳. *امالی صدوق*، ص ۱۵۷.

یازدهم به کثرت دیده می‌شوند پس جای تعجب ندارد که در عصر غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عده‌ای عالم با شرایط خاص پرچم‌دار دین خدا باشند.

در اینجا لازم است به داستان‌های مستندی که از آن معلوم می‌شود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مراجع تقلید را به عنوان پرچم‌دار و سکاندار در عصر غیبت کبری مقرر فرموده‌اند اشاره شود.

۵۲
شاهد مثال و دلیل اول

حضرت آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی اراکی می‌گوید: یک روز در نجف اشرف مشهور شد که یک نفر مرتاض هندی که از راه حق ریاضت کشیده و به مقاماتی رسیده به نجف آمده، به دیدار وی رفتم، و به او گفتم: آیا در مدت ریاضت خود ختمی یا ذکری به دست آورده‌اید که بشود به وسیله آن به خدمت آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رسید؟

وی در جواب گفت: آری من یک ختم مجرّب دارم از وی دستور آن ختم مجرّب را خواستم او چنین گفت: باید با طهارت[1] بدن و لباس در بیابانی رفت و نقطه‌ای را انتخاب نمود که محل رفت‌وآمد کسی نباشد بعد با وضو رو به قبله نشست و خطی دور خود کشید و مشغول ختمی شده پس از انجام ختم، هر کس که به نزد تو آمد همان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

آیت‌الله اراکی[2] فرمود: من به بیابان سهله رفتم و طبق دستور ختم را انجام دادم همین که ختم تمام شد سیّدی را دیدم که دارای عمامه سبزی بود به من فرمود: چه حاجتی داری؟

من فورا در جواب گفتم: به شما حاجتی نیست...

سید لبخندی بر لبانش نقش بست و از کنار من دور شد با دور شدن او

---

۱. این ذکر، از اذکار اذنی است و درباره این ذکر از حضرت آیت‌الله لنگرودی سؤال کردم فرمود: چون این ذکر اذنی است کسانی انجام دادند ولی موفق نشده‌اند، اول بایستی غسل توبه کرد و وضو گرفت سپس به بیابانی رفته و دور خود خطی کشیده و ۷۰ بار آیه‌الکرسی را خواند برای تفصیل بیشتر این موضوع به بخش مربوطه در این کتاب مراجعه شود.

۲. مزار آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی اراکی در مسجد بالا سر حرم حضرت معصومه علیها السلام است.

این مطلب در خاطرم آمد که نکند این همان آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد به خود گفتم شیخ عبدالنبی مگر آن مرتاض نگفت جایی را اختیار کن که محل عبور و مرور اشخاص نباشد هر کس را دیدی همان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و تو بعد از انجام ختم کسی را غیر از این سید ندیدی...

فورا به دنبالش روان شدم ولی هر چه تلاش کردم به او نرسیدم...

چون زیاد دویدم خسته شدم قدری استراحت کردم ولی چشم من به سید دوخته شده بود و مراقب بودم که سید به کدام از کوخهای عربی (خانه‌های عرب) وارد می‌شود...

از دور دیدم به یکی از کوخهای عربی وارد شد بعد از مدت کوتاهی به سوی آن کوخ رفتم وقتی رسیدم، درب زدم شخصی آمد و گفت: چه کار دارید؟

گفتم: سید را می‌خواهم، گفت: دیدار سید نیاز به اذان دخول دارد صبر کن بروم برای شما اذان بگیرم.

وی آمد و گفت: آقا اذن دخول دادند وارد کوخ شدم دیدم همان سیّد بر روی تخت محقری نشسته سلام کردم و جواب شنیدم فرمود: بیایید و بر روی تخت بنشینید اطاعت کردم و بر روی تخت روبروی سیّد نشستم... پس از گذشت مدتی فکر سر بلند کردم، آقا را در حال انتظار دیدم لذا خجالت کشیده و با شرمندگی تمام عرض کردم: آقا اجازه مرخصی می‌فرمائید؟ فرمود: بفرمائید از خانه خارج شدم همین که چند قدم راه رفتم... دوباره برگشتم و درب را زدم همان شخص آمد به او گفتم: می‌خواهم دوباره خدمت آقا برسم؟ وی گفت: آقا نیست، گفتم: دروغ نگو... وی گفت چگونه نسبت دروغ به من می‌دهی، استغفار کن، من اگر قصد دروغ کنم هرگز جایم در اینجا نخواهد بود ولی بدان این آقا مانند آقایان دیگر نیست این امام والامقام در این مدّت ۲۰ سال که افتخار نوکری او را دارم برای یک مرتبه زحمت درب باز کردن را به من نداده است گاهی از درب بسته وارد می‌شود.[1]

---

۱. امام طبق روایت همیشه ۳۰ نفر یار مخصوص دارد که با حضرت هستند و امور امام را انجام می‌دهند. برای

گفتم: معذرت می‌خواهم... مرا ببخشید. گفتم: آیا راهی دارید برای حل مشکل من؟

گفت: آری هر وقت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در اینجا تشریف ندارند فورا در جای ایشان نایب ایشان ظاهر می‌گردد و برای حل جمیع مشکلات آمادگی دارد.

گفتم: می‌شود به خدمت نایب امام رسید؟

گفت: آری، وارد خانه شدم دیدم بر جای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مرجع بزرگ حضرت آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی[1] نشسته است سلام کردم جواب شنیدم بعد با لبخند و بالهجه اصفهانی فرمود: حالت چطور است؟...

پس از حل جمیع مسائل مشکل دستش را بوسیدم و از خدمتش مرخص شدم همین که بیرون آمدم با خود گفتم:

آیا این آقا سیدابوالحسن اصفهانی بود یا شخصی دیگر بود؟ مردّد بودم بعد با خود گفتم: تردید وقتی از بین می‌رود که به نجف رفته و به خانه ایشان بروم و همان مسائل و مشکلات را سؤال کنم اگر همان جوابها را از سیّد بدون کم و زیاد شنیدم آن وقت همان آقا، سیّد ابوالحسن است و اگر جوابها را طور دیگر شنیدم آن سید غیر آیت‌الله سید ابوالحسن است.

به نجف رفتم و یکسره به منزل آیت‌الله سید ابوالحسن رفتم... بعد مسائل به همان نحو مطرح شد و سید به همان صورت جواب دادند بدون کم و زیاد.

بعد فرمودند: حالا یقین کردی و از حالت تردید بیرون آمدی؟

عرض کردم: آری ای آقای بزرگوار.

سپس فرمودند: من راضی نیستم در حال حیات و زندگیم این جریان را برای کسی نقل کنی بعد از مردنم مانعی ندارد.[2]

توضیح بیشتر به بخش مربوطه مراجعه شود تا چگونگی ملحق شدن این افراد معلوم گردد.

۱. از این دست تشرفها زیاد نقل شده و این نشان می‌دهد که سرنوشت جامعه شیعی در عصر غیبت رها شده نیست و کاملا تحت اشراف و عنایت مستقیم امام عصرعج و نایبان آن امام می‌باشد.

۲. *شیفتگان حضرت مهدی‌عج*، ص ۱۲۰. این جریان را مرحوم حضرت آیت‌الله شیخ عبدالنبی اراکی برای مرحوم حضرت آیت‌الله لنگرودی که در مسجد جوادیه قم اقامه نماز می‌کردند نقل کرده است و صاحب این قلم از ایشان شنیده است.

۵۳

داستان دوم

محدّث نوری می‌نویسد: در روزگار گذشته فرمانروایی ناصبی بربحرین حکومت می‌کرد که وزیرش در دشمنی با شیعیان آن منطقه گوی سبقت را از او ربوده بود روزی وزیر بر فرمانروا وارد شد و اناری را به دست حاکم داد که به صورت طبیعی این کلمات بر پوست آن نقش بسته بود: «لااله‌الاالله محمد رسول‌الله» و ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول‌الله.

فرمانروا از دیدن انار شگفت زده شد و به وزیر خود گفت: این نشانه‌ای آشکار و دلیلی نیرومند بر بطلان مذهب تشیع است نظر تو درباره شیعیان بحرین چیست؟

وزیر پاسخ داد: به باور من باید آنان را حاضر کنیم و این نشانه را به ایشان ارایه دهیم اگر آن را پذیرفتند باید از مذهب خود دست کشند و موضوع حل است وگرنه آنان را میان سه مطلب مخیر می‌کنیم:

یا پاسخی قانع کننده بیاورند، یا جزیه بدهند، یا اینکه مردان شان را می‌کشیم و زنان و فرزندانشان را اسیر کنیم و اموالشان را به غنیمت می‌بریم.

او رای وزیر خود را پذیرفت و دانشمندان شیعه را نزد خود فرا خواند آن گاه انار را به آن‌ها نشان داد و گفت: اگر برای این پدیده دلیلی روشن نیاورید شما را می‌کشم و ...

دانشمندان شیعه سه روز از او مهلت خواستند.

علماء شیعه پس از گفت و گوی زیاد به این نتیجه رسیدند که از میان خود ده نفراز صالحان و پرهیزگاران بحرین را برگزینند آنگاه از میان آن ده نفر، سه نفر را انتخاب کنند و به یکی از آن سه نفر گفتند: تو امشب به صحرا برو و به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف استغاثه کن و از او راه رهایی از این مصیبت را بپرس زیرا او امام و صاحب ماست.

آن مرد چنین کرد ولی پاسخی از حضرت ندید شب دوم نیز نفر دوم را فرستادند او نیز پاسخی دریافت نکرد، شب آخر نفر سوم را که مردی

پرهیـزکار بـود فرسـتادند او بـه صحـرا رفـت و بـا گریـه و زاری از حضرت درخواسـت کمـک کـرد چـون آخـر شـب شـد شـنید مـردی خطـاب بـه او می‌گویـد:

ای محمدبن‌عیسـی! چرا تـو را بـه ایـن حـال می‌بینـم و چـرا بـه سـوی بیابـان بیـرون آمـدی؟ محمدبن‌عیسـی از او می‌خواهـد کـه او را رهـا کنـد و بـه حـال خـود واگـذارد آن مـرد می‌فرمایـد: ای محمدبن‌عیسـی منـم صاحب‌الزمـان حاجـت خـود را بگـو.

محمدبن‌عیسـی گفـت: اگـر تـو صاحـب الزمانـی داسـتان مـرا می‌دانـی و بـه گفتـن مـن نیـاز نیسـت.

امـام فرمـود: راسـت می‌گویـی تـو بـه دلیـل آن مصیبتـی کـه بـر شـما وارد شـده اسـت بـه ایـن جـا آمـده‌ای. عـرض کـرد: آری شـما می‌دانیـد چـه بـر مـا رسـیده اسـت و شـما امـام و پنـاه مـا هسـتید.

پـس حضـرت فرمـود: هنگامـی کـه درخـت انـار تـازه آورده بـود، او (وزیـر) از گِل قالبـی بـه شـکل انـار سـاخت آن را نصـف کـرد و در میـان آن جملـه را نوشـت سـپس قالـب را بـر روی آن انـار کـه کوچـک بـود گذاشـت و آن را بسـت (انـار کـه کم‌کـم بـزرگ شـد کلمـات قالـب بـر آن نقـش بسـت) فـردا نـزد فرمانـروا مـی‌روی و بـه او می‌گویـی کـه مـن پاسـخ تـو را در خانـه وزیـر می‌دهـم چـون بـه خانـه وزیـر رفتیـد پیـش از وزیـر بـه فـلان جـا بـرو کیسـه سـفیدی خواهـی یافـت کـه قالـب گل در آن اسـت آن را بـه فرمانـروا نشـان ده.

نشـانه‌ای دیگـر اینکـه بـه فرمانـروا بگـو کـه معجـزه‌ای دیگـر مـا ایـن اسـت کـه چـون انـار را دو نیـم کنیـد جـز دود و خاکسـتر چیـزی در آن نیسـت.

سـپس امـام فرمـود: انـار را بـه وزیـر دهیـد تـا آن را دو نیـم کنـد تـا تمـام آن دود و خاکسـتر بـه صـورت وزیـر بریـزد.

محمّدبن‌عیسـی از ایـن سـخنان بسـیار شـاد شـد و بـه نـزد شـیعیان بازگشـت روز دیگـر آنـان پیـش فرمانـروا رفتنـد و هـر چـه امـام زمـانﷺ فرمـوده بـود آشـکار گشـت .

فرمانـروای یمـن بـا دیـدن ایـن معجـزه شـیعه شـد و دسـتور داد وزیـر حیله‌گـر

را به قتل رساندند.[1] قبر شریف محمدبن‌عیسی در نزد مردم بحرین مقدس و زیارتگاه است و این قضیه (در آنجا مشهور است).

۵۴

داستان سوم

مرحوم میرزا محمد تنکابنی می‌نویسد:

از دهات کسی به محضر شیخ مفید رسید و سؤال کرد که زنی حامله فوت کرده و فرزندش زنده است آیا باید شکم آن زن را شکافت، و طفل را بیرون آورد و یا این که با آن زن او را دفن کنیم؟

شیخ فرمود: با همان حمل او را دفن کنید.

مرد برگشت در راه دید سواری از پشت سر می‌تازد و می‌آید چون نزدیک رسید گفت:

ای مرد! شیخ مفید فرموده است شکم آن زن را پاره کنید و طفل را بیرون آورید و زن را دفن کنید. بعد آن مرد چنین کرد.

بعد از چندی جریان را برای شیخ نقل کردند، شیخ فرمود: من کسی را نفرستادم و معلوم است که آن آقا حضرت صاحب‌الزمان ﷻ بوده است حال که در احکام شرعیه خطا می‌نمائیم همان بهتر که دیگر فتوا ندهیم پس درِ خانه خود را بست و بیرون نیامد.

تا آنکه از طرف امام عصر ﷻ توقیعی (نوشته‌ای) برای شیخ صادر شد که:

بر شماست که فتوی دهید و بر ماست که شما را تسدید کنیم و نگذاریم در خطا واقع شوید. پس شیخ بار دیگر بر مسند فتوا نشست.[2]

داماد شیخ مفید در احوالات معنوی این پاک سرشت عرشی نسب می نویسد:

او (شیخ مفید) جزء پاسی از شب را در بستر خود نمی‌خفت و سپس

---

۱. *نجم‌الثاقب*، ص ۵۵۶ و مرحوم مجلسی این داستان را نیز در *بحارالانوار* آورده است.
۲. *قصص العلماء*، ص ۳۹۹.

برخاسته نماز می‌خواند یا مطالعه می‌کرد یا تدریس می‌نمود و یا قرآن تلاوت می‌کرد.

(افتخار شیعه به این است که در عصر غیبت کبری چنین علمایی پاک و نورانی زمام امور دینی و سیاسی شیعیان را در دست دارند).

۵۵

و مثال‌هایی دیگر

ـ امام‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در بیمارستان قلب تهران از حضرت آیت‌الله‌بهاءالدینی رحمه الله عیادت کردند و به منزل ایشان در قم رفت و آمد داشتند.

ـ زمانی حضرت آیت‌الله بهجت به مسجد جمکران مشرف شده بودند و از بلندگوی مسجد دعای ندبه پخش می‌شده است و به جملات «اَیْنَ» به معنی «کجاست» رسیده بودند.

ایشان فرموده بودند: آقا کجا نیست؟

ـ و در بین جامعه شیعیان ارسال پیغام مکتوب امام‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای مرحوم آیت‌الله العظمی سیدابوالحسن اصفهانی توسط حاج شیخ کوفی شوشتری نیز در کتب زیادی نقل و ذکر شده است و حتی بعضی از علماء معاصر آن مکتوب نورانی امام را خطاب به آیت الله سیّد ابوالحسن اصفهانی دیده‌اند.

ـ فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه مقدس قم می‌فرماید.

پدرم چون از وجوهات مصرف نمی‌کرد روزهایی بود که ما هیچ چیزی در خانه نداشتیم و کمترین پولی برای خرید غذا نبود ۵ تا ۶ ماه، خرج ما را حضرت می‌دادند خیلی از شبها غذا نداشتیم اما بی‌غذا هم نمی‌شدیم.

ـ درباره عدم پذیرش مرجعیت از طرف آیت‌الله بهاءالدینی نیز به داستان زلال بی‌زوال در این کتاب مراجعه شود.[1]

ـ حضرت آیت‌الله بهجت می‌فرماید:

---

۱. *آیت بصیرت*، ص ۶۸.

مرحــوم آقــای قاضــی رفیــق مرحــوم آقــای سیدحســن صــدر بــود و می‌فرمــود ایشــان بــه دســتور حضــرت ولی‌عصــر علیه‌السّــلام ارواحنــا فــداه رســاله نوشــتند و مرحــوم سیدحســن صــدر در فقــه یــد طولانــی داشــت (و معلــوم می‌شــود کــه سرنوشــت جامعــه شــیعه در عصــر غیبــت کبــری تحــت اشــراف امــام ﷺ قــرار دارد).

فصل سوم

بخش ۱:

مشخصات چهره و قامت نورانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

بخش۲:

فضیلت انتظار در عصر غیبت و روایات مربوط به آن.

بخش ۳:

پاداش معنوی منتظران.

بخش ۴:

مسئله طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و محلّ زندگی امام.

بخش ۵:

شرائط تشرف یافتگان.

بخش ۶:

امکان دیدار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اذکار تشرف.

بخش ۷:

ضرورت شناخت امام زمان و وظایف شیعیان.

بخش ۸:

توقیعات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

Presented by: jafrilibrary.com

بخش ۱

مشخصات چهره و قامت نورانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱
گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره چهره نورانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

ـ مهدی از من است او دارای پیشانی بلند و بینی کشیده است.

ـ مهدی از فرزندان من است صورت او مانند ماه، زیبا و گرد و با رنگ عربی، جسم او جسم اسرائیلی (یعنی گندمگون بودن و دارای قامت کشیده که به بلند قامت بودن نزدیک‌تر است).

ـ صورتش مانند دینار (گرد) دندانهایش مثل دندانهای منشار (خوش تراش و موزون) شمشیرش مانند آتش سوزان.

ـ مثل اینکه مردی از شنواه[1] است بر او دو عبای قطوان[2] است.

ـ فرمود: بر دو چشمش سرمه کشیده شده و با ریشی پرپشت که برطرف راست صورت او خالی می‌باشد.

۱. شنواه محلی است در یمن.
۲. قطوان محلی است در کوفه یا سمرقند یعنی: آن عبا در یکی از این دو شهر بافته شده است.

عن النبی صلی الله علیه و آله: «وجهه کالدینار علی خده الایمن خال کانه کوکب دری» چهره‌اش مانند دینار می‌درخشد و بر گونه راستش خالی است که گویی ستاره‌ای درخشان است.

چهره آن حضرت را چنین توصیف نموده‌اند: صورت سفید مایل به قرمز دندان‌های ثنا یا سفید و مرتب و بافاصله استخوان بندی درشت و چهارشانه پیشانی بلند و جلوی سر کم مو، بینی کشیده با کمی انحناء در وسط، شکم وسیع، و بسیار زیبا.[۱]

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله: «المهدی رجل من ولدی وجهه کالکوکب الدری» مهدی مردی از فرزندان من است و چهره‌اش چون ستاره درخشان می‌باشد.[۲]

عن النبی صلی الله علیه و آله: «وجهه کالدینار علی خده‌الایمن خال کانه کوکب دری»؛ چهره‌اش مانند دینار می‌درخشد و بر گونه راستش خالی است که گویی ستاره‌ای درخشان است.

۲
سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام

ـ مهدی دارای چشمان سیاه است مثل این که از زیادی خشوع به طرف بینی خود نگاه می‌کند، موهایش مجعد، صورتش مانند ماه و پیشانی او باز، دارای خالی در طرف راست صورت است و مهر نبوت در میان دو کتف اوست...

ـ شکم مبارکش فربه است دندانهایش درخشان، رانها از هم فاصله دارد، در شانه علامت‌های نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله قرار دارد.

ـ هم نام پیامبراکرم صلی الله علیه و آله است، دارای اندام موزون و متناسب و صورت با طراوت، صدایش شاد و روشن است، مژه هر دو طرف بلند و در اثر تواضع در پیشگاه خداوند آویخته و افتاده است گردنش کشیده و موزون است...

ـ او سرخ رو دارای موی سیاه و سپید، به آسانی زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و در کوچکی از پدر و مادر دور می‌شود.

---

۱. *حیاة الامام المهدی*، ص ۳۲.

۲. *کنزالعمال* ـ *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۵۳، باب ۴.

۳

سخنان امام باقر علیه‌السلام درباره چهره نورانی امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

ـ فرمود: صورتش مانند ستاره درخشان است و متمایل به سرخی.

ـ سیاهی هر دو دیده‌اش درخشان است، کف دو دستش خشن و زبر است و هر دو زانو خم شده و شکم، کمی جلو آمده است.

ـ در کمرش دو خال وجود دارد یکی به رنگ پوست بدن خود آن حضرت و دیگری شبیه خال جدش رسول خدا.

ـ قائم دارای چندین نشانه است: جای بریدگی شمشیر در سرش و خالی زیر شانه چپ و در زیر هر دو کتفش خالی است مثل برگ درخت آس.

ـ موهایش کوتاه و مجعّد، دندانها از هم جدا و پیشانی گشاده است...

ـ ابروانش بهم نزدیک است و هر دو چشم در اثر بیداری شب و عبادت فرو رفته، سیاهی دیدگانش درخشان است، خالی به صورت دارد، سینه فراخ و میان دو کتفش پهن است و مَفْصل استخوان‌هایش درشت است.

۴

گفتار امام صادق علیه‌السلام درباره امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

ـ در صاحب‌الزمان نشانه‌ای از یونس است و آن ظاهر شدن بعد از غیبت در قیافه جوانی است.

ـ او زیبا صورت و گندم‌گون متمایل به سرخی است.

ـ او خوش بیان است و زیبا صورت و ساق هر دو پایش محکم ولی در اثر قناعت و زهد و زیاده روی (در عبادت) نحیف است.

ـ از نظر بدن نیرومند، هنگامی که فریادش به کوه‌ها برسد تخته سنگهای آن فرومی‌ریزد، دست بر دوش هر انسانی که بگذرد قلب او مانند آهن محکم می‌شود.

ـ او از نظر قامت نه زیاد بلند است و نه زیاد کوتاه بلکه میان بالا و چارشانه است سرش بزرگ و سینه‌اش فراخ است و گشاده پیشانی، ابرو پیوسته و در طرف راست صورتش خالی است مانند قطعه مشک و عنبر نرم شده.

۵
سخنان امام رضا علیه‌السلام درباره امام مهدی عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

ـ می‌فرماید: او به من و موسی‌بن‌عمران شباهت دارد بر تن او پیراهنی از نوراست که نور آن به شعاع قدس بالا می‌کشد، اندامش موزون و رنگ و صورتش با طراوت است در خلق و خوی او به رسول خدا شباهت دارد.

ـ حضرت رضا علیه‌السلام می‌فرماید:

«القائم هو الذی اذا خرج کان فی سنن الشیوخ و منظر الشبان قوی فی بدنه» قائم آن کسی است که وقتی ظاهر شود در سن پیران و منظر و سیمای جوانان و با قوت بدن باشد.[1]

به امام رضا علیه‌السلام عرض شد: آیا شما صاحب‌الامر هستید؟

حضرت فرمود:

من صاحب‌الامر هستم ولی آن صاحب‌الامری که زمین را پر از عدل می‌کند نیستم من چگونه می‌توانم آن باشم و حال آن که بدنم ضعیف است. حضرت رضا فرمود: او حضرت قائم عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است وقتی که ظاهر می‌شود در سن بزرگسالان و در قیافه جوانان است آن چنان قدرتی دارد که اگر دستش را به سوی درخت‌های بلند و بزرگ دراز کند آن را از زمین بر می‌کند و اگر بین کوه‌ها فریاد زند سنگ‌های کوه از جا کنده می‌شوند. همانا عصای حضرت موسی علیه‌السلام و انگشتر خاتم حضرت سلیمان علیه‌السلام همراه اوست.[2]

۶
چهره نورانی امام مهدی عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در روایات و کتب اهل سنت

ـ در کتاب برهان ص ۹۳ از ابی امامه از حذیفه روایت کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: مثل اینکه صورتش ستاره درخشنده است.

در ینابیع‌المودة از کتب اهل سنّت ص ۴۶۷ آمده که مهدی عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف صورت سرخی دارد و در کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۵۹۰ از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام روایت دارد که در صورتش خالی است. در کفایه‌الخصام، ص ۶۸۲ از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت

---

۱. *منتخب الاثر*، ص ۲۲۱، حدیث ۲.

۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

دارد که فرمود: مهدی از من است و پیشانی گشاده دارد و در ینابیع‌المودة، ص ۴۶۹ روایت دارد که ابروی او کشیده و طولانی و قوس دارد و قوس آن نزدیک هم است ولی پیوسته نیست.

در ینابیع‌المودة، ص ۴۶۹ دارد که بر گونه راست امام مهدی ﷺ خالی است و بر دست راستش نیز خالی وجود دارد.[۱]

و در کنزالعمال،ج ۱۴، ص ۵۹۰ از امام علی ﷺ آورده که: بینی امام بلند و در وسطش برآمدگی دارد و سوراخ بینی کوچک است در غالیه‌المواعظ، آلوسی، ج ۱، ص ۷۷ دارد که بر کف دست راست امام مهدی خالی وجود دارد و در کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۵۸۹ دارد که علی ﷺ فرمود: مهدی ﷺ ریش انبوه دارد و در کتاب غیبت طوسی، ص ۲۸۱.

و در کتاب ینابیع‌المودة، ص ۴۶۷ آمده که موی او سرخ تیره است.

۷
چهره نورانی امام مهدی ﷺ در کتب شیعه

امام علی ﷺ می‌فرماید: مهدی ﷺ چهل ساله در بین مردم می‌آید.[۲]

امام صادق ﷺ می‌فرماید: هنگامی که قائم ﷺ قیام کند مردم او را انکار می‌کنند زیرا به صورت جوان معتدل و رشیدی بیاید.[۳]

جابر جعفی گوید: از امام باقر ﷺ شنیدم که فرمود: عمربن‌خطاب از امام علی ﷺ سؤال کرد: نام حضرت مهدی چیست؟

فرمود: راجع به نام او رسول خدا ﷺ با من عهد کرده که تا مبعوث نشود نامش را بیان نکنم.

پرسید: صفت و نشانه‌اش چیست؟

فرمود: جوانی میانه، قامت خوشرو و خوش مو است که موهایش بر شانه ریخته و نور صورتش بر سیاهی محاسن و سرش احاطه کرده است.[۴]

---

۱. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۱۹۲.

۲. *البیان فی اخبار صاحب الزمان*، گنجی شافعی، ص ۴۹۵. (در کتب اهل سنّت روایتهای مربوط به امام‌عصر ﷺ به بیش از ۱۰۰۰ روایت می‌رسد)

۳. *اثبات الهداة*، ج ۷، ص ۲۷.

۴. *اثبات الهداة*، ج ۷، ص ۴۱۴.

و در ملاحم، ص ۱۴۱ روایت دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: رنگ مهدی عربی است و در کتاب ملاحم، ص ۷۳ از کعب روایت کند که: فروتنی او (مهدی) مثل فروتنی شیشه است.[۱]

در نجم‌الثاقب، ص ۷۴ دارد که سر مبارک امام گرد و مدور است.[۲]

و گندم‌گون است که زردی به او عارض شود بر اثر بیداری شب و در روایتی دیگر می‌فرماید: صورتش از صفا و بی‌عیبی مانند اشرفی است و در منتهی‌الامال، ج ۲، ص ۲۸۹ دارد که:

گوشت صورت امام کم است و با پیشانی گشاده و نورانی ابروست و در روایتی است که مهدی مردیست که ابروهایش از هم جدا و باریک است و در کتاب ملاحم، ص ۷۳، ص۷۴ دارد که چشمان امام سرمه‌ای و درشت است که کمی چشمانش فرو رفته است[۳] امام‌علی علیه السلام می‌فرماید: که موی سرش نیکو و آویزان بر دو شانه مبارک است در کتاب وافی، ج ۲، ص ۱۱۲ آمده که امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

سر دو شانه‌هایش نرم است و در بحار ج ۵۱، ص ۱۹ در ذیل حدیث ۲۷ و ۳۷ حکیمه خاتون فرمود:

بر بازوی راستش نوشته بود: «جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا» و در اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۱ از امام حسن عسگری علیه السلام روایت دارد که امام امر فرمود: شکم امام مهدی را باز کنند (پیراهنش را کنار بزنند) دیدند از گودال زیر گلو تا ناف امام مهدی مو روئیده است به رنگ سبز و در کتاب وافی، ج ۲، ص ۱۱۲ از امام باقر علیه السلام روایت دارد که دو ران امام مهدی پهن و بزرگ است و در روایتی از امام علی علیه السلام در کتاب لوایح الانوار، ج ۲، ص ۱۲ است که بر ران راست امام مهدی عجل الله فرجه نیز خالی است در نجم الثاقب ص ۷۳ آمده که ساق‌های پای مبارک امام مهدی باریک است و در منتهی‌الامال، ج ۲، ص

---

۱. *یأتی علی الناس زمان*، ص ۴۰۰.
۲. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۴۰۰.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۴۰.

۲۸۹ آمده که هیات و شکل ظاهری امام نیکو و خوش است چنانچه هیچ چشمی تا به حال چنین اعتدال و تناسبی ندیده است.[۱]

۸
چه قد و قامتی، قیامت است

ابوبصیریحیی‌بن‌قاسم نابینا بود وی احتمال می‌داد امام صادق علیه السلام مهدی موعود باشد لذا با از امام اجازه عرض کرد:

من می‌خواهم دستی روی سینه شما بکشم!

حضرت فرمود: مانعی ندارد. او دست به سینه و سرشانه امام کشید.

حضرت فرمودند: ای ابوبصیر چرا چنین می کنی؟

عرض کردم: قربانت شوم من از پدربزرگوار شما شنیدم که می‌فرمود: قائم ما سینه‌ای گشاده و سرشانه باز و عریض دارد.

حضرت فرمود: ای ابوبصیر! پدرم زره پیامبر صلی الله علیه و آله را پوشید برایش بلند بود به طوری که روی زمین کشیده می‌شد.

حضرت فرمودند: من هم وقتی آن زره را پوشیدم به زمین می‌رسید ولی وقتی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آن را بپوشد مثل این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را پوشیده است و دامن زره به زمین کشیده نمی‌شود کسی که عمرش از چهل سال تجاوز کرده است صاحب‌الامر نیست.[۲]

۱. *باقی علی الناس زمان*، ص ۴۰۰.

۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۱۹، حدیث ۲۰ (در روایات آمده که حضرت ولی‌عصر با اینکه عمر طولانی دارد ولی هنگام ظهور به صورت جوانی است که کمتر از چهل سال دارد لذا امام در این روایت اشاره به کهولت سن و ضعف پیری خود دارند).

بخش ۲

فضیلت انتظار در عصر غیبت و روایات مربوط به آن

۹
منتظران واقعی همراهان اهل بیتند

اصبغ‌بن‌نباته می‌گوید:

به حضور امیرمؤمنان علی علیه السلام آمدم دیدم آن حضرت غرق در فکر و اندیشه است و در روی زمین خط می‌کشد پرسیدم: ای امیرمؤمنان! چرا تو را اینگونه در فکر و اندیشه می‌نگرم که به زمین می‌نگری ودر آن خط می‌کشی؟ آیا به رهبری در زمین اشتیاق یافته‌ای؟

امام علی علیه السلام فرمود: نه به خدا سوگند هرگز، حتی یک روز نبوده که من شیفته خلافت یا شیفته دنیا گردم بلکه درباره مولودی که یازدهمین فرزند من است (یعنی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) فکر می‌کردم درباره همان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که سراسر زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد می‌کند برای او غیبت و سرگردانی وجود دارد بعضی در این راه گمراه گردند و بعضی راه هدایت را شناخته و می‌پیمایند.

اصبغ‌بن‌نباته عرض کرد: ای امیرمؤمنان! غایب بودن آن حضرت و سرگردانی او تا چه اندازه است؟

امام علی علیه‌السلام فرمود: طول غیبت شش روز یا شش ماه یا شش سال است.

اصبغ‌بن‌نباته عرض کرد: آیا این (غیبت و سرگردانی) واقع شدنی است؟

امام علی علیه‌السلام فرمود: آری این موضوع مسلم است و انجام شدنی است ولی ای اصبغ! تو کجا و این امر کجا؟ آن‌ها (که غیبت را درک کرده و در این راه استوارند) نیکان این امّت و همراه نیکان این عترت هستند!!

اصبغ‌بن‌نباته پرسید: بعد از آن چه می‌شود؟

حضرت فرمود: بعد از آن هرچه خدا بخواهد انجام می‌شود زیرا برای خدا مقدرات و اراده‌ها و نتیجه‌ها و پایان‌ها است.[1]

۱۰
امام علی علیه‌السلام مشتاق اوست

مردی خدمت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام آمد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! به ما از مهدی آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله خبر ده؟

حضرت فرمود: آنگاه که روندگان بروند، زمان‌ها بگذرد و مؤمنان کمیاب شوند و فراهم آمدگان نابود شوند در آن زمان خواهد آمد.

عرض کرد: ای امیرمؤمنان: او از کدام قبیله است؟

امام فرمود: از بنی‌هاشم است...او هیچ هراسی ندارد...او کارآمد و چیره دست و پیروز است شیر دروگر دشمنان و زخم افکن و نام‌آور است.

او شمشیری از شمشیرهای خداست، سرور بخشنده است.

اندیشه او در عالی‌ترین جایگاه سیادت بندآمده است و مجد ریشه دار او در گرانبهاترین اصالتها جا یافته است...

حضرت مجددا به توصیف حضرت مهدی پرداختند و فرمودند: پناه دهندگی او از همه فراگیرتر، علم او از همه فزونتر وصله رحم او از همه بهتر و بیشتر است.

---

۱. *اصول کافی*، ج ۱.

خدایا! ظهور او را! بیرون شدن او از اندوه و درد قرار ده! و به سبب او پراکندگی امت اسلام را گرد آور.

پس اگر توفیق درک حضور او را یافتی و خدای سبحان خیر تو را فراهم آورد مصمم و استوار باش و از او رو بر متابان و اگر به حضور او راه یافتی از او مگذر.

در اینجا حضرت با دست اشاره به سینه خود نمود و فرمود: آه که چه شوقی به دیدار او دارم.[۱]

۱۱
آرامشی وجود ندارد

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: گویی شیعیان را می‌بینم که در روزگار از دست دادن سومین فرزند از نسل من در پی یافتن آسایش برمی‌آیند اما نمی‌یابند.

عرض کردم: چرا ای فرزند رسول خدا؟ فرمود: چون امامشان از دیدگان آن‌ها غایب می‌شود.

عرض کردم: چرا؟ فرمود: برای آن که هرگاه شمشیر برکشد بیعت احدی را به گردن نداشته باشد.[۲]

۱۲
انتظار، امتحان است

خداوند متعال وقتی حضرت موسی علیه السلام را به کوه طور دعوت کرد حضرت موسی علیه السلام به قوم خود فرمود: ظرف سی روز برخواهم گشت و از اول ماه ذیقعده عازم کوه طور شد اما خداوند ده روز به آن سی روز اضافه فرمود تا چهل شب میقات موسی کامل شود.

به محض آنکه از آمدن موسی خبری نشد سامری جلودار قوم موسی علیه السلام گشت و روی به بت‌پرستی آوردند. این آیه در عصر انتظار باید چراغ راه مسلمانان باشد تا امید و انتظار را از دست ندهند و از سرگذشت سامری و

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۱۱۵.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۹۰.

بنی‌اسرائیل عبرت گیرند چند روزی مولای ما اگر نیامد یا دیر آمد بالاخره خواهد آمد؟

۱۳
دین‌داری مؤمن در آخرالزمان

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «لاحدهم اشد بقیة علی دینه من خرط القتاد فی اللیلة الظلماء او کالقابض علی جمر الغضا» هر یک از آنان (مؤمنین) اعتقاد و دین خویش (در آخرالزمان) را با هر سختی نگاه می‌دارد چنان که گویی درخت خار مغیلان را در شب تاریک با دست پوست می‌کند یا آتش پر دوامی را در دست خود نگاه می‌دارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ان لصاحب هذا الامر غیبة...المتمسك فیها بدینه کالخارط للقتاد ثم قال هکذا بیده فایکم یمسك شوك القتاد بیده».

برای صاحب‌الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف چنان غیبتی هست که دین داری در آن زمان مثل آن است که کسی درخت خاردار قتاده[1] را با دستش بتراشد و به دست خود اشاره کرد و فرمود: این چنین و بعد فرمود: کدامیک از شما با دستش چنین می‌کند؟[2]

امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

«یفقد الناس امامهم فیشهد الموسم فیراهم ولایرونه» مردم امام خود را گم می‌کنند ولی آن حضرت در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بینند اما آن‌ها او را نمی‌بینند.[3]

۱۴
انتظار او را داشتن، واجب است

عبدالعظیم حسنی روایت می‌کند که بر سرور خود امام جواد علیه السلام وارد شدم قبل از آنکه سؤالم را درباره حضرت قائم بگویم حضرت پاسخ سؤال مرا داد و

---

۱. درختی است بسیار خاردار و خارهایش نیز مثل سوزن می‌باشد.
۲. *اصول کافی*، ج ۲، ص ۱۳۲.
۳. *کمال الدین*، ص ۳۴۶.

فرمود: ای ابوالقاسم! قائم ما همان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است او کسی است که در زمان غیبتش انتظار او واجب است و هنگامی که ظهور کرد اطاعتش واجب است.

او سومین نفر از فرزندان من است قسم به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد و ما را به امامت برگزید اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد هر آینه خداوند متعال آن را چنان طولانی کند تا آنکه قائم در آن روز خارج شود و ظهور نماید...[۱]

---

۱. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۷.

Presented by: jafrilibrary.com

بخش ۳

پاداش معنوی منتظران

۱۵
جایگاه منتظران

در روایـت آمـده اسـت کـه: بـه خـدا سـوگند شـما کـه در حـال انتظـار می‌میریـد مرگتـان عـادی نیسـت بلکـه در نـزد خـدا (ثـواب آن) از شـهدای بـدر و اُحـد بیشـتر است...

و در روایتـی دیگـر آمـده: شـما بالاتـر از اصحـاب قائـم هسـتید بـرای آنکـه شـب و روزتـان در میـان تـرس می‌گـذرد از سـتم پیشـوایان جـور بـر امامتـان، و خودتـان بیمنـاک هسـتید اگـر نماز بخوانیـد بـا تـرس می‌خوانیـد اگـر روزه بگیرید بـا تقیـه روزه‌دار هسـتید اگـر حـجّ بـه جـا بیاوریـد بـا تقیـه اسـت اگـر شـهادت دهیـد شـهادتان مـورد قبـول نیسـت...

۱۶
به روحی از خدا تأیید شده‌اند

امام باقر عليه السلام می‌فرماید:

«یخرج بعد غیبه و حیره لایثبت فیها علی دینه الا المخلصون المباشرون لروح الیقین الذین

اخذاللّه میثاقهم بولایتنا و کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه» بعد از غیبت حیرت ظاهر می‌شود در این دوران تنها کسانی بر دین خود ثابت می‌مانند که در ایمان خود مخلص باشند و با روح یقین همراه و آنان کسانی هستند که خداوند از آن‌ها درباره ولایت ما پیمان گرفته و در دل آن‌ها ایمان را مستقر کرده و آن‌ها را با روحی از خود تأیید فرموده است.

۱۷
عملی ویژه و بی‌نظیر

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «افضل اعمال امّتی انتظار الفرج من اللّه عزوجل» برترین عمل امت من در انتظار فرج الهی بودن است.[۱]

۱۸
جهادی ممتاز و استثنایی

امام صادق علیه السلام: «المنتظر للثانی عشر کالشّاهر سیفه بین یدی رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله یذب عنه»؛ کسی که منتظر امام دوازدهم است همانند کسی است که در برابر پیامبر خدا شمشیرش را برهنه نموده و از آن حضرت دفاع می‌نماید.[۲]

۱۹
روزه‌دار خالص در عصر غیبت‌کبری

امام باقر علیه السلام فرمودند: «واعلموا ان المنتظر لهذا الامر مثل اجرالصائم القائم» و بدانید که انتظار کشیدن این امر (فرج) پاداشی چون پاداش روزه‌دار به عبادت ایستاده دارد.[۳]

۲۰
راه نجات بخش در آخرالزمان

امام حسن عسگری علیه السلام می‌فرماید: به خدا قسم (امام زمان) غیبتی

۱. *کمال‌الدین*، ص ۶۴۴.
۲. *کمال‌الدین*، ص ۶۴۷.
۳. *کافی*، ج ۲، ص ۲۲۲.

طولانی خواهد داشت و از هلاکت نجات نمی‌یابد مگر کسی که خدا او را در اعتقاد به امامت او ثابت بدارد و به او توفیق دعا برای ظهور و فرج آن حضرت را بدهد.[1]

۲۱
اتحاد روحی و معنوی با امامان علیهم السلام

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبلنا فی غیبة قائمنا الثابتین علی موالاتنا...اولئك منّا و نحن منهم».

خوشا به حال آن شیعیان ما که در دوران غیبت قائم ما به ریسمان ما چنگ زنند و بر ولایت ما استوار مانند... آنان از مایند و ما از آنانیم.[2]

۲۲
اجر معنوی منتظرین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ثواب ۱۰۰۰ شهید است

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «من ثبت علی ولایتنا فی غیبة قائمنا اعطاه اللّه اجرالف شهید مثل شهداء بدر و احد».

آن که در دوران غیبت قائم ما بر ولایت ما ثابت بماند خداوند پاداش هزار شهید همچون شهدای بدر و اُحد به او عطا خواهد کرد.[3]

۲۳
برترین مردم دوران‌ها

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «انّ اهل زمان غیبتة و القائلین بامامته و المنتظرین لظهوره افضل من اهل کل زمان».

آنان که دوران غیبت آن حضرت (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) را درک کنند و معتقدان به امامت و منتظران ظهور آن حضرت باشند، از اهل دورانهای دیگر برترند.[4]

---

۱. *کمال‌الدین*، ج ۲، ص ۳۸۴.
۲. *کمال‌الدین*، ج ۲، ص ۳۶۱.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۵۲.
۴. *بحارالانوار*، ج ۳۶، ص ۳۸۷.

۲۴
وجودی سراسر نور

امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فرمودند: «واما وجه الانتفاع فی غیبتی فکا لانتفاع بالشمس اذا غیبتها عن الابصار السحاب».

اما استفاده و انتفاع از وجود من در زمان غیبت کبری همانند استفاده از خورشید در یک روز ابری است.[1]

حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌فرماید: «انی امان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء».

وجود من موجب امنیت اهل زمین است آن چنانکه ستارگان امان آسمانند.[2]

جابربن‌عبدالله انصاری از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله سؤال کرد: آیا شیعیان در زمان غیبت از امام غائب نفعی می‌برند؟

فرمود: آری سوگند به آنکه مرا به نبوت مبعوث ساخته است آنان به نور او روشنی می‌گیرند و به ولایت او نفع می‌برند مانند نفع بردن از خورشید هر چند ابرها آنرا پوشانده باشد.[3]

۲۵
عده‌ای گمراه می‌شوند به خاطر غیبت طولانی

احمدبن‌اسحاق اشعری گفت: به خدمت امام عسگری علیه‌السلام رفتم تا از نام امام بعد از او سئوال کنم امام عسگری قبل از آنکه من سخنی بگویم فرمود: ای احمد! از آغاز خلقت تاکنون خداوند لحظه‌ای زمین را خالی از حجت خود قرار نداده است...

عرض کردم: امام بعد از شما چه کسی می‌باشد؟ حضرت با عجله برخاست و داخل اتاق دیگر شد و چون بازگشت بچه سه ساله‌ای را که بسیار زیبا بود در بغل داشت آنگاه فرمود: اگر ارزش و مقام تو نزد خدا و

---

۱. *غیبت طوسی*، ص ۱۷۶.
۲. *بحارالانوار*، ج۵۷، ص ۳۸۰.
۳. *کمال‌الدین*، ج ۱، ص ۲۶۵.

ما زیاد نبود پسرم را به تو نشان نمی‌دادم این فرزندم هم نام پیامبراکرمﷺ است و زمین را پر از عدل وداد می‌کند و او شباهت با خضر و ذوالقرنین دارد.

عرض کردم: ای مولای من آیا علامتی بر امامت او وجود دارد؟

در این وقت آن بچه با زبان عربی فرمود: من بقیةالله در زمین و انتقام گیرنده از دشمنان خدا هستم! آن روز من در حالی که بسیار خوشحال بودم از محضر حضرت خارج شدم و روز بعد که نزد امام حسن عسگری رسیدم عرض کردم: از لطفی که دیروز در حق من مبذول داشتید بسیار شکرگزار و خوشحالم.

ولی معنای این که فرمودید: برنامه‌ای مانند برنامه حضرت خضر و ذوالقرنین دارد را نفهمیدم؟

حضرت فرمود: منظورم غیبت طولانی او می‌باشد.

عرض کردم: آیا غیبت او خیلی به طول می‌انجامد؟

فرمود: آنقدر غیبت او طولانی می‌شود که اکثر معتقدین به او از راه صحیح منحرف می‌شوند...[1]

۲۶

معیار زندگی و راه قبولی اعمال

«عن الی ابی عبداللّهؑ انه قال: الاخبرکم بما لایقبل اللّه عزوجل من العباد عملا الالیه الاّ به؟ فقلت...». امام صادقؑ به راوی فرمود:

آیا ملاک قبولی اعمال بندگان را به شما خبر دهم؟ راوی گفت: بله. امام فرمود: عبارتند از باور به خدای یکتا و بندگی او و پیامبری محمدؑ و... انتظار مهدی قائم‌آل‌محمدﷺ.[2]

امام علیؑ می‌فرماید: **«انتظر والفرج ولاتیاسوا من روح‌اللّه فان احب الاعمال الی‌اللّه انتظار الفرج».**

منتظر فرج و گشایش باشید و از رحمت خدا ناامید نشوید که همانا بهترین کارها نزد خداوند انتظار فرج است.

۱. *محجةالبیضاء*، ج ۴، ص ۳۳۹.
۲. *غیبت نعمانی*، ص ۳۰۰.

۲۷
غیبت غفلت نیاورد

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: در آن هنگام (زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) بایستی بندگان خدا هر صبح و عصر انتظار وقوع فرج را داشته باشند...[۱]

در کتاب کمال‌الدین از ابوبصیر روایت کرده که: **قال الصادق علیه السلام: «یا ابابصیر طوبی لشیعة قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبته و المطیعین له فی ظهوره اولئك اولیاء اللّه الذین لاخوف علیهم ولایحزنون».**

یعنی: خوشا به حال شیعیان و پیروان قائم ما، آن‌هایی که ظهور او را در زمان غیبت انتظار می‌کشند؛ و او را اطاعت می‌کنند، در زمان ظهور او این‌ها هستند مصداق آیه شریفه: **«الا ان اولیاءاللّه لاخوف علیهم ولا هم یحزنون».**

۲۸
عجیب‌ترین مردم

علی‌بن‌ابیطالب علیه السلام از پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله در وصّیتی طولانی روایت می‌کند که فرمود: ای علی! عجیب‌ترین مردم از جهت ایمان و بزرگترین مردم از جهت یقین گروهی هستند که در آخرالزمان می‌باشند پیغمبر را درک نکرده‌اند و امام از آن‌ها پنهان است پس ایمان می‌آورند به واسطه سیاهی (نوشته‌ها) که بر سفید نگاشته (صفحات) شده است.[۲]

۱. *کمال‌الدین*، ج ۲، ص ۳۳۹، در احوالات قدیم مردم کاشان آمده که در روز جمعه مردان آن دیار با اسلحه و اسب به بیرون شهر رفته و انتظار امام عصرعج را می‌کشیدند ما بایستی مسئله انتظار را در جامعه ملموس و عینی کنیم که البته اینکار ظرافتهای روانی و هنری و تربیتی خاص خود را می‌طلبد.
۲. *من لایحضره الفقیه*، ج ۱، ص ۲۶۹.

بخش ٤

طول عمر امام مهدی و محل زندگی امام

۲۹
عمر با برکت امام عصر در روایات

برای عمر شریف امام عصر بعد از ظهور اخبار و روایات زیادی از شیعه و سنی نقل شده است که در این جا به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

برای مطالعه عمیق‌تر و دقیق‌تر صاحب کتاب «یأتی علی‌الناس» زمان ۳۱ روایت آورده که می‌توان گفت بیشترین روایات در این خصوص در آنجا ذکر شده است.

در کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۲ عمر حضرت بعد از ظهور پنج یا هفت یا نه سال آمده است در فصول المهمه از حذیفه ده سال آمده است.

در ملاحم، ص ۷۸ در ذیل خطبه البیان امام علی می‌فرماید: هشتاد سال، در غیبت طوسی، ص ۲۸۳ به اندازه ۳۰۹ سال مثل اصحاب کهف و در بحار الانوار ج ۵۳، ص ۳۴ مفضل از امام صادق سؤال می‌کند...

امام می‌فرماید: که خدا می‌داند و به مشیت و اراده خداست.

۳۰
نظری سترگ

از حضـرت آیـت‌الله جوادی‌آملـی پرسـیدند: حیـات (عمـر) حضـرت ولی‌عصـر (ارواحنالـه الفـداء) چگونـه بـا قوانیـن علمـی توجیـه می‌شـود؟

ایشـان فرمودنـد: اولاً حیـات طولانـی امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشریف برخـلاف عـادت اسـت نـه برخـلاف علّیـت، یعنـی بطـور عـادی کسـی نمی‌توانـد هـزار یـا ده هـزار سـال زندگـی کنـد امـا بـه صـورت غیـر عـادی (خـرق عـادت) ایـن کار ممکـن اسـت. ثانیـا اگـر بدانیـم انسـان چیسـت و بدنـش را چـه کسـی اداره می‌کنـد ایـن سـوال اصـلاً بـرای مـا مطـرح نیسـت بـرای عرفـا و حکمـای بـزرگ چنیـن سـؤال‌هایی اصـلاً مطـرح نیسـت.

بنـده یـک وقتـی بـه دندانپزشـک محترمـی مراجعـه کـردم او می‌گفـت بعضی‌هـا هسـتند کـه دندان‌هایشـان صـد سـال دوام دارد و نمی‌پوسـد ولـی اگـر فـولاد صـد سـال شـب و روز کار بکنـد فرسـوده می‌شـود چـون فـولاد و آهـن اگـر فرسـوده شـد دیگـر جایگزیـن نمی‌شـود امـا دنـدان هـر روز عـوض می‌شـود مرتـب سـلولهای جدیـد جـای سـلولهای مـرده و قدیمـی را می‌گیرنـد.

بـا ایـن توضیـح تمـام ذرات بـدن در حرکـت و تعویـض هسـتند و روح آدمـی حـرکات تمـام ایـن ذرات را دقیقـا تحـت کنتـرل دارد در ایـن صـورت اگـر روح انسـان کاملـی برخـلاف عـادت (نظـم عـادی) بهتریـن سـلول‌ها را جایگزیـن کنـد و دقیق‌تریـن کنترلهـا را روی قسـمتهای مختلـف بـدن داشـته باشـد یـک انسـان کامـل می‌شـود و می‌توانـد حتـی میلیونهـا سـال نیـز زنـده بمانـد (و ایـن مطلبـی اسـت کـه در علـم پزشـکی امـروز بـه اثبـات رسـیده اسـت)...

اگـر روح پیونـدش بـا خالـق جهـان هسـتی بـه حـدی بـود کـه قـدرت خاصـی مافـوق قـدرت افـراد عـادی پیـدا کـرد می‌توانـد همـان طـوری کـه بـدن خـود را می‌گردانـد خـارج از بـدن خـود را هـم اداره کنـد زیـرا خـارج از روح او حکـم بـدن او را دارد... کرامـات، همـه محـال عـادی هسـتند نـه محـال عقلـی، کرامـت بَـردار نیسـت ۵=۲×۲ ایـن شـدنی نیسـت اعجـاز بـردار هـم نیسـت بـه هـر حـال حیـات

حضـرت ولی‌عصـر محـال عـادی اسـت نـه محـال عقلـی[1] مرحـوم آیـت‌الله کشـمیری در ایـن مـورد می‌فرمایـد:

بـا آمـدن مـرگ مقـدّر همـه رعایت‌هـای جسـمانی پایـان می‌پذیـرد عمـده‌اش رعایـت اغذیـه روحانـی اسـت کـه پایـان نـدارد و تأثیـر آن همیشـگی اسـت.

۳۱
نظر شریف مرحوم علامه طباطبائی

مرحـوم علامـه طباطبائـی دربـاره راز طـول عمـر امـام عصـر می‌فرماینـد: نـوع زندگـی امـام غائـب را بـه طریـق خـرق عـادت (می‌تـوان پذیرفـت) البتـه خـرق عـادت غیـر از محـال اسـت و از راه علـم هرگـز نمی‌تـوان عـادت را نفـی کـرد زیـرا هرگـز نمی‌تـوان اثبـات کـرد کـه اسـباب و عواملـی کـه در جهـان کار می‌کننـد تنهـا همانهـا هسـتند کـه مـا از آن‌هـا خبـر نداریـم یـا آثـار و اعمـال آن‌هـا را ندیده‌ایـم یـا نفهمیده‌ایـم وجـود نـدارد از ایـن روی ممکـن اسـت در فـردی و یـا افـرادی از بشـر اسـباب و عواملـی بـه وجـود آیـد کـه عمـری بسـیار طولانـی، هـزار یـا چندیـن هـزار سـاله بـرای ایشـان تأمیـن نمایـد.[2]

۳۲
طول عمر امام در منابع اهل سنت

ابوعبـدالله فقیـه محمدبن‌یوسـف گنجـی شـافعی در کتـاب البیـان فـی اخبـار صاحـب الزمـان در آخـر بـاب ۲۰ آورده: «ان المهدی ولد الحسن العسکری فهو حی موجود باق‌مند غیبته الی الان ولا امتناع فی بقائه بدلیل بقاء عیسی و الخضر والیاس علیهم‌السّلام».

یعنـی: بـه درسـتی کـه مهـدی فرزنـد حسـن عسـگری زنـده و موجـود و باقـی اسـت غیبـت او الـی الان اسـت و بقـای او امتناعـی نـدارد بـه دلیـل بقـای عیسـی و خضـر و الیـاس.

---
۱. *توصیه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، ص ۷۱.
۲. *شیعه در اسلام*، ص ۱۵۱.

و دلایـل قرآنـی نیـز در ایـن زمینـه موجـود اسـت: «ولکنا انشانا قرونا فتطاول علیهم العمر».[۱]

یعنـی: «ولـی مـا از آن پـس نسـل‌هایی را بیافریدیـم کـه عمرشـان بـه دراز کشـید...».

ایـن واقعیتـی اسـت کـه هنـوز بـرای جهـان امـروز مسـأله و راز طـول عمـر در پـرده‌ای از ابهـام باقـی مانـده ولـی ایـن بـه ایـن معنـا نیسـت کـه ایـن مسـئله را امـری محـال تلقـی و تحلیـل نمائیـم

ولیکـن ایـن مسـئله (طـول عمـر) بـا دلایـل قرآنـی واقعیتـی غیـر قابـل انـکار اسـت آنجـا کـه خداونـد در قـرآن کریـم می‌فرمایـد: نـوح، ۹۵۰ سـال در قـوم خـود پیامبـر بـود و در روایـات آمـده کـه عمـر شـریف ایـن پیامبـر، ۲۵۰۰ سـال بـوده اسـت.

اگـر مـا ویژگی‌هـای همـه جانبـه‌ای از مسـأله عمـر بدسـت بیاوریـم مسـئله یـا بهتـر بگوئیـم معادلـه طـول عمـر براحتـی قابـل درک خواهـد بـود ایـن مسـئله ارتبـاط مسـتقیم بـا دانـش بشـری دارد و امـکان علمـی و نظـری آن بـا اسـتفاده از اسـرار خوراکی‌هـا و بـا اسـتفاده از روشـهای طبیعـی دسـت یافتنـی اسـت.

دربـاره مسـئله طـول عمـر امـام عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شایسـته اسـت بـه اثـر قدیمـی کنـز الفوائـد نوشـته محمّـد کراچـی طرابلسـی متوفـی ۴۴۹ هجـری قمـری مراجعـه شـود او در جـزء دوم ایـن کتـاب رسـاله‌ای تحـت عنـوان: البرهـان علـی صحـة طـول عمـر الامـام صاحـب الزمـان دارد.

۳۳
دلیلی قرآنی برای طول عمر

در قرآن‌کریـم خداونـد دربـاره حضـرت یونـس وقتـی کـه در شـکم ماهـی قـرار گرفـت فرمـود:

ولو لا انه کان من المسبحین للبث فی بطنه الی یوم یبعثون.[۲] «پـس اگـر از تسـبیح گویـان نمی‌بـود تـا روز قیامـت در شـکم ماهـی می‌مانـد». خداونـد در ایـن آیـه می‌فرمایـد

۱. قصص / ۴۵.
۲. عنکبوت / ۱۴.

با نبود هیچ یک از شرایط عادی یونس را تا قیامت در دل نهنگ نگه می‌داشتم و اگر اراده خدای قادر و توانا به چیزی تعلق یابد آن امر شدنی است.

طول عمر امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را صرف نظر از آنچه گذشت می‌توان یک معجزه نیز تلقی نمود چنانچه خداوند دریا را برای حضرت موسی علیه‌السلام شکافت و یا آتش را بر حضرت ابراهیم سرد و سلامت کرد و...

پس می‌توان این گونه تحلیل کرد که عمر امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از وجوه مختلفی قابل قبول بوده و در نتیجه آن سرور هنوز با این همه سال بعنوان امام زنده در نظر شیعیان باقی می‌باشند.

۳۴
طول عمر با فرمول مثلث تغذیه یک روش شدنی است

استاد بزرگوار حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمّد شاه آبادی دامت برکاته در زمینه طول عمر طبیعی می‌فرمایند: ما از اثرات غذاها بی‌اطلاعیم و نمی‌دانیم چه چیزی (چه نوع غذایی) و در چه وقتی (وقت خوردن آن) و به چه مقدار و میزانی باید استفاده کنیم اگر کسی بتواند این سه مورد را دقیق مورد اجراء قرار دهد عمر طولانی برای او متصور است، لذا ما نسبت به خوراک در مثلثی قرار داریم که اگر همه سه ضلع ذکر شده برای کسی روشن شود به طور طبیعی می‌تواند هزاران سال عمر کند چرا که انسان چنین قابلیتی را دارد چرا که اشرف مخلوقات است و همه ما می‌دانیم که امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به این ۳ جنبه مذکور احاطه کامل و دقیق دارند پس نتیجه منطقی موضوع آنست که امام می‌توانند به طور عادی و طبیعی عمر شریفشان طولانی باشد.[۱]

اگر به بعضی از تشرفاتی که برای علماء پیش آمد نگاه کنیم می‌فهمیم که امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در موقع تغذیه بعضی از میوه‌ها را به عنوان غذا استفاده می‌فرمودند نه به عنوان میوه لذا در روایتی امام رضا علیه‌السلام می‌فرمایند:.... غذای او تنها غذای ساده و کم‌اهمیت است.

۱. معظم‌له در این مطالب را در پاسخ به سوال یکی از شاگردان فرمودند.

برای مطالعه دقیق‌تر در بخش ۵ به داستان تشرف حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی مراجعه شود.

۳۵
محل زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از مسائلی که برای همه دارای اهمیت است مسئله محل سکونت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است به صورت روشن نمی‌توان محلی را برای آن حضرت در نظر گرفت ولی آنچه از روایات و ادعیه و توقیعات مبارک امام بدست می‌آید آنست که امام در بین مردم در تردد است و در بین آن‌ها نیز بعضا زندگی را می‌گذارند ولی مردم او را نمی‌شناسند.

امام همه ساله حج بجا می‌آورند ولی حجاج نیز ایشان را نمی‌شناسند البته در روایات و دعاها به بعضی از اماکن زندگی امام اشاره شده است.

مثل: مدینه منوره ـ عتبات عالیات ـ کوه رضوی و ذی طوی و ... که برای هر یک روایات مربوط به آن آورده می‌شود.

در فصل پنجم این کتاب نیز به محل زندگی موقت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در شهر مقدس قم اشاره شده است.

۳۶
خواص از محل زندگی امام اطلاع دارند

اسحق‌بن‌عمار می‌گوید: «قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دو غیبت دارد یکی طولانی و دیگری کوتاه در اولی (کوتاه) جز شیعیان خاص او کسی از محلش اطلاع ندارد و در دومی (طولانی) جز دوستان خاصش کسی مکانش را نمی‌داند.[۱]

روایات درباره محل زندگی امام علیه السلام دو دسته است بعضی روایات مثل روایت فوق محل خاصی را مورد اشاره قرار می‌دهد و بعضی از روایات به محل‌های عمومی و غیرقابل دسترس اشاره دارد که در این باب به هر دو دسته اشاره شد.[۲]

---

۱. *اثبات الهداة*، ج ۳، ص ۵۳۴، روایت ۴۷۵.

۲. *غیبت نعمانی*، ص ۱۸۲، این منطقه نیز در دعای ندبه به آن اشاره شده است.

۳۷

یکی از محل‌های سکونت و زندگی امام عصر ﷺ

عبدالاعلی می‌گوید: با امام صادق ﷺ خارج شدم چون به روحاء رسیدیم امام به کوه آنجا نگاه کرد...

پس به من فرمود: می‌بینی این کوه را، این کوه را رضوی می‌گویند از کوههای فارس بود ما را دوست می‌داشت پس خداوند منتقلش کرد به سوی ما، آگاه باش در آن هر میوه خوش طعمی هست و خوب جای امنی است برای خائف و ترسناک (یعنی امام زمان) آگاه باش برای صاحب این امر در این کوه دو غیبت است یکی کوتاه و دیگری طولانی.[۱]

در دعای ندبه می‌خوانیم: «لیت شعری این استقرت بك النوی بل ای ارض تقلك اوثری ابرضوی اوغیرها ام ذی طوی».

کاش می‌دانستم که کجا به ظهور تو قرار و آرام خواهد یافت آیا در کدامین سرزمین اقامت داری در زمین رضوا یا غیر آن در دیار ذی طوا متمکن گردیده‌ای؟

ـ امام صادق ﷺ می‌فرماید: هیچ کس جای حضرت را به جز خدمتگزار مخصوصش نمی‌داند.[۲]

امام باقر ﷺ می‌فرماید:

«یکون لصاحب هذا الامر غیبة فی بعض الشعاب او مابیده الی ناحیه ذی طوی...».

امام زمان ﷺ را غیبتی است در بعضی از دره‌ها سپس اشاره کرد به منطقه ذی طوی در ادامه این روایت محل ظهور و خروج آن حضرت و مرکز تجمع یاران نیز همین منطقه یاد شده است.[۳]

۳۸

محل زندگی، نقطه ظهور

امام باقر ﷺ فرمود: صاحب‌الامر را غیبتی است در برخی از این صخره‌ها

---

۱. *یاتی علی‌الناس زمان*، (رضوی کوهی است بین مکه و مدینه نزدیک ینبع که دارای آب فراوان و درختان است).
۲. *غیبت طوسی*، ص ۱۰۲. خدمتگزاران امام آن سی نفر هستند که شرح آن‌ها خواهد آمد.
۳. *غیبت نعمانی*، ص ۳۱۵.

و امـام بـه ناحیـه ذی طـوی کـه در دره‌هـای مکـه و مدخل‌هـای آن اسـت اشـاره کـرد تـا اینکـه دو شـب قبـل از خروجـش غـلام خـود را می‌فرسـتد تـا بـا برخـی از یـاران حضـرت (۳۱۳ نفـر) ملاقـات می‌کنـد، او از آن‌هـا می‌پرسـد شـما در اینجـا چنـد نفـر هسـتید؟ پاسخ دهنـد چهـل نفـر.

می‌گویـد: اگـر شـما دوسـت و محبـوب خـود را ببینیـد چـه خواهیـد کـرد؟ می‌گوینـد: بـه خـدا سـوگند اگـر در کوه‌هـا منـزل و مـأوی گزینـد بـا او خواهیـم رفـت آنـگاه در مقابـل آنـان آمـده و بـه آن‌هـا می‌گویـد: بـا ده تـن از بـزرگان و برگزیـدگان خـود مشـورت کنیـد، آنـان در ایـن مـورد بـه مشـورت می‌پردازنـد آنـگاه آنـان را بـرده تـا بـه صاحـب امرشـان می‌رسـاند و امـام شـب موعـود را کـه پـس از آن فـرا می‌رسـد بـه آن‌هـا وعـده می‌دهـد.[۱]

۳۹
کوه طوی آخرین محل استقرار

امـام سـجاد عليه‌السلام می‌فرمایـد: مهـدی از گردنـه کـوه طـوی بـا سـیصدو سـیزده مـرد بـه عـدد رزمنـدگان جنـگ بـدر فـرود می‌آیـد تـا آنکـه وارد مسـجدالحرام می‌شـود و در مقـام ابراهیـم چهـار رکعـت نمـاز می‌گـزارد و بـه حجرالاسـود تکیـه می‌زنـد و پـس از حمـد و ثنـای خـدا و یـاد و نـام پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله و درود بـر او لـب بـه سـخن می‌گشـاید بـه گونـه‌ای کـه هیـچ یـک از مـردم چنـان سـخن نگفتـه باشـد و نخسـتین کسـانی کـه بـا او دسـت بیعـت می‌دهنـد جبرئیـل و میکائیـل می‌باشـند.[۲]

۴۰
مدینه منوره یکی از منازل

امام باقر عليه‌السلام می‌فرماید:

«لابد لصاحب هذا الامر من عزلة ولابد فی عزلة من قوة و ما ثلاثین من وحشة و نعم المنزل

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۴۱.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

طیبة».[1] صاحب الزمان را عزلت و غیبتی است که در آن غیبت نیرومند است به سی نفر[2] که با آن حضرت هستند و وحشت و تنهایی را از وی دور می‌کنند و خوب جایگاهی است طیبه (مدینه).

۴۱
محرمان حریم یار بی‌اطلاع نیستند

در توقیع و نامه‌ای که امام عصر به شیخ مفید مرقوم فرموده‌اند آمده است:

هم اکنون در جایگاه و خیمه‌ای در قله‌های کوه برای حوائج شما دعا می‌کنم همچنین در بیابان‌های تاریک و ظلمانی و صحراهای خشک و بی‌آب و علف که دست تطاول زمان بدان نمی‌رسد برای شما دعا می‌کنم.

«...الان فی مستقرلنا ینصب فی شمراخ من بهماء صرنا الیه انفا من غمالیل الجا الیه» و به همین زودی از این محل به دشت همواری که چندان از آبادی دور نباشد فرود می‌آییم و از حالات آینده خود آگاهت می‌سازیم.[3]

۴۲
روایتی دیگر بر محل زندگی امام

امام باقر می‌فرماید: (قبل از ظهور) قائم به یاران خود می‌فرماید:

ای مردم! اهل مکه مرا نمی‌خواهند ولی من برای هدایت فرستاده شدم تا آنچه شایسته است به آن‌ها بگویم و با آن‌ها اتمام حجت کرده باشم.

در این هنگام مردی از یاران خود را می‌طلبد و به او می‌گوید:

برو نزد اهل مکه و بگو ای اهل مکه من فرستاده فلانی هستم او به شما می‌گوید: «همانا ما خانواده رحمت و معدن رسالت و خلافت هستیم. ما ذریه محمد و سلاله پیغمبرانیم مردم به ما ستم نمودند و ما را در

---

۱. *کافی*، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲. در بخش یاران مخصوص توضیح لازم درباره این سی نفر داده شده است.

۳. *احتجاج طبرسی*، ج ۲، ص ۴۹۸. خوشا به حال شیخ بزرگ و متقی پارسا جناب مفید که امام با او این گونه رفتار می‌کند و اسرار را به او می‌فرماید.

بـه در و مقهـور کردنـد و از هنـگام رحلـت پیامبـر تاکنـون مـا از شـما چشـم یـاری داریـم مـا را یـاری کنیـد».

آن جـوان ایـن سـخنان را می‌گویـد و مـردم بـه او هجـوم آورده و در بیـن رکـن و مقـام او را می‌کشـند و او همـان مـرد پاکـدل، نفـس زکیـه اسـت.

وقتـی خبـر کشـته شـدن او بـه امـام می‌رسـد حضـرت بـه یارانـش می‌فرمایـد: «مـن بـه شـما خبـر نـدادم کـه اهـل مکـه مـا را نمی‌خواهنـد».

اهـل مکـه او را دعـوت بـه مکـه نمی‌کننـد آنـگاه او بـا ۳۱۳ نفـر کـه بـه تعـداد بدریـان هسـتند از کـوی ذی‌طـوی (کوهیسـت مجـاور شـهر مکـه) فـرود می‌آینـد و داخـل مسـجدالحرام می‌شـوند امـام در مقـام ابراهیـم چهـار رکعـت نمـاز می‌خوانـد و تکیـه بـه حجرالاسـود می‌دهـد... (امـام شـروع بـه سـخن می‌فرمایـد). او نخسـتین کسـی اسـت کـه جبرئیـل و میکائیـل دسـت در دسـت او می‌گذارنـد و بـا وی بیعـت می‌کننـد.

۴۳
بیت الحمد

امـام صـادق علیه السلام می‌فرمایـد: بـرای صاحـب ایـن امـر (حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) خانـه‌ای اسـت کـه آن را بیت‌الحمـد گوینـد و در آن چراغـی روشـن اسـت از آن روز کـه متولـد شـده تـا روزی کـه بـا شمشـیر خـروج کنـد خامـوش نمی‌شـود.[۱]

حضـرت بـه طـور حتـم در خیلـی از شـهرها حضـور داشـته و مسـلم قـدم مبـارک امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشریف خیلـی از شـهرها را مزیـن کـرده اسـت چـرا کـه در روایـات آمـده کـه در زمـان غیبـت، امـام در بیـن مـردم تـردد می‌کنـد و در بازارشـان راه مـی‌رود ولـی او را نمی‌شناسـند.[۲]

ولـی از برخـی روایـات صراحتـا بدسـت می‌آیـد کـه امـام در بعضـی از شـهرها بیشـتر حضـور دارنـد مثـل شـهرهای مدینـه طیبـه و مکّـه مکرمـه و نجـف اشـرف و کربـلا و کاظمیـن و مشـهد مقـدس و شـهر مقـدس قـم و مسـاجد کوفـه و سـهله و جمکـران.

---

۱. *غیبت طوسی*، ص ۴۶۷.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۵۴.

روایاتی که اشاره به محل مشخصی برای سکونت امام نمی‌کند.

۴۴

روایاتی که محل مشخصی برای سکونت امام معرفی نمی‌کند

۱. در تشرف یکی از اولیاء به خدمت امام عصر در قبرستان وادی‌السلام حضرت فرموده بودند: از موقعی که جدّمان را در کربلا شهید کردند ما آواره بیابان‌ها شدیم.

۲. امام عصر می‌فرماید: «وهو یقول اللهم انك تعلم انها احب البقاع ولولا الطرد».
خداوند می‌داند که این مکان (یعنی شهر سامراء) محبوب‌ترین مکان برای ما است اگر ما را از آن نمی‌راندند.[۱]

۳. امام علی می‌فرماید: «صاحب هذا الامر الطريد الشديد الفريد الوحيد».
صاحب امر چنان مورد بی‌مهری مردم واقع می‌شوند که مردم او را طرد و آواره‌اش می‌کنند و او یکّه و تنها و ناشناس زندگی می‌کنند.[۲]

ـ امام عصر به ابراهیم‌بن‌مهزیار در تشرفش می‌فرماید:
پدرم فرمود: ای فرزندم! همیشه در جاهای پنهان و دور بگذران سپس فرمود: ای ابواسحاق این گفتگو را پنهان بدار مگر از برادران دینی و افراد با صداقت و هرگاه علامات ظهور و اقتدار مرا دیدی خود و برادران دینی خود را که همواره سعی در رسیدن به مرکز نور یقین و روشنی چراغ‌های دین دارند (برای رسیدن) کوتاهی مکن و بسوی من بیا تا به حقیقت نائل گردی...[۳]

۵. امام عصر در نامه‌ای به یکی از سفرای خود نوشت: پدرم صلوات‌الله‌علیه از من پیمان گرفته که در سرزمینهای دور و مخفی زندگی کنم برای آنکه محفوظ بمانم و از کید دشمنان و گمراهان جایگاهم در امان

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۶۶.
۲. *کمال‌الدین*، ج ۱، ص ۳۰۳، حدیث ۱۳.البته یکی از اولیاء خدا به نام حجةالاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین فاضلی در قم به نویسنده گفت: حضرت مهدی مکرر (حدود ۱۰ بار) به منزل ایشان آمده‌اند این عالم ربانی تشرفات بسیاری داشته‌اند که تاکنون کسی به جمع‌آوری تشرفات متعدد و مکرر ایشان اقدام نکرده است و علمای زیادی در قم و تهران با این ایشان ارتباط داشته‌اند این مرد بزرگ چند سال قبل از دنیا رفته‌اند در این کتاب به تشریف فرمائی آن سرور به منزل حاج آقا فخر و آیت الله بهاءالدینی اشاره شده است.
۳. در این ملاقات امام مطالب زیادی به ابراهیم‌بن‌مهزیار فرموده است که رجوع به آن و مطالعه آن مفید حال معنوی خواهد بود.

باشد مرا به کوه‌های پر از حیوانات درنده و ریگزار فرستاد و از زمین‌های بی‌آب و علف منع کرد منتظر پایان کار منست که گره از کارم گشوده شده و سختی برطرف گردد.

۴۵
زندگی امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به سه شکل

در برخی از روایات محل خاصی برای زندگی امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تعیین نشده و به عکس در بعضی روایات محل خاصی را به عنوان محل زندگی امام تعیین فرموده‌اند که از هر دو دسته روایات در این کتاب بهره گرفته شده است.

در بعضی روایات نیز حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به حضرت یوسف علیه‌السلام تشبیه شده و اشاره شده که ایشان همانند یوسف در بین مردم رفت و آمد می‌کنند ولی او را نمی‌شناسند (چنانچه مرحوم نخودکی گفته می‌دیدم حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با یک شخصی جلوی مسجدی هرچند وقت یکبار آمده و صحبت می‌کردند و می‌رفتند ولی آن پیر مرد دوره گرد نمی‌دانست او امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است و من نیز به او نگفتم تا یک وقت از او سلب توفیق نشود).

و این پنهان بودن تا زمانی ادامه دارد که خداوند به ایشان اجازه فرماید خود را همانند یوسف معرفی نماید.[۱]

۱. این روایت از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است در *غیبت نعمانی* ص ۱۶۴.

Presented by: jafrilibrary.com

بخش ۵

شرائط تشرّف یافتگان

۴۶

نکاتی مهم در آداب دیدار

۱. چه باید کرد؟ نمی‌شود با اعمالی که حضرت به آن‌ها ملتزم است و عمل می‌نمایند ما بیگانه باشیم بعد توقع دیدن ایشان را داشته باشیم. بایستی به اعمالی که مورد توجه آن امام عزیز می‌باشد توجه داشته باشیم.

۲. باید بدانیم آنانی که سعادت دیدار امام نصیبشان شده چه می‌کرده‌اند و حضرت در آن ملاقات‌ها چه دستور یا پیغامی را به آن‌ها داده‌اند تا ما نیز به این توفیق نائل آئیم ان‌شاءالله.

۳. و کسانی که خدمت امام مشرف شدند چه ویژگی‌هایی داشتند، و درثانی متوجه اعمالی که امام انجام می‌دهند نیز باشیم از جمله این که حضرت خود به اذکاری مشغولند برای نمونه یک مورد از آن را می‌آوریم: تسبیحی که حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از روز هجدهم هر ماه تا آخر ماه

می‌گوینـد: «سبحان‌اللّه عدد خلقه سبحان اللّه ارضی نفسه سبحان‌اللّه مداد کلماتة سبحان‌اللّه زنة عرشه و الحمدللّه مثل ذلك».

۴. وقتـی می‌خواهیـم بـا امـام خـود انـس داشـته باشـیم بایـد ببینیـم ایشـان بـه چـه انـس دارنـد حضـرت بـا قـرآن مانـوس اسـت حضـرت بـا خـدا انـس دارد حضـرت روضـه جدشـان را دوسـت دارنـد نمی‌شـود مـا بـا این‌هـا انـس نداشـته باشـیم نمی‌شـود بـا دوسـتان آن امـام دشـمن بـود.

۵. البتـه بـرای دیـدن حضـرت بایـد اول بـه خداونـد نظـر داشـت اهل‌بیـت منسـوب بـه بـاری تعالـی هسـتند لـذا اول بایـد صاحـب خانـه را خواسـت بعـد سـراغ اعضـاء خانـه رفـت اهل‌بیـت بعـد از صاحـب خانـه عزیزتریـن اعضـاء خانـه هسـتند.

۶. امـام صـادق علیه‌السلام می‌فرمایـد: «...صاحب هذاالامر یتردد بینهم و یمشی فی اسواقهم ویطافرشهم ولاتعرفونه حتی یأذن‌اللّه له ان یعرفهم نفسه...».[1]

حضـرت مهـدی بـه طـور معمولـی در میـان مـردم زمـان غیبـت زندگـی می‌کنـد در بازارهایشـان رفـت و آمـد دارد و در مجالـس آنـان حضـور می‌یابـد ولـی آنـان او را نمی‌شناسـند تـا آن کـه خداونـد بـه او اجـازه می‌دهـد کـه خـود را بـه آن‌هـا معرفـی نمایـد.

لـذا بـر اسـاس ایـن حدیـث بایسـتی از خـدا خواسـت تـا خداونـد اجـازه دهـد آن حضـرت خـود را بـه مـا نشـان دهـد.

۴۷
ادب‌ورزی اصل عشق‌ورزی

یکـی از اولیـاء خـدا بـه نـام مرحـوم حجةالاسـلام والمسـلمین حاج شـیخ حسـین فاضلـی می‌گویـد: در منـزل مرحـوم حـاج آقـا فخـر حدیـث کسـاء می‌خوانـدم سـیدی را نزدیـک خـود دیـدم بـه او گفتـم حـاج آقـا فخـر ناراحـت می‌شـود کـه وسـط دعـا حاضریـن در جلسـه حـرف بزننـد آن سـید فرمـود:

حـقّ بـا حـاج آقـا فخـر اسـت چـرا کـه مـادرم زهـرا علیهاالسلام جلـوی در ایسـتاده (و ایـن کار خـلاف ادب اسـت) می‌گفـت در فکـر فـرو رفتـم برگشـتم تـا جـواب سـید

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۵۴، باب ۲۳.

را بدهم دیدم هیچ کس نزد من نیست و از دیگران هم بعدا پرسیده شد که کنار حاج آقای فاضلی سیدی نشسته بود گفته بودند کسی را ندیده بودیم.

۴۸
رابطه عاشق و معشوق

مولانا جلال‌الدین رومی در شعری بسیار زیبا رابطه بین عاشق و معشوق را این گونه سروده:

آن یکی آمد درِیاری بزد	گفت یارش کیستی ای معتمد
گفت: من، گفتش برو هنگام نیست	این چنین خوانی مقام خام نیست
رفت آن مسکین و سالی در سفر	در فراغ یار سوزید از شرر

آن عاشق چون برای خود منیت و هویت قائل بود به لقاء یار بار نیافت و فهمید راه وصال کنار گذاشتن خودیت است.

بعد از مدتی که یار رفت و خود را ساخت و معنا و قدر و قیمت لقاء یار را فهمید دوباره آمد و در خانه آن محبوب را کوبید.

گفت یارش که بر در کیست آن	گفت: بردرهم تویی ای دلستان
گفت یارش کاندر آی جمله من	نی مخالف چون گل و خار و چمن
نیست سوزن را سررشته دوتا	چونکه یکتایی در این سوزن در

ما بایستی بررسی کنیم ببینم چه عملی ما را از نظر آن امام دور و چه عملی ما را به آن حضرت نزدیک و ملحق می‌نماید.

نمی‌شود از ارتباط با امام دم زد ولی هیچ فصل مشترکی با امام نداشت حضرت در دیدارها جهت‌هایی را تبیین فرمودند ما باید آن‌ها را بگیریم چون آن مطالب مورد توجه امام است.

حضرت خود فرمودند: عدم دیدار شما با ما به واسطه گناهان است و گرنه دیدار ما با شما این قدر به تأخیر نمی‌افتاد امام در فرمایشی می‌فرماید: من به یاد شما هستم؛ آیا چطور ما نیز به یاد او هستیم. «چه خوش بی مهربانی هر دو سربی».

۴۹
روحی واحد در دو جسم

عقبه‌بن‌علقمه روایت کرده که بر علی علیه‌السلام وارد شدم پیش روی حضرت دوغ ترشی نهاده بودند که ترشی و پرآبی آن آزارم می‌داد.

به امام عرض کردم: آیا از این دوغ میل می‌کنید؟

حضرت فرمود: ای اباالجبوب! پیامبر را دیدم که از این بدتر می‌خورد و از لباس من خشن‌تر می‌پوشید. من بیم آن دارم اگر کاری را که او انجام می‌داده انجام ندهم به او ملحق نشوم.[۱]

امام علی علیه‌السلام در رفتار خود چنان دقیق است تا به گونه‌ای عمل کند که روز به روز به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نزدیک‌تر شود و از این دست روایت زیاد وارد شده که شما به واسطه عملتان به ما اهل‌بیت نزدیک یا دور می‌شوید نمی‌شود با اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آشنا نبود بعد عمل و سیره ما با عمل و سیره اهل‌بیت یکی باشد.

پس آشنایی با سیره آسمانی آن‌ها ضروریست تا خدای ناکرده برخلاف روش و منش آن‌ها حرکت نکنیم.

۵۰
تشرف عارف بزرگ آیت‌الله سیدعلی آقا قاضی

آقاسیدهاشم حدّاد می‌فرماید: حضرت آقا (قاضی تبریزی) خیلی در گفتارشان و در قیام و قعودشان و به طور کلی در مواقع تغییر از حالتی به حالت دیگر، خصوص کلمه «یا صاحب‌الزّمان» را بر زبان جاری می‌کردند روزی یک نفر از ایشان پرسید: آیا شما خدمت حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه مشرف شده‌اید؟

ایشان فرمودند: کور است هر چشمی که صبح از خواب بیدار شود و در اولین نظر نگاهش به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیفتد.[۲]

---

۱. *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، ص ۷۲.
۲. *روح مجرّد*، ص ۵۱۳.

۵۱

اطاعت از فرامین امام اصلی مهم

از حضرت آیت‌الله بهجت سؤال می‌شود که: چگونه رابطه خویش را با اهل‌بیت علیهم‌السلام و مخصوصا صاحب العصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تقویت کنیم؟

ایشان می‌فرمایند: اطاعت و فرمان برداری از خداوند بعد از شناخت او، موجب محبت به او می‌شود و (همچنین موجب) محبت کسانی که خداوند آن‌ها را دوست دارد می‌شود. که عبارتند از انبیاء و اوصیاء که محبوب‌ترین ایشان به خداوند، حضرت محمد و آل او علیه و علیهم‌السّلام می‌باشند و نزدیک‌ترین ایشان به ما صاحب العصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌باشد.[۱]

۵۲

سه نوع دیدار ممکن است

دیدار امام به سه شکل ممکن است اتفاق بیفتد که این سه نوع بستگی به ظرف وجودی و قدرت باطنی آن‌ها دارد.

۱. دیدار امام با شکلی که اصلاً برای دیدار کننده قابل شناسایی نیست که این زیاد پیش می‌آید.

۲. دیداری که شخص پس از دیدن امام و پایان ملاقات متوجه تشرف خود می‌شود.

۳. دیداری که ملاقات کننده، از همان ابتداء می‌داند و متوجه است که ملاقات با امام دارد.

در این کتاب سعی شده به هر سه نوع ملاقات‌ها و تشرف‌ها اشاره شود.

۵۳

تلاش عاشقانه

یکی از مراجع تقلید می‌فرمود: امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در یکی از تشرفات فرموده

۱. *بسوی محبوب*، ص ۵۵.

بودند: اگر به اندازه‌ای که برای پیداکردن مرغ گمشده خود جستجو می‌کردید به دنبال من می‌گشتید مرا می‌یافتید.

شیخ مفید از بزرگان فقهای شیعه در سال ۳۳۶ هجری قمری به دنیا آمد او در کتاب خود به نام: الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد که مجموعه‌ای است از زندگانی امامان شیعه در جز دوم بخش پایانی آن ص ۳۳۹ به ویژگیهای امام عصر(عج) اشاره می‌نماید و در این بخش به اشخاصی که به فیض ملاقات حضرت نائل شده‌اند اشاراتی دارد. لذا تلقی بر آن است که مسئله ملاقات با امام قدمت دیرینه‌ای در کتب شیعی و حتّی اهل سنت دارد. لذا ناامیدی در این راه بزرگ‌ترین مانع آن محسوب می‌شود.

۵۴
پیامی دلگرم کننده برای مشتاقان دیدار امام

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جشن بزرگ منتظران ظهور حضرت مهدی(عج) خطاب به حاضرین اینگونه فرمودند: «...خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت، آن عزیز و محبوب دل‌های عاشقان و مشتاقان را از نزدیک زیارت کرده‌اند بسیاری از نزدیک با او (امام زمان(عج)) بیعت کرده‌اند، بسیاری از او سخن دلگرم کننده شنیده‌اند بسیاری از او نوازش دیده‌اند و بسیاری دیگر بدون این که او را بشناسند از او لطف و نوازش و محبت دیده و او را نشناخته‌اند در همین جبهه جنگ تحمیلی جوانانی که در لحظه‌های حساس، احساس نورانیت و معنویت کردند لطفی از غیب به سوی دل‌های خودشان حس و لمس کردند و شناختند و نفهمیدند، بسیارند. امروز هم همان طور است.[۱]

آری نمی‌توان با گناه ارتباط داشت و اشتیاق دیدن حضرت را در دل پروراند گناه با دیدار قابل جمع نیست.

۱. ملاقات ۱۳۷۸/۹/۳ در جمع مشتاقان امام مهدی(عج)، جشن بزرگ منتظران ظهور امام مهدی(عج).

۵۵
جنت لقاء

ولـی خوشـا بـه حـال آنانـی کـه موفـق می‌شـوند امـام خـود را بـا همـه شـرایط باطنـی و آداب قلبـی آن ببیننـد در روایتـی آمـده کـه:

رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «یا اُبَیُّ! طوبی لمن لقیه و طوبی لمن احبه و طوبی لمن قال به ینجیهم من الهلکة و بالاقرار باللّه و برسوله و بجمیع الائمة یفتح‌اللّه لهم الجنة مثلهم فی الارض کمثل المسك الذی یسطع ریحه فلا یتغیر ابدا و مثلهم فی السماء کمثل القمر المنیر الذی لایطفا نوره ابدا».[1]

ای اُبَـیُّ! خوشـا بـه حـال کسـی کـه بـا او دیـدار نمایـد خوشـا بـه حـال آنکـه او را دوسـت بـدارد خوشـا بـه حـال آنکـه بـه او معتقـد باشـد خداونـد آنـان را از هلاکـت نجـات بخشـد و بـه واسـطه اقـرار و اعتقـاد بـه خـدا و بـه رسـولش و بـه تمـام امامـان، خداونـد درهـای بهشـت را برایشـان بگشـاید آنـان در زمیـن هماننـد مُشـک‌اند کـه بـوی خوشـش در فضـا پخـش و پراکنـده گـردد و هیچـگاه فاسـد نشـود و در آسـمان هـم چـون مـاه درخشـنده‌اند کـه هیچـگاه خاموشـی نمی‌پذیـرد.

۵۶
امری شدنی

از حضـرت آیـت‌الله کشـمیری سـؤال شـد: آیـا ممکـن اسـت ملاقـات بـا امـام زمان‌عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف صـورت پذیـرد و بـه چـه علـت اسـت کـه ایـن قـدر (بعضی‌هـا) ادعـای رؤیـت امـام را می‌کننـد؟

جـواب: ملاقـات بـا امـام ممکـن اسـت لکـن نوعـا خـواب یـا مکاشـفه اسـت و عـده‌ای بـرای بـاز کـردن دکان دنیـوی و مریـد جمـع کـردن، نسـبت رؤیـت بـه امـام‌علیه‌السلام می‌دهنـد. و افـرادی ماننـد سـیدبن‌طاووس[2] کـه شـخصی ممتـاز بـوده خـود امـام‌علیه‌السلام را می‌دیـده اسـت.[3]

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۹، باب ۲۷.
۲. درباره سـیدبن‌طاووس مطالب کامل‌تری را در این کتاب خواهید یافت جهت دستیابی به فهرست موضوعی کتاب مراجعه شود.
۳. *آفتاب خوبان*، ص ۸۶.

۵۷

پایمردی و پاکی

حضرت علی فرمود: هر دری را که بسیار بکوبی بر روی تو باز می‌شود، مگر عنوان بصری خدمت امام صادق نرسید و وقتی امام او را نپذیرفت با توسل به رسول خدا توانست خدمت امام‌صادق شرفیاب شده و حدیث با منزّلت عنوان بصری در منابع روایی ما که نتیجه ملاقات او با امام صادق است از او به یادگار مانده است. افرادی اصرار دارند مسئله تشرف را طوری وانمود کنند که انکار مسئلهایست محال و در حالی که این گونه نیست.

خیلی از معاصرین ما بودند که با تلاش و خودسازی و راهنمایی استاد حاذق به خدمت حضرت مشرف شدند یکی از دوستان به محضر حضرت آیت‌الله حجتی رحمةالله‌علیه[۱] عرض کرده بود ذکری بدهید تا در خواب خدمت یکی از ائمه اطهار برسیم ایشان ناراحت شده بودند که چرا در خواب! چرا در بیداری نمی‌خواهید خدمت امام برسید و سرانجام با دستوری که از آن عارف گرفته بود در یزد در ماجرائی زیبا خدمت امام عصر مشرف شده بودند.

۵۸

راه به سوی او

مهمترین دلیل بر امکان هر چیزی وقوع آن است؛ این قاعده معروفی است که به واسطه عقل نمی‌توان آن را انکار کرد به این معنا که اگر جریانی انجام شد و به وقوع پیوست خود این وقوع بهترین شاهد دلیل بر امکان اتفاق مجدد آن است و از جنبه محال بودن خارج می‌شود.

علم الهدی سید مرتضی اعلی الله مقامه می‌فرماید: ما قطع و یقین نداریم که کسی را دسترسی به آن حضرت نباشد و هیچ کس وی را زیارت و ملاقات ننماید...[۲]

---

۱. این عالم ربانی از نزدیکان حضرت آیت‌الله بهاءالدینی در قم بودند و در سال ۱۳۷۶نیز رحلت کردند.
۲. *تنزیه الانبیاء*، ص ۲۳۰ و ۲۳۴.

و نیز در پاسخ به این اشکال که اگر علت غیبت آن حضرت ترس از ظالمین است پس باید برای اولیاء و شیعیانشان ظاهر شوند زیرا از ناحیه آن‌ها خوفی متوجه آن وجود مبارک نخواهد داشت.

سید مرتضی‌ﷺ نیز در این باب می‌فرماید: هیچ گونه مانعی نیست از اینکه امام زمان‌عجّل‌الله‌فرجه برای بعضی از دوستان خود که بیم و ترسی از ناحیه آنان ندارد ظاهر شوند...[1].

و شیخ طوسی رحمةالله‌علیه نیز می‌فرمایند: اگر دشمنان ولی‌عصر عجّل‌الله‌فرجه مانع ظهور او شدند به طوری که آن حضرت از تصرف و تدبیر و اداره امور بر کنار است ولی این موجب آن نیست که بعضی از دوستان و دلدادگان آن حضرت، در حالی که معتقد به لزوم اطاعت او بوده و پیروی اوامر او را فرض و واجب شمرده و او را حاکم بر قلب و جان خویشتن می‌دانند به نحو اختصاصی و استثنائی و با خواست خود آن حضرت شرفیاب حضورش نگردند.[2]

و در کلامی دیگر می‌فرمایند: لازم نیست انسان معتقد باشد که آن حضرت از همه اولیاء و دوستانش پنهان و مخفی بماند.[3]

و در رساله غیبت خود می‌فرماید: ما یقین نداریم که امام زمان از همه دوستانشان پنهان باشند بلکه امکان دارد برای بسیاری از آنان ظاهر گردند و هیچ کس از حال دیگری جز خود او آگاه نیست.[4]

و در همان رساله تصریح می‌نمایند که: ما احتمال می‌دهیم و تجویز می‌کنیم که بسیاری از دوستان و معتقدان امامت آن حضرت، شرفیاب حضورش گردند و از وجود مقدسش بهره‌مند شوند.

و عالم بزرگ سیّد المراقبین سیدبن‌طاووس نیز در این باره خطاب به فرزند خود می‌فرماید: راه به سوی امام زمان تو ـ برای کسی که خداوند بخواهد عنایتش را شامل حال او کند و احسان خود را بر او کامل گرداند ـ

۱. *تنزیه الانبیاء*، ص ۲۳۰ و ص ۲۳۴.
۲. *تلخیص الشافی*، ج ۴، ص ۲۲۱ و ص ۲۲۲.
۳. *تلخیص الشافی*، ج ۴، ص ۲۲۱ و ص ۲۲۲.
۴. *کلمات المحققین*، ص ۵۳۳.

Presented by: jafrilibrary.com

بـاز اسـت[۱] در فصل‌هـای آتـی بـه بخشـی از تشـرفات ایـن مـرد آسـمانی اشـاره خواهـد شـد انشـاءالله.

در منابـع روایـی و ادعیـه دربـاره دیـدن و دیـدار امـام عصـر ﷺ نیـز مطالبـی آمده چنانچـه در حـرز امـام سـجاد ﷺ در مفاتیح‌الجنـان ایـن مطلـب بـه وضـوح دیـده می‌شـود آنجـا کـه آمـده: «بسم‌اللّه الرحمن الرحیم یا اسمع السامعین یا ابصر الناظرین... وارزقنی رویة قائم آل محمد.» یعنـی: خدایـا دیـدار قائـم آل محمـد را روزیـم کـن.

۵۹
تشرف به محضر امام زمان ﷺ در منابع اهل سنّت

علمـای اهـل سـنت نیـز در لابـلای کتـب خـود بـه تشـرف عـده زیـادی اشـاره کرده‌انـد کـه بـه نمونـه‌ای از آن اشـاره می‌شـود.

شـیخ سـلیمان بلخـی حنفـی در کتـاب ینابیع‌المـودة بـاب ۷۱ تـا ۸۶ را بـه گفتـار دربـاره امـام زمـان ﷺ اختصـاص داده او در بـاب ۸۲ روایاتـی را آورده کـه در زمـان حیـات امـام عسـگری عـده‌ای امـام عصـر را دیده‌انـد و در بـاب ۸۳ یـازده خبـر را نقـل می‌کنـد مبنـی بـر اینکـه عـده‌ای در زمـان غیبـت کبـری خدمـت آن حضـرت رسـیده‌اند نـام ایـن بـاب: «فی بیان من رأی صاحب الزمان‌المهدی ﷺ بعد غیبته الکبری» می‌باشـد.

یعنـی: در بیـان کسـانی کـه دیده‌انـد صاحـب الزمـان مهـدی ﷺ را بعـد از غیبـت کبر ی.

او بـاب ۸۲ کتابـش را بـه مطالـب و روایاتـی اختصـاص داده کـه عـده‌ای امـام مهـدی ﷺ را در زمـان حیـات پدربزرگـوارش دیده‌انـد او بـا ایـن عنـوان بیـان کـرده. «فی بیان الامام ابومحمدالحسن العسگری اری ولده القائم المهدی لخواص موالیه و اعلمهم ان الامام من بعده ولده رضی‌اللّه عنهما».یعنـی: در بیـان آنکـه امـام ابومحمـد حسـن عسـگری نشـان داد فرزنـدش قائـم مهـدی را بـه خـواص و دوسـتانش و بـه آن‌هـا تعلیـم نمـود کـه امـام بعـد از او فرزنـدش مهـدی می‌باشـد.

۱. *کشف المحجة*، ص ۱۵۳.

۶۰
گفتاری بلند از حکیمان معاصر

مرحوم میرزا اسماعیل دولابی عارف وارسته می‌فرماید: ما سه دسته منتظر داریم.

۱. کسی که از دور زیاد یاد امام می‌کند و انتظار دیدار او را می‌کشد تا علائم و آثاری از امامش ببینند که فرموده‌اند: «افضل الاعمال انتظار الفرج».

۲. کسی که آثار و جای پا و جلوه‌ای از امام را دیده است و فرموده‌اند: «فان ذلك فرجکم» یعنی انتظار و دعا کردن برای خود شما فرج و گشایش می‌آورد.

۳. اگر انتظار کامل و محبت به حد کمال برسد طوری می‌شود که ببینند یا نبینند در یقین او اثر ندارد بلکه در همه وقت با قلب خود مشاهده می‌کند.

مثل پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و اویس قرن که به ظاهر اصلاً یکدیگر را ندیدند اما هرگز از هم جدا نبودند امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «ان اهل زمان غیبته... افضل اهل کل زمان لان اللّه تعالی ذکره اعطاهم من العقول والافهام والمعرفته ما صارت به الغیبة عنهم بمنزلة المشاهدة...».[1]

یعنی:

منتظرین واقعی در زمان غیبت آن قدر فهم پیدا کرده‌اند که غیبت و شهود برای آن‌ها فرق نمی‌کند.

۶۱
آئینه شو جمال پری طلعتان طلب

ابوبصیر گوید: «در خدمت امام باقر علیه السلام وارد مسجد شدم. مردم در حال ورود و خروج بودند، جمعی وارد مسجد می‌شدند دسته‌ای بیرون می‌رفتند.

حضرت به من فرمودند: از مردم سؤال کن که آیا مرا می‌بینند.

من به هر که می‌رسیدم از او می‌پرسیدم: آیا امام باقر علیه السلام را ندیدی؟

۱. *بحارالانوار*، ج ۳۶، ص ۳۸۶، باب ۴۴.

در جـواب می‌گفـت: نـه در حالـی کـه حضـرت در مسـجد و چنـد قدمـی او ایسـتاده بودنـد.

تـا آنکـه "ابوهـارون مکفـوف" وارد شـد. او نابینـا بـود و بـه ظاهـر جایـی را نمی‌دیـد.

امام فرمودند: از او بپرس.

من به ابوهارون گفتم: آیا حضرت باقر علیه السلام را ندیدی؟

وی پاسخ داد: مگر او نیست که آنجا ایستاده است؟

با تعجب پرسیدم: چگونه فهمیدی؟! چطور او را شناختی؟!

گفت: چگونه ندانم، در حالی که آن حضرت، نوری درخشنده و تابان است.

و چه خوش گفته حافظ شیرازی: چو مستعد نظر نیستی وصال مطلب!!

۶۲
روش رشد

سـیدمرتضی علم‌الهـدی (۳۵۵ ـ ۴۳۶ ه ق) یکـی از برجسـته‌ترین شـاگردان شـیخ جلیل‌القـدر مفیـد رحمه الله بـود.

او در کتاب‌المقنع فی‌الغیبة آورده:

اولیـای امـام، هـر چنـد شـخص او را نمی‌شناسـند ولـی در سـایه بـاور بـه وجـود او از انجـام امـور ناپسـند پرهیـز می‌کننـد چـون او را در میـان خـود احسـاس می‌کننـد کـه از کوشـش شـیعیان باخبـر اسـت و آلودگـی شـیعیان او را افسـرده می‌کنـد.

سـید مرتضـی دربـاره علـت ایـن رسـاله می‌نویسـد: در مجلـس وزیـر السـید سـخن از غیبـت امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف بـه میـان آمـد و ایـن امـر مـرا بـر آن داشـت در ایـن بـاب اثـر کوتاهـی بنـگارم.

۶۳
شناخت، دلیل شهود

از حضـرت آیـت‌الله جـوادی آملـی سـؤال شـد چگونـه می‌تـوان امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشریف را شـناخت؟

فرمودند: یک شناخت تاریخی داریم و یک شناخت واقعی که مهم‌تر از اولی است عمده آن است که ما حضرت را حقیقتا بشناسیم و حضرت ما را ببینند نه ما حضرت را ببینیم در زمان پیامبر(که مقامش بالاتر از همه ی ائمه است) کم نبودند کسانی که وجود مبارک حضرت را می‌دیدند اما خدای سبحان درباره آن‌ها در قرآن فرمود: «وتراهم ينظرون اليك و هم لايبصرون».[1]

آن‌ها را می‌بینی که به تو نگاه می‌کنند ولی تو را نمی‌بینند اهل نظرند ولی اهل بصیرت نیستند.

اگر ما سعی کنیم وجود مبارک امام زمان ما را ببینند هنر است....و گرنه دیدن فیزیکی خیلی کار ساز نیست.[2]

۶۴
ترک معاصی و انجام واجبات

یکی از اولیاء خدا نقل می‌کردند: از راه علوم غریبه از خود حضرت ولی‌عصر سؤال شد که چگونه می‌شود به دیدار شما نایل شد؟ فرموده بودند: با ترک معصیت و محرمات و انجام دادن واجبات الهی.

۶۵
امان از حق‌الناس

مرحوم علامه طباطبائی می‌فرمایند:

در ایامی که از نجف بازگشته و در تبریز به سر می‌بردم در یکی از روزها از طرف «مرحوم نوری» قاصدی آمد و مرا احضار کرد چون خدمت ایشان رسیدم فرمود: فلانی ماجرایی پیش آمده که در کم و کیف آن مبهوتم، چند روز در منزل بنّایی داشتیم بنّا با شاگردش مشغول کار بودند کارهای دقیق شاگرد توجه‌ام را جلب کرد، می‌دیدم کارهایش را به خوبی انجام می‌دهد و نمی‌خواهد وقت تلف شود ظهر که استادش برای صرف ناهار به منزل می‌رفت در همان محل کار می‌ماند و ابتدا تجدید وضو می‌کرد و نمازش

۱. اعراف / ۱۹۸.
۲. *توصیه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، ص ۷۱.

را در اول وقت می‌خواند و سپس دستمال کوچک خویش را باز می‌نمود و غذای ساده‌ای که با خود آورده بود را می‌خورد و بلند می‌شد و مقدمات کار را فراهم می‌کرد. تا استادش برسد و وقتی استاد می‌آمد با تلاش زیادی همراه وی کار را ادامه می‌داد در یکی از روزها بنّا به وی گفت: برو از همسایه نردبانی بگیر و بیاور، جوان رفت ولی برخلاف انتظار دیر آمد و لذا هنگام عصر که استادش به خانه رفت من نزد آن جوان رفته و ضمن احوال‌پرسی از او پرسیدم در آوردن نردبان انتظار نبود تأخیر نمایی، چرا دیر کردی؟! جوان کارگر لبخندی زد و گفت: دلیل دیر آمدنم تنگی کوچه بود و اگر مواظبت نمی‌کردم ممکن بود دیوارهای مردم بر اثر برخورد نردبان خراش بردارد از پاسخ قانع کننده این جوان بیش از پیش متعجب شدم از او پرسیدم آیا می‌شود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دید؟

بلافاصله با حالتی کاملاً عادی گفت: بلی، اتفاقا این هفته به تبریز تشریف آورده بودند، پرسیدم: لباس امام چگونه بود؟

پاسخ داد: به لباس پاسبانی بودند! سپس مرحوم علامه طباطبائی ادامه می‌دهند که: مرحوم نوری می‌خواستند از من بپرسند چگونه می‌شود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به لباس پاسبانی باشند؟

من به او گفتم: همه عالم از آنِ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و لذا برای آن حضرت مکان و یا لباس و شبیه اینگونه مسائل مشکلی ایجاد نمی‌کند و قرائن به گونه‌ای است که قضیه حقیقت داشته و او از جوانانی بود که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را می‌دیده است با توجه به اینکه نشانی آن جوان را داشتم به سراغش رفتم ولی متأسفانه موفق به یافتنش نشدم.[1]

(خدا می‌داند که حق‌الناس چه تیرگی برای آدمی می‌آورد).

۶۶

حرفی بزرگ برای قلب‌های مشتاق

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله شخصی بود که خیلی میل داشت اولین کسی باشد

---

۱. *جرعه‌های جانبخش*، ص ۲۷۸ـ ۲۷۷.

Presented by: jafrilibrary.com

که بر پیغمبر وارد می‌شود لذا هر روز که می‌آمد می‌دید چند نفری در مسجد هستند و از این جهت غصه می‌خورد.

یک روز صبح زودتر از همه حرکت کرد و به مسجد آمد دید در مسیر مسجد فقط یک جای پا بیشتر نیست و آن جای پای رسول خدا ﷺ است آن را می‌شناخت (پای رسول خدا ﷺ قدری بزرگ بود و افراد آن را می‌شناختند).

خیلی خوشحال شد که امروز بعد از پیغمبر هیچ کس به مسجد نیامده و من اولین کسی هستم که به مسجد آمده‌ام وقتی وارد مسجد شد دید سلمان هم آنجاست.

گفت سلمان تو از آسمان آمدی؟

سلمان گفت: خیر.

پرسید: دیشب در مسجد معتکف بودی؟ گفت: خیر.

پرسید: پس چگونه است که من اثر پایی جز اثر پا و کفش مبارک رسول خدا ﷺ ندیدم؟

سلمان گفت: من پیغمبر را خیلی دوست دارم دلم می‌خواهد در همه چیز خودم را شبیه پیغمبر کرده باشم حتی در قدم زدن لذا مراقب بودم ببینم پیغمبر پای خود را کجا گذاشته‌اند من هم همان جا پا بگذارم.

(چرا ما به سلمان فارسی اقتداء نکنیم و به هر شکل و وسیله‌ای ارادت قلبی و عملی خود را به آن عزیز ملکوتی ابراز نکنیم.

یکی از این ابراز ارادت‌ها انجام اعمال نیابتی است به نیابت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف).

در این کتاب به سرموفقیت مرحوم نخودکی و یکی از اولیاء الهی اشاره شد که با انجام و اهداء ثواب اعمال مستحبی به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف موفقیت‌های معنوی متعددی را کسب کرده‌اند.

۶۷
امتیازی ممتاز

امام جواد علیه السلام در جواب موسی‌بن‌قاسم که در ایام حج به نیابت از یکایک معصومین علیهم السلام طواف انجام داده بود فرمود:

«استکثر من هذا فانه افضل ما انت عامله ان شاءاللّه».[۱] یعنی: این عمل را زیاد انجام بده چرا که برترین عمل محسوب می‌شود ان‌شاءالله.

حضرت آقای مظلوم[۲] که از معاصرین زمان خود ما هستند در کنار کعبه با آن چشم برزخی خود فقط دو نفر را می‌بینند که به شکل انسان مشغول طواف هستند از یکی از ایشان وقتی سؤال شد گفت: من[۳] عمل طواف خود را نیابتی انجام می‌دادم لذا آقای مظلوم مرا این گونه مثل انسان دیدند.

امام کاظم علیه السلام نیز در پاسخ به علی‌بن‌مغیرة که در ماه رمضان به روح یکایک معصومین علیهم السلام یک ختم قرآن هدیه می‌نمود فرمودند: «لك بذلك ان تكون معهم يوم القيامة».

یعنی: پاداش تو به خاطر این کار آن است که با ایشان در روز قیامت باشی.[۴]

لذا رویه رفتاری بزرگان نیز این گونه بوده: چنانچه سیدبن‌طاووس که از علماء بسیار بزرگ و مردی فوق‌العاده‌ای بوده به فرزندش سیدمحمد می‌گوید: پسرم اگر می‌خواهی برای بچه‌هایت صدقه بدهی اول برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صدقه بده بعد برای بچه‌ها...

۶۸
گفت مشق نام لیلی می‌کنم

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «من احب شيئا لهج بذكره».

هرکه چیزی را دوست بدارد همواره نام آن را بر زبان دارد.[۵]

و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند:

---

۱. *کافی*، ج ۴، ص ۳۱۴ / *باب الطواف والحج عن الائمة* علیهم السلام.

۲. حضرت آقای مظلوم ساکن قم بودند که چند سال پیش به دیار باقی شتافتند و در این کتاب به مختصری از زندگی ایشان اشاره شده است.ایشان با خیلی از علماء معاصر ارتباط داشتند.

۳. حضرت آقای مظلوم پس از حج با آن شخص که واعظ مشهور مرحوم حجةالاسلام و المسلمین سید صادق شمس الدین بودند عقد اخوت بست و فرزندان این عالم ربانی خاطرات زیبایی از تشرفات حاج‌حسین مظلوم دارند.

۴. برای دریافت بیشتر در این خصوص به قسمت اذکار تشرف در همین فصل در انجام اعمال نیابتی مراجعه شود / *کافی* ج ۲، ص ۶۱۸ باب فی کم یقراء القرآن ویختم.

۵. *غررالحکم*، ص ۶۵، حدیث ۸۵۹.

«واعلم ان قلوب اهل الطاعة و الاخلاص نزع الیك مثل الطیر الی او کارها». و بدان که دل‌های پارسایان و صاحبان اخلاص به سوی تو پر می‌کشند همچنان که پرنده به سوی آشیانه.[1]

۶۹
ختم قرآن به نیابت

برای تشرف خدمت آن عزیز دو سرا اگرچه اعمال خاصی و اذکاری بیان شده است ولی عمده آنست که انسان مخلصانه و با دلی شکسته از خدای متعال درخواست نماید.

چنانچه شخصی در کنار حرم رسول خدا ﷺ در مدینه قرآن کریم را ختم و به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اهداء کرده بود از این ماجرا این گونه می‌گوید که: وقتی قرآن را تمام کردم داشتم دعا می‌کردم دیدم کسی پشت سر من آمین می‌گوید و من هر چه دعا می‌کنم او آمین می‌گوید.

تعجّب کردم که این چه کسی است که آمین می‌گوید دعاهای خود را به فارسی کردم دیدم او نیز در پایان هر دعای من مجددا آمین می‌گوید.

می‌گوید: لهجه محلی داشتم با زبان محلی خود دعا کردم دیدم دوباره او آمین می‌گوید برگشتم دیدم عجب جذابیتی، عجب صورتی، عجب قد و بالائی و...

۷۰
عشق می‌خواهد

مفسر کبیر قرآن‌کریم حضرت آیت‌الله علامه طباطبائی رحمه الله در شعری لطیف سروده‌اند.

تو مپندار که مجنون سر خود مجنون شد　　**از سمک تا به سُهایش کشش لیلا برد**

---

۱. *کمال‌الدین*، ص ۴۴۸، حدیث ۱۹.

۷۱
چو مستعد نظر نیستی وصال مجوی

یکی از شاگردان آیت‌الله‌انصاری رحمه‌الله از ایشان سؤال می‌کند چه زمانی ما می‌توانیم خدمت صاحب الزمان ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف برسیم؟

ایشان فرمودند: زمانی که حضور و غیبت آقا برای شما فرقی نکند.

و در زمانی دیگر یکی از شاگردان ایشان سؤال کردند آیا می‌شود به حضور حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف رسید؟

ایشان فرمودند: بنده خدا! به حضور خداوند هم می‌توانیم برسیم، به حضور بنده‌اش نمی‌توانیم برسیم.

در یک مرحله نیز آیت‌الله شهید دستغیب رحمه‌الله و آیت‌الله فهری در کنار ایشان بودند آیت‌الله نجابت سؤال می‌کند که آیا به حضور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف رسیده‌اید؟

آقا جوابی می‌دهند بدین مضمون که: **«مازددتُ یقینا»** کنایه از اینکه من چنان حضور امام را همیشه با تمام وجود احساس می‌کنم که حضور و غیبت او علی‌الظاهر برایم یکسان است.[1]

۷۲
زمزمه و زاری

و چه زیبا بیان و نجوا کرده حضرت عارف کبیر، علامه عزیز، جناب حاج میرزا جواد آقاملکی تبریزی«ره».

مولای من! آقای من! کی می‌رسد که تو ما را ببینی و ما تو را...

مولای من! کی می‌شود که تو ما را ببینی و ما تو را؟!

و چشممان به دیدار تو روشن گردد و به راهنمایی تو راه پیدا کنیم و تو ما را از هر آنچه حقیقت امور بر ما مشکل شده آگاهی بخشی...

(واضح است تا خود حضرت نخواهد تلاش ما به جایی نخواهد رسید لذا مرحوم میرزا جوادآقا ملکی عرض می‌کند که اول تو ما را ببینی و بعد ما تو را).

---

۱. *در کوی بی‌نشانها*، ص ۱۱۸.

ایشان در ادامه به حضرت ولی‌عصر ﷺ در مناجاتش عرض می کند:

سـرور مـن! دوری و جدایـی از تـو از همـه این‌هـا سـخت‌تر اسـت والا بـلا در کنـار شـما نعمـت اسـت و آزار شـدن در راه شـما آسـایش.

سـرور مـن! فدایـت شـوم اگـر من‌باشـما باشـم کارم درسـت می‌شـود و راسـت می‌آیـد پـس شـتاب کـن و بیـا و بگـو دلـت چـه می‌خواهـد تـا مـن آن را کـه خشـنودی تـو در آنسـت برگزینـم و در پیـش گیـرم.

مـولای مـن!... ایـن بنـده بیچـاره بندگـی نپذیرفتـه اسـت تـا روزی آزاد شـود و اگـر او را آزاد کنـی نخواهـد گریخـت...

سـرور مـن! مـولای مـن! رهبـر مـن! تـو را بـه شکسـتگی مـن، تـو را بـه درماندگـی‌ام، تـو را بـه فروتنـی‌ام، تـو را بـه ناتوانـی مـن، تـو را بـه بیچارگـی‌ام، تـو را بـه بی‌نیـازی‌ات، قسـم مبـادا مـرا بدسـت خیانتـکار قـوی هیکلـی بسـپاری کـه از سسـت رأیـان بـه تـو گـردم.

سـرور مـن! چـون بـه وصـال تـو و لـذت دیـدارت می‌اندیشـم و در حـال و روز کسـانی کـه آن‌هـا را بـه کنـار خـود کشـاندی و از فضـل بیدریـغ خـود بـه آنـان بخشـیدی و آنـان را بـه زیـارت جمـال خـود مشـرف کـردی...

نزدیـک اسـت کـه دلـم از حسـرت منفجـر شـود و سـینه‌ام از غیـرت از هـم شـکافته گـردد.

آه آه! وای به حال دل همچو من بخت برگشته‌ای.

«... اگـر تمامـی حسـن و ظرافـت کـه موجـب کمـال چهـره‌ای می‌شـوند (یکجـا) تـو را ببیننـد بـه تکبیـر و تهلیـل خواهنـد پرداخت.

...و نیز جدایی!

و دوری تـو بـا دوری دیگـر دلدارهـا شـباهتی نـدارد چـرا کـه هـر کـه از جـز تـو دلـداری دور باشـد فقـط از او دور اسـت و در دوری از او جـز از جانـب خـود سـرزنش و ملامـت نمی‌شـود امـا دوری از تـو را، هـم خـود ملامـت می‌کنـد و هـم مـردم سـرزنش و ملامـت می‌کننـد.

و کسـی نیسـت تـا او را دلـداری دهـد چـرا کـه ممکـن نیسـت بـه تـو نسـبت بی‌وفایـی داده شـود یـا گفتـه شـود کـه تـو دلـدادگان خـود را دوسـت نمـی‌داری.

و همه دلدادگان تو معتقدند که محبت و وفای تو بیش از محبت و وفای آن‌هاست.

لذا وقتی که از آن‌ها دوری می‌کنی معلوم می‌شود که تقصیر و کوتاهی از آنان است و قصور در محبت آن‌ها از بی‌معرفتی و عدم شناخت آنان و تمیز ندادن (نسبت به امام عصر) آن‌ها پرده برمی‌دارد.

پس کسی که از تو مهجور و دور مانده است زیان کارترین زیانکاران است مگر آنکه خود را با امروز و فردا کردن و اینکه ثواب (انتظار) زیاد است دلداری دهد.

وگرنه کدام ثواب پیش عاشق و دلداده بزرگتر و بیشتر از دیدار روی توست.

مولای من! هرکه جز تو، فدای تو باد! جانم فدای آن شوکت و عظمتی که هم‌ردیف و هم طراز ندارد.

جانم فدای آن بزرگی و شرافتی که برابر و نظیر ندارد.

تا کی، سرپرست من! من سرگردان تو باشم و تا کی و با چه زبانی تو را وصف کنم و با تو راز دل بگویم؟

ای دلسوزترین دلسوزان، بندگانت گرفتارند.

دیدگان مؤمنان را به رخسار سرپرست دین روشن کن.[1]

مؤلف این مناجات عارفی بی‌نظیر است که در اخلاق و عرفان جز اوتاد زمان خود محسوب می‌شده است در همین فقرات کوتاه که همه آن آورده نشده او به دلیل عدم تشرف به محضر مبارک آن پیکر نورانی هستی چه ناله‌ها که نمی‌کند.

و از این مناجات معلوم می‌شود که دیدار حضرت شدنی است ولی اول باید خواست.

یعنی:

انسان باید بخواهد و خود را آماده آن تشرف کند چنانچه انسان برای هر

۱. *المراقبات*، مزار نورانی این عارف ربانی در شیخان قم محّل دریافت‌های معنوی بسیاری است که همه روزه عده کثیری از این مزار نورانی کسب فیض معنوی می‌کنند.

مجلسی لباس مناسب آن مکان را برای خود انتخاب می‌کند هیچ انسانی برای مجلس جشن، لباس عزا را برنمی‌گزینند فأفهم و تأمل.

گدایی گردد از یک جذبه شاهی — به یک لحظه دهد کوهی به کاهی[1]

آنچه واضح است آنکه در سیاق کلام عارف عزیز جناب میرزاملکی معلوم می‌شود او اشتیاق به دیداری دارد که شدنی است یا لااقل او یافته و فهمیده عده‌ای خدمت مولایشان رسیده‌اند لذا او نیز در آتش آن فراق می‌سوزد و طلب می‌کند.

۷۳

سوز و ساز عاشقان

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

هلا روز و شب فانی چشم تو — دلم شد چراغانی چشم تو
به مهمان، شراب عطش می‌دهد — شگفت است مهمانی چشم تو
بنا را بر اصل خماری نهاد — ز روز ازل بانی چشم تو
پر از مثنویهای رندانه است — شب شعر عرفانی چشم تو
توئی قطب روحانی جان من — منم سالک فانی چشم تو
دلم نیمه شبها قدم می‌زند — در آفاق بارانی چشم تو
شفا می‌دهد آشکارا به دل — اشارات پنهانی چشم تو
هلا توشه راه دریادلان — مفاهیم طولانی چشم تو
مرا جذب آئین آئینه کرد — کرامات نورانی چشم تو
از این پس مرید نگاه توأم — به آیات قرآنی چشم تو[2]

۷۴

محبتی وثیق و وسیع

باید این گونه بود: قرآن کریم صراحتا تصریح و تاکید فرموده است: «قل ان کان اباوکم و ابناوکم و اخوانکم...».

۱. **مثنوی**، گلشن راز شیخ شبستری، ص ۷۴.
۲. اشعار شاعر مرحوم سیدحسن حسینی.

Presented by: jafrililibrary.com

بگـو: اگـر پدرانتـان و فرزندانتـان و برادرانتـان و زنانتـان و خویشـاوندانتان و اموالـی کـه اندوخته‌اید و تجارتـی کـه از کساد آن بیم داریـد و خانه‌هایـی کـه بـه آن دلخـوش هسـتید بـرای شـما از خـدا و پیامبـرش و جهـاد کـردن در راه او دوسـت داشـتنی‌تر اسـت منتظـر باشـید تـا خـدا فرمـان خویـش بیـاورد و خـدا نافرمـان را دوسـت نـدارد.

در آیـه مـورد اشـاره تأکیـد برتـری و ترجیح دادن دوسـتی پیامبـرﷺ بیـان شـده کـه دوسـتی رسـول خـداﷺ قریـن بـا دوسـتی ائمه‌اطهـارعلیهم‌السلام می‌باشـد بـه ایـن معنـا کـه زبـان و قلـم و رفتـار و منـش مـا بایسـتی در مسـیر ترویج و ابـراز محبت بـه آن خانـدان بـکار گرفتـه شـود و نمی‌تـوان در مسـیر خـلاف محبـت آن‌هـا گام نهـاد.

۷۵
راه‌های رسیدن به امام عصرعجل‌الله‌تعالی‌فرجه در آخرالزمان

امام علیعلیه‌السلام فرمود:

و آن زمانـی اسـت کـه (آخرالزمـان) در آن نجـات نمی‌یابـد مگـر هـر مؤمـن بی‌نـام و نشـان کـه اگـر (در مجالـس) حضـور یابـد شـناخته نشـود و هـرگاه غایـب باشـد در جسـتجویش برنیاینـد اینـان چراغهـای هدایـت و روشـنگران راه شـبروانند کـه بـه فتنـه و فسـاد و سـخن چینـی در میـان مـردم آمـد و شـد نکننـد و دهـان بـه عیـب گویـی از مـردم و یـاوه سـرایی نگشـانید بـرای آن‌هـا خداونـد درهـای رحمتـش را بـاز می‌کنـد و از ایشـان سـختی عذابـش را برطـرف می‌نمایـد.

ای مـردم زمانـی بـر شـما خواهـد رسـید کـه اسـلام در آن واژگـون می‌شـود همچنانکـه ظـرف واژگـون گـردد و آنچـه در آن اسـت بریـزد...[۱]

ـ یمـان تمـار می‌گویـد: نـزد امـام صـادقعلیه‌السلام نشسـته بودیـم کـه بـه مـا فرمـود: «صاحب‌الامـر غیبتـی خواهـد داشـت اگـر کسـی بخواهـد در آن دوره دینـدار بمانـد سـخت در مشـقّت و در معـرض مشـکلات اسـت».

---

۱. *نهج‌البلاغه*، خطبه ۱۰۲.

و سپس فرمود: «صاحب الامر غیبتی دارد و بنده خدا ـ برای حفظ دینش ـ باید تقوای الهی را پیشه کند و دو دستی به دین خود بچسبد.[1]

ـ در کمال‌الدین صدوق به سند صحیحی از امام باقر علیه‌السلام آمده که فرمود: زمانی بر مردم خواهد رسید که امام آن‌ها از ایشان غایب شود ای خوشا به حال آنان که بر امر ما پایدار بمانند...

جابر گفت: عرض کردم: ای فرزند رسول خدا بهترین کاری که مؤمن در آن زمان انجام دهد چیست؟

فرمود: حفظ زبان و خانه‌نشینی است.[2]

ـ امام صادق علیه‌السلام فرمود: امام علی علیه‌السلام در حالی که بر منبر کوفه نشسته بود فرمود: «ان الارض لاتخلوا من حجت‌اللّه عزوجل ولکن اللّه سیعمی خلقه عنها بظلمهم وجورهم و اسرافهم علی انفسهم...».

خداوند زمین را از حجت خود خالی نمی‌گذارد و لیکن خداوند مردم را از دیدن او (امام مهدی عجل‌الله‌فرجه) محروم می‌کند بخاطر ستم و وظلم و اسرافی که بر خود می‌کنند...[3]

۷۶
پاسخ به سؤالی مهم

افراد زیادی می‌پرسند آیا امکان دیدار وجود نازنین امام عصر عجل‌الله‌فرجه در دوره غیبت کبری وجود دارد یا نه؟

در پاسخ باید گفت با توجه به روایات زیادی که از طرف ائمه‌اطهار علیهم‌السلام آمده، از مجموع آن‌ها می‌توان فهمید که به لحاظ دلایل عقلی و دلایل نقلی هیچ گونه محدودیتی در امکان زیارت آن حضرت وجود ندارد.[4]

---

۱. *اثبات الهداة*، ج ۳، ص ۴۴۲، روایت ۱۴.
۲. *کمال‌الدین*، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۲.
۳. *غیبت نعمانی*، ص ۱۴۱، حدیث ۲، در سطر بالای همین روایت امام علیه‌السلام می‌فرماید کسی اهل نجات خواهد بود که مردم او را نشناسند یعنی اگر کسی در هر مجلسی، محفلی، جلسه‌ای با هر تیپ انسانی نشست و برخاست داشته باشد اهل نجات نیست و نتیجه منطقی آن ظلم و جور و اسراف خواهد بود و در نتیجه چنین شخصی از دیدن امام خود محروم می‌شود.
۴. پاسخ‌های حضرت آیت‌اللّه گلپایگانی و حضرت آیت‌اللّه بهجت در این زمینه در این کتاب می‌باشد.

اما در مورد آن جمله معروفی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی به نفی تشرف و دیدار صادر فرمودند که... «...فمن ادعی المشاهدة قبل خروج السفیانی و الصیحة فهو کذاب مفتر...».

یعنی؛ در (دوره غیبت کبری) هر کس ادعای مشاهده مرا قبل از خروج سفیانی و واقع شدن صدای آسمانی بنماید دروغگو و افتراء زن است؛ باید گفت با توجه به صدر و ذیل همان توقیع و سایر روایات از اهلبیت مقصود نفی دیدار نیست بلکه نفی ادعای وجود نائب خاص در دوره غیبت کبری است و امام برای جلوگیری از دکانداری عده‌ای فرمودند کذاب هستند وگرنه ممکن است عده‌ای خدمت امام برسند ولی مؤظف نیستند همه جا آن را مطرح کنند و جار بزنند امام در این فرمایش نفی دیدار نمی‌نمایند بلکه می‌فرمایند اگر کسی گفت تکذیب کنید امام نفرمودند اصلاً نمی‌شود دید بلکه صرفا اظهار آن را نفی کردند.

لذا می‌بینم علمای بزرگ شیعه مکرر به جهت ضرورت توفیق زیارت آن چهره عالمتاب را یافته‌اند از جمله:

مرحوم مقدس اردبیلی، علامه سید بحرالعلوم، مرحوم نخودکی، مرحوم حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، و از بزرگان و عرفا می‌توان مرحوم رجب علی خیاط را نام برد.

در اینجا به چند ملاقات که پیام‌های مهمی برای جامعه شیعی به همراه دارد اشاره می‌شود و صد البته بایستی به دستورات عبادی و معنوی این پیام‌ها توجه بیشتری داشته باشیم.

خدمت امام رسیدن، اساس آن، قلب پاک داشتن است وکسانی در شهر مبارک و با برکت قم هستند که به خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مشرف شده‌اند و حتی حضرت سکه‌ای نقره‌ای که نقش روی آن خط زیبای «اشهدان لا اله الا اللّه و محمد رسول اللّه و علی ولی‌اللّه» می‌باشد را از دست امام گرفته‌اند.

و چه زیبا فرمود مرحوم حاجشیخ حسین فاضلی که:

با دیدن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تمام لذت‌های دنیا در چشم انسان حقیر و ناچیز می‌شود.

و به یک معنا:

تا من بدیدم روی تو ای ماه و شمع روشنم　　هرجا نشینم خُرم و هرجا روم در گلشنم

دیدار او میّسر است و شدنی و لیکن می‌توان اینگونه گفت که تمامی نقص از ناحیه ماست و اشکال در شکل رفتار و کردار و گفتار ماست که ما را در حجاب انداخته و توفیق زیارت از ما سلب شده.

مرحوم فیض‌کاشانی می‌فرماید:

گفتم که روی ماهت از من چرا نهان است　　گفتا تو خود حجابی ورنه رُخم عیان است.

۷۷

ارتباط با حضرت ولی‌عصر ﷺ در دوران غیبت کبری

حضرت آیت‌الله بهجت در گفتاری می‌فرمایند: «و حضرت حجّت که در چشم عارفان حاضر است...». این گونه گفتارها از عرفاء کم نیست چرا که آن‌ها در نوع ارتباط خود با حضرت به مرحله شهود دست یافته و در بیشتر اوقات کشف آن‌ها شهود گردیده و دائما حضرت ولی‌عصر ﷺ را می‌بینند.

اگرچه بعضی از علمای گذشته قائل‌اند که امکان ارتباط با حضرت برای کسی وجود ندارد ولیکن عده‌ای نیز در مقابل قائل تشرف عده‌ای خاص، آن‌هم نه هر کسی را مطرح کرده‌اند چنانچه صاحب کتاب جنة الماوی داستانها و حکایت‌های زیادی را نقل کرده است.

بالاخره آنچه بدیهی است آنست که در روایات متعددی آمده که نحوه بهره‌مند شدن از امام عصر ﷺ در زمان غیبت، به خورشید در زیر ابر تعبیر شده لذا صحیح به نظر نمی‌رسد که با ضرس قاطع نفی ارتباط با امام را حکم کنیم مضافا این که در خصوص دیدن و ارتباط با امام روایاتی وارد شده است.

شیخ طوسی در کتاب غیبت آورده:

دیدار اولیاءی الهی با حضرت و بهره‌مندی از محضر آن جناب امکان دارد.

امام عصر ﷺ در میان مردم و کوچه و بازار است مانند یوسف که برادرانشان او را نمی‌شناختند ولی او آنان را می‌شناخت.

سید مرتضی نیز می‌گوید: ما جایز می‌دانیم که گروه زیادی از اولیاء و معتقدان به امامت ایشان شرفیاب محضرشان شوند و بهره گیرند.[1]

روزی حضرت آیت الله بهاءالدینی فرموده بودند جلسه‌ای در مکّه بوده که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با یاران خود تشکیل داده بودند و در آن جلسه نام حاج آقا فخر[2] را برده‌اند...

به صراحت حضرت آیت‌الله بهاءالدینی از جلسه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مطلب نقل می‌کند و کشف و شهود ایشان برای خیلی‌ها به اثبات رسیده.

تلقی و تحلیل این بنده بر این است که امثال ایشان دائما فیض حضور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک می‌کنند. برای امکان ارتباط و دیدار امام صرف نظر از این داستانها روایات خاصی وارد شده است.

البته باید عنایت داشت که دیدار و ارتباط برای چه کسی حاصل می‌شود و چه کسی می‌تواند ادعای آن را بنماید قطعا عده‌ای برای دکان داری و مرید و مرشد بازی از این جملات بیان می‌کنند که انسان خود بایستی در این امور دقت نماید اگر در مورد کسی مثل سیدبن‌طاووس یا علامه بحرالعلوم و یا حضرت آیت الله بهاءالدینی و... گفته شود قابل قبول است ولی نه اینکه هر کسی از راه رسید ادعای رؤیت حضرت را بنماید و متأسفانه این بنده افرادی را دیده که حب جاه‌طلبی آن‌ها باعث شده که به دروغ دیدار امام را داشته‌اند.

۷۸
منعی برای تشرف نیست

عده‌ای از علمای گذشته امکان تشرف را در زمان غیبت کبری غیر ممکن دانسته و دلیل خود را روایت زیر دانسته‌اند.

...وسیأتی شیعتی من یدعی المشاهدة الا فمن ادّعی المشاهده قبل خروج السفیانی والصیحة فهو کاذب مفتر... یعنی: به زودی از شیعیان من خواهند آمد کسانی که ادعای

---

۱. *رسائل الشریف المرتضی*، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲. حاج آقا فخر از اولیاء الهی بودند که چند سالی است به دیار باقی شتافته‌اند و مزار ایشان در قبرستان بقیع قم می‌باشد.

مشاهده و دیدن مرا بکنند آگاه باشید هرکس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعا کند که مرا دیده است او دروغگوی افترا زننده است...[۱]

این روایت آخرین توقیع مبارکی است که حضرت ولی‌عصر ﷺ برای شیخ علی‌بن‌محمّد سمری صادر فرموده‌اند.

۷۹
«بزرگترین دلیل»

بزرگترین دلیل امکان دیدار امام عصر ﷺ در عصر غیبت کبری همین روایتی است که بعضی آن را به عدم امکان دیدار تلقی کرده‌اند می‌باشد. در این روایت امام عصر ﷺ نفی دیدار نفرمودند بلکه فرمودند اگر کسی ادعا کرد دروغگو است و به این معناست که تشرف امکان دارد ولی دیدار کننده، نبایستی اظهار کند این به آن جهت است که جلوی جلوه‌گری‌های کاذب و دکان داری‌های عده‌ای سود جو گرفته شود. چنانچه رویه رفتاری علمای گذشته اینگونه بوده آن‌ها خود تشرف‌های مکرر داشته‌اند ولی اظهار نکرده و آن را مخفی نگه می‌داشتند مثل علامه بحرالعلوم و آیت‌الله‌مرعشی نجفی.

راغب در مفردات می‌نویسد: **الشهود والشهادة الحضور مع المشاهده اما بالبصر.**

شهود و شهادت به معنای حضور با دیدن است دیدن با چشم است.[۲]

چنانچه محقق تستری در کشف‌القناع آورده که: برخی از بزرگان و حاملان اسرار ائمه علیهم‌السلام مسائلی را از امام عصر ﷺ دریافت کرده‌اند و چون امکان اعلان آن نبوده، به عنوان اجماع از نظر امام زمان ﷺ یاد می‌کنند.

۸۰
اشتیاق دیدار

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: **«یا ابی طوبی لمن لقیه و طوبی لمن احبه...».**

یعنی:

---

۱. *کتاب الغیبة طوسی*، ص ۳۹۵.

۲. *مفردات راغب اصفهانی*، ص ۲۶۷.

ای اُبیّ! خوشا به حال کسی که با او دیدار نماید خوشا به حال آنکه او را دوست بدارد.[۱]

مرحوم محدث نوری صاحب کتاب شریف مستدرک در کتاب نجم الثاقب متجاوز از ۱۲۰ نفر را اضافه بر آنچه مرحوم طبرسی نقل فرموده نام می‌برد که یا حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را مشاهده نمودند و یا معجزه‌ای از آن امام را دیده‌اند و یا به هر دو فیض نائل شده‌اند و حکایات ایشان در کتب اصحاب با اسناد مختلف موجود است.

و برخی دیگر از علماء نام و داستان افرادی را که در زمان غیبت‌کبری خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شرفیاب شده‌اند یا کراماتی از آن حضرت در بیداری مشاهده کرده‌اند در تألیفات خود گردآوری کرده‌اند که از آن جمله کتاب کشف الاستار و بحارالانوار، ج ۱۳ در چاپ قدیم و دارالسّلام را می‌توان نام برد.

اخیرا نیز مسجد جمکران کتابی را از معجزات و شفا یافتگان در آن مکان مقدس جمع‌آوری و چاپ نموده که مدارک تمامی شفا یافتگان مستندا در مسجد جمکران مضبوط می‌باشد.[۲]

۸۱
عنایتی به اهل سنت

این معجزه را صاحب این قلم خود شخصا مشاهده کرده است.

در دهه آخر ماه مبارک رمضان ۱۴۲۲ برابر با بهمن سال ۱۳۸۰ هجری در نیمه شبی از دهه آخر ماه رمضان در حین خروج از مسجد جمکران همراه با مرحوم حضرت آیت‌الله احمدی فقیه‌یزدی با شخصی که سؤالی داشت مواجه شدیم او با لهجه‌ای کُردی گفت: دو هفته پیش، مادرم که به سرطان مبتلا بود و همه دکترهای تهران از او قطع امید کرده بودند با آدرسی که از مسجدجمکران به ما دادند او را به مسجد جمکران آوردیم مادرم در کفشداری مسجد، در قسمت مردانه شب خوابید صبح با تعجب دیدیم هیچ

۱. *عیون اخبارالرضا*، ج ۱، ص ۵۹.

۲. کرامات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چاپ مسجد جمکران.

اثری از سرطان در بدن او نیست و این مطلب باعث اعجاب دکترها و بعضی از اقوام ما در شهر سقز شد او در ادامه گفت: تصمیم گرفتم از سقز بیائیم و در قم ساکن شویم و خانه تهیه کنیم و مادرم در این جریان شیعه شد و من و دو برادر دیگرم نیز شیعه شدیم...

کرامات و عنایات امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بیشتر از این‌هاست ولی این آنچه بود که در مواجه با این شخص دیده و شنیده شد...[۱]

۸۲
ملاقات با امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف امکان دارد؟

مرحوم علامه حلی از امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف سؤالی پرسیده‌اند و اما اصل ماجراء:

آقا سیدمحمد صاحب کتاب مفاتیح‌الاصول و مناهل الفقه از خط علامه‌حلی که در حواشی یکی از کتابهایش آورده است نقل می‌کند: علامه حلی در شبی از شبهای جمعه تنها به زیارت قبر حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام می‌رفت ایشان بر حیوانی سوار بود و تازیانه‌ای برای راندن آن به دست داشت.

اتفاقا در اثنای راه شخصی پیاده در لباس اعراب به ایشان برخورد کرد و با ایشان همراه شد.

در بین راه شخص عرب مسأله‌ای را مطرح کرد علامه حلّی فهمید که این مرد عرب، مردی عالم و با اطلاع است لذا بعضی از مشکلات علمی خود را از او سؤال کرد تا ببیند چه جوابی برای آن‌ها دارد با کمال تعجب دید ایشان حلّال مشکلات و کلید معماهاست.

باز مسائلی را که بر خود مشکل دیده بود سؤال کرد و از شخص عرب جواب گرفت...

تا اینکه مساله‌ای مطرح شد که آن شخص عرب در آن مساله برخلاف نظر علامه حلی نظر داد لذا علامه نظر او را قبول نکرد و گفت:

۱. ماجرای این شفا یافته در کتاب کرامات مهدی‌عج چاپ مسجدجمکران نیست به جهت اینکه این اتفاق در ماه رمضان سال۸۰ افتاده است و کتب مذکور قبل از آن چاپ شده است.

این فتوا برخلاف اصل و قاعده است و دلیل و روایتی را که مستند به آن باشد نداریم.

آن شخص عرب فرمود:

دلیل این حکم که من گفتم حدیثی است که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نوشته است.[1]

علامه گفت: چنین حدیثی در تهذیب نیست و به یاد ندارم دیده باشم که شیخ طوسی یا غیر او نقل کرده باشند.

آن مرد فرمود: آن نسخه از کتاب تهذیب را که تو داری از ابتدایش فلان مقدار ورق بشمار در فلان صفحه و فلان سطر حدیث را پیدا می‌کنی.

علامه با خود گفت:

شاید این شخص که در رکاب من می‌آید مولای عزیزم حضرت بقیةالله روحی فداه باشد.

لذا برای اینکه واقعیت امر برایش معلوم شود در حالی که تازیانه از دستش افتاد پرسید:

۸۳

«آیا ملاقات با حضرت صاحب الزمان امکان دارد یا نه»؟

آن شخص چون این سؤال را شنید خم شد و تازیانه را برداشت و با دست با کفایت خود در دست علامه گذاشت.

و در پاسخ به علامه حلی فرمود: «چطور نمی‌توان دید در حالی که الان دست او در دست تو می‌باشد!!».

همین که علامه این کلام را شنید بی‌اختیار خود را از بالای حیوانی که بر آن سوار بود بر پاهای آن امام انداخت تا پای مبارکشان را ببوسد ولی از کثرت شوق بی‌هوش شد...

۱. از این تشرف متوجه می‌شویم که علمای شیعه تحت اشراف و نظارت امام عصرعج هستند آنگونه حضرتش در روایتی به این مطلب تصریح و تأکید کرده‌اند و معلوم می‌شود که سرنوشت جامعه شیعی در عصر غیبت کبری رها شده نیست برای اطلاع بیشتر به بخش غیبت کبری در این کتاب مراجعه شود.

Presented by: jafrilibrary.com

بعد از آنکه به خانه خود رسید کتاب تهذیب خود را ملاحظه کرد و حدیث را در همان جایی که آن بزرگوار فرموده بود مشاهده کرد.

لذا علامه حلی در حاشیه همان کتاب تهذیب نوشت: «این حدیثی است که مولای من صاحب‌الامر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مرا به آن خبر دادند و حضرتش به من فرمودند: در فلان ورق و فلان صفحه و فلان سطر می‌باشد.

آقا سید محمدصاحب مفاتیح‌الاصول فرمود: من همان کتاب را دیدم و در حاشیه آن کتاب خط علامه حلی را مشاهده کردم.[1]

۸۴
دستورات و پیام‌های عبادی امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به شیعیان

همه ما داستانهایی را خوانده یا شنیده‌ایم که عده‌ای سعادت دیدار امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را یافته‌اند ولی نکته مهمتر اینجاست که در این دیدارها پیام‌هایی نهفته است که امام برای ما فرستاده‌اند و بایستی ما که شیعه پراشتیاق او هستیم به این پیامها که خواسته امام است عمل کنیم اصل موضوع در این تشرفات دستورات معنوی و روحانی امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است که باید نصب‌العین گردد.

۸۵
نماز اول وقت یادت نرود

شیخ کلینی و شیخ طوسی و شیخ طبرسی از زهری نقل کرده‌اند که گفت: مدت مدیدی در طلب دیدار امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بودم و در این راه مال فراوانی خرج کردم تا این که به خدمت محمدبن‌عثمان (دومین نایب خاص امام زمان در زمان غیبت صغری) رسیدم و با التماس از او خواستم مرا به حضور امام ببرد.

پاسخ منفی داد اما در مقابل تضرع بسیار من سرانجام لطف نمود و فرمود فردا اول وقت نزد من بیا.

فردای آن روز به خدمت محمدبن‌عثمان رفتم دیدم جوانی خوش سیما

۱. *العبقری الحسان*، ج ۲، ص ۶۱.

همراه اوست محمدبن‌عثمان به من اشاره کرد و گفت: ایشان همان کسی است که در طلبش هستی. به نزد امام رفتم و آنچه سؤال داشتم پرسیدم ایشان نیز پاسخ فرمود تا به خانه‌ای رسیدیم حضرت داخل آن خانه شد و دیگر ایشان را ندیدم. اما در این دیدار امام دوبار به من فرمود: از رحمت خدا به دور است کسی که نماز صبح را به حدی به تأخیر اندازد تا ستاره‌ها دیده نشوند و نماز مغرب را به قدری به تأخیر اندازد تا ستاره‌ها نمایان شوند.

۸۶
تشرف حضرت آیت‌اللّه مرعشی نجفی«ره»

در ایام تحصیل علوم دینی خود در نجف اشرف با خود عهد کردم که ۴۰ شب چهارشنبه پیاده به مسجد سهله بروم به این نیت که به فوز زیارت جمال پرجلال و ملکوتی امام زمان نائل شوم.

تا ۳۵ یا ۳۶ شب چهارشنبه ادامه دادم...در مسیر راه صدای پایی را از دنبال سر شنیدم برگشتم عقب شخصی را دیدم که با زبان فصیح گفت: ای سید سلام علیکم...تعجب کردم که این شخص در این تاریکی شب چگونه متوجه سیادت من شد....

سخن می‌گفتیم و می‌رفتیم از من سؤال کرد به کجا قصد رفتن را داری؟ گفتم: مسجد سهله...

پس از ورود به مسجدزیدبن‌صوحان[۱]، فرمودند: سید تو گرسنه‌ای چه خوبست شام بخوری.

پس سفره‌ای را که زیر عبای خود داشت بیرون آورد در آن سه قرص نان و دو یا سه عدد خیار سبز تازه بود...

سپس فرمود:

بلند شو به مسجد سهله برویم وقتی داخل مسجد شدیم آقا مشغول اعمال وارده شد و من هم متابعت می‌کردم و بدون اختیار نماز مغرب و عشا را به آن آقا اقتدا کردم...

۱. مسجدزیدبن‌صوحان در نزدیکی مسجد سهله است.

در وسط مسجد در مقام امام صادق(ع) نشستیم...و این نشست نزدیک دو ساعت طول کشید در این مدت مطالبی رد و بدل شد که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

ـ از جمله مطالب[1] این جلسه تأکید بر تلاوت این سوره‌ها بعد از نمازهای واجب بود.

بعد از نماز صبح سوره یس، بعد از نماز ظهر سوره نباء، بعد از نماز عصر سوره عصر، بعد از نماز مغرب سوره الواقعه و بعد از نماز عشاء سوره ملک.

ـ دیگر اینکه تأکید فرمودند: بر خواندن دو رکعت نماز بین نماز مغرب و عشا که در رکعت اول بعد از حمد هر سوره‌ای که خواستی می‌خوانی و در رکعت دوم بعد از سوره حمد سوره واقعه را می‌خوانی.

ـ تأکید فرمودند که: بعد از نمازهای پنج گانه این دعا را بخوان.

«اللهم سرحنی عن الهموم و والغموم و وحشة الصدرو وسوسه الشيطان برحمتك يا ارحم الراحمين».

ـ تأکید فرمودند بر خواندن این دعا بعد از ذکر رکوع در نمازهای یومیه خصوصا رکعت آخر. **«اللهم صل على محمد و آل محمد و ترحم على عجزنا و آَغثنا بحقهم».**

ـ تأکید فرمودند: بر خواندن قرآن و هدیه کردن ثواب آن برای شیعیانی که وارثی ندارند یا دارند و لکن یادی از آن‌ها نمی کنند.

ـ تأکید فرمودند: بر زیارت حضرت سیدالشهداء(ع)...[2]

پس خواستم از مسجد بیرون روم به خاطر حاجتی آمدم نزدیک حوض به ذهنم رسید این سید عرب کیست شاید همان مقصود معشوقم باشد با اضطراب برگشتم ولی آن آقا را ندیدم و کسی هم در مسجد نبود و یقین کردم که آقا امام زمان(عج) را از زیارت کردم و غافل بودم...[3]

۱. به دستورات و پیامهای عبادی امام عصر(عج) عنایت بیشتری شود.
۲. مطالب رد و بدل شده بیشتر از آن است که آمده، سعی شد پیام‌های عبادی امام آورده شود.
۳. شیفتگان مهدی(عج).

۸۷
دعای ندبه و روضه عمه‌ام

واعظ مشهور مرحوم حجة‌الاسلام والمسلمین حاج سیدصادق شمس‌الدین فرمود:

حدود سال ۶۲ شمسی روزی در محضر حضرت آیت‌الله العظمی بهجت بودم ایشان فرمودند: یک روز طلبه‌ای به نام سیدحسین یزدی در مسجد جمکران توفیق زیارت حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را پیدا کرده‌اند و حضرت به ایشان مطالبی فرموده‌اند و خانه‌ای می‌خواسته که حضرت به ایشان مرحمت کرده‌اند و همچنین سفارش فرمودند که رفتن به مجلس دعای ندبه را ادامه دهند و آن را ترک نکنند.

و فرموده بودند: مصائب عمه بزرگوارم حضرت زینب علیهاالسلام را در آن مجلس و جاهای دیگر تذکر دهید.[۱]

۸۸
ملامحمدتقی مجلسی«ره» و سؤالی بزرگ

هنگامی که خداوند مرا به زیارت امیرالمؤمنین علیه‌السلام موفق ساخت و در اطراف آستان مقدس آن امام در حال مجاهده و ریاضت بودم خداوند به برکت مولایمان درهای مکاشفاتی را به رویم گشود...

از جمله مکاشفاتی که برای این بنده حقیر پدید آمد این است که من در آغاز دوران بلوغ همواره در صدد بودم تا رضایت خداوند را بدست آورم و کارهایی را دنبال کنم که موجبات خشنودی پروردگار عالم را فراهم سازد بر این اساس همیشه به یاد خدا بودم و جز به یاد او آرام و قرار نداشتم تا اینکه یک روز در بین خواب و بیداری دیدم امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در مسجد جامع قدیم اصفهان نزدیک دری که به درب طنبی معروف است ایستاده‌اند به

---

۱. مسجد مقدس جمکران ص ۵۵ (حجة‌الاسلام والمسلمین شمس‌الدین از واعظان مهذب و پر مجلس بودند ایشان در سال ۱۳۷۹ از دنیا رحلت کردند و پس از اقامه نماز توسط حضرت آیت‌الله بهجت در حرم حضرت معصومه علیهاالسلام در جایگاه ابدیشان به خاک سپرده شدند).

ایشان سلام کردم خواستم که پای مبارک آن امام را ببوسم نگذاشتند آن گاه دست مبارکشان را بوسیدم.

سپس بعضی از مسائل را که حلشان برای من مشکل بود از آن حضرت پرسیدم...

امام در پاسخ یکی از سؤالاتم فرمودند: نماز شب را آنگونه که مرسوم است بخوان...

سپس عرض کردم: مولای من از آنجا که هرگاه که بخواهم به حضورتان شرفیاب بشوم برایم میسر نیست اگر ممکن است کتابی را به من مرحمت کنید تا بر طبق مطالب آن به انجام وظیفه بپردازم؟[1]

امام فرمود: من کتابی را به مولی محمدتاج داده‌ام تا آن را به دست تو برساند برو آن را از ایشان تحویل بگیر من بلافاصله در همان حال از درب مسجدی که روبروی ایشان بود بطرف محله‌ای که محمدتاج در آنجا سکونت داشت به راه افتادم.

وقتی به آنجا رسیدم آن شخص چون چشمش به من افتاد گفت: آیا تو را امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نزد من فرستادند؟ عرض کردم: بلی.

آنگاه کتابی را که معلوم بود یک کتاب قدیمی است از جیبش بیرون آورد و من بدون آنکه آن را باز کنم فهمیدم که آن یک کتاب دعاست آنرا گرفتم و بوسیدم و به چشمم گذاشتم...

نسخه‌ای از کتاب شریف و نورانی صحیفه سجادیه که با راهنمایی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به دست من رسیده بود به خط شهید بود...از آن تاریخ به بعد عده زیادی نسخه‌های صحیفه سجادیه[2] را با کتاب صحیفه من مقابله کردند و به برکت آن کتابی که امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به من بخشیدند صحیفه کامله

---

۱. در آتی به راههای تشرف و دیدار اشاره خواهد شد.

۲. خواننده گرامی ملاحظه می‌کنند که متأسفانه در جامعه امروز ما توجهی که در خور کتاب شریف صحیفه سجادیه نمی‌شود جای خالی او را در صدا و سیما و روزنامه‌ها و متون درسی مدارس و دانشگاهها می‌بینیم و در این ملاقات امام عصرعج چه پیام و دستوری مورد نظر مبارکشان بوده، پس ضروریست به این فرمان و پیام عمل نموده و لازم است این پیامها را به دست همه شیعیان برسانیم چرا که امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: ای مفضل، اخبار مهدی را به شیعیان ما برسان تا در دین خود به شک نیفتند. (*بشاره‌الاسلام*، ص ۲۶۷).

سجادیه در تمام شهرها چون خورشید درخشان در مدت بسیار کمی منتشر شد.[۱]

امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در سرداب مقدس در سامراء به آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی نیز سفارش می‌فرمایند که دعاهای صحیفه سجادیه را حفظ کنند و ...[۲]

۸۹
نگویند شما آقا ندارید

مرحوم آیت‌الله آقاسیدابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ ـ ۱۳۶۵ هجری قمری) به واسطه علاقه وافر به درس به نزد پدر آمده و تقاضا می‌کند تا پدر به او اجازه خواندن درس طلبگی دهد.

پدرش مخالفت کرده و می‌گوید: اگر چنین کاری بکنی من متکفل مخارجت نمی‌شوم.

سید می‌گوید: اشکالی ندارد...

او در مدرسه صدر اصفهان حجره‌ای در زاویه مدرسه می‌گیرد ایام زمستان فرا می‌رسد در حالی که سید نه فرشی دارد و نه چراغی.

شبی از شب‌ها پدرشان به اصفهان می‌آید برای دیدن فرزند خود به مدرسه می‌رود ولی با آن وضع نابهنجار مواجه می‌شود رو به فرزند کرده و با زبان تعییر می‌گوید: نگفتم طلبه نشو گرسنگی دارد محرومیت بدنبال خواهد داشت...

این سخنان سید را دگرگون می‌کند رو به قبله می‌کند و خطاب به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌گوید: «آقا عنایتی کنید تا نگویند شما آقا ندارید».

دقایقی بعد درب مدرسه را می‌زنند فراش درب را باز می‌کند معلوم می‌شود که با سیدابوالحسن کار دارند سید شخصی را می‌بینند که مقداری

۱. *روضه المتقین*، ج ۱۴.
۲. قبسات، در این تشرف امام عصرعج انگشتر عقیقی به مرحوم آیت اللهّ مرعشی نجفی هدیه می‌دهند و مقداری نیز تربت کربلا به ایشان می‌دهند.

پـول (پنـج قـرون) بـه او داده و می‌گویـد شـمعی هـم در طاقچـه حجـره هسـت آنـرا روشـن کـن تـا نگوینـد شـما آقـا نداریـد.[1]

۹۰
سیدبن‌طاووس کیست؟

سیدبن‌طاووس فرزند خود را به امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌سپارد:

او خطاب به فرزندش می‌نویسد:

ای محمـد ای فرزنـد کـه امیـدوارم پـروردگار جـل جلالـه، ظاهـر و باطـن تـرا بـه دوسـتی و مهـر اولیـای خـود و دشـمنی دشـمنان خـود زینت بخشـد.

در ایـام زیـارت عاشـورا در کربـلا خبـر ولادت تـو[2] بـه مـن رسـید مـن بـه شـکرانه ایـن نعمـت و احسـان پـروردگار بـا فروتنـی بسـیار در پیشـگاه مقدسـش بـر پـای خاسـتم و بفرمـان الهـی تـرا بنـده امـام مهـدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و متعلـق بـه او قـرار دادم.

و در حوادثـی کـه بارهـا بـرای تـو روی داده اسـت بـه سـایه حضرتـش پنـاه بـرده‌ام... و بارهـا آن بزرگـوار را بـه خـواب دیـده‌ام و بـه مـا انعام‌هـا و لطف‌هـا فرمـوده و نیازهـای تـرا بـرآورده اسـت چنانکـه بیان آن از قـدرت مـن بیـرون اسـت.

پـس در دوسـتی و مهـر و وفـا بـه آن حضـرت بزرگـوار و توجـه دل و تعلـق خاطر آنگونـه بـاش کـه خـدا و رسـول او و پـدران بزرگـوارش می‌خواهنـد و خواسـته‌های حضـرت او را بـر نیازهـای خـود مقـدم دار و مـن ایـن مقولـه را در کتـاب المهمـات و التتمـات شـرح داده‌ام.[3]

ـ سـیدبن‌طاووس در مهج‌الدعـوات می‌نویسـد: در شـب چهارشـنبه ۱۳ ذی القعـده سـال ۶۳۸ در سـامرا بـودم در سـحرگاه دعـای حضـرت ولی‌عصر را «شـنیدم» و دعـای حضـرت را در حـق عـده‌ای از مـردگان و زنده‌هـا کـه نـام می‌بـرد حفـظ کـردم.

۱. به نقل از حضرت‌آیت‌الله حرم پناهی.
۲. ولادت فرزند ایشان در نهم محرم سال ۶۴۳ قمری بوده است.
۳. المهمات والتتمات بنا به گفته سیدبن‌طاووس در آن اسرار فراوان و کاشف رازها در بر دارد.

البته برخی از این جمله استفاده کرده‌اند که سید محضر حضرت را در حال نماز شب که عده‌ای از مؤمنین را نام برده‌اند، درک نموده است.[۱]

ـ سیدبن‌طاووس اگر چه خیلی کتوم و رازدار بوده و سیره او بر همین طریق بود لیکن در برخی موارد در جمال الاسبوع آورده:

روز یکشنبه روز امیرالمؤمنین است و بعد از آن اضافه می‌کند که:

زیارت امیرالمؤمنین در آن روز (یکشنبه) به‌روایت کسی است که صاحب‌الزمان را در «بیداری» مشاهده کرد که در روز یکشنبه امیرالمؤمنین را زیارت می‌کرده و چنین است (زیارت)...[۲]

ـ سیدبن‌طاووس در کتاب دیگری از شخصی سخن گفته (بدون ذکر نام او) آورده است که: اگر بازگو کردن رابطه و پیوند او با حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف جایز بود «چند جزء کتاب» درباره رابطه او تألیف می‌گردید.[۳]

و این نقل‌ها نشان می‌دهد که جناب سید ارتباط و تشرفات زیادی را به دست آورده است به حدی که اگر بخواهد آن تشرفات را بنویسد چند جلد کتاب می‌شود.

۹۱
خوابی به روشنی بیداری

ـ سیدبن‌طاووس در آثار خود به صراحت ادعای روایت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را ندارد ولی از رابطه خاص خود با حضرت و برخی از ماجراهای مربوط به آن احیانا خبر می‌دهد مثلاً آورده است که: در شب شنبه ۲۱ جمادی‌الاخر سال ۶۴۱ فردی را که در راستگوئی‌اش تردیدی نیست، به نام عبدالمحسن و از عراق به حله آمده بود دیدم او گفت: دیشب حضرت ولی‌عصر را با این مشخصات زیارت کردم و فرمود:

به نزد ابن‌طاووس برو و چنین و چنان به او بگو.

---

۱. *مهج الدعوات*، ص ۲۹۶.

۲. *جمال الاسبوع*، ص ۳۰.

۳. *رساله مواسعه سید به نقل از نجم الثاقب*، ص ۲۵۱.

عبدالمحسن آنچه را حضرت ذکر فرموده بودند برایم بازگو کرد و من او را وصیت کردم که ماجرا را برای احدی نقل نکند.

سید ادامه ماجرای آن شب خود را چنین نقل می‌کند: آن شب را برای نماز شب برخاستم «فتح» برایم آفتابه آورد تا وضو بگیرم دسته آفتابه را گرفتم که آب بریزم ولی دهانه آن را کسی گرفت و برگرداند و از وضو گرفتن با آن آب مرا بازداشت با خود گفتم: شاید آب نجس است و خداوند خواسته است که مرا از نجاست آب حفظ کند.

زیرا عنایات و بخشش‌های خداوند بر من بسیار است که یکی از آن‌ها این گونه است و در گذشته هم مانند آن سابقه داشت ولی بعد از تطهیر آفتابه و پر کردن آن از شط (رودخانه) باز هم کسی دهانه آن را گرفت و مانع وضوی من شد برگشتم و مشغول خواندن برخی از ادعیه شدم سپس به سراغ آفتابه آمدم و مجددا همان ماجرا تکرار شد فهمیدم که این قضیه برای آن است که من نماز شب نخوانم در همان حال خوابم برد بعد فردی را دیدم که می‌گوید:

عبدالمحسن برای پیام ما آمده بود سزاوار بود که در پیش او راه بروی بیدار شدم و فهمیدم که در احترام و اکرام شیخ عبدالمحسن کوتاهی کردم توبه کردم و شروع به وضو گرفتن کردم دیگر کسی آفتابه را برنگرداند و مانع وضو نشد بعد از آنکه دو رکعت نماز خواندم صبح شد و نماز شب را قضا کردم بعدا به نزد شیخ عبدالمحسن آمدم و او را اکرام و احترام کردم...

ـ در جایی دیگر آورده است که روز سی‌ام به سوی کربلا حرکت کردم در شب اوّل رجب محمدبن‌سوید به من گفت:

در شب شنبه ۲۱ جمادی‌الاخر در خواب دیدم که من در خانه‌ام و پیکی به نزد شما آمد و می‌گوید:

از جانب «صاحب» (یعنی: امام عصر عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) آمده‌ام و...

من متعجب شدم که محمدبن‌سوید در همان شبی که فرستاده حضرت

بـه نـزد مـن آمـده بـود خـواب آن را دیـده اسـت در حالـی او از ایـن امـور خبـری نداشـت.[۱]

۹۲
زلال بی‌زوال

حضـرت آیـت‌الله حجتـی رحمة‌الله‌علیـه[۲] می‌فرمودنـد: بعـد از آنکـه حضـرت الله بهاءالدینـی از مکـه (سـفر حـجّ) برگشـتند دیـدم هـر دو دسـت خـود را آزاد گذاشـته تـا مـردم و طلبه‌هـا آن را ببوسـند از اینـکار ایشـان تعجـب کـردم چونکـه ایشـان قبـلاً نمی‌گذاشـتند کسـی دستشـان را ببوسـند!

تـا اینکـه بعـد از مدتـی از ایشـان پرسـیدم شـما قبـلاً نمی‌گذاشـتید کسـی دسـتتان را ببوسـد حـالا چطـور شـده کـه امتنـاع نمی‌کنیـد؟

در پاسـخ فرمودنـد: در سـفر حـجّ در عرفـات مـا را در چـادر حضـرت ولی‌عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بردنـد خواسـتم دسـت امـام را ببوسـم حضـرت امتنـاع فرمودنـد سـؤال کـردم اجـازه نمی‌فرمائیـد دسـت مبـارک را ببوسـم؟

امام فرمودند: شما چرا نمی‌گذارید شیعیان ما دست شما را ببوسند...

در جلسـه‌ای کـه حضـرت ولی‌عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در مکـه داشـتند نـام چندیـن نفـر بـرده می‌شـود کـه یکـی از آنـان حـاج آقـا فخـر تهرانـی[۳] بـوده اسـت...

ایشـان سـال‌های بسـیاری در قنـوت نمـاز آیـات نورانـی قـرآن را می‌خواندنـد تـا اینکـه زمانـی دعاهـای ایشـان تغییـر کـرد و در قنـوت بـرای امـام مهـدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دعـا می‌کردنـد:

---

۱. آنچه را که محمدبن‌سوید در خواب دیده بود قبلاً در بیداری برای سید اتفاق افتاده بود.

۲. حضرت آیت‌اللّه حجتی از نزدیگان حضرت آیت اللّه بهاءالدینی و مورد توجه خاص ایشان بودند او خود عارف بزرگ و گمنام بود شاگردانی بزرگ در وادی سیر و سلوک تربیت نمود ایشان چند سال پیش در جوار رحمت حق آرمیدند و پس از اقامه نماز توسط آیت اللّه بهجت در قبرستان نو قم دفن شدند.
ایشان خود نیز تشرفاتی داشته‌اند تشرفی در مدینه و یکبار هم در شهر میانه این مرد ربانی برای حرکت معنوی به شـاگردان ابتداء دستور جامعی می‌دادند و آن عبارت بود از خواندن نوافل و زیارت جامعه و زیارت عاشورا و با انجام این ۳ دستور راه‌های بعدی خود به خود روشن می‌شد.

۳. حاج‌آقا فخر تهرانی انسـانی وارسـته و پارسا که بطور مخفی اوضاع فقراء و محرومان را زیر نظر داشت او به مادرش خدمت زیادی کرد و واقعه‌ای نیز در خصوص حضور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در منزل ایشـان قبل از شـروع جلسه قرائت حدیث کساء آورده شد بدن مطهر این مرد نورانی در قبرستان بقیع دفن گردیده است.

«أللهم کن لولیك الحجةبن‌الحسن...».از ایشان سؤال شد که علت این تغییر رویه چیست؟ فرمود: حضرت پیغام دادند «در قنوت به من دعا کنید».

و در زمانی که حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحلت فرمود عده‌ای دنبال مرجعت حضرت آیت‌الله بهاءالدینی را گرفتند ولی ایشان قبول نمی‌کردند تا اینکه در جواب عده‌ای که اصرار بر این مطلب داشتند فرمودند: «قبول حرف شما فقط یک راه دارد و آن این که حضرت صاحب‌الامر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بفرمایند در این صورت قبول خواهم کرد زیرا بنده مشکلاتی دارم که وقتی حضرت، امر فرمودند این موارد را هم حل خواهند کرد و بعد از آن خودشان تضمین می‌کنند».

۹۳
عین‌الحیاة

یکی از اولیاء خدا در سفر حجّ وقتی در مسجد شجره از قافله خود جا می‌ماند مضطر و ناراحت مانده بود که چه کند او می‌گوید:

سیدی را دیدم به من نزدیک شد و احوالپرسی کرد سپس فرمود: چرا ناراحتی؟ جریان خود را عرض کردم که جا مانده‌ام.

فرمود: بیا قدم بزنیم در حین قدم زدن ایشان از من پرسید مسئله‌ای نداری از من بپرسی؟

ـ چند مسئله از او پرسیدم دیدم در نهایت اتقان پاسخ داد.

چند قدمی سپری شد دوباره تأکید فرمود: شما سؤالی از من نداری بپرسی؟

عرض کردم: آیا در زمان غیبت کبری می‌توان خدمت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف رسید؟

فرمود: بله چرا نمی‌شود بلکه بعضی با بقیة الله قدم هم می‌زنند...

در این حال دیدم به صفا و مروه رسیدم و به کاروانی برخورد کردم که از آنجا جدا شده بودم با آن که آن مسافت طولانی بود با گذراندن چند قدم طی شد.

پسرم از من پرسید: با چه کسی آمدی ؟

گفتم: با این آقا (اشاره به سید) ولی دیدم آن سید نورانی نیست.[۱]

۹۴
دستورالعمل نورانی از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

در تشرف سیداحمدبن‌سید هاشم موسوی رشتی در ۱۲۸۰ هجری، وقتی او از قافله مسافران دیار حجّ جا افتاده بود... آن شخص به من فرمود: تو کیستی؟

عرض کردم: رفقا رفتند و من جا ماندم و راه را نمی‌دانم تا ملحق شوم.

به زبان فارسی فرمود: نافله بخوان تا راه پیدا کنی؟[۲]

پس من مشغول نافله شدم و بعد از اتمام نماز شبم باز آمدند و فرمودند: نرفتی؟

گفتم: والله راه را نمی‌دانم! فرمود: جامعه بخوان.[۳]

من نیز زیارت جامعه‌کبیره را حفظ نداشتم و هم اکنون نیز حفظ نیستم ولی بلند شدم و آنرا کامل خواندم.

باز نمایان شد و فرمود: نرفتی؟ هستی؟

مرا بی‌اختیار گریه گرفت و گفتم: هستم راه را نمی‌دانم.

فرمودند: عاشورا بخوان... برخاستم عاشورا را با اینکه حفظ نبودم و اکنون نیز حفظ نیستم کامل خواندم آن هم با دعای علقمه، خواندم.

باز فرمودند: نرفتی؟ گفتم: نه.

فرمود: تو را به قافله می‌رسانم پس رفت و بر الاغی سوار شد... و

---

۱. این تشرف مربوط به حضرت حجة‌الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ‌حسین فاضلی است.

۲. نافله به مجموعه نمازهای مستحبی یومیه اطلاق می‌شود که ترتیب آن‌ها عبارت است ۲ رکعت قبل از نماز صبح ۴ رکعت قبل از ظهر و ۴ رکعت قبل از عصر و ۴ رکعت بعد از مغرب ۴ رکعت و ۲ رکعت بعد از عشاء و ۱۱ رکعت نماز شب.

۳. زیارت جامعه کبیره در مفاتیح می‌باشد این زیارت به انشاء امام هادی علیه السلام می‌باشد و بسیار مورد سفارش قرار گرفته چنانچه مرحوم ملامحمدتقی مجلسی در تشرفی که به خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه داشته‌اند وقتی این زیارت را می‌خوانند امام به ایشان می‌فرمایند: نعمه‌الزیارهٔ، چه خوب زیارتی است. برای مطالعه این تشریف به کتاب نورانی روضة المتقین نوشته مرحوم مجلسی ج ۵ ص ۴۵۱ مراجعه شود. و تصریح و تأکید امام عصر عجل الله تعالی فرجه بر زیارت عاشورا نیز دیگر جای توضیح ندارد چرا که همه ما مکرر به این زیارت سر تا سر نور تمسک یافته‌ایم و از نور و ضیای ملکوتی او بهره بردیم.

فرمود: در ردیف من بر الاغ سوار شو من نیز در پشت سر ایشان بر الاغ سوار شدم... پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نافله نمی‌خوانید نافله، نافله، نافله، و تا سه مرتبه فرمود.

و باز فرمود:

شما چرا عاشورا نمی‌خوانید عاشورا، عاشورا، عاشورا و سه مرتبه آن را فرمود.

بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی‌خوانید جامعه، جامعه، جامعه تا اینکه به دوستانم ملحق شدم و او را ندیدم...

۹۵
تشرفی بی‌مانند و عجیب

صاحب کتاب شریف جنةالماوی مرحوم محدث نوری در حکایت ۵۹ آن کتاب و در کتاب عبقری الحسان آمده آورده است که: شخصی بنام حاج علی بغدادی نقل کرد که ۸۰ تومان از مال امام علیه‌السلام (خمس) در ذمه‌ام بود پس به نجف اشرف رفتم و بیست تومان آن را به شیخ مرتضی (اعلی‌الله‌مقامه) دادم.

بیست تومان آن را نیز به جناب شیخ محمدحسین مجتهدکاظمینی و بیست تومان آن را نیز به جناب شیخ محمدحسن شروقی و بیست تومان از آن هشتاد تومان در ذمه من باقی ماند که قصد داشتم در مراجعت به بغداد به جناب شیخ محمدحسن کاظمینی آل‌یس بدهم و به بغداد مراجعت کردم خوش داشتم که در ادای آنچه در ذمه من باقی بود تعجیل کنم.

آن روز که پنجشنبه بود به زیارت امام موسی‌بن‌جعفر و حضرت جواد علیهماالسلام مشرف شدم و سپس نزد جناب شیخ محمد حسن رفته و مقداری از ۲۰ تومان را دادم و وعده کردم که بقیه را بعد از فروش بعضی از اجناس مغازه‌ام به تدریج ادا کنم.

عصر آن روز قصد مراجعت به بغداد را داشتم که جناب شیخ محمدحسن خواهش کرده بمانم من عذر آوردم که باید بروم و مزد کارگران خود را بدهم.

از کاظمین به سوی بغداد حرکت کردم ثلث راه را آمده بودم که سید

جلیل‌القـدری را دیـدم کـه از طـرف بغـداد رو مـن می‌آمـد وقتـی نزدیـک شـد سـلام کـرد و دسـت‌های خـود را بـرای مصافحـه و معانقـه بـه سـمت مـن دراز کـرد و فرمـود: اهـلاً و سـهلاً و آنـگاه مـرا در آغـوش کشـید و یکدیگـر را بوسـیدیم.

او عمامـه سـبز روشـنی بـر سـر داشـت و بـر رخسـار مبارکـش خـال سـیاه بزرگـی بـود سـپس ایسـتاد و فرمـود: حـاج علـی! خیـر اسـت بـه کجـا مـی‌روی؟

عرض کردم: کاظمین را زیارت کرده‌ام و حالا به بغداد می‌روم.

فرمود: امشب شب جمعه است برگرد (یعنی به کاظمین).

گفتم: ای سید من، برایم امکان اینکار وجود ندارد.

فرمـود: امـکان دارد برگـرد تـا بـرای تـو شـهادت دهـم کـه از موالیـان جـد مـن امیرالمؤمنیـن علیه السلام و از موالیـان مایـی و شـیخ هـم (مقصـود شـیخ محمـد حسـن کاظمینـی آل یـس اسـت) شـهادت دهـد. زیـرا خـدای تعالـی امـر فرمـوده کـه دو شـاهد بگیریـد.

(ایـن اشـاره بـه مطلبـی بـود کـه در نظـر داشـتم از جنـاب شـیخ خواهـش کنـم نوشـته‌ای بـه مـن دهـد کـه مـن از موالیـان اهـل بیـت علیهم السلام می‌باشـم تـا آن نوشـته را در کفـن خـود بگـذارم).

من گفتم: تو چه می‌دانی و چگونه شهادت می‌دهی؟

فرمـود: کسـی کـه حقـش را بـه او می‌رسـانند چگونـه رسـاننده (یعنـی: خمـس دهنـده) را نمی‌شناسـد.

گفتم: چه حقی؟

فرمود: آن که به وکیل من رساندی.

گفتم: وکیل تو کیست؟

فرمود: شیخ محمد حسن.

گفتم: او وکیل تو است؟

فرمود: وکیل من است.

در اینجـا بـه خاطـرم آمـد کـه ایـن سـید جلیل‌القـدر بـا آنکـه او را نمی‌شناسـم مـرا بـه اسـم خوانـد.

بعـد بـه خـود گفتـم: شـاید او مـرا می‌شناسـد و مـن او را فرامـوش کـرده‌ام امّـا

باز با خود گفتم: این سید از حق سادات (خمس) از من چیزی می‌خواهد و خوش داشتم که از مال امام علیه السلام (خمس) چیزی به او برسانم.

پس به او گفتم: ای سید من! نزد من از حقّ شما چیزی مانده بود (سهم سادات) و رجوع کردم به جناب شیخ محمدحسن برای آنکه ادا کنم حق شما را.

او به روی من تبسمی کرد و فرمود:

آری بعضی از حقوق ما را به وکلای ما در نجف اشرف رساندی.

گفتم: آنچه ادا کردم قبول شد؟

فرمود: آری.

در این وقت به ذهنم آمد که این سید علمای اعلام و مراجع تقلید را وکلای خود می‌داند و این در نظرم بزرگ آمد و تعجب کردم و با خود گفتم:

آری! البته که علما در گرفتن حقوق سادات وکیل‌اند و مجدد غفلت مرا فرا گرفت.

آنگاه فرمود: برگرد جدّم را زیارت کن.

پس برگشتم و در حالی که دست راست او در دست چپ من بود، به راه افتادیم دیدم در طرف راست ما نهر آب صاف جاری است و درختان لیمو، نارنج، انار، انگور، و غیر آن هم با میوه وجود دارد.

گفتم: این نهر و این درخت‌ها چیست؟

فرمود: هرکس از موالیان ما که قصد زیارت جدّ ما و خود ما را کند این‌ها با او هست.

گفتم: می‌خواهم سؤال کنم؟

فرمود: سؤال کن؟

گفتم: مرحوم شیخ عبدالرزاق، مدرس بود، روزی نزد او رفتم شنیدم که می‌گفت:

اگر کسی همه عمرش چه روزها روزه باشد و شبها را به عبادت به سر برد و چهل حجّ و چهل عمره بجا آورد و در میان صفا و مروه بمیرد و از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام نباشد برای او چیزی (در نامه عملش) نیست.

فرمود: آری والله برای او چیزی نیست!! پس در اینجا از حال یکی از خویشان خود پرسیدم که آیا او از موالیان و شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام است؟

فرمود: آری او و هرکس به تو متعلق است.

گفتم: سیدنا برای من مسأله‌ای است.

فرمود: بپرس؟

گفتم: خوانندگان تعزیه امام حسین علیه السلام می‌گویند که سلیمان اعمش نزد شخصی آمد و از زیارت سیدالشهداء علیه السلام پرسید و او در جواب گفت: بدعت است. بعد او در خواب هودجی را که در میان آسمان و زمین دید سؤال کرد: در این هودج کیست؟

گفتند: فاطمه‌زهرا و خدیجه کبری علیهما السلام.

گفت: به کجا می‌روند؟

گفتند: به زیارت امام حسین علیه السلام چرا که امشب شب جمعه است او دید رقعه‌هایی (برگه‌هایی) از هودج می‌ریزد و در برگه‌ها نوشته شده: «**امان من النار لزوار الحسین فی لیلة الجمعة امان من النار یوم‌القیامة**»؛ (یعنی: امان دارد از آتش جهنم در قیامت زائر حسین علیه السلام در شب جمعه).

آیا این حدیث صحیح است؟ فرمود: آری راست و تمام است.

گفتم: سیدنا صحیح است که می‌گویند هر کس در شب جمعه زیارت کند حسین علیه السلام را برای او امان است.

فرمود: آری والله سپس اشک از چشمان مبارکش جاری شد و گریست.

گفتم: سیدنا مسئلة ـ یعنی سؤالی دارم.

فرمود: بپرس.

گفتم: سال ۱۲۸۹ هجری حضرت رضا علیه السلام را در مشهد زیارت کردم و منطقه در درّود (نزدیکی قدمگاه در راه مشهد) یکی از عرب‌ها را که از بادیه نشینان طرف مشرق نجف بود را ملاقات کردم و او را مهمان نموده و از او پرسیدم که شهر حضرت رضا علیه السلام چگونه است؟

گفت: بهشت است.

سپس آن عرب ادامه داد:

امروز من پانزده روز است که از مال مولای خود حضرت رضاؑ خورده‌ام چه حق دارند دو فرشته منکر و نکیر در قبر نزد من بیایند گوشت و خون من از طعام آن حضرت و در مهمانخانه آن حضرت روئیده است؟

ـ آیا این گفته او صحیح است و علی‌بن‌موسی‌الرضاؑ می‌آید و او را از دست آن دو فرشته نجات می‌دهد؟

فرمود: آری والله جد من ضامن است.[1]

گفتم: سیدنا مسأله کوچکی است می‌خواهم بپرسم؟

فرمود: بپرس؟

گفتم: زیارت حضرت رضاؑ را که من انجام داده‌ام قبول است؟

فرمود: قبول است ان‌شاءالله.

گفتم: سیدنا سؤالی دارم.

فرمود: بسم‌الله.

گفتم: حاجی محمدحسین بزازباشی پسر مرحوم حاجی احمد بزازباشی زیارتش قبول است یا نه (او با من در راه مشهد هم خرج بود).

فرمود: عبدصالح زیارتش قبول است.

گفتم: سیدنا سؤالی دارم؟

فرمود: بسم‌الله.

گفتم: فلانی ـ از اهل بغداد که همسفر ما بود ـ زیارتش قبول است؟

اینجا ساکت شد.

گفتم: سیدنا سؤالی دارم؟

فرمود: بسم‌الله.

گفتم: این سؤالم را شنیدی یا نه؟ آیا زیارت او قبول است یا نه؟

جوابی نداد (او فرد بدی بود او مادر خود را کشته بود و همسفر ما بود).

پس در مسیر راه ما به جاده پهنی رسیدیم که در طرف آن باغ‌هائی از کاظمین بود و قسمتی از آن جاده مال بعضی از ایتام سادات بود که حکومت وقت آن را به زور از آن سادات گرفته بود و آن را جزء جاده کرده بودند و اهل

---

۱. خوشا به سعادت زائران مولای عزیزمان حضرت رضاؑ. این فیض پر برکت ان‌شاءالله برای زیارت حضرت معصومهؑ نیز هست چرا که طبق روایت، زیارت حضرت معصومهؑ مثل زیارت حضرت رضاؑ می‌باشد.

تقوا و مؤمنین همیشه از این قسمت جاده کناره می‌گرفتند و از آن جا عبور نمی‌کردند ولی دیدم آن حضرت از آن راه می‌روند.

گفتم: ای سید من این محل برای بعضی از ایتام سادات است و تصرف در آن روا نیست.

فرمود: این موضع برای جد ما امیرالمؤمنین علیه السلام و ذریه او و اولاد ماست و تصرف در آن برای موالیان ما حلال است.

در نزدیکی آن مکان در طرف راست، باغ معروف حاجی میرزاهادی که از ثروتمندان معروف عجم و ساکن بغداد بود قرار داشت.

گفتم: سیدنا راست است که می‌گویند: زمین حاج میرزاهادی مال حضرت موسی‌بن‌جعفر علیه السلام است.

فرمود: چکار داری به این و از جواب اعراض نمود...

پس آمدیم و چند قدمی نرفتیم که خود را در صحن مقدس امام کاظم علیه السلام در نزد کفش‌داری دیدم در حالی که هیچ کوچه و بازاری را ندیدیم پس از طرف باب المراد از سمت شرقی داخل صحن شدیم امام در رواق‌مطهر مکث نفرمود و اذن دخول نخواند و داخل شد و کنار در حرم ایستاد و فرمود: زیارت کن .

گفتم: من قاری نیستم ـ سواد ندارم ـ

فرمود: برای تو بخوانم؟

گفتم: آری.

آنگاه... بر همه ائمه‌اطهار علیهم السلام یک یک سلام کرد تا به سلام حضرت عسگری علیه السلام رسید و فرمود: **السلام عليك يا ابامحمد الحسن العسگری.**

سپس به من فرمود: امام زمان خود را می‌شناسی؟

گفتم: بلی او را می‌شناسم.

فرمود: بر امام زمان خود سلام کن.

گفتم: السلام علیک یا حجة‌الله یا صاحب‌الزمان یابن‌الحسن.

او تبسمی نمود و فرمود: علیک‌السلام و رحمة‌الله و برکاته.

سپس داخل حرم مطهر شدیم و به ضریح مقدس چسبیدیم و بوسیدیم.

آنگاه فرمود: زیارت کن.

گفتم: من قادر نیستم.

فرمود: زیارت بخوانم برای تو؟

گفتم: آری.

فرمود: کدام زیارت را می‌خواهی؟

گفتم: هر زیارتی که افضل است مرا با آن زیارت بده.

فرمود: زیارت امین‌الله افضل است.[1]

آنگاه مشغول به خواندن شدند.

در این هنگام چراغ‌های حرم را روشن کردند و دیدم شمع‌ها روشن است ولکن حرم منور به نوری دیگر است مانند نور خورشید و شمع‌ها مانند چراغی بودند که در آفتاب روشن می‌کنند و مرا چنان غفلت گرفته بود که هیچ ملتفت این نشانه‌ها نمی‌شدم.

چون از زیارت فارغ شدیم از سمت پائین پا آمدند به پشت سر و در طرف شرقی ایستادند و فرمودند: آیا جدم حسین علیه السلام را زیارت می‌کنی.

گفتم: آری زیارت می‌کنم چرا که شب جمعه است پس زیارت وارث را خواندند در اینجا بود که مؤذن‌ها از اذان مغرب فارغ شدند.

به من فرمود: نماز کن و ملحق به جماعت شو.

پس ایشان تشریف آورد پشت سر حرم[مطهر در آن جا نماز جماعت منعقد بود و خود به صورت انفرادی در طرف راست امام جماعت محاذی او ایستادند و من داخل شدم در صف اول و برایم مکانی پیدا شد چون فارغ شدم او را ندیدم از مسجد بیرون آمدم و در حرم تفحص کردم ولی او را ندیدم...

---

۱. با این زیارت نورانی می‌توان با تغییر اسم امام در خط اول آن هر امامی را نام برده و زیارت کرد این زیارت با سند معتبر و مشهور از امام چهارم و پنجم صلوات‌الله علیهما نقل شده که در حرم تمامی امامان معصوم علیهم السلام می‌توان آن را خواند در ثواب آن آمده که: هرکس از شیعیان ما این زیارت را در کنار مزار امیرالمؤمنین علیه السلام یا هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام بخواند این زیارت نامه را در صندوقچه‌ای از نور بالا می‌برند و مُهر رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر آن می‌زنند و آن را نگه می‌دارند تا به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه برسد / *بحارالانوار*، ج ۱۰۰، ص ۲۶۶.

آمدم نزد کفشدار و از حال آن جناب سؤال کردم گفت: بیرون رفت و پرسید که این سید رفیق تو بود گفتم: آری...[۱]

۹۶
او منصوب می‌نماید

عارف بزرگ ملاآقاجان زنجانی در یکی از تشرفات خود به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عرض کردند: آقامیرزای نائینی که از نظر اعلمیت از حاج‌سیدابوالحسن اصفهانی عمیق‌تر است چرا پرچم داری مرجعیت را به او عنایت نکردید؟ و میرزای نائینی شهرت و اقتدار حاج سیدابوالحسن را پیدا نکرد؟ وجود مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده بودند: دو صفت در حاج سیدابوالحسن هست که ایشان را شایسته این رتبه کرده است یکی دست و دلبازی حاج سیدابوالحسن و دیگری سعه صدر ایشان و هنگام وفات حاج سیدابوالحسن فرموده بودند من مأمور حفظ این شال بودم ما به بسیاری از بی‌سوادها اجازه اجتهاد دادیم تا رضاخان عمامه‌هایشان را بر ندارد چون می‌خواستیم سیاهی لشکر درست شود و موجودیت حفظ شود جامعه نگوید حوزه متلاشی شد و متدینین دلسرد نشوند من مأمور حفظ این شال بودم اما تربیت علمی طلبه‌ها به آقای بروجردی واگذار شده است جالب‌تر این که رضاشاه برای مرحوم سیدابوالحسن پیغام داده بود که توقع نداشتیم با ما این‌گونه عمل کنی یعنی: این همه اجازه اجتهاد بدهی البته مرحوم سید ابوالحسن در خوابی بنا به دستور امام صادق علیه السلام که به ایشان فرموده بودند اجازه اجتهاد بده این کار را انجام داده بودند. رضاشاه خبیث به روحانیونی که اجازه اجتهاد داشتند

---

۱. انجام یک عمل مخلصانه چه توفیقات بزرگی را برای انسان رقم می‌زند در زمان امام موسی‌بن‌جعفر علیه السلام نیز خانمی به نام شطیطه در نیشابور یک درهم و قطعه‌ای پارچه به شخصی می‌دهد تا آن را به عنوان خمس به امام برساند وقتی آن شخص خدمت امام موسی‌بن‌جعفر علیه السلام رسید حضرت به او فرمود: سلام مرا به شطیطه برسان و این کیسه پول را که چهل درهم در آن است و این قطعه پارچه که از کفن خود من است را به او بده و بگو آن را در کفن خود قرار دهد که پنبه این پارچه از مزرعه خود ماست.... سپس امام فرمود: به او بگو ۱۹ روز بیشتر زنده نیستی و به او بگو من بر جنازه او نماز خواهم گزارد بعد از فوت شطیطه امام در نیشابور به بدن او نماز گزاردو فرمود: من و امامان نظیر من باید بر جنازه‌های شما حاضر شویم در هرجا که از دنیا بروید پس تقوای خدا را در خود حفظ کنید هم اکنون این بانوی بزرگوار در نیشابور دارای بارگاه می‌باشد / ریاحین‌الشریعه، ج ۴، ص ۳۶۲.

کاری نداشـت و آن‌هـا را خلـع لبـاس نمی‌کـرد و مرحـوم آیـت‌الله آقاسیدابوالحسـن اصفهانـی بـرای خیلـی از روحانیـون اجـازه اجتهـاد نوشـت.

۹۷

چگونه اویس قرنی شد

مرحــوم آیــت‌الله ســیدنورالدین اراکــی (۱۲۷۸ ـ ۱۳۴۱) قمــری وی همــگام و همـراه بـا میرزامحمدتقـی شـیرازی (م، ۱۳۳۸ هجـری قمـری) بـود. و مرحـوم سـید محمدتقـی خوانسـاری و مرحـوم سیدابوالقاسـم کاشـانی (م۱۳۸۲ هجـری قمـری) و شـیخ شـریعت اصفهانـی (م ۱۳۳۹ هجـری قمـری) در جنـگ جهانـی دوم.

فتـوای جهـاد علیـه اسـتعمار جهانـی داده و خـود بـا جمعـی از مـردم مسـلمان اراک (کـه در آن وقـت سـاکن ایـن شـهر بـود).

رهسـپار ترکیـه گردیـد و بیـش از سـه سـال در جبهـه جنـگ بـه جهـاد مشـغول بـود در همیـن سـفر بـه مدت دو سـال با شـرائط بسـیار دشـوار و در زیـر بمباران‌های هوائـی اسـتکبار جهانـی بـدون دسترسـی بـه هرگونـه منبـع تحقیقـی بـا تکیـه بـر حافظـه و دقـت عقلـی در آیـات قـرآن بـه تفسیر قـرآن پرداخـت.

مرحـوم آیت‌العظمـی اراکـی در مقدمـه‌ای کـه بـر ایـن تفسـیر نوشـته‌اند دربـاره ایشــان می‌فرمایـد: فقیهــی کاوشــگر، اصولــی ژرف نگــر، متکلــم، عــارف و یگانــه مرجـع فتـوی. (در بـلاد خـودش) و صاحـب ریاسـت شـرعی و دینـی بود...بـا حضـرت ولی‌عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ارواحنافـداه ارتبـاط داشـت...

بـر اسـاس مکاشـفه‌ای کـه بیـن ایشـان و حضـرت ولی‌عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بوجـود آمـد حضـرت بـا تبسـم اظهـار لطـف بـه ایشـان کردنـد و فرمودنـد: «تـو اویـس زمـان هسـتی» و خـود مؤلـف نیـز در اشـعاری کـه در اول تفسـیر آمـده بـه ایـن مطلـب اشـاره نمـوده اسـت ایـن تفسـیر بـه نـام القـرآن و العقـل در ۳ جلـد چـاپ شـده اسـت.

کـه بـا تصحیـح و تعلیـق موسـوی‌کرمانی ـ شـیخ‌علی پناه‌اشـتهاردی ـ بـه چـاپ رسـیده اسـت.

به قول مرحوم آیت‌الله اراکی در میدان جنگ و بدون دسترسی به هر گونه منبع تحقیقی این کار (یعنی نوشتن تفسیر) کاری خارق‌العاده است.

البته مؤلف محترم انگیزه خود از نوشتن این تفسیر دفع شبهاتی می‌داند که از جانب ملحدان مطرح می‌شد به رشته تحریر در آورده است.

چنانچه در متن کتاب می‌نویسد: بعضی از دوستانم جناب فاضل و دوست کامل سید عبدالرسول یزدی ساکن شهر کاظمیه از من تقاضا نمود چیزی در ردّ بعضی از شیاطین غربی که ادعا نموده‌اند قرآن برخلاف عقل است بنویسم...

این عالم بزرگ در حالی که به یک دست اسلحه و با دستی دیگر قلم برگرفته،با هجوم و حضور نظامی دشمن و تهاجم فکری و تبلیغات مسموم دشمنان به مبارزه برمی‌خیزد.

مرحوم علامه طباطبائی رحمه‌الله که در تصحیح مقداری از این تفسیر دارای سهمی قابل توجه هستند می‌نویسند: در میان تفسیرهای مسلمانها بر چنین تفسیری دست نیافتم حقا این تفسیر برای دفع ایرادهای خیالی زمان ما سودمند است.

۹۸
دلسوزی بی‌همتا

از نامه‌ها و توقیعات آن وجود ملکوتی و آن سرور دوسرا حضرت بقیة‌الله الاعظم علیه‌السلام که خطاب به علماء و بعضی از مراجع و بزرگان است می‌فهمیم که آن امام عزیز نهایت دلسوزی را نسبت به دوستان و پیروان خود دارند و نسبت به آن‌ها و سرنوشت آن‌ها حساس می‌باشند و توجهی مخصوص به هدایت ایشان دارند.[۱]

---

۱. در کتاب شریف ***کمال الدین شیخ صدوق*** در کتاب غیبت شیخ طوسی حدود هشتاد توقیع نقل شده است.

۹۹

دعای شریف علوی مصری

محمدبن‌علوی مصری می‌گوید:

گرفتاری سختی از جانب فرماندار محل مرا رنج می‌داد و ترسی از او در دلم جای گرفته بود و هرگز امید رهایی از آن را نداشتم.

مدت ۱۵ روز در حرم مطهر امام حسین علیه السلام در حائر متوسل بودم و تقاضای خلاصی از این بلا را داشتم تا اینکه شبی در بین خواب و بیداری ناگهان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خود را با آن چهره ملکوتی‌اش به من نمایاند و فرمود: پسرم از فلانی (کنایه از آن ظالم است) ترسیدی؟

عرض کردم: آری قصد داشت مرا نابود کند.

امام فرمود: آیا خداوند را به آن دعایی که آباء و اجدادم در گرفتاریها می‌خواندند و خداوند گرفتاریهای آن‌ها را رفع می‌نمود خوانده‌ای؟

عرض کردم: کدام دعا است که بخوانم؟

حضرت فرمود: وقتی شب جمعه شد برخیز و غسل کن و نماز خود را بخوان چون از سجده شکر برخاستی در حالتی که دو زانو نشسته‌ای با چشمی اشکبار و دلی شکسته این دعا را بخوان.

علوی مصری می‌گوید: امام علیه السلام پنج شب پیاپی تشریف آورده این دعا را تکرار فرمودند تا اینکه آن را یاد گرفتم شب جمعه دیگر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را زیارت نکردم.

برخاستم غسل کردم لباس عوض نمودم و خود را معطر کرده نماز شب را چنانکه باید بخوانم خواندم آنگاه دعا را با همان روشی که فرموده بودند خواندم.

شب شنبه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با همان هیبت قبل به دیدار من آمد و فرمود: ای محمد دعایت مستجاب شد و خدا دشمن تو را کشت و بعد از خواندن دعایت خداوند قادر و توانا او را هلاک نمود.

محمد گوید: چون صبح شد به محلی که در آنجا ساکن بودم رفتم

مقداری که راه را طی کردم توسط شخصی نامه‌ای از فرزندانم دریافت کردم که نوشته بودند آن مرد خبیث که از او فرار کردی با جمعی از یارانش در مجلسی بودند خوردند و آشامیدند و متفرق شدند و فقط او و غلامانش در آن مکان ماندند و خوابیدند و چون صبح از خواب بیدار شدند اثری از او نیافتند و چون به سراغش رفتند و رواندار او را کنار زدند مشاهده کردند که از پشت سر، سرش را بریده‌اند و خون جاری است و این حادثه در شب جمعه اتفاق افتاد و کسی از قاتل او خبری ندارد...

و این دعائیست که حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به من آموخت:[1]

«رب من ذا الذی دعاك فلم تجبه و من ذا الذی سالك فلم تعطه و من ذا الذی ناجاك فخیبته او تقرب الیك فابعدته...».یعنی: بار خدایا چه کسی دعا کرد و تو او را اجابت نفرمودی؟ کدامیک از بندگانت دست نیاز به سوی تو دراز کرد و تو او را محروم نمودی؟

کدام بنده با تو مناجات کرد و تو او را مایوس ساختی چه کسی از بندگانت تقاضای نزدیک بودن به تو را داشت و تو او را از در خانه‌ات راندی؟...

مرا در این دنیا آزمایش مکن آن کسی را که رحم ندارد بر من مسلط مفرما...

از تو تمنا دارم که برمحمد و آل‌محمد درود فرستی و مرا مانند نیکبختان زنده کنی و مانند شهیدان بمیرانی آن چنانکه دوستان خودت را می‌پذیری مرا نیز بپذیر...[2]

خداوندا به تو پناه می‌برم و به حمایت تو دل بسته‌ام تو را می‌پرستم و به لطف تو امید دارم...

---

۱. از آوردن همه دعا صرف نظر شد بلکه در بخش آخر کتاب ترجمه این دعا آورده شده است و لیکن در راستای فرهنگ سازی مهدوی و گسترش اندیشه‌های امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و با عنایت به مفاهیم بسیار زیبا و عرفانی این دعا شایسته است این دعا بطور مجزا چاپ و در دسترس شیعیان قرار گیرد تا همانند دعای کمیل و سایر ادعیه در جامعه شیعی جاری و جاوید شود ان‌شاءالله مخصوصا زیارت ناحیه مقدسه که متأسفانه کمتر به آن توجه شده این زیارتنامه جگر سوز، طاقت سوز درباره شهادت امام حسین علیه السلام است. که همانند این دعا، توسط امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست ما رسیده است.

۲. امام عصرعج در این دعا از خداوند درخواست شهادت در راه خدا می‌نماید.

خداوندا دعاهایم را طولانی کردم و خواسته‌هایم را برشمردم تنگی سینه مرا بر آن داشت زیرا می‌دانم یک اشاره، یک یا الله گفتن کافی است و تو از همه نیازهای من مطّلعی و احتیاج به تفصیل ندارد...

۱۰۰

چگونه توفیق تشرف را پیدا کنیم

خواننده گرامی:

اگر نامه‌های امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را به شیخ مفید در همین کتاب مطالعه کنید. در می‌یابید که چه وجوهی از شخصیت شیخ مفید را امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف برمی شمارند لذا بایستی به این محاسن توجه کرد در یکی از همین نامه‌ها حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به شیخ مفید مرقوم می‌فرمایند: «ولو ان اشیاعنا وفقهم‌اللّه لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تاخر عنهم الیمن بلقائنا».

یعنی: اگر شیعیان ما که خداوند آن‌ها را به بندگی خویش موفق بدارد در وفای به عهد و پیمان الهی اتّفاق و اتّحاد می‌داشتند و عهد و پیمان الهی را محترم می‌شمردند سعادت دیدار ما به تأخیر نمی‌افتاد و زودتر از این به سعادت دیدار ما نائل می‌شدند...

سپس در ادامه می‌فرمایند:

«آنچه که موجب جدائی ما و دوستانمان گردیده و آنان را از دیدار ما محروم نموده است گناهان و خطاهای آنان نسبت به احکام الهی است...»

و در توقیعی دیگر به محمدبن‌علی‌بن‌هلال کرخی مرقوم می‌فرمایند:

«یا محمدبن‌علی قداذانا جهلاء الشیعة و حمقا و هم و من دینه جناح البعوضه ارجح منه...».

ای محمدبن‌علی! شیعه نادان و نابخردان آن‌ها موجبات آزار و اذیت ما خاندان وحی را فراهم می‌کنند و افرادی که برای دینشان به اندازه یک بال مگس ارزش قائل نیستند باعث ناراحتی ما هستند...[۱]

در این چند نامه امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌توان یافت که با چه کارهایی

۱. *احتجاج طبرسی*، ج ۲، ص ۴۹۸.

می‌توانیم به آن حضرت تقرب جویم و با چه اعمالی باعث ناراحتی و دوریمان از آن وجود پربرکت خواهیم شد پس باید در اعمال خود دقت کنیم.

۱۰۱
دوست دارم شما را ببینم

از محاسن نقل است که علی‌بن‌عبدالعزیز از قول حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: «والله انی لاحب ریحکم و ارواحکم و رویتکم و زیارتکم و انی لعلی دین‌الله و دین ملائکته فاعینوا علی ذلك بورع انا فی المدینه بمنزلة الشعیرة (الشعرة) اتقلقل حتی اری الرجل منکم فاستریح الیه».

یعنی: سوگند به خدا که من بوی شما (شیعیان) را دوست دارم و ارواح شما را دوست دارم و زیارت و دیدار شما را دوست دارم و حقا که من بر دین خدا و دین فرشتگان خدا هستم.

ای شیعیان! شما مرا بر این دین یاری کنید من در تمام مدینه مانند یک دانه جو تنها هستم در تمام مدینه حرکت می‌کنم تا یکی از شما را ببینم و با ملاقاتش استراحت خاطر برایم حاصل شود.[1]

امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز می‌فرماید: «ولا ناسین لذکرکم» من شما را فراموش نمی‌کنم.

پس چرا نباید خود را آماده دیدار کنیم همه امید امام به ماست ما با اعمالمان موجبات رنجش ایشان را فراهم نکنیم آیا شایسته است که ایشان این قدر مشتاق و ما این قدر پرحذر باشیم.

۱۰۲
ماه آسمان دلدادگی

رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «یا ابی! طوبی لمن لقیه و طوبی لمن احبه و طوبی لمن قاله به ینجیهم من الهلکة و بالاقرار بالله و برسوله و بجمیع الائمة یفتح الله لهم الجنه مثلهم فی الارض کمثل المسك الذی یسطع ریحه فلا یتغیر ابدا و مثلهم فی السماء کمثل القمر المنیر الذی لایطفا نوره ابدا».

یعنی: ای اُبَیّ! خوشا به حال کسی که با او (مهدی) دیدار نماید خوشا

۱. *بحارالانوار*، ج ۱۵، ص ۱۰۹.

به حال آنکه او را دوست بدارد، خوشا به حال آنکه به او معتقد باشد، خداوند آنان را از هلاکت نجات بخشد و بواسطه اقرار و اعتقاد به خدا و به رسولش و به تمام امامان، خداوند درهای بهشت را برایشان بگشاید آنان در زمین همانند مشک اند که بوی خوشش در فضا پخش گردد و هیچ‌گاه فاسد نشود و در آسمان هم چون ماه درخشده‌اند که هیچ گاه خاموشی نمی‌پذیرد.[1]

در این روایت به طور صریح تشرف یافتگان تحسین شده‌اند و تأکید شده که تشرف یافتگان به توفیق بسیار بزرگی نائل آمده‌اند. **اللهم ارزقنا.**

۱۰۳
امام رضا ؑ دعا فرموده‌اند

صفوان به یحیی می‌گوید:

روزی خدمت امام رضا ؑ بودم سخن از اهل قم و علاقه آن‌ها نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان آمد آن حضرت برای آن‌ها طلب آمرزش کرد و فرمود: خداوند از آنان خشنود باشد آنگاه فرمود: بهشت دارای هشت در است که یکی از آن‌ها مخصوص اهل قم می‌باشد آنان (اهل قم) بهترین پیروان ما از بین شیعیان جهان هستند خداوند سبحان محبت و دوستی ما را در سرشت آنان قرار داده است.[2]

(امام رضا ؑ در این روایت علاقمندان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دعا کرده‌اند).

۱۰۴
راه هموار وصال

سیدمرتضی در پاسخ به این اشکال که امام غائبی که هیچ‌کس از مردم به وی دسترسی نداشته باشند چه فایده‌ای دارد و تفاوت بود یا نبود وی چیست؟ می‌نویسد: **«الجواب: قلنا اول مانقرله انا غیر قاطعین علی ان الامام ؑ لایصل الیه احد ولایلقاه بشر فهذا امر غیرمعلوم ولاسبیل الی القطع الیه».**

۱. *عیون اخبارالرضا*، ج ۱، ص ۵۹.
۲. *بحارالانوار*، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

یعنی: در پاسخ می‌گوییم نخستین چیزی که به آن معترفیم این است که، ما قطع نداریم هیچ کس به خدمت امام نمی‌رسد و هیچ بشری او را ملاقات نمی‌کند این امر معلوم نیست و راهی به قطع (یقیینی) به آن وجود ندارد.[۱]

و می‌نویسد: «لسنا نقطع علی ان الامام لایظهر لبعض اولیائه و شیعته بل یجوز ذلك...».

ما قطع نداریم امام بر برخی از اولیاء و شیعیان خود ظاهر نشود بلکه این جایز است...[۲]

شیخ طوسی نیز در کتاب‌الغیبة می‌نویسد: «انا اولا لانقطع علی استتاره عن جمیع اولیائه بل یجوز ان یظهر لاکثرهم...».

یعنی: ما قطع نداریم که حضرت (ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) از تمام اولیای خود پنهان باشد بلکه جایز است که برای بیشتر آن‌ها ظاهر گردد...[۳]

۱۰۵
دیدار جمعی

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: قائم قیام نمی‌کند مگر آنکه دوازده نفر همگی اتفاق بر یک سخن کنند و گویند او را دیده‌اند اما آن‌ها را تکذیب می‌کنند.[۴]

۱۰۶
آئینه شو

مرحوم سیدبن‌طاووس به فرزندش فرمود: پسرم راه رسیدن به امام زمانت برای هرکس که خداوند عنایت خود را شامل حالش کند باز است.[۵]

---
۱. *تنزیه الانبیاء* سید مرتضی، ص ۱۸۲، رضی، قم.
۲. *الشافی فی الامامة سیدمرتضی.*
۳. *کتاب الغیبة*، ص ۹۹.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۴۴.
۵. *کشف المحجة*، ص ۱۵۴.

و مرحوم سید مرتضی علم الهدی فرمود: تشرف به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت جایز است.[1]

البته کسی که طالب دیدار آن امام است باید دقیقا راه‌ها و موانع ملاقات را بداند و این ضروری‌ترین بخش آن می‌باشد.

برای مطالعه اینکه چه دستورات و فرمایشاتی بیشتر مورد توجه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد و شیعیان خود را به آن‌ها سفارش فرمودند به کتاب انتظارات امام زمان از شیعیان نوشته روحانی جلیل‌القدر جناب سیدمهدی شمس‌الدین[2] مراجعه شود.

یکی از موانع دیدار گناه است چنانچه جناب سیدبن‌طاووس می‌فرماید: در سحرگاهی در سرداب مطهر از حضرت صاحب‌الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف شنیدم که به خداوند عرض کرد: **«اللهم ان شیعتنا من شعاع انوارنا و بقیة طینتنا و قد فعلوا ذنوبا کثیرة اتکالا علی حبتا و ولایتنا...»**.

یعنی: خداوندا! شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کرده‌ای آنان گناهان زیادی به اتکاء بر محبت و ولایت ما کرده‌اند...

(حضرت از این وضعیت تأسف باری که در جامعه امروزی ما جاریست ناراحت است گناه کردن با توقع داشتن شفاعت چه معنایی دارد؟! فأفهم و تأمل).

ما باید در مسیر رضایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حرکت کنیم نه اینکه به امید شفاعت، راه گناه کردن را هموار کنیم.

۱۰۷

دعا کلید وصال

یکی از راه‌های تشرف مسئله دعاست و استمرار بر دعا برای تشرف مؤثر و نتیجه‌بخش خواهد بود چنانچه در این روایت آمده است: پس دعا بسیار

---

۱. *کلمات المحققین*، ص ۵۳۳.

۲. در این کتاب ۴۰ سفارش و دستور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که در تشرفات افراد متعدد به دست آمده جمع‌آوری شده است این کتاب توسط انتشارات شفق در قم چاپ شده است.

کن که کلید هر رحمت و پیروزی بر هر حاجت است و آنچه نزد خدای عزوجل است جز به وسیله دعا به دست نیاید و همانا هیچ دری بسیار کوبیده نشود مگر اینکه به گشایش برای کوبنده‌اش نزدیک گردد.[۱]

فی الصافی عن القائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف: «انه سئل عن المفوضة قال: کذبوا بل قلوبنا اوعیة لمشیه‌اللّه عزوجل فاذا شاء شئنا ثم تلا هذه الایة». در کتاب تفسیر صافی نوشته فیض کاشانی در ذیل آیه ۳۰ از سوره انسان آمده: «وما تشاون الا ان یشاءاللّه».

یعنی: نمی‌خواهد مگر آنچه خدا خواهد.

از حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف روایت کرده که از امام درباره فرقه مفوّضه سؤال کردند امام فرمود: آن‌ها دروغ گفتند بلکه دل‌های ما ظرفهای مشیت خدا است پس زمانی که او بخواهد ما می‌خواهیم سپس امام همین آیه را تلاوت کرد (پس یکی از راه‌های تشرف دعا کردن می‌باشد).

ـ در دعای ندبه است که: «و (ای خدا) آقای این بنده کوچکت را به وی بنمایان ای شدید القوی».

ـ در دعایی که پس از سلام بر آن حضرت در سرداب مبارک مروی است آمده.

«و چهره‌اش را به ما بنمای».

ـ در دعایی که توسط عمری وکیل آن حضرت روایت آمده: و ما را از کسانی قرار ده که دیده شان به دیدارشان روشن گردد.[۲]

ـ جناب محمدبن‌عثمان در پاسخ به کسی که اشتیاق دیدن حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را اظهار کرد چنین دعا کرد.

«و روی آن حضرت را به آسانی و عافیت به تو بنمایاند».[۳]

ـ در دعائی از عَمری از حضرت صاحب الامر علیه‌السلام روایت شده: اللهم انی اسئلك ان ترینی ولی امرك ظاهرا نافذالامر».

یعنی:

---

۱. *مکیال المکارم*، ج ۲، ص ۵۲۲.
۲. *کمال‌الدین*، ص ۵۱۳.
۳. *بحارالانوار*، ج ۱۰۲، ص ۹۷، باب ۷.

Presented by: jafrilibrary.com

بـار خدایـا! از تـو مسئلت دارم کـه ولـی امـرت را بـه مـن بنمایـی در حالیکـه فرمانـش نافـذ باشـد...[1]

(البتـه بایسـتی در احـوال و افعـال کسـانی کـه ماجـرای تشـرف آن‌هـا بـه دسـت مـا رسـیده دقـت کـرد تـا سـرّ تشـرف یافتـن آن‌هـا بـر مـا معلـوم گـردد).

ـ در دعاهـای ماثـوره وارد شـده کـه از خداونـد بخواهیـم تـا امـام عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را ببینـم چنانچـه در دعـای عهـد می‌خوانیـم: اللهم ارنی الطلعة الرشیدة و الغرّة الحمیدة...».

خدایـا! آن رخسـار زیبـای رشـید و صاحـب جبیـن سـتوده را نشـانم ده و چشـمانم را بـا سـرمه نگاهـی بـه او روشـنایی بخـش...

امـام عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بـه علی‌بن‌ابراهیـم مهزیـار فرمـود: ای ابن‌مهزیـار! پـدرم از مـن خواسـته بـا گروهـی کـه گرفتـار غضـب خـدا شـده‌اند همجـوار و نزدیـک نباشـم آن‌هـا در دنیـا و آخـرت خوارنـد و عـذاب دردنـاک در انتظـار آن‌هاسـت از مـن خواسـته در کوه‌هـای سـخت و بیابان‌هـای همـوار سـکونت گزینـم...[2]

دیـدار حضـرت ولی‌عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف یـک سـری لـوازم بدیهـی دارد کـه همـه مـا فی‌الجملـه بـر آن مطلعایـم مثـلاً ایـن کـه دیـدار حضـرت بـا چشـمی کـه آلـوده بـه معاصـی اسـت محـال اسـت تقـوا داشـتن، پرهیـز از معاصـی، نمـاز اول وقـت، و... جزء شرائط بدیهی و مبرّهن دیدار و تشرف است.

ـ سـید مهـدی نجفـی مشـهور بـه بحرالعلـوم در الدرةالنجفیـه خـود آورده از امـوری کـه غسـل کـردن بـرای آن‌هـا مسـتحب اسـت دیـدن امـام عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در خـواب اسـت.

---

۱. *مکیال المکارم*، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲. سـرّ اینکه ما توفیق زیارت امام را نداریم همین مطلبی اسـت که مولای ما امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به علی‌بن‌ابراهیم فرموده‌اند امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با گروهی که گرفتار غضب خدا هستند هیچ ارتباطی ندارد.فافهم و تأمل.

بخش ٦

امکان دیدار امام مهدی علیه السلام و اذکار تشرف

درآمد

در ابتـدای ایـن بخـش توجـه خواننـدگان را بـه چنـد مطلـب مهـم جلـب می‌نمائیـم.

۱. اذکار منـدرج در ایـن بخـش جنبـه عمومـی نـدارد و صرفـا بـه آن دلیـل آورده شـده اسـت کـه ایـن مطلـب معلـوم شـود کـه دیـدار امـام عصـر علیه السلام بـرای عـده‌ای خـاص رخ داده اسـت و قطعـا بعضـی از ایـن اذکار از اسـتادی حـاذق در امـور معنـوی کسـب اجـازه می‌خواهـد.

۲. اذکار تشـرف بیشـتر از آن اسـت کـه در ایـن چنـد صحفـه بـه آن اشـاره شـده اسـت لکـن صرفـا جهـت اطـلاع بـر سـبیل اختصـار مـواردی آورده شـد.

۳. شایسـته اسـت بـه شـرایط تشـرف یافتـگان در فصـل سـوم بخـش ۵ توجـه بیشـتری نمـود تـا معلـوم گـردد کـه علـت تشـرف فقـط گفتـن ذکـر نیسـت بلکـه وجـود شـرایط باطنـی و قلبـی نورانـی و رفتـاری صحیـح و شـرعی شـرط الزامـی تشـرف افـراد خواهـد بـود، لـذا اگـر کسـی صرفـا بـه گفتـن اذکار بـدون شـرایط آن اقـدام کنـد نتیجـه نخواهـد گرفـت.

۴. شاعر شهیر صائب تبریزی چه خوش فرمود:

صد نامه نوشتیم و جوابی ننوشتی   این هم که جوابی ننویسی، جوابی است

اگر تمام این اعمال را برای تشرف انجام بدهیم ولی توفیق زیارت آن زیبای بی‌همتا حاصل نشود نباید غصه خورد چرا که: «این هم که جوابی ننویسی، جوابی است».

۱۰۸
خواندن سوره بنی‌اسرائیل

در تفسیر برهان از عیاشی و صدوق بسندهایشان از امام صادق آورده‌اند که امام فرمود: هرکس سوره بنی‌اسرائیل (اسراء) را در هر شب جمعه بخواند نمیرد تا اینکه قائم را دریابد و از اصحابش خواهد بود.[۱]

۱۰۹
صلوات بعد از نماز

روایتی است در بحارالانوار و مستدرک و کتاب جمال‌الصالحین از امام صادق که می‌فرماید: هرکس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید: «أللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم». نمی‌میرد تا اینکه حضرت قائم را دیدار کند.[۲]

۱۱۰
مناجات و دعا

در کتاب جنه‌الماوی اثر عالم متقی محدث نوری به نقل از کتاب الاختصاص شیخ مفید از ابوالمفرا از امام موسی‌بن‌جعفر روایت آمده که گوید: شنیدم آن حضرت فرمود:

«من کانت له الی اللّه حاجة و اراد ان یرانا و ان یعرف موضعه فلیغتسل ثلاث لیال نیاجی بنا فانه یرانا و یغفرله بنا و لایخفی علیه موضعه...». یعنی: هرکس به سوی خداوند حاجتی دارد و می‌خواهد ما را ببیند و منزلگاه خودش را (در آخرت) بداند پس سه

---

۱. *تفسیرالبرهان*، ج ۲، ص ۳۸۹.
۲. *مکیال المکارم*، ص ۲۵، ج ۲.

شب غسل کند در حالی که به وسیله ما (به درگاه الهی) مناجات نماید که همانا ما را خواهد دید و آمرزیده خواهد شد و جایگاهش بر او پوشیده نمی‌ماند.[۱]

۱۱۱
زیارت آل یاسین

از عالم ربانی و عارف صمدانی حضرت آیت‌الله سید عبدالکریم کشمیری رحمه‌الله سؤال شد: برای تشرف و زیارت حضرت بقیة‌الله علیه‌السلام خواندن کدام دعا بهتر است؟

در پاسخ فرمودند: انسان هر روز، ساعتی را اختصاص دهد به خواندن زیارت آل‌یاسین که در مفاتیح الجنان آمده است به اضافه ۱۱۰ مرتبه «اَلمُستَغاثُ بِكَ یَابنَ الحسَنَ» به شرط آن که شرایط لازم را هم داشته باشد این عمل برای تشرف خوب است.[۲]

ایشان در پاسخ به سؤال دیگری مبنی بر اینکه اساسا ملاقات با امام زمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف آیا ممکن است...؟

می‌فرمایند: ملاقات با امام ممکن است لکن نوعا خواب یا مکاشفه است...و افرادی مانند سیدبن‌طاووس که شخصی ممتاز بوده خود امام علیه‌السلام را می‌دیده است.

۱۱۲
دعای دیدن امام زمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

امام صادق علیه‌السلام فرمود: اگر کسی بعد از نمازهای واجب این دعا را بخواند در خواب یا بیداری امام عصر عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را زیارت می‌کند.

«بِسمِ اللّه الرّحمنِ الّرحیمِ اللّهُمّ بَلّغ مَولانَا صَاحِبَ الزّمانِ اَینَما کانَ وَ حَیثُما کانَ مِن مَشارِقِ الارضِ وَ مَغارِبِها سَهلِها وَ جَبَلِها عَنّی وَ عَن والِدَیّ وَ عَن وُلدی وَاخوانِی التّحیّة وَ السَّلامَ عَدَدَ خَلقِ اللّهِ وَزِنَةَ عَرشِ اللّهِ وَ مَا احصاهُ کَتابُهُ وَ اَحاطَ عِلمُهُ.اللّهُمّ انّی اجَدّدُلَهُ فی صَبیحَة هذَا الیَومِ وَ ما عِشتُ

۱. *جنه‌الماوی، الفائده‌الثلاثیة*.
۲. *آفتاب خوبان*، ص ۸۷.

فیه مِن ایّامِ حَیاتی عَهدا وَ عَقدا وبَیعَة" لَهُ فی عُنُقی لاحُولُ عَنها وَلاازُولُ اللّهُمّ اجعَلنی مِن انصارِهِ وَ الذّابّینَ عَنهُ وَ المُمتثلِینَ لِاوامِرِه وَ نَواهیهِ فی ایّامِهِ وَ المُستَشهَدینَ بَینَ یَدَیهِ اللّهُمُ فَان حالَ بَینی و بَینَهُ المِوتُ الّذی جَعَلتَهُ عَلی عِبادکَ حَتما مقضِیّا فَاَخرِجنی مِن قَبری مُؤتَزِرا کَفَنی شاهِرا سَیفی مُجَردا قَناتی مُلبیّا دَعوَة الدّاعی فِی الحاضِرِ وَ البادی.اللّهُمّ ارِنِی الطّلعَهَ الرّشیدَةَ وَ الغرّةَ الحَمیدَةَ وَ اکحُل بَصَری بِنَظرة مِنی الیه وَعَجّل فَرَجهُ وَ سَهّل مَخرَجَهُ اللّهُمّ اشدُد اَزرَهُ وَ قَوّ ظَهرَهُ وَ طوّل عُمرَهُ وَاعمُرِ اللّهُمّ بِهِ بِلادَکَ وَ احیِ بِهِ عِبادَکَ فَانّکَ قُلتَ وَ قَولُکَ الحَقّ: (ظَهَرَ الفَسادُ فِی البَرّ و البَحرِبِمَا کَسَبت ایدِی النّاسِ).[1] فَاظهِرِ اللّهمُ لَنا وَ لِیّکَ وَ ابنَ بِنتِ نَبِیّکَ اَلمُسَمّی بِاسمِ رِسُولِکَ صَلواتُکَ عَلَیهُ وَآلِهِ حَتّی لایَظفَرَ بِشَیء مِنَ الباطِلِ الامَزّقَهُ وَ یُحِقّ اللّهُ الحَقّ بِکَلماتِهِ وَ یُحَقّقهُ.اللّهمّ اکشف هذِهِ الغُمّةَ عَن هذِهِ الأُمّةِ بِظُهُورِهِ انّهُم یَرَونَهُ بَعیدا و نَراهُ قَریبا وَ صَلّی اللّهُ عَلی مُحمّد و آله"».[2] ترجمه دعا:

بار خدایا به مولای ما صاحب‌الزمان هر کجا که هست و به هر سوی رو می‌کند از مشارق و مغارب زمین، هموارها و ناهموارهای آن از طرف من و والدینم و فرزندانم و برادرانم تحّیت و سلام برسان به تعداد خلق خدا و به وزن عرش الهی و آنچه کتابش شمارش نموده و علمش به آن احاطه کرده!

پروردگارا! من در صبح این روز و تا زنده هستم در همه روزهای زندگانیم پیمان و عقد و بیعتی از برای او در گردنم تجدید و تازه می‌کنم که نه از آن روی گردانم و نه هیچگاه آن‌ها را بشکنم پروردگارا! مرا از یاران و مدافعان از حریمش و فرمانبرداران اوامر و نواهی آن بزرگوار در ایّام حکومتش و شهید شدگان در پیشگاهش قرار ده بارالها! اگر میان من و او با مرگ که بر بندگانت امر قطعی و حتمی است تقدیر فرموده‌ای، جدایی افتاد پس (هنگام ظهورش) مرا از قبر بیرون آور در حالی که کفنم را بر کمر بسته و شمشیرم را کشیده و نیزه‌ام را برهنه نموده باشم و دعوت آن دعوت کننده حق را در شهر و بیابان لبیک گویم.

پروردگارا! آن رخسار زیبای رشید و صاحب جبین ستوده را نشانم ده و دیده‌ام را با سرمه نگاهی به او روشنایی بخش و فرجش را تعجیل و برنامه قیامش را آسان فرمای.

پروردگارا! به او نیرو عطا کن و پشتش را محکم ساز و عمرش را طولانی

۱. روم / ۴۱.
۲. *بحارالانوار*، ج ۸۶، ص ۶۱.

نمای و به وجود او سرزمین‌هایت را آباد گردان و بندگانت را حیات ده که تو فرموده‌ای و قول تو حق است: فساد در خشکی و دریا بر اثر کردارهای مردم آشکار شد.

پس ای پروردگار! آشکار کن ولی خودت و فرزند دخت پیامبرت را که همنام او است تا از باطل چیزی باقی نگذارد و خداوند حق را با کلمات خویش اثبات و محّقق دارد.

بارالها! این غم بزرگ و غیبت را با ظهور او از این امّت برطرف ساز آن‌ها «مخالفین» ظهورش را دور می‌پندارند و ما آن را نزدیک می‌بینیم و درود خدا بر محمد و آل او باد.[۱]

۱۱۳
هر شب ۱۰۰ بار آیه

عارف بزرگ مرحوم شیخ رجب علی خیاط در برابر خواسته‌های مکرّر یاران خود برای تشرف به محضر مقّدس حضرت ولی‌عصرؑ سفارش می‌فرمود:

شبی یکصد بار آیه کریمه: «رَبّ اَدخِلنی مَدخَلَ صِدق" وَ اخرِجنی مُخرجَ صِدق وَ اجعَل لی مِن لَدُنكَ سُلطانا نصیرا».[۲] قرائت شود (تا چهل شب).

یکی از کسانی که این سفارش شیخ را دریافت کرده و بر آن مداومت کرده است پس از چهل روز نزد شیخ می‌آید و می‌گوید که موفق به زیارت حضرت نشده است.

شیخ می‌فرماید: هنگامی که در مسجد نماز می‌خواندید آقای سّیدی به شما فرمودند: انگشتر در دست چپ کراهت دارد.

و شما در پاسخ گفتید: «کُل مکروه جائز». ایشان امام زمانؑ بودند.

حکایت دیگر نقل شده است که دو نفر مغازه‌دار عهده‌دار زندگی خانواده

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۸۶، ص ۶۱.
۲. از آنجایی که این ذکر اجازه می‌خواهد و اذنی است مرحوم حضرت آیت‌اللهّ لنگرودی در قم به افرادی که اهلیت داشتند و به ایشان مراجعه می‌کردند اذن انجام این ذکر و عمل را می‌دادند.

سـیدی می‌شـوند یکـی از آن دو بـرای تشـرف بـه محضـر امـام زمـان ﷺ ذکـر فـوق را کـه مـورد سـفارش شـیخ بـوده شـروع می‌کنـد.

پیـش از شـب چهلـم یکـی از فرزنـدان خانـواده سـید نـزد مغـازه‌دار می‌آیـد و یـک قالـب صابـون می‌خواهـد.

مغـازه دار می‌گویـد: مـادرت هـم فقـط مـا را شـناخته می‌توانـی از دیگـری صابـون بگیـری!

شب بعد از خواب متوجه می‌شود که از داخل حیاط او را صدا می‌کنند.

بیـرون می‌آیـد ولـی کسـی را نمی‌بینـد سـه بـار صدایـی را می‌شـنود کـه بـا نـام او را صـدا می‌زننـد در حیـاط را می‌گشـاید در کوچـه سـیدی را می‌بینـد کـه روی خـود را پوشـانده اسـت و می‌گویـد: «مـا می‌توانیـم بچه‌هایمـان را اداره کنیـم ولـی می‌خواهیـم شـما بـه جایـی برسـید».[1]

۱۱۴
خواندن مسبحات سبع

امـام باقـر ﷺ: «من قراء مسبحات كلها قبل ان ينام لم يمت حتى يدرك القائم و ان مات كان في جوار محمد ﷺ» هرکـس سـوره مسـبحات سـبع را قبـل از خـواب بخوانـد نمی‌میـرد الا ایـن کـه حضـرت قائـم ﷺ را می‌بیننـد و اگـر مُـرد در جـوار رسـول خـدا ﷺ خواهـد بـود.[2]

۱۱۵
خواندن دعای عهد

امـام صـادق ﷺ فرمـود: هرکـس پـس از هـر نمـاز واجـب ایـن دعـا (دعـای عهـد) را بخوانـد امـام زمـان حضـرت (م ح م د) فرزنـد امـام حسـن عسـگری ﷺ را در خـواب و یـا بیـداری زیـارت خواهـد کـرد.[3]

---

۱. تندیس اخلاص، ص ۸۴.

۲. *کافی*، ج ۲، ص ۶۲۰، حدیث ۳ مسبحات سبع به سوره‌هایی گفته می‌شود که با سبح و یسبح شروع می‌شوند سوره حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن‌را مسبحات سبع گویند.

۳. *بحارالانوار*، ج ۸۶، ص ۶۱.

۱۱۶
توسلی جامع برای رفع مشکلات

از ابوعبدالله حسین فرزند محمد بزوفری منقول است که از ناحیه مقدّسه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دستوری رسید که:

چنانچه کسی حاجتی داشته باشد در شب جمعه پس از نیمه شب غسل کند و در جایگاه نمازش دو رکعت نماز بخواند در رکعت اول هنگام قرائت سوره «حمد» چون به آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین»رسید آن را صد بار تکرار کند و پس از آن «حمد» را تمام کند و سوره توحید را یکبار خوانده به رکوع رفته ذکر رکوع و سپس سجود را هفت بار تکرار کند رکعت دوم را نیز همانند رکعت اول بجای آورد و پس از آن این دعا را بخواند البته خداوند تبارک و تعالی حاجت او را هر چه باشد عنایت و برآورده خواهد فرمود مگر اینکه حاجتش در مورد قطع رحم باشد و دعا این است:[1]

«اللّهُمّ اِن اَطَعْتكَ فَالَمحمَدَةُ لَكَ وَ اِن عَصَيتُكَ فَالحُجّةُ لَكَ مِنكَ الُروحُ وَ منكَ الفَرَجُ سُبحانَ مَن اَنعَمَ وَ شَكَرَ سُبحَانَ مَن قَدَرَ وَ غَفَرَ.اللّهُمّ اِنَ كُنتَ قَد عَصَيتكُ فَانّى قَد اَطَعتُكَ فِى اَحَبّ الاشياءِ اِليكَ و هُوَ الايمَانُ بِك لَم اَتّخذ لَكَ وَلَدا وَلَم ادعُ لَكَ شَريكا مَنّا منكَ بِهِ عَلَىّ لامَنّا منّى بِهِ عَلَيك.وَ قَد عَصَيتِكَ يا الهى عَلَى غَيرِ وَجهِ المكابَرَةِ ولا الخُرُجِ عَن عُبُودّيتك وَلاَ الجُحُودِ لِربُوبيّتِكَ وَلكن اطَعتُ هَوَاىَ وَازلّنى الشّيطانُ فَلكَ الحُجّةُ عَلَى وَالبَيَانُ فَانِ تُعَذّبنى فَبِذُنُوبى غَيَر ظَالِم وَ ان تَغفِرلِى وَ تَرحَمنِى فَانّكَ جَوادكَريمُ يَا كَريمُ يا كَريمُ...». یا کریم را آنقدر تکرار کند تا نفس قطع شود سپس بگوید: «يَا اِمنا مِن كُلّ شَى وَكُلّ شىء مِنكَ خَائِفٌ حَذر اَسئلُكَ بِامنِك مِن كلّ شَىء وَ خَوفِ كُلّ شَىء مِنكَ ان تُصَلّى عَلَى مُحمّد و آل مُحمّد وَ اَنْ تُعطِينَى اَمَانا لِنفسى وَ اهلِى وَ وُلَدِى وَ سَائِرِ مَا انعَمتَ بِهِ عَلَى حَتّى لااخافُ اَحدا وَ لااَحذُر مِن شَىء اَبَدا انَّك عَلَى كُلّ شَىء قَدير وَ حَسبُنااَللّهُ وَ نَعِمَ الَوكيلُ يا كَافَى ابراهيم عليه السلام نمرُودَ يا كافِى مَوسَى عليه السلام فِرعَونَ اسئلُكَ ان تُصَلّى عَلَى مُحَمّد و آلِ مُحمّد وَ اَن تكفِينِى شَرّ فُلانِ بنِ فُلان».

(و در اینجا حاجات و خواسته‌هایش را بگوید).

یعنی:

«بار خدایا اگر تو را اطاعت می‌کنم این توفیق از جانب ذات پاک تو

---

۱. این نماز برای رفع مشکلات و رسیدن به حاجات مهم مناسب است و در *مفاتیح‌الجنان* مرحوم آقاشیخ عباس قمی آن را آورده است.

است و باید تو را حمد و سپاس گویم و اگر ترا معصیت و نافرمانی می‌کنم حجّت تو بر من تمام است (و تمام راهنماییهای لازم بوسیله فرستادگانت انجام شده و هیچ عذری برای من باقی نمانده است) و همه سرور و گشایش‌ها از توست، منزّه است خداوندی که نعمت می‌دهد و سپاس کرده می‌شود و پاک و منزه است پروردگاری که در عین قدرت می‌بخشاید خدایا! اگرچه تو را معصیت کرده‌ام ولی در محبوب‌ترین چیزها در نزد تو که ایمان به ذات پاک توست نافرمانی نکرده‌ام برای تو فرزند و شریکی قائل نشده‌ام و در این راه نیز، تو به من توفیق داده‌ای و بر من منّت داری نه من بر تو.

خداوندا! نافرمانی من از جهت سرکشی و انکار و خروج از بندگی تو نبود بلکه تنها پیروی از هوی و هوس نفسانی بوده و شیطان مرا گمراه نموده و با توجه به اینکه تمام وظایف بندگی را بیان فرموده‌ای حّجت بر من تمام است پس اگر به جهت گناهانم مرا عذاب کنی. هیچ گونه ظلمی درباره من روا نداشته‌ای و اگر مرا ببخشایی و رحم کنی از باب کرم وجود توست ای کریم، ای کریم...

سپس عرضه می‌داری: ای آفریدگاری که از گزند هر چیزی در امانی و همه چیز از تو در بیم و هراس است از پیشگاه مقدّست درخواست می‌کنم که بر محّمد و آل او درود فرستی و من و خانواده و فرزندانم و آنچه را که به من عطا فرموده‌ای در پناهت محفوظ داری تا این که هرگز از هیچکس و هیچ چیز ترس و واهمه‌ای نداشته باشم و تو بر هر چیز قادر و توانایی و خداوند کفایت کننده ما و بهترین وکیل است ای خدایی که ابراهیم خلیل علیه السلام را از شّر نمرود و موسی علیه السلام را از شّر فرعون کفایت نمودی از تو درخواست می‌کنم که بر محّمد و آل او درود فرستاده و شرّ فلان و فلان را از من دور گردانی...[1]

---

۱. *مهج‌الدّعوات*، ص ۲۹۴.این نماز در *مفاتیح‌الجنان* آمده است (مرحوم طبرسی صاحب تفسیر در کتاب کنوز النجاح این روایت را نقل کرده است).

۱۱۷
انجام اعمال نیابتی

از محضر یکی از اولیاء خدا (مرحوم حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین فاضلی) سؤال شد: کدام اعمال است که انسان را زودتر به نتیجه می‌رساند؟ فرمود: اعمالی را که آن‌ها (امامان علیهم‌السلام مثل نماز اول وقت و....) دستور دادند ترک نکند.

سؤال شد: چه وقت دیدار آن حضرت حاصل می‌شود؟ فرمود: هر وقت خودشان بخواهند و فرمودند: دعاهای شب جمعه ترک نشود.

بعدا متوجه شدیم که رویه رفتاری این عبدصالح خدا اینگونه بوده که از سن تکلیف تا حال که حدود ۷۵ سال دارند این بوده که تمام اعمال مستحبی خود را به محضر نورانی آن عزیز غائب هدیه می‌کرده‌اند لذا سرّ تشرف‌های مکرر او فاش شد.

ایشان فرموده بودند: هرکه عمل مستحبی را به حضرت اهداء کند دو اثر دارد اول آنکه این اعمال ناقص ما قابل عرضه به محضر بلند و بزرگ آن حضرت را ندارد اعمال ما غالبا شائبه‌های متعدد و نقص‌های بزرگ دارد لذا وقتی عمل را اهداء کردی خداوند متعال آن عمل را برای اهداء به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در سطح آن حضرت ارتقاء می‌دهد تا در شأن آن امام قرار گیرد پس اثر اول عمل نیابتی، ارتقاء سطح کیفی عمل ما را در پی خواهد داشت و خداوند آن عمل را آنقدر بالا می‌آورد تا در شأن و مقام آن امام قرار بگیرد.

دوم اینکه وقتی عمل را خدمت امام ارائه می‌دهند حضرت عطف نظری می‌فرمایند تا ببینند چه کسی این عمل را اهداء نموده و این نظر حضرت اثر معنوی غیر قابل توصیفی را در پی خواهد داشت ایشان مثال زدند که اگر شما وارد منزل خود شوید و غذایی رابه درب منزل شما آورند شما از خانواده خود می‌پرسید چه کسی غذا را آورد می‌گویند فلانی، این در نظر شما می‌آید که فلانی غذا داد وقتی ما نیز عمل نیابتی برای امام انجام دهیم حضرت نظر می‌فرمایند که چه کسی این عمل را انجام داده و این نظر حضرت ارتقاء معنوی خاصی را به همراه خواهد داشت.

این مرد ملکوتی مکرر خدمت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف رسیده‌اند.

چنانچه فرموده بودند روزی به امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف عرض کردم مولای من شما وقتی به قم وارد می‌شوید شب‌ها در کجا استراحت می‌فرمائید؟

امام فرموده بودند: منزل ما در علی‌بن‌جعفر علیه‌السلام[1] بود من آنجا را بخشیدم به شهدا.

ایشان می‌فرمود: فردای آن روز دیدم شهدای جبهه را به انتهای خیابان چهارمردان قم می‌برند پرسیدم چرا اینجا، گفتند: قرار شده شهداء را در اینجا (علی‌بن‌جعفر) دفن کنند.

شاید روی همین اصل بوده که عارف کبیر حضرت آیت‌الله کشمیری فرموده بودند: اینجا (علی‌بن‌جعفر علیه‌السلام) غرق در نور است ولی مردم نمی‌بینند و تأکید فرموده بودند حتی خیابان‌های اطراف آن محل نیز غرق نور هستند.

و شبیه همین جمله را نیز عارف بی‌بدیل حضرت آیت‌اللهانصاری همدانی در چهل سال پیش نیز فرموده بودند.

در تکمیل مبحث، بیان می‌شود که: از عارف عزیز حضرت آیت‌الله کشمیری سؤال کرده بودند آن مقامات عرفانی بلند برای مرحوم نخودکی[2] چگونه حاصل شده بود؟

ایشان در پاسخ فرموده بودند:

مرحوم نخودکی ۴ سال از شب تا صبح در بالا سر حرم امام رضا علیه‌السلام قرآن خواند و به حضرت رضا علیه‌السلام اهداء نمودند تا اینگونه مقامات برای او حاصل شد. فأفهم و تأمل.

و جالب اینکه آن عبد صالح خدا (مرحوم حاج‌شیخ حسین فاضلی) فرمود:

روزی سؤالاتی در ذهنم بود در اربعینِ امام حسین علیه‌السلام وارد حرم حضرت معصومه علیهاالسلام شدم در موقع برگشت جلوی شیخان قم دیدم کسی مرا از پشت صدا کرد «حاج شیخ حسین».

برگشتم دیدم حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هستند حضرت در پاسخ به سؤالاتم که در ذهنم بود فرمودند: آری این انقلاب را من نگه داشتم و نگذاشتم از بین

۱. امام زاده علی‌بن‌جعفر علیه‌السلام در انتهای خیابان چهارمردان قم است.
۲. زندگی مرحوم نخودکی، در دو جلد تحت عنوان نشان از بی‌نشان‌ها چاپ شده است.

Presented by: jafrilibrary.com

بـرود دشـمنان شـما در بعضـی شـب‌ها بـا خوشـحالی، دل خـوش بودنـد کـه فـردا صبـح ایـران در دسـت آن‌هاسـت ولـی مـن نگذاشـتم.

سـپس امـام فرمودنـد: این‌هـا (اشـاره بـه عـزاداران حضـرت سیدالشـهداء علیه السلام) اکنـون مـورد توجـه مـن هسـتند و....[1]

۱۱۸
دعای مجرب

هرکـس بعـد از نمـاز صبـح بـر ایـن جملـه مداومـت کنـد و بخوانـد انشـاءالله بـه زیـارت حضـرت صاحـب الزمـان عجـل‌الله تعالـی فرجـه موفـق خواهـد شـد.

بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم«اَللّهُمَّ اِنّی اَسئلُكَ اَن تُوَخِرَ اَجَلی و لا تَقبِض رُوحی حَتیّ اَرَی سَیِدّی و مُولایَ صاحِبَ الزَّمانِ حُجَّه‌بنِ الحَسَن صَلواتُ‌اللّه وَ سَلامُهُ عَلَیهِ».[2]

۱۱۹
ختمی مجرب برای دیدن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

ختمـی مجـرب بـرای دیـدن امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف چهـل روز روزی ۴۰۰ مرتبـه آیـه شریفه: «قل رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق وجعل لی من لدنك سلطانا نصیرا»[3] خوانـده شـود.

ایـن ذکـر را بایـد در سـاعتی ثابـت و در محـل عبـور و مـرور مثـل مسـاجد جامـع و اماکـن متبرکـه و زیارتگاه‌هـا و امـامزاده‌گان خوانـد و داخـل خانـه ذکـر را نبایـد گفت .

سـپس اسـتاد[4] تأکیـد کردنـد ایـن ذکـر رد خـور نـدارد ولـی سـه حالـت دارد یـا امـام را می‌بینیـد و نمی‌شناسـید یـا امـام را می‌بینیـد و بعـد از آنکـه امـام رفـت می‌شناسـید یـا می‌بینیـد و می‌شناسـید ایـن درک حضـور بسـتگی بـه تصـرف امـام و میـزان ظرفیـت باطنـی و معنـوی شـخص دارد.

---

۱. بـرای انجـام اعمـال نیابتـی به روایـات انجام عمـل نیابتی بـه فصل سـوم بخش ۵ مراجعه شـود. مرحوم حجةالاسلام والمسلمین حاج‌شیخ حسین فاضلی با علمای معاصری ارتباط داشتند.

۲. *اذکار و ختوم*، ص ۲۷۵.

۳. اسراء / ۸۰ این ذکر از استاد اجازه می‌خواهد.

۴. منظور مرحوم حضرت آیت‌اللّه لنگرودی می‌باشند.

از ایشان پرسیده شد از کجا ذکر را آوردید فرمودند: از استاد گرفتم و این ذکر را ایشان به جوانی اهوازی داده بودند.

چند سال پیش او چهل روز در مسجد جمکران آن را گفته بودند و خدمت حضرت رسیده بودند و...

۱۲۰
هزار صلوات و...

نوشته‌اند که هرکس که چهل صبح اذکار زیر را بخواند از دیدار آن وجود نورانی، حضرت مهدی آل محمد علیهم‌السلام بهره‌مند خواهد شد.

روزی هزار صلوات: «اللهم صل علی محمد و آل‌محمد و عجل فرجهم».

آنگاه در پایان بگوید. «الهی بحق فاطمة و ابیها و بعلها و بنیها و السّر المُستَودَعِ فیها و بحق بقیةاللّهِ (به یک نفس تکرار شود) یا اللّه (به یک نفس) یا رباه (به یک نفس) یا سیدا (نود و نه بار) را بگوید سپس بگوید: «اَرِنَی الطَّلعَة الرَّشیدَةَ وَالعَزَّةَ الحَمیدَةَ وَاجعَلنی مِن اَنصارِهِ و اَعوانِهِ».[1]

۱۲۱
مسجد جمکران

درباره تشرف خدمت امام عصر علیه‌السلام از حضرت آیت‌الله‌بهجت نیز سؤال شده است.

چنانچه پرسیدند: این حقیر مشتاق زیارت امام عصر حضرت حجةبن‌الحسن العسگری عجل‌الله تعالی فرجه الشریف می‌باشم از حضرتعالی تقاضا دارم که مرا دعا کنید که به این سعادت نائل شوم.

پاسخ فرمودند: زیاد صلوات، اهداء وجود مقدسش نمائید، مقرون بادعاء تعجیل فرجش و زیاد به مسجد جمکران مشرف شوید با اداء نمازهایش.[2]

---

۱. *ختوم و اذکار*، ص ۲۷۵.

۲. (از صاحب دلی که از اولیاء خدا در زمان حاضر است نیز پرسیده شد ایشان نیز رفتن به مسجد جمکران را برای تشرف تأکید می‌فرمودند).

ایشـان در پاسـخ بـه ایـن سـؤال: کـه چگونـه می‌تـوان بهتـر بـا خداونـد و ائمه‌اطهـار علیهم السلام انـس گرفـت؟

می‌فرماینـد: بـا طاعـت خـدای تعالـی و رسـول صلی الله علیه و آله و ائمـه علیهم السلام و تـرک معصیـت در اعتقـاد و عمـل[1] یعنـی: دیـدن و انـس گرفتـن بـا امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشریف شـرائطی دارد کـه تـا آن‌هـا احـراز و کسـب نشـود ملاقـات حاصـل نمی‌شـود.

نکته: امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید:

وفی ابنة رسول‌اللّه لی اسوة حسنة؛ یعنـی: زندگـی دختـر رسـول خدا صلی الله علیه و آله الگوی شایسـته بـرای مـن اسـت مـا چقـدر نسـبت بـه زندگـی ایـن بانـوی بزرگـوار اطلاعـات داریـم تـا بتوانیـم ایشـان را بـه عنـوان الگـو حسـاب کنیـم چقـدر در جامعـه مـا نسـبت بـه شـناخت ایـن بزرگـوار در مطبوعـات و مجـلات و کتـب درسـی و صـدا و سـیما اقـدام می‌شـود آیـا آدرسـی بهتـر از ایـن سـراغ داریـم.[2]

۱۲۲
خبر غیبی امام علی علیه السلام از مسجد جمکران

حضـرت امیرمؤمنـان علـی علیه السلام در عصـر خـود قبـل از آنکـه سـخنی از قـم در حجاز و کوفـه بـه میـان آیـد حـدود ۳۳۰ سـال قبـل از آغاز تأسـیس مسـجد جمکـران از آن خبـر داده اسـت آنگونـه کـه نقـل شـده حضـرت روزی بـه حذیفه‌بن‌یمـان یکـی از اصحـاب نیـک پیامبـر صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای پســر یمانــی! در اول ظهــور، قائم‌آل‌محمــد صلی الله علیه و آله از شــهری کــه آن را قــم گوینـد، خـروج می‌کنـد[3] و مـردم را بـه سـوی حـق دعـوت می‌نمایـد همـه مـردم از شــرق و غــرب بــه آن روی می‌آورنــد و اســلام تــازه می‌شــود...

ای پســر یمانــی! ایــن ســرزمین، مقــدس اســت و از همــه آلودگیهــا پــاک می‌باشــد...آنگاه حضــرت در ادامــه حدیــث می‌فرمایــد: پرچــم و رأیــت وی[4] را بــر

۱. *بسوی محبوب*، ص ۵۸، ص ۵۲.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۸۰.
۳. منظور، پایگاه امام عصر در مراحل بعدی اســت، وگرنه بدون تردید نخســتین پایگاه قیام آن حضرت در مکه کنار خانه خدا خواهد بود.
۴. حضرت مهدی منظور می‌باشد.

فـراز کـوه سـفید، نزدیـک مسـجد...که آن را جمکـران نامنـد نصـب کننـد او از زیـر منـاره آن مسـجد بیـرون آیـد...[۱]».

ایـن پیـش گوئـی غیبـی نیـز در جـای خـود بسـیار عجیـب اسـت چـرا کـه حضـرت تأکیـد دارنـد کـه قـم یکـی از پایگاه‌هـای مرکـزی حضـرت مهـدی همـگام بـا قیـام جهانـی آن حضـرت خواهـد بـود.

۱۲۳
اثرات و نورانیت زیارت عاشورا

در بعضـی از متن‌هـا آمـده کـه بـا ۴۰ بـار زیـارت امـام حسـین نیـز دیـدار امـام عصـر میسـر می‌شـود چنانکـه علامـه رشـتی در جنه‌المـأوی آورده اسـت.

۱۲۴
دستور مرحوم آیت‌الله سیدعلی‌آقا قاضی

عـارف بـزرگ حضـرت آقـای سـید علـی قاضـی رحمة‌الله‌علیـه بـرای زیـارت حضـرت مهـدی بـه جنـاب حـاج شـیخ محمدتقـی آملـی چنیـن دسـتوری را می‌فرماینـد کـه بایـد آیـه نـور را هـر شـب قبـل از خـواب بـه عـدد اصحـاب بـدر همـراه بـا طهـارت و بـه دور از زنـان در شـبهای محـدودی کـه حـد آن را بـه جنـاب ایشـان فرموده‌انـد قرائـت نماینـد.[۲]

۱۲۵
آیه نور

حضـرت آیـت‌الله کشـمیری عـارف نامـی می‌فرماینـد: ۴۰ روز آیـه شـریفه نـور[۳] را بـه عـدد نـور (۲۵۶) از اذان صبـح تـا طلـوع آفتـاب (بیـن الطلوعیـن) بخوانـد ان شـاءالله دیـدار آن خورشـید عالمتـاب نصیـب او خواهـد شـد.

و نـوع دیگـری نیـز فرمودنـد و آن اینکـه: از اول مـاه قمـری تـا پانزدهـم آن در

۱. *مونس الحزین شیخ صدوق* و *خلاصة البلدان و انوار المشعشین*، ج ۲ ـ ص ۱۹۰ ـ ۱۹۴.
۲. *معادشناسی*، علامه طهرانی، ج ۷، ص ۲۳۷.
۳. نور / ۳۵ = البته در این ذکر غذای خاصی را باید انسان استفاده کند و مشکلات خاصی را شاید به همراه داشته باشد به هر صورت این ذکر برای عام مردم غیرقابل استفاده است چون که شرائط زیادی دارد.

بیـن الطلوعیـن بـه عـددی خـاص آیـه مبارکـه نـور و از پانزدهـم تـا آخـر مـاه بـه همـان عـدد خـاص لاالـه‌الاالله گفتـه شـود (در بیـن الطلوعیـن) ان شـاءالله دیـدار حضـرت نصیـب او خواهـد شـد.

۱۲۶
یک اربعین خالصانه

«ایضا فائدة: دعائه عليه‌السلام من قراة اربعين صباحا رزقه‌اللّه لقاء القائم بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحيم من الا سرار الا لهية و الكنوز الرّبانيّة انّ من قرا الُدعاء المّسمى بدعاء صاحب الزّمان بهذا العدد (١٧٤٨٨) فى اربعين يوما على هذا النهج يقرا فى تسع منها (٣٦٠) و فى اليوم العاشر منها (١١٣٢) اظهراللّه تعالى له سّره و اعطاه الجمعيه‌و السّلطنة و الملك و رزقه روية صاحب الامر غير انّه ينبغى قبل الشروع ان يترضاء و يجلس مقابل القبله فى موضع طاهر و يصلّى على النّبى و يستغفر اللّه من الذنوب و يقرء «يا من هو اقرب الى من حبل الوريد يا فعالا لما يريد يا من يحول بين المرء و قلبه يا من هو بالمنظر الا على يا من ليس كمثله شئى» مرة واحدة ثم يشرع فى الدعا و هو هذا «يا اللّه يا محمد يا على يا فاطمه و بنيها يا صاحب الزمان ادركنى يا فارس الحجاز ادركنى يا اباصالح المهدى ادركنى و لاتهلكنى» ثم يصلى على النبى عشر مرات ثم يختم بالفاتحة والاخلاص و يجب ان يداوم و عليه بالاخلاص فان فيه اسم اللّه الاعظم و يظهرمنه الاثار العجيبه و الافعال الغريبة بعون اللّه تعالى».[۱]

۱۲۷
توسل، صراط صعود

یکـی از علمـای نجـف بـرای مرحـوم حضـرت آیت‌الله‌العظمـی مرعشـی نقـل فرمـود کـه: بـرای مـن مشـکلی پیـش آمـد بـه مسـجد جمکـران در قـم رفتـم درد دل خـود را بـه محضـر حضـرت مهـدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف عـرض کـردم و از آن حضـرت خواسـتم تـا در نـزد خـدای متعـال شـفاعت نماینـد تـا مشـکل حـل شـود.

بـرای همیـن مکـرر بـه مسـجد جمکـران مشـرف می‌شـدم ولـی نتیجـه‌ای نگرفتـم روزی بـه حضـرت مهـدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف عـرض کـردم: «مـولای مـن آیـا درسـت اسـت در محضـر شـما و در منـزل شـما بـه دیگـری متوسـل شـوم؟»

شـما امـام مـن می‌باشـید آیـا زشـت نیسـت بـا وجـود شـما مـن حتـی بـه

۱. *تحف الاسرار*، فی ادعیهٔ واذکار، چاپ بیروت، ص ۳۲۰.

علمدار کربلا قمر بنی‌هاشم متوسل شوم و او را نزد خدا شفیع خود قرار دهم».

از شدت تأثر در بین خواب و بیداری بودم که ناگهان با چهره نورانی امام مهدی مواجه شدم.

حضرت با محبت جوابم را دادند و فرمودند: «نه تنها زشت نیستو نه تنها ناراحت نمی‌شوم به علمدار کربلا متوسل شوی بلکه شما را راهنمائی هم می‌کنم که به حضرتش چه بگویی.

وقتی خواستی از حضرت ابوالفضل حاجت بخواهی چنین بگو: «**یا اباالغوث ادرکنی**؛ یعنی ای آقا پناهم بده».[1]

ـ و صاحب کتاب معالی‌السبطین آورده: هرکس ۱۳۳ بار صلوات بفرستد و بعد ۱۳۳ بار بگوید: یاعباس یاعباس... و بعد از آن مجددا ۱۳۳ بار صلوات بفرستد این عمل را هر روز انجام دهد تا حاجتش برآورده شود.

ـ به تجربه از علماء و بزرگان رسیده که برای برآورده شدن حاجات و رفع گرفتاری بعد از نماز روز جمعه ۱۳۳ مرتبه رَجاءً بگوید:

یا کاشف الکربِ عَنْ وَجْهِ الحسین اِکْشِفْ کربی بحقِ اخیکَ الحسین

۱۲۸
تضرع و دعا

هرکس بعد از نماز صبح بر این جمله و دعا مداومت کند انشاءالله به زیارت حضرت ولی‌عصر موفق خواهد شد.

بسم‌اللّه الرحمن الرحیم اَللّهُمَّ اِنّی اسئلكَ اَنْ تُوَخِّر اَجَلی ولاتَقْبِضْ رُوحی حَتّی اَرَی سَیّدی ومولای صاحب‌الزمان حجةبن‌الحسن صلوات‌اللّهِ و سلامُهُ علیه.[2]

۱. چهره درخشان قمربنی هاشم، ص ۴۱۹ امام عصر در تشرف بعضی از افراد فرمودند من به هنگام روضه عمویم عباس در آن مجلس حاضر می‌شوم.

۲. *گنجینه‌های اسرار*، ص ۲۷۴ (برای تشرف مداومت به دعای شریف احتجاب بسیار مؤثر می‌باشد و یا نماز امام عصر در نیمه شب جمعه‌ها که قبلاً آورده شده ان‌شاءاللّه مؤثر خواهد بود).

تشرّف آیت‌الله سیّد محمدباقر سیستانی رحمه‌الله با ۴۰ زیارت عاشورا

مرحوم آیت‌الله سیّد محمدباقر سیستانی در مشهد مقدس برای آنکه به محضر امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شرفیاب شود، ختم زیارت عاشورا را چهل جمعه، هر هفته در مسجدی از مساجد شهر آغاز می‌کند.

ایشان می‌فرمود:

در یکی از جمعه‌های آخر، ناگهان شعاع نوری را مشاهده کردم که از خانه‌ای نزدیک به مسجدی که من در آن مشغول به زیارت عاشورا بودم، می‌تابید. حال عجیبی به من دست داد و از جای برخاستم و به دنبال نور به در آن خانه رفتم. خانه کوچک و فقیرانه‌ای بود که از درونش، نور عجیبی می‌تابید. در زدم، وقتی در را باز کردند، مشاهده کردم که حضرت ولیّ‌عصر امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در یکی از اتاق‌های خانه تشریف دارند و در آن اتاق، جنازه‌ای را مشاهده کردم که پارچه‌ای سفید رویش کشیده بودند. وقتی که وارد شدم و اشک ریزان سلام کردم، حضرت به من فرمودند: چرا اینگونه به دنبال من می‌گردی و این رنجها را متحمّل می‌شوی؟! مثل این باشید (اشاره به آن جنازه کردند) تا من دنبال شما بیایم! بعد فرمود: این بانویی است که در دوره بی‌حجابی (دوران پهلوی)، هفت سال از خانه بیرون نیامد؛ تا مبادا نامحرم او را ببینند!![1]

(معلوم می‌شود که یکی از بزرگترین عوامل مؤثر در دیدار امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف داشتن تقوای الهی و متعهد بودن به فرامین و دستورات قرآن‌کریم و دستورات شرع مقدس اسلام است حضرتش در این ماجرا به صراحت به این مطلب تأکید می‌فرمایند که پای‌بندی به دین و احکام آن باعث دیدار خواهد شد).

نکته: از تشرف مهم‌تر داشتن عمل صالح و تقواست به ماجرای زیر توجه کنید:

تشرفی که مرحوم سید عبدالکریم‌پینه‌دوز در تهران داشته‌اند امام

---

۱. *شیفتگان حضرت مهدی* عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ج ۳، ص ۱۵۸

عصربه ایشان می‌فرمایند برویم بر سر قبر فلان عالم (یکی از علمای زاهد و پاک مدفون در شهرری) سیدعبدالکریم به همراه امام بر سر قبر این عالم برای خواندن فاتحه حاضر می‌شود ولی او از امام می‌پرسد: یابن‌رسول‌الله! چرا شما سر قبر این عالم آمدید؟

امام در پاسخ می‌فرمایند: او در طول عمر خود یک بار با اعمالش باعث ناراحتی ما نشد (با تلخیص و نقل به تردید از نویسنده است احتمالاً این عالم ربانی آیت‌الله حاج سیدعلی آقا مفسر مدفون در محوطه امامزاده عبدالله در شهرری است.

۱۳۰
تشرف با ۴۰ مرتبه زیارت حضرت سیدالشهدا در شب جمعه

علامه شیخ علی دشتی نقل کرده که وقتی که از زیارت امام حسین مراجعت کرده بودم و از راه آب فرات به سمت نجف در حرکت بودم در کشتی کوچکی که بین کربلا و طویرج بود نشسته بودم پس جماعتی را دیدم که مشغول لهو و لعب و مزاح شدند جز یک نفر از آن‌ها که با آن‌ها نبود آن جماعت به مذهب او عیب می‌گرفتند مجال سؤال کردن برایم فراهم نشد تا اینکه به جایی رسیدیم که به جهت کمی آب ما را از قایق بیرون کردند (تا قایق سبک شود و از آن نقطه عبور کند) در کنار نهر راه می‌رفتیم پس بر حسب اتفاق به آن جوان نزدیک شدم.

از او پرسیدم به چه دلیل از این جماعت دوری می‌کنی؟

او گفت: این‌ها اقوام و فامیل‌های من هستند و پدرم نیز بر مسلک آن‌ها بود آن‌ها سنی مذهب هستند ولی مادرم از اهل ایمان است و من نیز به برکت حضرت صاحب‌الامر شیعه شدم.

پس من از گذشته او سؤال کردم:

او گفت: اسم من یاقوت است و کارم فروختن روغن در کنار پل حله[1] می‌باشد. او در ادامه گفت: در سالی به جهت خریدن روغن بیرون رفتم وقتی به اطراف حله رفتم چند منزل دور شدم تا از بادیه نشینان روغن

۱. منطقه‌ای در عراق کنونی.

خریدم در موقع برگشت در یکی از منازل خوابیدم وقتی بیدار شدم کسی را ندیدم راه من در صحرای بی‌آب و علفی بود که درندگان بسیاری داشت.

پس برخاستم تا در عقب قافله حرکت کنم تا به آن‌ها برسم وقتی رفتم راه را گم کردم پس به خلفاء ثلاثه استغاثه نمودم به خلفاء ثلاثه و مکرر گفتم: یا صدیق اکبر ابابکر ـ یا فاروق اعظم ای عمربن‌خطاب ـ یا عثمان و ایشان را شفیع کردم در نزد خداوند ولی ابدا فرجی حاصل نشد.

بعد پیش خود گفتم که من از مادرم می‌شنیدم که می‌گفت: ای فرزند، ما امام زنده‌ای داریم که کنیه‌اش اباصالح است و گمشدگان را به راه می‌آورد.

پس با خداوند عهد کردم تا به او استغاثه کنم اگر مرا نجات داد به دین مادرم در آیم.

آنگاه او را ندا کردم و استغاثه نمودم ناگاه کسی را دیدم که با من راه می‌رود و بر سرش عمامه سبزی است خیلی خیلی سبز بعد از آن راه را به من نشان داد و امر فرمود که به دین مادرم در آیم.

سپس فرمود: چند لحظه بعد به روستائی می‌رسی که همه آن‌ها شیعه هستند .

عرض کردم: یاسیدی با من تا آن قریه نمی‌آئید؟

فرمودند: نه زیرا که هزار نفر در اطراف بلاد همین استغاثه را کردند باید ایشان را نجات بدهم پس از نظرم غائب شد پس اندکی رفتم تا به آن روستا رسیدم...

چون به حله رسیدم رفتم نزد سید فقهای کاظمین آیت‌الله‌سیدمهدی قزوینی ساکن حله و ماجرا را نقل کردم و معالم دین خود را از ایشان آموختم.

آنگاه از آن عالم بزرگ پرسیدم آیا عملی هست تا به وسیله آن بشود یکبار دیگر آن امام را ملاقات کنم؟

ایشان فرمودند: بلی! چهل شب جمعه به زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام می‌روی.

وقتی به آن چهل زیارت مشغول شدم از حله برای زیارت، روز پنجشنبه حرکت و شب جمعه را در کربلا مشرف می‌شدم تا اینکه یک شب جمعه

بیشتر باقی نمانده بود که روز پنجشنبه از حله بیرون رفتم وقتی به دروازه شهر کربلا رسیدم دیدم مأموران در نهایت سختی از واردین جواز ورود می‌خواهند و من نیز تذکره ورود نداشتم و نه پول تهیه آن را، پس در تحیر ماندم.

در این هنگام صاحب‌الامر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه را دیدم که در شکل طلاب عجم عمامه سفیدی به سر دارد و داخل است پس چون به امام استغاثه کردم حضرت بیرون آمده و دست مرا گرفت و داخل دروازه کرد و کسی مرا ندید وقتی نیز داخل می‌شدم کسی را ندیدم.

۱۳۱
توسل به حضرت‌ابوالفضل علیه‌السلام

عارف واصل جناب حاج شیخ جعفر مجتهدی رضوان‌الله علیه می‌فرماید:

حضرت ولی‌عصر (ارواحنافداه) می‌فرمایند: هرکس با این دو بیت شعر متوسّل به عمویم قمر منیر بنی‌هاشم حضرت عباس علیه‌السلام بشود حتما حاجتش برآورده خواهد شد...

آنگاه دو بیتی را روی کاغذ نوشتیم که عبارت بود از:

یادم زوفای اشجع ناس آید   وز چشم سوده الماس آید
آید به جهان اگر حسین دگری   هیهات برادری چو عباس آید[1]

۱۳۲
مطالب جامع

صاحب کتاب شریف و نورانی نجم‌الثاقب نیز در باب دوازدهم به ذکر اعمال و آدابی که بتوان به برکت آن‌ها به سعادت، دیدار حضرت حجّت‌بن‌الحسن علیه‌السلام رسید اشاره‌هائی دارند که در نوع خود مطالبی جامع و در خور توجه و پر ارزش و ذی قیمت است.

---
۱. *لاله‌ای از ملکوت*، ص ۲۳۶.

۱۳۳
اصلاح نفس

استاد عزیز حضرت آیت‌الله رخشاد دامت برکاته در کتاب شریف در محضر علامه طباطبائی رحمه‌الله آورده‌اند که:

(از حضرت علامه سؤال می‌کنند) راه رسیدن به امام زمان ـ عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف چیست؟

علامه می‌فرماید: امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خود فرموده است: شما خوب باشید ما خودمان شما را پیدا می‌کنیم.

۱۳۴
مسجد جمکران

از یکی از اولیاء خدا مرحوم حاج‌شیخ حسین فاضلی که مکرر خدمت وجود مبارک و نازنین امام‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مشرف شدند سؤال کردم چگونه می‌توان خدمت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف رسید؟

فرمودند: گناه نکند و جمکران زیاد برود.

عرض شد: می‌توان جزء آن خادمان مخصوص (۳۰ نفر)[۱] رفت و از ملازمان آن حضرت شد فرمود: بلی، انسان گناه نکند و عمل انجام دهد.

۱۳۵
راه وصول

حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه در پاسخ به سؤالی که از معظم‌له شده است تصریح به امکان شرفیابی نموده‌اند و تأکید فرمودند دیدار آن عزیز غایب برای عده‌ای ممکن است.

و اینک متن سؤال و جواب:

پرسش: چه باید کرد تا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را ملاقات کنیم؟

پاسخ: به طور کلی برای تشرف به حضور ایشان نمی‌توان راهی را که همه کس به آن برسند ارائه داد مگر عده‌ای معدود مردم از این فیض

---

۱. راجع سی نفر ملازمان خاص امام در این کتاب مطالب لازم آورده شده است.

عظیم به نحوی که آن حضرت را بشناسند محروم هستند معذلک عمل به تکالیف شرعی و جلب رضایت و خشنودی آن حضرت و بعضی اعمال مثل چهل شب به مسجد سهله رفتن، بسا موجب تشرف بعضی اشخاص که مصلحت باشد خواهد بود.[1]

و در این خصوص سیدبن‌طاووس رحمه‌الله نیز می‌فرماید: اکنون که امام زمان برای شیعیانش ظاهر نمی‌باشند هیچ مانعی نیست که گروهی از آنان حضرت را ملاقات کرده و از گفتار و افعال وی بهره‌مند شوند و مطلب را کتمان کنند و اظهار ننمایند...[2]

۱۳۶
۴۰ شب رفتن به مسجد سهله

صاحب کتاب شریف و نورانی نجم‌الثاقب«ره» می‌فرماید: از سید مؤید«ره» فرمود: در سال ۱۲۷۵ هجری در نجف اشرف جهت تحصیل بودم می‌شنیدم که می‌گفتند مردی که شغلش سبزی فروشی می‌باشد و به خدمت امام‌عصر علیه‌السلام مشرف شده است من نیز مترصد دیدن او شدم تا این که پیداش کردم و با او رفیق شدم.

روزی به طور اتفاقی در شب چهارشنبه به مسجد سهله می‌رفتم آنگاه آن مرد سبزی فروش را دیدم خیلی خوشحال شدم به او عرض کردم که ما اعمالمان را بجا می‌آوریم ولی شما امشب مهمان من باش.

بعد از انجام اعمال مسجد سهله به سوی مسجد کوفه رفته و در آنجا با هم بودیم تا اینکه بعد از مدتی از او راجع به قضیه تشرفش سؤال کردم.

---

۱. یکی از دفاتر استفتائات مخلوط معظم له: جالب اینکه حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام در حین تشییع جنازه این عالم متقی و پارسا در قم تشریف آورده و در هنگام ظهر با عده‌ای حدود ۳۰ نفر به نماز ظهر و عصر در حالی که مردم مشغول تشیع بودند می‌پردازند در مسجد امام حسن عسگری که یکی از قدیمی‌ترین مساجد ایران اسلامی است این مساجد بنا به دستور امام حسن عسگری در زمان امامت ایشان در قم ساخته شده است و قدمت آن حتی از مسجد جمکران بیشتر می‌باشد.

۲. الطرائف ص ۱۸۵ = چنانچه می‌بینیم میرزای شیرازی نیز در حالی که از سرداب مقدس خارج می‌شد در پاسخ به این که چرا فتوای تحریم تنباکو را اعلام نمی‌کنید می‌فرماید: هم اکنون اجازه آن را از مولای خود گرفتم و مسئله جریان فتوای شیخ مفید در مورد زن بارداری که از دنیا رفته بود و اصلاح فتوای آن بزرگوار از ناحیه امام‌عصر علیه‌السلام نیز امری مشهور و معروف است و مفصل این جریان را در این کتاب آورده‌ایم.

گفت: از اهل معرفت و سیر و سلوک شنیده بودم که اگر کسی یک سال در شب‌های چهارشنبه در مسجد سهله اعمال آن را به جا آورد و آن عمل معروف به عمل استجاره است حضرت را ملاقات و زیارت خواهد کرد.

من نیز به این کار علاقه پیدا کردم و دیگر در این مدت برای من زمستان و تابستان و گرما و سرما و کار و بی‌کاری و ابر و باران مطرح نبود و همواره در هر شب چهارشنبه من به مسجد سهله مشرف می‌شدم و پس از انجام اعمال آنجا به مسجد کوفه رفته و شب را در آنجا به پایان می‌رساندم و صبح به نجف مراجعت می‌کردم تا اینکه در یکی از شبهای چهارشنبه هوا به قدری ابری و تاریک بود که رفتن را سخت می‌نمایاند خود را در اوائل غروب به مسجد سهله رساندم و وارد مسجد شدم هیچکس آنجا نبود حتی خادم مسجد که همیشه آنجا بود آن شب نبود.

شروع به انجام اعمال کردم در حالی که از خلوت بودن مسجد می‌ترسیدم که ناگه چشمم به مقام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف افتاد دیدم شخصی در آنجا مشغول نماز و دعاست و مقداری آنجا روشن است خیلی خوشحال شدم با خود گفتم ممکن است زائر غریبی باشد که من ملتفت ورود او نشده‌ام پس بقیه اعمال مسجد را در کمال اطمینان خاطر بجا آوردم سپس به نزدیک مقام امام‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف رفتم و مشغول نماز شدم آخر نمازم بود که آن آقا نمازش زودتر تمام شد و روی مبارک را برگردانید و فرمود: میل داری به مسجد کوفه برویم من هم با کمال ذوق و شوق عرض کردم: آری! در حالی که در آن شب از اوائل نماز من (قبل از زیارت حضرت صاحب‌الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف) به قدری هوا رعد و برق و باران سیل‌آسا جاری بود ولی همین که با آن آقا از مسجد سهله خارج شدیم فضای حرکت ما روشن و زمین خشک بود و اصلاً رعد و برقی در کار نبود تا آنکه به درب مسجد کوفه رسیدیم درب را زدم خادم گفت: کیست؟

گفتم: زوارم!

گفت: این موقع شب در این باران و رعد و برق چگونه از مسجد سهله آمدی؟

گفتم: درب را باز کن و همین که درب مسجد کوفه را باز کرد رویم را به عقب برگرداندم دیگر آن آقا را ندیدم و فهمیدم و دانستم که آن وجود مقدس حضرت صاحب‌الامر علیه السلام بوده است و دیدم چنان باران و رعد و برق است که قابل راه رفتن نبود...

۱۳۷
دعای دیدار

طبق نقل مفاتیح‌الجنان در بخش اعمال نیمه شعبان خواندن این دعا به منزله زیارت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه است:

أللهم بحق ليلتنا هذه و مولودها، وحجتك وموعودها التى قرنت الى فضلها فضلاً، فتمت كلمتك صدقا وعدلاً، لا مبدل لكلماتك ولامعقب لاياتك، نورك المتألق، و ضياؤك المشرق، والعلم النور فى طخياء الديجور، الغائب المستور، جلّ مولده، وكرم محتده، والملائكة شهده واللّه ناصره ومؤيده اذا ان ميعاده، والملائكة امداده، سيف‌اللّه الذى لاينبور ونوراللّه الذى لايخبو، وذوالحلم الذى لايصبو، مدار الدهر، ونواميس العصر، وولاة الأمر، والمنزل عليهم ما يتنزل فى ليلة القدر، واصحاب الحشر والنشر، تراجمة وحيه، و ولاة امره ونهيه. اللهم فصّل على خاتمهم وقائمهم المستور عن عوالمهم. اللهم وادرك بنا ايّامه، وظهوره وقيامه، واجعلنا من انصاره واقرن ثارنا بثاره، واكتبنا فى اعوانه وخلصائه، واحينا فى دولته ناعمين، وبصحبته غانمين، وبحقّه قائمين، ومن السوء سالمين، يا ارحم الرّاحمين و الحمدللّه رب العالمين، وصلواته على سيّدنا محمّد خاتم النبيين والمرسلين، وعلى اهل بيته الصادقين، وعترته الناطقين، والعن جميع الظالمين، واحكم بيننا وبينهم يا احكم الحاكمين.

بار خدایا، به حق این شب و به حق مولود این شب و به حق محبت تو و به آنچه به او وعده فرموده‌ای ؛ شبی که به فضل آن فضیلتی قرین داشتی پس نخست به راستی و عدل پایان یافت. نه سخنت را تغییر دهنده‌ای است نه آیاتت را واپس انداز. روشنایی تو پرلمعان و پرتو تو فروزان است و عَلَم نور در تیرگی شب دیجور، غائب و مستور است.

تولدش جلیل و نژادش شریف است. فرشتگان شاهدان اویند و خدا یار اوست و هنگامی که میعادش فرا رسد یاور او و فرشتگان مددکاران او. او شمشیر الهی است که کُند نگردد و نور خدایی است که نیفسرد و دارای شکیبایی که از جای نرود. محور چرخ روزگار و ناموس‌های عصر و والیان

امرند و آنچه در شب قدر از آسمان فرود آید، بر آنان فرود آیند. آنان اصحاب حشر و نشرند و ترجمانان وحی الهی و صاحبان امر و نهی خدایی هستند.

بار خدایا، پس بر خاتم آنان و بر قائم پنهان از عوالم آنان درود نثار فرمای.

بار خدایا، ایام او را روزی ما کن و بودن در ظهور و قیام وی را نصیب ما فرمای و ما را از یاران او قرار ده و ما را در انتقامجویی از دشمنان، همراه فرمای و ما را در زمره یاران و نزدیکان او بنویس؛ و ما را در دولت او به نعمت، زنده و از همنشینی با او، بهره‌ور و در قبول حق او، مردمی بر پای و از هر بد، به سلامت فرمای ای ارحم‌الراحمین.

والحمدالله رب العالمین و درود خدا بر سرور ما محمّد صلی الله علیه و آله خاتم پیغمبران و مرسلان و بر خاندان راست کردارش و بر تبار سخنورش. و لعنت تو بر همه ستمکاران باد و ای استوار حکم فرما، میان ما و آنان حکم فرما.[1]

۱۳۸
محل دیدار

حضرت بقیةالله علیه السلام خطاب به حسن‌بن‌مثله فرمود: به مردم بگو به این موضع (مسجد مقدس جمکران) رغبت کنند و آن را عزیز دارند...».[2]

چه بسیار مردم صالح و متقی که با نیت پاک در همین مسجد به محضر آن حضرت مشرف شده‌اند.

۱۳۹
خواندن نماز در داخل کعبه

حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از تعلیم نماز تحیت و نماز امام زمان در مسجد جمکران، به حسن به مثله فرمود: «فمن صلیهما فکانما صلی فی البیت العتیق»:

---

۱. *اقبال الاعمال*، ص ۲۱۷ اعمال شب نیمه شعبان ـ *مصباح المنیر*، ص ۳۰۰، *مصباح کفعمی*، ص ۷۲۴، *مصباح الزائر*، ص ۳۱۵.
۲. *نجم الثاقب*، ص ۲۱۲.

Presented by: jafrilibrary.com

هر کس این دو نماز را در مسجد جمکران بخواند همانند کسی است که در خانه کعبه نماز بگزارد.[1]

۱۴۰
شعر حضور

مرحوم شیخ عبدالزهراء می‌گوید: یک روز بعدازظهر وارد صحن مطهر امام حسین علیه السلام شدم شخصی در مقابل یکی از حجره‌های صحن شریف کتاب‌های مذهبی می‌فروخت و با من سابقه آشنایی داشت، مرا دید گفت: کتابی دارم که شاید برای شما نافع باشد و در آن اشعاری وجود دارد که زیبنده شما می‌باشد و قیمت آن این است که یکبار آن را برایم بخوانی.

مرحوم شیخ می‌گوید: آن اشعار قصیده ابن‌عرندس حلی بود... مشغول خواندن بودم ناگهان سیّدی از بزرگان عرب را دیدم که در برابرم ایستاده است و به اشعار گوش می‌دهد و می‌گرید. وقتی به این بیت رسیدم:

اَیُقْتَلُ ظَمانا حسین بکربلا   و فی کُلِّ عُضْوٍ مِنْ اَنامِلِهِ بحر

گریه آن بزرگوار شدید شد و رو به ضریح امام حسین علیه السلام کرد و این بیت را تکرار می‌نمود و مثل زن بچه مرده می‌گریست وقتی اشعار به پایان رسید دیگر آن بزرگوار را ندیدم و به هر طرف رو کردم کسی را ندیدم یقین داشتم او حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است.

مرحوم علامه امینی در کتاب شریف الغدیر ج ۷ ص ۱۴ ضمن بیان آن قصیده می‌فرماید: در میان اصحاب ما معروف است که در هر مجلسی این قصیده خوانده شود موجب تشریف فرمایی سرور عالم امکان به آن مجلس می‌شود.[2]

۱۴۱
ذکر یا حجة‌القائم

آقای رضوی می‌فرمود: شخصی گفت: یک نفر بت‌پرست از هندوستان

---

۱. *نجم الثاقب*.

۲. *شیفتگان حضرت مهدی*، ج ۳ ص ۱۷۲.

نـزد مـن آمـد و گفـت مـرا محاکمـه کرده‌انـد و وکیلـم می‌گویـد: فقـط قاضـی مانـده اگـر امضـاء کنـد اعدامـت می‌کننـد هیـچ راهـی بـرای رهایـی مـن وجـود نـدارد کمـک کنیـد!

بـه او گفتـم: ذکـر یـا حجةالقائم را بـه تعـداد مشـخص در قبرسـتان مسـلمان‌ها می‌گویـی تـا درسـت شـود ایـن شـخص رفـت و همـان کـرد می‌گویـد: یـک مرتبـه دیـده بـود آقـای بزرگـواری تشـریف آورده و فرمودنـد: چـه می‌خواهـی؟ قضیـه را گفتـه بـود.

فرموده بودند: حاجتت برآورده شد.

عرض کردم: شما چه کسی هستید.

فرمـوده بودنـد: مـن صاحـب ایـن اسـم هسـتم گفتـه بـود چـرا بـه فریـاد شـیعیانتان نمی‌رسـید؟ فرمـوده بودنـد: مگـر مـا را می‌خواهنـد!!![۱]

۱۴۲
رمز ملاقات با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

علاقمنـدان ملاقـات بـا امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف بایـد در سـیره یـاران امـام، چـه نائبـان خـاص امـام کـه در ایـن کتـاب آمـده و چـه آن ۳۱۳ نفـری کـه جـزء اصحـاب امـام در موقعـه ظهـور همـراه امـام هسـتند (کـه بحمـدالله سـعی شـده بـه بعضـی از ویژگی‌هـای آن‌هـا در کتـاب اشـاره شـود) و توجـه بـه ایـن کـه کسـانی کـه مشـرف شـده‌اند چـه ویژگی‌هـای شـخصیتی و معنـوی داشـته‌اند وظیفـه مـا را مشـخص و فاصلـه معنـوی و ظاهـری مـا را بـا امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف مشـخص می‌نمایـد و می‌یابیـم کـه چقـدر بـه امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیـک یـا خـدای ناکـرده از امـام خـود فاصلـه داریـم.

---

۱. **در کوچه عشق**، شرح حال زاهد عارف شیخ‌عبدالّله پیاده، ص ۱۴۹.

بخش ۷

ضرورت شناخت امام زمان و وظایف شیعیان

شناخت امام زمان ضرورتی است که مستقیما رضایت خداوند را به همراه خواهد داشت (قطعا یکی از راههای دیدار با آن امام است).

چرا که راه خدا و صراط مستقیم الهی جز با معرفت و شناخت ائمه و پیروی از آن‌ها حاصل نمی‌شود لذا دعوت مردم به سوی ائمه‌اطهار و شناخت آن‌ها مخصوصا معرفت و شناخت نسبت به امام زمان واجب است و کتمان آن حرام می‌باشد.

لذا امام صادق می‌فرماید: هرکس به سایر امامان اقرار و اعتراف داشته باشد اما دوازدهمی آن‌ها را انکار نماید مثل کسی است که تمام الانبیاء الهی را قبول داشته باشد اما رسول خدا را انکار نماید.

۲۵ مورد از وظایف شیعیان نسبت به امام طبق روایات

آنچه که در این مختصر اشاره می‌شود بر طبق روایات آمده است که به آدرس هر یک از آن‌ها اشاره شده است.

۱. آشنایی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شناخت شخصیتی او و معرفت به شخصیت عظیم آسمانی‌اش (امام صادق علیه السلام به زراره فرمودند: اگر امامت را بشناسی تقدیم و تأخیر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به تو ضرری نمی‌رساند).[1]

۲. ادب ورزی در برابر نام مبارکش.[2] (نحوه عملی ادب‌ورزی در این کتاب آمده است).

۳. علاقه‌مندی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف[3] و اشاعه عشق و محبت به او در جامعه.[4]

۴. محزون بودن و گریستن و گریاندن به جهت فراق و غیبت آن حضرت (نه بی‌تفاوت بودن نسبت به آن).[5]

۵. اقامه مجلس به جهت بزرگداشت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف[6] حضور در مجالس تشکیل شده به نام آن حضرت[7] و سرودن و خواندن شعر در مدح ایشان.[8]

۶. شناخت اجمالی علائم و شرائط ظهور.[9]

۷. صدقه دادن به نیابت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیز صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت.[10]

۸. انجام حج، زیارات، طواف به نیابت از آن حضرت و حتی نائب گرفتن برای آن امام غائب در حج و زیارت[11] و نیز اهداء ثواب نماز مستحبی برای ایشان (مخصوصا انجام حج نیابتی برای پدر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چون که امام عسگری علیه السلام در طول عمر شریفشان به حج مشرف نشدند).

---

۱. *کافی*، ج ۱، ص ۳۷۱.
۲. *نجم الثاقب*، ص ۵۲۳.
۳. *بحارالانوار*، ج ۳۶، ص ۴۱.
۴. *روضه کافی*، ص ۲۲۹ ـ مجالس صدوق، ص ۸۸.
۵. *کمال‌الدین*، ج ۲، ص ۳۷۱.
۶. *وسائل الشیعه*، ج ۱۱، ص ۵۶۷.
۷. *بحارالانوار*، ج ۴۵، ص ۳۰۳.
۸. *وسائل الشعیة*، ج ۱۰، ص ۴۶۷.
۹. *غیبت نعمانی*، ص ۲۵۲.
۱۰. *مجالس‌صدوق*، ص ۲۰۱.
۱۱. *فروع کافی*، ج ۴، ص ۳۱۴.

۹. تجدید بیعت مکرر با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف[۱] مخصوصا بعد از نماز صبح و در هر روز جمعه.[۲]

۱۰. هدیه دادن به آن حضرت[۳] حداقل یکبار در سال (مثل صرف مال در مصارف مورد رضایت آن حضرت، اقامه مجلسی برای او، کمک به فقرا به نیابت از او و ...)

۱۱. رسیدگی به حال شیعیان آن حضرت و شادمان نمودن مؤمنین.[٤]

۱۲. فرستادن صلوات و درود بر آن حضرت.[٥]

۱۳. توسل به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و استغاثه به آن حضرت.[٦]

۱۴. صبر و تحمل اذیت‌ها و آزارهای دشمنان و مخالفین[۷] (و مقابله با آن‌ها در ابعاد اعتقادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ونظامی، در حدّتوان).

۱۵. اتحاد و هماهنگی با مؤمنین به جهت آمادگی برای نصرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تدارک ابزار لازم و آموزش فنون مورد نیاز به جهت دفاع و یاری رسانی نسبت به آن حضرت.[۸]

۱۶. ترک گناه و معصیت و نیز هر عمل و رفتاری که موجبات ناراحتی آن حضرت را فراهم می‌کند و توبه از رفتارهای ناشایست.[۹]

(که گناه خود بزرگترین عامل دوری ما از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد).

۱۷. تعظیم و تکریم مشاهد و مکانهای متعلق و منسوب به آن حضرت (مثل ترمیم، تنظیف، انجام نماز و عبادت، تکرر رفتو آمد، حضور با وضو

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۱۰۲، ص ۱۱۰.
۲. *بحارالانوار*، ج ۱۰۲، ص ۱۱۰.
۳. *کافی*، ج ۱، ص ۵۳۷ ـ امالی، ص ۳۲۶.
۴. *من لایحضره الفقیه*، ج ۲، ص ۷۳.
۵. *جمال الاسبوع*، ص ۴۹۳.
۶. *بحارالانوار*، ج ۹۴، ص ۳۵ـ۲۲.
۷. *روضه کافی*، ج ۳۷، ص ۲۴۷.
۸. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۷۷.
۹. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

و لباس تمیز و معطر، پرهیز از مزاح و خنده و لغویات و امور دنیوی در آنجا و انجام عبادات مخصوصه آن مکانها).[۱]

۱۹. تکذیب نوّاب خاصه در زمان غیبت کبری.[۲]

۲۰. دعای مکرر برای دستیابی به توفیق لقاء و دیدار و زیارت آن سرور[۳] (این امر تحقق یافتنی است کما اینکه مرحوم مجلسی فرمود: در بعضی از اخبار است که امام زمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بین مردم تردد و رفت‌وآمد دارد ولی مردم او را نمی‌شناسند و برای من و بعضی از نیکان مسائلی اتفاق افتاده که از اسرار پنهانی است.[٤]

و مرحوم سید مرتضی فرمود: تشرف به محضر امام زمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در زمان غیبت جایز است.[٥] و سیدبن‌طاووس به فرزندش فرمود: پسرم! راه رسیدن به امام زمانت برای هر کس که خداوند عنایت خود را شامل حالش کند باز است).[٦]

۲۱. پیروی صادقانه از آن حضرت در اخلاق و کردار و سیره عملی.[۷]

۲۲. به جای آوردن نمازهای مخصوصه امام عصر عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در زمان غیبت.[۸]

۲۵. گریستن بر حضرت امام حسین علیه‌السلام و دعا برای فراهم آمدن وسایل انتقام‌گیری از دشمنان و قاتلان آن حضرت با ظهور منتقم حقیقی، جهان حضرت صاحب‌الزمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.

به علاوه که در روایات از گریستن بر مظلوم کربلا بعنوان اداء حق

---

۱. *مکیال المکارم*.
۲. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۵۱۶.
۳. *غیبت نعمانی*، ج ۱۵۹، ص ۱۶۰.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۹۴.
۵. *کلمات المحققین*، ص ۵۳۳ کتاب غیبت.
۶. *کشف المحجة*، ص ۱۵۴.
۷. *بحارالانوار*، ج ۴۰، ص ۳۴۰.
۸. *مفاتیح الجنان ـ جمال الاسبوع*، ص ۲۸۰.

ائمه‌اطهار علیهم السلام یاد شده است.[1] و همچنین است زیارت قبر مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام.[2]

آنچه آمد تنها گوشه‌هایی از وظایف شیعیان است و بدون شک در این باره سخن بسیار است و حرفهای گفتنی فراوان.

۱۴۴
اخبار مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را منتشر کرده و به هم برسانید

شناخت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از ضروریاتی که مورد تصریح و تأکید قرار گرفته و آثار فوق‌العاده‌ای نیز به همراه دارد چنانچه در روایت است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ای مفضل! اخبار مهدی را به شیعیان ما برسان تا در دین خود به شک نیفتند.[3]

و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می‌فرمایند: خوشا به حال آن کسی که به او (مهدی) معتقد باشد.[4]

۱۴۵
تبلیغ برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

ضروریست هر یک از ما با گفتار خود مردم را به وظایفشان در عصر غیبت نسبت به امام حاضر و ناظر حضرت حجةابن‌الحسن علیه السلام آشنا کنیم این ضرورت ریشه روائی دارد چنانچه سلیمان‌بن‌خالد گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: من اهل‌بیتی دارم که سخنانم را می‌پذیرند آیا آنان را با امر شما اهلبیت و امام زمانم آشنا کنم؟

امام فرمود: بلی خداوند متعال می‌فرماید: ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید خود و اهلتان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ‌ها هستند حفظ کنید.[5]

۱. *کامل الزیارات*، ص ۸۱.
۲. *کامل الزیارات*، ص ۱۲۷ـ ۱۲۸ـ ۱۴۶.
۳. *بشارة الاسلام*، ص ۲۶۷.
۴. *عیون‌اخبارالرضا*، ج ۱.
۵. *کافی*، ج ۲، ص ۲۱۱، ح ۱.

شـناخت امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشریف واجـب اسـت چـرا کـه عـدم شـناخت آن حضـرت مُـردن جاهلـی را در پـی خواهـد داشـت چنانچـه در روایـات بـه آن تصریـح شـده.[۱]

لـذا ضـرورت دارد بـرای رهایـی از مـرگ جاهلـی بـه شـناخت عتـرت رسـول خدا صلی الله علیه و آله کـه یکـی از دو ثقـل اکبـر اسـت اقـدام کـرد. و آثـار و بـرکات ایـن شـناخت آن چنـان اسـت کـه امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماینـد: **«انا خاتم الاوصیاء و بی‌یدفع اللّه وعزوجل البلاء عن اهلی و شیعتی».**

مـن آخریـن وصـی هسـتم و خداونـد بـه واسـطه مـن بـلا را از پیـروان و شـیعیان من دور مـی‌دارد.[۲]

۱. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث متواتر و مورد اتفاق بین شیعه و سنی می‌فرماید: من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیهٔ یعنی: کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است.(احقاق الحق).
۲. *غیبت طوسی*، ص ۲۴۶، ح ۲۱۵.

بخش ۸

توقیعات امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

درآمد

بایستی ارتباط معنوی و ظاهری با امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف برقرار باشد. آنچه در بخش قبل آمد شامل ارتباطات ظاهری بود و آنچه هم اکنون در مقابل نظر شماست ارتباطات مکتوب امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است که حضرتش با پاسخ به نامه‌های علماء و اولیاء آن‌ها را مورد لطف کریمانه خود قرار داده است.

۱۴۶

توقیعات صادره از حضرت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

در عصر غیبت صغری و کبری امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به تناسب و ضرورت مکتوباتی را برای بعضی از اصحاب و یارانشان نوشته‌اند که در این بخش به بعضی از این توقیعات اشاره می‌شود.[۱]

---

۱. توقیع به نوشته و دستخط گویند.

۱۴۷
توقیع حضرت ولی‌عصر(عج) به اسحاق‌بن‌یعقوب

اسحاق‌بن‌یعقوب می‌گوید:

در مورد برخی از مسائل که برای من مشکل شده بود توسط نایب امام زمان(عج) جناب محمدبن‌عثمان عریضه‌ای به پیشگاه مبارک امام زمان(عج) نوشتم که جوابی از ناحیه مقدسه امام واصل شد.

اما نامه و توقیع امام عصر(عج) به خط خود حضرت نوشته شده است:

«اما ما سالت عنه ارشد اللّه و ثبتك من امر المنكرين لی من اهل بیتنا و بنی عمّنا فاعلم انه لیس بین‌اللّه عزوجل...».

خداوند ترا به راه حق هدایت کند و تو را ثابت قدم بدارد.

ـ در مورد انکار وجود من از طرف برخی از خویشاوندان[1] بدان که میان خداوند و بندگانش قرابت و خویشاوندی وجود ندارد و هر کس که مرا انکار کند از من نیست و راه او راه پسر نوح است.

ـ در مورد جعفر عمویم و فرزندانش وضع آنان همانند برادران یوسف «علی نبینا و آله و علیه السّلام» است.

ـ خوردن و استعمال فقّاع (آبجو) حرام ولی نوشیدن شلماب[2] مانعی ندارد.

ـ اما وقت ظهور ما منوط به اراده خداوند عزّوجّل است و هر کس برای ظهور ما وقت تعیین کند دروغ گفته است.

ـ و اما گفتار کسانی که پنداشته‌اند امام حسین(ع) کشته نشده کفر و گمراهی است.

ـ اما در مورد حوادث و مسائل جدیدی که برای شما پیش می‌آید:

«فارجعوا الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجةاللّه علیکم».

یعنی: به کسانی مراجعه کنید که احادیث ما را روایت می‌کنند آن‌ها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر همه شما هستم.

---

۱. اشاره به جعفر کذاب عموی امام عصراست.

۲. شلماب شربتی است که از شلغم درست می‌شود. حضرت به سؤالات فقهی و شرعی اسحاق‌نبی یعقوب پاسخ فرمودند.

ـ اما در مورد محمدبن‌عثمان عمری که خداوند از او و پدرش راضی باد مورد اعتماد من و نوشته و نامه او نامه من است.

ـ در خصوص محمدبن‌علی‌بن‌مهزیار اهوازی: «فیسصلح اللّه قلبه ویزیل عنه شکه».

یعنی: بزودی قلب او اصلاح و شک از دلش بیرون می‌رود.[1]

ـ و اما اموالی که برای ما فرستادی ما آن‌ها را نمی‌پذیریم چرا که از حرام است و باید از حرام پاک شوند.

ـ در مورد محمدبن‌شاذان سوال کردی او از شیعیان ما اهل‌بیت است.

ـ اما ابوالخطاب محمد فرزند ابی‌زینب الاجدع و اصحاب او همه ملعونند با آن‌ها رفت وآمد مکن که من و پدران گرامی‌ام از آن‌ها بیزاریم.

ـ «و اما ندامة قوم قد شکوّا فی دین‌اللّه علی ما وصلونا به فقد اقلنا من استقال ولاحاجة لنا فی صلة الشاکین».

در مورد شک و تردید عده‌ای در دین خدا و پشیمانی آن‌ها از اینکه اموالی را برای ما ارسال نموده‌اند باید بدانند که ما احتیاجی به اموال آن‌ها نداریم.

ـ «و اما علة ما وقع من الغیبة فان‌اللّه عزّوجل یقول: «یا ایها الذین آمنوا لاتسالوا عن اشیاء ان تبدلکم تسوکم».[2]

درباره علت غیبت (من) سؤال کرده بودید: خداوند متعال در قرآن خود می‌فرماید: «ای اهل ایمان! از چیزهایی که جواب آن‌ها را نمی‌توانید تحمل کنید و ناراحت می‌شوید سوال نکنید».

ـ «و اما وجه الانتفاع فی غیبتی فکا لانتفاع بالشمس اذا غیبتها عن الابصار الحسّاب».

یعنی: اما استفاده از وجود من در زمان غیبت همانند استفاده از خورشید در یک روز ابری است.

ـ «و انی لامان لاهل الارض کما ان النجوم امان اهل السماء».

یعنی:

---

۱. درباره رویه عبادی علی‌بن‌مهزیار آورده‌اند او بعد از طلوع آفتاب به سجده می‌رفت و برای ۱۰۰۰ نفر از مؤمنین و مسلمانان دعا کرده است، این‌ها این گونه بودند که به دیدار حضرتش نائل شده‌اند.

۲. مائده / ۱۰۱.

آگاه باشید که وجود من موجب بقای کره زمین و امان برای همه مخلوقات است همچنان که ستارگان موجب امان اهل آسمانند.

ـ «فاغلقوا السؤال عمّا لایعینکم ولاتتکلفوا علی ما قد کفیتم».

یعنی: پس درهای سؤال را بر آنچه برای شما سودی ندارد و آن را از شما نخواسته‌اند ببندید.

– «واکثروا الدعا بتعجیل الفرج فان ذلك فرجكم والسّلام علیك یا اسحق‌بن‌یعقوب و علی من اتبع الهدی».

یعنی: برای تعجیل در امر ظهور و فرج ما بسیار دعا کنید که فرج خود شما در همین دعا کردن است و سلام بر تو ای اسحاق‌بن‌یعقوب و بر هر که بر سبیل هدایت قرار دارد.[۱]

۱۴۸
ارزشی استثنائی

حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چند نامه برای شیخ مفید فرستاده‌اند در ابتداء باید دقت کرد که شیخ مفید چگونه بوده است تا امام معصوم او را به این زیبائی تمجید و توصیف می‌نمایند و اما نامه و توقیع مبارک حضرت:

بسم اللّه الرحمن الرحیم «اما بعد سلام اللّه علیك ایها المولی و المخلص فی الدین المخصوص فینا بالیقین فانا نحمد الیك اللّه الذی لااله الاهو و نساله الصلوة علی سیدنا و مولانا نبینا محمد وآله الطاهرین...».

نامه‌ای به برادر با ایمان و دوست رشید ما ابوعبدالله محمدبن‌محمدبن‌نعمان (شیخ مفید) که خداوند عزت وی را مستدام بدارد.

سلام خداوند بر تو! ای کسی که در دوستی ما به زیور اخلاص آراسته‌ای و در اعتقاد و ایمان به ما دارای امتیاز مخصوصی هستی، ما در مورد نعمت وجود تو خداوند یکتا را سپاسگزاریم!!!

و از پیشگاه مقدس خداوند استدعا می‌کنیم که بر سید و مولای ما حضرت محمدبن‌عبدالله صلی الله علیه و آله و خاندان او درود و صلوات پیاپی و بی‌نهایت خویش

۱. *غیبت طوسی*، ص ۱۷۶.

را نازل فرماید: از آنجا که در راه یاری حق و بیان سخنان و نصایح ما صادقانه کوشیدی خداوند این افتخار را به شما ارزانی داشته و به ما اجازه فرموده است که با شما مکاتبه کنیم.

شما مکلف هستید که اوامر و دستورات ما را به دوستان ما برسانی... ما بر اساس فرمان خداوند و صلاح واقعی ما و صلاح شیعیانمان تا زمانی که حکومت در دنیا در اختیار ستمگران است در نقطه‌ای دور و پنهان از دیدها بسر می‌بریم ولی از تمام حوادث و ماجراهایی که بر شما می‌گذرد کاملا مطلع هستیم و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده نیست...

«ولاناسین لذکرکم و لولا ذلك لنزل بکم اللاواء واصطلمکم الاعداء». یعنی: شما را هرگز فراموش نمی‌کنیم و اگر عنایات ما نبود مصائب و حوادث زندگی شما را در برمی‌گرفت و دشمنان شما را از بین می‌بردند..

«فلیعمل کل امریء منکم مایقرب به من محبتنا و لیتجنب ما یدنیه من کراهیتنا...». یعنی: پس سعی کنید! اعمال شما طوری باشد که شما را به ما نزدیک کند و از گناهانی که باعث نارضایتی ما می‌شود بترسید و دوری کنید...

عدم التزام و اجرای دستور ما موجب می‌شود که بدون توبه از دنیا بروند...[1]

۱۴۹
نامه‌ای به شیخ بزرگ مفید

در اینجا مناسب است که مختصری از دو نامه‌ای که شیخ مفید افتخار دریافت آن را از ناحیه مقدسه امام علیه السلام داشته را بیاوریم تا تأملی شود که چگونه یک نفر می‌تواند تا آنجا اوج بگیرد که اینگونه مورد خطاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

«هذا کتابنا الیك ایها الاخ الولی و المخلص فی ودّنا الصّفی و الناصر لنا الوفی...». این نامه‌ای است به برادر راستگو و درستکار و دوست مخلص ما کسی که در یاری ما

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

کوتاهی نکرده و وفا را رعایت کرده است خداوند ترا با دیده قدرتش که هرگز به خواب نمی‌رود محافظت فرماید.

آنچه ما به تو نوشتیم باید پوشیده باشد و غیر از آنان که به جهت ایمانی که به ما دارند و مورد اعتماد ما هستند و سخنان ما موجب آسایش و آرامش خاطر آن‌ها می‌شود فرد دیگری نباید از مضمون این نامه آگاه شود به همه دوستان ما سفارش کن که به محتوای فرمان ما با عنایت خداوند عمل کنند.[۱]

در تاریخ پنج‌شنبه ۲۳ ذی حجه سال ۴۱۲ هجری قمری نیز توقیع و نامه دیگری از پیشگاه انور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ مفید شرف صدور یافت.

«من عبدالله المرابط فی سبیله الی ملهم الحق ودلیله...». این نامه‌ای است از سوی بنده خدا و آن کس که پیوسته در راه او در حرکت است و هیچگاه از مسیر حق منحرف نمی‌شود به کسی که از حق الهام می‌گیرد (شیخ مفید) و خود دلیل و راهنمای حق است.

سلام و درود ما بر تو که یار و یاور حق هستی و پیوسته مردم را به راستی و پیروی از کلمه صدق راهنمایی و دعوت می‌نمایی.

ما در مورد نعمت وجود و توفیقات شما، پروردگار یکتا را که، خداوند ما و پدران ماست، سپاسگزاریم...

اما بعد! مناجات تو را دیدیم، خداوند در سایه موهبتی که در ارتباط با اولیاءاش به تو عنایت فرموده است از شما حراست و نگهبانی فرماید و از شر دشمنان در امان باشی و شفاعت ما را در برآوردن حوائج شما بپذیرد و هم اکنون در جایگاه و خیمه‌ای در قله‌های کوه برای حوائج شما دعا می‌کنم همچنین در بیابان‌های تاریک و ظلمانی و صحراهای خشک و بی‌آب و علف که دست تطاول زمان بدان نمی‌رسد برای شما دعا می‌کنم.

و به همین زودی از این محل به دشت همواری که چندان از آبادی دور

۱. *بحار الانوار*، ج ۵۳، ص ۱۷۶. دستورات حضرت در این چند نامه فوق العادگی خاصی دارد و وظایف شیعیان را کاملاً روشن کرده است.

Presented by: jafrilibrary.com

نباشد فرود می‌آئیم و از حالات آینده خود آگاهت می‌سازیم و بدان وسیله باخبر می‌شوی که به سبب کارهای خوب نزد ما مقرب باشی.

باید در مقابل باطل و طرفداران آن، که جان مردم را به خطر انداخته مقاومت کنی تا پیروان باطل را بترسانی...

«و نحن نعهد اليك ايها الولى المخلص المجاهد فينا الظالمين». ای دوست مخلص و ای کسی که با ستمگران در راه ما مبارزه می‌کنی خداوند بزرگ آنچنان که دوستان صالح ما را در گذشته یاری فرمود شما را نیز با نصرت خود تأیید فرماید...

اگر شیعیان ما که خداوند آن‌ها را به بندگی خویش موفق بدارد در وفای به عهد و پیمان الهی اتفاق و اتحاد می‌داشتند و عهد و پیمان الهی را محترم می‌شمردند سعادت دیدار ما به تأخیر نمی‌افتاد و زودتر از این به سعادت دیدار ما نایل می‌شدند...

آنچه که موجب جدایی ما و دوستانمان گردیده و آنان را از دیدار ما محروم نموده است گناهان و خطاهای آنان نسبت به احکام الهی است.[1]

شعری منسوب به امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف که در تشیع جنازه شیخ مفید وارد شده است:

لا صوت الناعى بفقدك انه   يوم على آل الرسول عظيم

صدای آن که خبر مرگ تو را اطلاع داد به گوش نرسد که مردن تو بر آل رسول مصیبت بزرگی است. اگر در زیر خاک پنهان شده‌ای حقیقت دانش و خداپرستی در تو اقامت گزیده است. قائم مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خوشحال می‌شد هرگاه تو از انواع علوم تدریس می‌کردی.[2]

۱. *احتجاج طبرسی*، ج ۲، ص ۴۹۸.
۲. *قصص العلماء* ص ۳۹۹.

Presented by: jafrilibrary.com

۱۵۰

نامه محمدبن‌عبدالله جعفرحِمیری به پیشگاه انوار امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

محمدبن‌عبدالله‌بن‌جعفرحِمْیَری نامه‌ای به امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نوشتند که خلاصه نامه و پاسخ امام بدین قرار است: «اطال‌اللّه بقاك و ادام عزك...». خداوند عمر مبارکت را طولانی فرماید و عزت وجود مقدست را مستدام بدارد...در پیش آمدهای سؤ(خداوند) مرا فدای شما و مرگ مرا پیش از وجود مقدست قرار دهد. خداوند شما را مؤید بدارد.

در محل ما جماعتی هستند که در مورد مقام و منزلت با یکدیگر گفتگو می‌کنند و نامه‌ای از ناحیه مقدسه شما برای گروهی از آنان رسیده است که در آن به یاری کردن و کمک رساندن به «ص»[1] امر فرموده‌اید و نامی از علی‌بن‌محمد معروف به مالک بادوکه برده نشده بدین جهت او ناراحت و غمگین شده، از من خواست تا جریان را به عرض مبارکتان برسانم تا اگر علت نام نبردن او گناهی بوده او طلب آمرزش کند و اگر غیر از این باشد بیان فرمائید تا موجب آرامش خاطر او گردد. ان شاءالله تعالی.

جواب امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف: «لم نكاتب الا من كاتبنا» یعنی: هر کس به ما نامه نوشت ما هم با او مکاتبه می‌کنیم.[2]

در ادامه این نامه حدود ۸ سؤال شرعی از امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف درباره عده وفات و ماه رمضان و احکام میت و ...سؤال شده که امام جملگی را پاسخ فرمودند.

۱۵۱

توقیع مبارک امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به جمعی از شیعیان

در بین جماعتی از شیعیان در مورد جانشینی حضرت امام حسن عسگری علیه‌السلام اختلاف پیش آمد لذا در این خصوص نامه و عریضه‌ای توسط یکی از نواب خاص امام به محضر پرنور امام نوشته شد امام در پاسخ نوشتند: «بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحيم عافانا اللّه و اياكم من الضلالة و الفتن وهب لنا و لكم روح اليقين...».

---

۱. ممکن است بنا به مصالحی اسم مخف ذکر شده باشد.

۲. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۵۱.

بـه نـام خداونـد بخشـنده مهربـان. خداونـد همـه مـا و شـما را از گمراهـی و فتنه‌هـا بـا عافیـت نجـات دهـد و بـه مـا و شـما روح یقیـن عنایـت فرمایـد...

«انه انهی الی ارتیاب جماعة منکم فی‌الدین و ما دخلهم من الشّك و الحیرة فی ولاة امور هم فغمنا ذلك...». بـه مـن خبـر رسـید کـه گروهـی از شـما دربـاره ولـی امـر و امـام زمان خویـش دچـار شـک و حیـرت شـده‌اید از ایـن جهـت غمگیـن شـدم ولـی نـه بـرای خـود بلکـه بـرای شـما.

ای شـیعیان! چـه چیـزی باعـث شـده اسـت کـه در وجـود مـا شـک و تردیـد کنیـد و در حیـرت باشـید؟

«او ما سمعتم اللّه عزوجل یقول: یا ایها الذین آمنوا اطیعوااللّه و اطیعواالرسول و اولی‌الامر منکم».[1] ای ایمـان آوردنـدگان! فرمـان خداونـد و رسـول او و صاحبـان امـر را اطاعـت کنیـد..

آیـا ندیدیـد خداونـد متعـال چگونـه از بـدو خلقـت آدم علیه‌السلام پناهـگاه و معقـل و پرچمهـای هدایتـی بـرای شـما قـرار داد؟

هـرگاه یکـی از پرچمهـای هدایـت بـه زمیـن می‌افتـاد پرچـم دیگـری بـه اهتـزاز در می‌آمـد و هـر زمـان کـه یکـی از سـتارگان درخشـان آسـمان توحیـد و نبـوت و امامـت غـروب می‌کـرد سـتاره فـروزان دیگـری بـه جـای او طلـوع می‌نمـود.

ـ پـس آنـگاه کـه پـدرم از دنیـا رفـت گمـان کردیـد کـه خداونـد دیـن خـود را باطـل و بی‌سرپرسـت گذاشـته... نـه چنیـن اسـت، نـه در گذشـته ایـن طـور شـده و نـه در آینـده ایـن طـور خواهـد شـد...

«واجعلوا قصدکم الینا بالمودة علی السنة الواضحة...».

یعنـی: هـدف و مقصـد خـود را بـر اسـاس دوسـتی و محبـت بـا مـا قـرار دهیـد و راه روشـن را دنبـال کنیـد آنچـه لازمـه محبـت و نصیحـت بـود بـه شـما گفتـم آن سـتمگری کـه در مقابـل خداونـد سرکشـی کـرد و مدعـی مقامـی شـد کـه بـرای او نبـود (ادعـای امامـت کـرد)...آن نـادان بـزودی نتیجـه عمـل پسـت خـود را خواهـد دیـد...

---

۱. *غیبت طوسی*، ص ۱۷۲.

۱۵۲
درباره ادعاهای جعفر کذاب

احمدبن‌اسحاق می‌گوید: از جعفر نامه‌ای به دست من رسید که در آن نامه او ادعا کرده بود به این که علم دین و نیز کلیه علوم و آنچه را که مردم به آن نیازمندند را آگاهی دارد.

وقتی آن نامه را خواندم عریضه و نامه‌ای خدمت حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نوشتم و نامه جعفر را نیز همراه آن فرستادم.

حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در پاسخ چنین جوابی را مرقوم فرمودند:

«بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم: أتانی کتابك ابقاك‌اللّه و الكتاب الذی انفدیه درجه...».

خداوند تو را پایدار بدارد نامه شما و ضمیمه آن (نامه جعفر) به من رسید از مضمون آن که با اختلاف الفاظ و اشتباهات بسیار توأم بود مطلع شدم و اگر شما هم دقت کرده بودید به برخی از آن‌ها آگاه می‌شوید...

ای احمدبن‌اسحاق! خداوند خلایق را بیهوده نیافریده...برای رسیدن به کمال واقعی اسباب تکامل را به آنان مرحمت فرموده از جمله برای شنیدن حقایق گوش و برای دیدن آیات الهی چشم و برای درک حقایق و تمیز باطل از حق قلب و عقل عنایت فرمود.

سپس انبیاء علیهم‌السلام را مبعوث کرد تا به نعمت‌های خداوند در آخرت و الطاف وی در این دنیا بشارت دهند و مردم را از عذاب او بترساند...

و از دیگر الطاف بزرگ الهی فرو فرستادن قرآن کریم است که تمام دلایل و موجبات خوشبختی و سعادت و همه عوامل شقاوت و بدبختی را در آن بیان می‌دارد...

سپس حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را به رسالت مبعوث فرمود و به وسیله او نعمت را تمام و نبوت و پیامبری را به او ختم نمود و وجود اقدسش را برای همه جهانیان رحمت واسعه الهی قرار داد...

و پس از او امر اسلام و خلافت و امامت را به برادر و پسر عم وصی، و وارث وی علی‌بن‌ابیطالب و پس از آن حضرت به فرزندانش یکی پس از

دیگری سپرد تا با تعلیمات ائمه معصومین علیهم‌السلام دین خود را زنده و نور خود را تمام کند...

این پیرو باطل و دروغگو (جعفرو ادّعای امامت‌او) بر خداوند افترا بسته است این شخص با امید به چه چیزی می‌خواهد این ادعای عاری از حقیقت خود را ثابت کند؟

آیا با اطلاعاتی که در احکام الهی دارد؟ به خدا قسم این فرد آنقدر بی‌اطلاع است که حلال و حرام را نمی‌شناسد و میان بد و خوب فرق نمی‌گذارد آیا به دانش خود تکیه دارد؟

او به قدری تهی دست است که حق و باطل را نمی‌شناسد...

خداوند تو را توفیق دهد، آنچه برایت گفتم از این ستمکار بپرس و او را آزمایش کن از یکی از آیات قرآن و تفسیر آن از او بپرس و یا از نماز و شرایط آن از او بپرس تا به معایب و کمبودهای او پی ببری و حال او را بدانی...[1]

۱۵۳
ادعاهای بی‌ربط و کذب

محمدبن‌داود قمی می‌گوید: نامه‌ای را به خط احمدبن‌ابراهیم و به املای حسین‌بن‌روح (که یکی از نواب امام زمان ﷺ) دیدم در آن پیرامون مسائل واصله از شهر قم و جواب آن‌ها نوشته شده بود به طوری که گفته می‌شد شخصی به نام محمدبن‌علی شلمغانی ادعا کرده که مسائل مزبور (مسائل پاسخ داده شده) را او پاسخ داده است در مورد اینکه جواب مسائل یاد شده از طرف امام عصر ﷺ بوده یا از طرف شلمغانی استعلام و سؤال نمودند در نتیجه امام عصر ﷺ در رد و تکذیب شلمغانی در پاسخ چنین فرمودند:

«بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم، قد وقفنا علی هذه الرقعة و ما تضمنته فجمیعه جوابنا ولامدخل للمخذول الضّال المضل المعروف بالعزاقری لعنه‌اللّه فی حرف منه و قد کانت...».

این نامه و آنچه در آن آمده به نظر ما رسید تمام پاسخ‌هایی که طی نامه

---

۱. کتاب *غیبت طوسی*، ص ۱۷۴.

مزبور داده شده از طرف ماست و آن گمراه مخذول (محمدبن‌علی شلمغانی) معروف به عزاقری (لعنةالله‌علیه) کوچکترین دخالتی در آن نداشته است در گذشته نیز مشابه و مانند ادعای این شخص ادعائی توسط احمدبن‌هلال و امثال او شده که خود نشانه ارتداد این افراد از اسلام است.

لعنت خداوند بر همه آن‌ها باد...

اگر در مواردی نسبت به اعتبار آنچه نقل می‌شود و یا اینکه به وسیله افراد غیر موثق به دست شما می‌رسد شک دارید برای ما بفرستید تا مطالب آن را برای شما تصحیح یا باطل کنیم...[۱]

۱۵۴

سؤالات فقهی و شرعی

بعضی از مکاتبات و پرسش و پاسخ‌های امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با یاران و علما جنبه فقهی و شرعی داشته، در اینجا به چند سؤال شرعی که از امام علیه‌السلام بطور مکتوب پرسیده شده، اشاره می‌شود.

«وسال عن سجدة الشکر بعد الفریضة فان بعض اصحابنا ذکر انها بدعة...فاجاب علیه‌السلام سجدة الشکر من الزم السّنن واوجبها و لم یقل ان هذه السجدة بدعة الا من اراد ان یحدث بدعة فی دین‌اللّه...». سؤال: برخی از اصحاب گفته‌اند که سجده شکر پس از نماز واجب بدعت است آیا جایز است پس از نماز واجب سجده شکر نمود یا خیر؟

امام پاسخ دادند:

سجده شکر از لازم‌ترین و واجب‌ترین مستحبات است و کسی که آن را بدعت خوانده خود قصد ایجاد بدعت در دین داشته است.[۲]

سؤال: آیا مرد می‌تواند با دختر زن خود ازدواج کند؟

جواب: اگر در دامان وی و نزد او تربیت یافته باشد نمی‌تواند با آن دختر ازدواج کند.

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۵۰.

۲. بخشی از توقیع حضرت بقیةاللّه عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به سوالات محمدبن‌عبداللّه حمیری می‌باشد. شایسته است مؤمنین به فرمایشات توجه نموده و به آن عمل کنند.

سـؤال: گِل قبـر (تربـت مقـدس حضـرت سیدالشـهداءعلیه‌السلام) کـه همـراه میـت در قبـر می‌گذارنـد عملـی درسـت اسـت یـا خیـر؟

پاسـخ: در قبـر گذاشـته شـود و بـه خواسـت خداونـد بـا نخهـای کفـن وی مخلـوط خواهـد شـد.

سـؤال: آیـا از تربـت می‌تـوان تسـبیح درسـت کـرد و تسـبیح بـا تربـت فضیلتـی دارد یـا خیـر؟

جـواب: بـا آن (تسـبیح تربـت) تسـبیح (و ذکـر) بگوییـد کـه چیـزی از تسـبیح گفتـن بـا آن بالاتـر نیسـت و از جملـه فضیلـت و برتـری آن ایـن کـه گاهـی انسـان تسـبیح گفتـن را فرامـوش می‌کنـد امـا تسـبیح را می‌گردانـد آنـگاه بـرای او ثـواب تسـبیح گفتـن را می‌نویسـند.

سؤال: آیا بر مُهر تربت سجده جایز است و آیا فضیلتی دارد یا خیر؟

پاسخ: این عمل جایز و در آن ثواب و فضیلت است.

سـؤال: در اصفهـان لباسـهائی بـه نـام عتابیـه از «قـز» یـا ابریشـم بافتـه می‌شـود آیـا نمـاز خوانـدن در آن‌هـا جایز اسـت؟

پاسـخ: نمـاز جـز در لباسـی کـه تـارو پـودش از پنبـه یـا کتـان باشـد جایـز نیسـت.

سؤال: آیا خواندن نماز جعفر در مسافرت جایز است یا خیر؟

جواب: جایز است.

«و سال عن صلوة الجعفر فی السفر هل یجوزان یصلی ام لا»؟«فاجاب‌علیه‌السلام یجوز ذلك».[1]

۱۵۵

فرمان مبارک امام به مرجع بزرگ حضرت آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی

فرمـان مبـارک امـام بـه مرجـع بـزرگ و فقیـه دلسـوز حضـرت آیت‌الله‌سیدابوالحسـن‌اصفهانی (۱۲۸۵ ـ ۱۳۶۵ هجـری قمـری) «ارخص نفسك و اجعل مجلسك فی الدهلیز و اقض حوائج الناس نحن ننصرك. خـودت را در اختیـار مـردم بگذار

۱. *احتجاج طبرسی*، ج ۲، ص ۳۰۹.

و محل نشستن خویش را در ورودی خانه قرار بده و حوائج مردم را برآور، ما ترا یاری می‌کنیم».

(آری در عصر غیبت بحمدالله سرنوشت جامعه شیعه رها شده نیست بلکه فقها و مراجع بزرگ، زمامدار حرکت صحیح جامعه شیعی طبق فرمان امام زمان را به عهده دارند).[۱]

۱۵۶

نامه و توقیع دوم

«کتب محمدبن‌زیاد الصمیری یسال صاحب الزمان کفنا یتیمن بما...».

یعنی: محمدبن‌زیاد صمیری نامه‌ای نوشت و از محضر امام زمان درخواست کفن نمود تا به برکت آن از عذاب قبر محفوظ بماند.

آن حضرت در پاسخ او نوشتند: «انك تحتاج الیه سنة احدی و ثمانین...».

یعنی:

تو در سال هشتاد و یک به کفن احتیاج پیدا خواهی کرد. و همین طور هم شد او در سال هشتاد و یک وفات نمود و یک ماه پیش از وفات وی از طرف ساحت پرسعادت حضرت ولی‌عصر کفن به محمدبن‌زیاد رسید: اللهم ارزقنا.[۲]

۱۵۷

دستور مکتوب حضرت آیت‌الله بهجت برای جمع‌آوری و تدوین تشرفات

و تدوین تشرفات در پایان این فصل شایسته است قسمتی از پیام حضرت آیت‌الله العظمی بهجت به چهارمین اجلاسیه دو سالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی را یادآور شود حضرت آیت الله بهجت در پیام خود بر این مسأله تأکید کرده‌اند که بایستی تشرفات جمع و به مردم و مشتاقان ارائه شو د.

---

۱. این پیغام توسط شیخ محمد کوفی شوشتری به آن مرجع بزرگ رسید.

۲. *غیبت طوسی*، ص ۱۸۰.

و اما پیام معظم‌له:

«... مناسب است از جمله کارهای خود، این جهت را هم قرار دهند، که کتب و رسائل افرادی که به خدمت آن حضرت مشرف گردیده‌اند را در هر جا و هر کتاب که باشد جمع آوری جدی نموده و با طبع آن در دسترس جستجو گران قرار دهند تا متفحصین، از حد تواتر، یقین به حیات آن خلیفة الله پیدا کنند تا در تمام حرکات و سکنات ملتزم به موافقتش و عدم مخالفت به جایی برسند که یقین به الطافت و عنایت حضرتش پیدا کنند...».[1]

۱. *هفته نام پرتو سخن، شمار*. ۱۵۲ سال ۸۱.
شایسته است آنانی که از تشرفات مرحوم حضرت حاجشیخ حسین فاضلی که از معاصرین می‌باشد اطلاع مستند دارند با تشریک مساعی نسبت به چاپ این تشرفات برای مشتاقان اقدام نمایند.
ضمنا مشتاقان جهت مطالعه تشرفات به کتاب شریف *عبقری الحسان* که دارای تشرفات زیاد و مستند و زیبا می‌باشد و اخیرا به فارسی روان به چاپ رسیده است مراجعه نمایند. در این کتاب حدود ۲۰۰ تشرف از علمای بزرگ آورده شده است.

فصل چهارم

بخش ۱:

نشانه‌های دنیای قبل از ظهور (آخر زمان)

بخش ۲:

اتفاقات در کشورهای منطقه خاور میانه قبل از ظهور

(ایران، عراق، شام «سوریه»، بیت المقدس، مصر، بحرین، افغانستان، اسرائیل، لبنان و فلسطین)

بخش ۳:

علائم ظهور

بخش ۴:

مکان و زمان ظهور

بخش ۵:

وقایع ظهور در مسجدالحرام

بخش ۶:

هشت ماه نبرد امام‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بعد از ظهور تا زمان استقرار حکومت

بخش ۷:

استقرار حکومت امام مهدی

بخش ۸:

رجعت

Presented by: jafrilibrary.com

بخش ۱

نشانه‌های دنیای قبل از ظهور (آخرالزمان)

۱
وضعیت مردم و جامعه در آخرالزمان

حضرت علی علیه السلام بعضا از مصائب و گرفتاری‌های آیندگان خبر می‌داد و راه درمان آن‌ها را نیز گوشزد می‌کرد. علی علیه السلام می‌فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد که چند گناه بزرگ و عمل زشت در بین آن‌ها پدید می‌آید.

۱. کارهای زشت آشکار می‌گردد و معمولی می‌شود.
۲. پرده‌های عفت و شرم پاره می‌گردد.
۳. زناکاری و تجاوزهای ناموسی علنی می‌شود.
۴. مال‌های یتیمان را حلال می‌شمارند و می‌خورند.
۵. رباخواری شیوع پیدا می‌کند.
۶. در کیل و وزن‌ها کم و کاست می‌کنند.
۷. شراب را به اسم نبید حلال شمرده و می‌خورند.
۸. رشوه را به عنوان هدیه و شیرینی می‌گیرند.
۹. به نام امانت داری خیانت می‌نمایند.

۱۰. مردها خود را به شکل زنان و زنان خویش را به صورت مردها در می‌آورند.

۱۱. به احکام و دستورات نماز بی‌اعتنایی می‌کنند.

۱۲. حج خانه خدا را برای غیر خدا (برای ریا یا تجارت) بجا می‌آورند.

و کیفر این زشتی‌ها این است که خداوند آن‌ها را از فیوضات محروم می‌کند تا جایی که ماه در (شوال) برای آن‌ها مخفی می‌شود بطوری که گاهی دو شَبَهْ دیده می‌شود.

(که معلوم می‌شود روز عید فطر را به عنوان ماه رمضان روزه گرفته‌اند با این که روزه آن حرام بوده است).

و زمانی ماه در شب اول رمضان مخفی می‌شود که دو روز آن را روزه نگرفته و به عنوان آخر ماه شعبان می‌خورند و روز عید فطر را به خیال آخر ماه رمضان روزه می‌گیرند.

در این وقت باید ترسید از اینکه خداوند بطور ناگهانی آن‌ها را کیفر کند (مانند زلزله و طوفان سیل).

و به دنبال آن اعمال بلاها مردم را فرا می‌گیرد تا جایی که کسانی صبح سالم هستند ولی شب در دل خاک و قبر آرمیده‌اند و گاهی شب سالمند و بامدادان جزء مردگان هستند.

وقتی چنین روزگاری پیش آمد لازم است انسان همیشه وصیت کرده که مبادا بلایی بر او فرود آمده و بدون وصیت بمیرد و واجب است نماز را در اول وقت آن بخواند چون ممکن است تا آخر وقت زنده نباشد.

سپس امام فرمود:

هر یک از شما آن زمان را درک کرد بدون وضو نخوابد و اگر برایش امکان دارد همیشه با وضو باشد زیرا ترس آن است که مرگ او ناگهان برسد لذا خوب است با وضو باشد که روح وی با طراوت خدا را ملاقات نماید.

من شما را ترساندم، اگر بترسید و آگاه نمودم، اگر آگاه گردید و شما را پند دادم، پند گیرید پس در پنهان و آشکار از خدا بترسید و نباید کسی از شما

بمیرد مگر اینکه مسلمان باشد زیرا هر کس به جز اسلام آئینی داشته باشد از او پذیرفته نیست و در آخرت زیان کار است.[1]

۲
وصف دوره آخرالزمان

«قال ذریب‌بن‌ثملا وصی عیسی‌بن‌مریم فی وصف آخر الزمان: اذا استغنی رجالکم برجالکم... واطاع الرجل امراته و عق والدیه وضرب الشّاب والدته».[2] ذریب‌بن‌ثملا وصی حضرت عیسی علیه السلام در وصف آخر الزمان می‌گوید: آن گاه که مردان به مردان اکتفا کنند...مرد از زن خود اطاعت و پدر و مادرش را ناراضی کند و جوان مادرش را بزند.

۳
رفتار و کردار مردم آخرالزمان

حمران‌بن‌اعین می‌گوید: روزی در محضر امام صادق علیه السلام بودیم و سخن از وضعیت ملال‌آور شیعیان به میان آمد و ستمی که عباسیان به آن‌ها روا می‌دارند حضرت فرمودند: من یک روز با منصور دوانیقی می‌رفتم و منصور با مرکب خود حرکت می‌کرد و بر روی اسبی نشسته بود و در مقابلش یک دسته از اسب سواران و در پشت سرش یک دسته دیگر از اسب سواران او را احاطه کرده بودند منصور در نهایت ابهت و جلال و من هم بر روی الاغی نشسته بودم و در کنار منصور می‌رفتم (در اینجا امام به گفتگوی خود با منصور اشاره می‌فرمایند).

سپس امام در پاسخ به سؤال یکی از شاگردانش که به امام عرض کرده بود چرا شما بر الاغ و منصور بر اسب سوار بود...فرمود:

آیا تو نمی‌دانی کسی که انتظار ظهور ما و فرج ما را بکشد و به واسطه مراتب و درجات خوف و اذیتی که بر او وارد می‌شود شکیبایی کند فردای قیامت در گروه ما خواهد بود سپس امام فرمود: پس هرگاه دیدی که حق

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۱۹، ص ۷۸.
۲. *مستدرك الوسائل*، ج ۱۲، ص ۳۳۳ ـ *کنزالفوائد*، ص ۵۹.

مرده و اهل حق از میان رفتند و دیدی که ستم همه شهرها را فرا گرفته و دیدی که قرآن کهنه شده و چیزهایی که در آن نیست در آن پدیدار شده و آن را طبق نظر دلخواه توجیه می‌کنند و دیدی که آیین زیرورو گشته چنانچه آب زیر ورو شود و دیدی که بزهکاری و گناهان آشکار گردیده و مردان به مردان (لواط) و زنان به زنان(مساحقه) اکتفا کنند و دیدی که شخص مؤمن مهر به لب زده و سخنش را نپذیرند و دیدی که شخص فاسق دروغ گوید و کسی دروغ و افترایش را به او باز نگرداند و دیدی که کوچک، بزرگ را خوار شمارد و دیدی که قطع رحم کنند و دیدی هر که را به کار بد بستایند خندان گردد...

و دیدی مدح و ثنا بسیار گردد و دیدی که همسایه، همسایه آزاری کند...

و دیدی که کافر خوشحال است از آنچه در مؤمن می‌بینند و شاد است از اینکه در روی زمین فساد و تباهی بینند و دیدی که شراب را آشکار بنوشند و دیدی که امر کننده به معروف خوار است و فاسق در آنچه خدا دوست ندارد نیرومند و ستودنی است و دیدی که اهل قرآن و تفسیر خوارند و هر کس که آن‌ها را دوست دارد شیرخوار است و دیدی که راه خیر بسته شده و به راه شر و بدی رفت وآمد گردد...

و دیدی که مرد به زبان چیزی گوید و عمل به آن نکند و دیدی که مردان برای استفاده مردان خود را فربه کنند و زنان برای زنان و دیدی که زندگی مرد از پسش اداره گردد.

و زندگی زن از فرجش و دیدی زنان نیز چون مردان برای خود انجمنها ترتیب دهند...

و دیدی که درباره استفاده از مرد رقابت شود و پولدار عزیزتر از مومن باشد و ربا آشکار شود و بر آن سرزنش نشود و زنان بر دادن زنا ستایش شوند و دیدی که مرد با ایمان غمناک و پست و خوار گردد و دیدی که مردم به شهادت ناحق اعتماد کنند و دیدی که حرام، حلال شود و حلال، حرام گردد.

و دیدی که دین به رأی تعیین شود و قرآن و احکام آن تعطیل گردد.

و دیـدی کـه مومـن نتوانـد کار بـد را انـکار کنـد جـز بـه دلـش و دیـدی مـال کلان در جائـی صـرف شـود کـه خشـم خـدا را بـه دنبـال دارد و دیـدی زمامـداران بـه کافـران نزدیـک شـوند و از خوبـان دوری کننـد...

و دیـدی کـه حکومـت و فرمانروایـی در مزایـده[1] قـرار گیـرد و دیـدی بـه صـرف تهمـت و سـؤظن مـردم را بکشـند و دیـدی کـه مـرد از راه کسـب زنـش از هرزگـی نـان می‌خـورد، در حالـی کـه آن را می‌دانـد بـه آن تـن می‌دهـد و دیـدی کـه زن بـر مـرد خـود مسلط شـود...

و دیـدی کـه سـوگندهای بنـا حـق بـه نـام خـدا بسـیار گـردد و قماربـازی آشـکارا شـود و دیـدی سـاز و ضـرب علنـی گـردد و بـر سـر کـوی و بـازار آشـکارا زننـد و کسـی از آن جلوگیـری نکنـد...و دیـدی مـردم شـریف را خـوار کننـد کسـی کـه مـردم از تسـلط و قدرتـش تـرس دارنـد...

و دیـدی هـر کـس مـا را دوسـت دارد دروغگویـش داننـد و شـهادتش را نپذیرنـد و دیـدی بـر سَـرِ گفتـن حـرف زور و ناحـق، مـردم بـا همدیگـر رقابـت کننـد و دیـدی کـه شـنیدن قـرآن بـر مـردم سـنگین باشـد و در عـوض شـنیدن نـاروا بـرای آن‌هـا آسـان باشـد...

دیـدی کـه حـدود خـدا تعطیـل شـده و در آن طبـق دلخـواه خـود عمـل کننـد و دیـدی کـه مسـاجد طـلاکاری و نقاشـی شـود...

و دیدی که سخن چینی و شر آشکار گردد.

و دیـدی کـه سـتمکاری شـیوع یافتـه و دیـدی کـه غیبـت را سـخن خوشـمزه شـمارند و مـردم همدیگـر را بـه آن مـژده دهنـد و دیـدی کـه بـرای غیـر خـدا بـه حـج و جهـاد رونـد و دیـدی کـه سـلطان بـه خاطـر کافـر، مؤمـن را خـوار کنـد...

دیـدی کـه زندگـی مـرد از کـم فروشـی اداره می‌شـود و دیـدی خونریـزی را آسـان شـمارند و دیـدی کـه مـرد بـرای غـرض دنیایـی ریاسـت می‌طلبـد و خـود را بـه بدزبانـی مشـهور می‌سـازد تـا از او بترسـند و کارهـا را بـه او واگذارنـد و دیـدی کـه نمـاز را سـبک شـمارند...و دیـدی کـه آشـوب بسـیار اسـت...

و دیـدی کـه حیوانـات را نـکاح کننـد...و دیدی که دل مردم سـخت و چشمانشـان

1. یعنی هرکه بیشتر پول می‌دهد یا برای گرفتن رأی تبلیغ بیشتر می‌کند به حکومتداری می‌رسد.

خشک شده و یاد خدا بر آنان سنگین شده و دیدی که کسب‌های حرام شیوع یافته و بر سر آن رقابت شود...

و دیدی که مردم با کسی هستند که پیروز شود و دیدی هر کسی که روزی حلال می‌جوید مورد مذمت قرار گیرد و جوینده حرام مورد تعظیم است.

و دیدی که در حرمین (مکه و مدینه) کارهایی که خدا دوست ندارد انجام گیرد و کسی از آن‌ها جلوگیری نکند و میان مردم و انجام آن کارها کسی مانع نشود و دیدی که اگر کسی سخن حق گوید و امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر کند دیگران او را نصیحت کنند و بگویند این کار بر تو لازم نیست و مردم به همدیگر نگاه کنند و به مردم بدکار اقتدا کنند.

و دیدی که مرده را مسخره کنند و کسی برای مرگ او (مرده) غمناک نشود و دیدی که هر سال بدی و بدعت تازه بیشتر از گذشته پیدا شود...

و دیدی که به فقیر چیز دهند در حالی که به او بخندند و برای غیر خدا به او ترحم کنند...

و دیدی که مردم در غیر اطاعت خدا زیاد خرج کنند ولی در مورد اطاعت از خداوند از کم هم دریغ دارند و دیدی ناسپاسی پدر و مادر آشکار گشته و پدر و مادر را سبک شمارند و حال آن‌ها در پیش فرزند از همه بدتر باشد و فرزند خوشحال است که به آن‌ها دروغ بندد...

و دیدی که پسر به پدر افتراء زند و به پدر و مادر خود نفرین کند و از مرگشان خوشحال شود و دیدی اگر روزی بر مردی بگذرد که در آن روز گناهی بزرگ نکرده باشد مانند هرزگی و یا کم فروشی یا انجام کار حرام یا میخوارگی، آن روز گرفته و غمناک است و خیال کند که روزش به هدر رفته و عمرش در آن روز تلف شده...

و دیدی با شراب مداوا کنند و برای بیمار نسخه کنند و بدان سلامتی جویند و دیدی که حق خویشاوندان پیغمبر(خمس) بنا حق تقسیم شود...

دیدی برای اذان گفتن و نماز پول گیرند و دیدی که مسجدها پر است از کسانی که ترس از خدا ندارد و برای غیبت و خوردن گوشت مردم به‌ناحق

(بـه وسـیله غیبـت) بـه مسـجد آینـد...و دیـدی هـر کـه مـال یتیمـان بخـورد بـه شایسـتگی او را بسـتایند...

و ببینـی کـه بـر فـراز منبرهـا مـردم را بـه پرهیـزگاری دسـتور دهنـد ولـی خـود بـه آن عمـل نکنـد و دیـدی کـه وقـت نمازهـا را سـبک شـمارند و دیـدی کـه تمـام غـم و انـدوه مـردم دربـاره شـکم و عورتشـان، اسـت باکـی ندارنـد کـه چـه بخورنـد و بـا چـه نـکاح کننـد و ببینـی کـه نشـانه‌های حـق کهنـه گشـته.

در چنیـن وقتـی خـود را نگهـدار و از خـدای عزوجـل نجـات بخـواه و بـدان کـه در چنیـن وضعـی مـردم مـورد خشـم خداونـد قـرار گرفتـه در حالـی کـه خداونـد بـه آن‌هـا مهلـت داده، مراقـب بـاش و کوشـش کـن تـا خـدای عزوجـل تـو را برخـلاف آنچـه مـردم درآننـد مشـاهده کنـد کـه اگـر عـذاب بـر آن‌هـا نـازل گـردد و تـو در میـان آن‌هـا باشـی بسـوی رحمـت حـق شـتافته باشـی و اگـر جـدا شـوی آنـان گرفتـار شـوند و تـو از روش آنـان و بی‌باکـی آن‌هـا نسـبت بـه خداونـد بیـرون باشـی... همانـا رحمـت خـدا بـه نیکـوکاران نزدیـک اسـت.[1]

۴
شرور آخرالزمان

رسـول خـداﷺ فرمـود: زمانـی خواهـد آمـد کـه علمـاء بـه لبـاس زیبـا شـناخته می‌شـوند و قـرآن در صـوت زیبـا خلاصـه می‌شـود و عبـادت منحصـر، بـه مـاه مبـارک رمضـان می‌شـود...[2]

ـ رسـول خـداﷺ فرمـود: «یاتی علی الناس زمان وجوههم وجوه الا دمیین و قلوبهم قلوب الشیاطین کامثال الذناب الضواری سفّا کون للدماء...».

یعنـی: زمانـی خواهـد آمـد کـه ظاهـر مـردم مثـل ظاهـر انسـان اسـت امـا قلبهـای آن‌هـا مثـل قلـب شـیطان اسـت، نسـبت بـه همدیگـر مثـل گـرگ درنده‌انـد، مـردم در آن زمـان خونریـز هسـتند و کسـی مـردم را از کار منکـری کـه انجـام می‌دهنـد نهـی نمی‌کنـد اگـر از آن‌هـا پیـروی کنـی بـه تـو شـک می‌کننـد

۱. *روضه کافی*، ج۱، ص۵۸.
۲. *بحارالانوار*، ج ۲۲.

و اگـر بـا آن‌هـا سـخن بگویـی تـو را تکذیـب کـرده و وقتـی کـه از آن‌هـا جـدا شـوی تـو را غیبـت می‌کننـد...

انسـان بردبـار در ایـن زمـان مـکّار شـمرده می‌شـود و انسـان مـکّار در ایـن زمـان حلیـم شـمرده می‌شـود...و زنـان، بـد زبـان و خبیـث هسـتند و ...[۱]

ـ رسـول خـداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمـود: زمانـی خواهـد آمـد کـه کسـی بـه حکومـت نمی‌رسـد مگـر بـا کشـتار و زورگویـی و کسـی ثروتمنـد نمی‌شـود مگـر بـه خـوردن مـال دیگـران و بخـل ورزیـدن و کسـی محبـوب نمی‌شـود مگـر بـا دیـن فروشـی و پیـروی از هـوا و هـوس پـس کسـی کـه ایـن زمـان را درک کنـد بـر فقـر خویـش صبـر کنـد بـا اینکـه می‌توانـد بـا حـرام خـواری غنـی شـود و همچنیـن بـر اینکـه مـورد غضـب واقـع شـود صبـر کنـد...[۲]

۵
نکته

ضـرورت دارد بـه ایـن علائـم توجـه نمـود تـا بفهمیـم آیـا مـا در عصـر آخرالزمان واقـع شـده‌ایم؟ آنـگاه در پـی درمـان ایـن مشـکل رفتـه آنهـم آن گونـه کـه در روایـات آمـده اسـت ایـن درمـان در صفحـات آتـی بـر اسـاس روایـات خواهـد آمـد. و شایسـته اسـت هـر فـرد مسـلمان در خـود تأملـی کنـد تـا بفهمـد ایـن صفـات شـمرده شـده در روایـات در او وجـود دارد یـا خیـر؟

۶
خروج دجال و رابطه آن با آخرالزمان

امـام علـی‌علیه‌السلام روزی بـرای مـردم خطبـه خوانـد و پـس از حمـد الهـی فرمـود: مـردم قبـل از آنکـه مـرا از دسـت دهیـد آنچـه را کـه می‌خواهیـد بدانیـد از مـن بپرسـید و ایـن مطلـب را سـه بـار تکـرار کـرد.

در ایـن هنـگام صعصعه‌بن‌صوحـان بلنـد شـد و پرسـید: یـا اباالحسـن دجّـال چـه وقـت خـروج می‌کنـد؟

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۴۵۳.

۲. *بحارالانوار*، ج ۱۸.

حضرت فرمود: بنشین، خداوند کلام تو را شنید و می‌داند منظورت چه بود، در این مورد سؤال شنونده، داناتر از سؤال کننده نیست و لکن خروج دجال علامات و نشانه‌هایی دارد که این علامات پی‌درپی ظاهر می‌شوند و اگر می‌خواهی علامات آن را برای تو بگویم؟

صعصعه عرض کرد: بلی یا امیرالمؤمنین.

آنگاه امام فرمود: بدان که یکی از علامات آن این است که مردم نماز را می‌میرانند و دفن می‌کنند و امانات را ضایع می‌کنند و دروغ گفتن امری عادی می‌شود و رباخواری شایع می‌شود و رشوه خواری رایج می‌شود و برج سازی رواج پیدا می‌کند و دین فروشی رونق می‌یابد و سفیهان حاکم شوند و زنان مورد مشورت قرار گیرند وصله ارحام بین اقوام نیست و هر کس دنبال هوا و هوس خویش است و قتل و خون ریزی کار سهلی است...

سلاطین اهل فسق و وزراء اهل ستم هستند... گناه علنا انجام می‌شود... قرآن‌ها زیور می‌شوند...و کسی دنبال وفای به عهد نیست و زمان موعود نزدیک می‌شود و زنان در تجارت با مردان هستند و در زراندوزی شریک می‌شوند.

در این زمان انسان دروغگو، راستگو و انسان خائن، امین به شمار می‌آید مردم سراغ آلات موسیقی می‌روند و مردم آخرالزمان گذشتگان خود را لعن می‌کنند و زنان سوار بر زین (ماشین) می‌شوند و زنان خود را به شکل مردان و مردان خود را به شکل زنان در می‌آورند...

برای دنیا فقه (مسائل شرعی) می‌آموزند و ترجیح می‌دهند عمل دنیا را بر آخرت...[1]

ـ در روایتی دیگر امام علی‌علیه‌السلام فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد که مقرب نمی‌شود مگر کسی که نزد پادشاه و امراء از مردم با فضیلت، سخن چینی کند...

در آن زمان صدقه و انفاق را غرامت و تاوان شمارند وصله رحم و آمدورفت

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۹۳.

با خویشان را با منت انجام دهند و عبادت را سبب فزونی (فخر) بر مردم می‌دانند...[۱]

ـ امام علی علیه السلام فرمود: زمانی بر مردم می‌آید که زناکار به نعمت می‌رسد و انسان فرو مایه مقرب می‌شود و مرد با انصاف ضعیف می‌گردد. عرض شد: یا امیرالمؤمنین! این در چه وقت است؟

«فقال: اذا تسلطن النساء و سلطن الاماء و امر الصبیان». فرمود: هنگامی که زنان و کنیزان بر امور مردم مسلط گردند و بچه‌ها به حکومت برسند.[۲]

۷
زکات ندهند

در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: ای سلمان! در زمانی که علمای شما کم شوند و قاریان قرآن شما از میان بروند و زکات ندهند و کارهای زشت خود را آشکار سازند «وعلت اصواتکم فی مساجدکم».

و صدای شما در مساجد بلند شود.

امور دنیا را روی سر بگذارید (اهمیت دهید) و دانش را در زیر پا، سخنان شما دروغ و شیرینی گفتارتان غیبت و آنچه به دست می‌آورید حرام باشد، نه بزرگان شما به کوچکتر رحم کنند و نه کوچکتران احترام بزرگان را نگاه بدارند...[۳]

۸
باطنی سیاه، ظاهری زیبا

قال رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله: «سیاتی علی امتی زمان تخبث فیه سرائرهم...». زمانی بر امت من خواهد آمد که باطن مردم کدر، ظاهرشان نیکو و زیباست این دو رویی بخاطر طمع مردم در مظاهر دنیوی است.

مردم از اظهار دوستی هرگز قصد الهی ندارند و کلیه امور عبادی مردم

۱. *نهج‌البلاغه*، کلمه۹۸.
۲. *اصول کافی*، ج ۸، ص ۶۹ ـ *بحارالانوار*، ج ۴۱، ص ۳۳۱، باب ۱۱۴.
۳. *جامع‌الاخبار*، ص ۱۴۰ فصل دوم ـ *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۶۲، باب ۲۵.

Presented by: jafrilibrary.com

بخاطر ریاست می‌باشد و نه از روی خوف الهی، این مردم را خداوند شامل عذابی می‌کند که آن وقت هرچه دعا کنند مستجاب نمی‌شود.[1]

۹
رفتارشناسی مردم در آخرالزمان

علی‌بن‌ابراهیم در تفسیرش در ذیل آیه شریفه: «فهل ینظرون الا الساعة ان تاتیهم بغتة فقدجاء اشراطها فانی لهم اذجاءتهم ذکریهم».[2]

آورده است که...ابن‌عباس گفت: ما با رسول خداﷺ در حجةالوداع به حج مشرف شدیم.

رسول خداﷺ حلقه در خانه خدا را گرفت و رو به ما نمود و با سیمای مبارکش ما را مخاطب قرار داد: «فقال: الا اخبرکم با شراط الساعة و کان ادنی الناس یومئذ منه سلمان رحمةاللّه»؟

فقال: بلی یا رسول‌اللّه! فرمود: آیا می‌خواهید من شما را به نشانه‌های قیامت با خبر کنم؟

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! بله می‌خواهیم ما را خبر کنی!

فقالﷺ: «ان من اشراط القیامة اضاعة الصلوة و اتباع الشهوات و المیل مع الاهواء و تعظیم المال وبیع الدین بالّدنیا فعندها یذاب قلب المومن و جوفه کما یذوب الملح فی الماء مما یری من المنکر ولایستطیع ان یغیره...».

پس رسول خداﷺ فرمود: همانا که از نشانه‌های قیامت آن است که مردم نماز را ضایع می‌کنند و دنباله رو شهوات هستند و تمایلشان به سوی هوای نفس است مال را بزرگ می‌شمارند و دین را به دنیا می‌فروشند در چنین وضعی همانگونه که نمک در آب حل می‌شود دل و اندرون مؤمن آب می‌شود چرا که منکرات را می‌بینند ولی قدرت اصلاح و تغییر آن را ندارد.

سلمان عرض کرد: آیا این‌ها از اموری است که تحقق می‌یابد؟

پیامبرﷺ فرمود:

آری سوگند به آن کسی که جان من در دست اوست، ای سلمان! در آن

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۹۰.
۲. محمد / ۱۸.

وقت افرادی که بر مردم حکومت دارند و زمام آن‌ها را در دست داشته و بر آن‌ها ولایت دارند کسانی هستند که همه آن‌ها ستمکار و ظالمند، وزرایی که فاسقند...و امین‌هایی که همه اهل خیانتند...

ای سلمان! در آن وقت منکرات و گناه و زشتی در بین مردم کارهای نیکو محسوب می‌شود و کارهای نیکو به صورت کارهای ناپسند جلوه می‌کند و مردمِ خیانت پیشه مورد اعتماد و امانت قرار می‌گیرند و به افراد درستکار نسبت خیانت داده می‌شود و مرد دروغگو را تصدیق کنند و به دروغ‌های او صحّه درستی می‌نهند و مرد راستگو را دروغگو شمارند و به گفتار او ترتیب اثر ندهند...

ای سلمان! در آن زمان زنان با شوهرانشان در امور خارج از منزل مانند تجارت، شرکت می‌کنند و باران در تابستان می‌بارد و انسان‌های بزرگ پیوسته در خشم و غضب فرو می‌روند و مردم بی‌چیز و تنگدست مورد اهانت و تحقیر قرار می‌گیرند...

همه مردم از کار و کسب خود در گله و شکوه هستند یکی می‌گوید: من چیزی نفروختم، دیگری می‌گوید سودی نبردم و در آن وقت می‌نگری که تمام مردم در مقام گلایه از خداوند و مذمت او هستند...

ای سلمان! کسانی در آن زمان بر مردم حکومت می‌کنند، که اگر مردم برای دفاع از حقوق خود و برای حق اولیه خود کوچکترین مطلبی سخن گویند آن‌ها را می‌کشند و اگر مردم سکوت هم اختیار کنند آن‌ها اموال و نفوس و آبرویشان را مباح می‌شمارند و برای استفاده از کار و زحمت و دسترنج آن‌ها از خوردن خونشان و ریختن آن دریغ نمی‌کنند زنان و دختران آن‌ها را به بیگاری می‌برند و اعمال منافی عفت انجام می‌دهند و احترام آن‌ها را پایمال می‌کنند.

و خون مردم بیچاره را بی‌مهابا و بدون پروا می‌ریزند و در دل‌هایشان ترس به اندازه‌ای وارد می‌کنند که کسی حق نفس کشیدن ندارد...

ای سلمان! در آن زمان چیزی از مشرق و چیزی از مغرب برای مردم می‌آورند که بدین وسیله امت مرا رنگ می‌کنند...

گفتار آن‌ها همه فحش و زشتی است هیکل آنان شکل آدمی است ولی دلهای آن‌ها دل‌های شیاطین است...

ای سلمان! در آن زمان مردها به مردها (لواط) و زن‌ها به زن‌ها(مساحقه) اکتفا می‌کنند در آن زمان همانگونه که یک زن در خانهِ شوهر خود، مورد حفظ است تا به او تعدی نکنند تا صرفا برای مرد خود باشد، همین طور افرادی هستند که جوانان تازه به سن رسیده را به خود اختصاص می‌دهند و در اعمال نامشروع آن‌ها را مورد حراست و حفظ خود قرار می‌دهند تا کسی دیگر به آن‌ها توجهی نکند آنگاه مردها خود را شبیه به زنان و زنان خود را مثل مردان می‌کنند و زنان سوار بر زین‌ها (اسب‌ها) می‌شوند پس بر آن زنان امت من لعنت باد...

ای سلمان! در آن وقت مردم مساجد را زینت می‌دهند همان طوری که معبدهای نصاری و یهود را زینت می‌کنند و قرآن‌ها را با نقش و نگار، زیبا می‌کنند، و مأذنه‌های مساجد را بلند می‌سازند تا اشراف بر خانه‌های اطراف پیدا می‌کند و صف‌های نماز جماعت بسیار می‌شود و مردم در این نمازها با دلی پر از کینه و حسد و دشمنی با یکدیگر و با زبانهایی منافقانه و سخنهای بیهوده و نیت‌های فاسد شرکت می‌کنند...

ای سلمان! در آن زمان رباخواری در بین مردم ظاهر می‌شود و مردم با غیبت و رشوه با یکدیگر معامله می‌کنند و دین در نزد مردم ضایع می‌شود و نازل و پایین می‌آید و دنیا بالا رفته و به درجات عالی می‌رسد.

یا سلمان! «و عندها یکثر الطلاق فلا یقام للّه حدو لن یضراللّه شیئا».

ای سلمان! در آن زمان طلاق زیاد می‌شود و حد الهی جاری نمی‌گردد و این‌ها به خداوند ضرری نمی‌رساند.

ای سلمان! در آن زمان استفاده از آلات موسیقی رونق می‌یابد پولداران امت من برای تفرّج به حج می‌روند و متوسطین از امتم برای تجارت و فقراء امتم برای خودنمایی و سمعه حج می‌گذارند در آن موقع بسیاری از مردم قرآن را برای غیر خدا یاد می‌گیرند...

و اولاد زنا زیاد می‌شود و قرآن را به صورت لهو و با صوت تغّنی

غیرمشروع می‌خوانند و همه مردم برای رسیدن به دنیا و مراتب آن تلاش می‌کنند و سعی می‌کنند تا در امور دنیا از هم پیشی گیرند...

در آن زمان پرده عصمت مردم دریده می‌شود...و معصیت‌های خدا رواج می‌گردد و دروغ علنی بین مردم رایج می‌شود...مردم با لباس خود بر هم دیگر مباهات می‌کنند و بارانهای فراوان در غیر فصل باران پیدا و نازل می‌شود و اشتغال به لهو و لعب امری نیکو شمرده می‌شود...

در بین زهاد و علما بدبینی پدیدار می‌شود و پیوسته در صدد عیب‌جویی و ملامت از یکدیگر بر می‌آیند این چنین افرادی در ملکوت آسمان‌ها موجودات پلید و کثیف خوانده می‌شوند...

ای سلمان!

به فقراء و ضعفا اعتناء و کمکی نمی‌شود افراد نیازمند از این جمعه تا آن جمعه درخواست می‌کنند ولی کسی پیدا نمی‌شود که در دست آن‌ها چیزی بگذارد...[۱]

۱۰
زنانشان قبله آن‌ها هستند

قال رسول‌اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله: «یأتی علی الناس زمان بطونهم آلهتهم و نساوهم قبلتهم و دنانیرهم دینهم و شرفهم متاعهم...». زمانی خواهد آمد که خدای مردم شکم آن‌ها و قبله شان زنانشان و دینشان درهم و دینار است و عزت به مال دنیا است ایمان، امری تشریفاتی و همه، اسم اسلام را یدک می‌کشند.

و برای حفظ ظاهر، فقط قرآن را یاد می‌گیرند و مساجد زیبا می‌سازند...

صحابه با تعجب پرسیدند: یا رسول‌الله آیا مردم واقعاً بت‌پرست می‌شوند؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: بله: هر درهمی در این زمان یک بت است.[۲]

و در روایتی دیگر: **قال رسول‌اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله: «یاتی علی امتی زمان تکثر فیه الاراء و تبتّع فیه الاهواء و یتخذ القرآن مزامیر...».**

زمانی بر امت من خواهد آمد که رأی‌ها بسیار می‌شود و از خواهشهای

---

۱. *تفسیر علی‌بن‌ابراهیم قمی*، ج ۲، ص ۳۰۳ ـ *بحارالانوار*، ج ۶، ص ۳۰۵ باب ۱ـ *وسایل‌الشیعه*، ج ۱۷، ص ۳۱۰.

۲. *بحارالانوار*، ج ۲۲، ص ۴۵۳، باب ۱۴.

نفسـانی پیـروی می‌کننـد و قـرآن را بـا سـرود و ترانـه و آواز غنـا می‌خواننـد و قرائـت قـرآن موجـب تـرس آن‌هـا نمی‌شـود(در آن‌هـا اثـر نمی‌کنـد) و خداونـد بـه قرائـت آن‌هـا از قـرآن اجـری نمی‌دهـد بلکـه آن‌هـا را لعنـت می‌کنـد...

مـردم از شـنیدن آواز و آهنگ‌هـای خـوش بـه نشـاط می‌آینـد و حـلاوت و شـیرینی قرائـت قـرآن را نمی‌چشـند...

مردم گرفتار فتنه و هرج ومرج و قتل و آشوب می‌شوند و ...

زن‌هـا مجلس‌هایـی برپـا می‌کننـد و دسـته بندیهـای (حزبـی و سیاسـی) زیـاد می‌شـود تـا ایـن انـدازه کـه زن در مجالـس ماننـد مـردان سـخنرانی می‌کنـد و اجتماعاتشـان بـرای لهـو و لعـب اسـت نـه بـرای رضـای خـدا...

پـس وقتـی کـه آن‌هـا را دیدیـد (آن زمـان را درک کردیـد) بـا آن‌هـا قطـع رابطـه کنیـد و بـرای رضـای خـدا از آنـان پرهیـز کنیـد زیـرا کـه ایشـان جنـگ کننـدگان بـا خـدا و پیغمبراننـد و خـدا و رسـول او از آن‌هـا بیزارنـد.

«فانهم حرب للّه ولرسوله و اللّه و رسوله منهم بری».[1]

۱۱
اسم و رسم در آخرالزمان

رسول خداﷺ می‌فرماید:

«سیاتی زمان علی امتی لایبقی من القرآن الا رسمه ولا من الاسلام الا اسمه...». بـه زودی زمانـی بـر امـت مـن فـرا رسـد کـه از قـرآن جـز رسـم و از اسـلام جـز اسـم باقـی نمی‌مانـد آنـان بـه نـام مسـلمان خوانـده می‌شـوند در حالـی کـه دورتریـن مـردم از اسـلام‌اند مسـاجد آنـان آبـاد و از هدایـت خـراب اسـت...[2]

روایتـی دیگـر از رسـول خـداﷺ می‌باشـد کـه نشـانه‌های آخـر الزمـان را بـه کنایـه بیـان فرموده‌انـد: آن گونـه کـه می‌فرماینـد: ـ وقتـی کـه امـت مـن نمـاز را ضایـع کننـد ـ از شـهوات پیـروی کننـد ـ خیانـت در میـان مـردم زیـاد شـود ـ امانـت و امانتـداری کـم شـود ـ و مـردم همدیگـر را سـب و لعـن کننـد ـ قیمت‌هـا بـالا رود ـ افـراد نسـبت بـه یکدیگـر بدبیـن شـوند ـ مـردم در زندگـی گرفتـار تجمـلات

---

۱. *نوائب الدهور*، ج ۱، ص ۱۶۹. با تلخیص.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۹۰.با تلخیص

Presented by: jafrilibrary.com

شوند و قناعت و میانه روی از بین برود ـ خلاف پسندیده شود ـ افراد از اخلاق و کار خویش تعریف کنند ـ نادان‌ها به دلیل نادانی خود مشهورند ـ مردم خانه‌های خود را زینت دهند ـ قصرها و خانه‌های بلند ساخته شود ـ باطل را به لباس حق جلوه دهند ـ زشتی دروغ از بین برود به حدی که لباس راستی بر آن پوشانند ـ گمراهی و راه کج رفتن را هدایت بدانند ـ کارهای ناپسند بر اعمال خوب غلبه پیدا کند ـ محبت نسبت به یکدیگر وصله رحم از دل‌های مردم برداشته شود ـ مردم کارهای باطل و ناچیز را نیکو بدانند ـ قرآن را به بازی بگیرند ـ رحم و مهربانی از دلهای همه مردم برود ـ اموال بیت‌المال را مال شخصی خود بدانند ـ به نافرمانی از خداوند مباهات کنند.

در چنین وضعی دیندار باید دین خود را بردارد و از این طرف به آن طرف و از این قله کوه به آن قله کوه و از این دره به دره دیگر برود تا سلامت دین داشته باشد.

ـ مردم در کارهایشان به خداوند بی‌اعتنا باشند ـ تنها محبوب مردم دینار و درهم باشد ـ هر قدر ثروتشان زیاد شود باز بگویند فقیریم.[1]

امیر بیان و کلام حضرت مولی‌الموحدین علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام در خطبه‌ای به نام خطبه‌البیان ضمن معرفی خود می‌فرمایند: «انا ابو الائمه‌الاطهار انا ابوالمهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف القائم فی آخر الزمان».

منم پدر امامان پاک، منم پدر مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف که در آخر الزمان قیام می‌کند.

در این وقت مالک اشتر نخعی از پایین منبر عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! این قیام کننده از فرزند شما چه وقت قیام می‌فرماید؟

حضرت فرمود: «اذا زهق الزاهق ـ وخفت الحقائق ـ و لحق اللاحق ـ وثقلت الطهور و تقاربت الامور و حجب النشور و ارغم المالك ـ وسلك السالك...و اشكل الاشكال ـ وشيّع الكربال ـ ومنع الكمال... فعند ذلك ترقّبوا خروج صاحب الزّمان علیه‌السلام».

هنگامی که نابود شونده نابود شود ـ و حقایق مخفی شود ـ و ملحق شونده ملحق شود ـ و پشت‌ها سنگین شود ـ و کارها و اشیاء نزدیک به هم شوند ـ و از انتشار جلوگیری شود ـ و دماغ مالک به خاک مالیده شود...و عرب‌ها با هم

---

۱. *نوائب الدّهور*، ص ۲۹۱، این روایت خلاصه شده است.

اختلاف کنند ـ و خواسته‌ها شدید شود ـ وام‌ها درخواست شود ـ و اشک‌ها روان شود ـ و گوش‌ها کر شود ـ شیطان چیره گردد ـ و واجب الهی تعطیل شود... کمبود شدت گیرد ـ و حرام زادگان به پا خیزند...و امور شبیه به هم، هم شکل شوند ـ و سوزانده و نابود شوند غربال ـ و از کمال منع شود...

پس در آن هنگام انتظار بکشید ظهور صاحب‌الزمان را.[۱]

و در روایتی دیگر: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «والفتن اربع فتنة السّراء و فتنة الضّراء...».

فتنه (فتنه آخرالزمان) بر چهار قسم است: فتنه سّراء، فتنه ضرّاء و فتنه کذا...[۲]

۱۲
دلیل جنگ با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

این چنین جامعه‌ای است که از حیث محتوا چنان سقوط می‌کند و آنگونه تهی و بی‌مغز می‌شود که دچار قرائت‌های جدیدی از اسلام می‌شوند در نتیجه در مقابل اسلام مجسم، حضرت بقیةالله علیه السلام شمشیر بر می‌کشند چنانچه در روایت آمده است که: امام صادق علیه السلام فرمود: «القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف یلقی فی حربه مالم یلق رسول‌الله صلی الله علیه و آله...».

قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در پیکار خود با چیزی روبه‌رو خواهد شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن رو به رو نگردید همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی به سوی مردم آمد که آنان بت‌های سنگی و چوب‌های تراشیده را می‌پرستیدند ولی زمان قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف چنان است که بر او می‌شورند و کتاب خدا را بر ضد او تأویل می‌کنند آن گاه به استناد به همان تأویل با او به جنگ بر می‌خیزند.[۳]

و در غیبت طوسی ص ۲۸۳ امام صادق علیه السلام فرمود: چون قائم قیام کند چیزی آورد غیر از آنچه که قبلاً بوده است.[۴]

شاید چیز جدیدی را که امام می‌آورد جدید نباشد بلکه دین و سنّت واقعی رسول‌خدا صلی الله علیه و آله است که تحریف و تغییر یافته و آن را احیاء می‌نماید

۱. *الزام الناصب*، ج ۲، ص ۲۱۳.
۲. *الحاوی للفتاوی*، جلال‌الدین سیوطی، ص ۳۷۲.
۳. *غیبت نعمانی*، ص ۴۲۴.
۴. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۵۳۹.

لـذا بـرای مردمـی کـه مسـتغرق در بدعت‌هـا بوده‌انـد دیـن امـام جدیـد جلـوه می‌کنــد.

امـام صـادق علیه السلام می‌فرماید: «انه اول قائم یقوم منا اهل‌البیت یحدثکم بحدیث لاتحتملونه فتخرجون علیه برمیلة الدسکرة فتقاتلونه فیقاتلونه فیقتلکم».

در وقـت ظهـور، قائـم مـا برایتـان سـخنانی گویـد کـه تـاب شـنیدن آن را ندارید علیـه او در رمیلـه[1] شـورش خواهیـد کـرد او بـا شـما جنگیـده و شـما را نابـود خواهـد کرد.[2]

۱۳
علت قیام مردم بر علیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایتـی امـام علـی علیه السلام علـت شـورش و عـدم تحمـل مـردم را بیـان می‌فرماینـد چنانچـه می‌فرماید: «ویحیی میت الکتاب و السنّة».

«مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کتاب و سنّت مرده و از میان رفته را زنده می‌کند».[3]

آنچـه کـه واضـح اسـت آن اسـت کـه امـام بعـد از ظهـور بـا اخلاقیـات و رفتارهـای و جریانـات غلـط اجتماعـی و سیاسـی برخـورد کـرده و آن را اصـلاح می‌نمایـد و اساسـا ظهـور امـام مثـل بعثـت رسـول خـدا صلی الله علیه و آله بخـش وسـیعی از آن تکمیـل و ترمیـم اخلاقـی بشـری خواهـد بـود کـه متأسـفانه در ایـن اصـلاح عـده‌ای در مقابـل اصلاحـات امـام قیـام می‌کننـد.

چنانچه در روایت به آن تصریح شده است.

امـام صـادق علیه السلام در ایـن بـاره می‌فرمایـد: یضنع کما صنع رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله یهدم ما کان قبله کما هدم رسول اللّه صلی الله علیه و آله امر الجاهلیة و یستانف الاسلام جدیدا.

راه و روش او، مثـل رسـول خـدا صلی الله علیه و آله اسـت هرچـه را پیـش از او باشـد ویـران می‌کنـد چنانکـه رسـول خـدا صلی الله علیه و آله جاهلیـت را ویـران سـاخت و اسـلام را از نـو می‌نمایانـد.[4]

---

۱. منطقه‌ای در عراق است.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۷۵.
۳. *نهج‌البلاغه*، خطبه ۱۳۸.
۴. *کشف الغمه*، اربلی ج ۳ ص ۲۵۴.

و در روایتی دیگر می‌فرماید: «و لبس الاسلام لبس الفرو مقلوبا» و اسلام پوستین وارونه شود.[1]

و در روایتی دیگر می‌فرماید: «أیها الناس سیاتی علیکم زمان یکفاء فیه الاسلام کما یکفا الاناء بما فیه».

ای مردم! روزگاری خواهد آمد که اسلام را از حقیقت آن دور کنند همچون ظرفی که واژگونش کنند و آن را از آنچه دارد از درون تهی سازند.[2]

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اذا خرج القائم بامر جدید و کتاب جدید و سنة جدید و قضا جدید».

هنگامی که قائم خروج کند امر و کتاب و روش و داوری جدید با خود می‌آورد.[3]

امام علی علیه السلام می‌فرماید: به خدا سوگند مثل این که او را بین رکن و مقام می‌بینم که مردم با او و کتابی نوین بیعت می‌کنند در حالی که این امر بر عرب سخت و دشوار است...[4]

ابن‌ابی‌یعفور از امام صادق علیه السلام نقل کرده که حضرت به او فرمود: وی اولین قائمی است از ما اهل بیت که قیام می‌کند و با شما سخنی می‌گوید که تحمل آن را ندارید و در رمیله و دسکره[5] بر او خروج می‌کنید و با او می‌جنگید او نیز با شما می‌ستیزد و همه شما را به قتل می‌رساند...[6]

۱۴

مخالفین امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها کفار نیستند!

در روایتی امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

وقتی که صاحب این امر (امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) به بعضی از احکام و سنت حکم کند و سخن بگوید گروهی از مسجد بیرون آمده و آهنگ خروج بر او را

۱. *نهج‌البلاغه*، خطبه ۱۰۳.
۲. *نهج‌البلاغه*، خطبه ۱۰۳.
۳. *اثبات الهداة*، ج ۷، ص ۸۳.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۱.
۵. رمیله و دسکره دو منطقه در عراق می‌باشد.
۶. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۷۵ و ۳۴۵.

دارنـد وی (امـام زمـانعج) بـه یارانـش دسـتور می‌دهـد حرکـت کنیـد و آن‌هـا نیـز حرکـت می‌کننـد و خـود را در محلـه تماریـن (خرمافروشـان) در کوفـه بـه آن‌هـا می‌رسـانند و آن‌هـا را بـه اسـارت خویـش درمی‌آورنـد آنـگاه بـه امـر آن حضـرت آنـان را سـر می‌برنـد ایـن آخریـن گروهـی اسـت کـه بـر قائم‌آل‌محمـدص خـروج می‌نمایــد.[1]

۱۵
بدون جنگ، کار سامان نمی‌گیرد

بعضـی پنداشـته‌اند امـام عصـرعج بـدون خونریـزی و جنـگ امـور دنیـا را اصـلاح می‌فرمایـد: در صورتـی کـه روایـات، مطلـب دیگـری را تبییـن می‌فرمایـد:

«راوی می‌گویـد: بـه امـام صـادقع عـرض کـردم: مـردم می‌گوینـد: مهـدی کـه قیـام کنـد کارهـا خـود بـه خـود درسـت می‌شـود و بـه انـدازه یـک حجامـت خـون نمی‌ریـزد.

امام فرمود: کلّا والذی نفسه بیده لو استقامت الاحد عفوا...

هرگـز چنیـن نیسـت بـه خـدای جهـان آفریـن سـوگند اگـر قـرار بـود کار بـرای کسـی خـود بـه خـود درسـت شـود بـرای پیامبـرص درسـت می‌شـد هنگامـی کـه دندانـش شکسـت و صورتـش شـکافت، هرگـز چنیـن نیسـت کـه کار خـود بـه خـود درسـت شـود بـه خـدای جـان آفریـن سـوگند کار درسـت نشـود تـا اینکـه مـا و شـما در عـرق و خـون غـرق شـویم».[2]

از ایـن روایـات می‌فهمیـم کـه حضـرت بـا همـه ابزارهـای جنگـی موجـود در ارتش‌هـای کفـر بـه جنـگ بـر می‌خیـزد و بدیهـی اسـت در بخشـی از آن جنـگ حضـرت از ایـن ابـزار اسـتفاده خواهـد نمـود.

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۷۵ و ۳۴۵.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲ ص ۳۵۱.

۱۶
چگونه از بلاهای آخرالزمان رهایی یابیم؟

در مستدرک، ج ۴، ص ۴۴۰ رسول خدا ﷺ فرمود: فتنه‌هایی در پیش دارید که مثل پاره شب تاریک است راوی عرض کرد: چه کنیم یا رسول‌الله؟ حضرت فرمود: پلاس خانه باشید.[۱]

و در همان کتاب ص ۴۴۸ فرمود: فتنه‌ها مثل سیل خواهد آمد و چون آن را دیدید در خانه‌های خود جمع شوید و شمشیرهای خود را بشکنید و صورت خود را بپوشانید.[۲]

در الزام‌الناصب ص ۱۹۷ امام علی ؑ فرمود: بهترین مردم در زمان فتنه کسی است که در خانه خود مخفی باشد و با کسی رفت و آمد نداشته باشد...[۳]

ـ عبدالحمید واسطی به خدمت امام باقر ؑ عرض کرد: ما بازارها را ترک کرده‌ایم به انتظار این امر (ظهور).

امام فرمود: ای عبدالحمید! خیال می‌کنی هر کس برای خدا زحمت کشید و خود را نگاه داشت خدا برای او راهی قرار نمی‌دهد؟

بلی! به خدا قسم خداوند راه گشایشی برای او قرار خواهد داد خدا رحمت کند بنده‌ای را که خود را برای ما نگاه دارد.[۴]

ـ فضل‌بن‌شاذان.... از عمار یاسر نقل می‌کند که او فرمود:

«دعوة اهل‌بیت نبیکم فی آخرالزمان فالزموا الارض وکفّوا حتی تروا قادتها...». دعوت اهل‌بیت پیامبر شما در آخرالزمان آن است که ملازم خانه‌های خود باشید و از جای خود حرکت نکنید و صبر پیشه کنید تا اینکه رهبر قیام را ببینید.

پس هرگاه ترک‌ها با رومی‌ها درگیر شوند و جنگ و خونریزی در زمین بالا گیرد منادی بر دروازه دمشق فریاد خواهد زد که وای از شری که نزدیک شده است و نیز دیوار مسجد دمشق فرو ریزد.[۵]

---

۱. پلاس خانه بودن به معنی این است که در حداقل و در هنگام ضرورت از خانه خارج شدن.
۲. *یاتی علی الناس الزمان*، ص ۱۴۸.
۳. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۱۳۲.
۴. *یاتی علی‌الناس زمان*، ص ۹۳.
۵. *غیبت طوسی*، ص ۲۶۸ و *بحارالانوار*.

ـ رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

وقتی دیدی مردم عهد و پیمانهایشان درهم و برهم و مختلط شد و امانت‌هایشان سبک شمرده شد پس ملازم خانه خود باش و مالک زبان خود باش و بگیر آنچه را که می‌شناسی و واگذار بکن آنچه را که نمی‌شناسی و به کار شخصی خود بپردازد و در امر عامه دخالت مکن.[۱]

ـ امام صادق علیه السلام به سدیر فرمود: **«یا سدیر! الزم بیتك وكن جلسا من‌احلاسه واسكن ما سكن الليل و النهار فاذا بلغ ان السفياني قد خرج فارحل الينا و لو على رجلك».**

ملازم خانه خود باش و گلیمی از گلیم‌های آن پس تا آنگاه که شب و روز (قبل از علامت صیحه آسمانی) ساکن هستند در خانه خود باش پس هرگاه خبر رسید که سفیانی خروج کرده به سوی ما کوچ کن اگرچه با پای خود (یعنی حتی با نبود مرکب با پای پیاده حرکت کن).[۲]

ـ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: گلیم‌های خانه‌های خود باشید زیرا که فتنه برای کسی است که او را برانگیزند...[۳]

ـ امام رضا علیه السلام می‌فرماید: زود است که بر مردم زمانی بیاید که عافیت در آن زمان ده جز باشد نه جز از آن در جدا شدن از مردم و یک جز از آن در سکوت باشد.

و در روایتی دیگر فرموده‌اند: فساد عمومیست، پس بیشتر عافیت در این است که از مردم جدایی جویید و سکوت از اهل جور.[۴]

ـ جابرجعفی از امام باقر علیه السلام بعد از شرح علامات ظهور پرسید: چه چیزی بهترین چیز است که مؤمن در آن زمان (آخرالزمان) عمل کند.

امام فرمود: **«حفظ اللسان و لزوم البيت».**

حفظ زبان و خانه نشینی.[۵]

---

۱. *مختصر تذکرة*، ص ۲۰۱.
۲. *مهدی منتظر*، ص ۲۹۲.
۳. *مهدی منتظر*، ص ۲۹۱.
۴. *مهدی منتظر*، ص ۲۹۱.
۵. *مهدی منتظر*، ص ۲۹۰.

۱۷

نکته

در این چند صفحه دو مطلب مهم آمده است:

۱. از گناهانی که به عنوان نشانه‌های مردم آخرالزمان در روایات به آن اشاره شده است باید شدیدا پرهیز نمود.

۲. حضرات ائمه‌اطهار علیهم‌السلام به منظور رهایی ما در دوره آخرالزمان راهنمایی لازم را برای نجات و عاقبت بخیری مؤمنین فرموده‌اند پس شایسته است به راه‌های رهایی امامان علیهم‌السلام توجه دقیق کرد.

بخش ۲

اتفاقات در کشورهای خاور میانه قبل از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

(ایـران، عـراق، شـام (سـوریه)، مصـر، بیت‌المقـدس، بحریـن، افغانسـتان و اسـرائیل، لبنـان و فلسـطین)

۱۸
وضعیت ایران و همسایگان قبل از ظهور

امـام صـادق علیه السلام فرمـود: «بلدة یجری فی وسطها النهر و فی جنبها مضجع الامامین یقوم فیها رجل اول اسمه عبد...».

یعنـی: شـهری سـاخته می‌شـود کـه در وسـط آن شـهر رودخانـه‌ای جریـان دارد و در کنـار آن مرقـد دو امـام واقـع شـده (بغـداد) در آنجـا مـردی قیـام می‌کنـد کـه اول نـام او عبـد اسـت او بـر علیـه پادشـاه آن دیـار دسـت بـه انقـلاب می‌زنـد تـا اینکـه پادشـاه و وزراء و دوسـتان او را بـه قتـل می‌رسـاند...

سـپس در مـاه رمضـان مـرد دیگـری قیـام می‌کنـد کـه اول نـام او نیـز عبـد اسـت و او عبـد اول را کـه بـر علیـه پادشـاه وقـت قیـام کـرده بـه قتـل می‌رسـاند. آنگاه عبد دوم که عبد اول را در نیمه ماه رمضان کشته است.

«یطیر فی طائرة فتحترق ویهلك» در طیاره‌ای پرواز می‌کند و طائره او می‌سوزد و به هلاکت می‌رسد.

سپس (ایرانیان) دست به انقلاب می‌زنند و در ماه محرم خونهای بسیاری برزمین ریخته می‌شود تا آنجا که شاه عجم از ترس مردم پا به فرار می‌گذارد و از کشور می‌گریزد و از شدت عضه و اندوه به هلاکت می‌رسد (اشاره به درک واصل شدن محمدرضا شاه پهلوی دارد که از ترس مردم فرار کرد و از غصه در خارج مُرد).

«وتدوم الفتنه و یدوم الانقلاب و بشر الناس بظهوره الحجةعليه السلام».

پس از آن آشوب‌ها ادامه دارد و انقلاب نیز ادامه دارد و بعد از این جریانات مردم را به ظهور حجت‌بن‌الحسنعليه السلام بشارت ده.[1]

ـ یکی از علائم ظهور ایجاد اختلاف و دو دستگی در میان دو صنف از عجم می‌باشد بطوری که خون ریزی بسیاری در بین آن‌ها پدیدار می‌گردد.

ـ امام صادقعليه السلام می‌فرماید:

«تربة قم مقدسه و اهلها منا و نحن منهم...انهم انصار قائمنا و دعاه حقنا».

خاک قم مقدس است و ساکنانش از مایند و ما از آن‌هاییم...ایشان یاوران قائم ما و مبلغان حق ما هستند.[2]

ـ عنوان بصری از امام صادقعليه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود:

آیا هیچ می‌دانید که شهر قم را چرا قم نام گذاشتند؟

عرض کردم: خدا و رسولش آگاه‌ترند.

حضرت فرمود: برای آن که اهل قم در موقع ظهور ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با قائم‌آل‌محمد همراه می‌باشند و او را نصرت می‌دهند.

ـ امام صادقعليه السلام می‌فرماید:

---

۱. *بیان الائمه*، ج ۱، ص ۲۲۲.

(در توضیح روایات فوق جالب توجه است که اولین رئیس جمهور عراق بعد از رژیم سلطنتی ملک فیصل شخصی بنام عبدالکریم قاسم بود پس از او عبدالسلام عارف با کودتا راس کار آمد، همان کسی که هنگام پرواز هواپیمایش در هوا آتش گرفت و به درک واصل شد و بعد از او برادرش عبدالرحمن عارف آمد و بعد از او نیز حسن البکر با یک کودتا رئیس جمهور شد...). در سال ۱۹۵۸ میلادی سرهنگ عبدالکریم قاسم کودتای نظامی کرد و رژیم سلطنتی را در عراق سرنگون کرد و رژیم جمهوری را در عراق برقرار ساخت.

۲. *بحارالانوار*، ج ۶۰، ص ۲۱۸.

شهر قم وطن ما و شهر شیعیان ماست شهری است با قداست و پاکیزگی...

سپس فرمود: اهل قم از انصار و یاوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مراعات کنندگان حقوق ما اهل‌بیت‌اند.

سپس سر به سوی آسمان بلند کرد و فرمود:

خداوندا اهل قم را از فتنه‌ها و بلاها حفظ فرما و آن‌ها را از ضلالت و گمراهی محفوظ و رستگارشان فرما.[۱]

۱۹
انقلاب ایران و...

عن‌ابی جعفر علیه السلام: «انه قال: کانی بقوم قد خرجوا بالمشرق یطلبون الحق فلا یعطونه ثم یطلبونه فلا یعطونه فاذا راوا ذلك وضعوا سیوفهم علی عواتقهم فیعطون ما سالوا فلا یقبلونه حتی یقوموا ولایدفعونها الا الی صاحبکم قتلاهم شهداء اما انی لو ادرکت ذلك لاسبقت نفسی لصاحب هذاالامر».

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

مردمی از مشرق زمین قیام کرده حق را طلب می‌کنند ولی طاغوت زمان، حق حکومت آنان را نمی‌شناسد پس از مدتی دوباره حق را می‌طلبند و این بار نیز از دادن حق آنان سرباز می‌زنند ولی آن‌ها وقتی وضع را چنین دیدند شمشیرهای خود را بر شانه‌ها و گردنهای خود می‌نهند و با حکومت طاغوت می‌جنگند.

باز هم خواست آن‌ها را نمی‌دهند اما در این مرتبه مردم نیز قیام می‌کنند و حکومت را در دست دارند تا به صاحب حقیقی (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) تحویل دهند کشته‌های آنان شهیدند آگاه باشید اگر من آن زمان را دریابم خود را برای صاحب امر نگه می‌دارم.[۲]

ـ در بحارالانوار از پیشوایان دین روایت شده است که: قم مرکز علم و دانش می‌گردد و ندای اسلام به تمام عالم از شرق و غرب و جن و انس می‌رسد...

---

۱. *ترجمه کتاب السماء، بحارالانوار*، ج۴، ص۱۸۹.
۲. *غیبت نعمانی*، ص ۲۷۳، حدیث ۵۰.

Presented by: jafrilibrary.com

این پیشامدها در زمان غیبت امام زمان و در نزدیکی ظهور آن حضرت واقع می‌شود و آنان جانشینان امام زمان هستند تا آن که پرچم اسلام را به حضرت مهدی بسپارند...[1]

ـ امام صادق: زمانی می‌آید که شهر قم و مردم آن بر تمام مردمان عالم حجت می‌شوند تا آنگاه که ولی‌عصر ظهور نماید و اگر چنین نبود زمین اهل خود را می‌بلعید...[2]

پیامبراکرم می‌فرماید: **«یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطانه».**

مردی از مشرق زمین قیام می‌کند و زمینه را برای تسلط مهدی فراهم می‌سازد.[3]

۲۰
عراق قبل از ظهور امام عصر

مفضل‌بن‌عمر درباره وقایع آخرالزمان و قیام امام مهدی و ...از امام صادق درباره بغداد و حاکمان زور چنین آمده است که:

مفضل گفت: حضور امام صادق عرض کردم: ای آقای من! در آن وقت دارالفاسقین چگونه است و چه وضعی دارد؟ امام فرمود: مشمول لعنت و خشم و غضب خداوند است و فتنه‌ها و آشوبها آن را (بغداد) ویران می‌کند...

«فالویل لها و لمن بها کل الویل من الرایات الصفر و رایات المغرب و من یجلب الجزیره و من الرایات اللتی تسیر الیها من کل قریب او بعید». ای وای بر بغداد[4] و بر مردمی که در آنجا سکنا می‌گزینند از پرچم‌های زرد و پرچم‌هایی که از مغرب (غربیان) می‌آیند آن کسی که جزیره را (بصره) به آشوب می‌کشد و از پرچم‌هایی که از دور و نزدیک به آنجا رو می‌آورد که تمام بدبختیها و گرفتاری‌ها و ویرانی‌ها به وسیله آن‌هاست.

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۶۰، باب ۳۶.
(بحمدالله این اتفاق اکنون در قم به وقوع پیوسته مبلغین مذهبی از قم به کشورهای خارجی و به شهرهای ایران اعزام می‌شوند و رادیوی معارف قم به چندین زبان برنامه‌های معارفی خود را پخش می‌نماید).
۲. *سفینة‌البحار*، ج ۲، ص ۴۴۶.
۳. *کنزالعمال*، حدیث ۳۸۶۵.
۴. زوراء نام بغداد است که در روایت آمده است.

به خدا سوگند که هر گونه عذاب و بلائی که بر امت‌های سرکش گذشته از اول خلقت تا پایان روزگار رسیده است بر بغداد فرود می‌آید.

عذاب‌هایی به بغداد خواهد رسید که هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ گوشی آن را نشنیده است.[1]

و طوفان شمشیر آن‌ها را درو خواهد نمود...

و روزی برسد که فرمانروایانی دروغگو و افترازن که به خدا دروغ می‌بندند و به غیر کتاب خدا فرمان می‌دهند در آن ظاهر شوند و خونریزی چنان در بغداد شایع شود و روز به روز گسترش یابد تا جایی که فجایع تمام دنیا به پای آن نرسد.

سپس خداوند همین بغداد را بوسیله آن فتنه‌ها و آشوبها و همان پرچمها چنان ویران کند که وقتی رهگذری از آنجا بگذرد بگوید: آری: زوراء (بغداد) در اینجا بوده است.[2]

ـ جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام درباره سفیانی سؤال کردم حضرت فرمود: سفیانی خروج نمی‌کند مگر آنکه قبل از او شیصبانی[3] در سرزمین عراق خروج کند او همچون جوشیدن آب از زمین می‌جوشد و فرستادگان شما را به قتل می‌رساند بعد از آن در انتظار خروج سفیانی و ظهور قائم باشید.[4]

۲۱
بصره قبل از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

زمانی که امیرمؤمنان از جنگ جمل فارغ شد منادی را امر کرد تا اعلام کند مردم از فردا به مدت ۳ روز در نمازها حاضر شوند و هیچ کس بدون عذر، حق سرپیچی ندارد چون روز معین فرا رسید و مردم اجتماع کردند

---

۱. شاید اشاره به جنگ خلیج فارس در سال ۶۹ باشد امریکا و کشورهای عضو ناتو با عنوان و اسم طوفان صحرا به کشور عراق توسط بوش شدیدا مورد حمله واقع شده است. چنانچه در روایات بعدی به آن پرداخته خواهد شد و این جنگ عراق با آمریکا سر فصل ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات تلقی شده است.

۲. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۴ شبیه این روایات نیز در خطبه ۷۰ *نهج‌البلاغه* ابن‌ابی‌الحدید آمده از امام علی علیه السلام در مسجد کوفه نقل شده و در آن خطبه اشاره به نزدیکی ظهور امام عصر نیز دارد.

۳. شیصبانی در روایات، مردی است دشمن اهل‌بیت.

۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۵۰.

امام در آن مکان حضور یافت و نماز صبح را در مسجد جامع بصره با مردم گذارد بعد از پایان نماز، حضرت ایستاد و در حالی که پشت به قبله و به دیوار سمت راست مصلا تکیه زده بود مردم را مخاطب قرار داد آنگاه بعد از حمد الهی و صلوات بر پیامبراسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و طلب آمرزش برای مردان و زنان مؤمن فرمود: «ای مردم بصره، ای اهالی شهری که تاکنون سه مرحله اهل خود را به کام مرگ فرستاده است خداوند متعال مرحله چهارم را نیز محقق ساخته است.

ای لشکریان زن (عایشه) آیین شما نفاق است و آب آشامیدنی‌تان تلخ و غیرقابل استفاده خاک شهر شما بدبوترین خاک‌های شهرهای خداست و دورترین آن‌ها از رحمت خداوند...

گوئیا می‌بینم شهر شما را آب پوشانده بگونه‌ای که غیر از مناره مسجد که مانند سینه پرنده‌ای در وسط دریا آشکار است چیز دیگری دیده نمی‌شود.

در این هنگام احنف‌بن‌قیس ایستاد و سؤال کرد: ای امیرمؤمنان! این‌ها چه زمانی اتفاق می‌افتد؟

حضرت فرمود:

ای ابابحر! تو آن زمان را هرگز درک نخواهی کرد فاصله بین تو و آن زمان قرن‌هاست لکن باید حاضرین شما به غائبین و آن‌ها نیز به برادران دینی خود برسانند...

سپس حضرت فرمود: زمانی که دیدند نیزارهای آن تبدیل به خانه‌ها و آسمان خراش شده است پس فرار فرار (کنید).

که در آن روز دیگر بصره‌ای برای شما باقی نخواهد ماند آنگاه امام متوجه سمت راست خود شد و فرمود: چقدر فاصله بین شما و اُبُلَّة[1] است؟

منذربن‌جارود عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد چهار فرسخ حضرت به او فرمود: راست گفتی...آنگاه فرمود: از پیامبر شنیدم اینگونه که شما هم اکنون از من می‌شنوید روزی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به من فرمود:

ای علی! می‌دانی فاصله بین مکانی که بصره نام دارد و منطقه‌ای که

---

۱. نام منطقه‌ای در عراق.

آن را اُبُلّه می‌نامند چهار فرسخ است بزودی این منطقه محل استقرار خراج گیران خواهد شد در آن مکان هفتاد هزار نفر از امت من شهید خواهند شد که به منزله شهدای جنگ بدر می‌باشند.

منذر سؤال کرد: ای امیرمؤمنان علیه السلام چه کسی آنان را می‌کشد؟ حضرت فرمود: آنان به وسیله کسانی که مانند شیاطین سیاه چهره و بدبو هستند کشته می‌شوند حرص و طمع آنان زیاد است ضربه‌هایشان محکم و کاری، اما غنیمت اندکی دارند خوش به حال کسی که به دست اینان کشته شود، برای مبارزه با آنان گروهی پیشقدم می‌شوند که نزد مستکبرین آن زمان خوار هستند و در زمین ناشناس و در آسمان معروفند آسمان و زمین و آنچه در آن‌هاست بر آنان می‌گریند سپس چشمان حضرت پر از اشک گردید و فرمود: و ای بر تو ای بصره از لشکری که نه صدا دارد و نه گرد و غبار.

منذر سؤال کرد: یا اباالحسن! آنچه فرمودید که از غرق شدن برای آنان (اهل بصره) پیش می‌آید کدام است؟

حضرت فرمود: این لفظ (وای) دارای دو درب است یکی در رحمت و دیگری در عذاب، آری ای پسر! جارود خونخواهانی بزرگ که گروهی از آنان بعضی دیگر را به قتل می‌رسانند و از آن جمله فتنه و آشوبی است که تخریب خانه‌ها و شهرها و غارت اموال را به دنبال خواهد داشت و اسارت زنانی که با وضع بسیار بدی سر بریده می‌شوند. ای وای! که تا چه اندازه سرگذشت آنان عجیب است.

و از جمله آن نشانه‌ها دجال بزرگ است که یک چشم راست او ناپیدا است و در چشم دیگرش چیزی مانند گوشت جویده شده می‌باشد که آمیخته به خون است.

چشم وی مانند دانه انگوری که روی آب در گردش باشد از حدقه بیرون آمده است گروهی از مردم بصره که تعداد آن‌ها به اندازه شهدای اُبُلّه می‌رسد و انجیل‌ها حمایل دارند از او پیروی می‌کنند در آن زمان عده‌ای کشته می‌شوند و عده‌ای فرار می‌کنند و پس از آن اتفاقاتی صورت می‌گیرد

مثل لرزش زمین، به اطراف پرتاب شدن، فرو رفتن، و به صورت دیگر در آمدنِ قیافه‌ها.

آنگاه گرسنگی در اثر قحطی و بعد از آن مرگ سرخ یعنی غرق شدن می‌باشد.

سپس امام فرمود:

شهر بصره در کتب آسمانی دارای سه نام دیگر غیر از بصره است که جز دانشمندان و علماء، آن‌ها را کسی نمی‌داند از آن جمله خُرَیْبَه، تدَمر و موتفکه است....

در ادامه این خطبه امام فرمود:

در یکی از روزها پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله مطلبی را به من فرمود و غیر از من کسی با آن حضرت نبود آنگاه امام فرمود: جبرئیل روح‌الامین مرا بر شانه راستش حمل نمود تا زمین و آنچه که بر روی آن وجود دارد را ببینم کلیدهای آن را به من سپرد و به آنچه که در زمین بود و تا روز قیامت خواهد بود مرا آگاه نمود آشنایی و آگاهی این امر برایم دشوار نبود همان طوری که بر پدرم آدم سخت نیامد آن زمانی که همه نام‌ها را پدرم آرام آموختند اما ملائکه آن‌ها را ندانستند.

آنگاه من در کنار دریا شهری را مشاهده نمودم که بصره نامیده می‌شد آن شهر دورترین قسمت زمین نسبت به آسمان بود نزدیک‌ترین شهرها به آب، آن سرزمین از سایر مکان‌ها زودتر خراب می‌گردد و دارای نامرغوب‌ترین خاک و شدیدترین عذاب‌ها خواهد بود که در قرون گذشته چندین بار به زمین فرو رفته و دیگر بار نیز چنین خواهد شد.

ای اهل بصره و ای روستاهای اطراف: آن روزی که آب آنجا را فرا می‌گیرد برای شما، از نظر بلا و مصیبت روز بس بزرگی خواهد بود من محل فوران و جوشش آب در شهر شما (بصره) را می‌دانم و قبل از آن حوادثی بزرگ و غیره منتظره به شما روی می‌آورد که از دیدگان شما پنهان‌است لکن ما به آن آگاهیم کسی که نزدیک غرق شدن، آن شهر را ترک کند رحمت خدا

شامل او شده است و کسی که در آن بدون توجه باقی بماند در گرو گناه خویش است خداوند نسبت به بندگانش ستم نمی‌کند.[۱]

۲۲
شهر بغداد قبل از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

زمانی که امیرمؤمنان علی علیه السلام از جنگ نهروان برمی گشت در منطقه‌ای به نام بُراثا فرود آمد در آن منطقه راهبی بنام حُباب در صومعه خویش بسر می‌برد همین که هیاهوی لشکریان را شنید از جایگاه خود به بیرون نگریست و نظاره‌گر سپاهیان امیرمؤمنان شد وی با مشاهده این وضع سراسیمه بیرون آمده و سؤال کرد:

فرمانده این لشکر چه کسی است؟ گفتند: امیرمؤمنان علیه السلام است که از جنگ نهروان برمی‌گردد حباب با شتاب خود را به آن حضرت رسانده و در حضور وی ایستاد و سخن آغاز کرد و عرضه داشت درود بر تو ای پیشوای راستین مؤمنان که بحق امیرمؤمنان هستی حضرت فرمود: چگونه دانستی که من امیرمؤمنان راستین و بر حقّ هستم؟

عرض کرد: دانشمندان و عالمان دینی ما چنین به ما آموخته‌اند... در این لحظات بود که حباب به آن حضرت عرض کرد: دستت را به من بده شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و....

امیرمؤمنان از او سؤال کرد کجا زندگی می‌کنی؟ گفت: در صومعه خویش حضرت به او فرمود از امروز به بعد در آن سکونت مکن اما در اینجا مسجدی بنا بگذار و آن را به نام بانی و صاحب این منطقه نامگذاری کن.

بدین ترتیب مسجدی را در آنجا ساخت و نام آن را بُراثا گذاشت سپس حضرت فرمود: ای حباب از کجا آب می‌نوشی؟ عرض کرد: همین جا از دجله.

فرمود: چرا چشمه و چاهی حفر نمی‌کنی؟

عرض کرد: ای امیرمؤمنان هر وقت به حفر چاه مبادرت نمودیم آب آن شور و غیر گوارا بود حضرت اشاره فرمودند: در اینجا چاهی بکن، او حفر

۱. *بحارالانوار*، ج ۳۲، ص ۲۵۶، باب ۴.

کرد تا به سنگی برخوردند که قادر به کندن آن نبودند آن حضرت سنگ را از جای برکنده از آن چشمه آبی جوشید که شیرین‌تر از عسل و دلپذیر از کره بود حضرت فرمود: ای حباب آب آشامیدنی تو از این چشمه است اما بزودی در مجاورت این مسجد تو شهری بنا خواهد شد که ستمگران در آن افزون و بلا و مصیبت‌های بزرگی بوجود خواهد آمد تا جائی که در هر شب جمعه هفتاد هزار عمل منافی عفت در آن انجام می‌شود وقتی که بلا و گرفتاریها به‌آنان روی آورد به مسجد تو هجوم می‌آورند و آن را منهدم می‌سازند.[1]

۲۳
آتشی از آسمان برای بغداد و بصره

ـ امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

پیش از قیام قائم مردم در اثر گناهانشان بوسیله آتشی که از آسمان بر آن‌ها آشکار می‌شود در عذاب بوده و رنج می‌برند (که علائمی دارد) و آن رنگ سرخی است که آسمان را می‌پوشاند و فرو رفتن زمین در بغداد و بصره و خون‌هایی که در آنجا ریخته می‌شود و خانه‌هایی که خراب می‌گردد و هلاکتی که در بین اهالی آن سامان به وجود می‌آید و چنان اضطرابی که اهل عراق را فرا می‌گیرد به گونه‌ای که موجب سلب آرامش آن‌ها می‌گردد.[2]

ـ مرحوم شیخ مفید فرمود: نشانه‌های قیام حضرت قائم و حوادثی که قبل از قیام آن بزرگوار بوجود می‌آید در روایات آمده است از جمله:...ترس و وحشت فزاینده‌ایی که اهل عراق و بغداد را فرا می‌گیرد و به وجود آمدن مرگ دسته جمعی در بین آنان و کمبود و کاستی در اموال و جان‌ها و محصولات... می‌باشد.[3]

ـ در علائم عمومی ظهور آمده که: باد سیاهی در اول روز در بغداد می‌ورزد

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۱۷.
و اکنون این مسجد نزدیک شهر بغداد است و حملات امریکائی‌ها به این مسجد و مصائب و فسادهای این شهر به گوش همه رسیده است.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۲۱.
۳. *ارشادمفید*، ص ۳۳۶.

و زلزله در آنجا روی می‌دهد بطوری که بسیاری از شهر فرو رفته و خراب گردد.

۲۴
نتیجه حمله به عراق

امام علی علیه السلام فرمودند: از من بپرسید پیش از آنکه فتنه‌ای از شرق (ظاهر شود) پای خود را بردارد که مدیر و مدبری ندارد. و یا در آن فتنه فساد بسیار می‌شود و آن از دجله و یا اطراف آن یعنی بغداد آغاز می‌شود و تمام کسانی را که آن فتنه را آغاز کرده‌اند و جنگ ناخواسته‌ای را شروع نموده‌اند در نتیجه در آتش خود می‌سوزاند.

و سرانجام دود آن فتنه به چشم خودشان می‌رود ـ و همه کسانی که در آن شرکت می‌کنند و «رهبر» آن فتنه را در بغداد یاری می‌دهند و آتش این فتنه را دامن می‌زنند و او را در ادامه فتنه راهنمایی می‌کنند و سیل کمک‌های مادی و معنوی خود را بسوی بغداد سرازیر می‌نمایند و خلاصه همه کسانی که به نحوی در این فتنه دست دارند همگی از هستی ساقط می‌شوند و از میان می‌روند و جز اندوه و حسرت و پشیمانی برای آنان حاصلی ندارد.[۱]

۲۵
فرعون عراق

بزنطی از حضرت امام علی‌بن‌موسی الرضا علیه السلام چنین آورده است: از حضرت ابوالحسن علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه السلام درباره مسئله‌ای در موضوع (خواب) سؤال نمودم حضرت از جواب دادن خودداری نمود سپس فرمود: اگر ما آنچه را که شما می‌خواستید به شما بدهیم و یا به شما بگوئیم برایتان خوب نیست و به شما زیان می‌رسد آنگاه امام علیه السلام درباره حضرت صاحب‌الامر به سخن پرداخت و فرمود: «و انتم بالعراق ترون اعمال هولاء الفراعنه و ما امهل لهم...».[۲]

۱. قسمتی از توضیح مذکور، در ذیل حدیث مزبور در بیان علامه مجلسی ره نیز آمده است.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

Presented by: jafrilibrary.com

یعنی:

در حالی که شما در عراق اعمال (زشت و کردار ناپسند) این فرعونها و ستمکاران و مهلتی که خداوند به آن‌ها داده است را از نزدیک می‌بینید پس باید تقوی را پیشه خود سازید و به جانب خدا رو آورید و دنیا شما را فریب ندهد و همچنین به وضع کسانی که خداوند به آن‌ها مهلت داده است (تا حجت خود را بر آن‌ها تمام کند و آنان نیز توجه خود را بطور کلی از خدا قطع کرده‌اند) فریب نخورید که چنان می‌بینم حقیقت به شما رسیده (و حضرت صاحب‌الامر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ظهور فرموده است).[1]

۲۶

مسجد براثا

انس‌بن‌مالک خادم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای ما نقل کرد: وقتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام از جنگ نهروان مراجعت نمود و در «براثا» (محلی بین بغداد و کاظمین) نزول اجلال فرمود و با راهبی به نام حباب به گفتگو پرداخت...تا آنجا که فرمود: ای حباب! به زودی در جنب مسجد تو شهری بنا می‌شود (بغداد) که ستمگران بسیار فراوانی در آن باشند و مردمش بلای بزرگی در پیش خواهند[2] داشت.

تا جائی که در هر شب جمعه هفتاد هزار عمل منافی عفت و زنا مرتکب گردند وقتی ظلم و بلای آن‌ها زیاد شد راه این مسجد را می‌بندند کسی این مسجد را خراب نمی‌کند مگر اینکه کافر باشد سپس آنرا دوباره تجدید بنا می‌کنند و آنگاه در مرتبه آخر وقتی که مسجد را خراب کردند سه سال مردم را از رفتن به حج منع می‌کنند و زراعتهای آن‌ها می‌سوزد و خداوند مردی از اهل (سفح)[3] (یا به عبارت روشنتر) مرد سفاک و بی‌باک و خونریزی را بر آن‌ها مسلط می‌کند و او به هیچ شهری وارد نمی‌شود مگر

۱. *بحار الانوار* ج ۵۲ ص ۱۱۰.
۲. شهر بغداد بعدها ساخته شده است و در زمان امام علی علیه‌السلام از آن خبری نبوده است.
این شهر در زمان هارون ساخته شد و به باغ دادخواهی معروف بوده که هارون در آن باغ به دادخواهی مردم رسیدگی می‌کرد. بعدها به گویش محلی باغ داد به بغداد تغییر یافته است.
۳. نام محلی از عراق عرب است مراصد.

آنکـه آن شـهر را خـراب می‌کنـد و مـردم آن را می‌کشـد سـپس بـار دیگـر بـاز هـم بسـوی آن‌هـا برمی‌گـردد.[۱]

۲۷
جنگ‌های خونین

من حدیث ابی الحسن الربعی المالکی یسند الی رسول اللّهﷺ قال: «اذا وقعت الملاحم، بعث‌اللّه رجلا من الموالی، اکرم العرب...». پیغمبـر گرامـی اسـلام فرمود:

زمانـی کـه جنگهـای سـخت و خونینـی (کـه در آن کشـته‌های فـراوان باشـد) درگرفـت خداونـد مـردی از ایرانیـان را خواهـد برانگیخـت کـه از نظـر اصل و نسـبت گرامی‌تریـن عـرب و از نظـر سـلاح و ابـزار و آلات جنگـی و اسـلحه، لشـکریان او از همـه اعـراب برتـر و بهتـر و نیکوتـر اسـت و خداونـد بوسـیله «موالـی» یعنـی: ایرانیـان دیـن را تأییـد خواهـد نمـود.

پـس در آن هنـگام حکمـران عـراق یعنـی فرمانـروای ایـن کشـور، در آن سـرزمین، آن مـرد متوسـط القامـه (و میـان قـدی) را کـه دارای ریـش و محاسـنی انبـوه و مویـی سرخ و سـفید (و یـا سـرخ متمایـل بـه زردی) و دندانهایـی سـفید و بـراق اسـت بـه قتـل می‌رسـانید وای بـر اهـل عـراق (و مردمـی کـه در ایـن کشـور زندگـی می‌کننـد) از ظلـم و سـتم بی‌حـدی کـه از پیـروان بی‌دیـن، و اتبـاع از خـدا بی‌خبـر آن حاکـم ظالـم بـر آن‌هـا خواهـد رفـت، آنـگاه مهـدی مـا اهلبیـت آشـکار خواهـد شـد و سراسـر زمیـن را هـم چنانکـه پـر از ظلـم و جـور شـده اسـت از عـدل و داد پـر خواهـد کـرد.[۲]

۲۸
جبار آخرالزمان در عراق

امـام علـیؑ فرمودنـد: «ویل لفراخ فراخ آل محمدﷺ من خلیفة جبار عتریف مترف...»؛ یعنـی: وای بـر فرزنـدان خانـدان آل محمـدﷺ از پادشـاه جبـار فریبـکار سـتمکار

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۱۷، باب ۲۵.
۲. *بشارة الاسلام*، ص ۲۹.

اسـرافکاری کـه بـر بازمانـدگان فرزنـدان مـن و فرزنـدان فرزندانـم اسـتخفاف مـی‌ورزد و دربـاره آن‌هـا ظلـم وسـتم روا مـی‌دارد.

بـه خـدای بـزرگ سـوگند مـن بـه آینـده جهـان آگاهـم و بـه آنچـه در آن اتّفـاق خواهـد افتـاد اطـلاع کامـل دارم.

آگاه باشـید بعـد از مـن از میـان خاندانـم مـردی خواهـد برخاسـت کـه بـه فرمـان خـدا دسـتور دهـد و بـه حکـم خداونـد حکـم نمایـد و او مـرد قـوی و نیرومنـدی اسـت کـه بـه دسـتور خـدا عمـل می‌نمایـد.

و او بعـد از زمـان بسـیار، قیـام خواهـد کـرد کـه مـردم از دسـت سـتمکاران در فشـار و ناراحتـی بـوده و زشـتیها و رسـوائیها از هـر سـو دامنگیرشـان گردیـده و بلاهـا و شـدائد بـه آن‌هـا روی آورده و امیدهـا ناامیـد گشـته و رشـوه خـواری رواج دارد.

در آن هنـگام کـه او برخاسـت و قیـام کـرد مـردی از کنـار دجلـه بغـداد بـه دسـتور حزبـش برانگیختـه می‌شـود کـه قبـلاً در پشـت پـرده قـرار داشـته و گمنـام بـوده و کسـی او را نمی‌شـناخته اسـت و دشـمنی و کینـه تـوزی، او را بـه کشـتار و خونریـزی (بـی گناهـان) وادار می‌سـازد آن مـرد خـون آشـام بـه کشـتار مردمـی دسـت می‌زنـد کـه بـر آن‌هـا خشـمناک و غضبنـاک، و کینه‌تـوزی وی نسـبت بـه ایشـان بسـیار شـدید اسـت زیـرا آن‌هـا خواسـته او را اجابـت نمی‌کننـد و در برابـرش تسـلیم نمی‌شـوند و او طبـق روش (بخـت النصـر) شهرهایشـان را بـر سرشـان خـراب می‌کنـد و جـام تلخـی بـه ایشـان می‌چشـاند و سـرانجام کار او نیـز عذابـی دردنـاک و پایـان عمـل ناروایـش شمشـیر هلاکـت اسـت.[1]

۲۹
زوراء و عاقبت آن

از علقمه‌بن‌قیس روایت کرده است که وی گفت:

امیرالمؤمنیـن در مسـجد کوفـه بـالای منبـر آن بـرای مـا خطبـه (لؤلـؤه) را ایـراد نمو د.

آنگاه فرمود:

---

۱. *کنزالعمال*، ج ۱۴، ص ۵۹۳، ع ۵۹، ح ۳۹۶۷۹.

شهری در بین دجله و فرات ساخته می‌شود که به آن شهر زوراء (بغداد) می‌گویند پس هرگاه آن شهر را دیدید که با گچ و آجر ساخته شد و با طلا و نقره و لاجورد و مرمر و رخام و درهایی از چوب عاج و آبنوس و خیمه‌ها و قبه‌ها و پرده‌ها تزئین یافت و انواع درختان ساج و عرعر و صنوبر سر به فلک کشیده، در هر طرف آن دیده‌ها را خیره ساخت و به انواع قصرها و کاخ‌های گوناگون استحکام یافت و بیست و چهار نفر از پادشاهان بنی شیصبان یکی پس از دیگری در آنجا حکومت کردند... و سپس قبه خاکی رنگ، صاحب بیابان سرخ بنا گردید آنگاه پشت سر آن قائم به حق هم چون ماه نورانی بین ستارگان درخشان، در میان سرزمین‌های عالم و قاره‌های بزرگ جهان نقاب از چهره خود برمی‌دارد.[۱]

۳۰
نشانه‌های ظهور در عراق در کلام امام هفتم علیه السلام

یحیی‌بن‌فضل نوفلی گفت: بر حضرت ابوالحسن «امام موسی‌بن‌جعفر» علیه السلام در بغداد وارد شدم و این موقعی بود که حضرت از خواندن نماز عصر فارغ شده و دست‌های مبارک را به طرف آسمان بالا برده بود و شنیدم که حضرت در دعای خود می‌فرمود: «انت اللّه لااله‌الاانت الاول و الاخر و الظاهر و الباطن».

تا آخر دعا که فرمود: بار خدایا از تو می‌خواهم که بر محمد صلی الله علیه و آله و آلش رحمت فرستی و در ظهور فرج آن منتقمی که برای تو از دشمنانت انتقام می‌گیرید تعجیل فرمایی و آنچه را که وعده فرموده‌ای به آن جامه عمل بپوشانی.

«یا ذالجلال و الاکرام». عرض کردم: یابن‌رسول‌الله! برای چه کسی دعا می‌فرمودید؟

فرمود: برای آن مهدی موعودی که از آل‌محمد صلی الله علیه و آله است (و جهان در انتظار اوست) دعا می‌کردم آنگاه پاره‌ای از اوصاف و خصوصیات روحی او را بر شمرد و شمایل نیک آن حضرت را از زردی رنگ چهره و شب زنده داری و رکوع و سجودش بیان فرمود.

۱. *کفایة‌الاثر*، ص ۲۱۳.

عرض کردم:

یابن‌رسول‌الله! زمان قیام حضرتش چه وقت خواهد بود فرمود: **«اذا رایت العساکر بالانبار[1] علی شاطئی الفرات[2] و الصراة[3] و دجله وهدم قنطرة الکوفه، و احراق بعض بیوتات الکوفه. فاذا رایت ذلك فان‌اللّه یفعل مایشاء لاغالب لامراللّه ولا معقب لحکمه».**

یعنی:

هرگاه لشکریان فراوانی را در شهر «انبار» در کنار شط فرات و «صراة» و «دجله» مشاهده کردی و دیدی که «جسر» و پل روی شط کوفه منهدم گردید و برخی از خانه‌های اهل کوفه سوخت در آن موقع زمان خروج حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فرا رسیده است پس زمانی که این علامت‌ها را دیدی آنچه را که خدا بخواهد انجام خواهد داد و فرمان خداوند مغلوب شدنی و تأخیرپذیر نیست. **«لاغالب لامراللّه ولا معقب لحکمه».**[4]

در روایتی دیگر آمده: سفیانی وارد کوفه می‌شود و سه روز در آنجا به غارت می‌پردازد و شصت هزار نفر از اهالی آنجا را می‌کشد سپس هجده شب در آنجا می‌ماند...

و در نقلی از امام علی علیه‌السلام آمده که فرمود: او (سفیانی) یکصد و سی هزار تن را به کوفه می‌فرستد و آن‌ها در منطقه روحاء و فاروق فرود می‌آیند شصت هزار تن از آن‌ها راهی کوفه می‌گردند تا اینکه در محل قبر هود در نُخلیه فرود می‌آیند و روز عید به آن‌ها هجوم می‌آورند.

۱. انبار شهری است که در کنار فرات در سمت غربی (بغداد واقع شده و فاصله بین این شهر تا بغداد ده فرسخ است نام قبلی شهر انبار «رمادی» بوده است.

۲. دجله و فرات نام دو رود معروف عراق است و هر دو از ترکیه سرچشمه می‌گیرند و سپس وارد عراق می‌شوند.

۳. صراة دو معنا دارد یکی از معانی آن نام نهری است که در یک فرسخی بغداد قرار دارد و پس از آبیاری نمودن باغستهانهای بسیاری در نتیجه زیادی آب آن به دجله می‌ریزد که ظاهرا منظور حدیث از صراۀ نام این نهر نیست و معنای دیگر آن عبارت از آب راکدی است که مدتی در یک جا بماند به طوری که بوی آن تغییر کند که در اصطلاح به آن «مرداب» و یا «باتلاق» می‌گویند که ظاهرا منظور از صراۀ همین مرداب‌ها است که در جنوب شرقی عراق است.

۴. *فلاح السائل*، چاپ اول، ص ۲۰۰.

۳۱

شام[۱] قبل از ظهور

امام باقر علیه السلام به جابر جعفی می‌فرماید:

پیوسته بر جای خود باش و دست و پای حرکت تا علامت‌هایی را که برای تو بیان می‌کنم مشاهده کنی.

پیدایش ندا کننده‌ای که از آسمان پیام می‌دهد و این صدا از ناحیه دمشق شنیده می‌شود و مژده ظهور حضرت مهدی را می‌دهد و فرو رفتن آبادی در شام که آن را جابیه نامند...

در آن سال (سال ظهور) در هر نقطه‌ای از زمین در ناحیه غرب اختلاف و درگیری وجود دارد و نخستین سرزمینی که نابود شود شام است...

۳۲

فلسطین در آخرالزمان

امام علی علیه السلام فرمودند: الا یا ویل لفلسطین وما یحل بها من الفتن التی لاتطاق...

آگاه باش! وای بر مردم فلسطین از فتنه‌ها و جنگ‌ها که در آن واقع می‌گردد و انسان طاقت آن را ندارد.[۲]

و در روایاتی دیگر فرمودند: وستاتی الیهود من الغرب لانشاء دولتهم بفلسطین قال الناس یا ابالحسن انی تکون العرب؟

قال: تکون مفککةُ العُری مفککة العُری غیر متکاتفة وغیر مترافة... وستاتی النجدة من العراق کتب علی راياتها القوةُ وتشترك العرب والاسلام کافةً لتخلص فلسطین، معرکةً وایُّ معرکة؟.... زود است که یهود از غرب برای ایجاد کشور و دولت فلسطین بیاید پرسیدند: عرب‌ها کجا هستند؟ فرمود: در آن زمان عرب‌ها از ما جدا هستند و اتحاد ندارند اما به زودی نیروهایی اهل کارزار از عراق حرکت می‌کنند که بر

---

۱. شام در روایات به کشور سوریه فعلی اطلاق نمی‌شود بلکه منطقه شامات، از وسعت بیشتری در آن زمان برخوردار بوده که عراق نیز جز شام آن زمان محسوب شده است.

۲. *الزام الناصب*، ج ۲، ص ۴۸۰.

پرچم‌های آنان کلمه «قوة»[1] نوشته شده است و اسلام و عرب با هم متحد و شریک می‌شوند و همه حرکت می‌کنند برای آزادی فلسطین و میدان جنگی برپا می‌شود چه معرکه‌ای؟ در کنار دریا مردم در خون رفته و شنا می‌کنند و مجروحین از روی بدن کشتگان راه می‌روند قسم به خدا که همه یهودیان را چون گوسفند سر می‌برند تا این که یک یهودی هم در فلسطین باقی نمی‌ماند.[2]

۳۳
خراب شدن مسجد اموی در دمشق

ابن‌حماد از محمدحنفیه نقل کرده که فرمود: نخستین گروه‌های لشکریان مغربی وارد مسجد دمشق می‌شوند و در حالیکه مشغول تماشای دیدنی‌های شگفت‌انگیز آن هستند ناگهان زمین فرو رفته و بخش غربی مسجد دمشق و آبادی به نام حرستا فرو می‌رود در این هنگام سفیانی خروج می‌کند.[3]

و در روایتی دیگر امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: وقتی در شام دو گروه نظامی اختلاف کنند نشانه‌های الهی آشکار می‌شود پرسیدند: ای امیرمؤمنان آن نشانه چیست؟

فرمود: زمین لرزه‌ای در شام رخ می‌دهد که صد هزار نفر در اثر آن هلاک می‌گردند و این را خداوند رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران قرار می‌دهد.

وقتی آن هنگام فرا رسد سوارانی که دارای اسبهای سفید و پرچم‌های زرد رنگ[4] باشند از مغرب می‌آیند تا وارد شام می‌شوند و در آن لحظات است که فریاد و بی‌تابی بزرگ و مرگ سرخ فرا می‌رسد وقتی آن وضع پیش آمد پس بنگرید فرو رفتن آبادی از روستاهای دمشق را که به آن حَرْشا

---

۱. بر روی آرم سپاه پاسداران کلمه قوة است.

۲. *عقایدالامامیة عشریه*.

۳. *ابن‌حماد*، نسخه خطی، ص ۷۱.

۴. در روایت است این گروه که پرچم زرد دارند در نزدیکی ظهور امام ظاهر می‌شوند شاید بتوان صاحبان این پرچم زرد را به نشان پرچم حزب‌الله لبنان تطبیق داد.

می‌گویند در این هنگام فرزند هند جگرخوار (سفیانی) از بیابان خروج کرده و بر منبر دمشق قرار گیرد در این بحبوحه در انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشید.[۱]

ـ رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: دیری نمی‌پاید که مردم شام دینار و پیمانه‌ای (پول و غذا) نزدشان یافت نمی‌شود پرسیدیم این امر از کجاست؟

فرمود: از جانب رومیان (غربی‌ها).

سپس لحظه‌ای سکوت کرد و فرمود: در آخرالزمان خلیفه‌ای می‌آید که به مردم اموال کمی داده و آن را به شمارش نمی‌آورد.[۲]

در روایتی آمده که: اهل غرب به سوی مصر هجوم می‌آورند همینکه وارد می‌شوند فرمانروایی سفیانی برقرار می‌شود و قبل از آن شخصی مردم را به سوی آل پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می‌نماید.[۳]

۳۴
لبنان در آخرالزمان

امام علی علیه السلام می‌فرماید: بلاها به اطراف لبنان وارد شود پس چه بسا کشته شده‌ای در بیابان بی‌آب و علف و اسیرانی در جانب نهر، پس در آنجا (لبنان) گریه‌های بلندی شنیده شود و ترس‌ها با آنان رفیق گردد.[٤]

۳۵
آزادی بیت‌المقدس

روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: یهودیان از اطراف جهان جملگی به کشور فلسطین خواهند آمد و از برای خود دولت تشکیل می‌دهند...

و عده‌ای از زمامداران کشورها با آنان جنگ می‌کنند ولی شکست نصیب

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۵۳.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۹۲.
۳. *بحارالانوار*، ۵۲، ص ۲۰۸ و ص ۲۵۳.
۴. *الزام الناصب*، ج ۲، ص ۲۴۰ ـ *یأتی علی الناس زمان*، ص ۶۱۴ (در دهه ۶۰ اتفاقات و درگیری‌های داخلی لبنان این کشور را مصداق عینی همین روایت نموده و درگیری‌ها و قتل‌های عجیب در این کشور سال‌ها ادامه داشت).

یهـود نگـردد آخرالامـر مسـلمین بـا اعـراب متحـد شـوند و وحـدت لازم در همـه آنـان ایجـاد گـردد و بـا نبـردی کـه می‌کننـد سـرانجام پیـروزی نصیـب آنـان می‌گـردد و کشـور فلسـطین در اختیـار آن‌هـا می‌آیـد و یـک یهـودی در آنجـا جایگزیـن نمی‌شـود.[1]

۳۶
شکست و اضمحلال اسرائیل

پیامبراکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمـود: قیامـت برپـا نمی‌شـود مگـر آنکـه بیـن مسـلمانان و یهـود جنگـی رخ دهـد بـه گونـه‌ای کـه مسـلمانان همـه آن‌هـا را بـه هلاکـت می‌رسـانند...[2]

در روایتـی دیگـر می‌فرمایـد: یهودیـان بـا شـما بـه سـتیز بـر می‌خیزنـد امـا شـما بـر آن‌هـا مسـلط خواهیـد شـد.

۳۷
قیام مردم بحرین

ـ روزی امیرالمؤمنیـن علـی علیه‌السلام بـر منبـر کوفـه خطبـه‌ای ایـراد نمـود و پـس از حمـد خـدا و درود بـر پیغمبـر اسـلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمـود: ای مـردم! هرچـه می‌خواهیـد از مـن بپرسـید زیـرا در ایـن دهـه آخـر مـاه مبـارک رمضـان مـن از میـان شـما میـروم.

سـپس امـام حـوادث بعـد از خـود را ذکـر نمـود و شـهادت امام‌حسـین علیه‌السلام و زیدبن‌علـی و سـوزندان جنـازه او و بـه بـاد دادن خاکسـتر آن را بیـان فرمـود و گریـه کـرد.

آنـگاه امـام بـه زوال و نابـودی بنـی امیـه و سـلطنت بنی‌عبـاس را بـه مـردم تذکـر داد و سـپس حـوادث بعـد از آن‌هـا را بـه مـردم خاطرنشـان سـاخت و چنیـن فرمـود:

«اولها السفیانی و آخرها السفیانی فقیل له و السفیانی والسفیانی؟ فقال: السفیانی؟ فقال: السفیانی

۱. *عقایدالامامیه اثناعشر*.
۲. *مسنداحمدحنبل*، ج ۲، ص ۴۱۷.

صاحب هجر و السفیانی صاحب الشام». یعنی: اول آن فتنه‌ها سفیانی و آخر آن نیز سفیانی خواهد بود.

از آن حضرت پرسیدند سفیان اول کیست؟ و سفیانی دوم کدامست؟ حضرت فرمود: سفیانی اول صاحب هجر[1] و سفیانی دوم صاحب شام است.

آنگاه آن حضرت ذکر پادشاهان بنی‌عباس را از قول رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله تجدید کرد و سپس از شیعیان و دوستان خود یاد کرد و از آن‌ها تمجید نمود و فرمود: آن‌ها در نزد مردم کافر و در نزد خدا از خوبانند، پیش مردم دروغگو، ولی نزد خدا راستگویانند در نزد مردم پلید اما پیش خدا پاکیزه‌گانند در نزد مردم ملعون و پیش خدا از نیکانند...[2]

۳۸

افغانستان در کلام امام علی علیه‌السلام

وقتی ابوموسی اشعری مملکت فارس را گرفت خبر فتح را به عمربن‌خطاب داد و اجازه خواست تا به سوی خراسان حرکت کند وقتی نامه ابوموسی به عمر رسید در پاسخ او نوشت که ای ابوموسی از آن فتح‌هایی که بدست مسلمانان شده خداوند را سپاس گفتم لکن آهنگ خراسان مکن در هر شهری که به دست تو گشوده شده حاکمی نصب کن و خود به بصره برگرد و اندیشه خراسان از دل بیرون کن ما را با خراسان و خراسان را با ما چکار، کاش در میان ما و خراسان کوه‌های آهن و دریاهای آتش بود و مانند سد یاجوج و ماجوج هزار سد حاجز و حایل ما بود.

امام علی علیه‌السلام به عمر فرمود: ای عمر این چه سخن است که می‌گویی.

عمر گفت: خراسان از ما دور است و مردم آن عهد شکن و خونریزند.

امام علی علیه‌السلام فرمود: ای عمر! خراسان را اثرهای بزرگ است هرات شهریست از خراسان که ذوالقرنین اکبر آن را بنا کرده و عزیز پیغمبر در آنجا

---

۱. در لسان العرب هجر شهر معروفی است در بحرین.و شهری به این نام در نزدیکی مدینه است شاید اشاره به قیام مردم بحرین می‌باشد.

۲. *الملاحم و الفتن*، ص ۱۳۶، باب ۵۹.

نماز گذاشته زمینی نیکو دارد و آبهای گوارا بر آن می‌گذرد بر هر دروازه‌ای از آن شهر فرشته‌ای با شمشیر کشیده ایستاده و بلاها را از آن دفع می‌کند و آن شهر به غلبه (شکست) گشوده نشود مگر به دست قائم‌آل‌محمد...

و دیگر شهر آن بخارا است که در آنجا مردانی آیند که از کثرت عبادت ادیمی را مانند که مالش داده باشند و دیگر سمرقند است، خداوند نیکی دهد اهل سمرقند را و این شهر در آخر زمان بدست ترکان (شرقی و غربی‌ها) پایمال شود...[1] و دیگر طالقان است که خدای را در آنجا خزانه هاست نه از سیم و زر بلکه از مردان دانشور که خداوند را چنانکه باید بشناسند و در آخر الزمان ملازم خدمت قائم‌آل‌محمد باشند...

در ادامه روایت حضرت از شهرهای سرخس، ترمد، سجستان، شاش و فرغانه، بلخ نام برده و بعضی از خصوصیات مردمان آن شهر را برمی‌شمارند.[2]

۱. شاید حمله آمریکا به افغانستان منظور امام علی می‌باشد که فی‌الحال رخ داده است فأفهم و تأمل.
۲. *ناسخ التواریخ*، ج ۳، ص ۳۵.
(در ایران ۲ منطقه به نام طالقان وجود دارد یکی در استان خراسان و دیگری در نزدیکی تهران).

علائم ظهور

درآمد

در ایـن بخـش، سـعی شـده حتی‌الامـکان علائـم ظهـور جـدا شـده باشـد و علائـم سیاسـی، اقتصـادی، جغرافیایـی، اجتماعـی و علائـم حتمـی و غیـر حتمـی و بـه طـور منظـم تفکیـک شـده باشـند.

۳۹
توضیحی در باب علائم ظهور

بعضـی از علائـم ظهـور امـام، مقـارن ظهـور و یـا همـراه بـا امـام مهـدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف آشـکار می‌شـود و بعضـی دیگـر قبـلاً اتفـاق می‌افتنـد کـه بیـن ایـن دو دسـته از علائـم بایـد تفـاوت قائـل شـد.

علائمـی کـه همـراه بـا امـام اتفـاق می‌افتنـد عبارتنـد از: خـروج سـفیانی در شـام و قیـام یمانـی و خـروج دجـال و دابة الارض و صیحـه آسـمانی کـه دلالـت بـر نزدیکـی ظهـور امـام دارنـد و قیـام سـید حسـنی کـه نـام ایشـان محمدبن‌حسـن می‌باشـد و کشـته شـدن او در مکـه بیـن رکـن و مقـام و فـرو رفتـن لشـکر سـفیانی بیـن مدینـه و مکـه در زمیـن و پیـدا شـدن دسـت یـا صـورت و سـینه‌ای در چشـمه

خورشید و طلوع خورشید از مغرب که البته بعضی از این علامات را باید به عنوان کنایه و رمز تحلیل و تفسیر کرد.

بعضی از علائم ظهور بر سبیل کنایه و رمز بیان شده است که علت آن را می‌توان هم خوان نبودن شرائط فیزیکی و اجتماعی و سیاسی در زمان بیان روایت تلقی نمود مثلا در زمان امام صادق﵇ امام صادق چگونه جریان حرکت هواپیما در آسمان را برای یاران خود توصیف نماید آیا راهی جز طریق کنایه و رمز باقی می‌ماند.

و بعضی از علائم که در روایات آمده شامل علائم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی و ...است.

۴۰
نشانه‌های نزدیک به ظهور

با توجه به روایات، تعدادی از علائم ظهور نزدیک به آن اتفاق خواهد افتاد به طوری که بین آن‌ها و ظهور امام فاصله زیادی نباشد و به طور مسلم فاصله این علائم تا ظهور در این دسته از علائم زیاد نیست و بیشتر این علائم یا در همان سال ظهور یا سال پیش از آن رخ می‌دهد لذا توصیه می‌شود برای آنکه ارتباط منطقی بین این علائم برقرار شود و زنجیره واضحی برای خواننده به دست آید به آن دسته از روایاتی که دارای قید زمانی هستند بایستی عنایتی مضاعف داشت.

۴۱
نشانه‌های غیر طبیعی

بخشی از نشانه‌های ظهور بر سبیل و روال عادی و طبیعی نیست و بیان‌گر مطالبی است که تحقق آن غیر عادی می‌باشد و این دسته از علائم را می‌توان به دو صورت تحلیل کرد اول: آنکه این دسته از علائم و بیان مختصات آن بر طریق رمز و رموز گفته شده که در جای خود از پرده کنایه و رمز خارج خواهد شد و اساسا این دسته از روایات معنایی کنایی شاید داشته باشد.

و دوم: اینکه این علائم غیرعادی را معجزه تلقی نمائیم.

که از باب نمونه می‌توان به ظاهر شدن دست و یا نشانه‌ای با خورشید در آسمان اشاره کرد.

ائمه‌اطهار علیهم السلام برای بیان علائم ظهور مشکل تفهیم مخاطب را داشتند لذا مطالب را با کنایه و تشبیه مطرح کرده‌اند تا هم برای شاگردان قابل فهم باشد هم برای آیندگان قابل درک، لذا این دسته از روایات خیلی شفاف نیستند (از حیث معنا).

اگرچه بعضی از علامات ظهور امام عصر حتمی است ولی بعضی از علائم آن شرطی است و بستگی به اراده خداوند متعال داشته و اگر خدا نخواهد واقع نخواهد شد.

و بعضی از علائم ظهور نیز در زمان‌های گذشته واقع شده و زمان آن سپری شده است که به آن‌ها علامات واقعه می‌گویند که در این مجموعه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۴۲
لسان کنایه در علائم ظهور

بعضی از روایات ظهور بر طریق تشبیه است لذا بایستی مفاد آن را دقیق تحلیل و برداشت نمود.

چنانچه صعصعه‌بن‌صوحان در پاسخ مردی که از منظور امیرالمؤمنین علی علیه السلام از جمله «لاتسألونی عما یکون بعد ذلك...» پرسیده بود. گفت:

«ان الذی یصلی خلفه عیسی‌بن‌مریم هو الثانی عشر من العترة التاسع من ولد الحسین‌بن‌علی وهو الشمس الطالعة من مغربها». یعنی: کسی که حضرت عیسی علیه السلام پشت سر وی نماز گزارد دوازدهمین نفر از خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله و نهمین نفر از فرزندان حسین‌بن‌علی علیه السلام است و هم اوست خورشیدی که از غروبگاهش طلوع می‌کند».[1]

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۹۴، باب ۲۵.

۴۳
خروج سفیانی؟

سفیانی کیست؟ (خروج سفیانی در روایات از علائم حتمی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد).

امام علی علیه السلام فرمود: فرزند خورنده جگرها از وادی یابس خارج می‌شود... اسمش عثمان و پدرش عنبسه و از اولاد ابوسفیان است.[۱]

و امام باقر علیه السلام می‌فرماید: سفیانی سرخ رویی سفید پوست و زاغ چشم است هرگز خدا را پرستش نکرده و هرگز مکه و مدینه را ندیده است.[۲]

ـ امام چهارم علیه السلام نیز می‌فرماید: سپس سفیانی ملعون از وادی یابس بیرون می‌آید وی از فرزندان عنبسه‌بن‌ابوسفیان است.[۳]

ـ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خروج این سه تن، خراسانی سفیانی و یمنی[۴] در یک سال و یک ماه و یک روز اتفاق می‌افتد و پرچم یمنی از همه هدایت کننده‌تر است زیرا که دعوت به حق می‌کند.[۵]

۴۴
نکته

[باید توجه داشت که آنچه را که درباره خراسانی در منابع معتبر حدیثی یافت می‌شود روایتی است که در کتاب‌الغیبة نعمانی ص ۲۶۴ آمده که به نقل از امام باقر علیه السلام می‌گوید: خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و در یک ماه و در یک روز اتفاق می‌افتد.

در سند این روایت افرادی مجهول و مهمل و واقفی مذهب قرار دارند که وجود حسن‌بن‌علی‌بن‌ابی‌حمزه در آن برای ضعف روایت کفایت می‌کند.]

ـ امام باقر علیه السلام می‌فرماید: اگر سفیانی را مشاهده کنی در واقع پلیدترین مردم را دیده‌ای، وی دارای رنگی بور و سرخ و کبود است هرگز سر به

۱. *کمال‌الدین*، ص ۶۵۱.
۲. *غیبت نعمانی*، ص ۴۳۵.
۳. *غیبت طوسی*، ص ۲۷۰.
۴. ظاهرا در روایات مربوط به یمانی آمده که در آن زمان یعنی خروج یمانی خرید و فروش سلاح ممنوع می‌باشد
۵. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

بندگـی خـدا فـرود نیـاورده مکـه و مدینـه را ندیـده اسـت و می‌گویـد: پـروردگارا انتقـام مـن بـا آتـش اسـت.[1]

ـ امـام صـادق علیه السلام فرمـود: مـا و اولاد ابوسـفیان دو خانـدان هسـتیم کـه بـه خاطـر خـدا بـا یکدیگـر دشـمنی داریـم مـا گفتیـم: خداونـد راسـت گفـت، آن‌هـا گفتنـد: خداونـد دروغ گفـت...

ابوسـفیان بـه جنـگ پیامبـر صلی الله علیه و آله برخاسـت و معاویـه فرزنـد ابوسـفیان بـه جنـگ علی‌بن‌ابیطالـب علیه السلام رفـت.

و یزید پسر معاویه به نبرد با حسین‌بن‌علی علیه السلام پرداخت.

و سفیانی به مصاف حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر می‌خیزد.[2]

۴۵
زمان خروج سفیانی و شعاع فعالیت و حرکت او

امـام صـادق علیه السلام می‌فرمایـد: سـفیانی از علایـم حتمـی اسـت خـروج او در مـاه رجـب و از آغـاز خروجـش تـا پایـان آن جمعا ۱۵ مـاه اسـت کـه در ۶ مـاه آن جنـگ می‌کنـد و چـون شـهرهای پنج‌گانـه را تصـرف کـرد ۹ مـاه فرمانروایـی می‌کنـد و یـک روز هـم بـر آن افـزوده نمی‌شـود.[3]

ـ رسـول خـدا صلی الله علیه و آله فرمـود: مـردی از شـام بـه نـام سـفیانی خـروج می‌کنـد و تمـام افـرادی کـه از او متابعـت می‌کننـد از طایفـه کلـب هسـتند پـس کشـتار می‌کننـد حتـی شـکم زنهـا را می‌درنـد و بچه‌هـا را می‌کشـند آنـگاه طایفـه قیـس بـا او جنـگ می‌کنـد و همگـی کشـته می‌شـوند و کسـی کـه بتوانـد در مقابـل او مقاومـت کنـد نمی‌مانـد در ایـن هنـگام مـردی از خانـدان مـن در مکـه مکرمـه قیـام می‌کنـد و خبـر قیامـش بـه سـفیانی می‌رسـد...[4]

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۵۴.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۹۰.
۳. *غیبت نعمانی*، باب ۱۸، ص ۴۲۶. در روایت است که سفیانی و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک سال قیام می‌کنند (*اثبات الهداة*).
۴. *عقدالدّر*، ص ۷۳.

۴۶

سفیانی نشانه حتمی ظهور

علائم ظهور طبق روایتی از امام باقر علیه السلام به دو دسته تقسیم شده است امام فرموده‌اند: نشانه‌های ظهور دو دسته‌اند یکی نشانه‌های غیر حتمی و دیگر نشانه‌های حتمی و خروج سفیانی از نشانه‌های حتمی است که راهی جز آن نیست.[۱]

و در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: وقوع ندا از امور حتمی است و سفیانی و یمانی از امور حتمی است و کشته شدن نفس زکیه از امور حتمی است و کف دستی که از افق آسمان بیرون می‌آید از امور حتمی است.

۴۷

زمان خروج سفیانی

ـ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خروج سفیانی امری حتمی است و خروجش در ماه رجب است.[۲]

۴۸

جنگ‌های سفیانی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

سه پرچم به اهتزاز در می‌آید پرچم حسنیّه ـ پرچم امویّه ـ پرچم قیسیّة در همین اثنا سفیانی خروج می‌کند و پیروان هر سه پرچم را مانند محصولات زراعی درو می‌کند و به کشتاری دست می‌زند که مانند آن را هیچگاه ندیده‌ای.[۳]

۴۹

سفیانی در مسجد دمشق

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

---

۱. *غیبت نعمانی*، باب ۱۸، ص ۴۲۹.
۲. *غیبت نعمانی*، باب ۱۸، ص ۴۲۶، ص ۴۳۴.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۷۰.

وقتـی در شـام دو گـروه نظامـی اختـلاف کننـد نشـانه‌ای از نشـانه‌های الهـی آشــکار می‌شــود.

پرسیدند: ای امیرمؤمنان آن نشانه چیست؟

فرمـود: زمیـن لـرزه‌ای در شـام رخ می‌دهـد کـه صدهـزار نفـر در اثـر آن هـلاک می‌گردنـد و ایـن را خداونـد رحمتـی بـرای مؤمنـان و عذابـی بـرای کافـران قـرار می‌دهــد.

وقتـی آن هنـگام فـرا رسـد نظاره‌گـر سـوارانی کـه دارای اسـبهای سـفید و پرچم‌هـای زرد رنـگ، باشـید کـه از مغـرب روی می‌آورنـد تـا وارد شـام می‌شـوند و در آن لحظـات اسـت کـه فریـاد و بی‌تابـی بـزرگ و مـرگ سـرخ فـرا می‌رسـد.

وقتـی آن وضـع پیـش آمـد پـس بنگریـد فـرو رفتـن آبـادی ای از روسـتاهای دمشـق کـه بـه آن حرشـا می‌گوینـد در ایـن هنـگام فرزنـد هنـد جگرخـوار (سـفیانی) از بیابـان خـروج کـرده و بـر منبـر دمشـق قـرار می‌گیـرد در ایـن بحبوحـه در انتظـار حضـرت مهـدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باشـید.[1]

۵۰
عملیات سفیانی در مدینه

از حُذیفـه روایـت شـده کـه رسـول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمـود...و امـا لشـکر دوم[2] (سـفیانی) وارد مدینـه شـده و سـه شـبانه روز بـه غـارت و چپـاول آنجـا می‌پـردازد آنـگاه بیـرون آمـده و بـه سـوی مکـه روانـه می‌گردنـد تـا ایـن کـه بـه بیابـان می‌رسـند و خداونـد در ایـن هنـگام جبرئیـل را برمی‌انگیـزد.

و می‌فرماید: جبرئیل آن‌ها را نابود گردان.

پـس جبرئیـل بـا پـای خـود ضربتـی بـه آن زمیـن می‌زنـد و زمیـن آن‌هـا را در خـود فـرو می‌بـرد و هیچکـس از آن‌هـا نجـات نمی‌یابـد مگـر دو مـرد[3] از جُهینـه.[4]

ـ در نقلـی آمـده کـه سـواران سـفیانی مثـل شـب ظلمانـی و سـیل ویرانگـر روی می‌آورنـد و بـه هـر چیـزی کـه برسـند آن را نابـود می‌کننـد...

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۵۳.
۲. لشکر اول سفیانی به سمت شرق حرکت می‌کند.
۳. این دو مرد در روایات به نام وتر و وتیره آمده است.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۸۶.

و در روایتی از امام علی علیه‌السلام آمده که فرمود: ارتش سفیانی وارد کوفه می‌شود و کسی را رها نمی‌کند مگر آنکه او را می‌کشد «آنچنان خوی آدمکشی دارند» که وقتی مردی از آن‌ها به گوهر گران‌بها و عظیمی برخورد نماید به آن توجهی نمی‌کند ولی اگر کودک خردسالی را ببینند او را دستگیر کرده و به قتل می‌رساند.[1]

از ابن‌عباس روایت شده که گفت:

سفیانی خروج می‌کند و دست به کشتار می‌زند حتی شکم زنان را می‌درد و اطفال را در دیگ‌های بزرگ می‌جوشاند.[2]

۵۱
وظیفه شیعیان در هنگام خروج سفیانی

از امام باقر علیه‌السلام سؤال شد: در آن وقت (خروج سفیانی) وظیفه ما نسبت به زن و فرزندمان چیست؟

امام فرمود: مردان شما خود را از او بپوشانند زیرا که هراس و شرارت او البته بر شیعیان ماست اما زنان ان‌شاءالله به آن‌ها ضرری نمی‌رسد.

پرسیدند: مردان کجا بروند و به کجا بگریزند؟

امام فرمود: هرکس می‌خواهد از شر آن‌ها بگریزد به مدینه یا مکه و یا شهر دیگر برود...[3]

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: خروج سفیانی با پرچم سرخ همراه است و فرمانده آن مردی از قبیله بنی‌کلب است.[4]

۵۲
چهره سفیانی

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: فرزند هندجگرخوار از وادی یابس (دره خشک) خروج می‌کند او مردی است چهارشانه و بدقیافه دارای سری بزرگ که بر

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۱۹.
۲. *ابن‌حماد*، نسخه خطی،ص ۸۴.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۴۱.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۷۳.

Presented by: jafrilibrary.com

صورت او اثر آبله پیداست وقتی او را می‌بینی پنداری که یک چشم دارد نامش عثمان و پدرش عینیه (عنبسه) است او از فرزندان ابوسفیان است...[۱]

۵۳
۳ پرچم در شام

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود به نام سدیر فرمود:

ای سدیر! همواره در خانه خود باش همچون گلیم و فرش و آرامش گزین همچون شب و روز، پس همین که سفیانی خروج کرد به سوی ما کوچ کن ولو با پای پیاده.

گفتم: فدایت شوم آیا پیش از آن چیزی هست؟ فرمود: بلی و با سه انگشتِ دستِ خود به شام اشاره نمود فرمود: در شام سه پرچم (لشکر) حسنی ـ اموی و قیس جمع می‌شوند در حالی که با یکدیگر اختلاف دارند. ناگاه سفیانی خروج می‌کند و آن‌ها را همچون کشتزار درو می‌کند و من هرگز نظیر این را ندیدم.[۲]

ـ در روایت است که: سفیانی تلاش و کوشش خود را صرفا متوجه عراق می‌کند و سپاه وی وارد قرقیسیا[۳] می‌شود و در آنجا به کارزار می‌پردازد.[۴]

۵۴
سفیانی در کوفه

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: گویا سفیانی را می‌بینم که در میدان کوفه شما جایگاه خود را گسترده و منادی او فریاد می‌زند هرکس سر شیعه علی‌بن‌ابیطالب را بیاورد هزار درهم مزد خواهد گرفت پس همسایه بر همسایه می‌جهد و گردنش را می‌زند و هزار درهم را می‌گیرد...[۵]

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۰۵.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۷۰، باب ۲۵.
۳. قرقیسیا شهر کوچکی است در نزدیکی مدخل نهر خابور در رود فرات و امروزه خرابه‌های آن نزدیک شهر دیرزور سوریه قرار دارد و نزدیک مرزهای سوریه و عراق است و به مرز ترکیه سوریه نیز نسبتا نزدیک است معجم البلدان.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۳۷.
۵. *غیبت طوسی*، ص ۲۷۳.

۵۵
عاقبت سفیانی

طبق پاره‌ای از روایات سفیانی مردی اموی نسب و از نسل یزید است و نامش عثمان‌بن‌عنبسه است او چهره‌اش سرخ و کبود چشم و آبله رو و بد منظر و خیانتکار است او در شام[1] قیام کرده و به سرعت پنج شهر را تصرف می‌کند و با سپاهی بزرگ به سوی کوفه می‌آید او در شهرهای نجف و کوفه جنایات بزرگی مرتکب می‌شود و لشکری دیگر به سوی مدینه می‌فرستد سپاه سفیانی در مدینه به قتل و غارت می‌پردازند و از آنجا به سوی مکه می‌روند سپس آن لشکر در بیابانی در میان مدینه و مکه به زمین فرو می‌روند.

امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز از مکه به مدینه و از مدینه به سوی کوفه می‌آید و سفیانی خود از عراق به شام و دمشق فرار می‌کند و امام سپاهی را به تعقیب او می‌فرستد سرانجام او را در بیت‌المقدس هلاک کرده و سرش را جدا می‌سازند.[2]

۵۶
حادثه در سرزمین بیداء

در منتهی‌الامال مرحوم شیخ عباس قمی می‌نویسد:

بیداء سرزمین پایین مکه و مدینه است که در زمان ظهور حضرت قائم در این سرزمین لشکری که به سیصدهزار نفر می‌رسند به امر خداوند در زمین فرو رفته و نابود می‌شوند. (در لشکر سفیانی دو نفر زنده می‌مانند در حالی که سر آن‌ها به عقب برگشته است).

۱. به مناطق دمشق فلسطین و حمص، اردن و قنسرین قبلاً شام می‌گفته‌اند.
۲. *اثبات‌الهداة*، ج ۷، ص ۳۹۸ ـ *غیبت نعمانی*، باب ۱۴ در علامات ظهور از، ص ۲۴۷ تا ۲۸۳ ـ *غیبت طوسی* در علامات ظهور از ص ۲۶۵ تا ۲۸۰.

۵۷
خروج خراسانی از علائم حتمی است

قال رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله: «یخرج الناس من المشرق فیوطئوا للمهدی سلطانه». یعنی: جمعی از مشرق حرکت کرده و مقدمات حکومت مهدی را فراهم می‌کنند.[۱]

۵۸
نکته

انقلاب اسلامی ایران که از نشانه‌های نزدیک ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات بر شمرده شده است با تعابیر مختلفی آمده است مثل مردی از قم قیام می‌کند ـ مردی از خمین قیام می‌کند ـ جمعی از مشرق می‌آیند، اصحاب روح‌الله، که تعداد این روایات هم کم نمی‌باشد.

۵۹
زمان خروج خراسانی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خروج سفیانی و خراسانی و یمانی هر سه در یک سال و در یک ماه و در یک روز است اما هیچ پرچمی (جدای از سفیانی) هدایت کننده‌تر از پرچم یمانی نیست....

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: سفیانی و قائم ما در یک سال قیام می‌کنند.[۲]

ـ امام هادی علیه السلام می‌فرماید: خراسانی و سفیانی خروج خواهند کرد این از مشرق و آن دیگری از مغرب.[۳]

۶۰
بیعت با خراسانی

«عن ثوبان قال: قال رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله تجی الرایات السود من قبل المشرق کان قلوبهم زبرالحدید...».

---

۱. *اثبات‌الهداة*، ج ۷، ص ۲۴۰.
(باید توجه داشت که روایت خراسانی را نعمانی در باب ۱۶ کتاب‌الغیبه حدیث ۶ نیز آورده و نوشته که خراسانی یکی از نشانه‌های حتمی پنج گانه است ولی سند این روایت به دلیل آمدن نام محمدبن‌حسان رازی و علی‌بن‌ابی‌حمزه واقفی و محمدبن‌علی کوفی ضغیف تلقی می‌شود).
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۱۰ ـ *اثبات الهداة*، ج ۷، ص ۴۲۶.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

ثوبـان از رسـول‌خداﷺ روایـت کـرده اسـت کـه آن حضـرت فرمـود: پرچم‌هـای سـیاهی از طـرف مشـرق زمیـن می‌آیـد کـه گویـی دلهـای آن‌هـا پاره‌هـای آهـن اسـت پـس هـر کـس کـه آوازه قیـام و حرکـت آن‌هـا را بـه گـوش شـنید بایـد نـزد آن‌هـا بـرود و بـا آن‌هـا بیعـت کنـد هـر چنـد بـا دسـت و زانـو و سـر انگشـتان پـا بـر روی بـرف و یـا یـخ راه بـرود.[۱]

۶۱
خراسانی‌های متعدد

در روایـات بـه قیـام خراسـانی کـه دلالـت بـر نزدیکـی ظهـور امـام عصـرعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دارد بـا خراسـانی کـه ابومسـلم خراسـانی و یـا هولاکوخـان اسـت فـرق دارد چـون بـا توجه‌بـه سـابقه تاریخـی، دو نفـر از شـرق (خراسـان) خـروج کرده‌انـد آن کسـی کـه در روایـات در بحـث علائـم ظهـور مطـرح اسـت سـیدی اسـت از سـلاله رسـول خـداﷺ کـه قیامـش زمینه‌سـاز ظهـور امـام عصـرعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خواهـد بـود.

۶۲
اصحاب خراسانی و دایره فعالیت آن‌ها

«عن الزهری قال: قال رسول‌اللّهﷺ تقبل الرایات السود من المشرق تقودهم رجال کاالنجت المجلله اصحاب شعور انسابهم القری و اسماء هم الکنی یفتحون مدینه دمشق ترفع عنهم الرحمه ثلاث ساعات». زهـری روایـت کـرده کـه پیامبـر اسـلامﷺ فرمـود: پرچم‌هـای سـیاه از مشـرق زمیـن می‌آیـد و مردانـی قـوی و نیرومنـد و ریـش‌دار کـه نسب‌هایشـان شهرتشـان و کنیـه آن‌هـا نامهایشـان اسـت. ایـن پرچم‌هـا را رهبـری نمـوده و بـه جلـو می‌راننـد آن‌هـا شـهر دمشـق را می‌گشـایند و بـه مـدت سـه سـاعت شـفقت و رحمـت از دلهایشـان برداشـته می‌شـود.[۲]

امـام باقـرعلیه‌السلام می‌فرمایـد: یـاران پرچم‌هـای سـیاه کـه از خراسـان بـه سـوی

---

۱. *الحاوی للفتاوی*، ج ۲، ص ۱۳۳.

۲. «انسابهم القری و اسمائهم الکنی» یعنی: شخص را به نام شهرش می‌خوانند این نوع نامگذاری در ایران مرسوم اسـت مثل تهرانی قمی یا گلپایگانی یا شـیرازی و معنای کنیه نام و اسم آن‌هاسـت به این معنی است که بر عکس عرب که کینه را اسم نمی‌دانند ایرانی‌ها کنیه را اسم می‌گذارند مثل ابوالفضل ابوطالب و اباالحسن و ...و این در ایران مرسوم است.

کوفه می‌آیند در آنجا فرود می‌آیند و چون مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کند گروهی را جهت بیعت به سوی او می‌فرستند.[۱]

۶۳
خروج دجّال

دجال به معنی ضد خدا یا دشمن خداست که نام اصلی آن صائدبن‌صید و کنیه‌اش ابویوسف که از مادری یهودی به نام میمونه به دنیا آمده که از سال چهارصد هجری که بگذرد باید منتظر او بود دجال صورتی آبله رو دارد که یک چشم او کور شده و چشم دیگرش در وسط پیشانی می‌باشد.

خراسان و کوفه نقاطی هستند که به عنوان محل خروج او ذکر شده است.

۶۴
دجّال در کلام امام علی علیه السلام

اصبغ‌بن‌نباته از امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسید: یا امیرالمؤمنین دجال کیست؟

امام فرمود:

آگاه باشید که دجال صائدبن‌صید است، شقی کسی است که او را تصدیق کند و سعید کسی است که او را تکذیب کند...او از روستائی که معروف به یهودیه است خروج می‌کند، چشم راستش از اصل، خلقت ندارد به طوری که گودی حدقه‌اش نیست...

در چشمش مانند پارچه‌ای گوشت، چیزی است گویا که با خون ممزوج است و در میان چشمش لفظ کافر نوشته شده به طوری که همه کس آن را می‌خواند...

در ایام قحطی شدیدی خروج می‌کند[۲] و به دراز گوش سبز یا خاکستری

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۱۷.
۲. امام علی علیه السلام در مسجد جامع بصره بعد از جنگ جمل خطبه‌ای ایراد فرمود که در آن خطبه زمان خروج دجال را در حمله‌ای که توسط غربی‌ها انجام می‌پذیرد بیان فرموده‌اند.

رنگ سوار می‌شود و زمین در زیر پایش پیچیده می‌گردد و به هیچ آب نمی‌گذرد مگر اینکه خشکیده می‌شود.

به طوری که جایش تا روز قیامت خشک می‌ماند و به آوازی بلند ندا می‌کند بطوری که همه جن و انس و شیاطین که در ما بین شرق و غرب‌اند صدای او را می‌شنوند.

دجال چنین گوید: «ای دوستان من به زودی به سوی من آیید منم آن کسی که مخلوقات را خلق نمود و ایشان را در محکم نمودن ترکیبشان با هم مساوی گردایند و اندازه صورت‌ها و هیأت‌های ایشان را تعیین نمود و منم آن پروردگار شما که بر همه اشیاء قادر است».

و این دشمن خدا این‌ها را به دروغ می‌گوید زیرا که او مردی است که طعام می‌خورد و در بازارها راه می‌رود و پروردگار شما کور نیست و طعام نمی‌خورد و راه نمی‌رود...

تابعان او در آن روز از اولاد زنا و صاحبان طیلسان سبز هستند و آن پارچه‌ای است مانند ردا که بر سر و دوش انداخته می‌شود.

خداوند عزوجل او را در شهر شام در بالای تلی که معروف است به تل افیق سه ساعت از روز جمعه گذشته به دست کسی که مسیح‌بن‌مریم علیه‌السلام در پشت سرش نماز می‌گزارد به قتل می‌رساند.

آگاه شوید بدرستی که بعد از این، طامه کبری واقع خواهد شد و آن خروج دابه[1] از زمین است بعد از آن امام علی علیه‌السلام فرمودند: که از من بپرسید که بعد از خروج دابه چه واقع خواهد شد.[2] در روایتی است که امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دجال را در کناسه کوفه بدار می‌زند.[3]

---

۱. خروج دابه نیز از علائم ظهور است.

۲. *بحارالانوار*، ج ۱۳، ص ۴۸۳ (در بعضی از جملات این روایت امام بر سبیل کنایه و رمز سخن فرمود که تحلیل و تفسیر آن به راحتی به دست نمی‌آید).

۳. *اثبات‌الهداة*، ج ۷، ص ۲۳۹.

۶۵

محل خروج دجّال

امـام علـیعلیه السلام می‌فرمایـد: دجـال از شـهری کـه آن را اصفهـان می‌گوینـد و از قریـه‌ای کـه معـروف بـه یهودیـه اسـت بیـرون می‌آیـد.[۱]

ـ در مسـتدرک ص ۵۲۹ در ذیـل حدیثـی دارد کـه دجـال از یهودیـه اصفهـان خـروج می‌کنـد.

سـپس فرمـود: امرشـان کـن کـه پلاسـی باشـند از پلاس‌هـای خانـه خـود.[۲] (یعنـی مؤمنیـن ایـن گونـه باشـند).

ـ در روایـت اسـت کـه دجـال پشـت سـرش راه راه اسـت (یعنـی موهـای پشـت سـرش مثـل راه اسـت یـا چیـن دارد) او می‌گویـد: مـن خـدای بـزرگ شـمایم. هرکـس تصدیـق کـرد بـه فتنـه افتـاد و هرکـس بـه او گفـت دروغ می‌گویـی خـدای مـن الله اسـت و بـر او تـوکل می‌کنـم و بسـوی او توبـه و بازگشـت می‌کنـم ضـرری بـه او نرسـاند در روایتـی دیگـر آمـده کـه دجـال را یهودیـان اصفهـان متابعـت کننـد بـه تعـداد هفتـاد هـزار نفـر کـه رداهـای مـدور پوشـیده‌اند.[۳]

ـ در کنزالعمـال، ج ۱۴، ص ۳۲۶ فرمـود: دجـال از یهودیـه اصفهـان خـارج می‌شـود بـه کوفـه می‌آیـد پـس جماعتـی از مدینـه بـه او ملحـق می‌شـوند و جماعتـی از طـور و عـده‌ای از ذی یمـن و دسـته‌ای از قزویـن.[۴]

۶۶

فتح قسطنطنیه در ۷ ماه

ـ معاذبن‌جبـل از رسـول‌اکرمصلی الله علیه و آله روایـت کنـد کـه فرمـود: شـورش و جنـگ بـزرگ و فتـح قسـطنطنیه و خـروج دجـال در هفـت مـاه خواهـد شـد.[۵] در ملاحـم،

۱. **مهدی موعود**: علی دوانی، ص ۹۶۵.
۲. ***یاتی علی الناس زمان***، ص ۱۴۸.
۳. ***یاتی علی الناس زمان***، ص ۲۱۹.
۴. ***یاتی علی الناس زمان***.
۵. ***یاتی علی الناس زمان***، ص ۵۷۴ و مستدرک ج ۴، ص ۴۲۶.

ص ۹۷ از رسول خدا ﷺ منقول است که چون عیسی‌بن‌مریم نازل شود دجال را بکشد...[۱]

۶۷
اتفاقات استثنایی ماه رجب در قبل از ظهور

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: پیش از آن سالی که ندای آسمانی (که از علائم حتمی است) بلند شود در ماه رجب نشانه دیگری باید دیده شود.

عرض کردم: آن چیست؟

فرمودند: صورتی در ماه پیدا می‌شود و دستی ظاهر می‌گردد که همه آن را می‌بینند.[۲]

۶۸
دستی که در آسمان دیده می‌شود

بزنطی از امام رضا علیه‌السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

«قبل هذاالامر السفیانی و الیمانی و المروانی و شعیب‌بن‌صالح و کف یقول هذا و هذا».

قبل از قیام فرزندم مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پنج علامت دیده می‌شود- خروج سفیانی و قیام یمانی و خروج مروانی و شعیب‌بن‌صالح و بیرون آمدن دستی از آسمان به طوری که افراد آن را به یکدیگر نشان بدهند.[۳]

در اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۵ از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که فرمود: کف دستی از آسمان طلوع کند و آن از علائم حتمی است.[٤]

۶۹
باران ۴۰ روزه

امام صادق علیه‌السلام: «واذا ان قیامه مطر الناس فی جمادی اللاخرة و عشرة ایام من رجب مطرا لم یرالناس مثله فینبت اللّه به لحوم المؤمنین فی ابدانهم فی قبورهم...».

---

۱. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۴۸۶.
۲. *غیبت نعمانی*، ص ۲۵۲.(این علامت از انواع علائم سمائی یا آسمانی است و از علائم غیر طبیعی ظهور تلقی می‌شود)
۳. *مکیال المکارم*، ج ۲، ص ۱۸۶.
۴. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۴۵۹.

و چون هنگام ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک شود در تمام ماه جمادی الاخر و ده روز نخست ماه رجب بارانی بر مردم ببارد که تا آن هنگام مانند آن را ندیده باشند پس خداوند به وسیله آن گوشت بر بدن مؤمنان که در قبرهایشان خفته‌اند برویاند.[۱]

۷۰
پنج نشانه

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پیش از ظهور قائم پنج نشانه حتمی است یمانی، سفیانی، صحیه آسمانی، قتل نفس زکیه و فرو رفتن در بیابان.[۲]

ـ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی که آمدن مهدی نزدیک شد در ماه جمادی الاخر و ده روز از ماه رجب چنان باران می‌بارد که مردم مثل آن را ندیده باشند...[۳]

و در روایتی دیگر می‌فرمایند: خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع خواهد شد.[۴]

۷۱
ندای رحمت از آسمان در ماه رجب

امام رضا علیه السلام می‌فرمود: ...گویی می‌بینم سرور و خوشحالی آنان (شیعیان) را که در نتیجه شنیدن یک صدا به آن‌ها دست می‌دهد شنیدن این صدا برای آن‌هایی که نزدیک یا دورند یکسان است و آن ندا رحمت است برای اهل ایمان و عذاب است برای کافران.

عرض کردم: آن ندا چیست؟

فرمود: سه صدا در ماه رجب شنیده می‌شود البته از آسمان، صدای اول می‌گوید: آگاه باشید که ستمگران از رحمت خداوند دور و ملعون‌اند.

---

۱. *اعلام الوری*، ص ۴۳۲.
۲. *کمال الدین*، ص ۶۵۰.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷.
۴. *غیبت نعمانی*، باب ۱۸، ص ۴۲۶و ص ۴۳۴.

صدای دوم: «ازفت الازفة یا معشر المؤمنین» نزدیک شد نزدیک شونده، ای گروه مؤمنان.

صدای سوم: بدنی را در خورشید می‌بینند که گوینده آسمانی فریاد می‌زند:

این است امیرالمؤمنین که به دنیا برگشته است برای هلاک کردن ستمگران.[1]

ـ حسن‌بن‌محبوب از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که امام فرمود:

گویا او را می‌بینم که دل مردم را شاد کند آوازی بلند می‌شود که دور و نزدیک آن را بشنوند و آن آواز برای مؤمنین رحمت و برای کافرین عذاب است.

عرض کردم: پدر و مادرم فدایت آن چیست؟

فرمود: سه آواز در ماه رجب برآید:

اول: «الا لعنه‌اللّه علی الظالمین».

دوم: «ازفت الازفة یا معشر المؤمنین».

سوم: بدنی را خواهند دید که در پیشاپیش آفتاب آشکار می‌شود و آواز می‌دهد: خداوند برای براندازی ستمگران فلانی را برانگیخت.

در آن هنگام فرج مؤمنین فرا می‌رسد و خداوند سینه‌های آنان را شفا بخشد و عقده‌های دلشان برطرف گردد.[2]

۷۲
خسوف در شب چهاردهم رجب

ام‌سعید حمسیة به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

یابن‌رسول‌الله صلی الله علیه و آله علامت و نشانه‌ای برای خروج و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دست من قرار ده؟

امام فرمود:

---

۱. *غیبت طوسی*، ص ۲۶۸.

۲. *مکیال المکارم*، ج ۱، ص ۳۰۵.

ای ام‌سعید، هرگاه ماه در شب چهاردهم ماه رجب خسوف شد و از زیر او مردی بیرون آمد (در آسمان ظاهر شد) پس خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک است.[۱]

۷۳
اتفّاقات استثنایی ماه رمضان در قبل از ظهور

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اذا نادی منادٍ من السماء: ان الحق فی آل محمد ذلك یظهر المهدی علی افواه الناس و یشربون حبّه فلایکون لهم ذکر غیره».

هرگاه آواز دهنده‌ای از آسمان آواز برآورد که: همانا حق در میان خاندان محمد است در آن هنگام (نام و یاد او) مهدی بر سر زبانهای مردم می‌افتد و جام محبت او را سر می‌کشند و جز یاد و نام او بر زبان ندارند.[۲]

۷۴
وحشت در ماه رمضان

امام باقر علیه السلام فرمود: از امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره این آیه شریفه: «فاختلف الاحزاب من بینهم».[۳]

سؤال شد حضرت فرمود: با دیدن سه علامت منتظر فرج باشید، عرض شد: یا علی! آن سه علامت چیست؟ فرمود: اختلافی که در میان شامیان یعنی اهل شام پیدا می‌شود و دیگری آمدن پرچم‌های سیاه از خراسان و سومی وحشتی است که در ماه مبارک رمضان پدیدار می‌گردد. عرض کرد: یا امیرالمؤمنین وحشت در ماه رمضان چیست؟ فرمود: مگر نشنیده‌اید گفتار خدا تعالی را که در قرآن‌کریم که می‌فرماید: «و ان نشاننزل علیهم من السماء آیة فضللت اعناقهم لها خاضعین».[۴]

یعنی: اگر بخواهیم نشانه‌ای از آسمان برای آن‌ها می‌فرستیم که گردن‌هایشان در برابر آن کج شده و خاضع گردند؛ نشانه آن صدایی است

---

۱. *اثبات الهداة*.
۲. *کنزالعمال*، حدیث ۳۹۶۶۵.
۳. *غیبت نعمانی*، ص۲۵۱.
۴. شعراء / ۴.

که از آسمان شنیده می‌شود به طوری که دختران پس پرده را از خانه‌ها بیرون می‌کشد و خفتگان را بیدار و اشخاص بیدار را هراسناک می‌گرداند.[1]

۷۵
خسوف و کسوف در ماه رمضان

امام باقر علیه السلام فرمود: «آیتان تکونان قبل القائم لم یکونا منذ هبط آدم علیه السلام الی الارض تنکسف الشمس فی النصف من شهر رمضان و القمر فی آخره فقال رجل یابن‌رسول‌اللّه تنکسف الشمس فی آخر الشهر و القمر فی النصف؟

فقال ابوجعفر علیه السلام انی لاعلم بما تقول ولکنها آیتان لم تکونا منذ هبط آدم علیه السلام».

دو نشانه پیش از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پدید خواهد آمد که از زمان هبوط آدم علیه السلام در زمین بی‌سابقه است: گرفتن خورشید در نیمه ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر آن ماه، مردی به امام عرض کرد: ای پسر رسول خدا، کسوف در وسط و خسوف در آخر ماه؟

حضرت فرمود: آری من به آنچه می‌گویی داناترم ولی آن دو نشانه‌اند که واقع شدن آن‌ها از زمان هبوط آدم علیه السلام سابقه ندارد.[2]

۷۶
صدای جبرئیل و شیطان در ماه رمضان

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: در ماه رمضان صدایی شنیده خواهد شد.

عرض کردند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله این صدا در اول یا وسط یا آخر آن است؟

فرمود:

«لابل فی النصف من رمضان اذا کانت الیلة النصف لیلة الجمعة یکون صوت من السّماء یصعق له سبعون الفا ویصّم سبعون الفا».

نه بلکه در نیمه آن ماه و در زمانی که شب نیمه ماه، شب جمعه باشد صدایی از آسمان بلند می‌شود که هفتاد هزار نفر از ترس آن بیهوش و هفتاد هزار نفر کر می‌شوند.

۱. *غیبت نعمانی*، ص۲۵۱.
۲. *اثباة‌الهداة* ، ج۵، ص۳۵۶.

عرض کردند: یا رسول‌الله! پس از امّت شما چه کسی سالم می‌ماند؟

فرمود:

کسی که ملازم خانه‌اش باشد و پناه ببرد به خدا یا سجده کردن و صدای خود را برای خدا به تکبیر بلند کند.

همانا صدای اول صدای جبرئیل است و صدای دوم از شیطان است پس صدا در ماه رمضان بلند شود و در ماه شوال صدای اسلحه ودرگیری سخت به گوش رسد و در ماه ذی‌القعده قبیله‌ها از یکدیگر تمیز داده شوند و در ماه ذی‌الحجة حاجیان غارت شوند.

و در ماه محرم چه محرمی! از اول آن بلا بر امّت من روی دهد و در آخر آن فرج است برای امّت من...[1]

۷۷
کلام آسمانی در رمضان درباره چیست؟

امام صادق علیه‌السلام در جواب به این پرسش که صدای آسمانی چگونه شنیده می‌شود؟

می‌فرماید: در اول روز گوینده‌ای از آسمان صدا می‌زند به طوری که تمامی مردم با زبان‌های مختلف خود آن را می‌شنوند او می‌گوید: آگاه باشید که حق در پیروی از علی علیه‌السلام و شیعیان اوست.

آنگاه شیطان در آخر روز از زمین صدا می‌زند: آگاه باشید که حق در پیروی از عثمان و پیروان اوست در آن هنگام است که اهل باطل دچار تردید می‌شوند.[2]

در روایتی دیگر آمده که صدای اولی صدای جبرئیل امین است.

ـ ناجیه قطّان از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که شنیدم امام فرمود:

«انّ المنادی ینادی انّ المهدی من آل محمد فلان ابن‌فلان باسمه و اسم ابیه...».

منادی از آسمان ندا سر می‌دهد که مهدی آل محمد (فلان پسرفلان

---

۱. *نوائب الدهور*، ج ۱، ص ۲۴۰.

۲. کتاب *غیبت طوسی*، ص ۲۶۶.

است) که نام مبارک و اصلی حضرت باشد و نیز شیطان فریاد می‌زند و نام یکی از بنی‌امیه را می‌برد که فلانی و پیروان او بر حق هستند.[1]

۷۸
زمان صیحه آسمانی در رمضان

در روایات است که امام باقرؑ فرمود:

صیحه آسمانی در شب بیست سوم ماه رمضان خواهد بود.[2]

امام صادقؑ می‌فرماید:

«الصیحة التّی فی شهر رمضان تکون لیلة الجمعه لثلاث و عشرین مضین من شهر رمضان».

صیحه آسمانی که در ماه رمضان واقع می‌شود حتما در شب جمعه بیست سوم آن ماه خواهد بود.[3]

۷۹
رستگاری شیعیان علیؑ در کلام جبرئیل

امام صادقؑ می‌فرماید: منادی در آسمان ندا می‌دهد که **«ان علیّا و شیعة هم الفائزون».**

و ابلیس در مقابل ندای جبرئیل در آخر همان روز می‌گوید:

«الا انّ عثمان و شیعة هم الفائزون» و در حدیثی دیگر آمده که می‌گوید: **«الا انّ الحقّ فی عثمان و شیعة، الا انّ عثمان قتل مظلوما».**[4]

ـ امیرالمؤمنین علیؑ می‌فرماید: در ماه رمضان به هنگام صبح از ناحیه مشرق ندا دهنده‌ای بانگ برمی‌آورد که: ای اهل ایمان! گرد هم آیید و از ناحیه غرب پس از ناپدید شدن شفق ندا دهنده‌ای می‌گوید: ای اهل باطل گردهم جمع شوید...

---

۱. *غیبت نعمانی*، ص ۲۵۷.
۲. *مکیال المکارم*، ج ۲، ص ۱۸۴.
۳. *اثبات الهداة*، ج ۷، ص ۳۹۶.
۴. *مهدی منتظر*، ص ۱۷۸.

۸۰
اصحاب کهف جزء یاران امام مهدی علیه السلام

در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

.... رومیان به ساحل دریا نزدیک غار اصحاب کهف[۱] روی آورده و خداوند آن جوانان را با سگ شان از غارشان برمی‌انگیزد در بین آنان مردی به نام ملیخا و خملاها بوده که این دو تسلیم دستورات حضرت قائم خواهند بود.[۲]

۸۱
وظیفه مؤمنین در صیحه آسمانی ماه رمضان

از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد صیحهٔ آسمان چیست؟

فرمود: این صیحه در نیمه ماه رمضان در شب جمعه خواهد بود و صدایی است که شخص خوابیده را بیدار می‌کند و ایستاده را می‌نشاند و زنان نجیب و پوشیده را در اثر (وحشت) از پرده‌ها بیرون می‌آورد....

در شب جمعه و در سالی که زلزله زیاد است وقتی نماز صبح را به جای می‌آورید به خانه‌های خود بروید و در و پنجره‌ها را ببندید و خود را بپوشانید و گوشهایتان را ببندید وقتی آن صوت را شنیدید سر به سجده بگذارید و بگوئید.

«سبحان القدوس سبحان القدوس سبحان القدوس» هر کس چنین کند نجات یابد و هرکس نکند هلاک شود.

۸۲
علامتی ویژه در ماه رمضان

روای می‌گوید: در محضر امام باقر علیه السلام بودم آن حضرت دو علامت پیش از قیام حضرت قائم را ذکر کرده و فرمودند: از وقتی که حضرت آدم علیه السلام به این دنیا آمد این دو آیت بزرگ هرگز دیده نشده است: اول کسوف خورشید است در نیمه ماه رمضان، دوم خسوف ماه است در آخر همان ماه رمضان

۱. غار اصحاب کهف در چند جا مطرح شده در کشور سوریه در نزدیکی شهر دمشق کوه قاسیون، در بحرین و در منطقه قفقاز آذربایجان و مقصود از رومیان غربی‌ها می‌باشند نه روم باستان (ایتالیا).

۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

مـردی در مجلـس نشسـته بـود عـرض کـرد: ای پسـر پیامبـر اینطـور نیسـت بلکـه درسـت بـر عکـس اسـت کسـوف در آخـر مـاه و خسـوف در وسـط مـاه پدیـد می‌آیـد.

امام فرمود:

می‌دانـم شـما چـه می‌گوئیـد امـا مـن می‌خواهـم بگویـم از اول تـا قبـل از قیـام مهـدی مـا ایـن کار نشـده اسـت و اختصـاص بـه پیـش از ظهـور دارد.[1]

۸۳
کسوف خورشید در ماه رمضان

ـ امـام صـادق علیه‌السلام می‌فرمایـد: کسـوف خورشـید در مـاه مبـارک رمضـان اسـت و وقـت کسـوف سـیزدهم و چهاردهـم مـاه رمضـان خواهـد بـود.[2]

ـ در کشـف الغمـه، ج ۲، ص ۴۵۷ روایـت کنـد کـه یکـی از علامـات ایسـتادن خورشـید اسـت از وقـت زوال روز تـا وسـط عصـر...[3]

۸۴
علائم ظهور در ماه ذی‌الحجه

امیرالمؤمنیـن علـی علیه‌السلام فرمـود: آیـا شـما را از پایـان حکومـت بنی‌فـلان خبرندهـم (ظاهـرا مـراد از بنی‌فـلان بنی‌امیـه یـا بنی‌عبـاس اسـت) عـرض کردنـد: چـرا یـا امیرالمؤمنیـن؟ حضـرت فرمـود: کشـتن نفـس محترمـی کـه ریختـن خـون او حـرام اسـت یعنـی نفـس زکیـه ـ در روز محتـرم در شـهر محتـرم از طایفـه‌ای از قریـش.

قسـم بـه پـروردگاری کـه دانـه را شـکافت و بشـر را آفریـد پـس از کشـتن او بجـز ۱۵ شـب حکومـت نخواهنـد کـرد.[4]

در روایات علائم ظهور کشته شدن نفس زکیه دو نوع ذکر شده.

الف: کشته شدن نفس زکیه در ماه ذی‌الحجة در مکه مکرمه.

ب: کشـته شـدن نفـس زکیـه در نجف‌اشـرف بهمـراه ۷۰ نفـر از یارانـش، ایـن

---

۱. *مکیال المکارم*، ص ۱۸۹.
۲. *غیبت نعمانی*، ص ۲۷۲.
۳. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۲۶۰.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۳۴.

نفس زکیه غیر از نفس زکیه‌ای است که در مکه شهید می‌شود و نامش محمدبن‌حسن است.

۸۵
آخرین علامت ظهور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: فاصله بین کشته شدن نفس زکیه و ظهور قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بیش از ۱۵ شبانه روز نیست.[۱] (شهادت جناب نفس زکیه در ماه ذی‌الحجه می‌باشد).

باید توجه داشت یک نفس زکیه در مکه کشته می‌شود و آن غیر از آن سید حسنی و نفس زکیه‌ای است که در پشت کوفه[۲] به شهادت می‌رسد.[۳] نفس زکیه شخصی است به نام محمدبن‌حسن از یاران امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف که حامل پیام امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خطاب به مردم مکه است او پیام امام را گرفته و در میان مقام ابراهیم و رکن در مسجدالحرام آن را قرائت می‌کند سپس مردم به او حمله کرده و سر او را از تن جدا کرده و شهیدش می‌کنند.

۸۶
علائم سمائی (فضائی)

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: وقتی آتش بزرگی از طرف مشرق مشاهده کردید که در بعضی شبها بالا می‌آید در آن هنگام گشایش کار مردم پدید می‌آید و این آتش اندکی قبل از ظهور قائم خواهد بود.[۴]

و در روایتی دیگر امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: پیش از قیام قائم مردم به وسیله

---

۱. *ارشاد شیخ مفید*، ص ۶۹۷.

۲. از امام حسن علیه‌السلام سؤال شد امام علی علیه‌السلام را در کجا دفن کردید؟ فرمودند: در پشت کوفه یعنی: نجف فعلی در آن زمان نجف وجود نداشته اگر دقت شود شهید شدن آیت‌الله حکیم در پشت کوفه یعنی نجف فعلی و پشت کوفه یعنی دقیقا کنار حرم امام علی علیه‌السلام البته شهدای همراه آیت‌الله حکیم حدود همان ۷۰ نفر بودند که در ابتدای انفجار بر اساس خبر خبرنگار همراه ایشان در اطراف محل انفجار افتاده بودند. شهدای بعدی، از مجروحین و مغازه‌داران اطراف حرم بودند علی ای حال این روایت محل تأمل و شاید نشانه روشنی از علائم ظهور می‌باشد.

۳. *ارشاد شیخ مفید*، ص۶۹۲.

۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۴۰و ۲۲۱.

آتشی که برای آنان از آسمان پدید آمده و سرخی آن آسمان را می‌پوشاند از گناهانشان باز داشته می‌شوند.[1]

امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمود: ده چیز پیش از قیامت حتما به وقوع خواهد پیوست: سفیانی، دجال، دخان، دابّه، خروج قائم، طلوع خورشید از مغرب، نزول عیسی، خسوف در مشرق، خسوف در جریزه‌العرب و آتشی که از مرکز عدن شعله می‌کشد و مردم را به سوی بیابان محشر هدایت می‌کند.[2]

ـ و از نشانه‌های سماوائی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

توقف خورشید از اول ظهر تا وسط وقت عصر.

۸۷
بروز صاعقه در آسمان

در کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۳۵ روایت دارد که فرمود: صاعقه در وقت نزدیکی ظهور امام مهدی به طوری زیاد می‌شود که مردی نزد جماعتی می‌آید و سؤال کند که امروز صاعقه به چه کسی خورد...[3]

۸۸
ستاره‌ای درخشان در آسمان

طلوع ستاره درخشانی در مشرق که مانند ماه بدرخشد و سپس یک طرف آن خم گردد به طوری که نزدیک باشد دو طرف آن بهم برسد و البته این ستاره غیر از ستاره دنباله‌داری است که در بعضی از روایات به قیام شخصی در آخر الزمان و پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد.[4]

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۴۰و ۲۲۱.
۲. *غیبت طوسی*، ص ۲۶۷.
۳. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۴۲۱.
۴. *ارشاد شیخ مفید*، ج۲، ص ۳۴۵.

۸۹
علائم جغرافیائی (آب و هوائی)

شیخ الطایفه در کتاب غیبتش از سعیدبن‌جبیر نقل فرموده است که:

«السنة التی یقوم فیها المهدی تمطر اربعا و عشرین مطرة یری اثرها و برکتها».

در آن سالی که حضرت مهدی علیه السلام قیام می‌کنند بیست و چهار ساعت باران می‌بارد و آثار و برکات آن بارانها دیده می‌شود.[۱]

سعیدبن‌جبیر می‌گوید: سالی که قائم قیام می‌کند ۲۴ نوبت بر زمین باران می‌بارد که آثار و برکات آن دیده می‌شود.[۲]

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: ظهور آن حضرت نشانه‌ها و علاماتی دارد: نخست محاصره کوفه و کمین کردن و پرتاب سنگ و ایجاد شکاف و رخنه در زوایای کوچه‌های کوفه، تعطیلی مساجد به مدت چهل شب و کشف معبد و به اهتزاز در آمدن پرچم‌هایی گرداگرد مسجد بزرگ (مسجدالحرام) کشنده و کشته شده هر دو در آتش‌اند.[۳]

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «یزجرالناس قبل قیام القائم علیه السلام عن معاصیهم بنار تظهر لهم فی السماء و حمرة تجلل السماء و خسف ببغداد و خسف ببلدة البصرة و دماء تسفك بها و خراب دورها و فناء یقع فی اهلها و شمول اهل العراق خوف لایکون لهم معه قرار».

قبل از قیام قائم علیه السلام مردم عراق بازداشت می‌شوند از معصیت خدا بوسیله آتشی که در آسمان برای آن‌ها ظاهر می‌شود و رنگ سرخی که آسمان را درخشان می‌گرداند و خرابی‌های عجیبی که در بغداد و بصره پدید آید.

۹۰
سایر علامات ظهور

در ارشاد مرحوم شیخ مفید علائم دیگری را برای ظهور ذکر کرده‌اند که در اینجا به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود.

---

۱. *غیبت طوسی*، ص ۲۶۹.
۲. *کشف الغمه*، ج ۴، ص ۲۵۰.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۷۳.

۱. خسـف بالمشـرف یعنـی فرورفتگـی زمیـن در مشـرق، شـاید بتـوان بـه بمبـاران اتمـی ژاپـن تعمیـم داد.

۲. اختلاف بین بنی‌العباس بر سر دنیا.

بایـد توجـه داشـت کـه ایـن اختـلاف اکنـون در بیـن حـکام جـور بـه وجـود آمـده و علـت ذکـر نـام بنی‌العبـاس می‌توانـد بـه عنـوان نمـاد ظلـم باشـد نـه صرفـا بنی‌العبـاس زمـان امامـان.

۳. داخـل شـدن پرچم‌هـای قیـس و عـرب بـه مصـر، شـاید بتـوان بـه حرکـت کشـتی‌های آزادی غـزه تعمیـم داد.

۴. و نارٌ تظهر بالمشرق طویلاً یعنـی آتشـی (جنـگ) از مشـرق بـه مـدت طولانـی ظاهـر می‌شـود. شـاید بتـوان گفـت کـه مقدمـه ایـن کار فراهـم شـده اسـت چـرا کـه کشـورهای هنـد و پاکسـتان، چیـن و ژاپـن، کره‌جنوبـی و شـمالی و چین‌تایپـه و تایـوان اختلافـات شـدیدی دارنـد.

۵. اختلاف صنفین من العجم وسفك دماء کثیرةٍ فیما بینهم.

۶. احراق رجلٍ عظیم القدر من شیعة بنی‌العباس بین جلولاً و خانقین (عراق).

۹۱
اتّفاقات جغرافیایی قبل از ظهور

فتـح بیت‌المقـدس یکـی از مهم‌تریـن اتفاقـات جغرافیایـی قبـل از ظهـور می‌باشـد چنانچـه در روایـت اسـت کـه: رسـول خـداﷺ فرمـود: ای عـوف! حفـظ کـن شـش خصلـت را پیـش از سـاعت ظهـور.

یکـی مـرگ مـن، پـس از آن فتـح بیـت المقـدس، آنـگاه پـس از آن مرضـی در شـما پیـدا شـود کـه ذراری شـما و خـود شـما از خـدا طلـب شـهادت می‌کنیـد امـوال شـما زیـاد می‌شـود...

پـس از آن بیـن شـما و بیـن بنی‌الاصفـر[۱] صلحـی باشـد پـس ایشـان غـدر و حیلـه کننـد و بـا هشـتاد پرچـم کـه زیـر هـر پرچمـی دوازده هـزار نفـر باشـد بـه شـما حملـه کننـد.[۲]

---

۱. رومی‌ها را گویند.

۲. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۳۸۸ ـ *کنزالعمال*، ج ۱۴، ص ۲۱۳ ـ *مستدرك حاکم*، ج ۴، ص ۴۲۳.

۹۲

وضعیت مسجد کوفه

امام حسین علیه السلام فرمود: «اذا هدم حائط مسجدالکوفه حمایلی دار عبداللّه‌بن‌مسعود...».

هرگاه دیوار مسجد کوفه که در جنب خانه عبدالله‌بن‌مسعود (یا خانه عبدالملک است) خراب شد در این هنگام سلطنت دشمنان ما ساقط می‌شود و در این زمان است که مهدی ما قیام می‌کند.[۱] از علائم ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که در روایات به آن اشاره شده است.

عبارتند از: خراب شدن دیوار مسجد کوفه، خراب شدن ضلع غربی مسجد اموی در شهر دمشق و خراب شدن شام، تعطیلی مساجد...

از علائم ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایت آن است که اطراف مسجد کوفه آباد می‌شود و خانه و ساختمانها زیاد می‌شود و در آن موقع که حکومت بنی‌العباس دچار زوال و نابودی می‌گردد در این وقت است که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌نماید.[۲]

۹۳

نبرد در منطقه قرقیسیا

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: سفیانی نیروهای خود را برای کشتن آل‌محمد صلی الله علیه و آله و شیعیان اهل‌بیت گسیل می‌دارد و ...سپاهیانش وارد قرقیسیا می‌شوند و جنگی سخت به راه می‌اندازد که صدها هزار نفر در آن کشته می‌شود.[۳]

۹۴

کشتاری بی‌مانند در قرقیسیا

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: در قرقیسیا حادثه‌ای روی می‌دهد که هرگز از اول آفرینش جهان چنین حادثه‌ای روی نداده است و تا روزی که زمین و

---

۱. *عقدالدّرر*، ص ۵۱.

۲. فی‌الحال در اطراف مسجد کوفه اماکن و ساختمان‌های زیادی ساخته شده است.

۳. این حادثه قبل از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ خواهد داد و یکی از پیش زمینه‌های ظهور تحلیل شده است.

آسمانها وجود دارد چنین حادثه‌ای روی نخواهد داد و آنجا سفره گسترده الهی پهن می‌شود درندگان و طیور برای خوردن گوشت جباران گرد می‌آیند مرغان و درندگان صحرا از آن می‌خورند و سیر می‌شوند.

۹۵

مرکز درگیری‌ها قبل از ظهور قرقیسیا است

قرقیسیا منطقه‌ایست که در کنار فرات و او یکی از مراکز جنگ قبل از ظهور امام است جنگ ترک‌ها و رومی‌ها و غربی‌ها و یمانی و خراسانی و سفیانی در آنجا خواهد بود.[۱]

ـ امام باقر علیه السلام فرمود: سپس سفیانی با ابقع[۲] روبرو می‌شود و با یکدیگر کارزار می‌کنند سفیانی او و همراهانش و اصهب را به قتل می‌رساند آنگاه هیچ تصمیمی جز حمله به عراق ندارد.

او سپاه خود را به قرقیسیا رسانده و در آنجا وارد نبرد می‌شود در این درگیری صدهزار ستمگر کشته می‌شود و سفیانی لشکری به تعداد هفتادهزار نفر را بسوی کوفه گسیل می‌دارد.[۳]

۹۶

۵ دریا تصرف شود

از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: قائم عجل الله فرجه ظاهر نخواهد شد تا این که کفار پنج نهر (دریا) را مالک شوند سیحون و جیحون فرات[۴] و نیل و دجله، خداوند

---

۱. *مهدی منتظر*، ص ۱۵۳.

۲. این دو گروه مخالف اسلام و جزء طرفداران کفار می‌باشند لذا در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده که میان سه لشکر اصهب و ابقع و سفیانی اختلاف ایجاد می‌شود و امام در این روایت این اختلاف را نزدیک ظهور امام مهدی عجل الله فرجه می‌دانند. (*الزام الناصب*، ج ۲، ص ۲۰۴).

۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

۴. رژیم غاصب صهیونیستی با دولت ترکیه قرار داد احداث سدی بر روی فرات بسته‌اند که عن قریب این طرح به اجراء خواهد آمده و به یک معنا فرات خشک می‌شود چرا که فرات از ترکیه سر چشمه می‌گیرد و در روایات است که فرات حجاب از خود برمی‌گیرد شاید با این رفتار یهودی‌ها در حدیث ارتباط داشته باشد.

اهل‌بیت پیغمبر خود را بر همه گمراهان یاری خواهد کرد تا این که هیچ رایتی برای ایشان بلند نشود تا روز قیامت.[۱]

ـ امام علی علیه السلام می‌فرماید: هرگاه زیادی آب، شکافی در فرات ایجاد کند و آب به کوچه‌های کوفه برسد شیعیان ما آماده ملاقات قائم علیه السلام شوند.[۲]

۹۷

گنجی از طلا در فرات

ـ در کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۰۳ فرمود: ساعت ظهور برپا نشود تا اینکه در فرات کوهی از طلا پیدا شود مردم برای آن کشته شوند، پس نُه دهم مردم کشته شوند.

در حدیث دیگر فرمود: زود است که فرات کشف حجاب کند و کوهی از طلا در آن نمایان شود پس وقتی مردم آن را بشنوند به سوی فرات آیند پس کسی که نزد اوست بگوید والله اگر ما ترک کنیم، آن را می‌گیرند.

و همه را می‌برند پس مردم برای خاطر آن (طلاها) همدیگر را بکشند تا اینکه از هر صد نفر نود و نه نفر کشته شوند.[۳]

۹۸

اتفاقات و علائم اجتماعی و سیاسی قبل از ظهور

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: حضرت قائم قیام نمی‌کند مگر در حالی که ترس شدید و فتنه و بلائی بر مردم فرا رسد و قبل از آن گرفتار طاعون می‌شوند آنگاه شمشیر برنده میان اعراب حاکم می‌شود و اختلاف میان مردم و پراکندگی در دین و دگرگونی در حال آنان بوجود می‌آید به گونه‌ای که هر کسی در اثر مشاهده درنده خوئی که در میان برخی از مردم نسبت به بعض دیگر وجود دارد صبح و شام آرزوی مرگ می‌کند.[۴]

۱. *الزام الناصب*.
۲. *مهدی منتظر*، ص ۱۴۴.
۳. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۴۳۴.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۳۱.

ـ در کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۴۱ روایت آورده که فرمود: از علائم ساعت (ظهور) آن است که قرآن را اسباب تجارت خود قرار دهید.[۱]

ـ رسول خداﷺ فرمود: «برپا نشود قیامت تا وقتی که صدا بلند شود در طربها (آواز خوانی‌ها) مانند کشیده شدن صدای خرها.

لاتقوم الساعة حتی نیشاقمد فی الطروب مدّ الحمیر».[۲]

ـ محمدبن‌مسلم از امام باقرؑ پرسید: که‌ای پسر پیامبر چه موقع قائم شما ظهور خواهد کرد؟

امام فرمود: «اذا تشبّه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و اکتفی الرجال بالرجال...».

زمانی که مردان خود را به هیات و شکل زنان درآورند و زنان نیز مثل مردان شوند و مردان به مردان اکتفا می‌کنند و زنان هم به همدیگر و زنان سوار بر زین می‌شوند و شهادات دروغ پذیرفته می‌شود اما شهادت درست پذیرفته نمی‌شود و خون ریزی امر معمولی و عادی گردد و خون مردم احترام ندارد و قبح زنا می‌شکند و ربا خواری عادی می‌شود و مردم از اشرار دوری کنند چون از زبانشان می‌ترسند...[۳]

۹۹
سنگ داغی بر کف دست

«عن انسی عن النبیﷺ انه قال:

یأتی علی الناس زمان الصابر منهم علی دینه کالقابض علی الجمرة».

زمانی خواهد آمد که دینداری برای انسان مثل آن است که بخواهد سنگ داغی را در دست خود نگه دارد.

ـ در آخر زمان طبق روایت مردم از نظر دینی روز به روز عقب گرد می‌کنند تا آنجائی که لا اله الا الله به سبکی گفته می‌شود.

---

۱. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۵۶۵.
۲. *مجمع الزوائد*، ج ۷، ص ۳۲۶.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

ـ روایاتی وجود دارد که به بعضی از علائم ظهور اشاره می‌نماید.

از جمله: شیوع ظلم و ستم و بی‌دینی رواج گناه، شراب خواری، رباخواری ریاکاری ـ رشوه‌خواری، نفاق، تقلب و قساوت بی‌عفتی و بی‌حیایی، ظاهر شدن زنان با لباسهای زننده در اجتماع، صله رحم مراعات نمی‌شود، بی‌احترامی به پدرو مادر، خمس و زکات پرداخت نمی‌شود، اهل باطل بر مسلمانان چیره می‌شوند.

امام صادق (ع) به صحابی بزرگوار محمدبن‌مسلم فرمود: قیام قائم دارای علامت‌هایی است از طرف پروردگار.

محمدبن‌مسلم پرسید: آن چیست؟

امام در جواب او آیه شریفه را تلاوت فرمود: «ولنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرین».

ـ در روایت است که: مؤمن اندوهگین و حقیر می‌شود به طوری که قدرت بر انکار ندارد مگر در قلب خود و به آن‌ها همه گونه اهانت می‌شود.

و در روایتی دیگر آمده.

زمانی پیش خواهد آمد که دیندار نجات پیدا نمی‌کند مگر آنکه مردم گمان کنند که او ابله است و باید مؤمن خود را بر این موضوع آماده کند که به او بگویند ابله است و عقل ندارد.

ـ رسول‌خدا (ص): در زمان غیبت قلب مؤمن در قفسه سینه‌اش آب می‌شود همان طور که نمک در آب محلول می‌گردد چون مؤمن منکرات را می‌بیند و قدرت ندارد آن را تغییر دهد مؤمن در میان مردم با ترس رفت و آمد می‌کند اگر سخن بگوید او را می‌خورند و اگر سکوت کند از فشار غصه می‌میرد.

ابن‌ابی‌الحدید در نهج‌البلاغه خود در خطبه‌ای از امام علی (ع) آورده که دلالت و مطابقت زیادی بر جنگ و حمله کشورهای ناتو و امریکا به عراق دارد و حضرت در آنجا به علائم آخر زمان نیز اشاره دارند که به جهت

طولانی بودن خطبه صرفا به این خطبه اشاره شد طالبین می‌توانند جهت مطالعه به آن خطبه بسیار جالب مراجعه نمایند.[1]

ـ امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: در آخرالزمان مردم کار دنیا را بر کارهای آخرشان مقدم دارند.

۱۰۰

کشتار بیوح

امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: پیش از قیام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف کشتار بیوح روی خواهد داد راوی می‌گوید: پرسیدیم یابن‌رسول‌الله کشتار بیوح چیست؟

امام فرمود: جنگِ پیوسته بدون قطع شدن را گویند.

۱۰۱

ظهور چه زمانی خواهد بود

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در شب معراج از خداوند سؤال کرد: خداوندا! (ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) چه زمان خواهد بود؟ به حضرت وحی شد.

زمانی که قتل و کشتار زیاد شود فقها و هدایت کنندگان واقعی کم شوند قرآن‌ها را زینت کنند، جور وفساد زیاد شود، منکرات ظاهر شود، امت تو امربه منکر و نهی‌ازمعروف کنند، مردها به مردها اکتفا کنند و زنان به زنان، سه خسف[2] در دنیا ظاهر شود: خسفی در مشرق و خسفی در مغرب و خسفی در جزیره‌العرب، خراب شدن بصره، ظهور دجال و قیامش از سجستان و خروج سفیانی...[3] (درباره خراب شدن بصره روایت کاملی در مجموعه روایات وضعیت عراق قبل از ظهور آمده است).

۱. *نهج‌البلاغه*، ابن‌ابی‌الحدید، ج ۶، ص ۱۳۴، خطبه ۷۱.
۲. فرورفتگی.
۳. *اثباة‌الهداة*، ج ۷، ص ۳۹۰ (علائم جغرافیائی، سیاسی، اجتماعی در این روایات یکجا آمده).

۱۰۲
بدترین زمان‌ها

عن امیرالمؤمنین عليه‌السلام: «یقول یظهر فی آخر الزمان و اقتراب الساعة و هو شر الازمنة نسوة کاشفات عاریات متبرجات خارجات من الدین داخلات فی الفتن مائلات الی الشهوات مسرعات الی اللذات مستحلات للمحرمات فی جهنم خالدات».

علی عليه‌السلام فرمود: در آخرالزمان که بدترین زمان‌ها است ظاهر شوند، زن‌هایی که بی‌حجاب و برهنه باشند و بیرون از خانه، خود را برای غیرشوهر زینت کنند و مایل به شهوات باشند این گونه زنها مسلما اهل دوزخ خواهند بود.[1]

و در روایتی دیگر علی عليه‌السلام فرمود: زمانی بر مردم بیاید که افراد ضعیف الایمان و بی‌انصاف و بی‌عدالت در نزد اکثر مردم عزیز و آبرومند باشند و افراد با ایمان و با انصاف در نزد مردم ضعیف و بی‌ارزش خواهند بود.

سؤال شد یا امیرالمؤمنین در چه زمانی چنین شود؟

حضرت فرمود: هر گاه زنها مسلط بر امور و امور مملکت بدست بچه‌ها (یعنی جوانان بی‌تجربه) افتد.[2]

۱۰۳
علائم سیاسی

شیصبانی شخص ستمکاری است که بطور ناگهانی از کوفه سر درمی‌آورد.

و با شیعه دشمنی دارد و به قتل بزرگان شیعه فرمان می‌دهد و همکار سفیانی اول است. حسن‌بن‌جهم می‌گوید: به حضرت رضا عليه‌السلام عرض کردم: خداوند حال شما را به صلاح گرداند آنان (مخالفین) می‌گویند: سفیانی در حالی قیام می‌کند که بساط سلطنت بنی‌عباس برچیده شده باشد؟

حضرت فرمود: آن‌ها دورغ می‌گویند سفیانی در حالی قیام می‌کند که هنوز بساط سلطنت بنی‌عباس پابرجاست.[3]

۱. *من لایحضره الفقیه*، ج ۳، ص ۲۴۷.
۲. *روضه کافی*، ج ۱، ص ۱۲۲.
۳. *غیبت نعمانی*، ص ۳۰۲.

۱۰۴
نکته

(منظـور امـام از بنی‌عبـاس در ایـن روایـت قطعـا حکومت‌هـای ستمکاریسـت کـه در زمـان ظهـور امـام عصـر در عـراق حکومـت می‌کننـد و الا حکومـت بنی‌عبـاس کـه قبـلا سـاقط شـده اسـت پـس ایـن کنایـه و لحنـی اسـت کـه در روایـات علائـم ظهـور بـه طـور وضـوح زیـاد دیـده می‌شـود).

۱۰۵
از صَفر تا صَفر سال بعد

در الـزام الناصـب، ج ۲، ص ۱۲۵ از کتـاب عبدالله‌بن‌بشـار رضیع‌الحسـین علیه‌السلام روایـت کنـد کـه هـر وقـت خداونـد اراده کنـد کـه قائم‌آل‌محمـد صلی‌الله‌علیه‌وآله را ظاهـر سـازد شـروع بـه جنـگ خواهـد شـد از مـاه صفـر تـا صفـر (سـال بعـد) و ایـن نزدیـک خـروج مهـدی اسـت.[۱]

۱۰۶
خروج رضاشاه قلدر

محمدبن‌بشـر از محمـد حنّفیـه نقـل می‌کنـد کـه: بـه آن حضـرت عـرض کـردم کـه قیـام و دولـت شـما طـول کشـیده اسـت ایـن امـر چـه وقـت خواهـد شـد؟ پـس سـر مبـارک راتـکان داده و فرمودنـد: هنـوز اوضـاع جهـان دگرگـون نشـده و بـرادر دربـاره بـرادر جفـا نکـرده اسـت؟ کجاسـت آن قیـام؟ و حـال آن کـه سـلطان دربـاره رعیـت ظلـم نکـرده اسـت؟ کجاسـت آن حکومـت؟ و حـال آن کـه زندیقـی از قزویـن حرکـت نکـرده اسـت؟ کـه پرده‌هـای عصمـت را بـدرد و قلب‌هـا را انباشـته از کفـر کنـد...[۲]

---

۱. *یأتی علی الناس زمان*، ص ۴۲۴ ـ *صراط المستقیم*، ج ۲، ص ۲۵۷.
۲. *غیبت طوسی*، ص ۲۶۹ (احتمالا اشاره به جنایات و قیام رضاخان قلدر دارد رضاشاه با قشون خود پس از حرکت از قزوین به تهران وارد شد و...).

۱۰۷

کشتاری وسیع

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «لایخرج المهدی حتی یقتل ثلث و یموت ثلث و یبقی ثلث».[1]

مهدی ظهور نمی‌کند مگر بعد از آن که یک سوم مردم کشته شوند یک سوم بمیرند و یک سوم دیگر باقی مانند.

عن سلمان فارسی «قلت: یا امیرالمؤمنین متی القائم من ولدك»؟

سلمان فارسی گفت: روزی خدمت امیرالمؤمنین علیه‌السلام عرض کردم: چه زمانی قائم شما ظاهر خواهد شد؟

آن حضرت آهی از دل برکشید و فرمود: ظاهر نخواهد شد مگر زمانی که بچه‌ها یعنی جوان‌های بی‌تجربه در امور فرمانروا شوند و کارها بدست آن‌ها بیفتد و حقوق خداوند ضایع شود و قرآن را مانند غناء و سرود بخوانند.[2]

ـ امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌فرمایند: نشانه ظهور من زیادی هرج و مرج و فتنه‌ها است.

۱۰۸

اختلاف و تفرقه

قال رسول‌اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله: «ابشرکم بالمهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس».

بشارت می‌دهم شما را به مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هنگامی که اختلاف و پراکندگی مردم در میان امتم برانگیخته می‌شود.[3]

از مالک‌بن‌ضمرة نقل شد که گفت:

امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود: ای مالک‌بن‌ضمره چگونه خواهی بود زمانی که شیعیان این چنین با یکدیگر اختلاف داشته باشند؟

آنگاه حضرت انگشتان مبارک خود را بطور مشبک داخل یکدیگر نمود.

---

۱. *کنزالعمال*، حدیث ۳۹۶۶۳.

۲. *بحار الانوار*، ج ۵۲ ص ۲۷۵.

۳. *کشف الغمة*، ج ۳، ص ۲۸۴.

عـرض کـردم: ای امیرمؤمنـان! در آن هنـگام چـه مسئله خیـری بوجـود خواهـد آمد؟

حضرت فرمود: تمام خیر در آن هنگام است.

ای مالـک! در آن زمـان قائـم مـا قیـام می‌کـند و تعـداد هفتـاد مـرد را کـه بـه خـدا و رسـول او دروغ گفته‌انـد پیـش کشـیده و آنـان را بـه قتـل می‌رسـاند سـپس خداونـد همـه را بـه یکپارچگـی و وحـدت می‌رسـاند.[1]

۱۰۹
نشانه‌ای که اتفاق افتاده است

۱. عرب‌هـا اسـتقلال پیـدا کننـد و کشورگشـایی نماینـد و از زیـر بـار و نفـوذ دیگـران بیـرون رونـد.

۲. اهل مصر فرمانروای خود را بکشند. (کشته شدن انور سادات).

۳. شـط فـرات طغیـان کـرده یاشـکافته شـود بـه حـدی کـه آب در کوچه‌هـای کوفـه داخـل شـود.

۴. بـاد سـیاهی در اول روز در بغـداد بلنـد شـود و زلزلـه‌ای در آنجـا روی دهـد بـه حـدی کـه بسـیاری از شـهر فـرو رفتـه و خـراب گـردد. (حملـه آمریـکا بـه عـراق).

۵. ترسـی عمومـی و مرگـی سـریع و همگانـی همـه اهـل عـراق و مـردم بغـداد را فـرا گیـرد کـه قـرار و آرام یـا راه فـرار نداشـته باشـند.[2]

۱۱۰
سایر علائم وارده در روایات مربوطه به ظهور

۱. تخریب مسجد براثا

در روایتـی رسـول خـداﷺ می‌فرماینـد: اگـر مسـجد براثـا خـراب شـود زیانهایـی دارد کـه از آن جملـه تعطیـل شـدن برنامـه حـج اسـت.

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۱۵.
۲. *ارشاد شیخ مفید* ج۲، ۳۴۶.

عرض کردند: این مسجد در کجا قرار گرفته است؟

فرمود: در غرب زوراء (بغداد) از زمین عراق هفتاد پیامبر علیهم‌السلام در این مسجد نماز خوانده‌اند و آخرین کسی که در آن نماز می‌خواند علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام است.[۱]

۲. بسته شدن راه حجّ

حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در پاسخ این پرسش علی‌بن‌مهزیار اهوازی که پرسید: سرورم! این امر (ظهور) کی خواهد بود؟

«اذا حیل بینکم و بین سبیل الکعبة». فرمود: هرگاه راه مکه بر شما بسته شود.[۲]

۳. ناامیدی عمومی

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: به خدا قسم این امر (ظهور) به سراغتان نیاید مگر پس از آنکه به کلی نومید شوید، نه به خدا، مگر پس از آن که (خالص و ناخالص شما) از هم باز شناخته شود.

ـ امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: همانا فرج و گشایش پس از نومیدی می‌آید.[۳]

۴. سال‌های پر دغدغه

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: قبل از قیام قائم سال‌های پر دغدعه و نیرنگی در پیش است.

در این سال‌ها راستگویان دروغگو شمرده می‌شوند و در عوض دروغگویان راستگو شناخته می‌شوند در این سالها «ماحل» تقرب پیدا می‌کنند و «رویبضه» در سخن گفتن پیشقدم می‌گردند.

راوی عرض کرد: یا علی! ماحل و رویبضه به چه کسانی گفته می‌شود؟

امام فرمود: مگر در قرآن نخوانده‌ای که خداوند می‌فرماید: «و هو الشدید

---

۱. *نوائب الدهور*، ص ۱۳۱.
۲. *تفسیر نورالثقلین*، ج ۵، ص ۴۶۱. (در زمان فهد و در قتل عام حجاج ایرانی ۳ سال راه خانه خدا بسته شد).
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

المحال» سپس فرمودند: منظور از «ماحل» آدم مکاری است که به وسیله مکر زیاد مردم را به خود متوجه می‌کند.[1]

۵. پرچم‌دار هدایت

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خروج خراسانی و سفیانی و یمانی هر سه در یک سال در یک ماه و در یک روز است اما هیچ پرچمی هدایتگرتر از پرچم یمانی نیست آری مردم را دعوت به حق می‌کند.[2]

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: در میان پرچم‌ها راهنماتر از پرچم یمانی نیست که آن پرچم هدایت است زیرا دعوت به صاحب شما (امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌کند و هنگامی که یمانی خروج نماید خرید و فروش سلاح برای مردم و هر مسلمانی ممنوع است و چون یمانی خروج کرد به سوی او بشتاب که همانا پرچم او پرچم هدایت است و هیچ مسلمانی را روا نباشد که با آن پرچم مقابله نماید پس هرکس چنین کند از اهل آتش خواهد بود زیرا او به سوی حق و راه مستقیم فرا می‌خواند.[3]

۶. اسبغ مظفر در بتخانه

در روایتی از امام علی علیه السلام آمده: از نشانه‌های ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کشته شدن اسبغ مظفّر در بت خانه با تعداد زیادی از انسان‌های شیطان صفت به طرز فجیع (صبرا) می‌باشد. (شاید کشته شدن عده زیادی از گروه داوودی در چند سال پیش در امریکا باشد که جملگی توسط پلیس آمریکا در محل عباداتشان سوخته و کشته شدند).[4]

۷. امیرعبداللّه در حجاز

۱. *غیبت نعمانی*، ص ۲۷۸ در روایتی از پیامبراکرم(ص رسیده که در معنی روییضه الرجل التافة...یعنی مرد حقیر و بی‌شخصیتی که علیرغم، عدم شایستگی در امور عامه مردم دخالت می‌کند و به جای آن‌ها اظهار نظر می‌کند).
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۱۰.
۳. *غیبت نعمانی*، باب ۱۴، ص ۳۶۹.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۶، ص ۸۲.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

هرکس مرگ عبدالله[1] را برای من تضمین کند من ظهور قائم را برای او ضمانت می‌کنم. سپس فرمود:

وقتی عبدالله در گذشت مردم بعد از او با کسی برای حکومت توافق نمی‌کنند و این اختلاف و درگیری به خواست خدا تا ظهور صاحب‌الامر ادامه می‌یابد و فرمانروائی‌های چند ساله پایان یافته و حکومت چند ماهه و چندین روزه فرا می‌رسد.

سؤال کردم: آیا این ماجرا بطول انجامد؟ فرمود: هرگز.[2]

۸. روایت ارادت ۱۲ نفر

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: قائم قیام نمی‌کند مگر آنکه دوازده نفر همگی اتفاق بر یک سخن کنند و گویند او را دیده‌اند اما آن‌ها را تکذیب می‌کنند.[3]

۹. ملخ سرخ

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

قبل از قیام قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در دو وقت از سال ملخ سرخ رنگ (برنگ خون) ظاهر خواهد شد یکی در موقع ظهور و یکی در غیر وقت آن.[4]

۱۰. ارسال ایمیل

۱. در روایاتی از امام باقر علیه‌السلام آمده که: علت مرگ او (عبدالله) این است که او با یکی از خواجگان خود ازدواج می‌کند و بعد دست به قتل او می‌زند و چهل روز مرگ او را مخفی نگه می‌دارد وقتی که سواران به جستجوی خواجه می‌آیند نخستین کسی که بیرون می‌آید تا آخرین نفر آنان بازنمی‌گردد و بدینگونه فرمانروایی آن‌ها منقرض می‌گردد(*کمال الدین*، ص ۶۵۵).

۲. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۲۱۰.

در منطقه خاورمیانه چند کشور بدون حاکم می‌شوند که از جمله عربستان، سوریه، عراق، یمن... می‌باشد این وضعیت بلاصاحبی این کشورها در نزدیکی‌های ظهور خواهد بود یا حداقل قدرت حاکمیت ملی و نظارت حکومت‌ها بر شهرهایشان بسیار ضعیف خواهد بود.

۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۴۴.

۴. *مهدی منتظر*، ص ۱۴۱.

شـخصی از امام‌صـادق علیه‌السلام پرسـید: مـردم چگونـه بـه قیـام آن حضـرت آگاه می‌شـوند؟

امام فرمود:

هریـک از شـما وقتـی از بسـتر خـود بـر می‌خیـزد در کنـار بسـترش دعـوت نامـه‌ای می‌بینـد کـه در آن آیـه ۵۳ سـوره نـور نوشـته شـده کـه در آن آمـده اطاعـت خالصانـه نشـان دهیـد.[1]

۱۱. فواصل در بین نشانه‌های ظهور

از امـام صـادق علیه‌السلام پـس از آن کـه برخـی از نشـانه‌های امـام عصـر عجل‌الله‌فرجه را بیـان کـرد شـخصی پرسـید: فدایـت شـوم می‌ترسـم ایـن امـر (تحقـق نشـانه‌های ظهـور امـام مهـدی عجل‌الله‌فرجه) بـه طـول انجامـد؟

امام علیه‌السلام فرمود: «لا انما (هو) کنظام الخرز یتبع بعضه بعضا».

نه محققا همچون مهره‌های تسبیح یکی پس از دیگری می‌آید.[2]

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۷۲ این روایت دلالت دارد به پست الکترونیک و ایمیل و پیامک توسط تلفن همراه.
۲. *بحارالانوار* ج ۵۲، ص ۲۳۵، باب ۲۵.

مکان و ظهور امام مهدی

۱۱۱
منکر ظهور کافر است

جابربن‌عبدالله انصاری از حضرت رسول‌اکرم روایت کرده است که فرمود: **«من انکر خروج المهدی فقد کفر»** هرکس خروج مهدی را انکار نماید کافر گردیده.[۱]

ـ قال الباقر: «یا اباحمزه! من المحتوم الذی حتمه‌اللّه قیام قائمنا فمن شك فیها اقول لقی‌اللّه و هو به کافر».

ای اباحمزه! از امور حتمیه‌ای که خداوند حتمی ساخته است قیام قائم ماست هر کس در این گفتار تردید کند خدا را در حال کفر ملاقات می‌کند.[۲]

ـ قال رسول‌الله: «من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد».

پیامبراکرم فرمود: هرکس منکر ظهور مهدی شود نسبت به آنچه بر محمد نازل شده کافر و منکر شده است.[۳]

۱. *کتاب الاشاعه*، ص ۱۱۲ـ *العرف الوردی فی اخبار المهدی*، ج ۲، ص ۸۳.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۱۳۹.
۳. *ینابیع المودة*، ص ۴۴۷.

۱۱۲
وقت ظهور معلوم نیست

امام‌باقر علیه السلام: در پاسخ به این پرسش فضیل که آیا زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعیین شده است می‌فرماید: وقت گذاران دروغ گفته‌اند وقت گذاران دروغ گفته‌اند...[۱]

و در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

تعیین کنندگان وقت ظهور دروغگویند ما در گذشته، زمان تعیین نکرده‌ایم و در آینده نیز زمان تعیین نمی‌کنیم.[۲] (تعیین زمان ظهور یعنی به طور قطع، کسی روزی را تعیین کند والاّ در روایات به صراحت وقوع علائم بیان شده پس می‌توان از وقوع یکی از علائم به نزدیکی ظهور حکم نمود).

ـ از حکیمه دختر امام جواد علیه السلام آمده است:

«خداوند، ولی‌الله را از دیدگان بندگان پنهان می‌کند و هیچکس او را نمی‌بینند تا اینکه جبرئیل اسبش را به او تقدیم می‌کند تا آنچه در علم خدا، شدنی است انجام گیرد».[۳]

ـ عیاشی به سند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در تفسیر «یومنون بالغیب» فرمود: غیب، قیام و ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ـ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: از برای ظهور وقتی نیست برای آنکه مانند روز قیامت، علم آن در نزد خدا است.

تا این که فرمود: برای ظهور مهدی ما کسی وقتی معین نکند مگر آن کسی که خود را شریک در علم خدا بداند و مدعی باشد که خدا او را بر سرّ خودش آگاه کرده است.[۴]

ـ از مفضل‌بن‌عمر روایت شده که گفت: من از امام صادق علیه السلام پرسیدم: که آیا برای ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی معین شده که شیعیان شما آن را بدانند؟

---

۱. *غیبت طوسی*، ص ۴۲۶، حدیث ۴۱۲.
۲. *غیبت طوسی*، ص ۴۲۶، حدیث ۴۱۲.
۳. *اثبات الهداة*، ج ۳، ص ۵۰۶، روایت ۳۱۵.
۴. *اثبات الهداة*، ج ۷، فصل ۵۵، باب ۳۲، ص ۱۵۶، حدیث ۴۰.

حضـرت فرمـود: حـاش لله کـه وقتـی بـرای قیـام او تعیین شـده باشـد تـا شـیعیان مـا آن را بداننـد.

پس مفضل گوید: عرض کردم: یا سیدی و لم ذلك؟

حضرت فرمود: وقت ظهور قائم همان ساعتی است که خداوند فرموده:

«قل انما علمها عند ربی»[۱] پس سـؤال از کمیت آن وجهـی نـدارد و آن از مخزونـات علـم کامـل خداونـد اسـت.[۲]

۱۱۳
عید اسعد

امـام صـادق علیه السلام فرمـود: نـوروز روزی اسـت کـه قائـم مـا اهـل بیـت علیهم السلام در آن ظهـور کنـد.[۳]

۱۱۴
جمعه روز ظهور

در روایتـی مرحـوم نعمانـی نقـل فرمـوده: در هـر روز جمعـه در عـرش بـرای حضـرت محمـد صلی الله علیه و آله و علـی و حسـن و حسـین علیهم السلام منبرهایـی از نـور نصـب می‌شـود و در هنـگام ظهـر روز جمعـه رسـول خـدا صلی الله علیه و آله دسـت بـه دعـا برمی‌دارنـد و فـرج حضـرت ولی‌عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف را طلـب می‌نماینـد.

و ملائکه و انبیاء نیز چنین می‌کنند.

سـپس حضـرت محمـد و علـی و حسـن و حسـین علیهم السلام بـه سـجده رفتـه و دعـا می‌کننـد آنـگاه پـروردگار متعـال آنچـه بخواهـد انجـام می‌دهـد کـه آنـروز روز مشـخصی اسـت.[٤]

امام صادق علیه السلام: «یخرج قائمنا اهل‌البیت یوم الجمعة».

---

۱. اعراف / ۱۸۷.

۲. *تفسیرشریف لاهیجی*، ج ۲. (وقت ظهور قطعا بر کسی معلوم نیست این با مسأله بروز علامت و نشانه‌های ظهور جدا خواهد بود چنانچه در روایات بسـیاری از علائم ظهور مطالب و دقایق زیادی مطرح شـده است ولی درباره وقت ظهور چیزی بیان نشده است).

۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲ ص ۲۷۶ و جلد ۵۶، ص ۹۱.

۴. *مکیال‌المکارم*، ج ۱، ص ۳۹۳.

قائم ما خاندان روز جمعه قیام می‌کند.[1]

۱۱۵
عاشورای ظهور

ـ طبق روایت، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: بنام قائم در شب جمعه ۲۳ ماه رمضان ندا می‌شود و در روز عاشورا قیام می‌کند مثل اینست که او را مشاهده می‌کنم که روز شنبه دهم محرم میان رکن و مقام ایستاده و در سمت راست او جبرئیل می‌باشد...

و بنا به روایتی که شیخ طوسی در کتاب غیبت، ص ۴۵۲ آورده و صاحب عقدالدرر در باب الرابع، فصل اول، ص ۶۵ آورده است.

ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در روز عاشورا می‌باشد.

و در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «**یخرج قائمنا اهل البیت یوم الجمعة**»؛ یعنی: قائم ما خاندان روز جمعه قیام می‌کند.

۱۱۶
عاشورا در اقوام و ملل گذشته

ـ امام جواد علیه السلام می‌فرماید: کشتی نوح در روز عاشورا روی کوه جودی نشست نوح امر کرد هر کس از جن و انس با او هست روزه بگیرد آیا می‌دانی آن چه روزیست؟ این همان روزیست که خداوند توبه آدم و حوا را قبول کرد این همان روزی است که دریا را برای موسی باز کرد و فرعون و همراهان او را غرق کرد و این همان روزی است که موسی بر فرعون پیروز شد، این همان روزی است که ابراهیم متولد گردید این همان روزیست که خداوند توبه قوم یونس را پذیرفت، این همان روزریست که عیسی‌بن‌مریم متولد شد و این همان روزیست که قائم در آن روز قیام می‌کند.

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۹۱ و جلد ۵۶، ص ۹۱.

۱۱۷
سال‌های فرد

امام باقر علیه السلام فرمود: قائم در سالهای فرد قیام می‌کند همچون نه، یک، سه و پنج...[۱]

ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «لایخرج القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف الافی وتر من السنین سنة احدی اوثلاث او خمس اوسبع اوتسع».

قائم ما قیام نمی‌کند مگر در سال‌های طاق: یک یا سه یا پنج یا هفت یا نه.[۲]

۱۱۸
۱۵ شب آخر

امام صادق علیه السلام فرمود: بین قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و شهادت نفس زکیه بیش از پانزده شب نخواهد بود.[۳]

«لقد سئل رسول اللّه صلی الله علیه و آله عن ذلك فقال: انما مثله کمثل الساعة لاتاتیکم الابغتة».

از پیامبر صلی الله علیه و آله راجع به زمان قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیده شد حضرت فرمود: مثل ظهور مهدی مثل بر پائی قیامت است (کسی جز خدا از وقت آن آگاه نیست) مهدی نمی‌آید مگر ناگهانی.[٤]

۱۱۹
امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از وقت ظهور خود چگونه مطلع می‌شود

صدوق از حضرت امام محمدتقی علیه السلام روایت می‌کند که ابن‌ابی‌کعب به رسول‌خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: دلایل خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شمشیر او که در غلاف است وقتی زمان ظهورش

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۳۵.
۲. *ارشاد شیخ مفید*، ص ۳۵۳.
۳. *غیبت طوسی*، ص ۲۷۱.
۴. *کفایة‌الاثر*، ص ۲۵۰.

نزدیک شود آن شمشیر از غلاف خود بیرون می‌آید و خداوند آن را به سخن آورد و بگوید: یا ولی‌الله خروج کن که دیگر برای تو صبر جایز نیست.

پس در آن حال خروج کند و دشمنان خدا را در هر جا بیابد می‌کشد و حدود الهی را برپا می‌دارد.[1]

۱۲۰
یکی از دلایل ظهور

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید...به خدا سوگند اگر خروج نکند گردنش را (دشمنان) می‌زنند از خروجش ساکنان آسمان خشنود شوند و زمین را از عدل و داد پر کند چنانچه از ظلم و ستم پر شده باشد.[2]

۱۲۱
حرکت نفس زکیه به سوی مسجدالحرام

در ۲۴ یا ۲۳ ذیحجه (سال ظهور) یعنی ۱۵ شب پیش از ظهور، امام عصر عجل‌الله‌فرجه جوانی از یاران خویش را بسوی مردم مکه گسیل می‌دارد این جوان که در روایات محمدبن‌حسن نام دارد و معروف به نفس زکیه است به سوی مسجدالحرام حرکت می‌کند. ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که فرمود: حضرت قائم عجل‌الله‌فرجه به یاران خود می‌فرماید: ای دوستان من! اهل مکه مرا نمی‌خواهند ولی من برای اتمام حجت نماینده خود را به سوی آن‌ها می‌فرستم تا آنگونه که شایسته من است بر آن‌ها حجت را تمام کند...

از این رو یکی از یاران خود را فرا خوانده و به او می‌فرماید: به مکه برو و این پیام را به مردم آن سامان برسان و بگو: ای مردم مکه! من پیام‌آور فلانی به سوی شما هستم که چنین می‌گوید:

ما خاندان رحمت و کانون رسالت و خلافت الهی و از سلاله محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و از تبار انبیاء می‌باشیم از آن زمان که پیامبر ما به ملکوت اعلا پیوست تا

۱. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۴۰۱.

۲. کتاب *غیبت طوسی*، ص ۱۱۶ (از قرار مسموع رژیم صهیونیستی اقدام به چهره نگاری امام کرده تا از این طریق بتواند به امام دست یابد و استقرار نیروهای امریکائی در عربستان احتمالاً برای مواجه و مقابله با مسئله ظهور امام می‌باشد، لذا امام علی علیه‌السلام در روایات می‌فرماید احتمال خطر جانی باعث ظهور امام است).

امروز در حق ما ظلم شد و بر ما ستم‌ها رفت و حقوق مسلّم ما پایمال گردید اینک ما از شما یاری می‌خواهیم و شما ما را یاری نمائید.

وقتی آن جوان این سخنان را ابلاغ می‌کند بر او هجوم می‌آورند و او را در بین رکن و مقام به شهادت می‌رسانند او همان نفس زکیه است چون این خبر به اطلاع امام می‌رسد به یاران خود می‌فرماید: «نگفتم به شما که اهل مکه ما را نمی‌خواهند؟»

یاران، حضرت را رها نمی‌کنند تا آنکه قیام می‌نماید و از کوه طوی با سیصدو سیزده نفر به تعداد رزمندگان بدر فرود می‌آید تا آنکه وارد مسجدالحرام شده و در مقام ابراهیم چهاررکعت نماز می‌گزارد و آنگاه به حجرالاسود تکیه می‌دهد و پس از حمد و ستایش خدا و ذکر نام و یاد پیامبر صلی الله علیه و آله و درود بر او، لب به سخن می‌گشاید به گونه‌ای که کسی از مردم چنین سخن نگفته باشد.[1]

۱۲۲
آخرین نشانه‌های قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: (قبل از ظهور) قائم به یاران خود می‌فرماید: اهل مکه مرا نمی‌خواهند ولی من برای هدایت فرستاده شدم تا آنچه شایسته است به آن‌ها بگوید گفته و با آن‌ها اتمام حجت کرده.

در این هنگام مردی از یاران خود را می‌طلبد و به او می‌گوید: نزد اهل مکه برو و بگو ای اهل مکه من فرستاده فلانی هستم او به شما می‌گوید: «همانا ما خانواده رحمت و معدن رسالت و خلافت هستیم».

ما ذریه محمد صلی الله علیه و آله و سلاله پیغمبرانیم مردم به ما ستم نمودند و ما را دربه در و مقهور کردند و از هنگام رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تاکنون حق ما غصب شده است.

اکنون ما از شما چشم یاری داریم ما را یاری کنید.

آن جوان این سخنان را می‌گوید و مردم به او هجوم آورده و در بین رکن و مقام او را می‌کشند و او همان مرد پاکدل نفس زکیه است.

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۷، باب ۲۶ (باید توجه داشت که دو هفته بعد از کشته شدن نماینده امام جناب نفس زکیه، حضرت در ده محرم ظهور می‌فرمایند و این آخرین علامت ظهور امام محسوب می‌شود).

وقتی خبرکشته شدن او به امام می‌رسد حضرت به یارانش می‌فرماید: «من به شما خبر ندادم که اهل مکه ما را نمی‌خواهند».

اهل مکه او را دعوت به مکه نمی‌کنند آنگاه او با ۳۱۳ نفر که به تعداد بدریان هستند از کوه ذی طوی (کوهیست مجاور شهر مکه) فرود می‌آیند و داخل مسجدالحرام می‌شوند و در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می‌خوانند و تکیه به حجرالاسود می‌دهد....

سپس امام در ادامه روایت می‌فرماید: او نخستین کسی است که جبرئیل و میکائیل دست در دست او می‌گذارند و با وی بیعت می‌کنند.

آنگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین برخواسته کتاب نو و مُهر شده‌ای را که هنوز مُهر آن خشک نشده و بر عرب دشوار است به او می‌دهند، به او می‌گویند:

بر طبق آنچه در این کتاب آمده عمل کن.

سپس او با سیصدو سیزده نفر تعداد قلیلی از اهل مکه که با او بیعت کرده‌اند از مکه خارج می‌شود.

در حالی که در حلقه است.

ابوبصیر می‌گوید: پرسیدم: حلقه چیست؟

حضرت فرمود:

ده هزار مرد است که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ او قرار دارند[1] و در آن هنگام پرچم او را به اهتزاز در آورده همه جا می‌گرداند و این همان پرچم و زره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشد و او شمشیر پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را به نام ذوالفقار حمایل می‌کند و از هر شهری جمعی به یاری قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه قیام می‌کند مگر مردم بصره که یک نفر هم از آن‌ها به کمک او نمی‌رود.[2]

در روایتی از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که جناب نفس زکیه در میان رکن و

---

۱. جبرئیل و میکائیل نیز در جنگ‌های امام علی علیه‌السلام به همین نحو امام علی علیه‌السلام را مشایعت و حمایت می‌کردند و اینگونه حضور داشتند.

۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۷، حدیث ۸۱.

مقام کشته می‌شود که نام او محمدبن‌حسن است و معروف به نفس زکیه است.[۱]

۱۲۳
دو شب قبل از ظهور امام در مکه

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: صاحب‌الامر را غیبتی است در برخی از این صخره‌ها آنگاه امام به ناحیه ذی طوی[۲] اشاره کرد تا اینکه دو شب قبل از خروجش غلام خود را می‌فرستد تا با برخی از یاران حضرت ملاقات می‌کند او از آنان می‌پرسد شما در اینجا چند نفرید؟

پاسخ می‌دهند چهل نفر.

می‌گوید: اگر شما دوست و محبوب خود را ببینید چه خواهید کرد؟

می‌گویند: به خدا سوگند اگر در کوهها منزل و ماوی گزیند با او خواهیم رفت آنگاه مقابل آنان آمده و به آن‌ها می‌گوید با ده تن از بزرگان و برگزیدگان خود مشورت نمایید.

آنان در مورد اول با ایشان به مشورت می‌پردازند بعد آنان را برده تا به صاحب امرشان می‌رسند و او شب موعود را که پس از آن فرا می‌رسد به آن‌ها وعده می‌دهد.[۳]

۱. *اثبات‌الهداة*، ج ۷، ص ۳۹۲.
۲. به دره‌های مکه و مدخل‌های آن گویند.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۴۱.

بخش ۵

وقایع ظهور در مسجدالحرام

۱۲۴
عهدنامه‌ای عرشی

امـام سـجادؑ دربـاره حضـرت قائـمؑ می‌فرمایـد: در حالـی کـه حضـرت مهـدیؑ در زیـر درخـت تنـاوری نشسـته جبرئیـل بـه صـورت مـردی از قبیلـه کلـب می‌آیـد و می‌گویـد: ای بنـده خـدا بـرای چـه اینجـا نشسـته‌ای؟

حضـرت ولی‌عصـر ؑ می‌فرمایـد: منتظـرم شـب فـرا رسـد و هنـگام شـب بـه مکـه بـروم نمی‌خواهـم در عیـن گرمـا بـروم.

در ایـن موقـع جبرئیـل می‌خنـدد، حضـرت از خنـده او متوجـه می‌شـود کـه او جبرئیـل اسـت آنـگاه جبرئیـل دسـت امـام را گرفتـه و بـا او دسـت می‌دهـد و بـه او سـلام می‌کنـد و می‌گویـد: برخیـز سـپس اسـبی بـه نـام بـراق بـرای او مـی‌آورد و او را سـوار می‌کنـد و بـه کـوه رضـوی مـی‌آورد سـپس رسـول خـداؐ و امـام علـیؑ می‌آینـد و عهـد نامـه‌ای بـرای او می‌نویسـند تـا آن را بـرای مـردم بخوانـد.

قائـمؑ از آنجـا بـه مکـه مـی‌رود در حالـی کـه مـردم در آنجـا اجتمـاع کرده‌انـد

در این هنگام مردی می‌ایستد و می‌گوید: ای مردم! این است مطلوب شما که به نزد شما آمده است و شما را به آنچه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دعوت می‌کرد...

مردم به طرف او می‌روند که او را به قتل برسانند ولی سیصدو چند نفر از جا برمی‌خیزند و آن‌ها را از دور او عقب می‌زنند که ۵۰ نفر از آن‌ها مردم کوفه هستند و بقیه آن‌ها مردم ناشناسی هستند که اغلب یکدیگر را نمی‌شناسند آن‌ها در غیر موسم حج در مکه جمع می‌شوند.[۱]

۱۲۵
حرکت به سوی کعبه

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: همانا قائم از راه کوه ذی طوی با ۳۱۳ مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر فرود می‌آید تا اینکه به حجرالاسود تکیه داده و پرچم را برمی‌افرازد.

علی‌بن‌حمزه گفت: این مطلب را در حضور امام کاظم علیه‌السلام عرض کردم، امام فرمود: نوشته‌ای است گشوده.[۲]

ـ مفضل از امام صادق علیه‌السلام سؤال کرد که حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از کجا و چگونه ظهور می‌کند؟

امام فرمود: ای مفضل او به تنهایی ظهور می‌کند و به تنهایی کنارخانه کعبه می‌آید و به تنهایی شب را در آنجا می‌گذراند.[۳]

ـ مطابق روایتی که عامه و خاصه نقل کرده‌اند ظهور آن حضرت از کنار کعبه است و جبرئیل در طرف راست او و میکائیل در طرف چپ او خواهد بود.[۴]

۱۲۶
دست بوس امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

اولین کسی که بعد از ظهور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دست حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲ و ص ۳۰۶، حدیث ۷۹.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۶.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۷.
۴. *عقدالدرر*، فصل اول، باب الرابع، ص ۶۵.

می‌بوسد جبرئیل است و سپس بعد از او سایر فرشتگان و نجباء اجنه و بعد از آن‌ها نقباء نیز متابعت می‌نمایند مردم در مکه فریاد می‌زنند و می‌گویند.

این مرد کیست و این جماعت که با او هستند چه کسانی هستند و این علامت که دیشب دیدیم و تا حالا نظیرش هرگز دیده نشده چیست؟

بعضی به بعضی دیگر می‌گویند: این مرد همان صاحب بزها می‌باشد.[1]

عده دیگر می‌گویند: نگاه کنید کسی از همراهان او را می‌شناسید؟

مردم می‌گویند: ما جز چهار نفر از مردم مکه و چهار نفر که از اهل مدینه هستند و فلانی و فلانی می‌باشند هیچ کدام از آن‌ها را نمی‌شناسیم.[2]

۱۲۷
مضطر امت

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: به خدا قسم گویا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را می‌نگرم که به حجرالاسود تکیه داده و مردم را به حق خودش سوگند می‌دهد و می‌فرماید: ای مردم! هرکس درباره خدا گفتگویی دارد از من بپرسد که من از هر کس به خدا نزدیکترم...

آنگاه به طرف مقام ابراهیم می‌رود و دورکعت نماز می‌گذارد سپس مجددا مردم را به حق خودش به امور یاد شده سوگند می‌دهد.

سپس امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا قسم مضطّر و گرفتاری که خداوند در این آیه می‌فرماید: «امن یجیب المضطر اذا دعاهُ و یکشف السوء...».

اوست و اولین کسی که با او بیعت می‌کند جبرئیل علیه السلام است آنگاه سیصدو سیزده نفر با وی بیعت می‌کنند.[3]

---

۱. در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده که می‌فرمایند: قائم وارد شهر مکه شده و لباس پیامبر صلی الله علیه و آله را پوشیده و عمامه زردی بر سر دارد و نعلین وصله‌دار پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز به پا و عصای آن حضرت را به دست گرفته و چند بز لاغر را جلو انداخته و بدین گونه به طرف خانه خدا می‌رود بدون اینکه کسی او را بشناسد شاید مطلب فوق اشاره به این روایت داشته باشد.

۲. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۸.

۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۱۵، حدیث ۱۰.

۱۲۸
فراخوانی یاران

امـام صـادق علیه السلام می‌فرمایـد: حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در بیـن رکـن و مقـام در مسـجدالحرام می‌ایسـتد و بـا صـدای رسـا می‌گویـد: «ای مردمـی کـه بـه مـن نزدیـک هسـتید و ای کسـانی کـه خداونـد شـما را پیـش از ظهـورم در روی زمیـن بـرای یاریـم ذخیـره کـرده اسـت بـرای اطاعـت از مـن بـه سـوی مـن آئیـد».

صـدای او بـه ایـن افـراد می‌رسـد و آن‌هـا در شـرق و غـرب عالـم در حالـی کـه بعضـی از آن‌هـا در محـراب عبـادت و دسـته‌ای دیگـر خوابیده‌انـد می‌رسـد.

سـپس آن‌هـا بـا یـک چشـم بـر هـم زدن در بیـن رکـن و مقـام نـزد او حاضـر می‌شـوند...[1]

۱۲۹
کلام امام در کنار حجرالاسود

امـام باقـر علیه السلام فرمود: «**والله لکانی انظر الی القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و قد اسند ظهره الی الحجر ثم ینشدالله حقه ثم یقول: یا ایها الناس...**».

بـه خـدا قسـم گویـی قائـم را می‌نگـرم کـه پشـتش را بـه حجرالاسـود تکیـه داده و خـدا را بـه حقـش سـوگند می‌دهـد و آنـگاه می‌گویـد:

ای مـردم! هرکـه دربـاره خـدا بـا مـن احتجـاج مـی‌ورزد بدانـد کـه مـن بـه خـدا نزدیکتـرم ای مـردم هرکـه دربـاره آدم بـا مـن احتجـاج مـی‌ورزد بدانـد کـه مـن بـه آدم نزدیکتـرم ای مـردم هرکـه دربـاره نـوح بـا مـن احتجـاج می‌کنـد بدانـد کـه مـن بـه نـوح نزدیکتـرم ای مـردم هـر کـه دربـاره ابراهیـم بـا مـن احتجـاج مـی‌ورزد بدانـد کـه مـن بـه ابراهیـم نزدیکتـرم...[2]

و در روایتـی دیگـر امـام صـادق علیه السلام فرمـود: «**ان القائم اذا خرج دخل المسجدالحرام فیستقبل الکعبه و تجعل ظهره الی المقام ثم یصلی رکعتین ثم...**».

هـرگاه قائـم ظهـور کنـد وارد مسـجدالحرام می‌شـود و رو بـه کعبـه می‌ایسـتد

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۷.
۲. *نورالثقلین*، ج ۱، ص ۳۵۳.

و پشت به مقام می‌کند و دورکعت نماز می‌گزارد و آن گاه برمی‌خیزد و می‌گوید:

ای مردم! من نزدیک‌ترین مردم به آدم هستم ای مردم من نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم هستم ای مردم من نزدیک‌ترین مردم به اسماعیل هستم ای مردم من نزدیک‌ترین مردم به محمد صلی الله علیه و آله هستم.

سپس دو دست خود را به آسمان برمی‌دارد و چندان دعا و تضرع می‌کند که به رو می‌افتد (سجده می‌کند) و این است (معنای) سخن خداوند که: (امن یجیب المضطر اذا دعاه...).[1]

۱۳۰
عصای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام باقر علیه السلام روایت کرده که عصای موسی عصای حضرت آدم بود که از آدم به شعیب رسید و بعد از آن منتقل به موسی شد و الان آن عصا پیش ماست و ما حامل آن عصائیم... و آن عصا برای حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد حضرت قائم هر آنچه که حضرت موسی با آن عصا می‌کرد انجام می‌دهد همانا آن عصا می‌ترساند مخالفان را و به سرعت تمام فرو می‌گیرد اسباب و آلاتی که مخالفان با آن می‌خواهند مردم را فریب دهند...[2]

۱۳۱
اولین گفتار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور در کنار کعبه

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: در روز اول ظهور قائم ما در مکه در کنار بیت‌الله‌الحرام در حالی که پشت به کعبه داده است مردم جهان را خطاب قرار می‌دهد و چنین می‌فرمایند:

ـ ای مردم ما خاندان پیامبر شما هستیم و از هرکس به خداوند بزرگ و حبیبش رسول‌الله سزاوارتریم.[3]

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۵۹، باب ۵.
۲. *تفسیرشریف لاهیجی*، ص ۷۳.
۳. *غیبت نعمانی*، باب ۱۴، حدیث ۶۷.

ـ ای مـردم مـن تنهـا باقیمانـده از آدم و یگانـه ذخیـره نـوح پیامبـر صلی الله علیه و آله و خلاصـه و برگزیـده از ابراهیـم و از محمـد صلی الله علیه و آله هسـتم کـه درود خداونـد بـر آن بزرگـوار و خاندانـش بـاد.

ـ شـما را بحـق خداونـد و رسـول او و آن حقـی کـه مـن بـر شـما دارم سـوگند می‌دهـم کـه مـا را در حقوقمـان یـاری کنیـد و جلـوی ظلـم و سـتمی را کـه دربـاره مـا روا داشـتند بگیریـد چـه آن کـه حقـوق مـا را (دشـمنان) پنهـان سـاختند و دربـاره مـا ظلـم کردنـد و از وطنمـان آواره نمودنـد...

از خـدا بترسـید مـا را مخـذول نکنیـد بلکـه یـاری کنیـد تـا خداونـد شـما را نصـرت عطـا فرمایـد.[۱]

۱۳۲
امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مظلوم است

ایـن مظلومیـت امـام را در کلمـات آن امـام در حیـن ظهـور و سـایر روایـات می‌تـوان فهمیـد کـه امـام غریـب اسـت و کمتـر یـاد و نـام او بـه دل‌هـا جاریسـت و کمتـر در فرجـش دعـا می‌شـود. امـا در بـاب مظلومیـت امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف امـام باقـر علیه السلام می‌فرماینـد: پـس قائـم بیـن رکـن و مقـام می‌ایسـتد و نمـاز خوانـده و بـه همـراه وزیـر خـود رو بـه مـردم نمـوده و می‌فرمایـد: «ای مـردم مـا از خداونـد علیـه کسـانی کـه بـه مـا ظلـم کردنـد یـاری می‌خواهیـم آنـان کـه حـق مـا را گرفتنـد.

ـ مـا امـروز همـه مسـلمان‌ها را شـاهد می‌گیریـم کـه مظلـوم واقـع شـدیم مـردم مـا را طـرد نمـوده و بـر ما سـتم شـد. مـا را از سـرزمین و اموال و بسـتگانمان اخـراج نمودنـد مـا مـورد قهـر آنـان قـرار گرفتیـم...»[۲]

---

۱. *غیبت نعمانی*، باب ۱۴، حدیث ۶۷.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۲۳.
(مرحوم حضرت آیت‌الله حائری طبسـی که در مسـجد جمکران سـال‌ها اقامه نماز می‌کردند فرمودند: روزی شـخصی ذکری را گرفته بـود تا با آن بتواند صدام را از بین ببرد ولیکن حضـرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را می‌بینند که به او می‌فرماید برای فرج ما دعا کن تا همه مشکلات رفع شود).

۱۳۳
اولین شب ظهور

جابر از حضرت جوادؑ روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: حضرت مهدیؑ شبانگاه در وقت نماز عشاء در مسجدالحرام ظهور می‌کند در حالتی که پرچم رسول‌اکرمﷺ را به دست و پیراهن آن حضرت و شمشیر مخصوص آن بزرگوار را به همراه دارد بعلاوه نشانه‌هایی از نور و بیان.

وقتی نماز عشاء را به جا آوردند با صدای بسیار بلند می‌فرمایند: ای مردم! من خدا را به یاد شما می‌آورم و ایستادن شما را در پیشگاه خداوند.

«فان الدّنیا قد دنت فناوها و زوالها و ادنت بالوداع و انی ادعوکم الی اللّه و الی رسوله و العمل بکتابه و اماتة الباطل و احیاء سنته».

یعنی: به درستی که دنیای شما نزدیک به فنا و نابودی است و با زبان مخصوص خودش با شما خداحافظی می‌کند و من شما را دعوت می‌کنم به سوی خداوند و به سوی فرستاده او و عمل به مقررات و حدود خداوند و امحاء ونابودی باطل و احیاء سنت‌های الهی.[1]

۱۳۴
حجرالاسود رکن امام مهدیؑ است

از امام صادق پرسیدند: چرا خداوند متعال سنگ حجرالاسود را در رکنی که فعلاً در آن قرار دارد نهاد و در رکن دیگری قرار نداد؟

امام فرمود: خداوند حجرالاسود که گوهری بهشتی بود را برای آدم آورد، لذا به واسطه پیمانی که خداوند از مردم گرفت در آن رکن گذاشته شد.

زیرا در آن مکان بود که خداوند از اولاد آدم که پشت پدرانشان بودند پیمان بندگی گرفت و در آنجا بود که تمام بنی‌آدم یکدیگر را در صلبها دیدند و در آنجاست که مرغ بر حضرت قائم فرود می‌آید و نخستین کسی که با او بیعت می‌کند همان مرغ است. به خدا قسم او جبرئیل می‌باشد و در

---

۱. *عقدالدّرر*، ص ۱۴۵.

Presented by: jafrilibrary.com

همین مکان قائم(عج) پشت خود را به آن تکیه می‌دهد. آن رکن، حجّت و دلیلی بر وجودقائم(عج) است.[۱]

۱۳۵
بیعت با امام عصر(عج)

امام صادق(ع) می‌فرماید: حضرت قائم پشت خود را به حرم تکیه می‌دهد و هنگام طلوع خورشید دست خود را برای بیعت دراز می‌کند و دست او سفید رنگ دیده می‌شود و می‌گوید این دست خداست و به امر خداست.

بعد این آیه را تلاوت می‌کند؛ «ان الذین یبایعونك انما یبایعون‌اللّه یداللّه فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه».[۲]

و نخستین کسی که با وی بیعت می‌کند جبرئیل است بعد فرشتگان و نجبای جن بعد نقباء و اصحاب وی بیعت می‌کنند.

۱۳۶
۲۷ نفر از گذشتگان می‌آیند

مفضل‌بن‌عمر از حضرت صادق(ع) روایت کرده که:

هرگاه مهدی آل‌محمد ظهور کند از پشت کعبه بیست و هفت نفر بیرون می‌آیند که پانزده نفر آن‌ها از قوم موسی هستند که حکم به حق می‌کنند و به حق، عدل می‌ورزند و هفت نفر آن‌ها از اصحاب کهف هستند و یوشع‌بن‌نون وصی موسی و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی و ابودجانه انصاری و مالک اشتر نیز از این افراد هستند.[۳]

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۹۶، حدیث ۶۳.
۲. فتح /۱۰.
۳. *تفسیر شریف لاهیجی*، ص ۱۱۱، ج ۲.

بخش ٦

هشت‌ماه نبرد امام عصر بعد از ظهور تا استقرار حکومت

۱۳۷
شیوه رفتار امام زمان

حسن‌بن‌هارون می‌گوید: نزد امام صادق نشسته بودم که معلی‌بن‌خنیس از حضرت پرسید: وقتی مهدی آل‌محمد ظهور کند آیا برخلاف سیره علی عمل می‌کند؟

حضرت فرمود: آری علی با نرمی و خودداری رفتار می‌نمود زیرا می‌دانست که پس از او شیعیانش مغلوب دشمنان واقع می‌شوند.

ولی مهدی آل‌محمد هنگام ظهور با قدرت و دستگیر ساختن، عمل می‌کند زیرا می‌داند که پس از او دیگر شیعیانش مغلوب نابکاران نخواهند شد.[۱]

۱. *عقدالدرر*، ص ۲۲۶و ۲۳۹.

۱۳۸
هشت ماه می‌جنگد

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: رعب و ترس مهدی یک ماه[۱] زودتر، پیش روی و چپ و راست او رفته و در دلها جای می‌گیرد.

آنگاه فرمود: مهدی هشت ماه از کشته‌های بی‌دینان پشته‌ها می‌سازد او نخست از بنی‌شیبه شروع می‌کند، دست آن‌ها را می‌بُرد و به کعبه می‌آویزد و منادی او اعلام می‌کند که اینان دزدان خانه خدا هستند آنگاه به قریش حمله می‌کند شمشیر آن‌ها را می‌گیرد و با ضرب شمشیر سیرابشان می‌گرداند...[۲]

۱۳۹
جنگی خونین و بی‌امان

بشیرنبّال می‌گوید:

به امام باقر علیه السلام عرض کردم: مخالفین ما می‌گویند وقتی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می‌کند بدون اینکه یک قطره خون بریزد امور سلطنت برای او فراهم می‌شود.

حضرت فرمود:

نه این طور نیست به خدایی که جان من در دست اوست اگر بدون خون ریزی امکان داشت، این کار برای پیامبراکرم صلی الله علیه و آله روی می‌داد و دیگر دندان مبارکش نمی‌شکست و روی مبارکش مجروح نمی‌شد به خدا قسم تا ما و شما شدائد و صدمات بسیار نبینیم و خون ریخته نشود دولت او پا نمی‌گیرد.[۳]

---

۱. بعلت بروز علائم ظهور، ترس و وحشت بین کفار بوجود می‌آید چرا که علائم ظهور امام قبل از ظهور حضرت واقع می‌شود. و بار روانی آن انعکاس خاصی را در جهان طنین انداز خواهد کرد.

۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۶۰، حدیث ۱۳۰.

۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۵۸، حدیث ۱۲۳.

۱۴۰

اولین برنامه اقامه و احیای نماز

فضیل‌بن‌زبیر از زیدبن‌علی نقل کرد که زیدبن‌علی علیه‌السلام در توضیح آیه شریفه گفت: هرگاه قائم‌آل‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله ظهور کند در بین مردم می‌ایستد و می‌گوید:

ای مردم! آن کسی که خدای کریم در قرآن مبین فرمود: «الذین ان مکّنّا هم فی الارض اقاموا الصّلوة و اتوا الزّکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر».

ما هستیم و خویشتن را با این آیه معرفی می‌کند.[1]

۱۴۱

سیره قائم علیه‌السلام

از امام صادق علیه‌السلام سؤال شد آیا سیره قائم با اهل شهرها مانند سیره علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام است؟

فرمود: نه و با انگشت به حلقوم خود اشاره کرد و فرمود: اینطور (یعنی سر می‌برد).

و در روایتی دیگر امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: خداوند ناگاه بوسیله مردی از ما اهل‌بیت گشایشی (برای مسلمانان) بوجود آورد پدرم فدای آن فرزند بهترین کنیزان باد...

هم اوست که (دشمنان) در مدت هشت ماه به جز شمشیر و کشتار از او چیزی دریافت نخواهند کرد.[2]

۱۴۲

هشت ماه پر آشوب

امام علی علیه‌السلام: «لایعطیهم الا السیف یضع السّیف علی عاتقه ثمانیة اشهر هرجا حتّی یقولوا و اللّه ما هذا من ولد فاطمة لوکان من ولدها لرحمنا».[3]

با آنان جز با شمشیر سخن نگوید هشت ماه پرآشوب شمشیر را از دوش

۱. *شواهدالتنزیل*، ج ۱، ص۵۲۳.
۲. شرح *نهج‌البلاغه*، ابن‌ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۱۷۸.
۳. *التشریف بالمنن*، ص ۱۴۰.

خـود فـرو نمی‌گـذارد تـا آن جـا کـه می‌گوینـد: بـه خـدا قسـم ایـن مـرد از نسـل فاطمه علیهاالسلام نیسـت اگـر از نسـل او بـود بـه مـا رحـم می‌کـرد.

۱۴۳
هشت ماه جنگ تا استقرار حق

امـام باقـر علیه‌السلام می‌فرمایـد: «**لو یعلم الناس ما یضع القائم اذا خرج لاحب اکثرهم ان لایروه ممّا یقتل من الناس...حتی یقول کثیر من الناس: لیس هذا من آل محمد و لو کان من آل‌محمد لرحم**».

اگـر مـردم می‌دانسـتند کـه هـر گاه قائـم قیـام کنـد چـه کشـتاری بـه راه می‌انـدازد بی‌گمـان بیشـتر آنـان دوسـت داشـتند کـه او را نبیننـد... چنـدان کـه بسـیاری از مـردم می‌گوینـد:

او از خاندان محمد صلی الله علیه و آله نیست اگر از خاندان محمد صلی الله علیه و آله بود رحم می‌کرد.[۱]

و در روایتی دیگر امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کاری را انجـام می‌دهـد زمانـی کـه ایـن کار را انجـام داد قریـش می‌گویـد: مـا را از نـزد ایـن سـتمگر خـارج کنیـد بـه خـدا سـوگند اگـر او محمـدی بـود چنیـن نمی‌کـرد اگـر علـوی بـود اینطـور نمی‌کـرد اگـر فاطمـی بـود چنیـن نبـود آن‌هـا از او رو می‌گرداننـد و جنـگ جویانشـان کشـته شـده و فرزندانشـان اسـیر می‌شـوند.

۱۴۴
نبرد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در کوفه

امـام باقـر علیه‌السلام می‌فرماینـد: وقتـی امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشریف قیـام می‌کنـد بـه کوفـه تشـریف می‌برنـد و در آنجـا دو هـزار نفـر مسـلح و مخالـف حضـرت، نـزد امـام می‌آینـد و می‌گوینـد: از هـر جـا آمـده‌ای برگـرد مـا احتیاجـی بـه فرزنـدان فاطمـه علیهاالسلام نداریـم.

امام علیه‌السلام شمشیر میان آن‌ها می‌گذارد و تا آخرین نفر آن‌ها را می‌کشد.

سـپس وارد کوفـه می‌شـوند و در آنجـا نیـز تمامـی منافقینـی را کـه یقیـن بـه حضـرت ندارنـد بـه قتـل می‌رسـاند.

---

۱. *غیبت نعمانی*، ص ۲۳۳.

او قصرهای کوفه را ویران می‌سازد و با جنگ جویان آن‌ها نیز نبرد می‌کند و آنقدر از آن‌ها می‌کشد تا خداوند خشنود شود.[1]

۱۴۵

امری جدید

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «یقوم القائم بامر جدید و کتاب جدید و قضاء جدید علی العرب شدید لیس شانه الا السیف الا یستتیب احدا ولا یاخذه فی اللّه لومة لائم».

قائم فرمانی تازه، کتابی تازه و قضاوتی تازه می‌آورد، بر عرب‌ها سخت می‌گیرد سر و کارش فقط با شمشیر است کسی را توبه نمی‌دهد و در راه خدا به سرزنش هیچ نکوهش‌گری توجه نمی‌کند.[2]

۱۴۶

منتقم خون حسین علیه السلام

پس از ماجرای کربلا و کشته شدن جانسوز امام‌حسین علیه السلام صدای گریه و ناله تمامی فرشتگان الهی بلند شد و آنگاه به خداوند عرض کردند: خداوندا! با حسین که برگزیده توست و پسر پیغمبر توست این گونه رفتار کردند.

در این حین خداوند سایه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را به آن‌ها نشان داد و فرمود:

«بهذا انتقم لهذا» با این قائم انتقام خون حسین را می‌گیرم.[3]

۱۴۷

گروه تبریه

ابوالجارود یکی از اصحاب حضرت باقر علیه السلام می‌گوید: آن حضرت فرمود:

«اذا قام القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سار الی الکوفه فیخرج منها بضعة عشر الف نفس یدعون التبریة علیهم السلاح فیقولون له...».

زمانی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند به کوفه می‌رود و بیش از ده هزار نفر از آنجا بیرون می‌آیند که آن‌ها را تبریه می‌گویند پس به آن حضرت

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۳۸، حدیث ۸۱.
۲. *غیبت نعمانی*، ص ۲۳۳.
۳. *کافی*، ج ۱، ص ۴۶۵.

عـرض می‌کننـد: برگـرد بـه همـان جایـی کـه بـوده‌ای مـا نیـازی بـه فرزنـدان فاطمـه علیهاالسلام نداریـم پـس امـام شمشـیر را می‌کشـد و همـه آن‌هـا را می‌کشـد سـپس وارد کوفـه می‌شـود و تمـام افـراد منافـق و جنگجـو را می‌کشـد تـا خداونـد متعـال راضـی گـردد.[۱]

۱۴۸
اصل تولا و تبری در قیام امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

شـخصی بـه نـام عبدالسـلام‌بن‌صالح می‌گویـد: خدمـت امـام هشـتم علیه‌السلام عـرض کـردم نظـر شـما دربـاره ایـن مطلـب کـه از امـام صادق علیه‌السلام روایـت شـده اسـت کـه: وقتـی حضـرت قائـم عجـل‌الله تعالـی فرجـه الشـریف ظهـور کنـد فرزنـدان قاتـلان امـام حسـین علیه‌السلام را بـه خاطـر کاری کـه پـدران آنـان (در گذشـته) انجـام داده‌انـد خواهـد کشـت چیسـت؟ حضـرت فرمـود: مطلـب همیـن طـور اسـت.

گفتـم: بنابرایـن آیـه شـریفه قـرآن کـه می‌فرمایـد: هیـچ گنهـکاری بـار گنـاه دیگـری را بـر دوش نمی‌کشـد.[۲]

چگونه معنا می‌شود؟

حضـرت فرمـود: تمـام آنچـه خـدا فرمـوده درسـت اسـت امـا چـون ذریـه و فرزنـدان قاتـلان امـام حسـین علیه‌السلام بـه کار پـدران خود و کشـتن امـام حسـین علیه‌السلام راضی بودنـد و بـه آن مباهـات و افتخـار می‌کردنـد در گنـاه بـا پدرانشـان شـریک‌اند زیـرا کسـی کـه راضـی باشـد بـه کار دیگـران ماننـد کسـی اسـت کـه آن عمـل را انجـام داده اسـت سـپس فرمـود: هـرگاه کسـی در مشـرق کشـته شـود و دیگـری در مغـرب بـه قتـل او راضـی باشـد او نیـز در پیشـگاه خـدا شـریک قاتـل اسـت و علـت اینکـه حضـرت مهـدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ذریـه و فرزنـدان قاتـلان امـام حسـین علیه‌السلام را خواهـد کشـت ایـن اسـت کـه آن‌هـا از کـردار پدرانشـان خشـنود و راضـی هسـتند.[۳]

(اکنـون در بعضـی از بـلاد بـه ظاهـر اسـلامی در روز عاشـورا، جشـن و پایکوبـی و مراسـم‌های شـادی پابرجاسـت).

۱. *ارشادمفید*، ص ۳۵۸.
۲. انعام / ۱۶۴ ـ فاطر / ۱۸.
۳. *عیون اخبارالرضا*، ج ۱، ص ۲۱۲.

۱۴۹

نقش پرچم لشکریان امام زمان

در احادیث آمده که روی پرچم امام زمان این جمله نوشته شده است «البیعةلله» بیعت مخصوص خداست.

در هنگام ظهور امام عصر، پرچم رسول خدا همراه ایشان خواهد بود آنچه در روایات آمده این است که این پرچم از برگ بهشتی تهیه شده و جبرئیل در جنگ بدر بر پیامبر نازل کرد.

پس از جنگ، پیامبراسلام آن پرچم را پیچید و به امام علی داد آن حضرت نیز پرچم را در روز جنگ بصره باز کرد و آنگاه آن را پیچید و بعد از آن، کس دیگری جز امام زمان آن را پس از خروج باز نخواهد کرد.

در روایات آمده هنگام ظهور امام عصر بیرقی را که جبرئیل در روز بدر آورد همراه دارد و پیراهنی که رسول خدا در جنگ احد پوشیده بود نیز به همراه دارد این پیراهن به خون جراحت بدن مبارک رسول خدا رنگین است عمامه سحاب، زره، انگشتر، عصا و... شمشیر ذوالفقار مصحف امیرالمؤمنین و عهد نامه‌ای نیز از پیغمبراکرم که معاندین با اسلام را بکشد.

ـ نوف روایت کند که نوشته شده.

بر پرچم مهدی البیعة لله، یعنی: بیعت برای خدا است.[1]

ـ از حضرت ابی‌الحسن نقل شده که فرمود: پرچم مهدی از یک پارچه پشمین یا ابریشمی سیاه رنگ کرک دار و چهار گوش است از روز رحلت رسول خدا باز نشده و تا روز ظهور مهدی هم بر افراشته نخواهد شد.

ـ بعد از ظهور امام عصر هفت عدد پرچم از شام برای جنگ با امام به سوی او حرکت می‌کند که همه آن‌ها را شکست می‌دهد.

۱۵۰

پیراهن نبرد

امام صادق به یعقوب ابن‌شعیب فرمودند:

---

۱. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۱۳۶.

یعقوب! نمی‌خواهی پیراهن قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را که در آن قیام می‌کند به تو نشان دهم؟

عرض کردم: بله!

حضرت دستور داد جعبه‌ای را آوردند و در آن را گشودند و یک پیراهن کرباسی از میان آن بیرون آورد و آن را باز کرد دیدم آستین چپ آن پیراهن خون آلود است.

حضرت فرمود: این پیراهن پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است که در روزی که دندان مبارکش را شکستند به تن داشت قائم هم در روز ظهورش این را به تن می‌کند.

یعقوب می‌گوید:

من آن خون خشکیده را بوسیدم و آن را به صورت خود مالیدم سپس حضرت پیراهن را پیچیدند و برداشتند.[۱]

۱۵۱
آغاز حرکت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از مکه

راوی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: آیا حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در مکه اقامت می‌کند؟

حضرت فرمود: نه.

او برای خود نائب در آنجا تعیین کرده اهل مکه وقتی که قائم از میان آن‌ها می‌رود هجوم آورده و نائب او را می‌کشند قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به سوی آن‌ها برمی‌گردد و آن‌ها گریه‌کنان نزد او می‌آیند و التماس کرده و می‌گویند: ای مهدی آل‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله توبه کردیم.

امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف آن‌ها را موعظه کرده و از غضب خدا می‌ترساند و نائب دیگری برای اهل مکه انتخاب کرده و از مکه خارج می‌شود.

این بار نیز اهل مکه نائب امام را می‌کشند حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز همه یاران خود از طایفه جن را به سوی مکه فرستاده و دستور می‌دهند که به جز افراد با ایمان یک نفر از آن‌ها را باقی نگذارند...

زیرا آن‌ها به کلی از خداوند و من فاصله گرفتند و هر گونه پیوندی را

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۵۵، حدیث ۱۱۸.

قطع کرده‌اند لشکر امام هم به سوی اهل مکه می‌آیند و به خدا قسم از هر صد نفر بلکه از هر هزار نفر یک نفر از آن‌ها را باقی نمی‌گذارند.[1]

۱۵۲
پرچم فتح

ابوخالد کابلی می‌گوید:

امام سجاد فرمود: اباخالد! براستی فتنه‌ها و آشوبهایی همچون پاره‌های شب تار که منشأ و مقصد روشنی ندارد بوقوع خواهد پیوست که جز آنکس که خداوند از او عهد و پیمان گرفته احدی از آن‌ها نجات نیابد آنان چراغهای هدایت و چشمه‌سارهای دانش‌اند، خداوند از هر آشوب سیاه و تاریکی نجاتشان بخشد گویا صاحب شما مهدی موعود را می‌بینم که بر فراز شهر نجف پشت شهر کوفه برآمده و خود را آشکار نموده در میان سیصد و اندی مرد که جبرئیل از طرف راست و میکائیل در سمت چپ و اسرافیل در پیش روی اویند و پرچم رسول خدا را بدست گرفته و آن را گشوده است آن پرچم را بر هیچ قومی فرود نیاورد مگر این که خدای عزّوجّل آنان را هلاک گرداند.[2]

۱۵۳
بیعت سیدحسنی با امام مهدی و نبرد با گروه زیدیه

وقتی خبر ظهور امام مهدی به سید حسنی و یارانش می‌رسد یارانش به او می‌گویند: ای پسر پیغمبر این مرد کیست که در قلمرو ما فرود آمده؟

سید حسنی می‌گوید: با من بیائید تا ببینیم او کیست و چه می‌خواهد؟

امام می‌فرماید: به خدا قسم سید حسنی می‌داند که او مهدی است و ایشان را می‌شناسد ولی برای این، آن را می‌گوید که به اصحاب خود او را بشناساند.

وقتی سیدحسنی امام مهدی را می‌بینند از حضرت می‌پرسد.

---

۱. *مهدی موعود*، ص ۱۱۵۸.
۲. *امالی شیخ مفید*، ص ۵۸.

Presented by: jafrilibrary.com

اگر شما مهدی آل‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله هستید عصای جدّت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و انگشتر و پیراهن و زره‌اش موسوم به فاضل و عمامه مبارکش به نام سحاب و اسبش و شترش و قاطرش و الاغ آن سرور و اسب اصیلش براق و قرآنی که امیرالمؤمنین علیه‌السلام جمع کرده را به ما نشان دهید.

حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تمام این‌ها را بیرون می‌آورد و به سید حسنی نشان می‌دهد آنگاه عصای پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را گرفته و به سنگ سختی می‌زند سنگ مانند درخت سبز می‌شود و شاخ و برگ درمی‌آورد...

آنگاه صدای الله‌اکبر سیدحسنی بلند می‌شود و صدا می‌زند: ای فرزند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دست مبارک خود را بده تا با شما بیعت کنیم.

حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دستش را دراز می‌کند و سید حسنی نخست خود و بعد سایر لشکریانش با وی بیعت می‌کنند مگر چهل هزار نفری که قرآن‌هایی با خود دارند و معروف به زیدیه می‌باشند که از بیعت امتناع می‌کنند.

آن‌ها می‌گویند: این کار چیزی جز یک سحر بزرگ نیست و با این حرف دو لشکر به جان هم می‌افتند حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به طرف زیدیه آمده و سه روز آن‌ها را موعظه می‌کنند ولی آن‌ها سرکشی می‌کنند حضرت هم ناچار دستور قتل آن‌ها را صادر می‌فرماید.

همه را از دم شمشیر می‌گذارند سپس حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به اصحاب خود می‌فرمایند:

قرآن‌های آن‌ها را نگیرید و بگذارید تا باعث حسرت آن‌ها شود همان طور که آن را تبدیل کرده و تغییر دادند و مطابق آنچه در آن بود عمل نکردند.[1]

۱۵۴
۱۷۰ معجزه

کرامات حضرت مهدی و معجزات آن امام در کتاب اثبات الهداة، ج سوم، تا ۱۷۰ معجزه نقل شده و در بحارالانوار، ج ۵۱، تا هفتاد مورد ذکر فرموده.

اما از علی علیه‌السلام روایت شده که فرمود: از کرامات امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف آن است

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۵ بیعت سپاهیان سید حسنی با امام عصر(عج) در کوفه می‌باشد.

که به پرنده اشاره می‌کند پس روی دستش نشیند و چوب خشک را در زمین غرس می‌کند پس آن درخت سبز شود.[1]
(حضرت این عمل را در مقابل سیدحسنی در کوفه انجام می‌دهند).

۱۵۵
شعیب‌بن‌صالح

شعیب‌بن‌صالح سردار لشکر سید حسنی است که بعد از ظهور امام، پرچم‌دار امام عصر می‌شود.
شعیب‌بن‌صالح حکومت امام مهدی را آماده می‌کند و بین خروج او و تسلیم امر به امام مهدی هفتاد و دو ماه طول خواهد کشید.[2]

۱۵۶
عملیات نیروهای امام مهدی در اطراف جهان

۱۵۷
حرکت به سوی چین و...

در روایت است که وقتی امام مهدی به کوفه رسید سه پرچم آماده می‌کند یک پرچم را به سوی قسطنطنیه می‌فرستد که پیروز می‌شوند و پرچمی را به سوی چین می‌فرستد که آن‌ها نیز پیروز می‌گرداند و پرچمی هم بسوی کوههای دیلم می‌فرستد که آن‌ها نیز پیروز می‌شوند.

۱۵۸
فاتحان بر روی آب راه می‌روند

در غیبت نعمانی، ص ۳۱۹ روایت کند که چون حضرت حجت قیام کند به اطراف زمین مردی بفرستد ـ تا آنجا که فرمود ـ لشکری هم به قسطنطنیه بفرستد چون لشکر به خلیج برسند چیزی بر پاهای خود می‌نویسند و از روی آب عبور کنند وقتی رومی‌ها این را می‌بینند بگویند

---

۱. *المهدی موعود المنتظر*، ج ۱، ص ۲۸۶، ـ *یاتی علی الناس زمان*، ص ۵۸۹.
۲. *یاتی علی الناس*، ص ۱۷.

این‌ها یاران او (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند که روی آب راه می‌روند چه رسد به خود او پس (یعنی خود امام چه قدرتی خواهد داشت) آنگاه دروازه‌ها را به روی یارای امام باز کنند و ایشان داخل شوند و آنچه بخواهند حکم کنند.[۱]

۱۵۹
حرکت به سوی قدس

حضرت علی علیه السلام در ضمن خطبه‌ای طولانی می‌فرماید: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با یارانش از مکه به بیت‌المقدس می‌آیند و در آنجا بین آن حضرت با دجال جنگ واقع می‌شود و سرانجام دجال و لشکریان او شکست می‌خورند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: گویا می‌بینم فرزندم مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ساعات اول ظهورش سوار بر مرکب از ناحیه وادی السلام[۲] به طرف مسجد سهله[۳] در حالی که نور از پیشانی مرکب سواری‌اش می‌درخشد در حرکت است و این دعا را می‌خواند: «لااله‌الاالله حقاحقا لااله‌الاالله ایمانا و صدقا و لااله‌الاالله تعبدا ورقا اللّهم معزّ کل مؤمن وحید و مذلّ کل جبار عنید انت کنفی حین تعیینی المذاهب و تضیق علی الارض بما حبت اللهم خلقتنی و کنت غنیا عن خلقی ولو لانصرك ایّای لکنت من المغلوبین یا منشر الرّحمة من مواضعها و مخرج البرکات من معادنها...».[۴]

۱۶۰
سر بریدن سفیانی

طبق روایت: سفیانی با لشکر خود حرکت می‌کند میان لشکر او و نیروهای رزمی امام جنگ می‌شود لشکر امام به سفیانی دست یافته و خود امام سرسفیانی را از بدن جدا می‌کند.

در روایتی دیگر این گونه آمده که: جنگ بزرگی پیش می‌آید که در آن جنگ لشکر سفیانی از بین می‌رود فقط یک عده بسیار کمی باقی می‌ماند که سفیانی با آن عده فرار می‌کند یکی از فرماندهان لشکر حضرت مهدی

---

۱. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۹.
۲. وادی السلام در نجف است.
۳. مسجد سهله در کوفه و در نزدیکی مسجد کوفه است.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

Presented by: jafrilibrary.com

به نام صباح او را دنبال کرده و به او دست می‌یابد و او را در هنگام نمازعشاء خدمت امام مهدی می‌آورد.

حضرت مهدی برای تعیین سرنوشت او با اصحاب خود مشورت می کند همه به قتل او رأی می‌دهند بعد او را بر زیر سایه درختی که شاخه‌هایش آویزان است می‌برند و مانند گوسفند سر می‌برند.

۱۶۱
جنگ امام در سرزمین بیداء

امام باقر علیه‌السلام می‌فرمودند: قائم ما در مکه از مردم آنجا بر طبق قرآن و سنت پیغمبرش صلی‌الله‌علیه‌وآله بیعت می‌گیرد و حاکمی بر آن‌ها می‌گمارد.

سپس رو به مدینه می‌آورد و در میان راه به او خبر می‌دهند که حاکم او را کشته‌اند و او هم برمی‌گردد و با آن‌ها دعوا می‌کند و بیش از این کاری نمی‌کند.

آنگاه حرکت نموده و در بین دو مسجد «مکه و مدینه» مردم را دعوت به عمل کردن به کتاب خدا و سنت پیغمبرش صلی‌الله‌علیه‌وآله و دوستی امیرالمؤمنین علیه‌السلام و بیزاری از دشمنش می‌کند تا آنکه به بیابان بیداء می‌رسد در آنجا لشکر سفیانی برای جنگ با وی به جانب او حرکت می‌کند و خدا آن‌ها را در زمین فرو می‌برد.[۱]

۱۶۲
جنگ چهل روزه با دجال

در الزام‌الناصب، ج ۲، ص ۲۰۹ در ذیل خطبه البیان امام علی علیه‌السلام فرمود: بدرستی که دجال اعور خروج می‌کند از بلده‌ای که آن را یهوداء گویند و آن قریه ایست از قراء اصفهان و آن شهریست از شهرهای کسری‌ها، برای او یک چشم است...

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۸، حدیث ۸۳.

Presented by: jafrilibrary.com

سپس فرمود: لشکر مهدی عج در مدت چهل روز لشکر دجال را می‌کشند از طلوع آفتاب تا غروب آن.[۱]

۱۶۳
نبرد سفیانی با شعیب‌بن‌صالح

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود: **«اذا خرجت السّودان طلبت العرب ینکشفون حتی یلحقوا ببطن الارض...».**

هرگاه سودان برای دست یافتن به عرب حرکت کرد در زمین اردن، سفیانی قیام می‌کند و در حالی که سیصد و شصت هزار سوار در اختیار اوست می‌آید تا به شهر شام می‌رسد.

در بین راه، تمام شهرها با او بیعت می‌کنند از جمله سی هزار تن از طایفه کلب با او بیعت می‌نمایند پس سفیانی لشکری به عراق می‌فرستد و در زوراء[۲] صد هزار تن را می‌کشد. سپس به سمت کوفه می‌رود و کوفه را خراب می‌کند در این موقع پرچم‌هایی از مشرق حرکت می‌کنند و رهبری آن‌ها را مردی به نام شعیب‌بن‌صالح به عهده دارد که با سفیانی درگیری پیدا می‌کند و اسرای کوفه را نجات می‌دهد.[۳]

سپس لشکری دیگر از طرف سفیانی به سوی مدینه می‌رود و سه روز آنجا را مورد تعدّی و تجاوز قرار می‌دهد آنگاه به سمت مکه حرکت می‌کنند تا اینکه به سرزمین بیداء می‌رسند جبرئیل علیه السلام از طرف خداوند مأموریت پیدا می‌کند و با اشاره به زمین تمام این جمعیت را فرو می‌برد مگر دو نفر (وتر و ویتره) که خودشان را به سفیانی می‌رسانند و او را از هلاکت لشکریانش آگاه می‌سازند.

سپس عده‌ای از قریش به قسطنطنیه می‌گریزند و سفیانی از پادشاه روم می‌خواهد تا آن‌ها را تسلیم کند او هم این کار را می‌کند و سفیانی آن‌ها را در ابتدای شهر دمشق گردن می‌زند.

۱. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۲۲۶.
۲. *عقدالدّرر*، ص ۸۱ تا ۸۴.
۳. شعیب‌بن‌صالح در یک مقطع ۷۲ ماهه مقدمات حکومت امام مهدی عج را فراهم می‌کند او پرچم‌دار حسنی می‌باشد که بعد از ظهور امام عصر عج پرچم‌دار امام می‌شود.

۱۶۴
فتح قدس

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود: در مصر منبری را بنا نموده و دمشق را قطعا تخریب خواهم کرد و یهودیان را از شهرهای عربی بیرون می‌رانم و با همین چوب اعراب را خواهم راند.

راوی حدیث عبایه اسدی می‌گوید: عرض کردم: یا امیرالمؤمنین شما به گونه‌ای خبر می‌دهید که به یقین پس از مردن زنده خواهید شد؟

امام فرمود: ای عبایه! به روشی غیر روش ما صحبت کردی مردی از تبار من (امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) این کارها را انجام می‌دهد.[۱]

۱۶۵
نزول حضرت عیسی علیه‌السلام در روز جمعه در شهر قدس

امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «ثم ان المهدی یرجع الی بیت المقدس فیصلی بالناس ایّاما فاذا کان یوم الجمعة و قد اقیمت الصلوة ینزل عیسی‌بن‌مریم فی تلك الساعة من السماء و علیه ثوبان احمران کانما یقطر من راسه الدهن...».

مهدی ما به جانب بیت‌المقدس برمی‌گردد و چند روزی در آنجا با مردم نماز می‌خواند تا روز جمعه می‌رسد و مردم آماده نماز هستند که ناگهان حضرت عیسی‌بن‌مریم در همین ساعت از آسمان به زیر می‌آید در حالتی که دو لباس قرمز به تن دارد و قطرات عرق از سر و صورتش مانند قطرات روغن می‌ریزد مردی زیبا و خوش اندام است که شبیه‌ترین مردم به حضرت خلیل الرّحمن علیه‌السلام است او پیش می‌آید و با حضرت بقیة‌الله مصافحه می‌کند و بشارت به فتح و پیروزی می‌دهد در این موقع حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تعارف می‌فرماید به حضرت عیسی که جلو بایستید و با مردم نماز بخوانید حضرت عیسی می‌فرماید:

ای فرزند رسول خدا! «بل الصلوة لك» کنایه از این که پیشوایی دیگر مخصوص به شماست.

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۶۰.

در این موقع حضرت عیسی اذان می‌گوید و حضرت بقیة‌الله جلو می‌ایستد و حضرت عیسی علیه السلام به آن حضرت اقتدا می‌کند.[۱]

۱۶۶
وزیر امین امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

در ملاحم، ص ۹۶ روایت آمده که فرمود: عیسی علیه السلام نزد مناره درب شرقی دمشق از آسمان نازل می‌شود و او جوان سرخ رو می‌باشد که به همراهش دو ملک می‌باشد...و در کفایه‌الخصام، ص ۶۸۴ ذیل حدیث ۳۸ از عمربن‌ابراهیم اوسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمود: عیسی‌بن‌مریم در هنگام طلوع صبح نازل شود و دو جامه زعفرانی پوشیده باشد با چهره‌ای سفید که موی سرش سرخ رنگ مایل به سفیدی است و موی سرش از فرق باز شده باشد و از سرش روغن بچکد در دست او حربه‌ای (شمشیری) باشد که صلیبها را بشکند و خوکها را بکشد و دجال را هلاک کند و اموال قائم را ضبط نماید در حالی که اصحاب کهف دنبال او روانند همانا او وزیر امین قائم و حاجب و نایب او باشد.[۲]

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده که فرموده‌اند...دجال به دست مبارک حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف یا به دست عیسی‌بن‌مریم علیه السلام کشته می‌شود.[۳]

۱۶۷
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کنار شهر انطاکیه

در تذکره قرطبی از حذیفه نقل کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی و هر کس که با اوست به شهری بنام انطاکیه بیایند و آن شهریست بزرگ کنار دریا پس سه تکبیر بر آن بگویند، به قدرت خدا دیوار طرف دریا بیفتد پس مردها را بکشند و زنها و بچه‌ها را اسیر کنند و اموال را بگیرند

۱. *روزگار رهایی*، ص ۵۵۴.
۲. *یاتی علی الناس زمان*، ص ۴۸۷.
۳. *منتهی الامال*، ج ۲، ص ۳۳۶.

پس حضرت مهدی مالک انطاکیه شود و در آن مساجدی بنا کند و موسی و عصای شکسته موسی را از غار انطاکیه بیرون آورد.[1]

۱۶۸
امام عصر در نجف

امام صادق می‌فرماید: گویا من قائم رادر بیرون شهر نجف می‌بینم که بر اسبی تیره رنگ و ابلق که میان پیشانی تا گلویش سفید است سوار شده است سپس اسبش او را به حرکت درمی‌آورد به طوری که مردم هر شهری خیال می‌کنند که قائم در میان شهرهای آن‌هاست. وقتی که پرچم پیامبرخدا را بلند می‌کند سیزده هزار و سیزده فرشته از آسمان فرود می‌آیند و همه منتظر قائم می‌باشند این فرشتگان همان فرشتگانی هستند که با حضرت نوح در کشتی بودند و هنگامیکه حضرت ابراهیم را به آسمان بالا بردند با او بودند و چهار هزار فرشته صف کشیده که علامت مخصوصی دارند و همچنین سیصدو سیزده فرشته جنگ بدر نیز همراه او هستند.[2]

۱۶۹
امام مهدی در کوفه و نجف و کربلا

امام باقر می‌فرماید: امام عصر هنگامی که وارد کوفه می‌شوند سه گروه با سه پرچم با هم در کشمکش هستند ولی در برابر امام تسلیم می‌شوند امام مهدی وارد مسجد می‌شود و بالای منبر می‌رود و برای مردم خطبه می‌خواند مردم از دیدن و استماع سخنان امام گریه کرده و با حضرت بیعت می‌کنند.

وقتی که جمعه فرا می‌رسد مردم به امام زمان می‌گویند: ای فرزند رسول خدا! نماز خواندن پشت سر شما مانند نماز خواندن پشت سر پیغمبر است ولی مسجد گنجایش جمعیت ما را ندارد.

۱. *یأتی علی‌الناس زمان*، ص ۹۸ (غارانطاکیه در نزدیکی جبل‌اللکام در لبنان).
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۲۵.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرمایند:

فکری برای شما خواهم کرد سپس به نجف می‌روند و مسجدی که دارای هزار در و گنجایش همه مردم را داشته باشد طراحی می‌کند و ساختمان محکمی را بنا می‌کند.

آنگاه حضرت دستور می‌دهند تا از پشت قبر امام‌حسین علیه السلام نهری احداث کنند تا آب آن به زمین‌های نجف و کوفه می‌رسد و روی آن نهر راهها و پلها و ...می‌سازد.[۱]

۱۷۰
نبرد با رومیان با تابوت سکینه

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ظهور، تابوتی را که به «ارمیا» دستور داده شد به دریاچه طبریه بیکفند استخراج می‌کند و همین طور آنچه را که آل موسی و آل هارون ترک کرده‌اند و ...عصای موسی و قبای هارون و ده پیمانه از مَنِّ وسَلوی و شرائح را که بنی‌اسرائیل بعد از آن‌ها ذخیره کرده‌اند را خارج می‌سازد.

آنگاه با تابوت شهرها را می‌گشاید همانطور که گذشتگان چنین می کردند.

خداوند مهدی را برای جنگ با رومیان مبعوث می‌گرداند...و ده نفر را با او می‌فرستد که تابوت سکینه را از غار انطاکیه بیرون بیاورد که تورات موسی و انجیل موسی در میان آنست.

حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با ظهور خود تابوت حضرت آدم را از دریاچه طبریه بیرون خواهد آورد به طوری که نه پوسیده و نه متغیر شده است و عصای موسی را در روایتی از غارانطاکیه بیرون می‌آورد و با آن عصا چنان کند که موسی با فرعون کرد حجر موسی را که سنگی است به اندازه باری که یک شتر بر می‌دارد و در حرکت از مکه به همراه خواهد داشت و تا کوفه به هر جا برسد با ضربه‌ای بر آن چشمه آبی ظاهر خواهد نمود. و اصحابش

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

از آن بنوشد و هرکس تشنه باشد سیراب و هرکس که گرسنه باشد سیر می‌شود.[1]

۱۷۱
قائم برای کیفر مبعوث می‌شود

امام محمدباقر می‌فرماید: وقتی قائم ما قیام می‌کند خداوند حمیراء «عایشه» را از قبر درآورد تا او را با تازیانه حد بزند و هم انتقام فاطمه دختر پیغمبر[2] را از او بگیرد.

راوی می‌گوید: من عرض کردم: قربانت گردم! برای چه به او حد می‌زنند؟

حضرت فرمود: برای افترا و تهمتی که به مادر ابراهیم[3] همسر پیامبر بست راوی می‌گوید: عرض کردم: چرا خداوند حد او را تا روزگار قائم به تأخیر می‌اندازد؟

حضرت فرمودند: خداوند محمد را به عنوان رحمتی برای بندگانش فرستاد ولی قائم را برای کیفر آن‌ها می‌فرستد.[4]

۱۷۲
امام عصر در راه یمن

حضرت باقر فرمود: مهدی را مهدی می‌نامند از آن جهت که هدایت خواهد کرد هدایت خواهان را به تورات و انجیل و کتب آسمانی و این کتب را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد او بین اهل تورات با تورات و بین اهل انجیل با انجیل و بین اهل زبور با زبور حکم خواهد فرمود: الواح موسی را از درّه‌ای در راه یمن از زیر سنگ بزرگی بیرون خواهد آورد و پیراهن

---

۱. دریاچه طبّریه در شمال فلسطین است.

۲. در روایت است که حضرت ولی‌عصرعج غاصبین خلافت را نیز زنده محاکمه و اعدام می‌نمایند.

۳. پیامبراکرم در سال ۷ هجری هیاتی به پادشاه اسکندریه برای دعوت به اسلام فرستاد در برگشت آن هیأت، پادشاه اسکندریه هدایایی برای پیامبر فرستاد و علاوه بر آن هدایا ماریه قبطیه را خدمت پیامبر هدیه کرد ماریه مسلمان شد و با پیامبر ازدواج کرد و فرزندی به نام ابراهیم برای رسول خدا آورد.

۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۱۴، حدیث ۹,۲. *اثبات الهداة*، ج ۷، ص ۲۳۹. کناسه کوفه فعلاً محل دفن جناب میثم تمار می‌باشد.

یوسف را که جبرئیل در تن حضرت ابراهیم کرد هنگامی که ایشان را نمرود در آتش انداخت نزد آن حضرت است خاتم و انگشتر سلیمان آن انگشتر معروف نیز در نزد امام است.

۱۷۳
گل زهرا در میان آتش

امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می‌شود شخصی از اهل اصفهان به سوی آن حضرت می‌آید و معجزه ابراهیم خلیل‌الرحمن را از او می‌طلبد...

حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف امر می‌کند که: آتش بزرگ روشن کنند و این آیه را می‌خواند.

«فسبحان الذی بیده ملکوت کلّشی و الیه ترجعون».

سپس حضرت داخل آتش می‌شود و همانند حضرت ابراهیم سالم از آتش بیرون می‌آید آن مرد اصفهانی منکر می‌شود و می‌گوید: این سحر و جادو است آنگاه حضرت به آتش امر می‌کند تا او را بگیرد و بسوزاند پس آن مرد می‌سوزد.

سپس امام می‌فرماید: این است جزای کسی که انکار می‌کند صاحب الزمان و حجة الرحمان را.

۱۷۴
سخن گفتن استخوان مرده

هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کند مردی از آذربایجان در حالی که استخوانی از استخوان‌های پوسیده در دست دارد نزد او می‌آید و می‌گوید: اگر تو حجت خدایی به این استخوان امر کن که سخن بگوید پس آن استخوان به امر حضرت علیه السلام به سخن می‌آید و می‌گوید: من هزار سال است که در عذابم و امیدوارم که با دعای تو خداوند از عذاب رهاییم بخشد.

۱۷۵

قطعه ابری بر سر مبارک امام

در روایت است که رسول خدا فرمود:

«یخرج المهدی و علی راسه غمامه فیها مناد ینادی هذا المهدی خلیفه‌اللّه فاتبعوه».

یعنی: مهدی خروج می‌کند در حالی که بر سر او قطعه ابری است که در آن ندا کننده‌ای است که ندا می‌کند: این مهدی خلیفه خداست پس او را تبعیت کنید.[۱]

۱۷۶

سیر در عالم امکان

از حضرت امام باقر مروی است که در وصف حضرت ولی‌عصر می‌فرماید: «اما انه سیرکب السحاب ویرقی فی الاسباب اسباب السموات السبع و الارضین السبع خمس عوامر و اثنتان خرابان».

همانا زود است که او سوار ابر می‌شود و بالا می‌رود با اسباب و آلات به آسمان هفتگانه و زمین‌های هفتگانه، که پنج زمین آباد و دو زمین ویران می‌باشد.[۲]

۱۷۷

تشکیل حکومتی واحد

امام باقر فرمود: «اذا قام قائمنا اضمحلّت القطائع فلاقطائع».

زمانی که قائم ما قیام کند تیول‌ها (استفاده شخصی حکومتداران از زمین‌های مردم) از هم پاشیده و ملغی می‌شود و هیچ تیولی نمی‌ماند.[۳]

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۸۱، این روایت در کتب: *سنن ابن‌ماجه*، ج ۲، ص ۱۳۶۷ ـ *مسند*، احمدبن‌حنبل، ج ۱۵، ص ۲۷۷، ـ *نور الابصار*، ص ۱۸۸ و *کنزالعمال* در هامش، ج ۶، ص ۳۰ ـ *عقدالدرر*، باب الخامس، ص ۱۲۵، آمده است. که جملکی از منابع اهل سنت می‌باشد.
۲. *بصائرالدرجات*، جز ۸، ص ۴۰۶.
۳. *قرب الاسناد*، ص ۸۰.

بخش ۷

استقرار و نحوه حکومت امام مهدی(عج) دنیای بعد از ظهور

۱۷۸
اصل کتاب زندگی بشریت بعد از ظهور است

زندگی بشر تا امروز جزء و فصل مقدمه زندگی است این چند هزار سالی که بشر در این دنیا زندگی می‌کند و انبیاء و بزرگان و کتب آسمانی و سفرا و این جنگها و این چیزها همه در فصل مقدمه است اصل کتاب زندگی بشر مربوط به آن وقتی است که حضرت ولی‌عصر (ارواحنافداه) تشریف بیاورند آن جا زندگی انسان تازه شروع می‌شود.[۱]

عبدالله‌بن‌حارث از امام علی(ع) پرسید:

از حوادث و رخدادهای پس از قائم خود به من خبر دهید؟

امام فرمود: ای پسر حارث! سخن گفتن از این موضوع به خود او واگذار شده است...[۲]

۱. مقام معظم رهبری.
۲. *بحارالانوار*، ج ۶، ص ۳۱۲.

۱۷۹

کوفه محل استقرار حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: محل زمامداری او کوفه و مجلس قضاوت او مسجد جامع آن شهر و بیت‌المال و محل تقسیم غنایم مسلمانان مسجد سهله و جایگاه استراحت و خلوتگاه او با خالق خویش در تپه‌های سفید غرّیین می‌باشد.[۱]

ـ از امام صادق علیه السلام پرسیدند: خانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کجا خواهد بود و مؤمنین در کجا جمع می‌شوند؟

حضرت فرمود: مقرّ حکومت او شهر کوفه و محل سکونتش مسجد جامع کوفه و بیت‌المال و محل تقسیم غنیمت‌ها مسجد سهله است.

سپس پرسیدند: آیا همه اهل ایمان در کوفه خواهند بود؟

فرمود: آری در آن روز تمام مؤمنین یا در کوفه و یا در حوالی کوفه هستند...

در آن روز طول شهر کوفه به پنجاه و چهار میل می‌رسد بطوریکه خانه‌های آن نزدیک[۲] کربلا است.[۳]

ـ ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای ابامحمد! گویا که ساکن شدن قائم و اهل و عیالش در مسجد کوفه را می‌بینم. «عرض کردم: فدایت شوم خانه‌اش آن جاست؟

فرمود: آری...[۴]

۱۸۰

کوفه پایتخت دائمی و همیشگی

از ابوبصیر روایت شده که امام صادق علیه السلام به من فرمود:

ای ابوبصیر! گویا من فرود آمدن قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف با یاران و بستگانش را در مسجد سهله[۵] می‌بینم.

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۱.
۲. از مسجد کوفه تا شهر کربلا حدود ۹۰ کیلومتر فاصله است.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۱.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۸۱، روایت ۱۹۱.
۵. مسجد سهله در کوفه و در نزدیکی مسجد کوفه است.

عرض کردم: مسجد سهله اقامتگاه است؟

حضرت فرمود: آری! مسجد سهله جایگاه ادریس پیامبر و حضرت ابراهیم خلیل‌الرحمن بوده خداوند هیچ پیامبر را مبعوث نکرد جز این که در این مسجد نماز گزارده است و این مسجد محل سکونت حضرت خضر(ع) است.

عرض کردم: قربانت کردم قائم(عج) همیشه در آنجا اقامت می‌کند؟

فرمود: آری عرض کردم: بعد از او چه کسی در آن سکونت می‌کند؟

فرمود: هرکس بعد از قائم(عج) خلیفه باشد...[1]

۱۸۱
برپائی راه هدایت

امام علی(ع) در خطبه ۱۳۸ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «یعطف الهوی علی الهدی اذا عطفوا الهدی علی الهوی و یعطف الرّای علی القرآن اذا عطفوا القرآن علی الرای یا خذ...».

یعنی: مهدی(عج) هوی را بر هدایت برمی‌گرداند زمانی که مردم برگردانند هدایت را به هوای نفس و برمی‌گرداند رای را به قرآن موقعی که مردم برگردانند حکم قرآن را به رای خود، مهدی(عج) کارکنان اهل جور و باطل را به بدی‌های کردارشان گرفته و آن‌ها را نابود می‌سازد و زمین پاره‌های جگر خود را برای او بیرون ریزد و از روی رضا کلیدهای خزائنش را به او تسلیم می‌کند پس او عدالت را برای شما نشان خواهد داد که چگونه است و احکام قرآن و سنت را که متروک مانده زنده خواهد نمود.

امام صادق(ع) می‌فرماید: خداوند هر گونه بدعتی را بوسیله او از بین خواهد برد و هر گمراهی را محو و هر سنتی را زنده خواهد ساخت.[2]

۱۸۲
قضاوت قائم(عج)

حسن‌بن‌ظریف می‌گوید: نامه‌ای به امام عسگری (ع) نوشتم و در آن

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۷۶، حدیث ۱۷۷.
۲. *کافی*، ج ۱، ص ۴۱۲.
(از این روایت به دست می‌آید که در نزدیکی‌های ظهور بدعت و قرائت‌های جدید از دین بسیار زیاد خواهد شد. پس برای عدم گرفتاری مؤمنین به گناه کبیره بدعت بایستی در راه دین‌شناسی قدم برداشت).

سئوال کردم که وقتی امام زمان ظهور می‌کند چگونه بین مردم قضاوت می‌کند؟

من در آن لحظه سئوال دیگری نیز داشتم و آن این بود که دعائی برای شفای انسان تب‌دار به من بدهید ولی این سئوال در نامه یادم رفت تا بنویسم.

وقتی که پاسخ حضرت به دستم رسید دیدم امام مرقوم فرموده‌اند که: امام زمان مانند حضرت داود قضاوت می‌کند و نیازمند دلیل و بینه نیست و اما راجع به انسان تب‌دار هم می‌خواستی سئوال بکنی اما فراموش کردی!

اما جواب سؤال دوم تو: پشت کاغذی این آیه را بنویس: **«یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم».**[1]

و بر شخص تب‌دار بیاویز تا خوب شود.

حسن گفت: من به این دستور عمل کردم و اثر خوبی از آن دیدم و مریض تب‌دار خوب شد.[2]

ـ امام صادق می‌فرماید: **«اذا قام قائم آل‌محمد حکم بین الناس بحکم داود لایحتاج الی بینة».**

آنگاه که قائم آل‌محمد قیام کند به شیوه داوری داود میان مردم داوری می‌کند و نیازی به گواه نداشته، خدای تعالی به او الهام می‌فرماید لذا بر اساس علم خود قضاوت می‌کند و هر قومی را از آن چه نهان داشته‌اند خبر می‌دهد و دوست و دشمن خود را از قیافه آن‌ها می‌شناسد...[3]

ـ امام صادق می‌فرماید: **«لن تذهب الدنیا حتی یخرج رجل منّا اهل‌البیت یحکم بحکم داود و آل داود لایسال الناس بینه».**

دنیا به پایان نرسد جز این که مردی از خاندان ما اهل‌بیت خروج می‌نماید و به حکم داود و آل داود حکم کند و از کسی بینه و گواه نطلبد.[4]

---

۱. انبیاء / ۶۹.
۲. *محجة البیضاء*، ج ۴.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۳۹.
۴. *کافی*، ج ۱، ص ۳۹۷.

ـ امام علیؑ می‌فرماید: «لینزعن عنکم قضاة السوء و لیقبضن عنکم المراضین و لیعزلن عنکم امراء الجور ولیطهرن الارض من کل غاش...».

امام مهدیؑ قاضیان زشتکار را کنار می‌گذارد و دست سازشکاران را از سرتان کوتاه می‌کند و حکمرانان ستم پیشه را عزل می‌کند و زمین را از هر نادرست و خائنی پاک می‌سازد.[1]

امام علیؑ می‌فرماید:

اذا خرج القائم ینتقم من اهل الفتوی بما لا یعلمون فتعسا لهم و لاتباعهم.

زمانی که قائم ظهور کند از عالمانی که ندانسته فتوای دهند انتقام می‌گیرد اینان و پیروانشان را نگونساری باد.[2]

۱۸۳
مهربان بخشنده

پیامبراکرمؐ

«علامة المهدی ان یکون شدیدا علی العّمال جوادا بالمال رحیما بالمساکین».

نشانه مهدی آن است که بر کارگزاران سخت گیر و نسبت به مال، بخشنده و با تهیدستان مهربان است.[3]

۱۸۴
مدت حکومت امام عصرؑ

در روایتی از امام صادقؑ وارد شده که امام مهدیؑ سیصد و نه سال حکومت می‌کند مدتی که اصحاب کهف در غار خود توقف نموده‌اند.[4]

دوران حکومت امام عصرؑ در روایات متعدد، و به سالهای مختلفی بیان شده است. طول حکومت امام از پنج سال شروع شده و تا ۳۰۹ سال نیز ذکر شده است.

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۱۲۰، (مرحوم مجلسی ۳ جلد از کتاب شریف *بحار*را (جلدهای ۵۱ و ۵۲ و ۵۳) به احادیث مربوط به امام عصرؑ *اختصاص* داده است).

۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۴۲.

۳. *موسوعة احادیث امام مهدی(عج)*، ج ۱، ص ۲۴۶.

۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۹۰، حدیث ۲۱۲.

در بعضی از روایات ۷ سال و ۹ سال و ۱۹ سال و ۴۰ سال نیز ذکر شده است.

این که امام مهدی بعد از ظهور دقیقا چند سال حکومت می‌کنند خیلی روشن نیست.

چنانچه در روایات اهل‌سنت مدت حکومت امام را پنج و بیست و چهل سال نقل کرده‌اند.

و در منابع شیعی مدت حکومت امام نوزده و بیست و سیصد و نه سال آمده است.

نویسنده کتاب **یاتی علی الناس زمان** مرحوم حضرت آیت‌الله دهسرخی می‌باشد او در ص ۱۸۷ آدرس ۳۳ روایت آورده است. که دلالت بر آن دارد که حکومت حضرت مهدی ۴۰ سال یا ده سال یا ۷ سال یا ۹ سال یا ۱۹ سال و یا.... می‌باشد.

ـ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در میان امت من مهدی قیام می‌کند و پنج، هفت و یا نه (سال) زندگی می‌کند مردی نزدش می‌آید و می‌گوید: ای مهدی! به من عطا کن و آن حضرت لباسش را تا جایی که بتواند بِبرد پُر می‌کند.[۱]

۱۸۵
بسط زمان در حکومت امام

عبدالکریم خثعمی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «قائم چه مدت حاکم خواهد بود؟» فرمود: «هفت سال روزها و شبها برایش طولانی می‌شود تا اینکه یک سال برابر ده سال معمولی می‌شود...[۲]

ـ ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «وقتی قائم قیام کند یک سال در زمان او برابر ده سال خواهد بود» ابوبصیر می‌گوید عرض کردم: فدایت شوم سال‌ها چگونه طولانی می‌شود.

امام علیه السلام فرمود:

۱. *کنزالعمال*، ج ۳۸۶۵۴.
۲. *اثبات الهداة*، ج ۳، ص ۵۲۸، روایت ۴۳۹.

«خداوند به فلک فرمان می‌دهد که آرامتر حرکت کند و در نتیجه روزها و سال‌ها طولانی می‌شود».

عرض کردم: «بعضی می‌گویند اگر در دور فلک و حرکت آن تغییری ایجاد شود همه چیز از بین می‌رود».

فرمود: این اعتقاد بی‌دینهاست اما مسلمانان چنین چیزی نمی‌گویند خداوند ماه را برای پیامبرش دو نیمه کرد و قبل از آن خورشید را برای یوشع‌بن‌نون برگرداند[۱] و از طولانی بودن روز قیامت خبر داد که برابر هزار سال از سالهای معمولی است.[۲]

ـ ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود:

«وقتی قائم قیام کند...خداوند به فلک فرمان می‌دهد که گردش زمانش را آهسته کُند تا اینکه یک روز معادل ده روز می‌شود و یک ماه برابر با ده ماه و یک سال با ده سال.[۳]

۱۸۶
انتقام منتقم

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد مدینه می‌شود...

سپس بعد از سه روز وقتی که خبر بیرون آوردن جنازه آن دو نفری که کنار پیامبر صلی الله علیه و آله دفن شده‌اند در بین مردم منتشر شد به نقبای خود می‌فرماید: (بعد از سه روز) قبر این‌ها را بشکافید و آن را تازه بیرون می‌آورند...

در این هنگام منادی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صدا می‌زند هرکس این دو صحابه را دوست دارد یک طرف بایستد آنگاه مردم دو دسته می‌شوند یک دسته دوستدار آن دو نفر و دسته‌ای دیگر دشمن آن‌ها.

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به دوستداران آن دو نفر دستور می‌دهد که از آن‌ها بیزاری جویند...

آن‌ها در پاسخ امام می‌گویند... به خدا قسم ما از تو و کسانی که به

---

۱. حج / ۴۷.
۲. *اثبات الهداة*، ج ۳، ص ۲۸، روایت ۴۴۰.
۳. *اثبات الهداة*، ج ۳، ص ۵۱۷، روایت ۳۷۴.

تو عقیده دارند و کسانی که به این دو نفر عقیده و ایمان ندارند و آن‌ها را بردار زدند و از قبر بیرون آوردند بیزاری می‌جوئیم.

در این وقت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به امر خداوند دستور می‌دهد باد سیاهی بر آن‌ها بوزد و آن‌ها را مانند ریشه پوسیده درخت نخل از میان می‌برد.

سپس امام دستور می‌دهد آن دو نفر را از بالای دار پائین بیاورند و به امر خداوند آن‌ها را زنده می‌کند سپس دستور می‌دهد تمام مردم جمع شوند آنگاه اعمال آن‌ها را در هر دوره‌ای شرح می‌دهد...

تا آنکه هر عمل زشت و گناه و ظلم و ستم که از زمان حضرت آدم تا موقع قیام قائم از بنی‌آدم سرزد. همه و همه را به گردن اولی و دومی انداخته و بر آن‌ها ثابت می‌نماید. و آن‌ها نیز اعتراف می‌کنند.

آنگاه حضرت دستور می‌دهند هرکس حاضر است و از آن‌ها ظلمی دیده آن‌ها را قصاص کند مردم هم قصاص می‌کنند سپس آن‌ها را دوباره بر همان درخت به دار می‌کشد و امر می‌کند آتشی از زمین بیرون آید و آن‌ها را با درخت می‌سوزاند آنگاه به باد دستور می‌دهد تا خاکسترشان را به آب دریاها بپاشد.

مفضل پرسید: یابن‌رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله این عذاب آخر این دو نفر است؟

حضرت فرمود: نه‌ای مفضل.

به خدا قسم فردای قیامت هر مؤمن و کافری که به صحرای محشر می‌آید و رسول خدا و صدیق اکبر امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و ائمه‌اطهار علیهم‌السلام نیز حاضر می‌شوند و همه آن‌ها آن دو نفر را قصاص می‌کنند تا جایی که آن دو نفر را در هر شبانه روز هزار بار می‌کشند و باز به امر خداوند به صورت اول برمی‌گرداند تا عذاب شوند.[1]

ـ عبدالرحیم قصیر می‌گوید: امام باقر علیه‌السلام به من فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند حمیرا (عایشه) برگردانده می‌شود تا آن حضرت بر او حد جاری کند و انتقام فاطمه علیهاالسلام دختر محمد را از او بگیرد.[2]

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۲.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۹۰، روایت ۹۳.

۱۸۷
محاکمه علنی

«یأتی المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف الی روضة الرسول ویخرج الجبت والطاغوت....».

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به حرم پیامبر صلی الله علیه وآله می‌آید و به اذن پروردگار آن دو نفر را زنده می‌کند و برای غصب خلافت... و به خاطر قتل محسن علیه السلام و آزار پاره تن پیامبر صلی الله علیه وآله آنان را محاکمه می‌کند.

«عن ابی جعفر علیه السلام.... ثم یحرقهما بالحطب الذی جمعاه لیحرقا به علیا وفاطمة والحسن والحسین وذلك الحطب عندنا نتوارثه».

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آن دو نفر را با هیزمی که جمع کردند تا علی و فاطمه و حسن و حسین علیهما السلام را آتش بزنند می‌سوزاند و آن هیزم‌ها نزد ما است که از یکدیگر ارث می‌بریم.[1]

۱۸۸
توسعه علم در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

اصول علم و دانش دارای ۲۷ حرف (رشته یا ریشه) است.

تمام پیامبران آنچه برای مردم تا به حال آورده‌اند دو حرف بوده وقتی که قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند ۲۵ حرف دیگر از علوم را نیز آشکار می‌سازد و در میان مردم رواج می‌دهد و ضمیمه آن دو حرف می‌کند تا بیست و هفت حرف تکمیل گردد.[2]

ـ امام باقر علیه السلام در روایتی به شدت رشد اعتقادی و دینی مردم در بعداز ظهور اشاره می‌فرمایند: «و تونون الحکمة فی زمانه حتی انّ المراة لتقضی فی بیتها بکتاب اللّه تعالی و سنة رسول اللّه صلی الله علیه وآله».

علم و حکمت به همه شما در زمان مردی از خاندان ما آموخته شود

۱. *دلائل الامامة*، ص ۲۴۱.
۲. *نجم الثاقب*، ص ۱۸۱.

بـه طـوری کـه حتـی زن در خانـه‌اش بـر طبـق کتـاب خـدا و سـنت رسـول‌الله صلی الله علیه و آله قضـاوت نمایـد.[1]

ـ امام‌صادق علیه السلام می‌فرماید:

در زمـان قائـم شـخص مؤمـن در حالـی کـه در مشـرق بـه سـر می‌بـرد بـرادر خـود را کـه در مغـرب اسـت دیـده و نیـز آنکـه در مغـرب اسـت بـرادر خویـش را در مشـرق خواهـد دیـد.[2]

۱۸۹

نکته

(اگرچـه ایـن نـوع فـن‌آوری الان امکان‌پذیـر شـده اسـت ولیکـن صرف‌نظـر از ایـن تکنولـوژی ایـن روایـت دلالـت بـر آن دارد کـه مـا بـه عصـر ظهـور امـام علیه السلام نزدیـک شـده‌ایم).

ـ امیرمؤمنـان علـی علیه السلام می‌فرمایـد: هیـچ علمـی نیسـت مگـر آنکـه مـن آن را افتتـاح نمـودم و قائـم مـا می‌آیـد و جمیـع علـوم را تکمیـل می‌نمایـد.[3]

حضـرت صـادق علیه السلام فرمـود: علـم و دانـش بـه بیسـت و هفـت قسـمت تقسـیم شـده امـا تاکنـون بیـش از دو قسـمت آن در دسـترس بشـر قـرار نگرفتـه اسـت وقتـی قائـم مـا قیـام کنـد بیسـت و پنـج قسـمت دیگـر آن را آشـکار می‌کنـد و در بیـن بشـر پخـش می‌کنـد.[4]

۱۹۰

استقرار عدالت در جهان

در روایـات متعـدد آمـده کـه: لشـکریان امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف در مراحـل مختلـف شـهرهای دمشـق، طرطـوس، رقـه، مصـر، رومیـه، زنـج در افریقـا، غـزه، عسـقلان، بیت‌المقـدس را یـک بـه یـک فتـح می‌نماینـد.

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۵۲.
۲. *کمال‌الدین*، ص ۵۶۵.
۳. *نجم الثاقب*، ص ۱۰۴.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۱۹۱
امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در مصر

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: آنگاه (مهدی و یارانش) به سوی مصر رهسپار می‌شوند و حضرت بر منبر آنجا بالا می‌رود و مردم را مخاطب قرار داده و برای آن‌ها سخن می‌گوید زمین در اثر عدالت شاد و خرم می‌گردد و آسمان، باران رحمت خود را فرو می‌بارد و درختان بارور می‌شوند.

و زمین گیاهان خود را بیرون داده و چهره خویش را با گل و گیاه برای اهل زمین می‌آراید.

حیوانات وحشی در امن و امان به سر می‌برند و به طوری که در راههای روی زمین مانند چهار پایان اهلی به چرا می‌پردازند نور دانش در دل‌های مؤمنان افکنده می‌شود به گونه‌ای که هیچ مؤمنی نیاز علمی، به برادر دانشمند خود ندارد در آن روز آیه «و خداوند بی‌نیاز کند هر کدام را از گشایش خود» مصداق پیدا می‌کند.[۱]

۱۹۲
حمله‌های دریائی یاران امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

در روایت است که حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دستور می‌دهد وسیله سواری تهیه کنند و چهارصد کشتی در ساحل عکا ساخته می‌شود امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف طرطوس را فتح می‌کند آنگاه به سوی انطاکیه حرکت کرده آن را فتح می‌کند...و به قسطنطنیه هجوم برده آنرا می‌گشاید سپس بسوی شهرهای روم متوجه شده روم با همیاری اصحابش متصرف می‌گردد.

۱۹۳
دین فراگیر در جهان

از حضرت صادق علیه‌السلام تفسیر این آیه را پرسیدند. «وله اسلم من فی السموات و الارض». یعنی: هرکس در آسمان و زمین است تسلیم او می‌شوند.

حضرت فرمود: این آیه درباره قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نازل شده هنگامی که علیه یهود

---

۱. *بشارة الاسلام*، ص ۷۱.

و نصارا و صابئین و مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کفار در شرق و غرب کره زمین قیام می‌کند و به آن‌ها اسلام را پیشنهاد می‌کند هر کس از روی میل پذیرفت دستور می‌دهد که نماز بخواند و زکوة بدهد و آنچه هر مسلمانی مامور به انجام آن است بر او نیز واجب می‌کند و هرکس مسلمان نشد گردنش را می‌زند تا آنکه در شرق و غرب عالم یک نفر خدا نشناس وجود نخواهد داشت.

عرض کردند: قربانت گردم در روی زمین مردم بسیاری هستند چطور قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌تواند همه آن‌ها را مسلمان کند و یا گردن بزند؟

حضرت فرمود: هنگامی که خداوند چیزی را اراده کند چیز اندک را زیاد و زیاد را کم می‌گرداند.[۱]

۱۹۴
خداوند به او امر کرده....

زاره‌بن‌اعین گوید: از امام باقر علیه‌السلام پرسیدم آیا قائم با مردمان مانند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رفتار کند؟ فرمود: هیهات هیهات.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با ملایمت با مردم رفتار می‌کرد و می‌کوشید تا محبت مردم را در راه دین جلب کند و تألیف قلوب نماید اما امام قائم با شمشیر و با قتل با مردم روبه رو می‌شود خدابه او این گونه امر کرده است که بکشد و توبه‌ای از کسی نپذیرد وای به حال کسی که با مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بر سر ستیز آید.[۲]

۱۹۵
اثر رحمت نازل شده

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

هرگاه زمان ما فرا رسد و مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ما بیاید شیعه ما از شیر دلیرتر و از سر نیزه برنده‌تر خواهد بود دشمنِ ما را پایمال می‌کند و بر چهره‌اش

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۴۰، حدیث ۹۰.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

سیلی می‌زند این هنگامی است که رحمت و گشایش خدا بر بندگانش فرود آید.[۱]

۱۹۶
قوّت یاران امام

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«یکون من شیعتنا فی دولة القائم سنام الارض و حکامها یعطی کل رجل منهم قوة اربعین رجلا».

در میان شیعیان ما در حکومت قائم افرادی هستند که ارکان و حاکمان زمین‌اند و به هر یک از آن‌ها توان چهل مرد داده شود.[۲]

ـ امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: «اذا قام قائمنا اذهب اللّه عزوجل عن شیعتنا العاهة و جعل قلوبهم کز برالحدید».

آنگاه که قائم ما قیام کند خدا آفت را از شیعیان ما بزداید و دلهایشان را چون پاره‌ای آهن سازد.[۳]

۱۹۷
دین اسلام در همه جای جهان

عیاشی و طبرسی از حضرت باقر علیه‌السلام روایت نموده که: ظهور دیانت اسلامی زمان خروج مهدی آل‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله باشد در آن زمان باقی نمی‌ماند کسی مگر آنکه اقرار نماید به (پیامبری) حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله.

۱۹۸
حرکات اصلاحی امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه در مسجدالحرام

مفضل از امام صادق علیه‌السلام پرسید: یابن‌رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه وقتی ظهور کرد با کعبه چه می‌کند؟

حضرت فرمود: آن را می‌شکند و بر همان پایه‌ای که روز اول در عهد

۱. *بحارالانوار*، ج ۲، ص ۱۹۰.
۲. *اختصاص*، ص ۸.
۳. *خصال صدوق*، ج ۲، ص ۵۴۱.

حضرت آدم برای مردم بنا شده و ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام بالا برده بودند برپا می‌کند.

و آنچه که بعد از آن در مسجدالحرام ساخته که پیغمبری و جانشین پیغمبری آن را نساخته است آنطور که خدا می‌خواهد آن را می‌سازد.

و هر آثاری که در مکه و مدینه و عراق و سایر جاها از ستمگران باقی مانده باشد همه را ویران می‌کند.

سپس فرمود: مسجد کوفه را نیز خراب می‌کند و بر اساس روز اول آن را بنا می‌کند و هم چنین قصر عقیق را ویران می‌کند خدا لعنت کند سازنده آن را...[1]

ـ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: زمانی که قائم قیام کرد مسجدالحرام را ویران می‌سازد تا آنکه آن را به پایه‌ای نخست برگرداند و مقام ابراهیم را به جایگاه اول باز می‌گرداند و دست‌های بنی‌شیبه را بر در کعبه آویزان می‌سازد و بر آن می‌نویسد تمام اینان دزد کعبه هستند.[2]

۱۹۹
قتل شیطان در کوفه

اسحق‌بن‌عمار می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اینکه خداوند به شیطان فرمود: منتظر وقت معلوم باشد.

«انك لمن المنظرين الى يوم الوقت المعلوم»؛ این وقت معلوم کی خواهد بود؟

حضرت فرمود: روز قیام قائم ماست وقتی خداوند او را برانگیخته می‌کند و آماده قیام می‌شود در مسجد کوفه است در آن وقت شیطان در حالی که با زانوهای خود راه می‌رود به آنجا می‌آید و می‌گوید: ای وای از خطر امروز! قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پیشانی شیطان را گرفته و گردنش را می‌زند آن موقع روز وقت معلوم است که مدت او به آخر می‌رسد.[3]

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲. عمربن‌خطاب مقام ابراهیم را در زمان خلافت خود جابجا کرد و قریش نیز درب ورودی کعبه را بالا نصب کردند که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله از این مسئله ناراحت شدند.

۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۷۶، حدیث ۱۷۸.

۲۰۰
رحلت حضرت عیسی علیه‌السلام

جابربن‌عبدالله انصاری از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل می‌کند که سپس عیسی می‌میرد و مهدی منتظر آل‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله باقی می‌ماند سپس او در دنیا به راه می‌افتد شمشیرش را بر دوش می‌کشد و یهود و نصاری و اهل بدعت را می‌کشد.[۱]

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: که اول چیزی که قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به آن ابتداء کند سقف مسجدها است که خراب کند و امر فرماید آن‌ها را مثل عریش موسی درست کنند (عریش اینجا به معنای سایه‌بان است که از چوب درست کنند).[۲]

۲۰۱
عذاب مانع زکات

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «اذا قام القائم اخذ مانع الزکاة فضرب عنقه».

هرگاه قائم ظهور کند کسی را که زکات ندهد دستگیر کند و گردن زند.[۳]

۲۰۲
چهل سال لعن بنی‌امیه

مرحوم صدوق در جلد دوم خصال روایتی را آورده که امام علی علیه‌السلام در آن ۷۰ مورد از فضایل منحصر به فرد خود را برشمرده است.

در فضیلت پنجاه و چهارم امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که می‌فرمود: یا علی! در آینده نزدیک بنی‌امیه تو را لعن خواهد کرد و فرشته‌ای برای هر لعن هزار لعن بر خود آن‌ها بر می‌گرداند و چون قائم قیام کند چهل سال لعن آنان را رواج دهد.[۴]

۱. *اثبات الهداة*، ج ۳، ص ۵۸۷، روایت ۸۰۴.
۲. *یاتی علی الناس زمان*.
۳. *بحارالانوار*، ج ۷۸، ص ۶۰.
۴. *خصال صدوق*، ص ۶۹۹.

۲۰۳
استخراج گنج‌های علمی

در روایت آمده که در زیر صخره‌ای در اهرام مصر علومی برای امام عصر علیه السلام ذخیره شده که دست قبل از او بدان نمی‌رسد.[۱]

۲۰۴
ثروت اصحاب رس

روایتی در مورد اصحاب رس آمده که: در قرآن به آن اشاره شده و خداوند آن‌ها را مورد عذاب قرار داد خداوند به ملک الموت دستور داد تا احشام آن‌ها را از بین ببرد و به زمین هم دستور داد هرچه شمش طلا یا نقره یا ظرف داشتند را در کام خود فرو برد تا وقتی که قائم علیه السلام قیام کند از این ثروت بهره برداری کند.

بدین سان خداوند همه این قوم گمراه را از گرسنگی و تشنگی...از بین می‌برد.[۲]

۲۰۵
ثروت منطقه ارم

امام علی علیه السلام می‌فرماید: او (مهدی علیه السلام) ارم را که دارای ستونها است از دل زمین بیرون می‌کشد و قصری را که سلیمان‌بن‌داود در نزدیکی موته[۳] داشت بیرون می‌آورد و آنچه از اموال در آن‌ها هست خارج ساخته و میان مسلمانان تقسیم می‌کند.

در حدیث آمده که حضرت مهدی علیه السلام در ایام حکومتش به مردم می‌فرماید:

بیائید به سوی آنچه (مال دنیا) که برای آن قطع رحم کردید خونها ریختید و مرتکب گناهان شدید آنگاه چنان عطایائی به آن‌ها می‌دهد که هرگز در تاریخ بشری سابقه نداشته است.[۴]

---

۱. *کمال‌الدین*، ص ۵۶۵.

۲. *قصص الانبیاء*، ۸۹/۹۶.

۳. موته در کشور اردن است. و مزار برادر امام علی علیه السلام جناب جعفر طیار در آنجاست.

۴. *منتخب الاثر*، ص ۴۳۰.

۲۰۶
آسایش و امنیت و عدالت مطلق

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: «... و یذهب الشّر و یبقی الخیر و یزرع الانسان مدّا و تخرج له سبعة امداد کما قال‌اللّه تعالی و یذهب الزّنا و شرب الخمر و یذهب الرّبا و یقبل النّاس علی العبادات و الشرع و الدیانة و الصلاة فی الجماعات و تطول الاعمار و تودی الامانات و تحمل الاشجار و تتضاعف البرکات و تهلك الاشرار و تبقی الاخیار و لایبقی من یبغض اهل‌البیت علیهم السلام».

شر از جهان رخت بربندد و خیر و نیکی بجای ماند و انسان یک مدّ بذر کشت نماید و هفت مدّ برایش محصول دهد چنانچه خدای تعالی فرموده است زنا و شراب و ربا از بین برود و مردم به عبادت و دیانت و نماز جماعت روی آورند عمرها طولانی، امانتها به صاحبانشان باز گردانده درختان بارور و خیرات و برکات مضاعف گردد اشرار از میان بروند و نیکان باقی مانند و از دشمنان اهل‌بیت علیهم السلام کسی باقی نماند.[۱]

ـ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

در زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گوسفند با گرگ در یک جا زندگی می‌کنند و بچه‌ها با مارها و عقربها بازی می‌کنند و هیچ گونه اذّیتی به همدیگر نمی‌رسانند و شر وبدی می‌رود و خیر و خوبی می‌ماند...

و در روایتی دیگر می‌فرمایند: اگر قائم ما خروج کند در میان حیوانات درنّده و غیر درنّده صلح می‌شود و همه مطیع و فرمانبردار آن حضرت می‌شوند.[۲]

ـ رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «یکون فی امتّی المهدی تنعّم امّتی فی زمانه یغیما ینّعم مثله قطّ».[۳]

مهدی در امت من است و امتم در عصر او از موهبت و نعمت فراوان برخوردار گردند به گونه‌ای که هیچ گاه آن چنان بهره‌مند نشده باشند.[٤]

---

۱. *عقدالدرر*.
۲. *نجم‌الثاقب*، ص ۱۵۶.
۳. *الزام الناصب*، ص ۱۶۳.
۴. آیا برای یک چنین دنیایی نباید برای ظهور آن مطهر معطر دعا کرد.

ـ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «ولو قد قام قائمنا لانزلت السماء قطرها و لاخرجت الارض نباتها و لذهبت الشحناء من قلوب العباد».

وقتی که قائم ما قیام نماید آسمان قطرات بارانش را فرو بارد و زمین روئیدنیها و گیاهانش را برویاند و کینه و عداوت از دل‌های بندگان زائل گردد.[1]

ـ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «...اما و الله لیدخلن (القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف) عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحرّ و القرّ».

به خدا سوگند مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عدالتش را تا آخرین زوایای خانه‌های مردم وارد می‌کند هم چنان که سرما و گرما وارد خانه‌ها می‌شود.[2]

در روایت آمده که: چون قائم قیام کند وارد کوفه شود زمین‌های مصادره شده را به صاحبانش باز می‌گرداند.[3]

۲۰۷
آموزش قرآن توسط ایرانیان

اصبغ‌بن‌نباته گوید:

از حضرت علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: گویا می‌بینم که چادرهای عجم در مسجد کوفه[4] برپا شده و در ایام حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به مردم قرآن را همان گونه که نازل گردیده آموزش می‌دهند.[5]

۲۰۸
آرامشی فراگیر

امام علی علیه السلام می‌فرماید: زمانی که قائم ما قیام کند آسمان نزولات خود را فرو ریزد و زمین گیاهانش را برویاند و کینه و دشمنی از دلهای بندگان رخت بربندد و درندگان و چرندگان با هم بسازند چندان که زنان، زیور[6] به

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

۳. *بشارة‌الاسلام*، ص ۲۵۳.

۴. مسجد کوفه پایتخت و مرکز حکومت جهانی امام عصرعج خواهد بود.

۵. *سفینة البحار*، ج ۲، ص ۱۶۵.

۶. زنبیل.

سـر عـراق را تـا شـام می‌پیمایند و جز بـر علـف و سـبزه گام نمی‌نهنـد و هیـچ درنـده‌ای آنـان را آشـفته و هراسـان نمی‌کنـد.[1]

۲۰۹
عدالتی بی‌سابقه

در روایـت آمـده: مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن چنـان رفـع سـتم از سـتمدیدگان می‌کنـد کـه اگر حقـی زیـر دنـدان کسـی باشـد آن را می‌سـتاند و بـه صاحـب حـق برمی‌گردانـد.[2]

۲۱۰
قوانین اجتماعی و تردد در جامعه

«عن ابی‌الحسن موسی علیه السلام قال: اذا قام قائمنا علیه السلام قال: یا معشر الفرسان سیروا فی وسط الطریق...»؛

حضـرت موسـی‌بن‌جعفر علیه السلام فرمـود: وقتـی قائـم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیـام کنـد دسـتور فرمایـد کـه سـواره‌ها در وسـط حرکـت کننـد و پیاده‌هـا در کنـار خیابـان پـس اگـر سـواره‌ها از ایـن قانـون پیـروی نکردنـد و در کنـار خیابـان حرکـت نمودنـد و ضـرری بـه کسـی وارد نمودنـد بایـد خسـارت بدهنـد.

و اگـر پیاده‌هـا از قانـون خـود «کـه بایـد از کنـار خیابـان حرکـت کننـد». مخالفـت نمـوده و از وسـط خیابـان حرکـت کردنـد و خسـارتی بـه آن‌هـا وارد شـد خسـارتی طلبـکار نیسـتند.[3]

۲۱۱
طلوع نور رشد دهنده بشریت

امـام باقـر علیه السلام می‌فرمایـد: «اذا قام قائمنا وضع یده علی رووس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم»؛ زمانـی کـه قائـم مـا قیـام نمایـد دسـت خویـش بـر سـر بنـدگان گـذارد و بدیـن وسـیله نیروهـای مـردم را تمرکـز بخشـیده و اخلاقشـان را کامـل سـازد.[4]

۱. *بحارالانوار*، ج ۱، ص ۱۰۴.
۲. *منتخب الاثر*، ص ۳۰۸.
۳. *تهذیب*، ج ۱۰، ص ۳۱۴، حدیث ۱۱۶۹.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

Presented by: jafrilibrary.com

۲۱۲
مهدی شمع جمع بشریت

ـ قال الرضا: «و ذلك و اللّه ان لو قام قائمنا يجمع اللّه اليه جميع شيعتنا من جميع البلدان».

حضرت رضا فرمود: قسم به خدا هر موقع قائم ما قیام کند خداوند جمیع شیعیان را از شهرها به سوی او جمع می‌کند.[۱]

۲۱۳
ظاهر شدن اجنه‌ها در حکومت امام

از حضرت صادق پرسیدند: آیا جن و فرشتگان برای بشر آشکار می‌شود؟

امام فرمود: آری به خدا آشکار می‌شود.

از حضرت صادق پرسیده شد: آیا فرشتگان و طایفه جن همه جا همراه قائم می‌روند؟ حضرت فرمود: آری و الله.

آن‌ها به روی زمین در کوفه و نجف می‌آیند و عدد یاران حضرت در آن موقع چهل و شش هزار فرشته و شش هزار جن است...[۲]

۲۱۴
شهادت امام مهدی

زنی به نام سعیده از طایفه بنی‌تمیم که مانند مردها محاسن دارد در حالی که سال ۷۰ به پایان رسیده از بالای بام به هنگامی که امام مهدی در حال عبور است سنگی به سوی ایشان پرتاب می‌کند و آن حضرت را به شهادت می‌رساند آنگاه امام حسین مراسم غسل کفن و دفن آن حضرت را به عهده می‌گیرد.[۳]

در روایتی دیگر از امام صادق تصریح شده که امام حسین امام مهدی را غسل و کفن و حنوط می‌کند و به خاک می‌سپارد که هرگز امام

۱. *مجمع البیان*، ج ۲، ص ۱۱۱.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۰.
۳. *تاریخ بعدالظهور*، ص ۸۸۱.

را جز امام غسل نمی‌دهند.[۱] و در روایتی دیگر امام رضا علیه السلام فرموده‌اند که امام را جز امام غسل نمی‌دهد.[۲]

ـ در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: حسین علیه السلام در میان یارانش که با او کشته شدند و در حالی که هفتاد پیامبر همان طور که با موسی‌بن‌عمران بودند با او هستند می‌آید قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف انگشتر ـ یا مهر ـ را به او می‌سپارد و حسین علیه السلام همان کسی است که آن حضرت را غسل می‌کند کفن می‌پوشاند حنوط می‌کند و در قبر می‌گذارد.[۳]

۲۱۵
امام حسین علیه السلام با ۷۲ تن از یارانش می‌آید

عبدالله‌بن‌قاسم بطل درباره آیه «ثم رَددنا لکم الکّرة علیهم».[٤] از قول امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: آیه به خروج امام حسین علیه السلام در میان هفتاد تن از یارانش مربوط می‌شود.

تا اینکه فرمود: وقتی دلهای مؤمنان به شناخت قطعی رسید که آن حضرت امام حسین علیه السلام است آنگاه مرگ حضرت حجت فرا می‌رسد و امام حسین علیه السلام او را غسل می‌دهد کفن و حنوط می‌کند و دفن می‌نماید و این امور مربوط به وحی را جز وحی کسی دیگری عهده‌دار نیست.[٥]

۱. *تفسیر عیاشی*، ج ۲، ص ۲۸۱.
۲. *کافی*، ج ۱، ص ۲۸۴.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۰۳، از روایت ۱۳۰.
۴. اسراء / ۶ آنگاه نوبتی دیگر شما را بر آن‌ها غالب کنیم.
۵. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۹۳، روایت ۱۰۳.

بخش ۸

رجعت

۲۱۶
رجعت در قرآن و احادیث

بحث رجعت از آن جهت مورد توجه است که عده‌ای در زمان ظهور امام مهدیعجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دوباره زنده شده و در رکاب ایشان به مساعدت آن پیشوا می‌شتابند این که عده‌ای زنده شده و در رکاب امام قرار می‌گیرند در بعضی روایات به آن تصریح شده چنانچه در روایات است که سلمان فارسی و مالک اشتر نخعی و ...کسانی هستند که در رکاب امام عصرعجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قرار می‌گیرند البته این عده که برگشت می‌کنند و دوباره زنده می‌شوند حتما عده‌ای هستند که در دل تمنای این سعادت را داشته‌اند و شاید با دعای عهد که دلالت روایی بر این تمنا و خواسته دارد هم عهد امام عصرعجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شده‌اند.و از سیاق روایات فهمیده می‌شود که مسئله رجعت با مسئله ظهور از حیث زمانی بسیار نزدیک خواهد بود.[1] لذا عده‌ای در موقع ظهور زنده شده و در رکاب آن امام قرار می‌گیرند.

۱. در احوالات سپهبد شهید صیاد شیرازی نقل شده که ایشان مقید بودند که دعای عهد را هر روز قرائت کنند

۲۱۷
رجعت در سوره آل عمران

عبدالله‌بن‌سکان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت در تفسیر این آیه قرآن «واذا خذاللّه میثاق البنیین لما اتیتکم من کتاب و حکمة ثم جائکم رسول مصدق لما معکم لتومنن به لتنصرنه».[۱]

چنین فرمود: «مابعث اللّه نبیا من لدن آدم و هلم جرا و یرجع الی الدنیا فینصر رسول اللّه و امیرالمؤمنین». خداوند هیچ پیامبری را از آدم تا سایرین (خاتم الانبیاء) مبعوث نکرده جز آنکه به دنیا بازگشته و رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری خواهند کرد.[۲]

۲۱۸
رجعت امام حسین علیه السلام

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «اول من یکر فی رجعته الحسین‌بن‌علی علیه السلام یمکث فی‌الارض حتی یسقط حاجباه علی عینیه».

اولین شخصی که به دنیا رجعت خواهد کرد امام حسین علیه السلام است که ایشان آنقدر در زمین زندگی خواهد نمود تا آنکه از فرط پیری موی دو ابروی او بر چشمانش بیفتد.[۳]

۲۱۹
رجعت در سوره سبا

در سوره سبا آیه ۲۸ آمده است: «و ما ارسلناك الاكافة للناس بشیرا و نذیرا».

یعنی: و ما تو را جز برای بشارت و بیم جهانیان نفرستادیم.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: این آیه در رجعت تحقق می‌یابد.[۴]

در باب فرمایش امام باقر علیه السلام می‌توان این گونه گفت: آیه مذکور دلالت

و آن روزی که به شهادت رسیدند صبح دعای عهد خود را خوانده بودند.

۱. آل عمران / ۸۱.

۲. *بحارالانوار*، ج ۵۳، بحث رجعت، حدیث ۹ و ۲۰ و ۲۳ و ۶۷.

۳. *بحارالانوار*، ج ۵۳، بحث رجعت، حدیث ۹ و ۲۰ و ۲۳ و ۶۷.

۴. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۴۲.

دارد بر اینکه هنوز دین پیامبراکرمﷺ در همه جهان عمومیت نیافته لذا امام عصر؏ در زمان ظهور، این مسئله را فراگیر و عالم گیر می‌نمایند.

مرحوم مجلسی در بحار در خصوص مسئله رجعت می‌فرماید: اگر مثل این روایات (رجعت) متواتر نباشد پس در چه چیزی می‌توان ادعای تواتر نمود.[1] و محدث جزایری در شرح تهذیب صدوق آورده که ۶۲۰ حدیث پیرامون مسئله رجعت دیده است.[2]

۲۲۰
قیامت با رجعت جداست

در قرآن‌کریم حدود ۷۰ آیه در مورد رجعت وجود دارد.

«فقال الرجل لابی عبداللّه؏ ان العامة تزعم ان قوله «و یوم نحشر من کل امة فوجا» عنی فی القیامة فقال ابوعبداللّه: فیحشر اللّه یوم القیامة من کل امة فوجا و یدع الباقین لا و لکنه فی الرجعه و اما آیة القیامة «و حشرناهم فلم نغادر منهم ایضا».

مردی به امام صادق؏ عرض کرد:

اهل سنت گمان کرده‌اند که آیه شریفه: «روزی که از هر امتی گروهی را محشور می‌کنیم».

مربوط به قیامت است حضرت در پاسخ فرمود: آیا چنین است که خداوند روز قیامت از هر امتی تنها گروهی و عده‌ای را محشور کرده و بقیه آن‌ها را رها می‌سازد؟

خیر این گونه نیست و لکن آیه در مورد رجعت است، اما آیه قیامت آن است که می‌فرماید: همه را محشور ساخته و از احدی چشم پوشی نمی کنیم.[3]

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۱۲۳.
۲. *بیان الفرقان*، ج ۵، ص ۲۸۸.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۵۳، (در باب رجعت آیات زیادی در قرآن آمده که عبارتند از: سوره بقره آیات ۵۶ و ۲۴۳ و ۲۵۹ سوره کهف آیه ۱۹ سوره نمل، آیه ۸۲ برای مطالعه بیشتر پیرامون مسئله رجعت به تفسیر شریف المیزان جلد دوم مراجعه شود).

۲۲۱
رجعت در سوره قصص

ابن‌خالد کابلی از امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند در تفسیر آیه شریفه: «ان الذی فرض علیك القرآن لرادّك الی معاد».

آن کسی که قرآن را بر تو فرض نمود تو را به باز گشتگاه برمی‌گرداند.[۱]

فرمود: «یرجع الیکم نبیکم و امیرالمؤمنین و الائمة علیهم السلام».

پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و همه امامان علیهم السلام به سوی شما باز می‌گردند و رجعت می‌کنند.[۲]

۲۲۲
رجعت در سوره توبه

«عن ابی جعفر علیه السلام... وقوله تعالی: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون» قال یظهره اللّه عزوجل فی الرجعة».

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۳۳ از سوره توبه می‌فرماید: خداوند دین حق را در رجعت بر سایر ادیان غلبه می‌دهد، در رجعت همه مردم به پیامبراسلام صلی الله علیه و آله ایمان آورده و اسلام جهان‌گستر می‌شود.[۳]

۲۲۳
رجعت در سوره نمل

«واذا وقع القول علیهم اخرجنا دابة من الارض تکلمهم ان الناس کانوا بایاتنا لایوقنون ویوم نحشر من کل امة فوجا ممن یکذب بایاتنا فهم یوزعون».[۴] و هنگامی که قول بر آنان واقع گردد از زمین موجودی را بیرون می‌سازیم که با آنان سخن می‌گوید (یا با آنان می‌جنگد) ولی مردم به آیات ما ایمان نمی‌آورند و روزی که از هر امتی گروهی از کسانی که تکذیب ما کردند محشور کرده سپس آن‌ها نگه داشته می‌شوند».

---

۱. قصص / ۸۵.
۲. *الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة*، ص ۳۴۳ و *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۵۶.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۶۴.
۴. نمل / ۸۲.

این آیه مشهورترین آیه رجعت است که به تنهایی بر رجعت دلالت دارد چرا که ظاهر آیه بخوبی بیانگر این مطلب است که این حشر گروهی از هر امتی غیر از حشر روز قیامت است زیرا حشر در روز قیامت شامل همه انسانها می‌گردد چنان که در وصف حشر روز قیامت در سوره کهف آیه ۴۷ چنین می‌فرماید: **و حشرنا هم فلم نغادر منهم احدا** یعنی همه را محشور کرده و احدی از آن‌ها را فرو نخواهیم گذاشت.

۲۲۴
رجعت همگانی نیست

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: رجعت همگانی نیست بلکه خصوصی است تنها کسانی رجعت می‌کنند که مؤمن خالص باشند و یا مشرک خالص.[۱]

ـ آن هفتاد نفری که با حضرت موسی همراه بودند و از برگزیدگانی بودند که حضرت با خود به طور سینا برد بعد بر اثر صاعقه کشته شدند سپس با درخواست حضرت موسی دوباره زنده شدند تأکیدی است بر مسئله رجعت که در آیه ۵۶ سوره مبارکه بقره به آن اشاره شده است.[۲]

ـ آیه ۷۲ و ۷۳ سوره بقره نیز اشاره به زنده شدن پیرمردی از بنی‌اسرائیل دارد.[۳]

ـ جریان اصحاب کهف نیز تصریح واضحی است به مساله رجعت که مسئله را به طور کلی از ابهام خارج می‌نماید.

ـ امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

نخستین کسی که زمین برای او شکافته می‌شود و به روی زمین رجعت می‌کند حسین‌بن‌علی علیه‌السلام است.[۴]

ـ احمدبن‌عقبه از پدر خود نقل می‌کند که از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: آیا رجعت صحیح است؟

امام فرمود: آری.

۱. *تفسیربرهان*، ج ۲، ص ۴۰۸.
۲. *تفسیر صافی*، ج ۴، ص ۷۷.
۳. *تفسیرالمیزان*، ج ۱، ص ۲۰۴.
۴. *الزام الناصب*، ج ۲، ص ۳۶۰.

عرض شد: نخستین کسی که می‌آید چه کسی است؟
امام فرمود: امام حسین علیه‌السلام است که بعد از ظهور قائم می‌آید...

۲۲۵
باران احیاء کننده

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: وقتی که آمدن او نزدیک شد در ماه جمادی‌الاخر و ده روز از ماه رجب چنان باران می‌بارد که مردم مثل آن را ندیده باشند و با آن باران خداوند گوشتِ بدن مردگان مؤمنین را در قبرهایشان می‌رویاند. گویا من آن‌ها را می‌بینم که می‌آیند و خاک موهای سر خود را می‌تکانند.[۱]

۲۲۶
رجعت در سوره ابراهیم

«و ذکرهم بایام اللّه».[۲]

امام باقر علیه‌السلام فرمود: ایام‌الله سه روز است روز قیام قائم‌آل‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و روز رجعت و روز قیامت.

ـ ابوبصیر گفت: امام باقر علیه‌السلام به من فرمود: مگر اهل عراق منکر رجعت هستند ؟

گفتم: آری.

امام فرمود: آیا قرآن نمی‌خوانند و روزی که از هر امت دسته‌ای را برانگیزیم.[۳]

ـ حسن‌بن‌جهم می‌گوید: مأمون به امام رضا علیه‌السلام گفت: ای اباالحسن درباره رجعت چه می‌فرمائید؟

امام علیه‌السلام فرمود: رجعت حق است در ادیان گذشته هم بوده و قرآن از آن یاد کرده است.[۴]

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۳۷، حدیث ۷۷.
۲. ابراهیم / ۵.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۴۰.
۴. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۵۹، روایت ۴۵.

ـ فضل‌بن‌شاذان از امام رضا﴿ع﴾ نقل می‌کند که فرمود:

«هرکس...به رجعت اعتراف کند...او واقعا مؤمن و از شیعیان ما اهل‌بیت است.[1]

ـ در کتاب من لایحضره الفقیه آمده است: امام صادق﴿ع﴾ فرمود: «هر کس به رجعت ما ایمان نداشته باشد و متعه ما را حلال نشمارد از ما نیست.[2]

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۲۱، روایت ۱۶۱.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۹۲، روایت ۱۰۱.

فصل پنجم

بخش ۱:

چگونگی عرض ادب به ساحت مقدس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بخش ۲:

خانواده امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بخش ۳:

۳۰ نفر یاران مخصوص در زمان غیبت کبری

بخش ۴:

معرفی یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیان ویژگی‌های (۳۱۳ نفر)

بخش ۵:

توسل، صراط صعود

بخش ۱

چگونگی و نحوه عرض ادب به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱
امام حاضر و ناظر

در بین اعراب در قدیم الایام یکی از نشانه‌های استیصال و درماندگی و ناچاری دست بر سر نهادن است و چنانچه در تاریخ هم نقل شده که حضرت زینب‌کبری علیها السلام در بالای تله زینبیه وقتی دید شمر بر سینه امام حسین علیه السلام نشسته است دو دست خود را بر سر نهاد که نشانه ناچاری و نهایت مصیبت را حکایت می‌کند در یک نگاه عرفی نیز می‌توان این گونه گفت وقتی با ذکر نام امام دست بر سر خود می‌نهیم یعنی این که مهدیا تاج سرمائی آنچه واضح است این است که این حرکت ریشه روایی دارد و حرکتی است مؤدبانه در مقابل امام حاضر و ناظر حضرت مهدی موعود علیه السلام.

در روایات اشاره شده که چگونه بایستی به وجود نازنین آن سرور احترام گذاشت در اینجا به نقل مطالبی در این باب اشاره می‌شود.

ـ اعتقاد علماء بر آن است حربن‌ریاح در جریان کربلا بخاطر احترامی که به حضرت سیدالشهداء علیه السلام گذاشت اسباب عاقبت بخیری خود را رقم زد.

این قائده در باب جادوگرانی که در جلوی موسی علیه‌السلام ایستادند نیز همان گونه بوده و جادوگران به سبب احترامی که برای حضرت موسی علیه‌السلام قائل شدند سعادت خود را فراهم آوردند و هکذا در جریان بشر حافی و احترام وی به نام خداوند متعال و ...(البته در باب ثمرات ادب ورزی و رابطه آن با عاقبت بخیری بیشتر از این‌ها گفته‌اند).

ـ نقل شده عبیدالله‌بن‌زیاد لعنه‌الله علیه وقتی نامه یزید را برای او می‌آوردند ۳ مرتبه به احترام آن نامه برمی‌خاست و بعد آن را می‌بوسید و بر چشم می‌گذاشت. حال وضیعت ما در مقابل مولای عزیز خود خیلی بایستی عاشقانه‌تر باشد که بحمدالله هست.

۲
رمزی بزرگ برای عاشقان امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

از امام صادق علیه‌السلام سؤال شد: علت قیام در موقع ذکر نام قائم چیست؟

حضرت فرمود: صاحب‌الامر غیبتی بسیار طولانی دارد و از کثرت لطف و محبتی که به دوستانش دارد هر کس وی را به لقب قائم یاد کند آن حضرت هم نظر لطفی به او خواهد نمود و چون در این حال مورد توجه امام واقع می‌شود.

شایسته است از باب احترام بپا خیزد و از خدا تعجیل در فرجش را بخواهد.[۱]

۳
علت دست بر سر نهادن در موقع ذکر نام امام

امام رضا علیه‌السلام در بیان علت دست بر سر نهادن به هنگام ذکر نام شریف امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در ضمن عبارتی می‌فرماید: «عبد خاضع هنگام مشاهده‌ی مولایش چنین می‌کند».

۱. *الزام الناصب*، ج ۱، ص ۲۷۱.
با دقتی در این روایت این مطلب به دست می‌آید که گفتن اسم شریف و نورانی یا قائم توجه و عنایت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را برای گوینده به همراه خواهد داشت: یا قائم‌آل‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله.

و خود حضرت رضا علیه السلام نیز چنین می‌کرد و به نحوی که گویا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آن حضرت را مشاهده می‌کند.[1]

۴
فراموشی مده

در دعای عصر غیبت که از ناحیه مقدسه رسیده چنین می‌خوانیم: «...ولاتنسناد ذکره و انتظاره و الایمان به وقوة الیقین فی ظهوره والدعاء له و الصلاة علیه».

خدایا! یاد او، انتظارش، ایمان به او، باور شدید به ظهوراو، دعابرای او، و توجه به او را در مابه فراموشی مسپار.[2]

۵
امام رضا علیه السلام برخواست و دست بر سر نهاد

در حضور امام رضا علیه السلام در خراسان کلمه قائم ذکر شد حضرت برخاست و دستش را بر سر نهاد و گفت: «أللهم عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَّهِلْ مَخْرَجَهُ»؛ یعنی: خداوندا! در فرجش شتاب کن و راه ظهور او را آسان گردان.[3]

۶
ادب‌ورزی امام خمینی قدس سره

روزی یکی از طلاب در مدرسه رفاه به امام عرض می‌کند شما در بین صحبت‌هایتان کمتر اسم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را می‌برید، امام با شنیدن این سخن از جا برخاستند و در پاسخ فرمودند: چه می‌گویی؟ مگر شما نمی‌دانید آنچه ما داریم از امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و....

---

۱. منتخب‌الاثر، باب ۳، فصل ۱۰، حدیث ۴، ص ۱۴۰.برخاستن به احترام نام مبارک و نورانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حتی در بعضی مواقع واجب می‌گردد مثلاً چنانچه انسان در جمعی حضور داشته باشد که آن جمع پس از شنیدن نام مبارک امام از جا بلند شوند و مثلاً یک نفر بلند نشود این از مصادیق بی‌اعتنائی به امام خواهد بود چرا که چنین وانمود می‌شود، لذا این بی‌احترامی جایز نیست.

۲. *غیبت طوسی*، ص ۳۳۴.

۳. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۳۰.

۷
ایام و ساعاتی که به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تعلق دارد

ایـام و سـاعاتی از روز بـه امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف تعلـق دارد لـذا بایسـتی بیشـتر متوجـه آن وجـود مبـارک شـد کـه ایـن خـود نوعـی عـرض ارادت بـه آن سـاحت نورانـی می‌باشـد کـه عبارتنـد از:

۱. شب قدر (هر سه شب).

۲. روز جمعه

۳. روز عاشورا

۴. از وقـت زرد شـدن آفتـاب تـا غـروب آن در هـر روز جمعـه (طبـق روایتـی حضـرت زهـرا علیها السلام کنیـز خـود را بـه پشـت بـام می‌فرسـتاد تـا وقتـی نیمـی از قـرص خورشـید بـه غـروب نزدیـک شـد ایشـان را خبـر نمایـد تـا در آن موقـع حضـرت دعـا کنـد چـرا کـه دعـا در آن زمـان، اجابـت می‌شـود).[۱]

۵. عصر دوشنبه

۶. عصر پنجشنبه

۷. شب و روز نیمه شعبان

۸. روز نوروز.

۱. *معانی الاخبار*، ج ۲، ص ۴۲۴.

بخش ۲

خانواده امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

روایاتی در خصوص این که حضرت دارای فرزند و همسر می‌باشند وجود دارد ولیکن از حیث اعتبار محل تشکیک است و به عکس روایاتی نیز داریم که اشاره به این مطلب دارند که امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دارای زن و فرزندی نیست ولی آنچه بدیهی است امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به سنت جدش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که همانا مسئله ازدواج است پشت نخواهد کرد.

اگر در این زمینه هیچ نقل و روایتی وجود نداشت فقط همین مطلب که ما می‌دانیم آن حضرت به سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله عمل می‌نماید.

در قبول این مطلب که آن جناب همسر و فرزندانی دارد کافی بود.

بنابراین با توجه به عمر طولانی و مبارک ایشان ممکن است آن حضرت همسر و فرزندان متعددی داشته باشد که بعضی مرده و برخی زنده‌اند و مرگ و زندگی آن‌ها طبق روالِ عادیِ زندگی انسانهاست نه مطابق با زندگی و عمر آن حضرت.[۱]

---

۱. به نقل از کتاب ظهور نور نوشته حضرت آیت سعادت پرور، ص ۱۲۳.

۸
متن دعای علوی مصری تأییدی بر وجود خانواده برای امام

در دعای علوی مصری که در همین فصل، متن ترجمه شده آن آمده و این دعا منسوب به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد و از حیث محتوا بی‌نظیر و بسیار عمیق و زیبا می‌باشد در چهار جا امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای خانواده و فرزندان خود دعا می‌کنند و این خود گویاترین مدرک مستندی می‌باشد که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای زن و فرزند هستند در ثانی وقتی خانمی به امام باقر علیه السلام مراجعه کرده و اظهار می‌کند که برای رشد معنوی نمی‌خواهد ازدواج کند امام او را از این کار نهی فرموده و می‌فرمایند مادر ما حضرت زهرا علیها السلام ازدواج کرد اگر این کار لازم می‌بود او ازدواج نمی‌کرد (نقل معنا با تلخیص).

۹
ازدواج امام

در ثانی امکان ندارد در این همه سال حضرت مجرد زندگی کرده باشد در این خصوص حضرت آیت‌الله کشمیری تصریح و تأکید دارند که حضرت، همسر و فرزند دارند.

و یکی از اولیاء خدا مرحوم حاج شیخ حسین فاضلی فرموده‌اند که: حضرت نواده‌های زیادی در قم دارند و الان بعضی از آن‌ها نمی‌دانند که نسل آن‌ها به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌رسد و آن‌ها مشغول تحصیل علوم حوزوی هستند.

۱۰
وقف امیرمؤمنان علیه السلام

مرحوم علامه طباطبائی می‌فرمایند:

برادر من سیدمحمد حسن الهی قاضی طباطبائی شاگردی داشت که به او درس فلسفه می‌گفت و آن شاگرد احضار روح می‌نمود و برادر من توسط آن شاگرد با بسیاری از ارواح تماس پیدا می‌کرد آن شاگرد قبل از آنکه با برادر

Presented by: jafrilibrary.com

من ارتباطی داشته باشد تمایل داشت فلسفه بخواند آن شاگرد به خدمت ایشان می‌آمد و درس می‌خواند آن مرحوم می‌فرمود:

ما به وسیله این شاگرد با بسیاری از ارواح ارتباط برقرار می‌نمودیم و مشکلات حکمت را از مؤلفین آن‌ها می‌پرسیدیم یک بار که با افلاطون تماس گرفته بودند این دانشمند گفته بود شما قدر و قیمت خود را بدانید که می‌توانید در روی زمین «لااله‌الاالله» بگویید ما در زمانی بودیم که بت‌پرستی و ثنویت آنقدر غلبه کرده بود که نمی‌توانستیم این ذکر را بر زبان جاری کنیم.

می‌فرمود، روح سیدبن‌طاووس و دیگری روح مرحوم سید بحرالعلوم، را احضار کرده بودند این دو نفر گفته بودند ما وقف حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام هستیم و ابدا مجالی برای پایین آمدن نداریم! از عجایب و غرایب این بود که یک کاغذ از تبریز از ناحیه برادر ما به قم آمد که در آن نوشته بود شاگرد مزبور روح پدرمان را احضار کرده و به سؤالاتی هم جواب داده است و در ضمن گویا از شما گله داشته‌اند که در ثواب تفسیری که نوشته‌اید ایشان را شریک نکرده‌اید من تصور می‌کردم آخر، کارهای ما چه ارزشی دارد که پدرم را در آن سهیم کنم با رسیدن این نامه منفعل و شرمنده شدم گفتم: خدایا اگر این تفسیر ما در نزد تو قابل قبول است و ثوابی دارد من ثواب آن را به روح پدر و مادرم هدیه نمودم و هنوز این مطلب را در پاسخ نامه برادرم به تبریز نفرستاده بودم که پس از چند روزی نامه‌ای از وی رسید که در آن آمده بود این بار با روح پدر صحبت کرده بودیم او گفت خدا عمرش بدهد سیّد محمّد حسین هدیه ما را فرستاد.[1] در این جا لازم بود ابتداء مقام عرشی جناب سیدبن‌طاووس معلوم گردد سپس به نقل گفتار او درباره خانواده امام عصراشاره نمائیم در اوراق گذشته به وضعیت عرفانی این مرد ملکوتی اشاره شده است اما، مرحوم سیدبن‌طاووس را که سیدالمراقبین نیز می‌گویند به پسرش می‌گوید: پسرم به تازگی حضرت عیالی انتخاب

---

۱. *جرعه‌های جانبخش*، ص ۲۴۶.

کردند اگر اجازه داشتم به تو می‌گفتم حضرت از کدام طایفه همسر انتخاب فرمودند.

۱۱

در این دعا به خانواده داشتن امام عصر اشاره شده

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که از نماز فارغ شدی این دعا را بخوان:

«رضیت باللّه ربا و بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بمحمّد صلی الله علیه و آله نبیا و بعلی ولیا و بالحسن و الحسین و علی‌بن‌الحسین و محمدبن‌علی وجعفربن‌محمد وموسی‌بن‌جعفر وعلی‌بن‌موسی ومحمدبن‌علی و علی‌بن‌محمد والحسن‌بن‌علی والحجة‌بن‌الحسن علیهم السلام ائمة.

پروردگارا! ولیّ تو حضرت حجت است پس او را حفظ کن از پیش رو و از پشت سر و از سمت راست و چپ و از بالا و پایین. و عمرش را امتداد بخش و او را قائم به امر خویش قرار ده.

أللهم ولیك الحجة فاحفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه و من تحته و امددله فی عمره و اجعله القائم بامرك».

«المنتصر لدینك، و اره ما یحب و تقربه عینه فی نفسه، و فی ذریته، و اهله و ماله، و فی شیعته و فی عدوه، و ارهم منه ما یحذرون، و اره فیهم ما یحب و تقربه عینه، و اشف به صدورنا و صدور قوم مؤمنین».[۱]

که برای دینت یاری طلبد و آنچه دوست می‌دارد و دیده‌اش به آن روشن گردد نسبت به خودش و خاندانش و نوادگانش و دارائیش و پیروانش و نسبت به دشمنانش به او بنمایان و دشمنانش را به آنچه هراس دارند دچار گردان و بدین وسیله سینه‌های ما و سینه‌های مؤمنین را شفا بخشای.

ـ از عارف کبیر و حضرت آیه‌الله کشمیری سؤال شد: آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زن و فرزند دارد و آنان هم همانند دیگران می‌میرند؟

پاسخ فرمودند: آری زن و فرزند دارد و آن‌ها هم وفات دارند.[۲]

---

۱. *من لایحضره الفقیه*، *شیخ صدوق* ره، ج ۱، ص ۳۲۷، حدیث ۹۶۰.
۲. *آفتاب خوبان*، ص ۸۷.

ـ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «...کانی اری نزول القائم فی مسجد السهله باهله و عیاله».[1]

دلیل دیگر بر وجود فرزند برای حضرت ولی‌امر علیه السلام روایتی است از سیدبن‌طاووس از امام رضا علیه السلام که می‌فرماید:

«...أللهم اعطه فی نفسه و أهله و ولده و ذریته و جمیع رعّیته ماتّقربه عینه و تسربه نفسه».

خداوندا! مایه چشم روشنی و خوشی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در او و خانواده و فرزندان و ذرّیه و تمام پیروانش فراهم فرما.[2]

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۱۷.
۲. *جمال الاسبوع*، ص ۵۱۰.

بخش ۳

سی نفر یاران مخصوص در زمان غیبت کبری

در بعضی از روایات به صراحت به ملازمان خصوصی امام عصر اشاره شده است که این افراد غیر از آن ۳۱۳ نفر هستند و مقصود خادمان آن حضرت یا همان سی نفری هستند که همراه حضرت هستند و در روایات به آن‌ها اشاره شده است.

«للقائم غیبتان: احداهما طویلة و الاخری قصیرة فالاولی یعلم بمکانه فیها صة من شیعته و الاخری لایعلم بمکانه فیها الا خاصة موالیه فی دینه».

برای قائم دو غیبت است: یکی طولانی و دیگری کوتاه در اولی تنها خواص شیعیان از جایگاه او مطلع خواهند بود و در دومی فقط نزدیکترین خواص او که متصدی خدمت او هستند از جایگاه وی باخبر خواهند بود.[1]

ـ امام صادق می‌فرماید: برای صاحب این امر دو غیبت است...

هیچ کس از جایگاه او خبر ندارد حتی از نزدیکانش مگر خدمتگزاری که در خدمت آن حضرت هست.[2]

---

۱. *غیبت نعمانی*، ص ۱۷۰، حدیث اول.

۲. منظور همان سی نفر هستند که در خدمت امام هستند.

۱۲
در هر زمان سی نفر

مرحـوم حاج‌شـیخ محمدحسـن‌مولوی‌قندهاری در حـرم حضـرت ابوالفضـل العبـاس علیه‌السلام خدمـت امـام عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مشـرف شـده از حضـرت سـؤال کـرد: بـه مـا خبـر رسـیده اسـت کـه هنگامـی کـه حضـرت رسـول‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بـه معـراج رفتـه بودنـد بـه خداونـد عـرض کردنـد: فرزنـدم مهـدی عمـرش دراز اسـت و غریـب خواهـد بـود. خداوندا! برای او مونسی قرار ده.

بعـد از ایـن مناجـات و درخواسـت حضـرت رسـول صلی‌الله‌علیه‌وآله خداونـد سـی نفـر مـلازم را در هـر زمانـی در خدمـت حضـرت ولی‌عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قـرار داد آیـا ایـن مطلـب صحیـح اسـت؟ امـام فرمودنـد: بلـه صحیـح اسـت.[۱]

۱۳
هم دلان شفیق

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«لابد لصاحب هذا الامر من عزلة ولابد فی عزلة من قوة و ما بثلاثین من وحشة و نعم المنزل طیبة».[۲]

صاحـب الزمـان را عزلـت و غیبتـی اسـت کـه در آن غیبـت نیرومنـد اسـت بـه سـی نفـری کـه بـا آن حضـرت هسـتند و وحشـت و تنهایـی را از وی دور می‌کننـد و خـوب جایگاهـی اسـت طیبـه (مدینـه).

۱۴
همراه و هم قدم و هم راز امام

حضـرت آیـت‌الله امامـی کاشـانی در مجلسـی ختمـی کـه در مسـجد اعظـم قـم از طـرف اسـاتید حـوزه علمیـه قـم برگـزار شـد در سـخنرانی خـود فرمودنـد:

۱. *ملاقات با امام عصرعج*، ص ۳۳۰.
۲. *کافی*، ج ۱، ص ۳۴۰.

یکـی از افـرادی کـه مـورد وثـوق اسـت و گاهـی اخبـاری را در دسترسـم قـرار می‌دهـد گفـت:

بـه منظـور شـرکت در تشـییع جنـازه حضـرت آیـت الله العظمـی گلپایگانـی رحمه الله از تهـران بـه قـم رفتـم و بـه مسـجد امـام حسـن مجتبـی علیه السلام[1] رسـیدم.

در آنجـا بـه دو نفـر از اصحـاب مهـدی عجل الله تعالی فرجه برخـورد کـردم آن‌هـا بـه مـن گفتنـد: امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه در مسـجد امام‌حسـن عسـگری علیه السلام[2] تشـریف دارنـد بـرو آقـا را ملاقـات کـن.

مـن بـا عجلـه خـود را بـه مسـجد امـام حسـن عسـگری علیه السلام رسـاندم و وارد مسـجد شـدم در آن هنـگام اذن ظهـر را گفتـه بودنـد متوجـه شـدم کـه حضـرت بـا سـی نفـر از اصحـاب مشـغول نمـاز هسـتند اقتـدا کـردم و بعـد از نمـاز، حضـرت فرمودنـد: مـا از همیـن جـا تشـییع می‌کنیـم و از مسـجد بـه همـراه امـام خـارج شـدیم و بـا جمعیـت بـا امـام رفتـه تـا بـه صحـن حـرم مطهـر حضـرت معصومه علیها السلام رسـیدیم.

۱۵
دیداری مخصوص

ابراهیم‌بن‌مهزیـار می‌گویـد: بـه مدینـه رفتـم و از اخبـار خانـدان امـام حسـن عسـگری پـرس و جـو کـردم چیـزی بدسـت نیـاوردم بـه مکـه رفتـم... در مکـه جوانـی بطـرف مـن آمـد و بـه مـن سـلام کـرد خـود را بـه مـن معرفـی کـرد بعـد مـرا بـه طـور پنهانـی بطـرف طائـف بـرد و از ریگسـتانی گذشـتیم چشـم مـا در بـالای تپـه بـر خیمـه‌ای موئیـن افتـاد، نـور از آن چادرهـا درخشـش می‌کـرد

---

۱. مسجد مذکور در نزدیکی ترمینال شهر مقدس قم می‌باشد این مسجد با برکت نیز توسط دستور و فرمان امام عصر عجل الله تعالی فرجه حدود ۴۰ سـال پیش سـاخته شده که در جای خود ماجرای بسیار زیبایی دارد که از ذکر آن صرف‌نظر می‌شود و مرحوم آیت اللّه العظمی گلپایگانی‌ره را از آنجا تا حرم حضرت معصومه علیها السلام تشییع کردند.

۲. مسجد امام عسگری در قم یکی از قدیمی‌ترین مساجد در ایران اسلامی می‌باشد. این مسجد مقدس به دستور امام عسـگری علیه السلام و توسط وکیل ایشان در قم قبل از مسـجد جمکران ساخته شده است این مسجد مساحت بیشـتری داشته و رضا شـاه به منظور تخریب آن خیابان ضلع شمالی مسجد را باز کرد و امام زاده فعلی در این خیابان، قبلاً جزء مسجد بوده است.

نزدیک چادرها شدیم نخست آن جوان داخل خیمه شد تا برای من اجازه ورود بگیرد و بعد بیرون آمد و من داخل شدم دیدم پوستی روی فرش افتاده و امام بالای آن نشسته و بر یک پشتی تکیه کرده است.

سلام کردم جواب سلام را شنیدم صورت او را مانند ماه دیدم دو بُرد یمانی پوشیده بود و قسمتی از یکی را بر روی دوش انداخته بود.

اندامش در لطافت مانند گل بابونه و رنگ مبارکش در سرخی همچون گل ارغوانی بود که قطرات شنبم عرق بر آن نشسته بود ولی چندان سرخ نبود و گرمای هوا ناراحتش کرده بود.

خم شدم دست و پای او را بوسیدم.

فرمود: ای اباسحاق! مرحبا بر تو، رحمت خدا بر تو باد. با آن نشانه‌ای که میان تو و پدرم بود چه کردی.[۱]

عرض کردم: همراهم می‌باشد فرمود: بیرون بیاور من دست بر جیب بردم آن را بیرون آوردم چون چشمش به آن افتاد، در دو چشمش اشک حلقه زد و نتوانست از ریزش آن‌ها جلوگیری کند...

آنگاه خطاب به انگشتر کرد و فرمود: به فدای دست بخشایشگری که در آن جلوه‌گر بودی...[۲]

۱۶

دلبسته یار خویشتن باش

در کتاب عبقری‌الحسان نقل شده شخصی به نام محمد امین عراقی که شخص عادل و راستگوست نقل کرد که مردی صالح در بصره دکان عطاری

۱. این علامت انگشتری بود که امام عسگری به ابن‌مهزیار مرحمت کرده بود و برنگین آن نوشته شده بود یا الله یا محمد یا علی.

۲. از این تشرف معلوم می‌شود که حضرت همیشه همراهانی مخصوص دارند آنگونه که در روایات به آن‌ها اشاره شده تعداد آن‌ها نیز سی نفر است و از این تشرف به محل زندگی امام و نوع زندگی امام نیز فی‌الجمله پی می‌بریم اما بعد جناب ابراهیم‌بن‌مهزیار اهوازی با جناب علی‌بن‌مهزیار اهوازی که فی‌الحال در خوزستان دارای گنبد و بارگاه است فرق دارد و بعضی داستان تشرف ابراهیم را به ایشان ربط داده‌اند در حالی که علی‌بن‌مهزیار قبل از تولد امام عصرعج از دنیا رحلت کرده‌اند و معاصر امام جواد‌علیه‌السلام بوده‌اند.

داشـت او می‌گویـد: روزی در دکان خـود نشسـته بـود کـه دو نفـر آمـده و از مـن سـدر و کافـور خواسـتند ولـی لبـاس و وضـع ظاهـری آن‌هـا بـا سـایر مـردم فـرق داشـت لـذا از شـهر و دیـار آن‌هـا پرسـیدم آن‌هـا از جـواب امتنـاع کردنـد مـن چنـد بـار پرسـیدم تـا آنکـه آن‌هـا را بـه حضـرت رسـول‌اکرم صلی الله علیه وآله قسـم دادم.

در اینجـا بـود کـه آن‌هـا گفتنـد: مـا از ملازمـان حضـرت بقیـة‌الله علیه السلام هسـتیم[1] و چـون شـخصی از مـا از دنیـا رحلـت نمـوده بـه امـر آن حضـرت مأمـور خریـد سـدر و کافـور از تـو شـدیم.

وقتـی ایـن مطلـب را شـنیدم بـه دامـان آن‌هـا چسـبیدم و بسـیار التمـاس کـردم کـه مـرا هـم بـا خـود ببرنـد آنـان گفتنـد: ایـن بسـتگی بـه اذن آن حضـرت دارد و چـون بـه مـا چنیـن اذنـی نـداده نمی‌توانیـم چنیـن کنیـم.

گفتـم: مـرا تـا آنجـا ببریـد سـپس از آن حضـرت اذن بگیریـد اگـر اذن فرمـود کـه هیـچ والا بـاز می‌گـردم آنـان امتنـاع نمودنـد ولـی چـون اصـرار بیـش از حـد مـرا دیدنـد اجـازه دادنـد تـا بـا آن‌هـا بـروم.

همـراه آن‌هـا رفتـم تـا بـه دریـا رسـیدم آن‌هـا بـه راحتـی بـه روی آب روانـه شـدند ولـی مـن ایسـتادم وقتـی بـه مـن توجـه نمودنـد گفتنـد نترس...بسـم‌الله بگـو حرکـت کـن و خـدا را بـه حـق حضـرت حجـت سـوگند ده تـا تـو را حفـظ کنـد بسـم‌الله گفتـم و بـا آن‌هـا بـر روی آب روان شـدم تـا اینکـه وسـط دریـا بـاران گرفـت در ایـن موقـع مـن یـاد صابونهـای خـود در بصـره افتـادم کـه آن‌هـا را بـرای خشـک شـدن در آفتـاب قـرار داده بـودم و پریشـان شـدم ناگهـان پاهایـم در آب فـرو رفـت و بوسـیله شـنا خـود را از غـرق شـدن حفـظ کـردم آن‌هـا متوجـه مـن شـدند دسـتم را گرفتـه نجاتـم دادنـد و گفتنـد: بـرای آن مطلـب کـه در خاطـرت گذشـت توبـه کـن. مـن توبـه کـردم و مجـددا خداونـد را بـه حـق امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف قسـم دادم و بـر روی آب حرکـت کـردم تـا بـه سـاحل رسـیدم در دامنـه بیابـان چـادری دیـدم کـه نـور آن فضـای بیابـان را روشـن کـرده بـود آنـان فرمودنـد: تمـام مقصـود تـو در ایـن سـراپرده می‌باشـد.

۱. این بزرگواران جزء ۳۰ نفر یاران امام هستند.

به نزدیکی چادر رسیده و ایستادیم یکی از آن‌ها برای شرفیاب شدن من به محضر مقدس امام و کسب اذن داخل چادر شد من سخنان او با امام را می‌شنیدم و شنیدم که آن حضرت فرمود: رُدّوه فانه رجل صابونی، او را برگردانید زیرا او دلبسته صابون‌های خویش است...[1]

۱۷

توفیق حضور در جمع خادمان امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف حاصل شد[2]

یکی از دوستان نقل می‌فرمود:

در نزدیکی مسجد جمکران در قم باغ اناری وجود داشت که صاحب آن مردی نورانی بود به نام آقای حسین مظلوم[3] اینجانب مطلع شده بودم که حاج آقای مظلوم با حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ارتباط دارد لذا به باغ ایشان رفت‌وآمد داشتم.

در این باغ همیشه شخصی داخل یکی از اتاق‌های این باغ زندگی می‌کرد به نام شیخ ابراهیم او همیشه روزه و مشغول کار خود بود و با مراجعین به باغ آقای مظلوم کاری نداشت او بر اثر ریاضت لاغر شده بود خیلی کم حرف و دارای قدی بلند بود[4] و حدود ۳۰ سال سن داشت پیشانی او بر اثر سجده‌های طولانی پینه بسته بود (چهره او هنوز نیز در خاطرم است).

شیخ ابراهیم در آنجا زندگی می‌کرد در اتاقش وسایل بسیار مختصری مثل پارچ آب و گلیمی... وجود داشت.

گاهی اوقات که خدمت آقای مظلوم می‌رفتم از پشت پنجره نیز سری به شیخ ابراهیم می‌زدم او را بیشتر اوقات مشغول عبادت می‌یافتم.

---

۱. *العبقری الحسان*، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲. عارف بزرگ مرحوم شیخ جعفر مجتهدی نیز بنا به نقل در کتاب *لاله‌ای از ملکوت* در یک جریانی که خود ایشان تعریف کرده بودند در جمع آن ۳۰ نفر یاران امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف یک بار حضور یافته بودند.

۳. در این کتاب مختصری از ارتباطات این مرد بزرگ که مکرر خدمت امام عصرعج مشرف شده بود مطالبی آورده شده است متاسفانه این مرد عزیز چند سالی است که به دیار باقی شتافته.

۴. زندگی شیخ ابراهیم در آن باغ مربوط به اوایل انقلاب اسلامی می‌باشد.

یـک روز وارد بـاغ[۱] شـدم دیـدم حـاج حسـین مظلـوم گریـه می‌کنـد و شـدیدا منقلـب شـد.

به او عرض کردم: چه شده؟ شما چرا اینقدر ناراحتید؟

فرمـود: شـیخ ابراهیـم رفـت پیـش حضـرت ولی‌عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف و جـزء آن سـی نفـر خـادم امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف شـد...

سـپس آقـای مظلـوم ادامـه داد: مـن می‌دانسـتم شـیخ ابراهیـم بـا ولی‌عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتبـاط دارد ولـی نمی‌دانسـتم اینقـدر ارتبـاط دارد کـه بتوانـد جـزء آن سـی نفـر درآیـد...

سـپس ادامـه فرمـود: روزی شـیخ ابراهیـم آمـد بـه مـن گفـت: آقـای مظلـوم امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودنـد بـه مـن پنـج تومـان (۵۰ ریـال) بـده.!

ایشـان فرمـود: مـن از شـیخ ابراهیـم پرسـیدم شـما امـام را کجـا دیـدی و در کجـا ایـن دسـتور را فرمودنـد؟

شـیخ ابراهیـم بـه مـن گفـت: مـن داشـتم می‌آمـدم اینجـا (بـه بـاغ شـما) نزدیـک نانوائـی بـاغ شـما صاحـب نانوائـی ۵ تومـان بـه مـن پـول بخشـید و مـن گذاشـتم جیبـم.

وقتـی از نانوائـی خـارج شـدم حضـرت صاحـب الامـر علیه السلام را دیـدم کـه فرمـود: شـیخ ابراهیـم چـرا از او پـول گرفتـی؟

برو سریعا پول او را پس بده.

مـن نیـز دسـتور آقـا را علیرغـم اسـتنکاف نانـوا[۲] اجـراء کـردم و چـون نانـوا حاضـر نبـود پـول را بگیـرد پـول را داخـل مغـازه او پـرت کـردم و آمـدم بیـرون سـپس امـام علیه السلام بـه مـن فرمـود: هـر وقـت پـول خواسـتی بـه مـن بگـو تـا بگویـم از حـاج حسـین مظلـوم بگیـری.

شیخ ابراهیم به امام عرض می‌کند: آقا جان من الان پول نیاز دارم.

---

۱. این باغ در مسیر جاده جمکران از طرف یزدانشهر در شهر مقدس قم می‌باشد.

۲. شیخ ابراهیم برای آقای مظلوم نقل کرده بود که یکبار رفتم پول را بدهم صاحب مغازه نگرفت برگشتم دوباره امام عصرعج را دیدم، حضرت فرمودند: مگر نگفتم برو پول او را پس بده به آقا عرض کردم: مولای من پول را نمی‌گیرد آقا فرمودند: برو پول را بینداز در مغازه‌اش و بیا.

حضرت می‌فرمایند: برو سلام مرا به حاج حسین برسان و بگو ۵ تومان به شما بدهد.

آقای مظلوم فرمود: بعد از نقل این ماجرا من ۵ تومان به شیخ ابراهیم دادم بعد خود شخصا رفتم سراغ نانوا دیدم بله درست است ۵ تومان به شیخ ابراهیم داده بود ولی او بعدا پس داده بود.

آقای مظلوم افزود: روزی شیخ ابراهیم به من گفت: حاج حسین من گُم می‌شوم و جای خوبی می‌روم...

(آقای مظلوم در حالی که گریه می‌کرد فرمود: او آخر به آرزویش رسید).

سپس ایشان افزود: روزی وارد باغ شدم دیدم شیخ ابراهیم همه چیز خود را جمع کرده و انگار چشم انتظار ورود من بود تا من وارد شدم گفت: از زحمات شما تشکر می‌کنم که راه را به من نشان دادی من دارم می‌روم و خواستم با شما خداحافظی کنم و بروم خدمت حضرت، اخیرا یکی از خدمتکاران امام از دنیا رفته و ایشان مرا انتخاب فرمودند.

من می‌روم و شما دیگر مرا نخواهید دید.

آقای مظلوم فرمود: بعد از تمام شدن کلام شیخ ابراهیم او در حالی که در مقابل من ایستاده بود دیدم دیگر نیست بعد رفتم سراغ اتاقش در باغم دیدم آن خورده اثاثیه او هم نیست...

دوست عزیزم نقل فرمود: بعدها (حدود ۲ سال بعد) از آقای مظلوم پرسیدم: از شیخ ابراهیم چه خبر دارید؟

آقای مظلوم فرمود: او را در خواب دیدم به او گفتم: شیخ ابراهیم آنجا که رفتی خوش می‌گذرد؟

شیخ ابراهیم در پاسخ به من گفت: آقای مظلوم می‌شود کسی خدمتکار مولایش باشد و جایش بد باشد...[۱]

۱. به ویژگی‌های فردی شیخ ابراهیم مندرج در این متن و جناب حاج حسین مظلوم دقت شود تا راه تقرب به مولایمان برایمان روشن شود چرا که راه آنطوری است که دیگران رفته‌اند.و با دقت در زندگی این افراد است که می‌توان راه صد ساله را یک شبه رفت.

۱۸
نمایندگان امام‌عصر علیه السلام در زمین

مرحـوم حضـرت آیـت‌الله حائـری یـزدی فرزنـد مؤسـس حـوزه علمیـه قـم می‌فرمایـد:

مسلـم اسـت کـه در ایـن عصـر، حضـرت خلیفه‌الله‌الاعظـم علیه السلام اعـوان و انصـاری دارنـد کـه در مواقـع مقتضـی، بـه مصالـح بنـدگان شایسـته، کـه صلاحیـت تکمیـل دارنـد، قیـام می‌فرماینـد.

داسـتان آقـای دکتـر شـیخ حسـن عاملـی، کـه از داسـتان‌های محکـم و قابـل اسـتناد اسـت، بـه عنـوان شـاهد موضـوع قیـد می‌گـردد، آقـای حـاج سـید عیسـی جزائـری، کـه فعـلاً در خرم‌آبـاد می‌باشـند و عالـم جلیـل، جنـاب آقـای حـاج شـیخ محمـد صدوقـی [شـهید محـراب و امـام جمعـه معـروف یـزد] نیـز سـال گذشـته، علی‌الظاهـر بـه همیـن نحـوی کـه می‌نـگارم ذکـر نمودنـد کـه دکتـر شـیخ گفـت: در جنـگ بین‌الملـل اول، کـه علی‌الظاهـر از ۱۹۱۴ الـی ۱۹۱۸ میـلادی طـول کشـیده اسـت، دولـت ایـران بی‌طـرف بـود و داخـل جنـگ نبـود، ولـی قشـونی در اختیـار مجلـس شـورای ملـی بـود کـه نـام آن ژاندارمـری بـود. ایـن قشـون بـه تیم‌هـای مختلـف تقسـیم شـده و در مرزهـای ایـران مشـغول محافظـت بودنـد. قشـونی حـدود ۲ هـزار نفـر در کوههـای رضاییـه [ارومیـه]، از تجـاوز روس‌هـا بـه ایـران جلوگیـری می‌کردنـد کـه رئیـس آن تیـپ، مـاژور فضـل الله خـان بـود و طبیـب و جـراح ایـن قشـون جنـاب آقـای دکتـر شـیخ حسـن عاملـی بـوده اسـت.

ایشـان شـبی در همـان کوه‌هـای اطـراف رضاییـه، مشـغول رسـیدگی بـه مجروحـان بوده‌انـد و ایـن کـه شـب را اختیـار کـرده بودنـد، بـرای ایـن بـود کـه روزهـا بیـم زد و خـورد و جنـگ بـود، ولـی در شـب هـر دو طـرف بـه واسـطه تاریکـی از جنـگ احتـراز داشـته‌اند. در همـان پیـچ و خـم دره‌هـا دکتـر جـراح می‌بیننـد، بـر دوش ۲ نفـر، مـردی زخمـی دراز کشـیده، بـدن زخمـی او را جلـوی دکتـر زمیـن می‌گذارنـد. خـود آن مـرد زخمـی شـده بـه آقـای دکتـر می‌گویـد:

تیری از طرف پشت، قسمت راست، وارد بدنم شده است. می‌خواهم این تیر را در آوری.

گفتم: این کار مشکلی است، در این شب وسایل بیشتر و مجهزتری می‌خواهد. گفت: مگر چاقو و سوزن و نخ نداری؟ گفتم: چرا، گفت: با چاقو پاره کن و پارگی را بخیه بزن. گفتم: طاقت تحمل درد نداری. گفت: دارم.

دکتر می‌گوید: گفتم می‌توانی روی سنگی که در آنجا بود و حکم صندلی را داشت بنشینی؟ گفت: آری. او را روی سنگ نشانیدند و پشت او طرف من بود، من با چاقو قسمتی از پشت او را باز کردم و تیر را در آوردم. دیدم ابدا ناله‌ای از او بلند نشد.

من تصور کردم که قلب او ایستاده و مرده است، به طرف صورتش خم شدم، دیدم در حال حیات است و اشتغال به ذکر الهی دارد و زمین جلو روی او دارای درخشندگی می‌باشد. خیلی به نظرم عجیب آمد. مشغول بقیه کار شدم و پشت او را بخیه زدم و او را در چادر مخصوص خوابانیدم.

روزها برای رسیدگی و پانسمان به چادرش می‌رفتم. فردای آن روز که رفتم، به او گفتم:

تعجب کردم از این که هیچ ناله‌ای نکردی. گفت: این طبیعی است، مگر نشنیده‌ای که مولی امیرالمؤمنین تیر را در حال نماز، از بدن مبارکش بیرون می‌آوردند و ابدا اظهار تألم نمی‌فرمود؟ سرّش این بود که توجه او به طور کامل متوجه حق بود و متوجه بدن خود نبود تا حس تألم نماید، و حس تألم متوقف بر توجه به بدن و محل درد است و به حمدالله این قدرت در من نیز می‌باشد.

دکتر گفت: این مرد کُرد بود در نظرم جلوه‌ای بزرگ نمود. تا آن که در همین ایام، دیده‌بان‌ها خبر دادند که قشونی از طرف روسیه رهسپار است و به طرف مرز ایران در حرکت می‌باشد، تعداد آن‌ها در حدود ۳۰ هزارنفر است. این خبر را فقط ماژور دریافت کرد و به من نیز گفت و تأکید کرد کسی از افراد مطلع نشود، زیرا ما به طور منقطع عقب نشینی می‌کنیم

بـدون ایـن کـه افـراد مطلع از جریـان حملـه شـوند. مـن هـم بـه کسـی نگفتـم جـز بـه همیـن مجـروح کـه بـرای اصـلاح جراحـت و پانسـمان نـزد او می‌رفتـم و چـون مـرد جلیلـی بـود بـه او گفتـم.

او پـس از شـنیدن، توجهـی کـرد و گفـت، آنـان (روس‌هـا) مراجعـت می‌کننـد یـا السـاعه مشـغول مراجعـت می‌باشـند، مـن جریـان را بـه مـاژور گفتـم، او گفـت کـه ایـن کُردهـا مردمـان دروغگویـی می‌باشـند و حرفشـان بی‌اسـاس اسـت. ولـی پـس از چنـد سـاعت، دیده‌بان‌هـا ـ کـه بـا دوربیـن مراقـب طـرف دشـمن بودنـد ـ خبـر دادنـد کـه آنـان مراجعـت کردنـد و بـه طـرف مملکـت خـود رهسـپار شـدند یـا اشـتغال بـه ایـن کار دارنـد.

دکتـر می‌گویـد: پـس از مشـاهده ایـن دو کار عجیـب از ایـن مـرد، بـه او گفتـم: شـما کـه می‌باشـید؟ گفـت: مـا چهـار نفـر هسـتیم کـه از اعـوان حضـرت خلیفـه‌الله امـام زمـان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هسـتیم و یـک نفـر مـا فعـلاً در پاریـس هسـت، (آقـای جزایـری نیـز نقـل کـرد کـه یکـی دیگـر از آن‌هـا در مراکـش اسـت) و مـن مأمـور ایـن حـدود می‌باشـم. گفتـم: شـما کـه چنیـن قدرتـی داریـد، پـس تصرفـی کـن کـه دولـت روس بـه کلـی مضمحـل شـود. گفـت: مـا تـا حـدودی کـه نگذاریـم کشـور شـیعه پایمـال اجنبیـان شـود دسـتور داریـم کـه اعمـال نفـوذ بکنیـم و بیـش از ایـن حـق نداریـم. گفتـم: آیـا شـما هـم می‌میریـد و آیـا آلات قتـل در بـدن شـما اثـر دارد؟ گفـت: بلـه، از ایـن لحـاظ کامـلاً مـا یـک موجـود عـادی هسـتیم. منتهـا، بـه محـض ایـن کـه مـا مردیـم، جانشـین شـخص متوفـی از طـرف امـام عصـر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف معیـن می‌شـود و کارهـا معطـل نمی‌مانـد. گفتـم: پـس مـن، اگـر گلولـه را از بـدن شـما بیـرون نمـی‌آوردم می‌مردیـد، بنابرایـن مـن حـق حیـات بـر شـما دارم، شـما بایـد در مقابـل حـق مذکـور پاداشـی بـه مـن بدهیـد.

فرمـود کـه، شـما بـه مشـهد مقـدس رضـوی علیه‌السلام می‌رویـد. و مـن در آنجـا شـما را خواهـم دیـد و حـق شـما را ادا می‌کنـم (انشـاءالله).

دکتـر می‌گویـد: پـس از مدتـی بـه مشـهد رفتـم و در دسـتگاه جان‌محمدخـان بـودم او بـا قشـون تهـران کـه اوایـل حکومـت رضاشـاه پهلـوی یـا هنـگام سـردار

سپهی او بود، در جنگ بود و من نیز جراح او بودم. شبی دنبال من فرستاد و گفت باید به فلان پاسگاه، که در چند کیلومتری شهر است، بروی و مجروحین را پانسمان کنی. شبی بارانی و سرد بود، درشکه‌ای هم برای من گرفتند و من تنها با اثاث جراحی که در کیف بود روانه شدم. در بیابان کسی نبود و هوا هم تاریک و سرد و بارانی بود، و باد سردی هم می‌آمد.

در این بین که درشکه در حال حرکت بود یک مرتبه مشاهده کردم که هوای لطیفی است و دو نفر نزدیک درشکه هستند یکی از آن‌ها همان مرد کُرد سابق الذکر بود. او با رفیقش صحبت می‌کرد و می‌گفت: ایشان آقای دکتر شیخ می‌باشند و حق حیات بر من دارند، وظیفه او این است که پس از رفتن به پاسگاه و انجام کار جراحی، شبانه به شهر مراجعت کند.

چون همین امشب قشون از تهران می‌رسد و پاسگاه را به توپ می‌بندد و باید جان محمدخان از کار برکنار شود، و او مغلوب و منکوب خواهد شد. رفیقش گفت: پس به او بگو (یعنی به دکتر بگو).

مرد کُرد گفت: او سخنان ما را می‌شنود. پس از این مذاکره وضع عوض شد و دیدم کسی در بیابان نیست و جزء باد و باران و سرما و صدای شلاق که درشکه‌چی به اسب‌ها می‌زند، چیزی مشهود و مسموع نیست. به درشکه‌چی گفتم کسی را ندیدی؟ او گفت: کدام دیوانه در این بیابان می‌آید؟! دکتر شیخ می‌گوید، من به گفته آن مرد کُرد عمل کردم و به پاسگاه نرفتم پس همان طور شد که او خبر داده بود. مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری، پس از نقل مطلب فوق نوشته‌اند: «داستان تمام شد و ممکن است در بعضی از خصوصیات این داستان که مضر به اصل مقصود نیست، زیاد و کمی شده باشد، ولی حدالامکان مراقبت شده است، ولی اصل داستان محکم و قابل استناد است **و هوالموفق**».[1]

۱. از یادداشتهای مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری.

۱۹
دعا کنید

و حاج حسین مظلوم برای یکی از دوستان نقل فرموده بودند.

شبی در باغ مشغول آبیاری بودم آن شب خیلی خسته بودم مقداری نشستم تا استراحت کنم بعد بروم آب جوی را هدایت کنم تا در باغ توزیع شود در همین حین خوابم رفت مقداری گذشت بیدار شدم. دیدم انتهای باغ کسی آمده است جلو رفتم دیدم وجود نازنین حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. به آقا عرض ادب کردم و سر خود را بر زانوی حضرت گذاشتم و گریستم به حضرت عرض کردم: مولای من خدا کند که ظهور فرمائید و تشریف بیاورید. امام فرمود: حاج حسین من نیز دلم می‌خواهد. دعا کن.

۲۰
صراط صعود

از یکی از اولیاء خدا به نام مرحوم حاج‌شیخ حسین فاضلی که او نیز در فرازی از بخش‌های این کتاب به احوالات و تشرفاتش اشاره شده پرسیدیم: آیا می‌توان جزء آن ۳۰ نفر خادم حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شد؟ فرمود: بلی. عرض کردم چگونه؟ فرمود: انسان گناه نکند و عمل انجام دهد. سپس فرمود: (در طی این مدت ۲۵ سال که جمکران رفته‌ام) ۱۰ بار حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با من به منزلمان آمدند و به من می‌فرمودند: این کار را بکن و این کار را نکن باید کار را برای خدا کرد. عرض کردم: چگونه می‌توان امام خود را دید؟

فرمود: گناه نکند و جمکران زیاد برود.

۲۱
سعادتی استثنایی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «طُوبی لِمَنْ لقیهُ»؛ یعنی: خوشا به حال کسی که او را (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ملاقات کند.[۱]

۲۲
نکته

پس معلوم می‌شودبا شرائطی خاص سعادت دیدار نصیب می‌شود چرا که رسول‌خدا صلی الله علیه و آله مژده آن را داده‌اند.

۲۳
ملازمان امام او را بدرقه کردند

ابن‌بابویه از احمدبن‌فارس ادیب نقل کرده که جد قبیله راشد از همدان که آن قبیله به سبب او شیعه شدند چنین گفت: در مراجعت از حج راه را گم کردم و جاده پیدا نبود با توکل به خدا روانه شدم اندکی که راه رفتم به صحرای سبز و خرم و پر گل و لاله‌ای رسیدم و قصری عالی در آن بستان دیدم. به جانب قصر رفتم دو خادم جلو در نشسته بودند سلام کردم آن‌ها گفتند: بنشین که خدا خیر عظیمی نصیب تو کرده است که به اینجا آورده شده‌ای.

یکی از خادم‌ها[۲] داخل شد و بعد از اندک زمانی بیرون آمد و گفت: برخیز داخل شو چون داخل شدم جوانی را دیدم که در میان خانه نشسته و شمشیری در نزدیکی سر او از سقف آویخته بود سلام کردم با نهایت ملاطفت جواب فرمود: و گفت می‌دانی من کیستم؟ گفتم: نه به خدا. فرمود: منم قائم‌آل‌محمد صلی الله علیه و آله آنکه در آخر الزمان با این شمشیر خروج می‌کند و زمین را پر از عدالت و راستی می‌کنم بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد...

۱. *کمال‌الدین*، ص ۲۶۸.
۲. این‌ها خادمان ۳۰ نفری در عصر غیبت کبری هستند.

فرمود: می‌خواهی نزد اهل خود برگردی؟ عرض کردم: بلی ای سید من می‌خواهم آن‌ها را بشارت دهم به این سعادت که نصیب من شده است.

آن حضرت اشاره به خادم کردند و کیسه زری به من دادند و خادم با من روانه شد کمی که راه آمدیم عمارت‌ها و مناره مسجد پیدا شد خادم گفت: این شهر را می‌شناسی؟ گفتم: نزدیک شهر ما شهری است که به آن اسدآباد (همدان) می‌گویند.

گفت: اینجا همانجا است این را گفت و ناپدید شد و من چون به همدان رسیدم خویشانم را جمع کردم و آن سعادتی را که نصیبم شده بود برای ایشان گفتم و ...[۱]

۲۴

همدم حاضر و دائمی

امام رضا علیه السلام فرمود: خضر از آب زندگانی نوشید و از این رو زنده است و تا روزی که در صور دمیده شود نمی‌میرد او نزد ما می‌آید و سلام می‌کند و ما صدایش را می‌شنویم اما خودش را نمی‌بینیم هر جا اسمش برده شود حاضر می‌شود بنابر این هر یک از شما نام او را برد به وی سلام دهد. او هر سال در موسم حج حاضر می‌شود و تمام مناسک را به جا می‌آورد و در عرصه می‌ایستد و برای دعای مؤمنان آمین می‌گوید زودا که خداوند او را انیس تنهایی قائم ما در زمان غیبتش قرار دهد و به وسیله او وی را از تنهایی به درآورد.[۲]

۱. *منتهی الامال* حاجشیخ عباس قمی، ۴۴۷/۲.
۲. *کمال الدین*، ص ۳۹۰.

بخش ٤

معرفی و صفات ۳۱۳ یار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام ظهور

۲۵
رمز و راز سیصد و سیزده و سابقه تاریخی آن

ـ ابجد اسم نرجس عدد ۳۱۳ است.

ـ امام صادق علیه السلام فرمود:

آن تعداد (از سپاه داود پیغمبر) یاران طالوت که آب ننوشیدند و کف آبی هم برداشتند ۳۱۳ نفر بودند هنگامی که (برای جنگ) بنی‌اسرائیل از رود گذشتند و چشمشان به سپاه جالوت افتاد کسانی که از نهر آب نوشیده بودند گفتند: امروز ما یارای مقابله و جنگ با جالوت و سپاه او را نداریم.

و کسانی که آب نیاشامیده بودند گفتند: پروردگارا به دل‌های ما شکیبایی فرو ریز و گام‌هایمان را استوار بدار...

در این هنگام داود علیه السلام جلو آمد تا آن که رو به روی جالوت ایستاد...[1] سپس او را کشت.

---

۱. *تفسیر قمی*، ج ۱، ص ۸۲.

«ان‌اللّه مبتلیکم بنهر» این آیه شریفه درباره امتحان یاران داود علیه السلام می‌باشد که از نهر آبی عبور کردند و قرار بود کسی از این نهر آبی ننوشد یا به اندازه کف دستی آب بردارد.

ـ پیامبر خداﷺ در پاسخ به سؤال ابوذر که از تعداد پیامبران پرسید فرمود: یکصدوبیست‌و چهارهزار پیامبر (ابوذر می‌گوید) عرض کردم: از آن‌ها چه تعداد مرسل بودند؟

پیامبر فرمود: خیلی زیاد، سیصد و سیزده نفر...[1]

ـ در روایتی دیگر پیامبراکرمﷺ فرمود: پیامبران یکصدو بیست و چهار هزارند و انبیای مرسل سیصد وسیزده نفر و آدم پیامبری بود که با او سخن گفته شد.[2]

ـ در جنگ بدر نیز مسلمانان ۳۱۳ نفر بودند بعدد یاران طالوت که به جنگ با جالوت رفتند و با او از نهر آب گذشتند.

ـ امام باقرؑ می‌فرماید: همانا قائم از راه کوه ذی طوی با ۳۱۳ مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر فرود می‌آید.

تا این که به حجرالاسود تکیه داده پرچم پیامبرﷺ را بر می‌افرازد.

علی‌بن‌حمزه گفت: این مطلب را در حضور امام کاظمؑ عرض کردم: امام فرمود: نوشته‌ای است گشوده.[3]

۲۶
یک شبه از راه می‌رسند

علیؑ سوگند یاد می‌کند و می‌فرماید: به خدا سوگند من آن‌ها را به نام خودشان و پدران و قبیله و لباس و سلاحشان می‌شناسم و محل منزل و مقام آن‌ها را می‌دانم آن‌ها از میان بستر و قبیله‌شان ربوده شده و در یک شبانه روز به مکه می‌رسند و این زمانی است که صدای جبرئیل شنیده شود در حالی که امر خدا در آن ظاهر خواهد شد و آن‌ها قُضات و فرمانروایان مردم می‌باشند...

بعد امیرالمؤمنین می‌فرماید: پدر و مادرم فدای گروهی که نامشان در آسمان شناخته شده است ولی در زمین گمنام هستند. آنان گروهی هستند

---

۱. *خصال*، ۵۲۴.
۲. *کنزالعمال*، ج ۳۲۲۷۶.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

که با صبر خود به خدا منت نمی‌گذارند و فدا کردن جان خود در راه حق را بزرگ نمی‌شمارند...اگر تصمیم بگیرند کوهها را از جای خود بکنند این کار را می‌کنند.

۲۷
یاران بدری

در روایتی از عامه آمده: که یاران مهدی تعدادشان به عدد اهل بدر بوده[۱] و بر آن‌ها شمشیرهاست و بر هر شمشیری کلمه‌ای نوشته شده که کلید هزار کلمه است.[۲]

۲۸
اصحاب امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در قرآن (۳۱۳ نفر)

ابوبصیر می‌گوید:

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «اینکه لوط علیه‌السلام به قومش گفت: «لو ان لی بکم قوة اواوی الی رکن شدید».[۳]

چیزی جز آرزوی داشتن نیروی حضرت قائم و تکیه به قدرت یاران آن حضرت نبود به هر مردی از یاران امام علیه‌السلام نیروی چهل مرد داده شده و دلشان از پاره‌های آهن محکمتر و قویتر است اگر از کوهها عبور کنند کوهها از هم می‌پاشند تا خداوند عزّوجّل راضی نشود شمشیرهایشان را غلاف نخواهند کرد.[۴]

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۱۵۷.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۸۶.
۳. هود / ۸۰ ـ ای کاش در برابر شما نیرویی داشتم یا به شخص قابل اعتماد و قدرتمندی پناه می‌بردم.
۴. *اثبات الهداة*، ج ۵۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۴۹.

۲۹
در آسمان حرکت می‌کنند

مفضل‌بن‌عمر می‌گوید: امام صادق فرمود: آیه «واینما تکونوا یات بکم‌اللّه جمیعا».[۱]

درباره آن عده از اصحاب امام قائم که غایب هستند نازل شده است که ناگاه شب هنگام از بسترهایشان غایب می‌شوند و صبح در مکه هستند بعضی از آن‌ها در میان ابر حرکت می‌کنند اسم آن‌ها، نام پدرشان و سیما و قیافه و نسبشان شناخته می‌شود.

مفضل می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم، ایمان کدام یک از آن‌ها قویتر است؟

فرمود: آنکه روز در میان ابر حرکت می‌کند.[۲]

۳۰
صحیفه‌ای نورانی

امام جواد از پدرانش و از رسول خدا نقل کرده و چنین فرموده است که با قائم (همراه قائم) صحیفه سر به مهریست که عدد اصحاب او با نام و نام شهر، طبیعت، سلاح، لباس و کنیه آن‌ها نوشته شده است.

۳۱
امت معدوده در قرآن کیانند؟

«اگر عذاب را تا امت معدوده از آن‌ها دور کنیم گویند چه چیز آن را باز می‌دارد».[۳]

حضرت علی درباره آیه فوق می‌فرمایند: مراد از امت معدوده یاران ۳۱۳ نفری قائم می‌باشد.[٤]

---

۱. بقره / ۱۴۸ ـ هر جا که باشید همه شما را گرد هم می‌آورد.
۲. *اثبات الهداة*، ج ۳، ص ۴۹۳، روایت ۲۴۶.
۳. هود / ۸.
۴. *تفسیرقمی*، ج ۱، ص ۳۲۳.

۳۲
شمشیر برگزیده

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: زمانی که قائم ما قیام کند شمشیرهایی از آسمان فرود می‌آید که خصوصیاتشان آن است که نام جنگجو و نام پدرش با قلم قدرت روی لبه آن‌ها نوشته شده است.[۵]

۳۳
تلفن همراه و موبایل

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:
چون قائم قیام کند در هر منطقه‌ای از مناطق زمین مردی را (به عنوان نماینده) می‌فرستد و می‌گوید دستور العمل تو در کف دست توست چنانچه امری برایت پیش آمد که آن را نفهمیدی و حکمش را نداشتی به کف دست خود نگاه کن و بر طبق آنچه در آن است عمل نما.[۶]

۳۴
ذکر یاران امام در قرآن کریم

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: یاران صاحب‌الامر برای او محفوظ هستند حتی اگر تمام مردم از بین بروند خداوند یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نزد او می‌آورد و خدای سبحان در شأن آن‌ها فرمود: «اگر به آن کفر بورزند ما گروهی را بر این امر می‌گماریم که به آن کفر نمی‌ورزند».

و نیز در حقشان فرمود: «به زودی خداوند گروهی را جایگزین آنان می‌کند که وی آن‌ها را دوست می‌دارد و آن‌ها نیز دوستدار وی هستند آنان نسبت به مؤمنان متواضع بوده و در مقابل کافران سرسخت‌اند.[۷]

۵. *روزگار رهایی*، ص ۴۳۰.
۶. *غیبت نعمانی*، ص ۳۱۹.(از این روایت می‌فهمیم که اولاً امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از تکنولوژی روز استفاده می‌نمایند و در ثانی متوجه می‌شویم که نزدیک عصر ظهور واقع شده‌ایم چرا که این روایت دلالت بر وجود تلفن همراه می‌نماید).
۷. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۷۰.

۳۵
آزمایش یاران

امام صادق (علیه السلام) فرمود: یاران موسی به جویباری گرفتار شده و مورد آزمایش قرار گرفتند و این قول خدای بزرگ است که فرمود: «ان اللّه مبتلیکم بنهر» البته یاران قائم نیز در معرض چنین آزمایشی قرار خواهند گرفت.[۱]

۳۶
اسم و مشخصات ۳۱۳ نفر

در کتاب «یاتی علی الناس زمان» آمده که ابوبصیر خدمت امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: آیا امیرالمؤمنین (علیه السلام) به منزلهای اصحاب قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و عدد آن‌ها علم دارد؟

حضرت فرمود: بلی...

عرض کرد: فدایت شوم آنچه را امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌داند امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) هم می‌داند و آنچه را آن بزرگواران می‌دانند علمش به شما رسیده.

آنگاه عرض کرد: پس شما هم به ما (اسامی و تعداد یاران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) را خبر دهید.[۲]

حضرت فرمود: روز جمعه بعدازنماز نزد من بیا.

ابوبصیر می‌گوید: روز جمعه نزد حضرت وارد شدم امام به مردی فرمود: برای او بنویس (بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم) این مطلبی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) املا فرمود برای علی امیرالمؤمنین (علیه السلام) و به او سپرد که در آن نام‌های اصحاب قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و عده دیگری که به آن حضرت ملحق می‌شوند از رختخوابشان و سیر می‌کنند به سوی مکه در یک شب...

(از ۳۱۳، نفر صرفا اسامی یاران ایرانی امام آورده می‌شود).

آمل: ۱ نفر.

ابهر: ۱ نفر.

اردبیل: ۱ نفر.

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۲. این اسامی در خطبه‌البیان امام علی (علیه السلام) و در کتاب *الزام‌الناصب* نیز آمده است.

اصفهان: ۴ نفر بنامهای موسی و علی و عبدالله و غلفان.

اهواز: ۲ نفر بنامهای عیسی‌بن‌تمام و جعفربن‌سعید که کور است و بینا می‌شود.

باب الابواب: ۱ نفر به نام جعفربن‌عبدالرحمان (باب الابواب شهریست در کنار دریای خزر).

بروجرد: ۱ نفر.

بردغه: ۱ نفر (سرزمینی است در انتهای آذربایجان و بعضی گفته‌اند خود آذربایجان است).

جابروان: ۳ نفر (شهریست در آذربایجان نزدیک تبریز).

جرجان: ۱۲ نفر احمدبن‌هارون ـ وزاره‌بن‌جعفر ـ حسین‌بن‌علی‌بن‌مطر ـ حمیدبن‌نافع ـ محمدبن‌خالد علاءبن‌حمیدبن‌جعفربن‌حمید ـ ابراهیم‌بن‌اسحاق ـ علی‌بن‌علقمه‌بن‌محمود ـ سلمان‌بن‌یعقوب ـ شعبه‌بن‌علی ـ موسی‌بن‌کردویه... (جرجان یعنی گرگان که بین طبرستان و خراسان است).

خراسان: ۲ نفر به نام تکیه و مسئون.

خونج: ۲ نفر به نام محروز و نوح (قریه‌ایست میان مراغه و زنجان).

خوی: ۱ نفر.

دامغان: ۱ نفر.

دورق: ۱ نفر بنام عبدالغفور (شهریست در خوزستان).

دینور: ۲ نفر بنام عبدالله و عبدالصمد (شهریست بین کرمانشاه و همدان).

ذهاب: ۱ نفر بنام حسین (شهریست بین کرمانشاه و قصرشیرین).

ری: ۷ نفر علی‌بن‌جعفر، عثمان‌بن‌علی، مسکان‌بن‌جبله، کردین‌بن‌شیبان، حمدان‌بن‌کر، سلیمان‌بن‌دیلمی‌و...

زوراء ۱۰ نفر (زوراء در اخبار وارده هم به بغداد و هم به تهران گفته شده است).

ساوه: ۱ نفر.

سبزوار: ۳ نفر.

سجستان: ۳ نفر خلیل‌بن‌نصر، ترک‌بن‌شبه، ابراهیم‌بن‌علی.

سرخس: ۲ نفر ناجیه و حفص.

سلماس: ۱ نفر هارون.

سوس: ۲ نفر شیبان و عبدالوهاب (سوس معرب شوش است که در خوزستان است).

شرخیس: ۲ نفر ناجیه و حفص (ممکن است همان سرخس باشد).

شیراز: ۴ نفر عبدالله و صالح و جعفر و ابراهیم.

صامغان: ۲ نفر (صامغان شهریست در حدود طبرستان، گرگان).

طالقان: ۲۴ نفر صالح، جعفر، یحیی، هود، فالح، داود، جمیل، فضیل، عیسی، جابر، خالد، علوان، عبدالله، ایوب، ملاعب، عمر، عبدالعزیز، لقمان، سعد، قبضه، مهاجر، عبدون، عبدالرحمن و علی.

طبرستان: ۴ نفر بهرام بن علی، عباس بن هاشم، عبدالله بن یحیی، حرشام بن کُردم.

طوس: ۴ نفر شهمردبن‌حمران، موسی‌بن‌مهدی، سلیمان‌بن‌طلیق ازواء، علی‌بن‌سندی صیرفی.

قاشان: ۱ نفر حصین (کاشان است).

قرمیس: ۱ نفر (در اطراف کرمانشاه است).

قزوین: ۸ نفر هارون، عبدالله، جعفر، صالح، عمر، لیث، علی و محمد.

قم: ۱۸ نفر (در روایتی دیگر قم ۱۰ نفر ذکر شده که تمامی اسم‌های آن‌ها طبق اسم‌های اهل‌بیت رسول‌خدا صلی الله علیه و آله است).

کرمان: ۱ نفر، عبدالله.

مداغه: ۱ نفر، صدقه (مراغه است).

نهاوند: ۱ نفر، عبدالرزاق.

نیسابور: ۱۸ نفر سمعان‌بن‌فاخر، ابراهیم‌بن‌یوسف، مالک‌بن‌حرب محمدبن‌حماد، جعفربن‌طرفان... (نیسابور همان نیشابور است).

وهان: ۱ نفر حسین (از نواحی اصفهان است به نام سمیرم).

همدان: ۳ نفر جعفر، اسحاق، موسی.

درباره اسامی و یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع زیادی به اسامی آن‌ها اشاره

شده که احتمال این که این اسامی به رمز و کنایه باشد بدیهی به نظر می‌رسد لذا در این فرصت به فهرست منابع و مأخذهایی که اسامی مذکور در آن‌ها آمده اشاره می‌شود.[1]

۳۷
یاران غیرایرانی امام عصر

بقیه یاران امام عصر از سایر بلاد و کشورها هستند که به اسامی بعضی از شهرهای آن اشاره می‌شود.

بصره، اسوان مصر، اسکندریه، فرانسه، قلزم ازطرف شام، انباردر عراق، باروذ در فلسطین، باغه در اندلس، بحرین، برقه در افریقا، بعلبک در لبنان، بغداد، بلقاء در اردن، بیت‌المقدس، بوسبخ در افغانستان، بلخ، تفلیس، حبشه، حلب، دکار، زمله در فلسطین، ربذه در عربستان، رهاط در نزدیکی مکه، زبید در یمن، سامراء، سمرقند، جزیره سیلان، صورو صیدا، صنعا در یمن، عدن، طرابلس، غزه، عمان، عسقلان در فلسطین، عقر در نزدیکی کربلا، غور، قادسیه، کوفه، قیروان، قوص در مصر، کرخ در بغداد و مدائن، مدینه، لنجویه در افریقا، نجف، موصل، یمامه، یافا در فلسطین، هجر در بحرین، هرات، و ...

۳۸
ویژگی یاران امام عصر در روایات

اصبغ‌بن‌نباته می‌گوید: امیرالمؤمنین خطبه‌ای خواند و از خروج مهدی و یاران او نام برد ابوخالد حلبی عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! اوصاف مهدی را برای ما بیان فرما؟

آن حضرت فرمود:

مهدی از نظر خلقت و اخلاق و نیکویی شبیه‌ترین مردم به رسول خداست.

---

۱. *ملاحم سیدبن‌طاووس*، ص ۱۴۷ و ۲۰۳ و ۱۴۶ و ۲۰۲ و ۱۴۶.
دلائل الامامه، ص ۳۱۷ و ۳۱۶ و ۳۱۸ و ۳۱۴ و ۳۱۵.
الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰۱ و ۲۰۳ و ۲۰۲.
نوائب الدهور، ج ۲، ص ۱۲۰ و ۱۱۶.

آیا می‌خواهید شما را از یاران او و نام‌های ایشان آگاه نمایم.

عرض کردند: آری یا امیرالمؤمنین.

حضرت فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: اول آن‌ها از بصره و آخر آن‌ها از یمامه خواهد بود.

و آنگاه آن حضرت عدد اصحاب قائم عجل الله تعالی فرجه را برشمرد و مردم هم می‌نوشتند تا این که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها را برای من شماره فرمود تا اینکه مطابق عدد اصحاب بدر ۳۱۳ نفر شدند سپس فرمود: خداوند آن‌ها را از مشرق و مغرب زمین به یک چشم بهم‌زدن نزد خانه کعبه جمع می‌کند...

بعد ناگهان آن مردی که خُلقا و خَلقا و جمالاً شبیه‌ترین مردم به رسول‌خدا صلی الله علیه و آله است از پشت پرده کعبه بیرون می‌آید و نزد آن‌ها می‌رود و آن‌ها می‌گویند آیا تو مهدی موعود هستی؟ و او می‌گوید: آری من همان مهدی موعود هستم، آنگاه آن حضرت به آن‌ها می‌فرماید:

درباره ۴۰ خصلت با من بیعت کنید و راجع به ده خصلت با من شرط نمایید.

احنف پرسید: مولای من آن خصلتها کدامند؟ علی علیه السلام فرمود: آن‌ها با آن حضرت بیعت می‌کنند که دزدی نکنند، زنا نکنند، کسی را به ناحق نکشند، هتک حرمت محترمی را ننمایند، به مسلمانی فحش ندهند، و به منزل کسی هجوم نبرند..

و کسی را به غیر حق نزنند، خود را به وسیله (طلا) زینت نکنند، لباس (خَزْ) نپوشند، لباس (حریر) در برنکنند، نعلین‌های (صراره) نپوشند، مسجدی را خراب نکنند، راه را بر کسی نبندند، در حق یتیمی ظلم روا ندارند راهی را خوفناک نسازند، مکر و حیله ننمایند، مال یتیم را نخورند، هم جنس بازی نکنند، شراب نخورند، به امانت خیانت نکنند، خلف وعده ننمایند، گندم و جو را احتکار نکنند، کسی را که به آن‌ها پناه می‌برند به قتل نرسانند، شکست خورده در جنگ را تعقیب ننمایند، خونی را (به ناحق) نریزند، به کشتن شخصی که در جنگ مجروح شده اقدام ننمایند، لباس زبر و خشن بپوشند، خاک را متکای خود قرار دهند، نان جو بخورند، به چیز کم راضی

باشند، برای خدا آنطور که شایسته است جهاد نمایند، بوی خوش ببویند و از نجاست دوری کنند...

سپس آن حضرت هم با آن‌ها شرط می‌کند که معاشرو ملازمی برای خود انتخاب نکنند هر وقت آن‌ها راه بروند و هر جا که آن‌ها بخواهند او هم با آن‌ها برود به چیز کم قانع باشد زمین را به یاری خدا پر از عدل و داد نماید آنطور که پراز ظلم و جور شده باشد خدا را آنگونه که شاید و باید عبادت کند....

آنگاه با لشکریان و سپاهیان خود حرکت می‌کند تا اینکه (وادی فتنه‌ها) را پشت سر می‌گذارد.[1]

۳۹

گنج‌های پنهان

علی می‌فرماید: «بخ بخ للطالقان فان للّه تعالی کنوز لیست من ذهب ولافضة و لکن بها رجال مومنون عرفو اللّه حق معرفته و هم ایضا انصار المهدی فی آخرالزمان».

خوشا به حال طالقان که خدای بزرگ در آن گنجهای نهفته دارد برتر از طلا و نقره آن گنجها مردانی مؤمنند که خدای را به شایستگی شناخته‌اند آنان یاران مهدی در آخرالزمان هستند.[2]

۴۰

مانند ابرهای پائیزی می‌آیند

امام باقر می‌فرماید: سوگند به خدا سیصدو اندی مرد می‌آیند که در میانشان ۵۰ نفر زن هستند در مکه اجتماع می‌کنند بی‌آنکه قبلاً وعده داده باشند آمدنشان مانند ابرهای پاییزی است.[3]

و در روایتی دیگر امام صادق می‌فرمایند: که با حضرت قائم سیزده زن همراه است.

۱. *الملاحم و الفتن*، ص ۱۴۵ تا ۱۵۰.
۲. *ینابیع المودة*، ۴۴۹. در ایران دو منطقه بنام طالقان وجود دارد یکی در نزدیکی تهران و دیگری در استان خراسان می‌باشد شاید طالقان در استان خراسان با توجه به خروج خراسانی مورد خطاب روایت باشد.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۴۱
جوانمردان بی‌مثال

امـــام علـــی علیه السلام: «اصحاب المهدی شباب لاکهول فیهم الامثل کحل العین و الملح فی الزّاد و اقل الزاد الملح». یـاران مهـدی جوان‌انـد و پیـر در میـان آنـان نیسـت مگـر بـه انـدازه سـرمه در چشـم و نمـک در توشـه (غـذا) و کمتریـن چیـزی کـه در توشـه اسـت نمـک اسـت.[۱]

۴۲
وزیران ایرانی

در روایـت آمـده: کـه وزیـران حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همـه عجـم هسـتند و در میـان آن‌هـا حتـی یـک نفـر هـم عـرب نیسـت ولـی آن‌هـا بـه عربـی سـخن می‌گوینـد و آن‌هـا خالص‌تریـن و برتریـن وزیـران هسـتند.[۲] ۱۱۳ نفـر از یـاران امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایرانی هســتند.

۴۳
۹۲ ماه حکومت قبل از ظهور

فرمانـده کل لشـکر امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف یکـی از سـادات اهـل خراسـان اسـت کـه بـا رمـز و نـام شـعیب‌بن‌صالح در روایـت بـه آن اشـاره شـده او بـا سـپاهیانش سـفیانی را شکسـت می‌دهـد و پـس از آنکـه نـود و دومـاه حکومـت می‌کنـد در بیت‌المقـدس بـه حضـور امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌رسـد و بـه همـراه یارانـش بـا امـام بیعـت می‌کنـد.[۳]

---

۱. *غیبت طوسی*، ص ۴۷۶.
در اینجا حضرت تعداد پیرمردان یاران امام به کمی سـرمه‌ای که در چشـم می‌کشند و مقدار نمک کمی که در غذا استفاده می‌شود تشبیه فرموده‌اند.
۲. *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۱۳۳.
۳. *الملاحم و الفتن*، ج ۱، ص ۳.در بعضی از روایات حکومت او ۷۲ ماه نیز آمده است.

Presented by: jafrililibrary.com

۴۴
مایه فخر زمین

جابربن‌یزید از امام باقر ﷺ نقل می‌کند که درباره اصحاب امام مهدی ﷺ فرمود: گویی می‌بینم که یاران امام عصر ﷺ را که جهان را محاصره کرده‌اند و همه موجودات مطیع و فرمانبردار آن‌ها هستند حتی درندگان صحرا و پرندگان درنده و موجودات مختلف عالم فقط خشنودی آن‌ها را می‌خواهند حتی بعضی از نقاط زمین مباهات می‌کند بر بعضی دیگر و می‌گوید: امروز یکی از یاران قائم ﷺ بر روی من عبور کرد.[1]

۴۵
شکست هفت پرچم در مصادف با لشکریان امام

امام علی ﷺ می‌فرماید: او با تعداد دوازده هزار تن حداقل و پانزده هزار تن حداکثر خروج می‌کند ترس و وحشت پیشاپیش او (بدل دشمنان) راه می‌یابد هر دشمنی که با وی برخورد کند به فرمان خدا، او را از پای درآورد شعار آنان بمیران بمیران می‌باشد و در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت‌گری باک و هراس ندارند.

در این وقت هفت لشکر از شام به سوی آن‌ها هجوم آورند که امام ﷺ جملگی آن‌ها را شکست داده و آن‌ها را به اسارت خویش درآورد و محبت و نعمت و قاصّه و بزاره آن‌ها به مسلمانان باز گردد و پس از آنان جز خروج دجال حادثه‌ای باقی نمی‌ماند.

پرسیدند: قاصه و بزاره چیست؟ فرمود: امام زمان حکومت را به دست می‌گیرد به گونه‌ای که کسی هرچه خواهد بگوید و از چیزی نهراسد.[2]

---

۱. *الامامة و التبصرة*، ص ۱۳۱.
۲. *ابن‌حماد*، نسخه خطی، ص ۹۶.

۴۶
فصل تابستان فصل ظهور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

قال ابوعبداللّه علیه‌السلام: «بَینا شَبابُ الشّیعَةِ عَلی ظُهُورِ سُطُوحِهِم نِیامٌ اذ تَوافَوا الی صاحِبِهِم فی لَیلَة واحِدَة عَلی غَیرِ میعاد فَیُصبِحُونَ بِمَکّةَ».[1]

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

جوانان شیعه بر پشت بام‌ها خوابند که ناگهان یک شب بدون وعده قبلی به سوی امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف حرکت می‌کنند و صبح خود را در مکه برگرد آن حضرت می‌یابند.[2]

۴۷
کلمه‌ای جامع

آیت‌الله طهرانی از علاّمه طباطبائی سؤال می‌کند:

راجع به حضرت قائم آل محمد حضرت حجّةبن‌الحسن العسگری ارواحنافداه ـ و کیفیّت ظهورش ـ از مرحوم قاضی ـ رحمةالله‌علیه ـ چیزی به خاطر دارید؟

علامه فرمودند: در روایت است که چون حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ظهور کنند اول دعوت خود را از مکه آغاز می‌کنند.

بدین طریق که بین «رکن» و «مقام» پشت به کعبه نموده و اعلان می‌فرمایند و از خواص آن حضرت سیصدو شصت نفر در حضور آن حضرت مجتمع می‌گردند.

مرحوم استاد ما قاضی ـ رحمةالله‌علیه ـ می‌فرمود که:

در این حال حضرت به آن‌ها مطلبی می‌گویند که همه آن‌ها در اقطار عالم متفرّق و منتشر می‌گردند و چون همه آن‌ها دارای طی الارض هستند تمام عالم را تفحّص می‌کنند و می‌فهمند که غیر از آن حضرت کسی دارای

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، حدیث ۱۵۹، ص ۳۷۰، به نقل از غیبت نُعمانی.

۲. بیشتر ایرانیان در فصل تابستان در پشت بامها می‌خوابند از این روایت نیز می‌فهمیم که ظهور امام در بین فصلها در فصل تابستان است. و دلالت دوم آن این که اکثر یاران امام ایرانی هستند از این روایت هم می‌توان آن را فهمید.

مقام ولایت مطلقه الهّیه و مأمور به ظهور و قیام و حاوی همه گنجینه‌های اسرار الهی و صاحب‌الامر نیست.

در این حال همه به مکه مراجعت می‌کنند و تسلیم آن حضرت می‌شوند و بیعت می‌نمایند.

مرحوم قاضی ـ رضوان‌الله علیه ـ می‌فرمود: من می‌دانم آن کلمه‌ای را که حضرت به آن‌ها می‌فرماید و همه از دور آن حضرت متفّرق می‌شوند چیست؟

و من در روایت دیده‌ام که حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: من آن کلمه را می‌دانم.[1]

۴۸
حضور یاران امام در مکه

در روایت است که: خداوند در یک شب آن‌ها (۳۱۳ نفر) را در مکه جمع می‌کند و آن شب جمعه است آن شب را در مسجدالحرام به سر می‌برند حتی یک نفرشان تخلف نمی‌کند بعد در مکه به جستجوی منزل می‌پردازند تا در آن سکونت نمایند اهل مکه آن‌ها را نمی‌شناسند زیرا می‌دانند قافله‌ای از شهرها برای حج و عمره و یا تجارت وارد نشده است اهل مکه به هم می‌گویند امروز گروهی غریب و ناشناس دیدیم که پیش از این هرگز آن‌ها نبودند و آنان اهل یک شهر نیستند...

در همین هنگام مردی از بنی‌مخزوم پابه گردن مردم گذاشته[2] پیش می‌آید و می‌گوید:

دیشب خواب شگفت‌آوری دیدم که می‌ترسم و قلبم وحشت زده است، به او می‌گویند با ما حرکت کن تا نزد فلان ثقفی برویم (برای تعبیر خواب).

مخزومی می‌گوید: ابری دیدم که از طرف آسمان به طرف زمین می‌آید تا آنکه به طرف مکه سرازیر شد و آن شهر را دور زد و در میان آن ملخی

---

۱. *مهرتابان*، ص ۳۳۱ـ۳۳۲.

۲. یعنی از بین صفوف مردمی که نشسته‌اند عبور می‌کنند.

بـود دارای بالهـای سـبز رنـگ آنقـدر کـه خـدا بخواهـد کعبـه را طـواف کـرد بعـد بـه پـرواز درآمـده بـه راسـت و چـپ پـرواز کـرد و بـه هـر شـهری کـه گـذر کـرد آن را سـوزانید...

ثقفـی خـواب را چنیـن تعبیـر می‌کنـد: لشـکری از لشـکرهای خـدا در شـب گذشـته بـه سـوی شـما آمـد کـه شـما در مقابـل آن نیـروی مقاومـت نداریـد...

۴۹
تعهد و میثاق یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره ۴۰ نکته

در روایـت اسـت کـه حضـرت ولی‌عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف قبـل از اینکـه ظهـور نماینـد از کلیـه اصحـاب خـود ۴۰ مـورد را تعهـد می‌گیـرد و از آن‌هـا می‌خواهـد کـه ایـن ۴۰ مـورد را رعایــت نماینــد آن‌هــا عبارتنــد از: «یبایعون علی ان لایسرقوا ولایزنوا ولایسبوا مسلما، ولایقتلوا محرما،ولایهتکواحریما محرما، ولایهجموا منزلا، ولایضربوا احدا الابالحق، ولایکنزوا ذهبا ولافضة ولابرا، ولاشعیرا ولایاکلوا مال الیتیم، ولایشهدوا بمالا یعلمون، ولایخربوا مسجدا، ولایشربوا مسکرا،ولایلبسواالخزولاالحریر،ولایتمنطقوابالذهب،ولایقطعواطریقا،ولایخیفواسبیلا،ولایفسقوا بغلام، ولایحبسوا طعاما من بر ولاشعیر، ویرضون بالقلیل...، ویکرهون النجاسة، ویامرون بالمعروف وینهون عن‌المنکر، و یلبسون الخشن من الثیاب، ویتوسّدون التراب علی الخدود، ویجاهدون فی‌اللّه حق جهاده...ویشترط علی نفسه لهم: ان یمشی حیث یمشون و یلبس کما یلبسون، و یرکب کما یرکبون، و یکون من حیث یریدون، و یرضی بالقلیل، ویملا الارض بعون اللّه عدلا کما ملئت جورا، یعبداللّه حق عبادته، ولایاخذ حاجبا ولابّوابا».

امیرالمؤمنیـن علیه السلام در ایـن حدیـث می‌فرمایـد: پیـروان آن حضـرت بـا او بیعـت می‌کننـد کـه دزدی نکننـد، زنانکننـد، مسـلمانی را اسـیر نکننـد، احـرام پوشـی را نکشـند، حریمـی را کـه خداونـد حرمتـش واجـب دانسـته هتـک ننماینـد، بـر منزلـی یـورش نبرنـد، کسـی را جـز بـه حـق نزننـد، طـلا و نقـره‌ای را نیندوزنـد، گنـدم و جـوی را احتـکار نکننـد، امـوال یتیمـان را نخورنـد، بـه آنچـه نمی‌داننـد، شـهادت ندهنـد، مسـجدی را ویـران نسـازند، مایـع مسُـکری نیاشـامند، لبـاس دیبـا و حریـری را نپوشـند، لبـاس زرّیـن در برنکننـد، راه را بـر مـردم نبندنـد، راهـی را ترسـناک نسـازند، لـواط نکننـد، غذایـی را کـه از گنـدم و جـو درسـت شـده، احتـکار ننماینـد، بـا اندکـی بسـازند، از نجاسـت و پلیـدی دوری جوینـد، بـه معـروف امـر کننـد و از

منکر باز دارند، لباسهای خشن دربر کنند، خاک را بالش و تکیه‌گاه خود قرار دهند، و در راه خدا، به حق و حقیقت، جهاد و پیکار نمایند. و آن حضرت نیز به آن‌ها قول بدهد که: راه برود همانگونه که آن‌ها می‌روند، و بپوشد همان که آن‌ها بپوشند، و سوار شود همانطور که آنان سوار شوند، و با آن‌ها باشد هر گونه که بخواهند، و با اندکی، راضی و قانع باشد و با یاری و عنایت پروردگار، زمین را پر از عدل‌وداد کند، پس از آنکه پر از ظلم‌وستم شده باشد، و خدا را به بهترین وجه، عبادت و پرستش کند و برای خود، دربان و حاجبی قرار ندهد (که مردم مستقیما و با آرامش تمام، با خود آن حضرت تماس داشته باشند و دستور را از حضرتش، بدون واسطه بگیرند).

۵۰
دل‌های موحد و پر یقین

امام صادق می‌فرماید: «رجال كان قلوبهم زبر الحديد لايشوبها شك فى ذات‌اللّه اشد من الحجر لوحملوا على الجبال لازالوها».

یاران مهدی مردانی هستند پولاد دل و همه وجودشان یقین به خدا، مردان سخت‌تر از صخره‌ها اگر به کوهها روی آورند آن‌ها را از جای برکنند.[1]

۵۱
گروه مشمول رحمت خدا

امام صادق می‌فرماید: هرکس که دوست می‌دارد از اصحاب حضرت قائم باشد می‌بایست منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید و در حالی که منتظر باشد چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم به پاخیزد پاداش او همچون کسی است که آن حضرت را درک کرده است پس کوشش کنید و در انتظار بمانید گوارا باد بر شما ای گروه مشمول رحمت خدا.[2]

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲.
۲. *مکیال المکارم*، ج ۲، ص ۴۳۷.

Presented by: jafrilibrary.com

۵۲
تابع مشیت الهی

سیدبن‌طاووس می‌فرماید: به یکی از برادران گفتم اصحاب مهدی کسانی هستند که آن بزرگوار را برای آنچه خدا می‌خواهد خواسته‌اند خواه به دنیای آنان سودمند باشد یا زیان بخش، در هر حال تابع مشیت الهی هستند.[۱]

۵۳
عاشق عبادت خداوند

از ویژگی‌های مهم یاران امام عصر آنست که عاشق عبادت خدای متعال هستند چنانچه در روایت آمده که امام باقر فرمود: «حتی اذا صعد النجف قال لاصحابه تعبدوا لیلتکم فیبیتون بین راکع و ساجد یتضرّعون الی اللّه».

یعنی: چون بر فراز نجف برآید امام مهدی به یاران خود خطاب کند که امشب را به عبادت به روز آورید آن‌ها برخی در رکوع و برخی در سجده شب را به سحر می‌رسانند و به درگاه خدا تضّرع می‌کنند.[۲]

و در روایتی دیگر می‌فرماید: «گویا قائم و یارانش را در نجف‌اشرف می‌نگرم توشه‌هایشان به پایان رسیده و لباس‌هایشان مندرس گشته است جای سجده بر پیشانیشان نمایان است شیران روزند و راهبان شب».[۳]

و در روایتی دیگر آمده که از حیث غذا نیز کم غذا هستند و توشه غذایی آن‌ها اندک می‌باشد.

۵۴
۲۷ یار رشید

امام صادق فرمودند: برای (یاری) حضرت قائم از پشت کعبه ۲۷ مرد بیرون می‌آیند، که از آن‌ها پانزده تن از قوم موسی هستند که به حق هدایت می‌کرده و به آن باز می‌گردند. و هفت نفر از اصحاب کهف و

۱. *کشف المحجه*، ص ۲۲۸.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۳۴۶.

یوشع‌بن‌نون وصی موسی و سلمان فارسی و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر نخعی.[۱]

۵۵

مالک‌اشتر سرباز ولایت در عصر ظهور امام زمان

برخی از اوصاف مالک اشتر که علی دربارهٔ او بیان فرموده است را در ذیل می‌آوریم. مالک با این اوصاف والاست که در موقع ظهور حضرت ولی‌عصر لیاقت رجعت را پیدا می‌کند و در رکاب حضرت ولی‌عصر نیز می‌جنگد.

۱. در روزهای ترسناک و ایام خطر به خواب نمی‌رود و هوشیار است.
۲. از دشمنان به هنگام بیم و هراس نمی‌ترسد و فرار نمی‌کند.
۳. او شمشیری از شمشیرهای خداست که تیزی و برندگی آن کند نمی‌شود.
۴. بر بدکاران و ستم پیشگان از آتش سخت‌تر است.
۵. قدرت مهار کردن دشمن را به طور کامل دارد.[۲]
۶. از کسانی نیست که بیم و سستی و لغزیدن از او باشد.
۷. از کسانی نیست که در جایی که باید شتاب و سرعت داشته باشد کُندی کند یا در جایی که باید کندی و تأمل کند سرعت به خرج دهد.[۳]
۸. مالک از برای من چنان بود که من برای رسول خدا بودم[۴] لقد کان لی مثل ما کنت لرسول اللّه.

ابن‌ابی‌الحدید از شرح نهج‌البلاغه خود می‌نویسد: زنده باد مادری که همچون اشتر فرزندی بزاد اگر کسی سوگند یاد کند که در تمامی عرب و عجم خداوند مردی به دلاوری اشتر جز استادش علی‌بن‌ابیطالب نیافریده است گمان ندارم که در سوگندش گنه کار باشد چه نیکو گفته است آن

---

۱. *تفسیر شریف لاهیجی*، ص ۱۱۱، ج ۲.
۲. بندهای ۱ تا ۵ از نامه ۳۸.
۳. قسمتی از نامه ۳۴.
۴. *منتهی الامال*، ص ۲۵۸.

کس که گفت چه گویم درباره کسی که زندگیش اهل شام را منهزم[۱] ساخت و مرگش اهل عراق را در هم شکست.

علی علیه السلام می‌فرماید: با این که خود را متعهد کرده بودم که پس از مصیبت رسول‌خدا صلی الله علیه و آله در برابر هر مصیبتی شکیبا باشم اما این از بزرگترین مصیبت‌هاست.[۲]

۵۶
دوستان با صفا

امام حسن عسگری علیه السلام در آخرین روزهای عمر خود از یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد می‌فرماید و خطاب به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: روزی را می‌بینم که پرچم‌های زرد و سفید در کنار کعبه به اهتزاز درآمده دست‌ها برای بیعت تو پی‌درپی صف کشیده‌اند دوستان با صفا، کارها را چنان به نظم و ترتیب درآورده‌اند که همچون دانه‌های دّر گرانبها که در رشته‌ای قرار گیرند شمع وجودت را احاطه کرده‌اند و دست‌هایشان برای بیعت با تو در کنار حجرالاسود به هم می‌خورد.

مردمی به آستانه‌ات گرد آیند که خداوند آنان را از سرشتی پاک و ریشه‌ای پاکیزه و گرانبها آفریده است دل‌هایشان از آلودگی نفاق و پلیدی شقاق پاکیزه است به فرمان‌های دینی فروتنند و دل‌های آن‌ها از کینه و دشمنی پیراسته رخسارشان برای پذیرش حق آماده است و سیمایشان با نور فضل و کمال آراسته است آئین حق را می‌پرستند و از اهل حق پیروی می‌کند.[۳]

۵۷
چراغ‌های پر نور در زمین

امام صادق علیه السلام در توصیف یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید:

«رجال کان قلوبهم زبرالحدید لایشوبها شك فی ذات اللّه...».

---

۱. یعنی: فراری داد، نابود کرد.
۲. *نهج البلاغه* حکمت ۴۴۳ صبحی صالح.
۳. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۳۵.

مردانی که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است غبار تردید در ذات مقدس خدا خاطرشان را نمی‌آلاید... همانند چراغهای فروزانند گویا دل‌هایشان نور باران است، از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند برای شهادت دعا می‌کنند و آرزومند کشته شدن در راه خدایند.[1]

۵۸
عاشق شهادتند

امام صادق علیه السلام به فضیل‌بن‌یسار راجع به ویژگی یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

«...رهبان بالليل و ليوث بالنهار هم اطوع له من الامة لسيدها كالمصابيح كان قلوبهم القناديل...».

آن‌ها پارسایان شب و شیران روزند و در اطاعت از امام خود بیش از کنیزی که نسبت به آقای خود فرمانبردار است پافشاری دارند آن‌ها مانند چراغهای درخشنده‌اند دلهای آن‌ها هم چون قندیلهای روشن و تابنده است از خوف و خشیت خداوند واهمه دارند دعا می‌کنند که خداوند شهادت را نصیبشان گرداند و آرزو می‌کنند که در راه خدا کشته شوند شعارشان یا لثارات الحسین است...[2]

۵۹
نکته

در این بخش به تعداد زیادی از صفات و اخلاقیات یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شد شایسته است مؤمنین وارسی کرده ببینند کدامیک از این اوصاف را ندارند تا نسبت به تحصیل و تدارک آن به یاری خدا اقدام نمایند تا موضوع به صرف خواندن خاتمه نیابد بلکه عمل کردن نیز در آن لحاظ گردد.

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۲. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

بخش ۵

توسل صراط صعود

درآمد

بخش پایانی به توسل اختصاص یافته تا با این روش به نهایت آرزویمان یعنی سربازی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نایل شویم همیشه ابلیس در گوش ما وسوسه می‌کند که ما کجا و یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شدن کجا؟

ولیکن باید توجه کرد که حربن‌ریاح در کربلا با توبه و توسل توانست به صحابی امام حسین علیه السلام ملحق شود پس با توسل و دعا می‌توان همه سنگلاخ‌ها و موانع را سپری کرد.

۶۰
دریای معارف در دعای علوی مصری

یکی از دعاهای بسیار ارزنده و مجرب که بارها دوستان گرفتار دربند شداید و مصائب دنیا از آن نتیجه گرفته‌اند دعای مبارک علوی مصری است که از زبان پر فروغ حضرت بقیة‌الله روحی لتراب مقدمه‌الفداء درخشیدن گرفته و باید گفت صرف نظر از این که مؤثر برای رفع گرفتاریها و مصائب

است، یک دوره معارف حقّه اسلامی گرفته شده از سرچشمه وحی و امامت در آن نهفته است.[1]

۶۱
متن دعای شریف علوی مصری

رَبِّ مَنْ ذا الذی دعاكَ فلم تجبه ومن ذا الذی سالك فَلَمْ تعصلهِ ومَنْ ذا الذی ناجاك فخيبته او تقرب اليك فابعدته...

بار خدایا!

چه کسی دعا کرد و تو او را اجابت نفرمودی؟ کدامیک از بندگانت دست نیاز به سوی تو دراز کرد و تو او را محروم نمودی؟ کدام بنده‌ای با تو مناجات کرد و تو او را مأیوس ساختی؟ چه کسی از بندگانت تقاضای نزدیک بودن به تو را داشت و تو او را از در خانه‌ات راندی؟

خداوندا!

این فرعونی که در مقابل دستگاه با عظمت تو کاخها برافراشت و سرکشی‌ها نمود و دعوی خدایی کرد و با اینکه تو می‌دانستی توبه نمی‌کند و قلبش در برابر ذات پاک تو خاضع نخواهد شد دعایش را مستجاب کردی و خواسته او را برآوردی و با این که حاجت او برای ذات پاک تو ناچیز و برای او بزرگ بود تو حجت را بر او تمام کردی هنگامی که به ذات پاک تو کفر ورزید و راه بدیها را پیمود و بر ملت خود راه ظلم و ستم در پیش گرفت و در سایه کفر خود بر آن‌ها استیلا یافت و بر آنان فخر می‌فروخت و از حلم تو سوء استفاده کرد و راه تکبر در پیش گرفت و خود بر خویشتن حکم نمود که پاداش کسی مانند او غرق شدن در دریاست و تو نیز آن حکم را اجرا فرمودی و او را در دریا غرق کردی.[2]

---

۱. این دعای نورانی در مستندترین کتب دعایی شیعه از جمله در کتاب شریف مهج‌الدعوات جناب سیدبن‌طاووس در بیش از ۷۰۰ سال قبل آمده است جناب سیدبن‌طاووس از بزرگان شیعه آن چنان مورد وثوق و اطمینان است که علمای اهل سنت در قدیم‌الایام چنانچه روایتی را از ایشان در کتب خود نقل می‌کردند اگر آن روایت سند نمی‌داشت آن‌ها با ذکر نام جناب سیدبن‌طاووس آن حدیث را معتبر محسوب می‌نمودند و می‌نوشتند که این روایت را سید نقل کرده است این مرد نورانی مستقیم از امام عصر عجّل الله تعالی فرجه دعا نقل کرده است.

۲. خداوند فرشته‌ای را به شکل انسان نزد فرعون فرستاد تا از او بپرسد بنده نافرمان را چه مجازاتی است؟ فرعون

بـار خدایـا! مـن بنـده‌ای از بنـدگان و فرزنـد بنـده و کنیـزی از کنیـزان تـوام بـه خدایـی تـو معترفـم و بـه ایـن کـه خدایـی نیسـت جـز ذات پـاک تـو کـه یگانـه آفریننـده و تنهـا خـدا و تربیـت کننـده منـی.

معتقـدم کـه خـدا و ربّ مـن تـو هسـتی کـه بـر همـه چیـز توانایـی و هرچـه بخواهـی انجـام می‌دهـی و هـر حکمـی را کـه اراده فرمایـی صـادر می‌کنـی.

هیچ کس نمی‌تواند حکم تو را ردّ کند و حتما فرمان تو باید اجرا شود.

اولِ جهانِ هستی و آخر آن، ظاهر آن و باطن آن تویی.

از چیزی خلق نشده و از چیزی جدا نشده‌ای.

قبـل از هـر چیـز تـو بـوده‌ای و پـس از آن نیـز تـو خواهـی بـود همـه چیـز را تـو آفریـدی و آفرینـش همـه موجـودات بـر اسـاس تقدیـر حکیمانـه تـو مقّـرر اسـت و تـو شـنوا و دانایـی.

شهادت می‌دهم که ذات پاک تو چنین بوده و چنین خواهد بود.

ذات مقدّسـت زنـده اسـت و نظـام جهـان هسـتی در سـایه وجـود تـو اداره می‌شـود و سسـتی و خـواب در وجـودت راه نـدارد. همـگان از عهـده وصـف تـو ناتواننـد و بـا حـواس ظاهـر (چشـم، گـوش، و ...) شـناخته نخواهـی شـد بـا مقیاسـها و معیارهـای متـداول. میـان مـردم تـرا نمی‌تـوان سـنجید و بـه انسان‌ها نمی‌تـوان تشـبیهت کـرد. آفریـده شـدگان همـه بنـده و کنیـز توأنـد و تـو پـروردگار مایـی و مـا مخلـوق تـو و اسـیر قـدرت و بی‌نهایـت توییـم.

تویـی آفریننـده مـا و ماییـم آفریـده تـو، تویـی روزی دهنـده مـا و مائیـم روزی خـواران تـو.

اینـک تـو را حمـد می‌کنـم کـه مـرا انسـانی کامـل (از نظـر اعضـاء و جـوارح) خلـق فرمـودی و از غیـر خـودت بی‌نیـازم سـاختی.

کودکـی خردسـال بـودم کـه از پسـتان مـادر شـیر گوارایـی برایـم آمـاده نمـودی و غـذای پاکیـزه و گـوارا در دسترسـم قـرار دادی و بدیـن وسـیله رشـد کـرده قامتـی رسـا یافتـم پـس حمـد و سـتایش سـزاوار ذات پـاک تواسـت.

گفت او را باید غرق کرد.

... فلك الحمد حمدا اِنْ عُدَّ لم يحص وان وضع لم يتسع له شیءٌ حمدا يفوق على جميع حمدالحامدين و....

آن هم ستایشی برتر و بالاتر از ستایش همه ستایشگران که هیچ ثنایی بدان نرسد ستایشی برتر از تمام اقسام حمد و ثنایی که ستایشگران انجام داده‌اند و ستایشی ارجمندتر از همه امور و گرانقدرتر از هر سپاسی که آفریده‌ای به درگاه خداوند می‌کند آری حمد مختصّ ذات پاک خداوندی است چنانکه می‌پسندد سپاسی برابر با تعداد همه آفریدگان و هموزن همه موجودات و مساوی با بزرگترین و کوچک‌ترین و خردترین آن‌ها، حمدی که خداوند را خُرسند سازد و با خوشنودی خداوند برابر باشد از او تقاضا می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستد و مرا ببخشد و اعمال مرا نیکو فرموده توبه‌ام را بپذیرد که او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

... الهی وانی انا ادعوك واسالك باسمك الذی دعاك به صفوتك ابونا آدم عليه السلام و...

خداوندا! تو را به نامی می‌خوانم و به اسمی قسم می‌دهم که برگزیده‌ات پدر ما آدم عليه السلام تو را به آن خواند و تو او را اجابت کردی و توبه‌اش را پذیرفتی و در حالی که او گناه کرده و بر خودش ستم روا داشته بود تو او را بخشیدی و دعایش را مستجاب فرمودی و او را به خود نزدیک ساختی. ای کسی که از من به من نزدیکتری! از پیشگاه مقدّست استدعا می‌کنم که بر محمد و آل‌محمد درود فرستی و از گناهان من بگذری و از من خشنود گردی و اگر از من خشنود نمی‌شوی پس مرا عفو فرما که من گناهکار و ستمگرم و لغزشم زیاد است.

آری چه بسا مولایی که از بنده خود در می‌گذرد در حالی که از او راضی نیست تقاضای دیگرم این است که بندگانت را از من راضی نمایی و حق خودت را درباره من نادیده محسوب فرمایی.

... الهی واسالك باسمك الذی به ادریس عليه السلام فجعلته صديقا نبيا ورفعته مكانا عليا استجبت دعائهُ و كنتَ منه قريبا يا قريبُ ان تصلی على محمدٌ وآل محمد واَنْ تجعل...

بارالها! من ترا به نامی می‌خوانم که ادریس عليه السلام ترا بدان خواند و تو او را به مقام راستگویان و درست کرداران و به پیامبری رساندی و مقامی بس

Presented by: jafrilibrary.com

بلند به او ارزانی فرمودی، دعایش را مستجاب کردی و او را به خود نزدیک ساختی.

اکنون ای نزدیکتر از من به خودم! از درگاه با عظمت تو استدعا می‌کنم که بر محمد و آل‌محمّد درود فرستی و پایان کار مرا بهشت برین قرار دهی و مرا در دریای رحمت خود غوطه‌ور سازی و با آمرزش گناهان، مرا در بهشت جای دهی و حوریان بهشتی را با من همسر فرمایی، به توانایی بی‌نهایت تو، ای قادر متعال!

خداوندا! تو را به نامی می‌خوانم که نوح علیه السلام در سایه آن به درگاهت بار یافت و عرضه داشت:

«خداوندا! من مغلوب و مقهور گشته‌ام پس مرا یاری کن. و (در قرآن فرموده‌ای که) درهای آسمان را گشودیم و بارانی کوبنده و ویرانگر فرو فرستادیم و از زمین چشمه‌های پر آب به جوشش درآوردیم.

و آبها از زمین و آسمان به هم پیوستند و آنچه مقدر بود انجام شد و نوح از آن دریای خروشان نجات یافت و بر کشتی ساخته شده از چوب و میخ سوار شد.

(پروردگارا!) تو نیاز و احتیاج او را تأمین نمودی و او را به خود نزدیک ساختی.

اکنون ای نزدیکترین افراد به من! از درگاهت استدعا می‌کنم که درود خودت را به محمد و آل‌محمد فرو فرستاده، مرا از ستم هر ظالمی که اندیشه ستمی درباره من دارد رهایی بخشی و شر هر زمامدار جفا کار و دشمن توانا و هر صاحب قدرت خوار کننده و زورگوی کینه‌توز و شیطان رانده شده و انسان بدرفتاری را از من دور فرمایی و مرا از نقشه و کید فریب دهندگان در امان داری، ای بردبار و حلیم و ای خدای مهربان!

خداوندا! تو را به نامی که بنده و پیامبرت صالح علیه السلام ترا به آن خواند و دعا کرد می‌خوانم. تو دعایش را مستجاب نمودی و او را از فرو رفتن در زمین حفظ فرمودی و بر دشمنانش او را برتری بخشیدی و در مقام قرب منزلش دادی، ای خداوند نزدیک! صلوات و درود مرا بر حبیب خود محمّد و آل

او بفرست و مرا از شر دشمنانم ایمن دار و از بدی‌های حسودان حفظم کن و خودت امور مرا کفایت نما و در زیر لوای ولایت خود مرا هدایت کن و قلب مرا به خود

متوجه فرما و به وسیله تقوی و بصیرت توفیق تحصیل رضای خود را به من عنایت کن و با بی‌نیازی. و ثروت‌های مادی و معنوی خود مرا بی‌نیاز فرما ای خداوند حلیم و بردبار!

بار خدایا! تو را به همان نامی که بنده صالح و پیامبر بزرگت ابراهیم‌ؑ خواند و تو او را از آتش نمرود نجات دادی می‌خوانم که بر محمد و آل او درود فرستی و آتشی را که دشمنان برای من افروخته‌اند به جان خودشان برگردانی.

آنچه را که به من عنایت فرمودی بدان گونه که بر آن حضرت ابراهیم‌ؑو خاندان عزیزش مبارک نمودی بر من نیز مبارک گردان ای آن که ذات پاکت بخشنده و ستوده و بزرگوار است!

خداوندا! به اسمی که اسماعیل‌ؑ ترا بدان خواند و در سایه آن نام، او را به پیامبری رساندی و خانه خودت را منزل و پناهگاه او قرار دادی و دعایش را مستجاب نمودی و از قربانی شدن نجاتش دادی و از بهشت برایش گوسفند قربانی (فِدا) فرستادی و او را به خویش نزدیک ساختی-ای از همه نزدیکتر به من-از پیشگاه مقدست استدعا می‌کنم که بر پیامبر عزیزت حضرت محمدبن‌عبدالله و خاندان گرامیش درود خود را نازل فرمایی. خانه قبر مرا وسیع کن و بار سنگینی گناه را از دوشم بردار و توانمندی و پایمردی نصیبم فرما. گناهانم را بیامرز و با پاک نمودن گناهانم مرا به مقام توبه نائل فرما.

خوبی‌هایم را دو چندان ساز و گره از مشکلاتم بگشا و در تجارت بهره‌مندم ساز و آزار بدگوئیها را از من دور گردان، ای آن که ذات پاکت اجابت کننده دعاها و عطاکننده همه خوبی‌ها، فرو فرستنده تمام برکات و فرمانروای مطلق آسمانها است!

خداوندا! از تو درخواست می‌کنم به چیزی که اسماعیل‌ؑ فرزند خلیل تو بدان خواندت و تو او را از کشته شدن نجات دادی و قربانی بزرگ برایش

فرستادی و جلوی تیزی کارد را گرفتی و به آن اجازه بریدن ندادی و در حالی که او خود را برای ذبح شدن آماده نموده و امر پدر را اطاعت کرده و راضی بدین امر بود دعایش را مستجاب نمودی و او را به مقام قرب نائل کردی ـ ای خدایی که از همه به من نزدیکتری!ـ از پیشگاه مقدّست استدعا می‌کنم که درود خود را بر محمد و آل‌محمد فرو فرستی و مرا از هر بدی و سختی برهانی و ظلم ستمگران را از من دور نمایی و در امور دنیوی و اخروی که بر آن‌ها بیمناک هستم مرا کفایت کنی.

و از شر همه مخلوقات در امان خودت نگاهم داری به حق آل یس.[۱]

خداوندا! به نامی که لوط ترا بدان خواند و تو او و فرزندانش را از فرو رفتن در زمین و نابود شدن و شکنجه دیدن نجات دادی و آنان را از گرداب نیستی به سلامت بیرون بردی، ترا به همان نام می‌خوانم و از تو که از من به من نزدیکتری تقاضا می‌کنم که بر محمّد و آل‌محمّد درود فرستی و از آتش سوزان جهنم مرا در پناه لطف خود نگاه داشته اجازه فرمایی که نابسامانی‌هایم سامان گیرد و چشمم به خاندان و فرزندانم روشن گردد[۲] و تمام کارهای مرا بر من مبارک فرمایی و مرا به آرزوهای خودم برسانی.

(خدایا) شرّ بدخواهان را از من دور کن و مرا در آتش غضب خود نسوزان.

به وسیله برگزیدگانت محمد وآل محّمد که همگی مشعل‌های فروزان جهان وجود و هدایت کننده بندگان تواند بر من منّت گذاشته افتخار مصاحبت و همنشینی با این ذوات مقدّسه را به من عنایت فرما و نیز افتخار معاشرت و مصاحبت و مجالست با همه بندگان صالح خود مانند انبیاء و اوصیاء و ملائکه مقرب و حاملان عرش و ساکنان آستان با عظمتت را نصیبم فرما.

بار خدایا! در نتیجه هجران یوسف یعقوب پیامبر بینایی خود را از دست داده و افراد خاندانش متلاشی و جمعشان پراکنده شده بود و او مایه روشنایی دیده‌اش یوسف را نمی‌یافت تا این که با توسّل[۳] به یکی از اسماء مقدّسه‌ات

---

۱. منظور، وجودمقدس رسول اکرم و خاندان عزیز اوست.

۲. امام علیه‌السلام در اینجا اشاره به فرزندانشان فرموده‌اند.

۳. توسل صراط صعود به ملکوت آسمان‌هاست.

تـرا خوانـد و در نتیجـه اجابـتش فرمـودی و یوسـف را بـه او بـاز گردانـدی و جمـع پریشـانش را بـه هـم پیونـد زدی و چشـمان نابینایـش را روشـن سـاختی و دردهـای او را درمـان کـردی و او را بـه خـود نزدیـک نمـودی. اینـک ـ ای خداونـدی کـه بـه همـه بندگانـت نزدیکـی! ـ مـن تـو را بـه همـان نـام می‌خوانـم و از درگاه بـا عظمتـت می‌خواهـم کـه بـر محّمدوآل‌محّمـد درود فرسـتاده بـه مـن اجـازه فرمایـی کـه بـه خاندانـم بپیونـدم و پریشـانی‌هایم سـامان گیـرد و خانـدان و فرزندانـم مایـه روشـنایی دیـده‌ام شـوند و تمـام امـور برایـم آسـان گـردد و بـه خواسـته‌ها و آرزوهایـم برسـم و بـر مـن منّـت گـذار، کـه شـأن تـو کَـرم اسـت.

(آری تـو کریمـی) ای خداونـدی کـه از نظـر مقـام و مرتبـت بـر همـه برتـری داری و ای کسـی کـه رحمـت بی‌نهایتـت همـه موجـودات را فـرا گرفتـه اسـت و همـگان در دنیـا از آن بهره‌مندنـد. مـرا از ایـن رحمـت (رحمانّیـت) و نیـز رحیمیّـت خـود در دو جهـان بهره‌منـد فرمـا.

...الهی واسالك باسمك الذی دعاك به عبدك ونبیك یوسف‌علیه‌السلام فاستجبت له ونجیته ومن غیابت الجب وکشف ضره...

خداوندا!

تـو را بـه نامـی می‌خوانـم کـه بنـده و پیامبـرت یوسـف‌علیه‌السلام تـرا بـدان خوانـد و دعایـش را مسـتجاب فرمـودی و او را از قعـر چـاه نجـات دادی و مهمّاتـش را کفایـت کـردی و او را از کیـد و مکـر برادرانـش رهایـی بخشـیدی و پـس از اینکـه او را بـه عنـوان یـک بنـده و بـرده فروختنـد، بـه پادشـاهی مصـرش رسـاندی و دعایـش را اجابـت فرمـودی و وی را بـه مقـام قـرب نائـل سـاختی ـ ای خـدای نزدیـک بـه همـه ـ از تـو می‌خواهـم کـه بـر محمـد و آل او درود فرسـتی و کیـد و مکـر، هـر مـکار و حیله‌گـر را از مـن دور فرمـوده از حسـد حسـودان مـرا در پنـاه خـود محفـوظ داری البتـه ذات پـاک تـو بـر هـر چیـزی قـادر و تواناسـت.

... الهی واسئلك باسمك الذی دعاك به عبدك ونبیك موسی‌بن‌عمران‌علیه‌السلام.

خداونـدا! تـو را بـه نامـی می‌خوانـم کـه بنـده و پیامبـرت موسـی‌بن‌عمران‌علیه‌السلام ذات پـاک تـو را بـدان خوانـد چـه آنکـه در قرآنـت فرمـوده‌ای: «موسـی را از وادی مقـدّس طـور ایمـن خواندیـم و بـرای مناجـات بـا خـود او را بـه خـود نزدیـک

کردیم». (خداوندا!) دریا را برای او خشک کردی و او و همراهانش را نجات دادی و فرعون و هامان[1] و یارانش را غرق نمودی و دعای موسی را اجابت فرموده او را به خود نزدیک ساختی. اینک ـ ای خدایی که نزدیکی!ـ ترا به همان نام می‌خوانم و از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از شر مخلوقاتت محفوظ بداری و از بخشندگی خود مرا بهره‌مند سازی و فضل و لطف خود را به من ارزانی داری آنچنان فضلی که مرا از همه آفریدگانت بی‌نیاز فرمایی تا به آمرزش و رضوان تو دست پیدا کنم ای ولی و صاحب اختیار همه بندگان و مؤمنان!

پروردگارا!

تو را به نامی می‌خوانم که داودعلیه السلام بنده و پیامبرت تو را بدان خواند دعایش را مستجاب کردی و کوهها را برای او مسخّر نمودی به طوری که صبح و شام با او همصدا شده با تو مناجات

می‌کردند، پرندگان را گرد او جمع کردی که همه به سوی او بیایند و با وی هم آواز شوند سلطنتش را قوی و پهناور ساختی و او را به زیور حکمت و شناخت حق از باطل مفتخر ساختی و آهن را در دستش نرم کردی و ساختن زره را به او آموختی و از گناهانش صرف نظر نمودی و به خود نزدیکش ساختی. اکنون ـ ای خداوند از همه به من نزدیکتر!ـ بر محّمدوآل‌محّمد درود فرستـ و همه کارها و مشکلاتم را مسّخر من قرار ده مقدّرات مرا آسان ساز، گناهانم را بیامرز و مرا به عبادت خود موفّق گردان و ظلم ظالمان، نیرنگ نیرنگبازان، قدرت فرعونیان و حسد حسودان را از من دور فرما.

ای امان دهنده ترسیدگان، و پناه دهنده پناه خواهان و تکیه‌گاه اطمینان دارندگان، و امید متوکّلان و امید دهنده به نیکوکاران! ای مهربانترین مهربانان!

خداوندا! ترا به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت سلیمان‌بن‌داودعلیه السلام در زیر سایه آن نام با تو مناجات کرد و «گفت: پروردگارا! مرا بیامرز و سلطنتی به من عطا فرما که پس از من به کسی اعطاء نکنی» و تو خواسته او را اجابت فرمودی و خلایق را مسخّر او قرار دادی، باد را تحت فرمان وی

---

۱. هامان وزیر فرعون می‌باشد.

گذاشتی زبان پرندگان (بلکه همه موجوادت) را به او آموختی و شیاطین را مطیع او قرار دادی که وی برخی از آنان را به ساختن کاخهای مرتفع و باغها مأمور کرد و گروهی را در دریاها به غوّاصی وا داشت و جمعی را که موجب گمراهی خلق بودند در غل و زنجیر به بند کشید ـ خداوندا! ـ این همه بخشندگی مختصّ ذات پاک تو است و دیگری را چنین بخشایشی نیست. تو او را به خود نزدیک ساختی ـ ای نزدیک به من!ـ از تو می‌خواهم که بر محمدو آل محّمد درود فرستی و عقل و خردم را بارور سازی مشکلاتم را جوابگو باشی، ترس و هراس را از دلم بیرون کنی، از قید و بند نجاتم دهی، و پریشانی‌ام را رفع و دعایم را اجابت فرمایی، ناله‌ام را بشنوی و جایگاه مرا در دوزخ قرار ندهی، دنیا را خواسته بزرگ من نسازی، روزی مرا زیاد فرمایی حسن و خوبی رفتار به من عنایت کنی و مرا از آتش خلاص فرمایی، تو سرور و مولای منی و به لطف تو امید و آرزو بسته‌ام.

بار خدایا!

تو را به نامی می‌خوانم که ایّوب عليه السلام ترا بدان خواند، آنگاه که بلا بر او نازل شد و بیماری جای سلامتی او را گرفت و تنگی معیشت جای نعمتهای فراوان را پر کرد. او ترا خواند و تو مشکلاتش را حل نمودی و خاندانش را به او باز گرداندی و شمار آنان را دو چندان قرار دادی. ایّوب به درگاه تو دست نیاز برداشته با امید به فضل و کرمت شکایت خویش را چنین عرضه. داشت: «خداوندا! بیچارگی به من روی آورده و همانا گذشت تو از همه بالاتر است» در آن زمان دعایش را اجابت فرمودی و گرفتاری‌اش را مرتفع ساختی و وی را به خود نزدیک گرداندی. ای خدای از همه نزدیکتر! تو را می‌خوانم که بر محمد و آل او درود فرستی و گرفتاری‌هایم را برطرف نمایی و عافیت همه جانبه در مورد خود و خاندان و فرزندان و برادران به من لطف فرمایی که برای همیشه برای من و خانواده‌ام[1] باقی بماند آن چنان عافیتی که مرا از طبیب بی‌نیاز سازد و مرا از اعضاء و جوارحم بهره‌مند فرما به طوری که تا آخرین لحظه زندگی من باشند، آری، تو بر همه چیز قادر و توانایی.

---

۱. امام عصر عجل الله تعالی فرجه برای خانواده‌شان دعا می‌کنند.

... الهی واسالك باسمك الذی دعاك به یونس‌بن‌متی فی بطن الحوت حین ناداك فی ظلمات ثلاث....

بـار خدایـا! تـو را بـه نامـی کـه یونس‌بن‌متّـی در شـکم ماهـی تـرا بـه آن خوانـد. آنـگاه کـه در تاریکی‌هـای سـه گانـه بانـگ بـرآورد کـه خدایـی جـز ذات پـاک تـو نیسـت و مـن از سـتمکارانم کـه بـه نفـس خـود ظلـم کـردم امـا تـو از همـه رحـم کننده‌تـری پـس دعـای او را اجابـت نمـودی و او بـه خواسـته‌اش رسـید و بـرای وی درخـت کـدو رویانـدی و او را بـه سـوی صـد هـزار نفـر یـا بیشـتر فرسـتادی و بـه خـود نزدیکـش سـاختی. اینـک ای نزدیکتـر از مـن بـه مـن! از پیشـگاه مقدسـت اسـتدعا می‌کنـم کـه بـر محمّـد و آل‌محّمـد درود فرسـتی و دعایـم را مسـتجاب فرمایـی و عفـو و بخشـش خـود را شـامل حالـم نمایـی زیـرا مـن خـود را در دریـای ظلـم بـه نفـس غـرق نمـوده و دربـاره بنـدگان تـو سـتم کـرده‌ام. خداونـدا بـر محمـد و آل محمـد درود فرسـت و مـرا در زیـر سـایه ولایـت آن‌هـا نگاهـداری فرمـا و از آتـش دوزخ آزاد سـاز در همیـن لحظـه مـرا از آزاد شـدگان از آتـش قـرار ده و بـر مـن منّـت گـذار ای خداونـد کریـم.

خداونـدا! تـو را بـه نامـی می‌خوانـم کـه بنـده و پیامبـرت عیسـی‌بن‌مریم علیه‌السلام تـرا بـه آن خوانـد هنگامـی کـه او را بـه وسـیله روح‌القـدس تأییـد فرمـودی و قـدرت سـخن گفتـن در گهـواره بـه او لطـف کـردی و مـردگان را بـه وسـیله او زنـده سـاختی و بیماری‌هـای سـخت ماننـد پیسـی و خـوره را بـه دسـت او شـفا مرحمـت نمـودی. او مجسـمه پرنـدگان را از خـاک می‌سـاخت و بـر آن می‌دمیـد و بـه فرمـان تـو روح در آن کالبـد پیـدا می‌شـد تـو او را بـه خـود نزدیـک سـاختی. ای از همـه نزدیکتـر بـه مـن! از تـو می‌خواهـم کـه بـر محّمـد و آل‌محّمـد درود فرسـتی و بـه مـن آرامـش فکـر و خیـال عنایـت فرمایی.تـا آنچـه را کـه بـه خاطـرش آفریـده شـده‌ام، خـوب انجـام دهـم و مـرا بـدان چـه خـود عهـده‌دار آن شـده‌ای (ماننـد روزی و غیـره) تکلیـف مفرمـا. مـرا بنـده خویـش و بـه دنیـا بی‌علاقـه قـرار ده تـا از کسـانی باشـم کـه بـه عافیـت کامـل دسـت پیـدا کرده‌انـد و مـرا مـورد الطـاف خـودت قـرار داده باشـی ای خـدای کریـم و ای بلنـد مقـام، و ای آفریـدگار بـزرگ!

خداونـدا! تـو را بـه نامـی می‌خوانـم کـه آصف‌بن‌برخیـا بـرای انتقـال تخـت پادشـاهی ملکـه سـبا بـه وسـیله آن نـام بـه پیشـگاه مقدّسـت روی آورد و در زمانـی

کوتاهتر از یک چشم بر هم زدن تخت در برابرشان قرار گرفت به طوری که ملکه سبا چون آن را بدید گفت: «گویا همان است». خداوندا احتیاج او را برآوردی و او را به خود نزدیک ساختی. اینک ای نزدیک‌ترین کس به من! از تو می‌خواهم که بر محمّد و آل‌محمّد درود فرستی و از بدی‌هایم چشم‌پوشی فرمایی.

خدایا! کارهای خوبم را بپذیر، توبه‌ام را قبول فرما و رحمتت را شامل حالم گردان احتیاجاتم را خود کفایت فرما کمبودهایم را جبران کن دلم را به یاد خودت زنده نگاه‌دار و زندگی و مرگم را همراه با عافیت قرار ده.

... الهی واسألك بالاسم الذی دعاك به عبدك ونبیك زكریا عليه السلام سالك داعیا لك راغبا الیك راجیا لفضلك فقام فی المحراب ینادی نداءً خفیا...

پروردگارا! تو را به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت زکریّا عليه السلام ذات پاک تو را به آن خواند و دست نیاز به سویت بلند نمود و در محراب عبادت با ندائی آرام ترا خواند و عرضه داشت: «خداوندا به من فرزندی عطا فرما که وارث من و وارث آل یعقوب باشد و او را راضی قرار بده». خداوندا تو یحیی را به او لطف فرمودی و دعایش را مستجاب کردی و او را به خود نزدیک ساختی. ای نزدیک به من! تو را به همان نام می‌خوانم و تقاضایم این است که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی.

و فرزندانم[1] را برای من نگاه داری و مرا از آنان بهره‌مند سازی و من و فرزندانم را به زیور بندگی مزّین فرمائی و خلاصه بنده تو باشم. خدایا ما را به نعمتهای اخروی علاقمند **فرما و از عذابهای آن در هراس دار.**

امید ما به تو باشد و از غیر تو منقطع باشیم تا اینکه به زندگی واقعی برسیم آری زندگی ما پاکیزه و مرگ ما هم پاکیزه باشد همانا ذات پاکت آنچه اراده فرماید انجام می‌دهد.

خداوندا! به نامی می‌خوانمت که همسر فرعون ترا به آن خواند هنگامی که عرض کرد: «خداوندا! برای من در بهشت کاخی بنا کن و مرا از چنگال فرعون نجات ده و مرا از شّر این قوم جفا کار رهائی بخش»[2].

---

۱. امام عصر عجل الله تعالی فرجه برای فرزندانشان دعا می‌کنند.
۲. تحریم / ۱۱.

Presented by: jafrilibrary.com

تـو خواسـته‌اش را بـرآوردی و او را بـه خویـش نزدیـک سـاختی. اینـک ای خـدای نزدیـک بـه مـن! از تـو می‌خواهـم کـه بـر محّمـد و آل او درود فرسـتی و دیـدگان مـرا بـا دیـدن بهشـت روشـنی بخشـی زیـارت چهـره کریمانـه اولیـای خـود را نصیبـم فرمایـی مـرا همـدم و همنشـین محّمدوآل‌محّمـد قـرار دهـی در پنـاه ایـن خانـدان مسـرورم نمایـی، مـرا در بهشـت منـزل دهـی و از آنچـه بـرای دوزخیـان چـون زنجیرهـای گـران، آهن‌هـای گداختـه، سـختیهای فـراوان و خـواری ابـدی و دیگـر عذابهـا آمـاده فرمـوده‌ای مـرا دور قـرار دهـی البتـه بـا بخشـایش و بزرگـواری تـو،ای کریـم!

.... الهی واسالك باسمك الذی دعتك به عبدك وصديقتك مريم البتول وام المسيح الرسول...

خداونـدا! بـه نامـی کـه مریـم بتـول، بنـده راسـتگو و درسـت کـردارت، ترابـدان خوانـد کـه در قـرآن فرمـوده‌ای: «مریـم دختـر عمـران بانوئـی کـه خـود را پـاک نـگاه داشـت و مـا از روح خـود در او دمیدیـم. او کلمـات و کتـب پـروردگارش را بـاور داشـت و از فرمانبـرداران بـود».[۱]

پـس دعایـش را مسـتجاب نمـودی و او را بـه خـود نزدیـک سـاختی، اکنـون ـ ای خـدای نزدیـک بـه مـن! ـ بـه همـان نـام تـو را می‌خوانـم و از تـو می‌خواهـم کـه بـر محّمـد و آل محّمـد درود فرسـتی و مـرا در قلعـه محکـم خـود نگاهـداری فرمایی و در پرده‌هـای شـکوه و جـلال مـرا محفوظـم داری و در پناهـگاه خلل‌ناپذیـر خـود جایـم دهـی و از شـر هـر طغیانگـر و سـتم پیشـه در امانـم داری. نیرنـگ نیرنـگ بـازان و فریـب فریـب کاران را از مـن دور گردانـی و در برابـر سـحر جادوگـران و فرمانروایـان گنه‌پیشـه مـرا کفایـت فرمائـی بـه رفعـت شـأن تـو ای والامقـام!

... الهی واسالك بالاسم الذی دعاك به عبدك ونبيك وصفيك وخيرتك من خلقك وامينك على وحيك...

خداونـدا! تـو را بـه نامـی می‌خوانـم کـه بنـده پاکیـزه و برگزیـده‌ات و بهتریـن شـخصیت میـان بنـدگان و مخلوقـات و آن کـه او را امیـن وحـی خـود قـرار دادی و بـر عمـوم مـردم بـه رسـالت مبعـوث فرمـودی آن محمـدی کـه او را خالـص و برگزیـده بـرای خویـش قـرار دادی پـس دعـای او را مسـتجاب فرمـودی و بـه

۱. تحریم / ۱۲.

وسیله نیروهای نامریی وی را مدد رساندی و دین مقدس اسلام را یاری کردی و آئین کفر را سرنگون و او را به خود نزدیک ساختی، اکنون ـ ای پروردگار از همه چیز به من نزدیکتر (حتی از خودم به خودم)ـ از پیشگاه مقدّست تقاضا می‌کنم که بر محمّدوآل او درود فرستی درودی که پاکیزه و در حال رشد و تکامل باشد و همان طوری که بر پدرشان ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی و برکات خود را بر آن حضرت و آل او ارزانی فرما همچنانکه بر ابراهیم و فرزندان او نازل فرمودی.

خداوندا!

مرا نیز از این الطاف بهره‌مند ساز و از جمله آنان محسوبم فرما و در زمره آنان محشورم کن تا این که از حوض کوثر سیراب شوم.

بار خدایا! مرا در میان خاندان محّمدو آل‌محّمد قرار ده و با آن عزیزان همراهم فرما و چشمانم را به زیارت این دودمان پاک روشن کن.

خداوندا! خواسته‌هایم را برآور و مرا به آرزوهایم در دو جهان نائل فرما حیات و مرگ مرا آن گونه که می‌خواهی قرار ده تا با ایمان زندگی کنم و با ایمان از دنیا بروم.

سلام مرا به خاندان عزیز نبوت برسان و پاسخ سلام مرا به من بازگردان سلام و رحمت بی‌نهایت الهی بر این خاندان باد.

خداوندا! منادی در نیمه‌های شب از جانب تو ندا می‌کند که: آیا سؤال کننده‌ای هست تا خواهش او را برآورده کنم؟ آیا دعا کننده‌ای هست تا دعای او را اجابت کنم؟ آیا گنهکاری هست تا در سایه توبه، گناهان او را ببخشم؟ آیا امیدواری هست تا او را به امیدش برسانم؟ اینک ـ ای خداوند بزرگ!ـ من دست نیاز و گدائی به در خانه تو آورده‌ام و مسکینی هستم که در خانه ترا می‌کوبم! درمانده‌ای هستم که بر در خانه‌ات ایستادم مستمندی هستم که به در خانه‌ات روی آورده‌ام. آرزومندی هستم که به امید رسیدن به آرزوی خود به درگاهت رو کرده‌ام. به رحمتت امیدوار و به آمرزشت نیازمندم پس بر محّمد و آل محّمد درود بفرست.

و خواسته‌ام را برآور و مرا به آرزویم برسان فقر و تهیدستی مرا جبران فرما.

بر سرکشی من رحم کن و از گناهانم درگذر، از ستمهایی که بر بندگانت روا داشتم نجاتم ده، ناتوانی‌ام را به قدرت، و بیچارگی‌ام را به عزت مبّدل ساز، مرا ثابت قدم بدار و لغزش‌هایم را ببخش، کارم را اصلاح فرما ثروت فراوان و حلال نصیبم کن در هر کاری برایم اراده خیر فرما و مرا از آن خشنود ساز.

خداوندا! من و پدر و مادرم و فرزندان آنان از مردان و زنان مؤمن و مردان زنان مسلمان، اعم از زنده و مرده همگی را از رحمت بی‌نهایت خود بهره‌مند فرما، همانا ذات پاک تو دعا را می‌شنود و اجابت می‌فرماید. (خدایا) راه خدمت و نیکوکاری نسبت به پدر و مادر را به من بنما تا شایسته قرب تو و بهشت برین گردم.

اعمال خوب پدر و مادرم را بپذیر و گناهان آنان را بیامرز. پاداش آن دو را بالاتر از آنچه عمل کردند ثواب و بهشت خودت قرار ده.

خداوندا! یقین دارم که امر به ظلم و ستم نمی‌کنی و بدان راضی و خشنود نیستی به ظلم گرایش نداری و بیدادگری را دوست نمی‌داری، کسی را گرفتار تاریکی نمی‌کنی و می‌دانی که گروه ستمگران تا چه اندازه بر بندگانت ستم روا داشته‌اند ـ به آنان جفا کرده و بدون هیچ حقی به آن‌ها تعدّی نموده‌اند ـ این نابکاران تنها پایگاهشان ظلم و کینه‌توزی و کلمات ناپسند و بُهتان است. حال اگر برای این دسته زمانی را مقرّر فرموده‌ای که باید به پایان برسد یا اجل آنان را معیّن کرده‌ای که باید بدان دست یابند ـ از آن طرف خود در قرآن سخنی گفته‌ای که حق است و وعده فرموده‌ای که حتما باید انجام شود و آن قابل انکار نیست: «خداوند آنچه را که بخواهد محو می‌کند و آنچه را که اراده فرماید ثابت می‌دارد و نزد اوست امّ‌الکتاب»، اینک تو را به چیزی می‌خوانم که همه انبیاء و فرستادگان و بندگان صالح و ملائکه مقرب تو را بدان خواندند که این مهلت را برای این دسته، از امّ‌الکتاب محو فرمایی و به جای آن نابودی آنان را مقّرر نمایی تا اینکه مدّت زندگی آنان خاتمه یافته و مرگشان فرا رسد، بدکاران آن‌ها را هلاک

فرمایی و بعضی از آن‌ها را بر برخی دیگر مسلّط سازی تا اینکه احدی از آنان باقی نماند.

و هیچ یک از آنان را از این سختی‌ها نجات ندهی. خدایا جمعیت آنان را از هم بپاش و اسلحه‌شان را از هم بپاش و اسحله شان را از کار بینداز، وحدتشان را به تفرقه مبدّل کن

و مرگشان را برسان، عمرشان را کوتاه کن، گامها و قدمهایشان را بلغزان، شهرهای خود را از لوث وجودشان پاک کن و بندگانت را بر آنان پیروز گردان. آری این‌ها سنّتهای ترا دگرگون ساختند پیمان ترا شکستند، هتک احترام تو نمودند، آنچه را نهی فرموده بودی بجای آوردند به سرکشی و گردن فرازی پرداختند و در گمراهی آشکار غوطه‌ور شدند.

خداوندا! بر محّمدوآل محّمد درود فرست و جمع این کافران و بیدادگران را پریشان ساز و مرگ را بر افراد زنده آنان مسلّط فرما، همسران آن‌ها را بد نام کن بندگانت را از جفای آنان نجات ده، دست ایشان را از چپاول و غارت اموال مردم کوتاه نما، زمین را از لوث وجودشان پاک فرما، زراعتشان را نابود ساز- بنیانشان را از ریشه برکن- پیوندشان را مبدّل به جدایی فرما و پیکرشان را درهم شکن، ای پروردگار صاحب جلال و کرم!

ای معبود من و همه مخلوقات و ای پروردگار من و همه موجودات! به درگاهت دست نیاز دراز می‌کنم و از تو می‌خواهم که آنچه را که به دو بنده و پیامبر و برگزیده‌ات موسی و هارون که البته با دلی پر از امید ترا خواندند، عطا فرمودی و در دعایشان چنین عرضه داشتند: «ای پروردگار ما! تو فرعون و عمّالش را از زینتها و ثروت دنیا برخوردار فرموده‌ای که بدین وسیله بندگان تو را از راه تو منحرف کنند. خداوندا! دارائی آن‌ها را نابود فرما و دل‌هایشان را سخت نما که اینان ایمان نیاورند تا هنگامی که عذاب دردناک را مشاهده کنند».

پس تو ای خدا! بر آن دو (موسی و هارون علیهماالسّلام) منّت گذاشته دعایشان را مستجاب فرمودی و به گوش جان شنیدند که: «دعایتان اجابت شد استقامت کنید و راه نادانان را نپوئید». آری به همان نام ترا می‌خوانم که

بـر محمّـد و آل او درود فرسـتاده امـوال ایـن سـتمکاران را نابـود کـن و دلهایشـان را سـخت نمـا.

آنـان را در دل خشـکی فـرو بـر، و برکاتـت را از آن‌هـا بگیـر و آن‌هـا را در دریاهـا غـرق کـن زیـرا آسـمان و زمیـن و هرچـه در آن هسـت ملـک تـو اسـت.

خداونـدا! قـدرت زوال‌ناپذیـر و سـیطره عظیـم خـود را بـه مخلوقاتـت بنمـا و ایـن تقاضـا را دربـاره آنـان عملـی فرمـا و هرچـه زودتـر عـذاب سـتمگران را برسـان، ای بهتـر از همـه سـؤال شـوندگان و ای از همـه بهتـر و بالاتـر در اجابـت دعـا و ای بهتریـن کسـی کـه همـه موجـودات در مقابـل عظمـت او سـر تعظیـم فـرود می‌آورنـد و دسـت نیـاز بـه سـوی او دراز می‌کننـد و بـا زبـان خـود او را می‌خواننـد و همـه چشـمها بـه سـوی او دوختـه شـده و دلهـا بـه سـوی او متوجّـه اسـت و حرکتهـا بـه سـوی او منتهـی می‌شـود و قضـاوت در اعمـال را بـه سـوی او می‌برنـد!

خداونـدا! مـن بنـده تـو هسـتم و تـرا بـه نـام گرانقـدرت می‌خوانـم و می‌دانـم کـه همـه نامهـای تـو ارزنـده و حیات‌بخش‌انـد پـس تـرا بـا همـه نامهایـت می‌خوانـم و عرضـه مـی‌دارم کـه بـر محمّدوآل‌محمّـد درود بفرسـت و ایـن فرومایـگان را در دامهایـی کـه بـرای مـردم گسـترده‌اند گرفتـار فرمـا و آنـان را در گودالهائـی کـه بـرای مـردم کنده‌انـد سـرنگون سـاز.

بـا تیرهـای خودشـان آنـان را از پـای درآور بـا کاردهایـی که خـود آمـاده نموده‌اند جانشـان را بگیـر، دمـاغ پـر از غرورشـان را بـه خـاک مذلّـت بمـال، گلویشـان را بفشـار، نیرنگشـان را بـه خودشـان بـاز گـردان و ندامتشـان را سـبب هلاکشـان قـرار ده تـا پـس از گردنکشـی‌ها خـوار و ضعیـف شـوند و پـس از مهلتـی کـه بـه آن‌هـا داده شـد ذلیـل و زبـون گردنـد و در نهایـت پسـتی، اسـیر همـان بندهایـی شـوند کـه آرزو داشـتند مـا را در آن بندهـا ببیننـد.

خداونـدا! بـرای همیشـه حکومـت زوال‌ناپذیـرت را دربـاره آنـان بـه مـا بنمـا و چنانکـه قبـل از آن‌هـا نیـروی سـتمگران را درهـم شکسـتی ایـن گـروه را نیـز بـه آن‌هـا ملحـق فرمـا و تمـام قـدرت وجـودی را از آن‌هـا بگیـر. آری عـذاب و کیفـر تـو دردنـاک و کشـنده اسـت زیـرا نیـرو و قدرتـت بی‌نهایـت اسـت.

خداوندا! بر محمّد وآل محمّد درود فرست و عذابی را که برای ستمگران و گردنکشان و امثال آنان فراهم فرموده‌ای هر چه زودتر بر این دسته از ظالمان نازل کن. حلم و بردباری خود را از آنان بردار و خشم و غضب خود را که هیچ قدرتی توان تحّمل آن را ندارد بر آنان مسلّط فرما و فرمان ده که این عذاب با شتاب بیشتر آنان را در کام خود فرو برد. فرمانی که هرگز کسی آن را نادیده نخواهد گرفت و هرگز تأخیری در آن روی نخواهد داد. همانا ذات پاکت گواه بر هر گفتار نهانی است و تو به آنچه در دل‌ها می‌گذرد آگاهی و هیچ یک از کارهای بندگان بر تو پوشیده نمی‌ماند و اعمال خیانت بار آنان از تو پنهان نخواهد بود زیرا تو بر عالم غیب و آنچه در قلب و جان آفریده شدگان می‌گذرد آگاهی.

خداوندا! از پیشگاه مقدّست می‌خواهم و ترا به نامی قسم می‌دهم که آقا و مولای من نوح پیامبر ترا خواند و در قرآنت از زبان نوح چنین فرموده‌ای: «به تحقیق نوح ما را خواند و نیکو جوابش دادیم». آری ای خداوند یکتا و ای آفریدگار من! تو پاسخگویی نیکو و بهترین کسی

هستی که به درگاهت دست نیاز می‌آورند و تو را می‌خوانند و به آن‌ها عطا می‌کنی، تو هرگز گدای در خانه‌ات را ناامید نمی‌کنی و دعای آرزومندان بارگاه با عظمتت را مستجاب می‌فرمایی، کسی که در حاجتش اصرار ورزد او را نمی‌رانی و کسی که به درگاهت دست نیاز آورد او را ردّ نمی‌کنی.

فزونی نیاز حاجتمندان ترا آزرده نمی‌کند و برآوردن خواسته‌ها بر تو سنگین نمی‌آید برآوردن حوائج تمام نیازمندان برای تو از یک چشم بر هم زدن آسانتر و از یک بال مگس سهل‌تر خواهد بود. اینک حاجت من ـ ای سیّد و مولای بزرگوارم!ـ این است که بر محّمد و آل‌محّمد درود فرستاده گناهانم را بیامرزی، من با بار سنگین گناه به سوی تو آمده‌ام آن هم با گناهان آشکار و درباره بندگانت مظالمی مرتکب شده‌ام که غیر از ذات پاک تو دیگری توان جبران آن را ندارد و نیز قدرتمندی غیر از تو قادر بر انجام آن نیست و جز تو کسی توان نجات مرا ندارد و ذات پاک تست که همه چیز را در اختیار دارد. اینک ـ ای مولای من! ـ گناهان سنگین مرا در برابر

ریختن چند قطره اشک در مقابل آستان کبریائی‌ات محو و نابود کن. چه کنم که قلبم تیره و چشمانم خشکیده است بلکه از باب رحمت واسعه تو که همه چیز را فرا گرفته است و من هم یکی از چیزها (اشیاء) هستم رحمت بی‌نهایتت شامل حالم گردد ای مهربانترین مهربانان.

مرا در این دنیا آزمایش مکن. آن کس را که رحم ندارد بر من مسلّط مفرما. به خاطر گناهانم مرا هلاک نکن مرا از همه بدیها نجات بده. همه ستم‌ها را از من دور کن پرده از روی بدی‌هایم عقب مزن و در روز حساب در میان مردم رسوایم نکن. ای کسی که بخشش و عطای تو قطعی است! از تو تمنّا دارم که بر محّمدو آل‌محّمد درود فرستی و مرا مانند نیکبختان زنده کنی و مانند شهیدان بمیرانی.

آن چنان که دوستان خودت را می‌پذیری مرا نیز بپذیر و در این دنیای بی‌ارزش مرا از شّر پادشاهان و فساد ورزان و دیوسیرتان و دنیاطلبان و کارگزاران آن در امان خودت بدار و از شرّ گردن فرازان و حسودان و مشرکان بدرفتار نگهبانم باش تا در برابر نیرنگ فریبکاران مرا کفایت کنی. چشم کافران را درآور و از دیدن من آنان را محروم فرما.[1] زبان نابکاران را در مورد من

گنگ ساز. دست ستم‌پیشگان را از دراز شدن به طرف من کوتاه گردان و مرا از مکرشان در امان بدار آن‌ها را با همان خشم و کینه‌ای که دارند بمیران. گوش‌ها و چشم‌ها و دلهایشان را به خودشان مشغول کن و مرا از میان همه این سختیها و رنجها، و در پناه و امنّیت و آرامش و حفاظت و قدرت و نگهبانی و سرپرستی و بنده‌نوازی خودت قرار ده و نیز مرا از همسایه و همنشین بد حفظ فرما، که تو بر هر چیزی توانایی. همانا ولّی و سرپرست من خداوندی است که کتاب را نازل فرموده و از بندگان صالحش نگاهداری می‌کند.

خداوندا!

به تو پناه می‌برم و به حمایت تو دل بسته‌ام، تو را می‌پرستم و به لطف تو امیدوارم! از تو کمک می‌خواهم و خودم را به تو می‌سپارم، از تو

---

۱. منعی برای دیدن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست الاّ بدکاری و گناهان.

امان می‌طلبم و از آستان عزّت تو استمداد می‌جویم، و از درگاه با عظمت تو می‌خواهم که بر محمّدو آل‌محمّد درود فرستی و مرا از درگاه با شکوه خود جز با گناهان آمرزیده شده و کوشش به ثمر رسیده و تجارتی سودبخش و بدون زیان باز نگردانی و آنچه شایسته مقام کبریایی تواست درباره من رفتار کنی نه آنگونه که من سزاوارم.

همانا تو شایسته تقوی و آمرزش و لطف و بخششی.

خداوندا!

دعاهایم را طولانی کردم و خواسته‌هایم را برشمردم. تنگی سینه مرا بر آن داشت زیرا می‌دانم یک اشاره و یک «یاالله» گفتن کافی است و از همه نیازهای من مطّلعی و احتیاج به تفصیل ندارد آری به شرط اینکه من راست بگویم و نیّت من خالص باشد همان توجّه کفایت می‌کند. (خداوندا) قلب من با اراده ترا خواند اینک از پیشگاه مقدّس تو استدعا می‌کنم که بر محمّد و آل او درود فرستی و دعای مرا به اجابت مقرون فرمایی و مرا به آرزوهایم برسانی، چون همه قدرتها از آن تواست و من از جای خود برنخیزم مگر با حوائج برآورده شده.

چه آنکه انجام خواسته‌های من برای تو بسیار ناچیز و برای من سخت مهّم است تو قادر بر انجام آن هستی ای خداوند بینا و شنوا!

بارالها! در جایگاه کسی قرار گرفته‌ام که از ترس آتش به تو پناه آورده و از عذاب تو به سوی تو گریخته است گناهان بر او یورش برده و کارهای زشت او آبرویش را ریخته است پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست و با دیده رحمت بر من بنگر تا در پرتو آن رستگار شوم و در بهشت جایگزین گردم و مهر و لطف خود را شامل حالم فرما تا از عذاب عالم آخرت در امان باشم (خداوندا!) بهشت و دوزخ از آن تو و در دست توانای تو است و کلید گشودن و بستن آن در دست تو. پس آنچه استدعا کردم برای من مقرّر فرما ای خداوند توانا! همه توانائی‌ها و قدرتها در سایه عنایت خداوندی است بنابر این خدا ما را کفایت می‌کند و او بهترین یاوران، آن هم نیکو یاوری

است. حمد و سپاس مخّتص ذات پاک خداوند جهانیان است و درود خداوند و تحیّات او بر محّمد و آل‌محّمد باد.[۱]

۶۲
حکایتی از دعای علوی

علی‌بن‌حّماد می‌گوید: این دعا را از ابوالحسن فرزند علی علوی عریضی گرفتم و نامبرده با من شرط کرد که آن را به مخالف و کسی که مذهبش را نمی‌دانم و اطّلاع ندارم که از دوستان و اولیای محّمد و آل‌محّمد هست یا خیر، ندهم.

و این دعا در نزد من بود و من و برادرانم آن را می‌خواندیم در یکی از روزها یک نفر از قضات اهواز که از مخالفان بود به نزد من آمد و جریان خویش را برای من نقل کرده اظهار نمود که پادشاه بر او خشم گرفته است و در نتیجه اموالش را مصادره کرده و بیست‌هزار درهم از او گرفته‌اند من نسبت به او احساس ترحّم کردم و به جهت این که در مورد من کارهایی انجام داده بود دعا را به او دادم هفته‌ای نگذشته بود که پادشاه او را مورد محّبت قرار داد و آنچه از او گرفته بودند پس دادند و با احترام او را به منزلش باز گرداندند چندی بعد که به سراغ دعا رفتم آن را نیافتم و هرچه در میان کتاب‌های خود جستجو کردم از آن نشانی نبود به ابوالمختار نیز که قبلاً نسخه‌ای از دعا را به او داده بودم مراجعه کردم نامبرده هم دعا را پیدا نکرد از این ماجرا بیست سال گذشت. و ما همچنان در جستجوی این دعا بودیم و آن را پیدا نمی‌کردیم و دانستم که این موضوع عقوبت و مجازاتی است از جانب خداوند متعال و ولی عزیز او در نتیجه آن که دعا را به نااهل داده‌ام.

---

۱. دعای علوی مصری را در کتب ادعیه می‌توان یافت خصوصا کتب ادعیه‌ای که منسوب به امام عصر می‌باشد.
شایسته است این دعا همانند دعای کمیل و دعای توسل در مساجد خوانده شود یا حداقل مبلغین مذهبی به معرفی و تشریح این دعای نورانی اقدام نمایند و یا لااقل این دعا در قطعات کوچک به صورت کتاب چاپ و در اختیار علاقمندان امام مهدی قرار گیرد. و علماء عزیز به شرح این دعا همانند شروحی که به دعای کمیل و ندبه و جامعه کبیره نوشته شده شرحی بنویسند یا حداقل در ایام ماه شعبان شرحی از بعضی فقرات این دعا در روزنامه‌های کثیرالانتشار به همراه معرفی آن آورده شود.

پس از آنکه بیست سال از ماجرا گذشت ناگهان دعا را در میان کتابهای خود پیدا کردیم در حالی که مکرّرا در میان همان کتابها جستجو کرده و آن را نیافته بودیم. لذا با خود عهد کردم این دعا را فقط به کسانی بدهم که از پیروان اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده و ولایت آنان را قبول داشته باشند و از آنان پیمان بگیرم که به غیر از شیعیان و مخلصان و ارادتمندان خاندان رسالت آن را به کسی ندهند از خدا یاری جسته، امور را به او واگذار می‌کنیم.[1]

۶۳
تأویل کهیعص

... سعدبن‌عبدالله پس از تشرف به محضر حضرت امام‌حسن عسگری علیه‌السلام و امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف سؤالاتی را از امام می‌نماید که امام عسگری علیه‌السلام پاسخ سؤالات را به امام زمان که در آن زمان خردسال بودند واگذار می‌فرمایند.

او می‌گوید به امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف عرض کردم: از تاویل کهیعص[2] مرا مطلع فرمائید؟

حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در جواب فرمود: این حروف از اخبار غیبیه است که خداوند زکریا را از آن مطلع نمود سپس داستان را برای حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان فرمود و خلاصه ماجرا این است که زکریا از خداوند درخواست نمود که اسامی پنج تن را به او یاد دهد و جبرئیل فرود آمده اسامی پنج گانه را به ایشان تعلیم نمود هر زمان که زکّریا نامهای محمد، علی، فاطمه، حسن علیهم‌السّلام را می‌برد شاد می‌شد ولی آنگاه که نام مقدس امام حسین علیه‌السلام را می‌برد دلش شکسته و اشکش جاری می‌گشت روزی گفت: خدایا مرا چه می‌شود که هرگاه نام چهار تن بالا را می‌برم دلم تسّلی می‌یابد و هرگاه نام مبارک امام حسین علیه‌السلام را می‌برم اشکم جاری می‌شود و نفسم در سینه گره می‌خورد؟ خداوند از حادثه مربوط به امام حسین علیه‌السلام بدین گونه خبر داد که «کهیعص».

---

۱. در فصل سوم بخش تشرف یافتگان به نحوه دریافت و یادگیری دعا و ارتباط آن با امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اشاره شده است.

۲. حروف مقطعه اول سوره مریم می‌باشد.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند که:

«کاف» اسم کربلا اشاره به شهادت و عترت طاهره است و «یا» اشاره به یزید است که بر حسین علیه السلام ظلم نمود «عین» اشاره به عطش و تشنگی حسین علیه السلام و یاران عزیز اوست و «ص» اشاره به صبر آن حضرت است در مقابل مصائب و شدائد.

زکریا علیه السلام چون این بشنید در مسجد خویش سه روز اعتکاف نمود و از معاشرت با مردم خودداری کرد و پیوسته مشغول گریه و زاری بود و مرثیه سرائی می‌کرد که:

بارخدایا! آیا بهترین بندگان و مخلوقت را به مرگ فرزندش با این کیفیت مبتلا می‌کنی؟ بارالها! آیا این بلیّه را با شهادت حسین علیه السلام بر حبیت خاتم‌انبیاء نازل می‌فرمایی؟

خداوندا! آیا بر علی و فاطمه لباس این مصیبت را می‌پوشانی؟

پروردگارا! آیا آثار این مصیبت بزرگ را در چهره علی و فاطمه ظاهر می‌سازی؟

آنگاه زکریا عرض کرد: خدایا! به من نیز فرزندی عنایت فرما و او را در پیری مایه روشنایی چشمم قرار ده و مرا به وسیله او امتحان فرما و در مرگ او دل مرا بسوزان چنان که حبیبت خاتم‌انبیاء را به مصیبت فرزندش مبتلا می‌کنی.

آنگاه خداوند به او یحیی را مرحمت فرمود که شهیدش کردند و مدت حمل او نیز مانند امام حسین علیه السلام شش ماه بود.[1]

۶۴
زیارت ناحیه مقدسه

این زیارت که به نام «ناحیه مقدسه» می‌باشد از لسان مبارک و نورانی حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد، که خطاب به جدّ مکرم خود حسین‌بن‌علی علیه السلام اظهار شده است. متن حزن‌آلود زیارت به قدری دردناک و پرغصه و درد است که طاقت و صبر را از انسان سلب می‌کند اگرچه متن

---

۱. *احتجاج طبرسی*، ج ۲، ص ۱۶۸.

این زیارتنامه طولانی و بلند است ولیکن در انتهای این کتاب به واسطه آن که برگ رضایتی از حضرت امام عصر‌علیه‌السلام در نامه عمل خود کسب کنیم مختصری از آن را آورده و با امام زمان‌علیه‌السلام خود می‌خوانیم:

«السلامُ عَلَی المهتوكِ الخِباء» سلام بر آنکه حرمت خیمه‌گاهش شکسته شد.[1]

«السلامُ عَلَی قَتیلِ الاَدعیاء» سلام بر کشته شده به دست زنازادگان.

«السلامُ عَلَی مَن بكَتَهُ مَلائكةُ السَّماء» سلام بر آنکه فرشتگان آسمان بر او گریستند.

«السلامُ عَلَی الجُیُوبِ المُضَّرجاتِ» سلام بر آن گریبان‌های دریده.

«السلامُ عَلَی الشّفاء الذّابلاتِ» سلام بر آن لبان خشکیده.

«السلامُ عَلَیَ النُّفوس المُصطلمَات» سلام بر آن جانهای بلا رسیده.

«السلامُ عَلَی الارواحِ المخُتلَسات» سلام بر آن ارواح ربوده شده.

«السلامُ عَلَی الاجسادِ العارياتِ» سلام بر آن جسدهای عریان شده.

«السلامُ عَلَی الجُسُومِ الشّاحباتِ» سلام بر آن پیکرهای تغییر رنگ یافته.

«السلامُ عَلَی اَلاعضاء المُقّطعاتِ» سلام بر آن اعضاء قطعه قطعه پیکرها.

«السلامُ عَلَی الُّرووسِ المُشالاتِ» سلام بر آن سرهای بالای نیزه رفته.

«السلامُ عَلَی الّرضیعِ الصّغیر» سلام بر آن شیرخوار کوچک.

«السلامُ عَلَی اَلمدفونین بلا اَكفان» سلام بر آن دفن شدگان بدون کفن.

«السلامُ عَلَی الّرووسِ المُفرقةِ عَنِ الابدان» سلام بر آن سرهای جدا افتاده از بدن.

«السلامُ عَلَی مَن یكُثَتَ ذّمتُه» سلام بر کسی که پیمانش شکسته شد.

«السلامُ عَلَی مَن هُتِكتَ حُرمَتُه» سلام بر کسی که حرمتش شکسته شد.

«السلامُ عَلَی من اُریقَ بالظّلّمِ دَمُه» سلام بر کسی که خونش ستمکارانه ریخت.

«السلامُ عَلَی المُغسَّل بِدَمِ الجراح» سلام بر آنکه با خون جراحت‌هایش غسل داده شد.

«السلام عَلَی الُمجرع بكَاساتِ الرماح» سلام بر آنکه جرعه نوش‌جام نیزه‌ها گردید.

«السلامُ عَلَی المَنحوُر فِی الَورَیَ» سلام بر آنکه سرش را از قفا بریدند.

---

۱. این زیارتنامه طولانی‌تر از آن می‌باشد که در اینجا آورده شده است و این متن مختصر تقطیع شده آن زیارتنامه است شایسته است مؤمنین فرزندان خود را در حفظ همین متن زیارتنامه کوتاه و مختصر یا بعضی از فقرات دعای شریف علوی مصری ترغیب نمایند.

«السلامُ عَلَی الُمحامی بلامعین» سلام بر آنکه در حمایت از دین بی‌یاور ماند.

«السلامُ عَلَی الشّیبِ الَخضیبِ» سلام بر محاسن به خون خضاب شده.

«السلامُ عَلَی الخَدّ التّریبِ» سلام بر آن صورت خاک آلود.

«السلامُ عَلَی الثّغرِ المَقرُوعِ بِالقَضِبِ» سلام بر آن دندان که با چوب خیزران بر آن زده شد.

«سلامُ من قَلبُهُ بِمُصابِكَ مَقروحٌ و دَمُعهُ ذِكرِكَ مَسفُوحٌ» سلام بر کسی که قلب او از مصیبت تو جریحه‌دار و اشکش به هنگام یاد تو جاری است.

«سلامُ اَلمفجُوعِ الحَرینِ الوالِهِ المُستکین» سلام بر کسی که در غم عزای تو مصیبت زده و اندوهگین و سرگشته و بیچاره است.

«سلام مَن لَوْ کانَ مَعَكَ بِالّطُوف لَوَقاكَ بِنَفسِهِ حَدّ الُسّیوفُ و بَذَلُ...» سلام بر کسی که اگر با تو در کربلا بود با جانش از تو در مقابل تیزی شمشیرها محافظت می‌نمود و نیمه جان ناقابلش را برای حفظ تو به چنگال مرگ می‌بخشید.

«قد عَجِبتَ مِن مَلائکةُ السّماواتِ و اَهالِیكَ و اَسرعَ فَرسكَ شارِدِ الی خیامِكِ».

ملائکه آسمان‌ها از صبر تو در قبال آن همه سختی‌ها تعجب کردند و اسب تو شیون کنان از تو دور شد و گریه کنان به قصد خیام حرم سرعت گرفت...

پس چون بانوان حرم اسب تو را بلا زده و خواری رسیده دیدند و زین تو را بر آن واژگونه یافتند از پس خیمه‌ها برآمدند در حالی که گیسوانشان را بر چهره‌ها پریشان ساخته و نقاب از چهره انداخته و سیلی بر صورت‌هایشان می‌زدند و با صدای بلند گریه می‌کردند و ناله و فریادکنان تو را می‌خواندند.

«فانَزَعجِ الَرسّولُ و بکی قَلبُهُ المَهُولُ و عَزّاهُ بِكَ الملائکةُ و الاَنبیاءُ و فُجِعَتُ بِكَ اُمُكَ الزهرا وَاختلَفَتَ جُنُودُ المَلائکةِ المُقّربینَ تُعزَی اَباكَ امیرالمؤمنین و اُقیمَت لَكَ المَاتمُ فی اَعلا علیین و لَطَمت علیك الحُوُر العینُ وَ بَکَتِ السّماءُ و سُکاّنُها وَ الجنَانُ و خُزّانُها و الهِضَابُ و اَقطارُها و البحارُ و حیتَانُها...». پس رسول خدا صلی الله علیه و آله ناراحت و مضطرب شد و قلب هراس گرفته‌اش گریان شد و فرشتگان و پیامبران از شهادت تو به او تسلیت گفتند و مادرت حضرت زهرا در ماتم تو مصیبت زده و دردمند شد و لشکریانی از فرشتگان مقرب خدا برای تسلیت گویی به پدرت امیرالمؤمنین بین آسمان و زمین

به آمد و رفت پرداختند. و مجالس ماتم و عزا برای تو در عالم ملکوت برپا شد پریان بهشتی در عزای تو بر سر و صورت زدند و آسمان و ساکنانش و بهشت و نگاهبانانش و کوهها و دامنه‌هایش و دریاها و ماهی‌هایشان همه در ماتم تو گریستند.[1] «ولعنه‌اللّه علی القوم الظالمین».

۶۵
علاقه عرشیان به خطبه‌ای جگرسوز

آیت‌الله امامی خوانساری در نسخه خطی روضه‌های خود نوشته‌اند: مرحوم حجةالاسلام حاج سید اسدالله‌اصفهانی پسر مرحوم حاج سیدمحمد باقر رشتی (شفتی) در خواب حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را دید.

حضرت به او فرمود: از آن روزی که زینب کبری علیها السلام از دنیا رفته‌اند همه روزه فرشتگان آسمان خطبه او را که در کوفه خوانده بود را می‌خوانند و شورش و شیون می‌کنند...

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت آیت‌الله مرعشی فرمودند: به شیعیان بگویید خطبه عمه‌ام حضرت زینب را حفظ کنند.[2]

۶۶
تشبیهی لطیف از امام زمان راجع به امام حسین علیه السلام

علامه بحرالعلوم از علمائی است که مکرر خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مشرف شده در یکی از تشرف‌ها مرحوم علامه بحرالعلوم به قصد تشرف به سامرا به تنهایی مسافرت کرده بود.

در بین راه راجع به این مساله که «گریه بر امام حسین علیه السلام باعث آمرزش گناهان است».[3]

---

۱. با توجه به شدت علاقه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت سیدالشهداء علیه السلام شایسته است مؤمنین اعمال نیابتی از طرف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جهت اهداء ثواب آن به حضرت سیدالشهداء انجام دهند این زیارتنامه در منابع روایی کهن و قدیمی شیعه مثل المزار نوشته شیخ‌مفید و *بحارالانوار* آمده است و به صورت کتابچه مستقلاً توسط انتشارات مسجد جمکران به چاپ رسیده است.

۲. شایسته است بخشی از این خطبه نورانی در راستای اجرای فرمان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتب درسی دانش‌آموزان راهنمایی درج گردد.

۳. در روایات در خصوص زیارت امام حسین و گریه بر آن حضرت احادیث فوق‌العاده‌ای آمده است که ظاهرا این

فکـر می‌کـرد در ایـن هنـگام متوجـه شـد کـه شـخص عربـی، سـوار بـر اسـب بـه او رسـید و سـلام کـرد و پرسـید: «جنـاب سـید! دربـاره چـه چیـزی فکـر می‌کنـی؟ اگـر مساله علمـی اسـت آن را مطـرح کنیـد شـاید مـن هـم اهـل باشـم».

علامـه بحرالعلـوم گفـت: در ایـن اندیشـه‌ام کـه چطـور خـدای تعالـی ایـن همـه ثـواب را بـه زائریـن و گریـه کننـدگان حضـرت سیدالشـهداء علیه السلام می‌دهـد؟

مثـلاً بـرای هـر قدمـی کـه در راه زیـارت برداشـته شـود ثـواب یـک حـج و یـک عمـره در نامـه عمـل زائـر ثبـت می‌گـردد و بـرای یـک قطـره اشـک تمـام گناهـان صغیـره و کبیـره آمرزیـده می‌شـود. (چنانچـه در روایـات زیـادی بـه ایـن مطلـب تأکیـد شـده اسـت).

آن سـوار عـرب فرمـود: «تعجـب نکـن مـن بـرای تـو مثالـی بیـان می‌کنـم تـا مشـکل حـل شـود».

روزی سـلطانی همـراه بـا دربارِیـان خـود بـه شـکار رفـت در شـکارگاه، سـلطان از همراهـان خـود دور افتـاد و مشـقت زیـادی تحمـل کـرد و بسـیار گرسـنه شـد تـا اینکـه خیمـه‌ای دیـد بـه آنجـا رفـت، پیرزنـی بـا پسـرش در آن سـیاه چـادر زندگـی می‌کردنـد و بزغالـه شـیردهی در گوشـه خیمـه داشـتند کـه بـا مصـرف شـیر آن زندگـی خـود را می‌گذراندنـد.

وقتـی سـلطان بـه خیمـه آن‌هـا وارد شـد او را نشـناختند امـا بـرای پذیرایـی مهمـان بزغالـه را سـر بریدنـد و کبـاب کردنـد زیـرا چیـز دیگـری بـرای پذیرایـی نداشـتند.

فوق‌العادگی باعث اعجاب سیدبحرالعلوم گردیده است برای مطالعه در این خصوص به کتاب شریف *کامل‌الزیارات* مراجعه شود برای نمونه به حدیث زیر توجه فرمایید. اگرچه از این نوع روایت‌ها زیاد می‌باشد داوود رقی می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم آن حضرت آب طلبیدند و چون آب را نوشیدند به گریه افتادند و چشمان مبارکشان از اشـک پر شـده و فرمودند: ای داود خدا لعنت کند قاتل امام حسین علیه السلام را، آنگاه فرمودند: هر بنده‌ای که آب بنوشد و امام حسین علیه السلام و اهل‌بیت او را یاد کند و قاتلش را لعن و نفرین کند خداوند تبارک و تعالی برای او صد هزار حسنه بنویسد و صد هزار از عمل زشت او را ببخشد و صد هزار درجه و مقام به او عطا کند و همانند کسی باشد که صد هزار بنده را آزاد کرده و خداوند متعال در روز قیامت او را با قلبی آسوده و آرام محشور کند (امالی، *شیخ صدوق* م، ۲۷، حدیث ۷، و *کافی*، ج ۶، ص ۳۹۱).

سلطان آن شب در آن خیمه خوابید و روز بعد از آن‌ها جدا شد و خود را به درباریان رسانید و قضیه خود را برای آن‌ها بازگو کرد.

سپس از درباریان پرسید: اگر بخواهیم میهمان نوازی پیرزن و فرزندش را تلافی کنم چه چیزی به آن‌ها بدهم؟

یکی از درباریان جواب داد: صد گوسفند به آن‌ها بدهید.

شخصی دیگری گفت: صد گوسفند و صد اشرفی بدهید.

سومی گفت: فلان مزرعه را به آن‌ها واگذار کنید: سلطان در پاسخ به آن‌ها گفت: هرچه به آن‌ها بدهم در مقابل مهمان‌نوازی آن‌ها کم است (چرا که آن‌ها جان مرا نجات دادند) فقط اگر سلطنت و تاج و تختم را به آن‌ها بدهم مقابله به مثل کرده‌ام چون آن‌ها هرچه داشتند به من دادند من هم باید هر چه در اختیار دارم به آن‌ها بدهم تا کار آن‌ها تلافی شود.

سپس آن سوار عرب به علامه فرمود: «جناب بحرالعلوم»!

حضرت سیدالشهداء هرچه از مال و منال و اهل و عیال و پسر و دختر و خواهر و برادر و سر و پیکر داشت همه را در راه خدا داد.

پس اگر خدا به زائرین و گریه کنندگان آن حضرت آن همه ثواب را عنایت کند نباید تعجب کنید. (چون خدا نمی‌تواند خدائیش را به امام حسین علیه السلام بدهد لذا هر مقامی را که به زوار و عزادارانش عنایت کند باز در نظر خدا زیاد نیست). هنگامی که شخص عرب این مطالب را فرمود: ناگهان از نظر علامه بحرالعلوم غایب شد.[1]

۶۷
توسل به غمخوار غمدیدگان

شخصی به نام ابوالحسین ابن‌ابی النعل می‌گوید: من از طرف ابی منصوربن‌صالحان کاری را به عهده گرفتم و فی‌مابین ما مطلبی رخ داد تا اینکه باعث شد من خود را پنهان کنم او نیز در جستجوی من برآمد، سپس مجبور شدم مدتی پنهان شوم تا این که تصمیم گرفتم به زیارت حضرت کاظم علیه السلام بروم در شب جمعه‌ای حرکت کردم تا شب جمعه را در حرم به

۱. *عبقری الحسان*، ص ۱۳۶.

سر برم در آن شب هوا بارانی بود. وقتی به حرم رسیدم از ابی جعفر قیم خواهش کردم تا درهای حرم مطهر را ببندد تا حرم مطهر خالی باشد آن شب آنقدر باران و باد آمد که بطور عمومی تردد از مردم سلب شد و کسی در بیرون دیده نمی‌شد من نیز در حرم بودم و مشغول دعا و نماز تا اینکه صدای پایی را از سمت حضرت موسی‌بن‌جعفر علیه السلام شنیدم.

دیدم مردی مشغول زیارت است و از حضرت آدم و انبیاء اولوالعزم شروع به سلام کرد تا یک یک ائمه‌اطهار علیهم السلام رسید به اسم شریف صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سپس دیدم نام او را ذکر نکرد. خیلی تعجب کردم گفتم شاید او فراموش کرده و یا صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نمی‌شناسد یا مذهب او چیز دیگری است آن مرد بعد از اداء دو رکعت نماز رو به مرقد امام جواد علیه السلام کرد و مثل سابق زیارت کرد.

من در آن دل شب از آن مرد می‌ترسیدم چرا که او را نمی‌شناختم او جوانی بود کامل که جامه‌ای سفید بر تن دارد و عمامه او حنک دارد و ردائی بر کتف انداخته است.

در این هنگام رو به من کرد و خطاب به من، اسم مرا برد و فرمود:

ای ابوالحسین‌بن‌ابی النعل تو از دعای فرج غافلی؟

عرض کردم: آن دعا کدام است ای سید؟

فرمود: دو رکعت نماز می‌گذاری و بعد از آن می‌گوئی: «**یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح یا من لا یؤاخذ باالجریرة و لم یهتك الستر یا عظیم المن یا کریم الصفح یا حسن التجاوز یا واسع المغفره یا باسط الیدین باالرحمة یا منتهی کل نجوی و یا غایت کل شکوی یا عون کل مستعین یا مبتداء بالنعم قبل استحقاقها؛ یا رباه** (۱۰ مرتبه)، **یا (غایة رغتباه ۱۰ مرتبه)، اسئلك بحق هذه الاسماء وبحق محمدو آله الطاهرین علیهم السلام الا ما کشفت کربی و نفست همی وفرجت غمی و اصلحت حالی**).

سپس دعا کن و بعد از آن هر چه خواستی حاجات خود را بخواه.

آنگاه روی خود را بر زمین گذارده و صد مرتبه در سجود بگو: **یا محمد یا علی یا علی یا محمد اکفیانی فانکما کافیان وانصرانی فانکما ناصران.**

سپس روی چپ خود را باز در سجده می‌گذاری و ۱۰۰ مرتبه می‌گوئی:

ادرکنی و آن را مکرر می‌نمائی و می‌گوئی الغوث الغوث الغوث تا آن که نفس منقطع شود.

آنگاه سر خود را بر می‌داری پس خداوند به کرم خود حاجت ترا برآورده گرداند. ابوالحسین می‌گوید: وقتی مشغول دعا و نماز شدم آن شخص بیرون رفت و من نزد ابوجعفر قیم کلیددار حرم رفتم و از او پرسیدم آیا آن مرد را می‌شناسد و... او چگونه داخل شد در حالی که تمام درها بسته بود.

ابوجعفر به من گفت: او مولای ما صاحب‌الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بود به تحقیق مکرر او را مشاهده کردند در چنین شبهائی در هنگامی که حرم از مردم خالی است در آنجا حضور پیدا می‌نماید.

ابوالحسین می‌گوید: پس از آن که تأسف زیادی بر من چیره شد به واسطه عدم شناخت مولای خود پس از طلوع آفتاب به کرخ رفتم و در محلی مخفی شدم سپس دوستانم را پیدا کردم در حالی که از وزیر امان نامه‌ای درباره من گرفته بودند بعد من نیز نزد وزیر رفتم و او برخاست و مرا در آغوش کشید سپس گفت: ای ابوالحسین حالا کارت به جائی رسیده که شکایت مرا نزد مولای خود حضرت صاحب‌الامر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌بری؟ به او گفتم: از من فقط دعائی بود. او گفت: دیشب در خواب دیدم مولای خود صاحب الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را یعنی شب جمعه و مرا به نیکی کردن به تو امر فرمود و بعد از آن چنان به من تندی کرد که من ترسیدم و به من چنین و چنان فرمود...[۱]

۶۸
در هنگام مشکلات بگو

در یکی از تشرفات مرجع عزیز جهان تشیع آیت‌الله العظمی مرعشی«ره» امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به ایشان می‌فرمایند: برای رفع مشکلات یا مالک ۱۰۲ بار، یا عزیز ۱۰۵ بار، یا غالب ۱۰۴۴ بار بگوئید.

۱. *فرج المهموم* ـ دلائل محمدبن‌جریر طبری و *عبقری الحسان*، ص ۲۴۷. این نماز را حضرت آقایان علمای اعلام به گرفتاران سفارش می‌کنند.

Presented by: jafrilibrary.com

۶۹
نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نیمه شب جمعه

نمازی است که مرحوم محدث حاج شیخ عباس قمی رحمه الله در کتاب شریف و نورانی مفاتیح آورده‌اند که با غسل در قبل از نماز دو رکعتی آن و دعائی کوتاه خاتمه می‌یابد و برای رسیدن به مقاصد شرعیه مطلوب می‌باشد تفصیل بیشتر طالبین به کتاب فوق مراجعه نمایند، این نماز در بخش اذکار تشرف آورده شده است.

۷۰
نکته آخر

۱. «هو الذی ایدك بنصره وبالمؤمنین»؛ خداوند در آیه ۶۲ سوره مبارکه انفال می‌فرماید: اوست که به نصرت خود و به واسطه یاری مؤمنان تو را (یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله) تأیید و نیرو بخشید.

۲. ما وظیفه داریم که هر روز یاد خداوند متعال و اهل‌بیت علیهم السلام را در جامعه به هر وسیله‌ای پر رنگ‌تر کنیم و طبق آیه فوق کمک مؤمنان در این مسئله جز ابزار کار محسوب شده است و از ما این یاری را خواسته‌اند.

۳. اینک در کشور ما برای ارتحال مادر بزرگوار حضرت قائم‌آل محمد صلی الله علیه و آله هیچ مراسمی برپا نمی‌شود این نقص فرهنگی غیرقابل اغماض است و هر یک از مؤمنین بر طبق آیه بالا در احیا و برپایی این مراسم دارای سهم و مسئولیت می‌باشند.

۴. بخش عمده مشکلات جامعه امروز ما به واسطه دوری از قرآن و عترت است که در حدیث مشهور ثقلین پیامبراکرم صلی الله علیه و آله ما را به این دو ثقل ارجاع داده‌اند. ما مؤظفیم مردم را در راه اهل‌بیت علیهم السلام قرار دهیم تا سعادتمندی دنیا و آخرت آن‌ها تضمین گردد و برپایی این مراسم یکی از راه‌های عملی همین موضوع محسوب می‌شود و این کار در نوع خود نوعی جهاد البته آنهم جهاد فرهنگی به حساب می‌آید که به مراتب بالاتر از جهاد در میدان جنگ محسوب می‌شود می‌باشد.

۵. ما بایستی روزهایی که به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف منسوب است را احیاء کنیم و

برپایی مراسم عزا برای ارتحال مادر امام یکی از این روزهاست و شایسته است اینکار را وظیفه خود بدانیم که همه مؤمنین را به احیاء این مراسم فرا بخوانیم در فصل سوم از بخش هفتم این کتاب به وظایف شیعیان در عصر غیبت کبری بر طبق روایات مطالبی آمده است یکی از این وظایف تکریم و بزرگداشت و یادآوری نام امام و حضور در مجالس مربوط به آن امام مورد تأکید قرار گرفته است.

۶. این توقع بی‌جایی نیست که ما از متولیان فرهنگی کشور اعم از وزارت ارشاد، صدا و سیما، رادیو، سازمان تبلیغات اسلامی سراسر کشور، اوقاف، هیأت امنای مساجد، مبلغین و روحانیون مذهبی، دفتر تبلیغات، ائمه جمعه، هیأت امنای مذهبی همه شهرها و همه مشتاقان و زائران مسجد جمکران مخصوصا مادران و خواهران متدین و شیفته اهل‌بیت علیهم‌السلام بخواهیم که این پیشنهاد و این دعوت را در راستای تقویت فرهنگ توسل به اهل‌بیت علیهم‌السلام بپذیرند و نسبت به برپائی این مراسم قدمی مؤثر و دائمی بردارند چرا که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیث ثقلین ما را به تمسک به قرآن و عترت دعوت کرده‌اند؛ لذا در اجرای این حرکت نورانی فرهنگی هر آن کسی که خود را مؤثر می‌داند دعوت می‌کنیم تا این پیشنهاد را به انجام ومقصد برساند شاید انجام این کار کمترین نوع قدردانی و عرض ادب و تشکر به ساحت مقدس و مطهر و معطر حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف محسوب شود.

خداوند ما را از احیاءکنندگان شرایع دین قرار دهد و در راه این حرکت فرهنگی و علوی سهمی وافر نصیب ما فرماید.

جزاءالله محمدا عناما هو اهله

الحمدلله حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه

محمدرضا رمزی‌اوحدی

قم المقدس

فهرست راهنما

اشخاص

قبایل

جنگها

اماکن